

جلد سیم کتاب

مرآت البلدان ناصری

از مؤلفات صنیع الدوله

محمد حسن خان

پارس ئیل سنه ۱۲۹۵



وقایع

هفده سال از سنین
سلطنت جاوید مدت اعلیحضرت
اقدس خسرو صاحبقران شاهنشاه
جمجاه ادام ملکه و عز نصره

سال شانزدهم

بسم الله الرحمن الرحیم

بر مطالعه کنندکان پوشیده نیست که قصد مؤلف در ابتدای سنه ماضیه از ذیل این بود که جلد دویم کتاب مرات البلدان ناصری حاوی تاریخ یکقرن سلطنت معدلت آیت اعلیحضرت اقدس همایون شهریار صاحبقران ونکارش محامد و مآثر وجود مسعود خسرو کسری نشان شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران **ناصرالدین شاه قاجار** ادام الله ملکه و سنین سلطنته و شرح حال شاهنشاهزادکان عظام و صدور صاحب مقام و وزرا و رجال و اعیان و برآوردکان این آستان آسمان جاه و مطیفین این درکاه خلایق پناه و سایر وجوه اهل مملکت باشد ولی از انجاکه در بیشتر از شهور انسال اخیر حال در جمع آوری اسباب و اسناد صحیحه لازمه از قبیل کتب و دفاتر مصنفین این عهد فرخنده مهد و روزنامجات و اوراق یادداشتهای نویسندکان و ارقام و فرامین قضا آئین بذل مساعی و جهد مینمود بعد از اقدام ضیق مجال انجام مرام را در خاتمه سنه مسعوده در حیز محال کذاشت و چون در اوایل سال فیروزی مثال بارس ئیل موکب اعلی عازم سفر خجسته اثر فرنکستان بود و چاکر آستان مقدس را بشرف التزام رکاب معلی امر و اشارت رفت جلد دویم کتاب مرات البلدان

بشرح

بشرح سال پانزدهم سلطنت با سعادت همایون که مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و هشت بود ختم و بطالبین و راغبین تقسیم شد عرفت الله بفسخ العزایم و نقض الهمم کویان از مطالعه کنندکان عذر خواستم و بامتثال مثال قدر تمثال پادشاهی دیباچه خلوص چاکری خود را بعنوانی شایسته آراستم بعد از انکه بمن الله و عونه ایام مسافرت صورت اختتام یافت و معاودت داعی اهتمام بر ذیل بقیه مرام آمد مجدد آشروع بمقصود نمود و جلد سیم کتاب مرات البلدان ناصری را ابتدا بشرح سال شانزدهم سلطنت با میمنت شاهنشاهی صان الله تعالی ملکه عن التناهی که مطابق با سنه هزار و دویست و هفتاد و نه هجری میباشد کرد و بعینه چون سال کذشته در خاتمه هر سنه وقایع معظمه حادثه در تمام روی زمین را بعبارتی ولی در مختصر مذیل داشت و منتهی ساخت بنکارش وقایع سال اخیر اشتمال بارس ئیل سنه هزار و دویست و نود و پنج هجری و در حصول اینمقصد مستطاب د شمول کتاب بر فواید کثیره و منافع عظیمه و اجتناب از مواقع زلل و احتراز از موارد خطل رجا واثق بمظاهرت خالق بیچون و چند و حضرت قیوم بیمثل و مانند است حسبنا الله و نعم الوکیل و توکلت علیه و هو خیر الدلیل فی کل سبیل

شرح سال شانزدهم سلطنت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه صاحبقران ادام الله تعالی ایام ملکه و دولته مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و نه هجری

ایت ئیل

توی کی

از بدو این سال خیر مآل وجهه همت خسروانه انتظام ممالک و امور و توجه مصالح حال جمهور رعیت و ترفیه عباد و تمشیت بلاد بود تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد دایر است بنابر خدمات صادقانه جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه با عطای یکرشته شرابه مرصع بجواهر ثمینه جناب معزی الیه مفتخر فرمودند خاالصحابات و رامین و نظم و نسق آن بلوک برحمت الله خان ساری اصلان واکذار شد حاجی میرزا بزرک تاجر شیرازی چون تقریباً یکصد باب کارخانه شالبافی در شیراز دایر کرده که شالهای بسیار ممتاز در آن بافته میشود بتوسط نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و صنایع و تجارت بمنصب ملک التجاری شیراز سرافراز شد مشهدی افراسیاب تاجر زنجانی ساکن یزد نیز در این بلد شصت باب کارخانه شالبافی دایر کرده است بنابر اهتمامات نواب والا اعتضاد السلطنه در مشاغل و خدمات مرجوعه

بیکحلقه انگشتری الماس بسیار ممتاز نواب معظم الیه را مفتخر فرمودند ضیاء الملک والد مؤلف چون در امور وزارت عدلیه مساعی جمیله نموده بود بلقب جنابی سربلند کردید جناب ظهیر الدوله محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی حاکم استراباد و شاهرود و بسطام وغیره بیکقبضه قمه مرصع مباهی امد حکومت بندر بوشهر با احمد خان نوائی مفوض شد میرزا حسین وزیر سابق دار الخلافه بمنصب استیفای دیوان همایون نایل کردید میرزا محمد ولد مرحوم میرزا بابای حکیمباشی بمنصب استیفای دیوان همایون و میرزا علی برادر معزی الیه بمنصب لشکرنویسی برقرار کردیدند بعضی از ریش سفیدان تراکمه سارق و سالور بارض اقدس خدمت نواب الاحتشام السلطنه حکمران خراسان آمده برحسب استدعای ایشان ابشان را در ذیل سواره خراسانی ثبت و اسبهای ایشان را داغ کردند محمد قاسمخان والی حکمران کیلان در امور آن سامان مساعی جمیله مینماید دیوان تحقیق در کیلان برقرار است اسامی

موکب همایون روز چهاردهم محرم از قصر سلطنت آباد تشریف فرمای شهرستانک کردیده بعد از ده روز توقف در اینجا بکجور عزیمت فرموده از کجور بسیاحت کنار دریای مازندران روانه شدند و پس از بازدید انصفحات از راه بلده لار معاودت بقصبه نیاوران فرمودند جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار و سفیر مخصوص دولت علیه ایران مقیم در باب دولت عثمانی بیکقطعه نشان تمثال بیمثال مبارک مکلل بالماس مفتخر کردید ضیاء الملک والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی بلقب نبیل اعتماد السلطنه ملقب آمد حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه بوزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزا علیخان ولد معزی الیه (جناب امین الملک) بنیابت اول وزارت امور خارجه برقرار کردید خط تلکراف از دار الخلافه باهره باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه تا کیلان امتداد یافت و نواب معظم الیه را باعطای بکقطعه کل کمر مرصع مفتخر فرمودند اردوی بزرگی در چمن اوجان زده اند این اوقات حضرت شاهنشاهزاده اعظم والاولیعهد دولت ایران با عزیزخان سردار کل ببرکشتی اردو رفته اند نوره سلطان مظفرالدین میرزا

روز بیست و یکم محرم در استراباد از سمت قبله ابری ظاهر شده بزمین میاید بعد بهوا صعود میکند و در بین صعود صداهای مهیب از و بسمع میرسد و پس از یکساعت از هم پاشیده آتشی از او نمایان میکردد و امروز هوای استراباد بطوری کرم میشود که اغلب از کرما بیحال میشوند جشن مولود همایون را شب ششم ماه صفر در تمام بلاد و ممالک محروسه با شکوهی تمام کرفتند جناب مسیو جردنی وزیر مختار دولت ایطالیا حامل نامه مودت علامه اعلیحضرت پادشاه ایطالیا با نشان درجه اول سلطنتی آن دولت این اوقات وارد دار الخلافه شده روز بیست و سیم ربیع الاول با همراهان خود بحضور مهر ظهور مبارک مشرف کردید

و هر یک بقدر مرتبه خود مورد تفقدات خسروانه کردیدند میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان بیک قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و ریاست دفتر لشکر آذربایجان سرافراز شد

موکب همایون روز بیست و پنجم ربیع الاول بنا بر اعتدال هوا از ییلاق شمیران تشریف فرمای شهر کردید فوج فراهانی مامور ساخلوی فارس را بنصرالله خان سرتیپ سپردند محمد رحیم خان سرتیپ سواره ابلات قزوین بمنصب سرتیپی اول سرافراز شد آب قنات دوشان تپه جاری و در باغچه بسیار بزرگی در برابر دوشان تپه بنا میکنند حاجی قوام الملک شیرازی بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی با حمایل مخصوص آن سرافراز شد آقا محمد ابراهیم معمار باشی بیکقبضه کارد مرصع و لقب خانی نایل کردید محمد اسماعیل خان وکیل الملک در معابر کرمان و شهر و بلوک رباط و حمامهای خوب و کاروانسرا و بازار میسازد و در ابادی آن ولایت نهایت ساعی است این اوقات ایام هفته را تقسیم کرده ذات ملکوتی صفات درهر روزی مقدس بعرایض یکی از وزرا رسیده کی میفرمایند و مطالب فوری که پیدا شود همان وقت بعرض میرسند و روز دوشنبه که روز تعطیل است محض اینکه هیچ امری معوق نماند احکام و بروات و فرامین بصحه همایون میرسد میرزا هدایت پسر مرحوم نصیرالملک بمنصب مستوفیکری سرافراز شد محمد اسمعیل خان وکیل الملک باعطای بکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مفتخر کردید حاجی میرزا علی پیشخدمت بلقب مشکوة الملک ملقب شد جهانگیرخان سرتیپ و جنرال اجودان مخصوص بریاست قورخانه مبارکه سرافراز کردید علیقلیخان نایب اول اجودانباشی بیکقطعه نشان از مرتبه سرتیپی و حمایل مخصوص آن مفتخر کردید علی آقا نایب دویم اجودانباشی بنیابت اول نایل امد علیقلیخان سرهنگ تلکرافخانه (جناب مخبرالدوله) که در امتداد سیم تلکراف کیلان خدمت کرده بمنصب سرتیپی سیم و دویست تومان اضافه مواجب سرافراز شد حاجی کاظم تاجر تبریزی بمنصب ملک التجاری آذربایجان منصوب کشت میرزا هادی کارکذار خارجه کرمانشاهان بنشان از درجه اول سرهنکی و حمایل آن نایل امد نواب والا حاجی محمد ولی میرزا بمنصب وزارت دار الشورای کبری سرافراز کردید شاهزاده سام میرزا برهنکی سواره کرد و ترک برقرار و یکصد نفر سواره عبدالملکی را نیز بمعزی الیه سپردند بنده مؤلف بمنصب جنرال اجودانی و تشریف همایون سربلند آمد جناب ناصرالملک محمود خان مشیر خاص همایون حضور که از اجزای شورای وزارت است بوزیر مختاری مامور باقامت در دربار دولت انگلیس شد امان الله خان سرتیپ بمستشاری سفارت مزبوره و باعطای بکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با حمایل مخصوص آن قرین افتخار آمد محمد علی آقا نایب اول اجودانباشی و مترجم اول وزارت خارجه بلقب خانی و نیابت

اول سعادت مزبور مباهی کردید محمد مهدیخان سرکشیکچی باشی بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مفتخر کردید عبدالعلیخان ادیب الملک بشخنه خاصه بحکومت قم سرافراز شد میرزا محمد منشی مهام خارجه مازندران بیکقطعه نشان سرهنگی از درجه اول با حمایل مخصوص آن سرافراز آمد چون آغا بشیر سرهنگ سربازان حبشی و کوچک وفات نمود فوج مزبور را بابو الفتحخان ولد مرحوم خانبابا خان سپردند سواره مقدم مراغه سپرده بحسام الدوله شدند ابو الفتحخان پسر مرحوم عبدالحسین خان جوانشیر بمنصب سرهنگی فوج اول خاصه سرافراز کردید تقی خان سرهنگ سابق سواره نظام بمنصب نیابت اول آجودانباشی مفتخر کردید چون ابو الفتحخان سرتیپ فوج شقاقی مامور مازندران (؟) خلو فارس مرحوم شد باقرخان خوئی که منصب سرهنگی خارج از فوج داشت بسرهنگی فوج مزبور سرافراز و مامور فارس کردید باقرخان که در کارخانه شماعی خدمات کرده بود بمنصب سرهنگی مفتخر کردید آقا محمد حسن خواهرزاده مرحوم آقا علی اصغر معین التجار بلقب معین التجاری نایل کردید نواب علیقلی میرزا ولد نواب والا اعتماد الدوله ملقب بصادم الدوله کشت و پاستکل قشون کرمانشهان را نیز بنواب معزی الیه واکذار فرموده باعطای یکقبضه شمشیر کل مرصع او را مفتخر فرمودند جناب میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان بیکقطعه نشان امیر تومانی و یکرشته حمایل مخصوص آن سرافراز شدند میرزا احمد خان ناصر الملک ولد مرحوم امیر اتابیک اعظم باعطای یکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس سرافراز کردید حاجی اسمعیل خان سرتیپ ماکوئی بیکقطعه نشان و حمایل سرتیپی سرافراز کردید ابو الفتحخان سرهنگ سربندی مرحوم شد مصطفی خان ولد او بمنصب سرهنگی فوج مزبور برقرار کردید جعفرخان یاور کل بمنصب سرهنگی خارج از فوج برقرار کردید محمد کاظم خان سرکرده بکشلو باعطای یکقطعه نشان سرهنگی مفتخر آمد فوج جدید کرمان بلقب شوکت سرافراز آمد در کارخانه شماعی دار الخلافه چند قسم شمع در کمال خوبی بسبک شمعهای فرنگی میریزند حاجی محمد صادق تاجر طهرانی ساکن یزد بمنصب ناظم التجاری سرافراز شد این اوقات کتابچه دستور العمل بحکم همایون برای دیوانخانه عدلیه عظمی نوشته و صدر آن موشح بدستخط همایون شده صورت کتابچه از قرار ذیل است

از آنجا که نشر عدل و انصاف و دفع ظلم و اعتساف همواره منظور نظر معدلت اتصاف همایون است که دست ظالم را از تعدی بر مظلوم کوتاه کرده و اساس ظلم و فساد تباه شود و حصول این مامول خجسته در نظر انور همایون باستحکام عمل دیوان عدلیه اعظم منوط و مربوط آمد لهذا حکم همایون بدین منوال

بشرف

بشرف نفاذ مقرون کردید که چون احکام دیوان عدلیه اعظم عموماً از لحاظ مقرا نور همایون میکذرد و بحکم همایون صادر میشود علیهذا میباید کافه مردم از حکام و اعالی و ادانی احکام دیوان عدلیه اعظم را که در طی دعاوی غارضین صادر میشود اعم از دار الخلافه و سایر ممالک محروسه معتبر و تالی فرامین مبارکه بدانند و از آن عدول و انحراف نورزند و حکام عموماً اجرای آنرا فرض شمارند و همچنین تمسکات و حجج را که در معاملات و داد و ستد بیکدیگر میدهند بمهر دیوان عدالت برسانند و در دهر وزارتخانه که فیما بین ارباب رجوع آنها گفتگوئی بهم برسد هر این سند و تمسک بمهر دیوانخانه عدالت داشته باشند معتبر شمارند و مرجح دارند و اگرچه در نفس الامر وضع دیوانخانه بجهت ظلم و جور است حکم بناید (؟) دفع بران مقرر شود لکن برای اینکه در وزارتخانها و ممالک محروسه کار باشکال نکشد برای دیوانخانه عدلیه عظمی باین نحو امر مقرر فرمودند که در ضمن دو فصل مرقوم میشود

فصل اول در تکلیف سایر وزارتخانها با دیوان عدلیه اعظم وزارت امور خارجه نظر باینکه یکطرف مدعی یا مدعی علیه از تبعه خارجه خواهد بود باید کار دیکه فیما بین تبعه این دولت و اتباع خارجه اتفاق میافتد بکند و ازین جهة از وزارت عدلیه مداخله در آن جایز نیست مکر اینکه تبعه خارجه نیز باطلاع سفارت آن دولت و وزیر امور خارجه خود رجوع بدیوان عدالت نمایند البته باید رسیدکی و احقاق حق بعمل آید توضیح آنکه اگر از مستدعین یکی از تبعه خارجه باشد این خالی از دو صورت نیست یا عارض اتم از داخله و خارجه بصرافت طبع خود بوزارت عدلیه رجوع خواهد کرد و وزارت خارجه کار یکه درین میانه خواهد داشت فرستادن وکیلی است بوزارت عدلیه که از بدو تا ختم گفتگو مستحضر شده مراتب را بوزارت خود اطلاع دهد و اگر بعکس باشد از وزارت عدلیه همین وکیل در وزارت خارجه لابد حاضر خواهد شد برای ختم کار و کسب استحضار این دو وزارت درین دو قسم محاکمات که یکی خارجه باشد و دیگری داخله حتماً از ختم گفتگو باید یکدیگر را اطلاع دهند و باستحضار هم قطع و فصل گفتگو را نمایند سایر وزارتخانهها نظر باینکه لفظ عارض مخصوص است باینکه در دیوانخانه عدالت رسیدکی و احقاق حق شود ابداً احدی از متعلقات سایر وزارتخانها را از عرض بدیوان عدلیه اعظم نباید ممانعت کنند فرضاً اگر دو نفر تاجر یا دو نفر از اهل نظام یا از دفتر استیفا و غیر اینها رجوع بدیوانخانه عدالت نمایند بدقت غور رسی نموده احقاق حق بعمل آورد و اگر مدعی یکی از وزارتخانه باشد که مدعی علیه او هم از ارباب رجوع آن وزارتخانه (؟) باشد مثل تاجر از تاجر یا سرتیپ از سرهنگ و بالعکس و کذلک که مدعی علیه حضور نداشته باشد از دیوانخانه عدالت آدمی بهمراهی آن مدعی بآن وزارتخانه خواهند فرستاد که در همانجا رئیس آن وزارتخانه

بالملاع آن مامور دیوان عدالت رسیدگی واحقاق حق نماید وکیفیت قطع وفصل مابین مدعی ومدعی
علیه را انان وزارتخانه بدیوان عدالت خواهد فرستاد که بعرض حضور همایون برسد واگر مدعی
از یک وزارتخانه ومدعی علیه از وزارتخانه دیگر باشد که مدعی بدیوان عدالت آمده عارض شود وزیر
دیوان عدلیه میباید طرفین را حاضر نموده غور رسی واحقاق حق را بعمل آورده مثلا یا تاجر یا بزاز وبقال
وکاسبی از یکنفر صاحب منصب یا تابین قشون ادعای طلبی یا اظهار تظلمی نماید یا بعکس بدیوان عدالت عارض
شود وزیر دیوانخانه عدالت میباید نوشته در کمال ادب معروض عنه را از وزارتخانه متعلقه یا مطالبه
نماید که در دیوانخانه عدلیه حاضر شود از وزارتخانه که مدعی علیه ابواب جمع آنست میباید فوراً بلاتامل
هرکس باشد روانه دیوانخانه عدلیه نموده آدمی هم از خود همراه نماید که باطلاع آدم آن وزارتخانه امنای دیوان
عدالت باکمال دقت رسیدگی نموده وتفکیک عمل وتحقیقات لازمه نموده احقاق حق نمایند والا اگر مدعی علیه
در حاضر شدن استنکاف وتعلل وتامل نماید وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که بعرض خاکپای
مبارک رسانیده محصل مامور شده حکما مدعی علیه را در دیوان عدالت حاضر سازد وهیچیک از
وزارتخانها حق نخواهد داشت که غیر از ابواب جمعی خود مداخله در ابواب جمعی دیگری نماید مگر وزارت
عدلیه که حق دارد در هر وزارتخانه وهرجا وهرکس عارضی بهم رسد غور رسی نموده احقاق حق بعمل آورده
بشرایط معلومه معینه که مرقوم شد ودر هر دایره ووزارت که گفتگوئی که منتهی برجوع شرع باشد رسیدگی
واجرای آن بالانحصار مخصوص وزارت عدلیه اعظم خواهد بود

فصل دویم در تکالیف دیوان عدلیه اعظم باحکام ممالک محروسه شق اول در تکالیف مابین وزیر
عدلیه اعظم با حاکم دار الخلافه است ساکنین ومتوطنین ومتوقفین دار الخلافه اعم از غریبه یا بومی یا قسما
مختلفه میباشند نوکر تاجر تبعه خارجه کسبه خوشنشین رعیت زارع آنچه متعلق بنا بر وزارتخانها
باشد از قبیل نوکر وتاجر وتبعه خارجه وغیره حکم آنها بنحوی است که در فوق مرقوم شد آنچه کسبه ورعیت و
زارع است موافق قاعده کلیه که دیوان عدالت ذیحق است در رسیدگی عرایض واحقاق حق کافه ناس
همین حق را در رسیدگی عموم اهالی دار الخلافه وتوابع نیز دارد لکن محض ملاحظه تقویت حاکم دار الخلافه
از جانب سنی الجوانب همایون امر ومقرر میشود که اهالی دار الخلافه وتوابع مختار هستند در اینکه عرض
خود را بدیوان عدالت بیاورند یا نزد حاکم ووزیر دار الخلافه ببرند حاکم ووزیر دار الخلافه طهران نباید
احدی را ممانعت از عرایض دیوان عدالت نماید ودر دیوان عدالت هم اگر عارضی از اهالی ونواحی عرض کند
اینهم بر دو قسم است اگر عرض عارض از دست گماشتگان حاکم ووزیر ومباشرین دار الخلافه وتوابع باشد

بر ذمه امنای دیوان عدالت فرض است که عرض عارض را بخاکپای همایون رسانیده بنحویکه از جانب سنی
الجوانب همایون امر ومقرر میشود معروض عنه را حاضر نموده باکمال دقت وغور رسی رسیدگی نمایند وبعد
از عرض حضور ساطع النور همایون احقاق حق نمایند درینصورت اگر از جانب امنای دیوان عدلیه معروض
عنه را احضار نمایند اگرچه شخص حاکم یا وزیر باشد باید در دیوان عدالت بدون عذر حاضر گردد واز
عهده جواب مدعی بطور حساب برآید وهیچ کاری را برین مقدم ندارد والا اگر مدعی از کسان وبستگان
حاکم دار الخلافه باشد از جانب امنای دیوان عدالت آدمی همراه مدعی مامور شده نزد حاکم ووزیر دار
الخلافه ببرد حاکم نیز مدعی علیه را احضار نموده در حضور مامور دیوان عدالت باکمال دقت وبیغرضی
غور رسی واحقاق حق نماید ومامور دیوان عدالت کیفیت را نوشته بوزیر دیوان عدلیه اعظم
بدهد تا بنظر انور اقدس همایون برسانند واگر حاکم ووزیر دار الخلافه در رسیدگی عرض عارض
طرف وغرضی منظور کنند که مدعی غرض وطرف داری آنها را در دیوان عدالت برسانند یا حاکم ووزیر
به بی اعتنائی واهمال وطفره بگذرانند وبعرض عارض رسیدگی ننمایند وآدمی که از دیوان عدلیه
مامور میشود معطل دارند که از پنج روز بگذرد درینصورت وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت
که مدعی علیه را در هرجا وهرکس باشد در دیوانخانه عدلیه با مدعی حکما حاضر ساخته رسیدگی نموده
احقاق حق نماید وبعرض خاکپای همایون برسانند ونیز اگر مدعی مزبور بسبب موجهی که در دیوان عدالت
نماید انکار از ترافع وتحاکم در نزد حاکم ووزیر دار الخلافه نموده بسببی موجه وحشت نماید از دیوان
عدالت بحاکم ووزیر دار الخلافه مینویسند که مدعی علیه را با آدمی از خود بدیوان عدلیه بفرستند تا
باطلاع آدم حاکم ووزیر طی دعوای طرفین بحق بشود وحاکم ووزیر دار الخلافه نیز مدعی علیه بلاتامل باید
بفرستند بدیهی است محض تقویت حاکم ووزیر دار الخلافه وزیر دیوان عدلیه اعظم رجوع محاکمات و
گفتگوی فیما بین اهالی دار الخلافه را اگر در تحت حکومت مندرج هستند مهما امکن بخودشان خواهند
نمود لکن حاکم ووزیر دار الخلافه میباید در اجرای اوامر ونواهی احکام دیوان عدلیه اعظم بهیچوجه مسامحه
واهمال جایز ندارند وهیچ حکمی را از دیوان عدالت مهمل ومتروک نگذارند وامر عارض را بهرجا منتهی
کردند بوزارتخانه عدلیه اطلاع دهند که بواسطه وزارتخانه مزبور مراتب را بعرض حضور همایون
برسانند زیرا که احکام دیوان عدلیه اعظم راجع بوجود مسعود همایون وباعرض خاکپای مبارکست
وتخلف از آن خلاف رای معدلت آرای همایون است شق ثانی در تکالیف دیوان عدلیه اعظم است
باحکام ولایات ممالک محروسه نظر باینکه اجرای حقوق ذوی الحقوق ودفع ظلم ودفع جور پیوسته

مرکوز خمیر منیر همایون است لازم بود مانند دار الخلافه در هر ولایتی نیز دیوانخانه با اجزا و اسباب آن از جانب دیوان عدلیه اعظم مقرر گردد که طی دعاوی مردم بالتمام در آنجا بشود و همیشه روزنامه کل بدیوان عدلیه اعظم برسد که امنای دیوان عدالت ثبت و منبط کنند تا پس از این دعاوی گذشته را در هر جا که باشد دوباره نتوانند از سر بگیرند و مزاحمت اولیای دولت یا طرف منازع برسانند لکن چون حکام ممالک محروسه متمسک باین هستند که برقرار نمودن دیوانخانه ها اجزا و لوازم آن باعث اختلال امر حکومت میشود لهذا بملاحظه تقویت حکام عجالةً از این منظور بزرگ خجسته صرف نظر فرموده امر و مقرر داشتند که از دیوان عدلیه اعظم بهر ولایتی یکنفر آدم عاقل آرام بی داعیه با عرض خاکپای مبارک مامور گردد محض از جهة اینکه اشخاصیکه بدربار همایون آمده بدیوان عدلیه اعظم عارض میشوند برای اجرای هر حکمی محصلی مخصوص مامور نشود و احکامیکه از دیوان عدالت بحکام صادر میشود آن شخصیکه از جانب دیوان عدلیه مامور است ناظر اجرای آن حکم باشد که حاکم آن ولایت چگونه با عارض رفتار نموده بهر نوع در اجرای حکم دیوان عدالت رفتار نمود مراتب را کماهو حقه بدیوان عدالت نوشته عرض نماید اگر حکام اجرای احکام دیوان عدلیه را از روی بیغرضی و درستی جاری نمودند که در خاکپای مبارک ممدوح و مستحسن خواهند بود والا اگر بی اعتنائی کردند یا بغرض و طمع حق ذی حق را پایمال کردند بدیهیست چنین حاکمی ظالم خواهد بود و دفع ظلم بر همت ملوکانه فرض است در آن صورت واجب میشود که از دیوان عدالت مامورین بزرگ مامور شوند و رسیدگی بعرض و داد مردم مخصوص باینها شود و برای حاکم هم آن اعتبار و اعتماد در حضور مهر ظهور همایون نخواهد بود و نیز مامور یکه از جانب دیوان عدلیه بجائی منصوب میگردد اگر از مظلومین دعاوی کسی از بستگان و کماشتگان حکام شکایت و غرضی داشته باشد که بیجا که عرض کرده و حاکم بجهة طمع یا طرف گیری مدعی علیه اعتنا بعرض مدعی ننموده غوررسی و احقاق حق نکرده باشد ماذون خواهد بود که عرض عارض را مخفیاً بدیوان عدالت برساند که از دیوان عدلیه معروض خاکپای مبارک افتد بهر چه اقتضای رای جهان آرای همایون باشد حکم محکم جهان مطاع از مسند خلافت کبری صادر خواهد گردید و اگر مامور یکه از جانب دیوان عدلیه بجائی منصوب میشود دروغ و افترا در حق کسی از حاکم و غیره بنویسد یا بخلاف واقع عرض کند و در وقت غوررسی و تحقیق نتواند از عهده اجرای عرض خود برآید هم مورد تنبیه خواهد شد و هم معزول از شغل و منصب و مواجب میگردد و ابداً دیگر در این دولت بهیچ خدمتی مامور و منصوب نخواهد شد و در هیچ وزارتخانه او را نباید بخدمت دیگر وا دارند اینست دستور العمل تکالیف دیوان عدلیه اعظم که برحسب امر اراده رای بیضا ضیای همایون اقدس مرقوم گردید

سواد دستخط مبارک

چون خدمت و نظم عارضین دیوان عدلیه را از شخص اعتماد السلطنه وزیر عدلیه خواسته ایم و باید در این فقرات کمال سعی را بکند لهذا اینکتابچه دستور العمل دیوانخانه عدلیه اعظم بر وفق حکم و فرمایش ما نوشته شده و صحیح است

امنای دیوانخانه و سایر وزرا و حکام و غیره نباید از این تخلف نمایند

۲۲ جمادی الثانی ایت ئیل

۱۲۷۹

میرزا غفار خان صدیق الملک که چندی مامور باقامت سنت پطرزبورغ بود این اوقات مغاودت بدار الخلافه نموده با کمال احترام او را وارد نمودند کتاب سر الحکمه در تشریح و تجزیه اجزا و صلبیه و اجزا سیاله بدن انسان و کتاب زینة الابدان در امراض جلدیه از مصنفات حکیم شلیمر فلمنکی معلم قدیم علم طب مدتی طبع شده بفروش میرسد حاجی آقا بابای حکیم باشی بلقب ملک الاطبائی و یکقطعه نشان از درجه دویم سرتیپی با حمایل مخصوص آن سرافراز گردید میرزا ابو الحسن خان صنیع الملک باعطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد معدن فیروزجی در ذرند و ساوه باهتمام حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که فیروزه آن در کمال صفاست در شهر از ده روز زلزله ها متوالی شده است کلیه عمارات مبارکات دولتی را بحاجی محمد خان حاجب الدوله سپردند محض مزید نظم و انتظام امر قشون دستخطی مبارک با فتخار جناب سپهسالار شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است

سواد دستخط مبارک

اولا اطمینان کامل باعمال و افعال سپهسالار داشته و داریم در باب عزل و نصب و جرح و تعدیل و تصدیق و تکذیب احکام و اوامر در کل عمل قشون ما بدون صوابدید و صلاح سپهسالار بهیچوجه حکمی نخواهیم فرمود و آنچه سپهسالار عرض بکند همانرا امضا و مجری خواهیم داشت در باب مواجب و تدارک نوکر که بخرج ولایات میآید باید سپهسالار شرحی بنویسد هر طور یکه صلاح میداند که مواجب جیره درست و بی عیب در وقت و موقع بنوکر برسد بعرض برساند و از آن قرار حکم صادر شود باید طوری باشد که مواجب سربازی یا سواری را اگر دا قصی بلاد ایران است بدون کم و زیاد در باب اینکه هر ولایت دخل از وزارت جنگ بو سر قشون انجا [illegible]

مداخل و مخارج افواج و نوکرهای [illegible] هستند برسانند

از همه بهتر دیوانخانه نظامی است اما منتظم باین طور یکه شفاها به سپهسالار فرموده ایم اگر غیر منتظم باشد بیمصرف است باید سپهسالار همیشه یکنوع مواظبت خاصی در فقره دیوانخانه ها داشته باشد و از التفات ظاهری و باطنی ما بالمرّه خاطر جمع باشد

جناب سپهسالار را با عطای یکقطعه کُل کمر مکلل بالماس مُفتخر فرمودند صبح شنبه غرّه شهر شوال المکرم بیمساعت بطلوع آفتاب مانده نیّر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام خاص در پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید روز یکشنبه دویم سلام عام در تالار تخت مرمر مبارکی اتفاق افتاد پاشاخان امین شوری بیکقطعه نشان از درجه امیر تومانی مفتخر گردید حاجی میرزا عبدالله خان مستوفی بیکقطعه نشان سرتیپی سرافراز شده و حکومت همدان نیز بمعزّی الیه واگذار فرمودند بعضی از طوایف تراکمه که دم از خودسری میزدند ظهیرالدوله حکمران استراباد آنها را تنبیه کاملی نمود همچنین جعفر قلیخان حاکم بجنورد نیز طوایف دیگر تراکمه را که مصدر شرارت بودند تادیب و منقاد کرده است کلب حسینخان امین نظام بریاست قشون خراسان و منصب سرتیپی اول سرافراز شد محمد باقرخان سرهنگ بمنصب سرتیپی سیم نایل گردید کارخانه بلورسازی از حسن مراقبت نواب والا اعتضادالسلطنه رونق کاملی دارد میرزا عبدالرحیم خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه مقیم تفلیس بمنصب شارژدافری و اقامت در دربار دولت روس مفتخر گردید برای مراکب بحریه تبعه دولت علیه وضع علم مخصوصی نمودند که اسباب امتیاز و تشخیص آنها باشد حکومت استراباد و مازندران را بعهده کفایت عین الملک خوانسالار واگذار فرمودند و محمد علیخان برادر معزّی الیه بنیابت حکومت و میرزا مصطفی خان بهاءالملک بمباشری امور مازندران سرافراز شد دوستعلیخان معیّرالممالک را باعطای یکقطعه نشان از درجه امیر تومانی قرین مفاخرت فرمودند میرزا رضای مستوفی خاصه پسر معین الملک بیکقطعه نشان سرتیپی با حمایل مخصوص آن سربلند آمد عمارات دیوانی سبزه میدان گیلان از حسب الامر مرمّت مینمایند نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان که بجهه بعضی عرایض لازمه بدارالخلافه آمده بمحل حکمرانی خود معاودت نمودند حضرت شاهنشاهزاده امجد والا یمین الدوله (ظل السلطان) دام اقباله بحکمرانی مملکت فارس منصوب و ظهیرالدوله بوزارت حضرت معظم الیه مفتخر گردید جعفر قلیخان ایلخانی و حکمران بجنورد بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز آمد امیر حسینخان ایلخانی زعفرانلو که در غیاب نواب والا حسام السلطنه در خراسان مامور سرحدداری بود و اشرار تراکمه را بخوبی تدمیر و تنبیه نموده بتوسط نواب معظم الیه بیکقبضه شمشیر کل و کمرک مرصع مباهی شد محمد علی خان ایلخانی فارس بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس سربلند

گشت حاجی قوام الملک بمنصب متولیباشیگری آستان حضرت ثامن الائمه علیه السلام و لقب جنابی مفتخر گردید زین العابدین خان سرتیپ سواره شاهسون دویرن که در خراسان خدمت کرده بود به اعطای نشان و حمایل از درجه اول سرتیپی اختصاص یافت سید علیخان سرتیپ فوج کوهی نیز چون در خراسان خدمت کرده بود بیکقطعه نشان از درجه دویم سرتیپی نایل آمد میرزا جعفرخان سرهنگ توپخانه که در عربستان خدمت کرده بود بنشان و حمایل سرهنگی درجه امتیاز حاصل نمود میرزا عبدالله خان مستوفی حاکم همدان ملقب بعلاءالملک شد آقا حسن نایب فراشخانه مبارکه بنشان و حمایل سرهنگی سرافراز گشت نواب والا معتمدالدوله حکمران عربستان و لرستان بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مباهی گردیدند و سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه رئیس دیوان نظامی لرستان بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی نایل آمد جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله ملقب باحتشام الملک شد ولایات ملایر و تویسرکان را بنواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم واگذار فرمودند که آنچه مخارج مدرسه مبارکه دارالفنون است از مالیات این ولایات اخذ و فاضل را بدیوان همایون موصول دارند چراغعلیخان سراج الملک بمنصب بیگلربیگی و ریاست دیوان نظامی اصفهان برقرار گردید

وقایع و سوانحیکه در این سال خیریت مآل روی زمین و اقطار کره ارض واقع و سانح گردیده

اتازونی ینکی دنیا

جنگ ایالات جنوبی و شمالی در کمال سختی است اگرچه فتح غالبا با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه که فایده از آن بردارند حاصل نشده جنرال گران سردار شمالی دو سه قلعه معتبر از جنوبیها بزور اسلحه گرفته و متصرف شده است لنکلن رئیس جمهوری اتازونی که حالا بواسطه این اختلاف که در میان شمالی و جنوبی است فقط ریاست ایالات شمالی را دارد حکم باحضار صد و بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمولی خود میکند دولت فرانسه در صدد میانجیگری است که در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت این دولت بیفایده میماند کمک باطنی انگلیس با ایالات جنوبی شورش سخت در نیورک که سبب چندین قتل و حرق عظیم میشود تقریبا معادل چهارصد کرور تومان پول ایران ایالات جنوبی تا اینوقت استقراض نموده و بمصارف جنگ رسانیده اند عدد کشتیهای

جنگ طرفین به پانصد و هشتاد و هشت دسته با سی و چهار هزار عساکر بحری

اسپانیا

ژان پسر دن کارلس ایزابل ملکه اسپانیول را بسلطنت اسپانیا شناخته و حقوقی که پدرش و طایفه‌اش در سلطنت اسپانیا داشته ژان دست از آن حقوق میکشد زلزله سخت مانیل که مورث خرابی زیاد شد نزاع مابین سیاهها و سفیدها در هایتی یاغیها پورتوپلاتا را در هایتی سوزانیدند

افریقا

ماداکاسکار شورش اهالی برضد وزرا و خواص پادشاه و بعد از جنگ قتل پادشاه و نصب زوجه‌اش بجای او

افغانستان

فوت امیر دوست محمد خان در هرات نصب امیر شیرعلی خان ولد ارشد بجای پدر نقار مابین امیر شیرعلی خان و برادر او محمد شریف خان جنگ داخله و شورش در هرات و کابل

المان

اتفاق آرا در ایجاد مجلس پارلمان واحد در تمام مملکت ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش و اعلیحضرت پادشاه پروس در گاستین در سرحد اطریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش بپادشاه پروس که یک مجلس شورائی مرکب از سلاطین و ولاة المان در فرانکفرت منعقد شود که در این مجلس حل و عقد امورات کلیه المان بشود پادشاه پروس قبول حضور این مجلس را نمیکند لیکن مجلس مزبور در اواخر تابستان امسال منعقد شده سلاطین جزو با وزرای خارجه که دارند حضور بهم میرسانند این مجلس انطور که مقصود بود فایده نبخشید افتتاح مجلس پارلمان پروس که در تابستان امسال شد و از مضمون خطبه که در افتتاح این مجلس مسیو بیزمارک صدر اعظم قرائت کرد معنی صلح و سلامت مفهوم نمیگردد در پروس بواسطه تباین رائی که مابین مسیو بیزمارک و وزرا و وکلای ملت است مجلس وکلا عزل شده وکلای جدید منصوب میشوند افتتاح مجلس جدید را اعلیحضرت پادشاه پروس بنفسه نمودند استقراض وجه معتدبه برای تهیه جنگ در مملکت پروس بر ضد دانمارک در اطریش شخصی سکوت نام از اهالی مجارستان ازادی مجارستان را از تحت سلطنت اطریش طالب است و جمعی را بدور خود جمع میکند مجلس پارلمان اطریش هم مساعد است از برای اینکه دولت با دانمارک جنگ کند فوت فیلسوف معروف ژاکب گریم شروع گفتگو مابین دول اطریش و پروس از یکطرف و

دولت دانمارک از طرف دیگر راجع بمسئله ایالتین اشلسویک و هلستین که این دو دولت معظم ایالتین مذکوره را جزو ممالک المان دانسته و تصرف دانمارک را در این دو ایالت بیحق میدانند و استرداد ایالتین را بممالک المان طلب میکنند و در صورت مضایقه در استرداد ایالتین مذکوره بتوسط دانمارک در تهیه جنگ هستند که بزور اسلحه بگیرند

انگلیس

از مخارج وزارت جنگ ده کرور لیره کسر میشود توپ جدیدی که آرمسترنگ نام اختراع کرده بود دولت قبول میکند جنگ در نیوزلاند با طایفه ماوری مالیات دولت در هندوستان بواسطه توباک و نمک زیاده از سال قبل است در هندوستان نیشکر و پنبه را آفت ملخ خاکی ضرر زیاد رسانیده است این ملخها از سمت سند آمده و بیشتر از دهات سواحل رودخانه گنگ را خراب کرده‌اند جنگ دولت با طایفه کوهستان لاهور نصب سیر ژان لاورانس بفرمانفرمائی هندوستان فوت حاکم سابق لورد الژین ایجاد راه آهن زیرزمینی در شهر لندن بقیه منازعه مابین برزیل و انگلیس بواسطه ندادن توضیح دولت برزیل انگلیس را در قتل و نهب اهالی کشتی موسوم بپرنس دوگال که در سواحل برزیل طوفانی شده بود قطع مراوده مابین برزیل و انگلیس حکم قرار دادن دولتین مذکور پادشاه بلجیک را و حق دادن پادشاه بلجیک بدولت برزیل

برزیل

بروز وبای سخت در اغلب ممالک برزیل

پرتوغال

ترک قتل مقصرین یعنی دولت از این ببعد اشخاصی را که واجب القتل هستند بقتل نمیرسانند بلکه بجای کشتن حبس مؤبد میکنند

چین

شاپیانو سردار چینی که با یاغیها در جنگ بود متهم باین شد که شکستی که یافته است از راه خیانت بوده و با وجود خدمات چندین ساله که بدولت کرده بود او را محبوس نمودند و حکمی باو صادر شد که در حبس خود را بکشد بعد از صدور این حکم او خود را بدست خود کشت بنیاد بنک کلیسای کاتولیکی در شهر کانتن

دانمارک

در دانمارک ولیعهد آن دولت فردریک فرزدیناند عموی پادشاه بدون وارث فوت میکند و بفاصله
چندی پادشاه دانمارک فردریک هفتم بسن پنجاه و پنجسالگی نیز وفات مینماید کرستیان نهم که
از اقوام پادشاه مزبور بود بجای او جلوس میکند پادشاه تازه چهل و پنجسال داشت یکی از صبایای
ایشان زوجه نواب ولیعهد دولت انگلیس است و پسر بزرک ایشان ژرژ اول پادشاه یونان میشود
شورشی در ایالت هلستن که مجزی از دانمارک بشود دولتین پروس و اطریش هشت روز بدانمارک
مهلت میدهند که عساکری که بجهت تنبیه یاغیان هلستن فرستاده است احضار نماید و الا شروع بجنک
خواهد شد دول اطریش و پروس و ساکس و هانور در جنک با دانمارک متفق اند دولت انگلیس
بسایر دول تکلیف میکند که یک مجلس کنکره تشکیل بیابد که در آنجلس دعاوی دول المان با دانمارک
مرتفع بشود

روس

شورش در لهستان نه تنها در ورشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز قطع سیم تلکراف و خط راه آهن
شورشیان ریاست خود را بدمی میرالفسکی واگذار میکنند دولتین پروس و روس معاهده میکنند
که یاغیهای لهستانی اگر بخاک پروس پناه بجویند عساکر روس تخطی نموده در خاک پروس آنها را تعاقب
نمایند نوشتجات سختی که دولت فرانسه بدولتین پروس و روس در اینفقره مینویسد بیفایده میماند
صدور فرمان اعلیحضرت امپراطور روس که هرکس در ظرف بیست روز از یاغیان اسلحه خود را زمین گذاشته
قبول خدمت کند دولت روس از جرم و جرم او خواهد گذشت فرارهای لهستان که با یطالیا و فرانسه
رفته بودند بوطن مراجعت نموده با یاغیان شریک و همدست میشوند فی الواقع جمیع لهستان در شورش است
ژنرال بوک سردار روس مامور تنبیه اشرار است و همچنین ژنرال مراویف و جمعیت زیادی که از نجبا و کشیشها
و کسبه وغیره که در زمره یاغیان بودند و سرداران مزبور آنها را بجنک آوردند یا فی المجلس کشتند یا بسیبری
بحبس فرستادند بنای شورش در ایالت اسملنسک بالاخره دول فرانسه و انگلیس و اطریش متفق شده
یادداشتی که شش تکلیف در او مرقوم بود و راجع بمملکت لهستان بدولت روس میفرستند و آن
شش تکلیف این بود اولاً اعلیحضرت امپراطور روس تقصیرات یاغیانرا کلیةً معفو دارد ثانیاً چنانکه
در کابینه‌ای که یکی از قسمتهای ثلثه لهستان و سهم دولت اطریش است مجلس شورای ملتی برپاست در
ورشو نیز برقرار باشد ثالثاً قبول نمودن اهالی لهستان را در خدمات دیوان رابعاً آزادی عقاید
باین معنی که هر ملتی که در لهستان سهم روس است هر مذهبی را که دارد آشکارا بتواند ببیک آن مذهب
عبادت کند علی الخصوص رغایت زیاد باهالی که طریقهٔ کاتولیکی دارند خامساً زبانی که در عدلیهخانه

و محاکمات تکلم میشود زبان لهستانی باشد نه روسی سادساً وضع کردن قشون از اهالی لهستان
از روی عدل و انصاف باشد دولت روس قبول هیچیک از این تکالیف را نمیکند و عقیده اش اینست
که ابتدا باید رفع شورش و شرارت را کرد و یاغیان و اشرار را تنبیه نمود بعد بمیل و رضای خود قرار هائی
که لازم است برای رفاهیت اهالی لهستان خواهد داد حکم امپراطور روس باحضار قشون زیاد که تقریباً
سیصد هزار باشد برای دفع یاغیان زمستان قطع جنک نکرد گراندوک قسطنطین برادر اعلیحضرت
امپراطور روس که بنایب سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف میدارد ژنرال برک بسفارت
از طرف اعلیحضرت امپراطور روس فرمانفرمای لهستان میگردد در قفقاز مختصر شورشی در میان طایفه
لزکی سفاین جنکی روس در اینسال صد و بیست و دو فروند است که در آن کشتیها دو هزار و دویست
و چهل و شش توپ و بیست هزار و پانصد نفر قشون بحری بودند

ژاپن

تهدید نامه انگلیس باین دولت بجهة استرضای قتل جمعی از انگلیسها در ژاپن بیفایده میماند امیرال
انگلیس کیبر یکی از شهرهای ساحل کاکزیما را بضرب گلوله توپ منهدم میسازد

عثمانی

اعلیحضرت سلطان از وزرای خود در مسائلی که راجع بسروستان و قراباغ بود نارضائی حاصل نموده تغییر
و تبدیل کلی در دایره وزرا داده شد فؤاد پاشا از صدارت عزل و رئیس مجلس شوری و وزیر مالیه گردید
ولیکن بعد از دو ماه باز بصدارت منصوب شد فوت سعید پاشا والی مصر در زمستان و نصب اسمعیل پاشا
برادرش بجای او سفر سلطان بمصر در بهار اول تحریر کتابچه جمع و خرج دولت در اینسال که مالیات دولت را
شصت و نه کرور و صد هزار تومان معین کرده اند و مخارج را شصت و هشت کرور و دویست و شصت هزار تومان

غیر از فرعات

فرانسه

ورود سفرای انام ماچین بپاریس افتتاح مجلس دار الشورای فرانسه در خطبه که اعلیحضرت ناپلیون
خود قرائت مینماید اظهار تاسف از بیچارگی اهالی لهستان و مظلومی آنها میکند و ضمناً از دول فرنک
انعقاد مجلس کنکره در یکی از نقاط اروپا را طالب است که در این مجلس کنکره مسائل لاینحلی که در تغییر
حدود دول و بعضی مطالب عمده که از چند سال قبل تا بحال باقی مانده حل شود لیکن جمیع دول در
این خواهش را نموده اند دولت فرانسه برای مصارف جنک مکزیک و ماچین معادل شصت کرور تومان
وجه استقراض میخواهد فوت نقاش معروف هراس ورنیر جنک عساکر فرانسه در حوالی شهر
نوابلای مکزیک دفراد ژوآرز با شش هزار قشون بنالوی مجلس شورای مکزیک که تازه در

باهواخواهان ژوآرز
رئیس جمهوری مکزیک و
فتح اینشهر بدست ژنرال باذن
ورود سردار فرانسه بمکزیکو
پای تخت مکزیک

مکزیک پای تخت تشکیل یافته است بالاتفاق ارشیدوک ماکسی میلین برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش را بامپراطوری خود منتخب مینمایند و در این مجلس ذکر میشود که چنانچه مشارالیه قبول سلطنت ننماید مرکز را اگر اعلیحضرت امپراطور فرانسه ناپلیون سیم انتخاب کند آنها باتفاق او را قبول خواهند نمود

ماچین

در پای تخت دُرهوشه

یونان

دول فرنگ در صدد تعیین پادشاهی از برای یونان هستند و چند نفر از شاهزادگان آلمان که تکلیف نمودند آنها رد کردند بالاخره ژرژ پسر ولیعهد دانمارک که در این وقت هفده ساله بود قبول نمود و سلطنت یونان باسم ژرژ اول برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریقه و مذهب یونانی را اختیار کنند باوجود تعیین پادشاه باز در آتن فرق مختلفه در شورش و باهم مشغول منازعه میباشند در این مورد دولت انگلیس وعده میدهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت بدولت جدید یونان رد کند پادشاه تازه یونان بلندن و از آنجا بپاریس و از آنجا بوینه بعد بآتن پای تخت یونان ورود میکند

وقایع سال هفدهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران ادام الله تعالی ایام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد هجری تنگوزئیل ترکی

در این سال خیر مآل امور کشور و لشکر و مهام ملکی بتوجهات خاطر خطیر همایون و اهتمامات اولیای دولت قوی شوکت روز افزون اعلی درجه نظم و انتظام را دارد تعزیه دولتی را در تکیه مبارکه سلطنت آباد میخوانند حکومت لرستان ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان و نهاوند و سرحدداری عراقین فرموده به نواب عمادالدوله واگذار فرمودند حکمرانی عربستان را بنواب والا حشمة الدوله تفویض داشتند

عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه را که قم چون در حکومت خود کمال کفایت را بکار برده بود باعطای یکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با حمایل مخصوص آن سرافراز شد محمد یوسف خان سرتیپ بمنصب سرتیپی اول سرافراز کردید دو فوج مراغه را با آقاخان سرتیپ اول سپردند فوج پانزدهم شقاقی را علاوه بر فوج مخبران شقاقی بمحمد قاسم خان سرتیپ ابوابجمع فرمودند آقاخان پسر مرحوم عبدالصمد خان افشار بمنصب سرتیپی سیم نایل کردیده و چون ایلخانه نظامی مازندران را نیز بمشارالیه مفوض فرمودند نظر بحسن سلوک عسکرخان سرهنگ در سرپرستی ایلات ارومی و سلماس و مهمانداری سفرای دول متحابه مشارالیه را بمنصب سرتیپی سیم سرافراز فرمودند نظر باتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانب دولت علیه باسمعیل افندی نایب اول سفارت عثمانی نشان از درجه دویم و بناظم افندی نایب دویم سفارت عثمانی نشان از درجه سیم نیز بمخلص افندی حکیم سفارت مزبوره نشان از درجه سیم مرحمت شد سیصد نفر سوار ترکمن سالور و ساروق که بتاخت نواحی خراسان آمده بودند قشون ظفرنمون خراسان که بسرکردگی مظفرالدوله در آن سامان میباشند آنها را تنبیه و تدمیر نمودند و چون باباخان پسر یوسفخان سرتیپ هزاره در این موقع خدمت کرده بود بتوسط نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان باعطای یکقبضه شمشیر یراق طلا مفتخر کردید سایرین بنشان طلا سربلند کردیدند موکب همایون در ماه صفر المظفر تشریف فرمای نور و کجور است میرزا هاشمخان امین خلوت باعطای یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز و میرزا محمد خان پسر مشارالیه بمنصب نیابت ریاست خلوت برقرار آمد ریاست امور نظامی عربستان بعهده عبدالله میرزا جنرال اجودان واگذار شد حاجی محمد بیک قهوه چی باشی باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرهنگی سرافراز آمد حبیب الله خان تنکابنی بمنصب سرتیپی اول مفتخر کردید فوج اردبیل و مشکین ابوابجمعی حسنعلیخان افشار شد ده هزار تفنگ خانداری که جناب حسنعلیخان وزیر مختار در پاریس تمام کرده اند متدرجا وارد طرابوزن و تبریز میشود عمارات مبارکات سلطنتی دارالخلافه را حسب الامر مرمت نموده بوسعت و نزهت آنها میافزایند میرزا احمد خان ساعدالملک سرتیپ اول برتبه امیر تومانی سرافراز کردید آقاخان سرتیپ اول بسرتیپی دو فوج مراغه مباهی کردید محمد حسنخان صدرالدوله ایشیک آقاسی باشی حضرت مستطاب اعظم والا ولیعهد دولت علیه ایران بیکقطعه نشان و حمایل سرتیپی مفتخر کردید میرزا عبدالله نوائی که در اداره وزارت علوم پیوسته مصدر خدمات بوده این اوقات که حکومت ملایر و تویسرکان را بنواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم واگذار فرمودند مشارالیه بلقب خانی و نیابت حکومت ملایر و تویسرکان سرافراز شد حاجی غلامعلیخان خوئی بمنصب قوربناولباشی حضرت اجل اعظم والا ولیعهد

سلطان مظفرالدین میرزا

دولت علیه ایران مفتخر و عسکرخان ولد مشار الیه بمنصب نایب سیم آجودانباشی نایل آمد محمد علیخان
برادر عین الملک بمنصب بیگلربیگی کری استراباد قرین افتخار گردید حضرت امجد اکرم والا نایب السلطنه
العلیة العالیه چون در قواعد نظامی درجه کمال را یافته اند در نظام دارای منصب سرهنگی از درجه اول گردیدند
محمد مهدیخان کشیکچی باشی باعطای یکقطعه نشان امیر تومانی و یکرشته حمایل مخصوص آن مفتخر گردید
امیرزاده انوشیروان میرزای جنرال آجودان خاصه بسرتیپی فوج سربند عراق سرافراز شد والیخان پیشخدمت
پسر مرحوم مهرعلیخان باعطای یکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با حمایل مخصوص آن مباهی آمد شاگردان
ایرانی که در مدارس پاریس مشغول تحصیل علوم متنوعه بودند بموجب راپورتهائی مسیو وردو معلم که بجناب
حسنعلیخان وزیر مختار دولت علیه مقیم پاریس نوشته ترقی کامل کرده اند نواب والا معتمد الدوله را در
جزو اجزای محترم دار الشورای کبری منسلک فرمودند محمد قلیخان شاطرباشی بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی
و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد محمد ابراهیمخان معمارباشی بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل آن
نایل آمد امیر الامراء العظام محمد قاسم خان والی گیلان باعطای یکقطعه نشان بتمثال همایون قرین افتخار
کامل آمد جعفرقلیخان سرتیپ اول بمنصب امیر تومانی نایل گشت میرزا نصرالله نایب لشکرنویسباشی
مدیر کرخانه های ممالک محروسه بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با حمایل مخصوص آن سرافراز گردید
محمد اسمعیل خان وکیل الملک در کرمان و توابع رباطات و حمامها و ابنیه بسیار خوب بنا نموده از جمله بازار
جدیدی است که در شهر کرمان در آخر بازار گنجعلیخان که متصل میشود بمیدان خیابان ساخته و مسجد جامع
بسیار خوبی نیز در کمال وسعت بنا میکند و قریب باتمام است در دار الخلافه باهره در خارج دروازه دولت
در جنب میدان مشق جبه خانه بسیار خوبی بنا مینمایند میرزا طاهر سررشته دار کاشانی بمنصب استیفای
دفترخانه مبارکه از درجه چهارم نایل گردید از ولایات ممالک محروسه باشاره علیه سواره در بیف اخذ و
انتخاب میشود و در این اوان امیر الامراء العظام محمد قاسمخان والی گیلان دویست نفر سواره در بیف بسرکردگی
علیخان نایب الحکومه پسر خود برکاب مبارک فرستاده است فوج خوئی که ابوابجمع جمشیدخان سرتیپ بود
حسب الامر بمهر قراولی مخصوص بعلیقلیخان آجودانباشی سپرده شد و جمشیدخان را بمنصب سرتیپی توپخانه
مبارکه سرافراز فرمودند سیم تلگراف از اذربایجان حسب الامر تا سرحد روس امتداد دادند نیز مقرر داشتند که سیم
تلگراف از دار الخلافه تا بندر بوشهر بکشند و صاحب منصبان مامور و مشغول این خدمت اند حاجی محسن خان
سرهنگ مستشار سفارت دولت علیه مقیم پاریس بامضای جناب حسنعلیخان وزیر مختار بمنصب سرتیپی از
درجه سیم و نشان و حمایل این رتبه سرافراز شد و در روز دهم جمادی الثانیه امسال باتفاق بنده مؤلف که در

اینوقت بنایب دویم سفارت برقرار شده بود روانه پاریس گردیدیم میرزا موسی مامور کارپردازی
مصر بلبان از درجه سیم سرهنگی سرافراز گردید بعد از آنکه حکومت لرستان نیز ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان
و واگذار بنواب والا عماد الدوله گردید چون امیرزاده خادم الدوله ولد نواب معظم الیه در تنبیه و تادیب طایفه
شریر سکوند لرستان که تقریباً چهار هزار خانوار میباشند مجاهدات نموده بود باعطای یکقبضه شمشیر مرصع براق
مفتخر گردید و نواب والا عماد الدوله را نیز بیکثوب جبه ترمه شمسه مرصع درجه اختصاص مرحمت فرمودند
آقا رضای پیشخدمت حضور همایون چون در فن عکاسی بدرجه کمال رسیده بلقب عکاسباشی سرافراز گردید
پوشیده نماند که یکی از صنایع جدیده متعلق و منشعب از علوم طبیعی که در زمان سلطنت این شاهنشاه
رواج گرفته و ترقی حاصل کرده عکاسی است هرچند بسیاری از مردم میدانند که با آلات و ادویه عکس تمام
اشیاء موجوده در کره ارض برداشته میشود و کمتر کسی است که معاینه ندیده باشد و باوجود این از اسرار
حکمتی و تاریخ این صنعت بسیاری غافل اند اکنون بر سبیل اجمال شرحی تاریخ مانند از این صنعت جدیده
الاحداث ذکر میکنیم باید دانست که اجسام بر دو قسمند یا مادی هستند یعنی دارای وزن اند مانند
جامدات و مایعات و بخارات یا غیر مادی و بی وزن هستند مانند حرارت و نور و الکتریسیته و مقناطیس
و هریک از این دو جسم دارای دو رشته خواص اند که یکی را خواص ظاهری یا فیزیکی گویند و دیگری را خواص
باطنی یا شیمیائی مانند نور که یکی از اجسام غیر مادیست نیز دارای خواص ظاهری از قبیل انعکاس و انکسار
و انتشار میباشد و این معنی را حکمای سلف مصر و یونان در کتب خویش باجمال یا تفصیل ذکر کرده اند و کتب
متعدده در مناظر و مرایا نوشته اند ولی خواص باطنی نور یا معروف حکمای سلف نبوده یا در کتب خود مندرج
نساخته اند و میتوان گفت اهل مصر که در علم طبیعی مهارت داشته از اثر باطنی نور و دخالت آن در شمیم و
تعفن نیز آنها را اطلاع بوده اند بلکه بعضی از یونانیان در کتب خود ذکر و ثبت کرده اند اختلاف لونی را که بعضی احجار
و جواهر الالوان از مجاورت متمادی آفتاب پیدا میکنند و معماران رومه قدیم عمارات منقوشه را در سمت
شمال میساخته اند تا از اثر اشعه آفتاب فاسد نشود ولی قرون متوالیه گذشت که حقیقة کسی از خواص باطنی نور
مستحضر نبود بعضی از کیمیاگران سیصد سال قبل از این ملتفت شدند که نقره راسب با نمک طعام بمجاورت
اشعه شمس اختلاف لون پیدا میکند صد سال قبل شیل نام حکیم طبیعی ثابت نمود که پرتو آبی و بنفش آفتاب
آن نقره را زودتر سیاه میکند در آن ایام بسیاری از علما و عمال در تکمیل تحصیل آثار نور در اجسام ادویه برآمده
و بخیال گرفتن عکس اشیا برآمدند ولی اول کسی که توانست عکس صورتی را بردارد نیپس نام فرانسوی بود که او
قیرجید و جوهر اسطوخودوس را در صفحه مس مفضض میکشید و هشت ساعت آن صفحه را در حجره مظلم مجاور

نور عدسی اسبابی میکرد و بعد با مخلوطی دیگر از امینت و میخشت کابند هر جای روشن صفحه صورت پرده حساس را میخورد
و جاهای سیاه و سایه بحالت خود باقی میماند پس از تجارب سنکا ثر نیپاس با شراک دیگر نام در سنه ۱۲۹ مسیحی
اشکال را در صفحه نقره نمودار کرد و شعبهٔ تازه در علوم طبیعی احداث شد و سی و هفت سال قبل ازین در لندن
عکس در روی کاغذ انداختند و تلو نام مخترع این کاغذ با این عمل صور معکوس را بدست میآورد یعنی مواضع نورانی
در کاغذ مظلم میشدند و مواضع مظلم روشن مینمود و این کاغذ را منفیه مینامیدند و از روی این کاغذ
عکسهای صحیح برمیداشت و اینها را موجبه نامید در همین ایام حکما و ارباب صنایع در تکمیل این قاعده برآمدند
و ادویهٔ مناسب این اعمال از قبیل قلیاتیات و املاح فضی و ذهبی و جوهریات ماخوذه از نارو و سرکه و غیره
مکشوف ساخته‌اند و عدد نسخه‌ها و عاملین و قواعد زیاد شد و رفته رفته هشت ساعت زمان عکاسی
بچند ثانیه رسید و نه سال قبل برادرزاده نیپس مذکور داشت در مجلس علما که اگر پرده از سفیدهٔ تخم مرغ
که ممزوج با ادویهٔ عکاسی باشد در صفحه شیشه بکشند و مجاور روشنائی نمایند صورتهای عکاسی بهتر از
کاغذ برداشته میشود بیست و شش سال قبل آرچر نام ثابت نمود که استعمال کلدیون در عکاسی مناسب است
هم سرعت عمل بیشتر میشود و هم صورت کامل‌تر و دقیقتر منعکس میشود بالجمله آغاز ترقی عکاسی زمان کشف
کلدیون است و اکنون این قاعده معمول عکاسان جمیع روی زمین است و تقریباً سایر قواعد متروک کند و اینگونه
عکاسی فواید کلیه برای عامهٔ ناس پیدا کرده بلکه در علوم طبیعی و جغرافیا و سیاحت و نجوم در رصدخانه‌ها اخذ تمام
کلیه کرده و موجب ترقی اینها و سبب منطبعه شدن تکرافی از ابنیه و اشخاص تاریخی حقیقی و یادگاری ابدی بجا گذاشته
که غالب خلق با شکال ملحوظه عکس از دوری یا مرا خویشان و دوستان خود را تسلی میتوانند داد در اواخر
عهد شاهنشاه مبرور محمد شاه غازی انار الله برهانه موسیو ریشار خان که اکنون زبان انکلیسی و غیره معلم مدرسهٔ
دار الفنون را معلم است با زحمات زیاد بر روی صفحه نقره عکس میانداخت و در اوایل سلطنت شاهنشاه
روحنا فداه که بنای مدرسهٔ دار الفنون شد موسیو کرشش مناوی معلم توپخانه قدری در روی کاغذ امتحانات
عکاسی نمود موسیو فکتی معلم طبیعی اول کسی است که در مدرسهٔ طهران کلدیون استعمال نمود و موسیو کارلیان
که برای انتشار علم و عمل عکاسی با فرخ خان امین الدوله از پاریس بطهران آمد عکس کلدیون را شایع کرد و چون
خاطر خطیر همایون بر رواج و ترقی این علم تعلق گرفت خود ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی بر این علم اطلاع تمام
یافته بران شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان خلوت همایون نیز در این فن مهارتی
تمام یابد که سفراً و حضراً بموجب امر قدر قدر ملوکانه آشنا و غریبه و ابنیه و اثار قدیمه را عکس بردارد و خاطر مبارک
همایون را در اوقات فراغت بدان مشغول سازد پس آقا رضا پیشخدمت خاصه که امروز اجودان مخصوص حضور

سرتیپ معلم

همایون و خازن صرف جیب مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی و محل وثوق و اعتماد ذات کامل الصفات خسروانی
و از خانه‌زادان حقیقی و تربیت یافتگان این دولت قوی شوکت است بآموختن این علم شریف برحسب امر
همایون مامور گشت چندی بر نیامد که ازین توجهات ملوکانه در این علم تکمیل یافت و شناسائی کامل حاصل
نمود خاطر مبارک خسروانی ازین معنی خرسند گشته مشارالیه را بعواطف ملوکانه مفتخر ساخته و از برای انتشار
این علم و وسعت در این عمل یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را مخصوصاً عکاسخانه مبارکه فرموده که گاهی که
از کارها فراغت حاصل میفرمودند برای تماشا و ترقی این عمل بانجا تشریف میبردند در اسفار بزرگ مثل سفر خراسان
و مازندران و کربلای معلی عکس جمیع اماکن و ابنیه قدیم و آثار بعیده را عکس برداشته مرقع ساخته بحضور مبارک
تقدیم مینمودند که الان هم در حضور همایون است

(ناظم الملک)

هم در اینسال بعد از آنکه نریمان خان مستشار سفارت بعنوان شارژ دافری در اسلامبول ماند و میرزا ملکم خان
بسمت قونسول جنرالی بمصر رفت در بیستم جمادی الثانیه جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار دولت علیه
مقیم دربار دولت عثمانی با میرزا حسن نایب دویم سفارت از اسلامبول عازم دار الخلافه باهره شد و در بیست
و یکم رجب وارد طهران و مورد مراحم خاصه ملوکانه گردیده در سلک اجزای دار الشورای کبری منسلک گردید و میرزا
حسن نایب دویم سفارت بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم و لقب خانی و نیابت اول سفارت و خلعت
همایون سرافراز شد و دویست تومان بر سیصد تومان مواجب سابق مشارالیه افزودند و میرزا حسین
کارپرداز طرابزن بلقب خانی ملقب و بجنرال قونسولی سرافراز آمد

هم در این اوان نظر بکمال مودت و اتحاد بین دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
یکقطعه نشان شیر و خورشید مکلل بالماس که اینها با حمایل آبی که از علایم اولیهٔ خاصه سلطنتی و امتیازات مخصوص
این دولت جاوید شوکت است محض اظهار تودد و دوستی کامل برای اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان سلطان
عثمانی هدیه و انفاذ فرمودند و برای جناب فواد پاشا وزیر جنگ و صدر اعظم دولت عثمانی و جناب عالی
پاشا وزیر امور خارجه آن دولت نیز نشان تمثال همایون مکلل بالماس ارسال داشتند در هشتم ذیقعده
جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار مجدداً با اجزای سفارت کبری از راه بغداد و دیار بکر روانه اسلامبول
شدند میرزا محمد علیخان سررشته‌دار توپخانه بمنصب لشکرنویسی سرافراز گردید میرزا قاسمخان فیروزکوهی
بمنصب ریاست دیوانخانه نظامی کرمان برقرار آمد

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی در دوازدهم شعبان عزیمت شکارگاه مسیله فرمود میرزا نصر الله مستوفی
پیشکار اصفهان با عطای یکقطعه نشان از مرتبهٔ اول سرتیپی و یک رشته حمایل مخصوص مفتخر گردید میرزا مصطفی خان

بهاء الملک وزیر مازندران و استراباد بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد عبدالحسین خان غلام پیشخدمت تحویلدار و تحصیلدار کل مالیات اصفهان بنشان و حمایل از مرتبه اول سرهنگی نایل گشت در اواخر رجب زلزله های شدید در ترشیز و تربت و کوه سرخ شده است

در ماه رمضان امسال وزارت مالیه را مستقلاً بعهده جناب جلالتمآب آقای مستوفی الممالک واگذار و ایشانرا مخاطب بوزیر مالیه فرموده در سه شنبه هشتم اینماه در مجلس شورای دولتی قلمدانی که مجری آن مکلل بالماس بود از جانب سنی الجوانب همایون بجناب معظم الیه مرحمت شد و دستخط همایون در این باب شرف صدور یافت

سواد دستخط همایون

از قدیم الایام یعنی از ابتدای دولت قاجاریه الی شش سال قبل از این که در امورات وزارتخانهای درباری تغییرات عمده قرار فرمودیم اداره عمل مالیات و جمع و خرج دولتی در دست یکنفر از پیشکاران معتبر درباری بود که او را وزیر مالیه خطاب میکردند در آنوقت که نظر ملاحظه و دقت در امورات دولتیه میافکندیم از همهٔ امور بی نظم تر امر معاملهٔ مالیات و جمع و خرج دولتی را ملاحظه فرمودیم و یقین حاصل شد که هیچ نظمی بکارهای دولتی داده نخواهد شد مگر اینکه در ابتدا مالیات و جمع و خرج بحالت نظم در آید این بود که بنفس خودمان در این مدت خواستیم نظم کاملی در اینکار بدهیم و بحمدالله تعالی انطوریکه مقصود و منظور ما بود اینکار منتظم شد در این اوقات چون کارهای عمده تر از این برای فواید دولت ایران در نظر داشتیم دیگر لازم نبود اوقات شریف خود را مشغول اینکارها کنیم و اینکار هم مخصوص وزیر مالیه بود لهذا بموجب این دستخط جمیع نظم امور مالیات و جمع و خرج دولت را کلیةً بعهده میرزا یوسف مستوفی الممالک که از نوکران معتبر بزرگ صادق درباریست محول و موکول فرمودیم که بیشتر از پیشتر منظم دارد

بتاریخ سال تنگوزئیل شهر

رمضان المبارک سنه ۱۲۸۰

هم در ماه رمضان امسال انوشیروان خان عین الملک خوانسالار و حکمران مازندران و استراباد بمنصب ایلخانیگری و ریاست ایل جلیل قاجار سرافراز گردید چون در اوایل امسال حسب الامر مقرر شد که سیم تلگراف از دار الخلافه تا بندر بوشهر امتداد یابد و بعدها نیز قرار دادند که خطی هم از خانقین و کرمانشاهان کشیده و بسیم تلگراف دار الخلافه وصل شود تا بلا واسطه با دول خارجه مخابره نمایند لهذا این اوقات از سر نقطه که بندر بوشهر و اصفهان و کرمانشاهان باشد شروع نموده مشغول انجام این خدمت میباشند و نظر بمودت دولتین انگلیس با این دولت ابد آیت گماشتگان آن دولت نیز در تقدیم این امر مهم معاونت

و مظاهرت

و مظاهرت تمام دارند نصرالله خان سرهنگ فوج شوکت کرمان بیکقطعه نشان و یکرشته حمایل از مرتبه سرهنگی سرافراز آمد غلامحسین خان پسر علیقلیخان نایب اول اجودانباشی بمنصب نیابت اجودانباشیه سرافراز شد سرهنگی فوج خوی را بشیخعلیخان ماکوئی مرحمت فرمودند جناب فرخ خان امین الدوله باعطای یکقطعه نشان امیرنویانی قرین مفاخرت کامل گردید جناب میرزا زین العابدین ولد مرحوم میرزا ابو القاسم امام جمعه دار الخلافه که بعد از فوت معزی الیه اعلی الله مقامه الی الآن مشغول تحصیل علوم دینیه بود چون در این اوان بدرجه رشد و لیاقت رسیده و از ناصیهٔ او آثار زهد و ورع آشکارا میبود بمنصب امام جمعگی دار الخلافه برقرار گردیده باعطای یکقبضه عصای مرصع قرین مباهات آمد و جناب میرزا مرتضی عموی جناب معزی الیه ملقب بصدر العلما گردید میرزا علی اکبر منشی بلقب ناظم مهام خارجه بندر عباسی و یکقطعه نشان سرهنگی از درجه سیم سرافراز و روانه محل ماموریت خود گردید شب بیست و یکم شعبان امسال زلزله شدیدی در شیراز شده ولی بحمدالله آسیبی بجانی نرسانیده است دیوان اشعار و منشآت مرحوم قائم مقام بطبع رسیده و میفروشند چون جناب محمد ناصر خان ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی اغلب در ایالات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی بزرگ میباشد ایشیک آقاسی باشیگری را بامیر الامراء العظام امیر اصلانخان مجد الدوله مرحمت و بیکقبضه عصای مرصع و خلعت همایون ایشانرا سربلند فرمودند سیم تلگراف آذربایجان بسرحد روس واصل و فیمابین جانشین مملکت قفقاز و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و فیمابین اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت همایون شاهنشاه مخابرات تهنیت آمیز شد نیز جناب مسیو گرس که بسمت وزیر مختاری ایلچیگری مخصوص از جانب دولت روس مامور اقامت دربار ایران شده بود از روز ورود بسرحد ایران همه جا با تقدیم شرایط کامله معموله و مهماندار مخصوص مسافرت نموده در روز چهاردهم رجب وارد دار الخلافه گردیدند و شرایط پذیرائی درباره جناب معزی الیه بوجه اکمل بعمل آمد میرزا محمد علیخان کارگذار خارجه فارس باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص آن مباهی گردید پانصد نفر سوار ترکمن یموت آتابای و جعفربای استراباد که بنای خودسری گذاشته بودند باهتمام محمد علیخان بیگلربیگی و حاکم استراباد تنبیه شده مشار الیه بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد و چون عباسقلیخان سرتیپ لاریجانی نیز در اینمورد خدمت کرده بود بیکقبضه شمشیر سرونه غلاف طلا مفتخر گردید و بعدها جعفرقلیخان امیر تومان مامور شد که بوجه اکمل طوایف طاغیه را تدمیر نماید نواب والا حشمة الدوله حکمران عربستان و بختیاری بیکطوق کمر مکلل بالماس بسیار ممتاز قرین مفاخرت آمد اعتماد السلطنه حاجی علیخان چون در امورات وزارت عدلیه عظمی

مساعی جمیله نموده بود بیکقبضه عصای مرصع سربلند شد حاجی رحیمخان پیشخدمت خاصه بمنصب جلیل صندوق داری که جواهر دائی و رخت داری ملبوس تن پوش مبارک باشد برقرار و بیکقطعه کل کمر الماس و بکثوب جبه ترمه سرافراز گشت آقا علی پیشخدمت خاصه حاکم ولایات ساوه و اهل شاهسون بغدادی بیکطوق کمر مکلل بالماس مباهی کردید شب هفتم ماه شعبان یکساعت بطلوع فجر مانده در کرمان زلزله بسیار شدید شد و تا چند روز بعد زلزله خفیف متواتر بود در ماه ذیحجة الحرام هوای شهر دار الخلافه با قتضای فصل گرم شده موکب همایون تشریف فرمای ییلاق شمیران و قصر نیاوران گردید امیر الامراء العظام مجد الدوله به پیشکاری اصفهان و میرزا محمد قوام الدوله به پیشکاری فارس مامور شدند حاجی محمد حسین تاجر کاشانی بتوسط نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم بمنصب ملک التجاری کاشان سرافراز شد میرزا صادقخان کارگذار خارجه سابق گیلان بکارگذاری خارجه استراباد مامور شد چون نظم کلیه سرحد استراباد منظور نظر همایون بود اردوئی بسرکردگی جناب میرزا محمد خان سپهسالار کل عساکر منصوره نظام وغیر نظام مامور آنسامان گردید هنگام روانگی جناب سپهسالار باعطای یکراس اسب از اسبهای خاصه اصطبل مبارک بازین و یراق مرصع مفتخر و مباهی شد و جعفر قلیخان امیر تومان که مامور تدمیر تراکمه طاغیه انصفحات بود تنبیه کاملی از اشرار آن نواحی نموده مورد مراحم کامله شاهانه آمد قشون ظفر نمون که میبایست باردوی جناب سپهسالار ملحق شوند متدرجاً روانه میکردند در عقب جناب سپه سالار پاشاخان امین شوری و محمدخان امیر تومان با مور قشون دسبک مینمایند میرزا محمد حسین دبیر الملک باعطای یکرشته شرابه بند کاغذ مرصع سرافراز گردید چون اقرب طرق از دار الخلافه ببحر خزر خطی است که از کوه البرز در مقابل دار الخلافه میگذرد و از بیلاقات انصفحات عبور نموده از کجور بکنار دریا میرود و سی و دو فرسخ مسافت آنست ولی بجهة قلل صعب المسالک موجب خطر عابرین است لهذا مسیو کاستگر مهندس نمساوی که در خدمت این دولت جاوید شوکت است مامور شد که راه مزبور را در کمال خوبی بسازد که از طرق سهل المسلک گردد صادقخان یوزباشی برادر شهاب الملک باعطای منصب سرتیپی از درجه سیم سرافراز شد

وقایع عمده و سوانح معظمه که در این سال در تمام ممالک و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

رئیس جمهوری لنکلن یک کرور قشون از برای جنک با ایالات جنوبیه حاضر مینماید جنگ سخت ما بین ایالات شمالی و جنوبیه جنک بزرک شش روزه که طرفین دویست و بیست هزار قشون در مقابل هم داشتند سردار شمالی ژنرال گراند و سردار جنوبیه ژنرال لی با یکدیگر مخاصمه نمودند و جمعیت زیادی بکشتن دادند بدون اینکه ثمری ببخشد مکرر در سواحل رود جانز جمس مختصر شکستی بعساکر جنوبیه داده شد چون موعد پرزیدانی ریاست لنکلن منقضی شده بود مردم انتخاب پرزیدانی مجدداً او را برقرار کردند مخارج ایالات شمالی از برای این جنک هزار و دویست کرور تومان پول ایران شده است تا بحال ایالات شمالی ینکی دنیا از سلطنت ماکسیمیلین اردو اعلیحضرت امپراطور اطریش در مکزیک رضایت ندادند فوت ژن ادامس در سن نود و سه سالکی این شخص یکی از آن اشخاص بود که منتهای جد و جهد را در آزادی اتازونی نمود و از تبعیت انکلیس و دول دیگر این ایالات را خارج و مجزی نموده دولت مستقلی کرد

اسپانیا

چهل و چهار هزار ذرع راه آهنی که وصل میکند راه آهن اسپانیا را براه آهن فرانسه از دره های کوه پیرنه امسال باتمام رسید و مسافر میتواند از پاریس بماد رید پای تخت اسپانیا مستقیما سفر نماید

المان

فوت پادشاه باویرا ماکسیمیلین دویم در سن پنجاه و دو سالکی و جلوس پسرش لوی دویم در سن هیجده سالکی فوت پادشاه وورتمبرک گیوم اول و جلوس پسرش شارل بجای او ایجاد تفنک سوزنی جدید در مملکت پروس معروف بتفنک دریزه که بواسطه اختراع این تفنک اول امید بفتح و غلبه بر دشمن میدهد شورش و بی نظمی در مجارستان و دیگر اغلب ممالک اطریش مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش و شاهزاده خانواده سلطنت بمجار و نظم دادن آنجا را بشخصه وکلای ملت اطریش بدولت بیوفائی دولت پروس اثبات میکنند که چون خیال دولت پروس بزرک شدن است لهذا بدوستی او نباید اعتماد نمود اما در فقره ایالتین اسلسویک و هلستن که مقدمات آن در ذیل سال قبل ذکر شد بعضی از دول معظمه المان از قبیل باویر و ساکس مایل براین بودند که از سلطنت دانمارک مجزی شده پرنس اگوست بورلد که ادعای بر ملکیت ایالتین داشت داده شود اما جزء دولتین پروس و اطریش نشود دولتین اطریش و پروس بدون مشاوره با سایر دول المان و بدون وساطت دولت انکلیس قبول قشون خود را بسرداری پرنس فردریک شارل برادرزاده اعلیحضرت پادشاه پروس و ولیعهد پروس فوراً با ایالتین مزبورتین

نموده هفتاد هزار قشون مسلح دولتین که بهترین اسلحه مسلح بودند با چهل هزار قشون دانمارکی که اسلحه ممتازی نداشتند مقابلی نموده در ظرف هشت روز ایالتین مزبورتین را متصرف شدند و هر قدر دولت دانمارک بدول انگلیس و روس و فرانسه ملتجی شد فایده نبخشید و قشون پروس و اطریش متصله قلعه جات که دولت دانمارک در ایالتین داشت متصرف شدند دولت دانمارک که بهمه جهة پنج کرور رعیت داشت دو کرور را از رعایای او از و مجزی شدند اعلیحضرت پادشاه پروس با مسیو بیزمارک صدر اعظم خود بجهة ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش بوینه و از انجا بمنیک پای تخت باویر سفر مینماید مسیو بیزمارک بجهة اظهار خصوصیت با اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه دو مرتبه بفرانسه سفر کرده در پاریس و در بیاریتس با اعلیحضرت ناپلیون ملاقات میکند و اخر الامر تمام بلاد و اراضی که در سمت جنوب ژوتلند واقع شده بعد از این جنگ از دانمارک مجزی شده بپروس و اطریش واگذار میشود و بعد از امضای عهدنامه دولت پروس بدون شراکت اطریش که بدوا با او مع بود در صدد تصرف ایالتین مذکورتین است

انگلیس

تولد پسر نواب ولیعهد در زمستان ورود گاریبالدی بمملکت انگلیس با تشریفات کاملی که برای او فراهم آورده بودند بطوریکه نواب ولیعهد انگلیس بمنزل او رفته او را ملاقات نمود ملت انگلیس ایرادهای سخت بوزرا گرفته اند که چرا در فقره دانمارک بسکوت گذرانیده اند صد و پنجاه هزار نفر از عمله جات انگلیس بواسطه نرسیدن پنبه از ینکی دنیا بیکار مانده اند از مهاجرین انگلیس در ظرف امسال تنها نود و چهار هزار و صد و چهل و هفت نفر با تا ئونی ینکی دنیا رفته اند در حوالی شهر شفلید از بلاد انگلیس سدی که جلو رود خانه بسته بودند خراب شده دویست و پنجاه نفر آدم بواسطه طغیان آب هلاک گردیده و زیاده از سه کرور بوعیت خسارت وارد آمده در نیوزلاند شرارت یاغیان و متمردین بمنتها درجه است در هندوستان یعنی در کلکته بواسطه طغیان آب بدرجه که سالها بود باین درجه دیده نشده پنجاه هزار نفر آدم و معادل هشتاد کرور تومان پول ایران مکنت مردم تلف میشود انعقاد مجلس دربار در لاهور بتوسط سر لورنس فرمانفرمای هند که ششصد نفر از سلاطین راجه و نواب و ولاة هند و افغانستان حتی از خوقند حضور بهم رسانیدند افتتاح راه آهن از بمبئی بداخله هند ابتدای تلگراف بحری از خلیج فارس که سواحل هندوستان و عربستان را بهم وصل میکند چینت و پنبه که از کارخانه جات انگلیس در ظرف امسال بخارج برده اند معادل یکصد و نود کرور و دویست و شصت هزار لیره انگلیسی است و هر لیره معادل دو تومان و پنج هزار ایران میباشد

ایطالیا

منافرت گاریبالدی با دو پسر خود با انگلیس جنجال تغییر پای تخت و نقل آن از تورن بفلورانس نقار آشکار مابین پاپ و دولت معاهده مابین اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و اعلیحضرت امپراطور فرانسه که دولت فرانسه عساکر خود را که بجهة حفظ سلطنت ظاهری پاپ در رومه گذاشته بود از آن تاریخ بعد از انقضای دو سال بردارد و پادشاه ایطالیا متعهد است که بهیچوجه در صدد تصرف رومه و حدود معینه سلطنت ظاهری پاپ بر نیاید شورش و تغیر اهالی تورن که چرا باید پای تخت از انجا عوض شود دو روز و دو شب قتل و غارت و جنگ در تورن تغیر اغلبی از وکلای ملت ایطالیا بدولت فرانسه که بچه جهة مانع است که رومه جزو ایطالیا بشود

بلژیک

معادل یک کرور تومان پول ایران دولت بلژیک از اهالی مملکت خود ماخوذ داشته که بندر انورس را محکم نموده قلعه جات در انجا بنا نماید

چین

غدغن سخت در بنادر چین که کشتیهای اتا ئونی ینکی دنیا عبور نکنند چینی ها بعساکر فرانسه ملتجی شده یاغیهای تای پیک را شکست دادند شهر نانکن را که مرکز یاغیها بود قشون زیاد چینی فتح کرد

دانمارک

نامزد نمودن پرنس داگمار دختر پادشاه دانمارک را برای گراندوک نیکلا پسر اعلیحضرت امپراطور روس و ولیعهد این دولت

روس

شورش سخت و خونریزی زیاد در لهستان پناه ندادن دول پروس و اطریش یاغیهای لهستان را کدورت مابین دول روس و فرانسه که اهالی فرانسه یاغیهای لهستان را اغوا میکنند جلا دادن اغلب یاغیهای لهستان را بسیبری و سیاست سخت آنها نمودن پاپ در خطبه ها و موعظه ها نسبت بدولت روس بسیار بد میگوید بواسطه بیرحمی که بلهستانیها میشود رعایای لهستان کمال رضایت را از اعمال روس دارند که دفع شر ملاکین و نجبا و بی اعتدالی که با انها میشد شده در ایالت قازان بعضی طلاب مدارس نسبت بدولت بنای شورش را گذاشته مقصرین قتل و تنبیه شدند طبقه نهیلیست که طبقه تازه هستند و بر ضد دین و دولت و نظم عقیده دارند سبب حرق شهر سیمبریک شدند طایفه چرکس بواسطه قحط و غلائی که میان آنها بروز کرده رو بدولت داده هزار هزار دسته شده با اهل و اموال

حبس چهار نفر از اهالی ایطالیا که قصد قتل اعلیحضرت امپراطور فرانسه را داشتند دو نقره فرستادن قشون
بمکزیك در مجلس پارلمان فرانسه ایرادات سختی بدولت وارد آورده اند ملاقات ولیعهد هلاند و ولیعهد
بلژیك با اعلیحضرت امپراطور فرانسه در قصر فونتن بل و ملاقات پادشاه بلژیك و دوشس آمدن وزیر جنك
پروس رون در اردوی شالن نزد اعلیحضرت امپراطور فرانسه حکومت مارشال ماکاموون بالجزایر سورش
و یاغیگری بعضی شهرهای الجزایر بخصوص درمیان قبایل عرب قحطی و کار سری سخت در ملچین متصرفی فرانسه
ورود سفرای ژاپن بپاریس فوت مارشال پلی سیه ملقب بدوك دمالاکف برقرار شدن ژنرال بازن
سردار فرانسه که در مکزیك بوده بمنصب مارشالی فوت میئربر معلم معروف علم موسیقی و فوت هاس فیلسوف
جنك مابین عساکر فرانسه و ملت مکزیك با نهایت تشدد برقرار است آرشیدوك ماکسیمیلین برادر
اعلیحضرت امپراطور اطریش بعد از رفتن بانکلیس و فرانسه و بلژیك مراجعت بقصر میرامار مسکن خود مینماید
و در انجا قبول سلطنت و امپراطوری مکزیك را نموده احکام صادر مینماید که معادل شصت کرور و یکصد
و شصت هزار تومان پول ایران از قرار صدی شش منفعت در سال در یورپ مالیه برای مخارج لازمه مکزیك
استقراض نماید در اواخر بهار همانسال بروراکروز بندر مکزیك وارد میشود ژوآرز رئیس جمهوری مکزیك
فرار برقرار اختیار میکند و بعد از ورود بفاصله قلیلی حکم بایجاد مدارس در اغلب شهرهای مکزیك شده
و میزان و مقادیر را بسبك فرانسه مینماید ملاقات اعلیحضرت امپراطور فرانسه با اعلیحضرت امپراطور روس
در شهر نیس از بنادر فرانسه

مرقش

قتل و نهب طایفه بنی اسرائیل در اغلب شهرهای مرقش مراوده تجارتی این دولت با تمام دول فرنك

هلاند

در جزایر سوماترا و بورنئو زراعت تنباکو و نی شکر و قهوه زاید الوصف زیاد شده است بروز وبای شدید در بتاویه

ینکی دنیای جنوبی

در مملکت شیلی شهر ترپاپ بواسطه زلزله سختی معدوم میشود بروز کوه آتش فشان جدید مابین شیلی
و بولیوی منازعه مابین دولت برزیل و اوروگای

یونان

شورش در اغلب شهرها علی الخصوص در پای تخت نافرمانی اغلب افواج قشون بصاحب منصبان که در
بعضی شهرها شاخلو بودند انهدام قلعه جزیره کرفو رفتن عساکر انکلیس از انجا و ورود عساکر یونان

بخاك عثمانی پناه میبرند و در این راه جمعیت زیادی از انها تلف میشود فتوحات قشون روس در
خوقند و فتح شهر تچن از شهرهای خوقند نامزد نمودن دختر پادشاه دانمارك را برای نواب ولیعهد
دولت روس اعانت باطنی دولت روس بدولت دانمارك

ژاپن

عهدنامه های دوستی و تجارتی این دولت با دول فرنك و ینکی دنیا با امضای میکادو که پادشاه روحانیست
و حقیقت سلطنت با اوست اتمام نمیشود و طیقون پادشاه جسمانی که فی الواقع صدر اعظم مستقل است
بدون امضای میکادو نمیتواند عهدنامه را امضا نماید رفتن اغلبی از اعیان مملکت و رجال دولت
بشهر کیئو که مسکن میکادو بود مجبور شدن طیقون که او نیز از پای تخت که یدو باشد مهاجرت کرده
بانجا رود و باین واسطه هرج و مرج در امور دولت و مخصوصا در کار تجارت منازعه سفاین جنگی
انکلیس و فرانسه در جزیره نیفن که متعلق بژاپن است و بعد از جنك و شکست دادن شاهزاده که والی
معادل آنجزیره بود دول متحده سه کرور و سیصد هزار تومان پول ایران بطور ترضیه و خسارت از دولت
ژاپن مطالبه میکند

سویس

ایجاد مجلس معظمی در ژنو و حضور مامورین اغلب دول فرنك در ان مجلس مقصود از انعقاد این مجلس
ایجاد بعضی از قوانین و قواعد لازمه بجهت پرستاری و دعایت زخمداران و مرضای قشون دول فرنك که
از هر طایفه و ملتی باشند که با هم در صدد مخاصمه و مقاتله برمیایند

عثمانی

در املاك بغداد علاوه برحق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا قشون میگیرد شورش و انقلاب
در ایالت تونس نارضائی رعیت از والی بواسطه ایجاد بعضی مالیات فوق العاده برقرار داشتن
دوازده هزار قشون همیشه زیر بیرق و بجهة نرسیدن مواجب یاغیگری همین دوازده هزار قشون بر ضد
والی شورش و انقلاب بحدیست که کشتیهای جنگی انکلیس و فرانسه و ایطالیا بجهة حفظ تبعه خود از
شر اعراب در سواحل تونس لنکر انداخته اند طغیان رود نیل در مصر و خسارت زیاد برزراعت امتداد
خط تلکراف از مصر به بیروت نیز امتداد خط تلکراف از بغداد به بمبئی و از بغداد باسلامبول تغیر اهالی
بلغارستان از ورود طوایف چرکس بایالت آنها و سکنی دادن دولت عثمانی این طوایف را در این ایالت
شورش اعراب در بغداد و شامات قحطی پول در اسلامبول

فرانسه

و تصرف نمودن آن جزیره دول پروس و اطریش دولت جدید یونان را بسلطنت ژرژ اول شناختند

راهزنی و شرارت قاطعان طریق

در اغلب نقاط یونان

شرح وقایع سال هیجدهم سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران شید الله تعالی دعایم ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و یک هجری سیچقان ئیل ترکی

در تمام این سال خیر مآل خاطر خطیر همایون متوجه کلیه امور و رعایت حال جمهور و زینت و آبادی ممالک محروسه و ولایات معموره و ترفیه رعایا و ترضیه برایا بود تعزیه در روضه دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد خوانده می میشود محمد ولیخان سردار که مأمور سرداری قشون خراسان بود بحکمرانی استراباد سرافراز گردید میرزا علی محمد خان وکیل فارس پسر حاجی قوام الملک بیک قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی با انضمام یکرشته حمایل مخصوص مباهی آمد میرزا علی اکبر مشرف کارخانه مبارکه باسمه تا عین الملک خوانسار و بنیابت نظارت خانه سرافراز گردید چون سهام الدوله حیدر قلیخان ایلخانی زعفرانلو با سواره و جمعیت بجنوردی و خراسانی حسب الامر باردوی استراباد و گرگان آمده بود امیر حسینخان ایلخانی را با چند عراده توپ و جمعیتی شایسته مقرر فرمودند بنواحی بجنورد رفته بحراست آنسامان مشغول باشد قلعه ایرافشان از قلاع بلوچستان چون استحکامی داشت و اهالی بسبب اعتمادی که بحصانت آن داشتند همیشه دم از خودسری میزدند تا چندی قبل که وکیل الملک ابراهیمخان سرهنگ بلوچ را با میرزا مهدیخان مهندس و قشون مأمور کرده قلعه مزبوره را متصرف و خراب نمودند و رسد طبس کرمان حسب الامر آباد نموده اند محمد اسمعیلخان وکیل الملک وزیر کرمان بلقب جنابی مفتخر گردید پاشا خان امین شوری ملقب بامین الملک شد موکب همایون در این اوان که ابتدای گرمای دار الخلافه است تشریف فرمای ییلاق شهرستانک و شکراب میباشد شب ششم شهر صفر عید مولود مسعود همایون را در تمام بلاد ممالک محروسه با شکوهی تمام گرفتند جناب سپهسالار که با قشون ظفر نمون مأمور تنبیه ترکمانان گوکلان و یموت بودند چون بچمن کالپوش رسیدند ترکمانان گوکلان که دو سه سال بود دم از خودسری میزدند مضطرب شده پنجاه و شش نفر از روسای آنها باردو و خدمت جناب معزی الیه آمده اظهار عجز و طلب عفو نمودند و متقبل شدند که آنچه مالیات ایشان عقب افتاده با آنچه در راه خراسان از اموال

عابرین

عابرین بسرقت رفته تقدیم نمایند حکومت یزد را بمیرزا سید علیخان معیر الممالک واگذار فرمودند و معزی الیه محمد خان پسر سیفخان والی گیلان را بحکومت و میرزا محمد حسین قرشی را بوزارت آنجا معین نمود محمد خان امیر تومان بیک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید عبد العلیخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه و حاکم قم بنابر خدمات او بیک قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی مفتخر گشت صندوق عدالت حسب الامر وضع و در میدان ارک انبار قرار دادند که هر کس عریضه بخصوص همایون دارد در آن صندوق بیندازد خانعلی خان سرتیپ بحکومت درجزین و سرتیپی فوج مخبران قراگوزلو سرافراز شد امیرزاده انوشیروان میرزا بسرتیپی سواره باجلان و بختیاری و فوج سیلاخوری نایل آمد عزیز خان سردار کل پیشکار آذربایجان بقعه عین علی و زین علی را حسب الامر مهیا زد بقعه شیخ شبستری را نیز مرمت میکنند چون جناب ناصر الملک مشیر خاص حضور همایون وزیر مختار و ایلچی خاص دولت علیه مقیم دربار دولت انگلیس سابقاً محمد علیخان نایب اول سفارت را روانه دار الخلافه کرده و از حسن خدمات مشار الیه اظهار رضامندی نموده بود لهذا معزی الیه باعطای منصب سرتیپی از درجه سیم مفتخر گردید میرزا محمد خان کارگذار خارجه سابق استراباد بکارگذاری خارجه گیلان سرافراز شد محمد حسن خان پیشخدمت خاصه بحکومت گلپایگان و خوانسار برقرار آمد جناب سپهسالار و سردارانیکه با ایشان همراهند چنانکه ذکر شد متوجه نظم صفحات گرگان و تنبیه طوایف ترکمانیه یموت و گوکلان که دم از خودسری میزنند میباشند این اوقات حیدر قلیخان سهام الدوله ایلخانی و سلیمانخان افشار سرتیپ اول و مصطفی قلیخان قراگوزلو سرتیپ اول و حبیب الله خان تنکابنی (ساعد الدوله) سرتیپ اول و صفر علیخان سرتیپ شاهسون اینانلو را از اردوی بزرگ خود جناب سپهسالار مأمور تنبیه بعضی طوایف نموده در سنگر غائی که بسیار جای سختی است فتح نمایان کرده اند و طایفه غائی را تنبیه کامل نموده طوایف دیگر را نیز سرداران دیگر مغلوب ساختند خود جناب سپهسالار نیز بعضی از طوایف یموت را مخذول کرده اند سیصد سوار ترکمن نیز بسرداری پسر محمد شیخ و دو سه نفر سردار دیگر بتاخت محال باخرز بخراسان آمده بودند آنها نیز منکوب قشون ظفر نمون ساخلو خراسان و منهزم شده اند آقا رجب بمنصب رخت داری البسه خاصه سرافراز گردید عبد العلیخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه بنیابت وزارت عدلیه عظمی مفتخر آمد حسینقلی آقا بنشان از درجه اول سرهنگی مباهی گشت راه مازندران را که مسیو کاستیگر مهندس نمساوی مشغول ساختن آن بود باتمام رسیده و از طرق سهل المسالک و وسیعه گردیده است موکب همایون در ماه ربیع الثانی تشریف فرمای صفحات کجور و سواحل بحر خزر شدند و در مراجعت از راه کلاردشت که راه مسیو کاستیگر با آنجا منقطع میشود از کناره رودخانه چالوس قطع منازل فرموده هشتم ماه جمادی الاولی قصر سلطنت آباد محل نزول اجلال خسروانه گردید در باغچه [illegible] توپخانه قدیم حسب الامر ساختند و آب قناتیکه بتوجه خاطر خطیر مبارک احداث شده و از عمارات سلطنتی

میکذرد تماما بحوض مزبور داخل میشود و از اینجا بجلال شهر و حوض سبز میدان میرود و بعد ها در تمام فضای
این میدان باستثنای راه عبور و مرور باغچه ها طرح و اشجار عرس و کلکاری میشود چون جناب میرزا محمد خان
سپهسالار در سرحد کرکان چنانکه ذکر نمودیم خدمات شایان کرده بود یک حلقه انکشتری الماس برلیان
بسیار کران بها برای جناب معزی الیه انفاذ فرمودند میرزا مصطفی خان بهاء الملک بوزارت دیوان عدالت
منصوب کردید میرزا مصطفی وکیل لشکر بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی سرافراز شد حسینخان سرتیپ فوج منصور
قراکوزلو بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و حمایل مخصوص ان مفتخر کردید میرزا غفارخان صدیق الملک
که بعد از مراجعت جنرال منکوبس از جانب سنی الجوانب همایون بجهة ادای تهنیت و تبریک تفویض منصب جانشینی
ممالک قفقاز بنواب جانشین مامور تفلیس شده بود خدمات خود را در محل ماموریت بانجام داده مراجعت
بدار الخلافه نمود جناب محمود خان ناصر الملک وزیر مختار دولت علیه مقیم لندن موقتا اجازه شرفیابی بندربار
همایون حاصل نموده میرزا اسلیمانخان مستشار سفارت پاریس برسم شارژدافری مقیم پاریس و بعد
مؤلف بمنت بنابت دیم سفارتخانه دولت علیه مقیم دربار دولت فرانسه خواهد بود سیم تلکراف که باید
از بندر بوشهر الی خانقین امتداد یابد بدار الخلافه وصل شده و از دار الخلافه با اصفهان و شیراز و بوشهر
و بمبئی مخابره دایر است همچنین سیم تلکراف که از طهران باستراباد میکشیدند بمحل مقصود یعنی باستراباد رسیده
است نواب والا ملک ارا حکومت بروجرد بر قرار و هوشنگ میرزا پسر نواب معزی الیه بنیابت حکومت رفت
میرزا ابوسنخان که در ماموریت کاربردازی حاجی ترخان و شارژدافری پطرزبورغ و جنرال قونسولکری
(ربعو کاو پرداز اول) تفلیس خدمات لایقه کرده بود بیکقطعه نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص
ان سرافراز شد حاجی محمد ابن ادم ساکن میناب بندرعباسی بلقب ناظم التجاری بندرعباسی و نشان از درجه
چهارم شیر و خورشید سرافراز کردید عزیزخان سردار کل بپیشکار اذربایجان در چمن کاوکان که از بلوکات
مراغه است اردوئی مرکب از شش هفت هزار نفر سرباز منعقد نموده حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده
والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران اذربایجان با کارکذاران قلمی و نظامی ان مملکت باردوی مزبور تشریف سلطان مظفرالدین میرزا
فرما کردیده قریب یکماه در ان اردو بتعلیم و مشق مشغول بودند لهذا یکثوب قبای نظامی سرو دست و یقه
مروارید از ملابس تن پوش مبارک بافتخار سردار کل از جانب سنی الجوانب همایون انفاذ زادکان شد و
بعد از انقضای اردو و مرخصی افواج حضرت مستطاب شاهنشاهزاده معظم ادام الله اقباله العالی
بشهر تبریز مراجعت فرمودند شب ششم جمادی الاولی در رشت بادی سخت وزیدن کرفت و رعد و برق
شدید بعضی ابنیه کهنه را خراب و اشجار قوی را از پا در انداخت بلکه موجب حدوث امراض عدیده نیز کردید

سردارانی که در اردوی جناب سپهسالار بودند و مامور تنبیه طوایف طاغیه ترکمه بایزک رسیده جمعی از اشرار فراجی
و پانصد ششصد خانوار از طوایف اترک نشین که سابقا از در اطاعت در نیامده بودند سر بربقه مطاوعت و تمکین نهاده
و سایرین که در مقام مقابله و مقاتله بودند بسزای خود رسیده اند مدرسه بپایزرک مستحکمی که در اترک و مامن طاغیان
بود خراب کرده هشت هزار قشون زبده نیز مامور کشیکچی شده کار انجا نیز منظم و مدرسه کشیکچی را که بطور
قلعه محکمی بنا شده بود یکسان نموده و اهل کشیکچی براه فرار رفتند بعد از انکه تمام ان حدود مصفا کردید جناب
سپهسالار بدار الخلافه باهره معاودت نموده شرفاندوز خاکپای مبارک کشته باعطای یکقطعه نشان اقدس
مکلل بالماس با حمایل ان رتبه سربلندی و اختصاص یافتند و مخاطب بخطاب سپهسالار اعظم کردیدند مسیو جان
داود خان سرتیپ و مترجم اول دولت علیه بیکقطعه نشان از درجه اول سرتیپی با حمایل مخصوص ان سرافراز و
پسرهای اردشیر و اناپول بلقب خانی نایل کردیدند چون از خدمات میرزا معصوم منشی مهام خارجه اذربایجان
میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله) اظهار رضامندی نمودند باعطای یکقطعه نشان سرهنکی
از درجه دویم سرافراز کردید میرزا اقای منشی و امین تذکره کردستان بیکقطعه نشان از درجه سیم سرهنکی
مفتخر امد چون اغلب خطوط تلکرافی ممتده از بندر بوشهر الی سرحد خانقین بمعیت و استادی مهجر شامپین
و سایر صاحبمنصبان انکلیس باتمام رسیده و بهم وصل شده قرارنامه مشتمل بچهار فصل بتاریخ شهر جمادی
الثانیه بامضای وزارت علوم و سفارت انکلیس بین الطرفین مبادله شده که صورت ان از قرار ذیل است

صورت قرارنامه مابین وزارت امور خارجه و سفارت دولت انکلیس

قرارداد برای تکمیل فصل چهارم قرارنامه مورخه ماه دسیمبر ۱۸۶۲ مطابق شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۷۹ فصل اول
عالیجاه محدث همراه مهجر شامپین با بیست و هشت نفر از اجزای حاضره خود با کمال ذوق و افتتاح تلکراف ایران
تا مدت پنجماه بصوابدید نواب مستطاب اعتضاد السلطنه وزیر علوم یا کسی که بجای ایشان باشد مشغول
نظم و تعلیم تلکراف دولت ایران از خانقین الی دار الخلافه و از دار الخلافه الی بوشهر خواهد بود فصل دویم
بعد از انقضای مدت پنجماه عالیجاه محدث همراه مهجر شامپین و اجزای او تلکراف مابین بوشهر و خانقین را
بصاحبمنصبان دولت ایران واکذار و بکلی تخلیه خواهند کرد فصل سیم یکنفر صاحب منصب انکلیس بعد از مراجعت
اجزای مزبوره از سر تلکراف ایران با دو نفر از اتباع خود تا مدت ده ماه در دار الخلافه طهران متوقف و مواظب
حفظ نظم تلکراف که در مدت پنجماه بسعی و اهتمام عالیجاه مهجر شامپین و اجزای او حاصل شده بود خواهد شد
وعند اللزوم باطلاع نواب مستطاب اعتضاد السلطنه وزیر علوم از اتباع مزبور با احکام لازمه دولت ایران

برای سرکشی تلکراف بطول امتداد ان هرجا که ضرورت نظم اقتضا نماید مامور خواهد کرد و باز مراجعت بدار الخلافه خواهند نمود و اکر دولت انکلیس قبل از تکمیل ده ماه مزبور صلاح بداند که ان صاحب منصب با دو نفر اتباع خود از ایران بردارد مختار خواهد بود فصل چهارم شرایطیکه برای جناب عالیجاه مهجر شامپین در مدت پنجاه مزبور معین میشود از قرار فصول اتیه خواهد بود اولاً نواب مستطاب اعتضاد السلطنه وزیر علوم با هر کس را که بحکم همایون بجای ایشان باشد باید رئیس کل تلکرافهای دولت ایران دانست و امر مزبور را سپرده بایشان ثانیاً بجهة اینکه رشته سیم تلکراف بندر ابوشهر و دار الخلافه طهران و خانقین در دست بکار بیفتد سرکاری و صوابدید عالیجاه نجدت و مجدت همراه مهجر شامپین مهندس خاصه اعلیحضرت پادشاه انکلستان واکذار شده است ثالثاً هر حکم که نواب مستطاب اعتضاد السلطنه وزیر علوم در باب حفظ سیم و استعمال ان و مامورین ایرانی ان صادر میفرمایند بتوسط و صوابدید عالیجاه مهجر شامپین صادر خواهند کرد رابعاً در باب حفظ سیم باید تمام مسافت از سرحد دولت عثمانی الی بندر بوشهر بشش قسمت تقسیم شود از سرحد دولت عثمانی الی همدان از همدان الی دار الخلافه از دار الخلافه الی کاشان از کاشان الی اصفهان از اصفهان الی شیراز از شیراز الی بندر بوشهر نواب مستطاب اعتضاد السلطنه برای هر قسمتی یکصاحب منصب ایرانی مامور خواهند فرمود و او باید از عهدهٔ حفظ انقدر سیمی که در قسمت او واقع شده است بر حسب حکم نواب مستطاب اعتضاد السلطنه براید و بجهة اینکه صاحب منصب ایرانی مذکور باید از درست از عهدهٔ خدمات خود براید عده معینی از سوار که در حکم او باشند در عرض راه مقیم خواهند شد و باور مذکور البته صوابدید انصاحب منصب انکلیس مباشر نظم را که درباره محافظت سیم اظهار نماید قبول خواهد نمود و مبنای کار در این مواد بامکان و عادت ایران خواهد بود خامساً نظم و تعلیم تلکرافخانه‌ها فقط سپرده بصاحب‌منصبان مباشر انکلیس خواهد بود و کار کردن تلکرافخانه‌ها یعنی نظم و تعلیم در عهدهٔ انها خواهد بود و تلکرافچیان ایرانی باید قدغن شود که بدستور العمل صاحب‌منصبان مباشر انکلیس که در ان خصوص صادر میشود اطاعت تمام نمایند و چون بعد از باز شدن سیم دستور العملی برای انتظام کار و تعیین تکالیف تلکرافی عموماً لازم خواهد بود لهذا مادام که عهدنامه تلکرافی مابین دولتین ایران و انکلیس مبادله نشده است موقتاً رجوع خواهد شد بقواعدیکه دولت ایران با دولتهای دیکر از روی قرارنامه بر وکیل امضا کرده در همه دولتها معمولست باستثنای قیمت مخابرات دایرهٔ بین الدولتین که برای هر بیست کلمه تلکراف از خانقین الی بوشهر و از بوشهر الی خانقین یکتومان و پنجهزار و چهارصد دینار ایرانی یا چهارده شلنک انکلیسی حساب خواهد شد و اینشهرهای واقعه در مسافت مزبوره نیز بهمین نسبت قسمت خواهد شد و دولت علیه ایران عجالةً تا انعقاد معاهدهٔ تلکرافی مابین خود و دولت انکلیس در قیمت مخابرات از بوشهر تا هندوستان

و از خانقین تا اسلامبول وارد و با فقط در مخابرات دایرهٔ مابین این دو دولت همین قرارداد لخیره را که فیما بین دولتین انکلیس و عثمانی عهداً برقرار شده است امضا خواهد نمود و در مدت این پنجاه رواج پوند از قرار بیست و دو هزار دینار و ده پول رایج ایران خواهد بود سادساً مامورین ایرانی تلکرافخانه‌ها در صورتیکه متابعت ننمایند و مصدر خلافی شوند نواب مستطاب اعتضاد السلطنه چنانکه در فصل پنجم مقرر است بر عهده میکیرند که حقاً در حمایت اخبار صاحب‌منصبان مباشر انکلیس‌ها سعی و کوشش را فرمایند و از طرف عالیجاه مهجر شامپین بر عهده میکیرد که هیچ جزا از اندازهٔ ان اخبار تجاوزی نشود سابعاً صاحب‌منصبان انکلیس هیچ وجه در اخذ رسومات کاری ندارند یکنفر میرزا در هر تلکرافخانه بدون واسطه بنواب مستطاب اعتضاد السلطنه حساب رسومات را خواهد داد در دار الخلافه طهران بتاریخ پانزدهم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۸۱ مطابق پانزدهم ماه دسمبر سنه ۱۸۶۳

حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم والا یمین الدوله حکمران فارس بیکقطعه کلکی مرصع بالماس بر بلیان مفتخر و در نظام بمنصب و نشان سرهنکی مخصوص و میرزا محمد قوام الدوله پیشکار حضرت معظم الیه و الا دام اقباله العالی بلقب و خطاب جنابی سرافراز کردید میرزا عبد الوهاب مستوفی کیلان بمنصب استیفای دیوان همایون برقرار امد میرزا مسیح وزیر مازندران باعطای یکقطعه نشان سرتیپی با حمایل ان مباهی کشت قنات سابق بهبهان که شهر را مشروب میساخت و چندی بود بواسطه خرابی اب ان شهر بی‌ابادی بود باهتمام شاهزاده سلطان اویس میرزا حاکم بهبهان و کوهکیلویه مرحمت شد که ان قنات را تنقیه نموده مجدداً جاری کنند بتاریخ بیست و چهارم شهر شوال رای صواب‌نمای ملوکانه بعضی تغییرات در امور دولتی داده دستخطی افتاب نمط حاوی ان مطالب شرف صدور یافت که صورت ان تیمنا در این محل درج میشود

صورت دستخط جهانمطاع مبارک

اصل مهام دولتی عبارتست از وزارتخانهای سه کانه عسکریه و مالیه و خارجه است که اکر انتظام انها بر وجه کمالی باشد باقی شعبهای امور دولت بر وفق صواب خواهد بود و امر و اداره مهام وزارتهای ثلثه هر یک در دست یکی از چاکران بزرک دربار شوکتمدار همایون است که حسن کفایت و دولتخواهی هر کدام از انها بفضل الله تعالی کمال وثوق و اعتماد را داریم و مراتب عقل و دانش انها را بتجربت سابقه ایم و اکنون بحمد الله از نظم و پیشرفت مهام مزبوره کمال اطمینان برای خاطر همایون ما حاصل است و چون با اینهمه باز و اردسی هر یک از امور وزارتخانها و غیره را از چند سال تا بحال نظر بمصالح ملکیه بنفس نفیس همایون خود منحصر فرموده بودیم دیکر برای ما فرصت ان باقی نبود که افکار عالیه ملوکانه را در مهام خطیرهٔ دیکر که خاصه شئون سلطنتی است مصروف داریم باین جهة بسیاری از خیالات بزرک عالی بحال تعطیل میماند و الحق دریغ دانستیم که اوقات کرانبهای ما زیاده بر اینها در اشتغال باین امور که بعون الله در حوزهٔ توانائی چاکران بزرک نیز فراهم میتواند باشد صرف شود لهذا در ابتدای این سال خجسته فال اوده نیل اراده فرمودیم که وقت همایون خود را بیشتر از انکه بود برای خصایص شئون سلطنتی که شهادت بحسن اقتدار سلطنت مصور است خالص داریم بطوریکه ملاحظه فرمودیم اصول این معنی را ضمن دو قرار جدید مضمر بود یکی انکه بر شان استقلال این سه وزارت عمده که دارای مهمات امور دولت هستند بیفزاییم و انها را

برکفایت .... ورد دولت و اجرای خدمات ملک و ملت متفق و معین نگاهداریم قرار دهیم بطوریکه از نهایت اتفاق شخص واحد باشند دیگر با وجود امتیاز مزبور هر یک از آنها آن قسمت را که موقتا در ید افتدار خودمان گرفته بودیم یکی از آنها محول فرمائیم که آن یکنفر علاوه بر ادای تکالیف مخصوصه خود با داشتن آن امتیاز نیز مخصوص محل امید و بیم و مرجع تمکین و تسلیم خلایق نیز تواند بود و مردم در موارد رجوع باو تکلیف خود شانرا از هر جهت معلوم نموانسته نمود و هیچوجه من الوجوه نقصی را انتظام کلیه امور دولت و تعطیلی در رابطه مهام ملک و مملکت باقی نماند و از طرف دیگر از مبادی توجهات ملوکانه که انا فانا بعون عنایت خدا و ند جل شانه در کلیات امور دولت مبذول خواهیم فرمود روز بروز بر شکوه و اقتدار و ترقیات دولت و امیدواری کافه نوکرهای بزرگ و کوچک از هر سلک و درجه بیفزاید و انشاء الله تعالی بجائی برسد که در اینمدت همیشه مرکوز طبع منیر و پیشنهاد خاطر همایون ما بوده است بناء علیه هر یک از وزراء مشار الیهم بموجب صدور این دستخط همایون کمال استقلال و تسلط را در مشاغل مرجوعه مقرره مرحمت میفرمائیم بطوریکه صواب دید رای انها را بیشتر از پیش موقع قبول ارزانی خواهیم فرمود و مع هذا شخص وجود جناب سپهسالار اعظم را بتفویض شعبه امور دیگر ماخوذ موقتا و رسیدگی و توجه همایون بر انها داشته مخصوص و مباهی فرموده از تاریخ صدور این دستخط همایون امر و مقرر میفرمائیم که در کمال استظهار بمراحم ملوکانه و عواطف شامله ما مشغول وارسی امور و مهام ملکیه شده حسن ارادت و بندگی و کمال کفایت و درایت بندگی خود را در نظر ما ظاهر سازد و در آبادی مملکت و انتظام امور سپاهی و رعیت و اصلاح احوال حاکم و محکوم و بالجمله در ترویج آنچه عقل و شرع بر انها داعی و دلیلست مجاهده و فوره تقدیم رساند و اغماض از سزای هیچ بنگ و ننگ ... جایز نداند همیا یدشاهزادگان عظام و وزراء کرام و عموم چاکران درباری بمدلول این دستخط مبارک که متضمن صلاح دولت و مملکت است و اراده همایون ما بر آن تعلق گرفته است عمل نمایند و در عهده شناسند فی ۲۹ شهر شوال سنه ۱۲۸۱

بعد از آنکه امر وزارتخانهای ثلاثه استحکام یافت و آنچه را از مشاغل دولتی بنفس نفیس همایون متوجه بودند بعهده کفالت جناب سپهسالار اعظم واگذار فرمودند یکثوب جبه ترمه دو مرواریدی شمسه مرصع بجناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند و جناب مستوفی الممالک و جناب وزیر امور خارجه نیز هر یک باعطای یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع و یکرشته حمایل مکلل بالماس اختصاص یافتند حضرت شاهنشاه زاده اجل والا جلال الدوله را از حکومت اصفهان احضار و حکمرانی مملکت خراسان برقرار فرمودند و نواب والا مؤید الدوله بکار گذاری و سرپرستی آن سرحد و ثغور و انتظام مهام حضرت شاهنشاهزاده معظم مامور گردیدند حاجی رحیمخان صندوقدار باعطای یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان که از اجله چاکران این دولت ابد افتراتست بحکومت عربستان برقرار گردید حاجی آقا علیخان سراج الملک بریاست احتساب دار الخلافه مامور امد میرزا حسن لشکرنویس مستوفی بکری نظام سرافراز شد معابر و کوچه های دار الخلافه را سراج الملک رئیس احتساب بدستور العمل جناب سپهسالار اعظم تنظیف مینماید سررشته داری کل معاملات خراسان را بعهده کفایت حاجی میرزا محمد رضای مستوفی دیوان اعلی واگذار فرمودند

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام ممالک روی زمین و اقطار عالم سانح و واقع

شده است

اتازونی ینکی دنیا

برقرار بودن جنگ مابین ایالتین جنوبی و شمالی و بهم نقار و جنگ با دولت انگلیس فتوحات جنرال گراند سردار ایالات شمال و تسخیر اغلب از ایالات و قلعه جات جنوبی لنکلن رئیس جمهوری در روز چهاردهم ماه اوریل که نفر سابع بیست دو روز از عید نور و ز گذشته در یکی از تماشاخانه های واشنگتن پایتخت بدست یکنفر از بازیگرهای سابق تماشاخانه کشته شد همدستهای او نیز میبایست در همین حین جنرال گراند سردار کل را بقتل رسانند ولی مجال نکردند تا لم و افسوس جمیع مردمان بر و مندحه در ینگی دنیا چه در فرنگستان از این فقره ژنسن که در عنفوان جوانی بصنعت خیاطت مشهور بود رئیس جدید شد جنگ سخت بین الطرفین بدست آوردن ژفرسند و ئیس رئیس ایالات جنوبی که یاغی بر ایالات شمالی شده بودند شناختن دولت اتازونی ماکسیمیلین برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش را بامپراطوری مکزیک اتمام جنگ بین ایالات جنوبی و شمالی مرخص کردن لشکر بری و بحری ایالات شمالی در این مدت جنگ چهار صد جنگ و چیزی از امراض مختلفه سیصد و بیست و پنج هزار نفر آدم بکشتن داده بودند منازعه مابین سپاه و هاد سفیدها در اغلب نقاط باغوای بعضی اشرار حبس و قید شدید ژفرسند و ئیس رئیس ایالات جنوبی نقار دولت اتازونی با انگلیس بواسطه اعانتهائی که با ایالات جنوبی شده است قشونی که در اوایل این سال بدو کرور نفس میرسید در اواسط سال زیاده از دویست هزار نفر نبود و هشتاد و پنجهزار از این عده سپاه بودند نیز در اوایل سال پانصد و سی کشتی جنگی بود که در آنها سه هزار توپ و پنجاه هزار قشون بحری بود و در اواسط سال این عده رسیده بود بصد و هفتاد کشتی جنگی و هشتصد و سی توپ و دوازده هزار قشون بحری قروض اتازونی بواسطه این جنگ نفر یبا دو هزار و هفتصد کرور ایرانست افتتاح مجلس پارلمان اتازونی در زمستان و اول مسئله که طرح شد قبول نکردن مداخله یکی از دول فرنگ در نقطه از نقاط ینگی دنیا بود و مقصود از این مسئله قشون فرانسه در مکزیک و تقویت از سلطنت ماکسیمیلین امپراطور مکزیک میبود

اسپانیا

بی پولی دولت در نهایت شدت استقراض اجباری از رعیت که سبب کدورت رعایا شده است ملکه سه قسمت از چهار قسمت املاک خاصه خود را ملت واگذار میکند که بفروش برسانند و حاصل از انفروخ وجوهی بدهند شورش در مادرید و در ایالت والانس جلای وطن دادن ژنرال پریم و دوباره او را احضار کردن مسافرت ملکه در ایالات شمالی و خوب نپذیرفتن رعیت او را و بازگشتن دوباره به مادرید

افریقا

صدمه وارد نیست بطایفه یهود در مملکت مراکش شود شورش سخت در جزیره ماداکاسکار تئودروس پادشاه حبش کاپیتن
کامرن قونسول انگلیس و جمعی از تبعه انگلیس را که در حبشه بودند محبوس و مغلول مینماید

المان

بواسطه دولتین اطریش و پروس نصرت با ایالتین اسلسویک و هلستین که تازه از دانمارک بزور گرفته اند با یکدیگر در مقام منازعه هستند
نفرت پروس خیال دارد که تماماً بخود متصرف شود اطریش بواسطه بعد مسافت از مملکت خود چون نمیتواند که کند با این خیالات
که ایالتین مذکورتین یکی از دول مستقله المان محسوب دارد پرنس فردریک شارل و ژنرال مانتوفل از طرف دولت
پروس برای قرار مدار این فقره بوین پای تخت اطریش میروند کیل که یکی از بنادر ایالتین مذکورتین است بندر نظامی پروس میشود
مسیو بیزمارک و ژنرال رون در مجلس شورای پروس بطور صراحت میگویند باید کیل در تصرف دولت پروس باشد و حفظ
حدود و ثغور المان را دولت پروس از این سمت بنماید و دولت پروس را قصدا نیست حاصل اینکه از دانمارک بالشراکه
با اطریش برده تماماً بخود متصرف شود و چون دولت اطریش تمکین باین مسئله نمیکند پروس تهمت می بندد که با او جنگ
کند بعد از وساطت میانجی گری دول ساکس و باویر و غیرها عهدنامه گاستین منعقد میشود و در سالس بورک
سلاطین اطریش و پروس با یکدیگر ملاقات نموده مقرر داشتند که ایالتین را باین قسم تقسیم کنند ایالت اسلسویک
تمام از پروس و هلستین از اطریش باشد فی الواقع بعد از این تقسیم منافع کلیه را دولت پروس برد مسیو بیزمارک ملقب
بکنت شد (کنت بمنزله خان است) و بفرانسه سفر کرده با اعلیحضرت ناپلیون سیم ملاقات نمود وزیر جنگ پروس عده قشون را
بدویست و دوازده هزار نفر رسانید بنای ساختن کشتیهای جنگی در کیل بتوسط پروس دولت اطریش بجهة وحشتی که
از پروس دارد اهالی مجارستان و بعضی ایالات دیگر که المان نیستند و در تحت سلطنت اطریش میباشند از آنها جذب
قلوب مینماید پسر دویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان پرنس آلفرد که بیست و یکسال از سنش رفته است بسمت ولیعهدی ایالت
ساکس گوبورک که عموی پرنس در انجا والی است و اولادی ندارد منصوب میگردد دکتر بارت که از مسافرین المانست که بمراکز
افریقیه رفته بود در برلن فوت میکند

انگلیس

در مجلس پارلمان بدولت تکلیف میکنند که مداخله در امور فرنگ و ینگی دنیا هیچ نکند ازدیاد عده سفاین جنگی
انگلیس مختصر شورشی در ایرلند مالکین در انگلیس بطور سختی که از سمت روسیه و مجارستان سرایت کرده است
زراعت در اغلب نقاط بروز طایفه فنیان در ایرلند که عبارت از کوهستانیها و یابیها باشد حبس اکثر و اغلب ایشان و قتل بعضی
فوت لرد پالمرستن صدر اعظم در سن هشتاد سالگی صدارت لرد رسل در سن هفتاد و سه سالگی وزارت امور خارجه
لرد کلارندن وحشت دولت انگلیس که مبادا کانادا که از متصرفات اوست ینگی دنیا بر او بشورند شورش سیاه
پوستان در ژامائیک متصرفی انگلیس حبس و قتل اغلب از سیاهها ایجاد چراغ گاز در کوچه های بمبئی جلده رایالت.

بوتان هند شورش مردم در نیوزیلاند آنا ملکه جزایر ساندویچ مسافرت بانگلیس مینماید

ایطالیا

تغییر پای تخت و نقل آن از تورن بفلورانس خیلی سبب کدورت اهالی تورن شده است افتتاح راه آهن کبیر از تورن مستقیماً
ببتیند برندیزی عصر روند بروز وبا در طرف شرقی و جنوبی ایطالیا

پرتوغال

ایجاد اکسپوزیسیون عمومی در اپرت یکی از شهرها

برزیل (ینگی دنیای جنوبی)

اتحاد دولت برزیل و جمهوری اوروگای بر ضد لوپز رئیس جمهوری پاراگای که این ضدیت ابتدای جنگ پنجساله است
جنگ سخت بین الطرفین امپراطور برزیل داماد خود کنت دو نو لوئی فلیپ پادشاه سابق فرانسه را سردار کل مینماید
شورش اهالی مملکت پرو بر رئیس خود و عزل او و جنگ آن دولت با اسپانیا اتحاد اغلبی از اهالی ینگی دنیای جنوبی
بر ضد اسپانیول

بلژیک

مابین وزیر جنگ و یکی از وکلا بر سر مسئله اختلاف شده کار بجنگ طپانچه رسیده و دولت هر دو را حبس و قید جریمه
تنبیه مینماید ناخوشی سخت لئوپلد پادشاه و فوت او در سن هفتاد و پنجسالگی جلوس لئوپلد دویم پسرش در
سن سی سالگی بروز ناخوشی طیفوس بطور وبائی و شیوع در این مملکت و سرایتش از هلاند

چین

پرنس کنگ از اقوام سلطنت که سمت صدارت داشت در مدت شش ماه مغضوب میگردد یاغی گری سخت در سمت
شمال چین قلعه تاکو که عساکر انگلیس و فرانسه گرفته و خسارت جنگ نگاهداشته بودند تخلیه میکنند

دانمارک

ملاقات سلاطین دانمارک و سود با یکدیگر اهالی دانمارک بپادشاه سود اظهار کرده باید و شاید مهربانی نمیکنند و
جهة کمک نکردن در جنگ اطریش و پروس است

روس

شورش لهستان مبدل بنظم گردیده و از آن بعد جمیع امورات که راجع بلهستان است از مالیه وغیره بجای اینکه مثل
سابق در ورشو مجلس معینی از برای تحقیق و اجرای این مطالب باشد در پطرزبورغ مرکز دولت روس خواهد بود
مسافرت اعلیحضرت امپراطریس به نیس بندر فرانسه و فوت گراندوک نیکلا پسر اعلیحضرت امپراطور که سمت ولیعهدی

در سن بیست و سه سالگی — دولت را داشته در این بند فتوحات عساکر روس در سمت خوقند که جزء پای تخت خان خوقند سایر ایالات او را بحیطه تصرف
در آورده اند فتح تاشکند و سمرقند متنازع عساکر روس با امیر بخارا مراوده تلگرافی از تفلیس با ایروان و نخجوان و ایران
بروز بیمهٔ و بائی در سمت سپهر و بروز وبا در سمت جنوب قفقاز

ژاپن

سفرای انگلیس و فرانسه و هلاند و اتازونی بطیقون امرار میمایند که امضای عهدنامه که ده سال قبل از این دول
مذکوره با ژاپن بسته اند از میکاد پادشاه حقیقی و حاکم مطالبه نماید و چون تهدید ثمری نبخشید سفرای مذکوره
با کشتیهای جنگی خود شان بندر ازاکا را معسکر قرار داده مزبور و اسلحه و عهدنامه مزبوره را مطالبه نمودند طیقون
جمعی از نجبای اهل بلد را که از محارم میکاد و مانع امضای عهدنامه بودند گرفته حبس نمود تا امضای عهدنامه مذکوره
را گرفت و بعد از گرفتن آن سفرای دول مراجعت بسفارتخانهای خود نمودند

عثمانی

شورای خاصی از وزرا که در هر هفته یکبار اجزای این شورا در حضور اعلیحضرت سلطان حاضر شوند برقرار و بواسطهٔ
ورود زوار مکه در تمام ممالک عثمانی و سرایتش از راه بغداد با ایران فقط در اسلامبول در ظرف هفتاد روز سی و
پنجهزار نفر تلف میشوند و بواسطه با نفتن دو هزار و پانصد خانه طعمه آتش میشود والی منتنگرو بوین سفر نموده
دوستی دولت اطریش را برای خود میطلبد

فرانسه

طبع جلد اول تاریخ ژول سزار قیصر روم از تالیفات اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه امیل ولی ویه که یکی
از وکلای دست چپ و برهنه دولت بود مایل بطرفداری دولت میشود گفتگوی سخت مسبوطی در مجلس پارلمان بر ضد
در ایجاد — دولت که چرا حمایت از ایطالیا نمود فروش قسمت زیادی از جنگلهای فرانسه که متعلق بدولت بود خیال دولت بایک
اکسپوزیسیون برای دو سال بعد مسافرت اعلیحضرت امپراطور بالجزایر و نیابت سلطنت امپراطریس زوجه او
ورود امیر عبدالقادر والی سابق الجزایر که در شامات مسکن داشت بمملکت فرانسه مسافرت اعلیحضرت امپراطور
الجزایر چهل روز طول کشید مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس ببو بیر ملاقات خانواده سلاطین
فرانسه و اسپانیا در سنت سباستین ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امپراطور در بیارینس بروز وبا در
بعد بیاد پس — مارسیل که از اسکندریه مصر آمده بود در ظرف یکماه در پاریس شش هزار و چهار صد نفر هرنده دولت فرانسه دول
فرنگ را دعوت میکند که در اسلامبول مجلس شورائی تشکیل دهند برای حفظ صحت با ینمعنی که چون بروز وبا در
این سنوات غالبا از سمت حجاز میشد و بواسطه زوار سرایت کرده باغلب بلاد ربع مسکون میرسید قراری برای

تنظیف و اینچه بجهت عدم سرایت و بروز این مرض لازم است در این مجلس داده شود در الجزایر طغیان سیل در بعضی
از نقاط خرابی کلی رسانید فوت مارشال ماینان از سردارهای فرانسه

مکزیک (از ینکی دنیا)

ایجاد نشانی موسوم بعقاب مکزیک ایجاد یکدسته قشون داوطلب اطریش و یکدسته قشون داوطلب بلژیکی در مکزیک
جنگ هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیک با امپراطور مکزیک در اغلب نقاط ژوارس اعلان رسمی میکند
و خود را همیشه رئیس جمهوری میداند و وضع سلطنتی مکزیک را قبول ندارد تا آنکه تمام ملت بدون استثنا نصب نمایند
وضع سلطنتی او را امضا نمایند مالیات مکزیک در اینسال صد و دوازده ملیان فرانک که معادل بیست و دو کرور و
دویست هزار تومان باشد بود مخارج دویست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل و پنج کرور تومان ایران باشد و کسر — ایران
اتازونی و سالطنت فرانسه را هیچ جبر قبول نمیکند که وضع سلطنتی را در مکزیک بشناسد

ینکی دنیای مرکزی

شورش سخت در سالسال و ادور و هندوراس

یونان

یکی از اعمام پادشاه پرنس ژول بواسطه بدرفتاریکه علت کرده بود دولت او را از پای تخت جلای وطن میدهد تغییر و
تبدیل وزرا صحبتیکه دول فرنگ یونان را تهدید کردند که اگر اینفقره را ترک نکند در امور داخله او مداخله خواهند کرد
ایجاد اول کلیسای کاتولیکی در پای تخت

وقایع سال نوزدهم سلطنت و شهریاری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و سلطانه مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و دو هجری اودئیل

ترکی

در این سال فرخنده فال کلیه امور سلطنت و ترفیه حال رعیت باصابت رای مملکت آرای شاهانه زیور کمال داشته تعزیه
خوانی دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد چون بازار اکسپوزیسیون در بندر بمبئی افتتاح میبایدا دولت علیه
در این باب استمداد میمایند ولیعهد دولت روس استقبال نموده و بواسطه تلگراف اعلیحضرت همایون اعلیحضرت امپراطور
روس را تسلیت گفته و از جانب اعلیحضرت امپراطور جوابهای مودت آمیز اظهار میشود علینقی خان سرتیپ فوج سیم
کرازی بمنصب سرتیپی دویم سرافراز گردید افواج کروسی مقرر شد منحصر بیکفوج تمام باشد که عبارت از یکهزار و
صد نفر است و اینچه علاوه بر این عده است معاف باشند قفسهای طیور و وحوش که در باغ لاله زار ساخته بودند — برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی
افزوده و رونقی دارد پانصد سوار از ترکمان مروی بعزم تاخت صفحات خراسان آمده بودند و یکی از قرای قاین را

ناخته سردار عبدالباقی خان که شهاب الملک او را با سیصد نفر سوار مجراست سرحدات جام فرستاده بود خبر شده انها را
تا کنار رود هرات تعاقب کرده انها اینچه را بغارت برده با اموال خود بکنار رودخانه گذاشته خود باب زدند و چون
اب رودخانه طغیان کلی داشته غرق و روانه دیار عدم گردیدند و متروکات انها بتصرف عساکر منصوره در امد سواران
شاهسون اینانلو و خراسانی نیز ترکمه قرباب و سایر اشرار صفحات را منهزم و تنبیه نموده اند در قریه قراکول [illegible]
از قرار مذکور مرغابی عظیم الجثه با گلوله زده اند که نیم من ارد در پوست سران و هجده من در پوست بدن انجای داده اند
در نصرت اباد کرمان زلزله شدیدی شده قلعه قدیم انجا را منهدم ساخته ولی قلعه جدید بنا بر پروانتی که دارد محفوظ
مانده است موکب همایون روز بیست و پنجم محرم چون هوای این صفحات گرم شده بود بطرف لار و فیروزکوه انتهاض فرمودند
نواب والا عضد الدوله را بحکومت قزوین مامور فرمودند میرزا موسی وزیر دار الخلافه که هشتاد و چهار سال عمر کرده
بود شب نوزدهم محرم مرحوم شد این اوقات دستخطی بافتخار جناب سپهسالار اعظم میرزا محمد خان شرف صدور یافت
که سواد ان از قرار ذیل است

صورت دستخط جهانمطاع مبارک

نظم دار الخلافه طهران و توابع ان از عمل خالصجات دیوانی و غیره از تاریخ بیست و سیم محرم الحرام سنه ۱۲۸۲ اودئیل ما
بعهده جناب سپهسالار اعظم محول و موکول فرمودیم و بنیک و بد کل امور دار الخلافه را از ایشان میخواهیم

چون حاجی قوام الملک متولیباشی سرکار فیض اثار امام ثامن علیه السلام در شانزدهم محرم داعی حق را لبیک اجابت
گفته میرزا محمد حسین عضد الملک که باین خدمت مسبوق بود بمنصب متولیباشی گری ان استان مفتخر گردید جناب میرزا
حسینخان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه مقیم دربار عثمانی را بلقب نبیل مشیر الدوله ملقب فرمودند پاشاخان
امین الملک و میرزا هاشمخان امین خلوت را از خلوت خاص خارج فرمودند تحویلداری وجوه خاص صرف جیب مبارک یحیی خان
اجودان مخصوص حضور همایون مرحمت شد تفنگداری و ریش سفیدی و دربانی خاص بعلاوه منصب مهرداری مهر مبارک خلوت
باعتماد الملک اقا محمد حسن صندوقدار سابق اختصاص یافت اسلحه خانه و کتابخانه مبارکه بحاجی رحیمخان صندوقدار
حالیه سپرده شد تحویلداری دفتر دولتی مخصوص اقا علی (امین حضور) پیشخدمت خاصه گردید سرتیپی سواره ابدالی قزوین که
سابقا بعهده محمد رحیمخان سرتیپ زند محول بود و چندی از این منصب عاطل و در ثانی بمشار الیه محول گردید راه گیلان بعراق
و پلهای عرض راه و چاپارخانهای جدیده را که حسب الامر میساختند باتمام رسید موکب همایون که تشریف فرمای لار و
فیروزکوه بود پانزدهم ربیع الاول عودت بنیاوران فرمودند نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم بیکقبضه شمشیر مرصع
مفتخر گردید حکومت خوی را باسکندر خان سردار مرحمت فرمودند هزار و هشتصد نفر سواران تراکمه مرو و ساروق بعزم تاخت
سرحدات خراسان امده بودند ولی از استعداد سپاه منصور که در ان ثغور ساخلو میباشند خبر شده بی نیل مقصود باز
گردیدند چند دستگاه کالسکه که جعفرقلی بیک نایب کالسکه خانه دولتی از مملکت روس خریداری نموده وارد سرحد ایران

کرده است جناب علاء الدوله در امور حکمرانی ولایات خمسه مساعی اندوخته خالصانه بکار برده کمال خوبی و دقت
مینمایند نواب والا احتشام السلطنه مامور حکمرانی مملکت فارس گردید و حضرت اجل افخم شاهنشاهزاده والا امین
الدوله بجهت عروسی و انجام امر خیر ایشان احضار بدار الخلافه شده اند امیر الامراء العظام حاجی محمد قلیخان قاجار [illegible]
حضور همایون مباهی گردید ریش سفیدی عمله خلوت خاص همایون بحاجی محمد خان حاجب الدوله فراشباشی اختصاص
یافت منصب امام جمعگی مشهد مقدس را بمیرزا هدایت الله ولد مرحوم حاجی میرزا عسکری امام جمعه مرحمت فرمودند و
میرزا اسد الله برادر کوچک نواب معزی الیه نیابت او برقرار گردید میرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب والا عماد الدوله از جانب
نواب معظم الیه بحکومت لرستان رفت کتاب گنجینه مرحوم میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله طبع شده بفروش میرسد کتابچه
قانونی برای انتظام نظام ظفر فرجام حسب الامر جناب سپهسالار اعظم وضع و ترتیب داده مقرر فرمودند که طبع شود
و از همان قرار رفتار کنند موکب همایون روز ششم شهر ربیع الثانی بجهت گردشهای شمیران تشریف فرمای ییلاق شهرستانک
شده روز بیست و نهم این ماه معاودت بسلطنت اباد فرمودند حکومت [illegible] بنواب شاهزاده معین الدوله واگذار
نمودند محمد اسمعیل خان وکیل الملک وزیر کرمان بلقب جلیل سرداری ملقب گردید یحیی خان اجودان مخصوص حضور
همایون باعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرتیپی سرافراز امد میرزا قهرمان مستوفی نظام اذربایجان بلقب مشیر
لشکری مفتخر گردید میرزا اسد الله خان نایب الحکومه ملایر و تویسرکان بمنصب نیابت دوم وزیر علوم و لقب مقرب الخاقانی
مباهی امد نوروردیخان ترکمان با سه چهار هزار نفر جمعیت قصد تاخت و تاز در جز و [illegible] نموده بود ولی
استعداد قشون ظفر نمون مانع نیل مرام انها شده متفرق گردیدند ملخ زیادی بکرمان امده و اوراق اشجار را بکلی خوردند
ولی عجایب انکه درختهای عریان دوباره برگ و شکوفه اورده موکب همایون روز سیم شهر جمادی الاخره از ییلاق شمیران
تشریف فرمای دار الخلافه گردیدند بعد از وضع میدان ارک و طرح حوض وسیع در ان و غرس درخت و باغ در دو طرف حوض
و نصب ستونهای سنگی بفاصله چهار ذرع جلو باغها و مجر چوبی در فواصل ستونها محض اینکه ساحت چنین میدانی
از امد و شد دواب که حمل اجناس میکنند مصون باشد حکم شد در جانب شرقی ارک همایون دروازه از خارج صحرا
بشهر قرار دهند و خندق شرقی ارک را انباشته با سطح زمین برابر کنند و خیابانی عریض نهاده بازار تشکیل دهند و
این اوقات این جمله صورت انجام یافته است جناب خیر الله افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که در ایران
مامور اقامت دربار همایون است از اول ورود بسرحد پذیرائیهای کامله معموله از جناب معزی الیه نموده با تشریفات لایقه
وارد دار الخلافه باهره گردید یحیی خان اجودان مخصوص حضور همایون باعطای یکقطعه کمر مرصع مفتخر گردید راه هزار
جم مازندران که از مسالک صعبه بود و در سال گذشته کاسکر خان مهندس بمساوی ساختن ان راه مامور
شده بود این اوقات این خدمت را بانجام رسانیده و نهایت مایه اسایش عابرین گردیده حاجی میرزا یحیی خان نا

بلده نور و کجور نیز در امداد کاسکرخان بانجام خدمت مزبوره مساعی وافیه نموده است مصطفی خان سرتیپ اول که در سفر کرگان خدمت کرده بود بمنصب جلیل امیر تومانی سرافراز شد نواب شاهزاده عضدالدوله حکمران قزوین بیک قطعه نشان از درجه دویم مرتبه نایل کردید محمد صالح خان سرتیپ سیم چون در ماموریت بستان خدمت نموده بمنصب سرتیپی دویم سواره برقرار امد علیخان پسر نظام الدوله بمنصب سرتیپی سیم مفتخر کردید چون سابقا اب جاری در شهر رشت نبود اهالی بدینجهت کرفتار عسرت بودند این اوقات امیر الامراء العظام محمد قاسمخان والی کیلان برای عمارت مبارکه ناصری نهری حفر نموده محض اسایش و رفاه حال اهالی نهر را بچند شعبه منشعب ساخته هریک شعبه را بمحله جاری ساخته است میرزا بزرک خان بکارپردازی بغداد مامور کردید باعتماد السلطنه حاجی علیخان را بوزارت موقوفات و وظایف ممالک محروسه سرافراز و منصوب فرمودند محمد ابراهیم خان سهام الملک بمنصب سرتیپی اول مفتخر کردید یوسفخان سرتیپ اول که در سفر کرگان خدمت کرده بود ملقب بشجاع الدوله شده باعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی کردید محمد حسنخان سرهنگ فوج کلهر بمنصب سرتیپی سیم نایل امد احمد میرزا پسر امیر تیمور میرزا بمنصب نایب اجودانی مرتبه دویم مفتخر کشت حسنخان پسر مرحوم میرزا کوچک خان نیز بهمین منصب سرافراز شد علی اکبرخان پسر حسینخان سرتیپ فوج منصور بمنصب نایب اجودانی از درجه سیم برقرار کردید در طوایف اکراد در عراق زنی مولودی اورده که دو سر دارد یکی بجای خود و دیکری از بازوی چپ برامده همه چیز هر دو بجا و زیاده از قاعده مو دارد و عند التولد هر دو سر دندان داشته و علاوه بر دو دستی که در پیش داشته یکدست نیز بر بازوی مولود بود و این دست از ساعد بپایین دو دست شده که در واقع چهار دست میباشد و هر دو صورت زیاده شبیه بیکدیکر مکر انکه یکی سر و کوشش بزرکتر است در مکران و جالق و طبس و بای شدیدی بروز کرده است جناب مسیو لکونت دماسیناک که برسم وزیر مختاری و ایلچیکری مخصوص از جانب دولت فرانسه مامور اقامت دربار همایون شده بود از اول ورود بسرحد تا ورود دار الخلافه هر جا مراسم اعزاز و تشریفات معموله لایقه درباره جناب معزی الیه بعمل امده روز غره شهر رجب وارد دار الخلافه کردید مجلس تحقیق دیوان نظام برقرار و نواب والا معزالدوله بهرام میرزا بریاست این مجلس منتخب کردید که مطابق فقرات کتابچه قانون نظامی بامور نظامی رسیدکی نمایند و اشخاص مفصله ذیل از اجزای عمده این مجلس میباشند (حاجی شریفخان مستشار لشکر) (میرزا عباسخان معاون الملک) (میرزا حبیب الله لشکرنویس) (میرزا فضل الله خان نوائی) (جهانکیرخان سرتیپ) (میرزا ابوالقاسمخان علی ابادی) میرزا بزرکخان که در ایام ماموریت بکارپردازی سابق ارزنة الروم و بغداد مصدر خدمات شده باعطای نشان سرتیپی اول با حمایل مخصوص ان سرافراز شد عسکرخان که در لوازم مهمانداری سفرای دول فرانسه نموده و حسن رفتار او مشهود کردیده باعطای یکقطعه نشان سرتیپی از درجه سیم با حمایل ان سرافراز شد میرزا صادقخان کارکذار خارجه استراباد بیکقطعه نشان

ازدرجه

از درجه سیم سرتیپی و حمایل ان نایل کردید حسینخان پسر جناب سپهسالار اعظم بنیابت جناب معظم بریاست توپخانه مبارکه مفتخر و برقرار امد نصرالله خان سرتیپ سیم بمنصب سرتیپی دوم سرافراز کشت حاجی میرزا یحیی خان نایب الحکومه بلده نور و کجور باعطای یکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی مباهی کردید منصب سرهنکی فوج ششم شقاقی را بعلیقلی خان جوانشیر مرحمت فرمودند میرزا علیخان پسر مرحوم میرزا حسن خان بمنصب سرهنکی توپخانه مبارکه برقرار امد در ماه شعبان امتحان مدرسه مبارکه دار الفنون امتحانی مفصل نموده مدارج زحمات شاکردان و اهتمامات نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم درجه استحسان فوق العاده یافته بهر یک از ایشان بتفصیل ذیل مراحم فرمودند (میرزا رضای مستوفی پسر معین الملک نشان سرتیپی اول) (جعفرقلیخان رئیس مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم و خلعت همایون) (محمد حسینخان ناظم مدرسه نشان و حمایل سرهنکی و خلعت همایون و صد و پنجاه تومان انعام) (مسیو نرله ناظم علوم مدرسه نشان از درجه دوم خارجه) (میرزا عبدالغفار معلم ریاضی نشان سرهنکی و پنجاه تومان اضافه مواجب و خلعت همایون) (ذوالفقارخان سرهنک مهندس نشان و حمایل سرهنکی) (میرزا نصرالله خان نشان و حمایل سرهنکی) (میرزا عباس ولد حاجی میرزا جبار نشان و حمایل سرهنکی و لقب خانی) (مصطفی قلیخان سرهنک توپخانه نشان و حمایل سرهنکی) (محمد تقی میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا اجودانی مدرسه نشان طلا و بیست تومان اضافه مواجب) (مسیو کاولیان معلم درس زبان نشان از درجه سیم خارجه) (میرزا کاظم معلم طبیعی خلعت همایون و بیست تومان انعام) سایر نیز هر یک بقدر رتبه و فراخور رتبه خود بموجب نشان و انعام و مراحم ملوکانه مفتخر کردیدند معین الملک خوانسالار بمنصب سرداری قشون مازندران و کیلان سرافراز شد حسینخان شهاب الملک بمنصب جلیل امیر تومانی قرین افتخار امد میرزا عبدالله منشی اول و نایب دویم سفارت پاریس باعطای یکقطعه نشان سرهنکی از درجه دویم نایل امد میرزا ابوالقاسم پسر میرزا مهدی مستوفی بمنصب استیفای دیوان اعلی سرافراز کردید مصطفی قلیخان عرب غلام پیشخدمت بنیابت اردستان برقرار کشت رباطات عرض راه کرمان را حسب الامر تعمیر مینمایند و مقرر است که هر جا رباط جدیدی لازم باشد از نو بنا کنند حاجی شهاب الملک امیر تومان بریاست قشون خراسان مامور کردیده در همدان حسب الامر مقرر شد تعمیرات کلی از مساجد و مدارس و سایر ابنیه نموده اند همچنین در شوشتر و دزفول و سایر صفحات عربستان تعمیرات نموده و ابنیه جدیده بنا کرده اند نواب والا عبدالصمد میرزا (عزالدوله) را بحکومت همدان منصوب فرمودند و میرزا زکی مستوفی بوزارت اینولایت برقرار کردید جناب حسنعلی خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه که برای اصغای اوامر ملوکانه احضار بدربار معدلت مدار شده بود اجازه انصراف بمحل ماموریت خود حاصل نموده که در اخر ماه شوال روانه کردید و باعطای یکقبضه قمه مرصع قرین افتخار امد نصرالله خان زنبورکچی باشی بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد میرزا تقی لشکرنویس تفرشی بمنصب لشکرنویس باشی خراسان مامور کشت اللهوردیخان سرتیپ توپخانه مبارکه بمنصب سرتیپی اول

واعطای نشان و حمایل از درجه مزبوره مباهی گردید محمدخان حاکم زنبیک قطعه نشان از درجه سرتیپی با حمایل
مخصوص ان مفتخر امد اکبرخان سرهنگ فوج نهاوندی بمنصب سرتیپی از درجه سیم سرافراز شد میرزا علی نقی رشتی بمنصب لشکر
نویسی نایل گشت دارالحکومه سنندج و سایر ابنیه معتبره شهر را حسب الامر مرمت کرده اند

شب چهارشنبه سیم ذیقعدة الحرام پنج ساعت از شب گذشته افتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص
در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید روز دویم عید نوروز در تالار تخت مرمر سلام عام انعقاد یافت چون حضرت
اجل افخم شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه در فنون نظامی مرتبت و استعداد کامل حاصل نموده اند با مضای جناب
میرزا محمد خان
سپهسالار اعظم یک قطعه نشان از درجه سرتیپی اول و حمایل مخصوص ان درجه مرتبه اختصاص یافتند و نیز بموجب
استدعای جناب سپهسالار اعظم منصب جلیل کشیکچی باشیگری دیوان همایون را بمحمد میرزا پسر محمد مهدیخان مفوض فرمودند
و مصطفی خان امیرتومان برادر جناب سپهسالار اعظم بنیابت محمد میرزا بامور متعلقه بکشیکخانه مبارکه رسیدگی
مینماید محمد حسن خان پیشخدمت بمنصب تحویلداری جنس دیوانی کل ولایات ممالک محروسه برقرار گردید میرزا تقی پسر
میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب لشکرنویسی دیوان همایون سرافراز شد رحیم دلخان لیرخان زاده مرحوم جعفرقلی
خان امیرتومان بسرهنگی فوج ایلات قراچداغ برقرار امد ایوان طلای ناصری که در روضه مقدسه رضویه حسب الامر بنا کرده اند
باهتمام عضدالملک متولیباشی بپایان انجام یافته و معزی الیه را بپاداش این خدمت بزرگ باعطای یک قبضه عصای مرصع
مکلل بجواهر نفیسه مفتخر فرموده اند محمودخان پسر میرزا فضل الله خان وزیر نظام بمنصب سرتیپی از درجه سیم سرافراز
شد جان محمدخان سرتیپ سیم فوج خلج در ازاء خدماتیکه در کلات کرده بود بمنصب سرتیپی درجه دویم نایل امد حسینقلیخان
سرتیپ سواره فوج بیگلو در ازاء خدمات گرگان بنشان و حمایل سرتیپی دویم سرافراز گردید موکب همایون اواخر شهر
ذیقعدة الحرام بتصمیم سفر خیر اثر مازندران از دار الخلافه باهره انتهاض و روز عید اضحی را در شهر ساری نزول
اجلال فرمودند و روز سیزدهم شهر ذیحجه تشریف فرمای بلده اشرف گردیدند و باغ شاه که از بناهای شاه عباس است و
بنای معتبری میباشد منزلگاه موکب معلی گردید و روز بعد بتماشای صفی اباد که شاه صفی در بالای کوه مرتفعی ساخته
و عبارت از عمارت محکم خوبیکه بر اشرف و جمیع صفحات مازندران مشرف است تشریف بردند ابراهیمخان پسر مرحوم
صدر اصفهانی بمنصب بیگلربیگی اصفهان سرافراز فرمودند اقا میرزا محمود ولد مرحوم حاجی میرزا علی اصغر شیخ الاسلام
اذربایجان بمنصب شیخ الاسلامی ان مملکت برقرار گردید روز شانزدهم ذیحجة الحرام موکب همایون بتماشای عباس
اباد که در چهار فرسخی اشرف واقع است تشریف فرما گردید عباس اباد عبارت از استلیست که شاه عباس در میان
دره بزرگی ساخته که دریاچه بزرگ مملو از اب است و این اب بسه فرسخ راه اشرف و بصنایع و اطراف ان همه جنگل است
دو سه طوایف ترکمان یموت و گکلان و غیره در اشرف بخاکپای مبارک مشرف و هر یک علی قدر مرتبتهم بخلاع و

مراجم

مراجم ملوکانه سرافراز گردیدند بعد از ان موکب معلی از اشرف بناصر اباد نهضت فرما گردید و از ناصر اباد بمقیمی که در وسط
میان کاله میباشد تشریف بردند (میانکاله عبارت از ابسکون معروفست و ماشرح او را در جلد اول کتاب مراة البلدان ذکر نموده ایم)
روز بیست و یکم ذیحجه موکب همایون تشریف فرمای فرح اباد گردیده در کنار دریا نزول اجلال فرمودند و چهار فروند کشتی
دولت روس در محاذات اردوی همایون لنگر انداخته بشرایط تعظیمات مقدم مبارک اقدام نمودند و ادیب الملک پیشخدمت
که مخصوصا جهة تشریفات قدوم بجهت لزوم مقدس از جانب دولت روس باین صفحات آمده بودند
خاصه از جانب سنی الجوانب خسروانه با بلاغ مراجم پادشاهی بتهنیت اورلیانف بیرنس فرستاده جناب جانشین قفقازیه
و سایر صاحبمنصبان و معارف مامورین دولت روس مامور گردید و روز بعد مشار الیهم با شرایط اعزاز و تکریم
بحضور همایون تشرف جستند و عصر همانروز سرکار اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب بمعیت ایشان بتماشای
سفاین و جهازات روسی تشریف فرما گردیدند و یکی از چهار فروند جهاز موسوم بجهاز حاجی طرخان بود و چون اعلیحضرت
همایون مخصوصا باین جهاز تشریف ورود ارزانی فرمودند بعدها از جانب دولت روس اسم این جهاز را تغییر داده و بنام مبارک
همایون نامیدند بالجمله روز بیست و سیم ذیحجه از طرف قرین الشرف ملوکانه نشانها برای مامورین دولت روس مرحمت شد
و یحیی خان اجودان مخصوص ان نشانها را با فرامین و احکام بمیان سفاین برده ابلاغ نمود و همانروز پنج ساعت بغروب مانده جمیع
مامورین و صاحبمنصبان دولت روس را اعتماد السلطنة العلیه از جانب دولت ابد ایت دعوت کرده مهمانی بسیار شایانی
از انها نمود و تا غروب در مجلس مهمانی بودند ان وقت بسفاین خود معاودت نمودند روز بیست و چهارم ذیحجه موکب معلی از
فرح اباد بمشتلا باد و روز بعد بنهضت فرمای بندر مشهد سر شدند چون بارهای تجارتی تجار که از دریا با سفاین بدانجا
اورده اند محل محفوظی ندارد بمیرزا مسیح وزیر مازندران حکم شد انبار دولتی محکمی در مشهد سر بسازد روز بیست و ششم ذیحجه
تشریف فرمای بارفروش شدند روز بیست و هشتم امل محل نزول اجلال اردوی همایون گردید و روز غره محرم لیولرده که سپرده
بجاجرم میرزا یحیی خان نور تشریف بردند

وقایعیکه در این سال در تمام کره ارض و اقطار عالم اتفاق افتاده و واقع شده است

اتاتونی ینکی دنیا

تفویض سپهسالاری کل عساکر اتازونی بژنرال گران برقرار و ژنرال شرمان بمنصب سرداری کل این دو نفر سردار
در جنگ شمالی و جنوبی خدمات نمایان کردند در تمیز ایالات جنوبی ژفرسن دیویس که عدالتخانه حکم قتل او را صادر
کرده رئیس جمهوری اتاتونی از حبس و قتل او گذشته فقط بحبس نظر و بیرون نرفتن او از شهر مزبور اکتفا نمودند
قرض دولت در این سال معادل دو هزار و ششصد و چهل کرور پول ایران شمرده شد و دوستی این دولت با انگلیس
نیز با فرانسه نهایت متزلزل است برخلاف اتحاد اتاتونی با دولت روس طغیان سیلها و دخانها

اسپانیا

نمودش

شورش در اغلب افواج نظامی علی الخصوص در افواج سواره ساحل آن زوال پناه بردن ژنرال پریم که محرک شورش بود
استعفا را بمملکت پرتوغال شورش سخت در مادرید پای تخت اسپانیا بر پا شد و لشکر تا بستان زخم برداشتن تا ردا از رجال
دولتیکه در مقام اطفاء نایره شرار ساز بود شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیره کوبا افتتاح راه آهن از شهر
مادرید بشهر کردوه و امتداد خط راه آهن از مادرید به لیزبن پای تخت پرتوغال جنس مارشال سرانو

المان

بنا بر عهدنامه گاستین دولت پروس حکمرانی ایالت اسلسویک و دولت اطریش حکمرانی ایالت هلستین را بر عهده میگیرد
ابتدای نقار مابین دولتین اطریش و پروس در همین فقره در شورای خاصه مملکت پروس حکم بنادارک و نتیجه جنگ میشود
بالاخره دولت پروس بالصراحه میل خود را در تصرف ایالتین بدون شراکت اطریش اشکار مینماید و دولت اطریش هم
اشکارا نتیجه جنگ می بیند دولتین باویر و ساکس میخواهند طرف دولت پروس را منظور دارند اتحاد مخفی دولت
ایطالیا با دولت پروس بر ضد اطریش شورش و انقلاب در ونیز که ان وقت متعلق بدولت اطریش بود میل اهالی
ونیز بانیکه جزو ایطالیا شوند دولت ایطالیا تعجیلا نتیجه جنگ می بیند ورود ژنرال مانتوفل سردار پروس با عساکر
ان دولت با ایالت هلستین که متعلق باطریش بود ابتدای جنگ دولت پروس با دول ساکس و هانور و دولت اطریش ورود
قشون پروس بپای تخت هانور و ساکس در تابستان دولت اطریش بسرداری بندک سیصد و شصت هزار قشون در
مقابل پروس دارد دول باویر و ورتمبرک که متعهد کمک باطریش شده بودند از جای خود حرکت نمیکنند ورود قشون
پروس بسرداری نواب ولیعهد و پرنس فردریک شارل برادرزاده پادشاه پروس بخاک اطریش سرداری کل قشون
را اعلیحضرت پادشاه پروس گلیوم بشخصه قبول مینماید از طرف دیگر دولت ایطالیا بسرداری خود اعلیحضرت پادشاه ایطالیا
در سرحدات شمالی ایطالیا اردو میزنند ... قشون ایطالیا با ارشیدوک البرت سردار اطریش و شکست
قشون ایطالیا لیکن سردار اطریش بعد از این فتح بواسطه جنگی که پروس در بوهم میکند جرئت ورود بخاک ایطالیا را
نمینماید جنگ سخت مابین عساکر پروس و اطریش در بوهم مقتول شدن جمعیت زیادی از قشون اطریش بواسطه تفنگ
سوزنی جدید که عساکر پروس داشتند و در استعمال ان مسلط بودند فتح نمایان قشون پروس بعد از جنگ سخت در سادوا بیان صلح
در این جنگ از طرفین دویست هزار نفر مقتول میشوند قشون اطریش فرار اختیار ... پای تخت میرود در این بین توسط
اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه ایالت ونیز را اطریش از خود مجزی نمود جزو دولت ایطالیا میشناسد
و دولت فرانسه مابین دولتین پروس و اطریش مصالحه میشود حاصل این جنگ این شد که دولت پروس ایالتین
هلستین و اسلسویک را متصرف و مملکت هانور را نیز ضمیمه نمود و ... دولت اطریش را از تمام ممالک
المان بیرون نمود و کنفدراسیون شمالی که عبارت از ایالات و دول واقعه در المان باشد فی الحقیقه بریاست خود
برقرار ساخت و از ایالات جنوبی خسارت کلی مطالبه نمود و دولت اطریش خارج از ممالک و شبه المان

خارج و غریب محسوب شد در این بین وبای سختی در بوهم و در قشون ... خاک اطریش بروز کرد و همین فقره سبب شد
که قشون پروس ... خالی نموده با وطن خود مراجعت نمودند اسرای جنگی که در این جنگ بدست اطریش گرفتار شده بود
بیست هزار صاحب منصب و سی و پنج هزار تابین بود ... پادشاه هانور بخاک اطریش ... ایطالیا بعد از الحاق ونیز
و بعضی قطعات دیگر که تازه از اطریش منتزع شده بود ... در این سال سیصد و پنجاه و نه کرور ... عدد قشونیکه پروس
بجهة جنگ با اطریش حاضر کرده بود ششصد و پنجاه هزار قشون نظامی و هفتاد و چهار هزار چرخ و هزار عراده
توپ ... اردو ... پادشاه ساکس از ممالک خود بعد از شروطیکه تماما بجهة پروس مفید بود
تعیین مسیو ... صدر اعظم سابق مملکت ساکس بوزارت امور خارجه اطریش

انکلیس

استعداد مالیه ... مملکت انکلیس ... که در ظرف مدت یکماه صد و بیست هزار و هفتصد و چهل راس گاو و گوسفند
تلف میشود شورش و انقلاب طایفه فنیان در ایرلند افتتاح مجلس پارلمان انکلیس بعد از فوت ... شورش
اعلیحضرت پادشاه انکلیس پادشاه معظم الیها تا افتتاح این مجلس در افتتاح مجالس شخصا حضور بهم رسانیده بودند
صدارت و وزارت طایفه توری ... در وزارت امور خارجه لرد استانلی پسر لرد دربی شورش
و انقلاب در شهر لندن و اغلب نقاط ... صد و پنجاه هزار قبضه تفنگ ... معروف بتفنگ ... و پای
سخت در لیورپول و در لندن شورش اهالی فنیان در ایرلند سبب حبس چندین هزار نفر میشود ...
... که سال گذشته ممکن نشده بود امسال مستقیما از ایرلند بمملکت انکلیس ... مکالمه شد
... هندوستان بواسطه نباریدن باران در اغلب نقاط قحطی سخت شده و در ایالت ... اکثر ... جمعیت داشت
بواسطه قحطی هفتصد و پنجاه هزار نفر تلف شدند ... حبشه ... پادشاه این مملکت
نهایت ظلم و تعدی را مینماید

ایطالیا و روم

قرارداد دولت فرانسه با ایطالیا در باب وجود دو دولت مستقله در آن مملکت که یکی سلطنت پاپ در روم باشد
با حدود معینه و دیگری ... ایطالیا معاهده مخفی ایطالیا با پروس بجهة جنگ با اطریش جنگ در کوستزا با اطریش و
شکست ایطالیا در این جنگ جنگ بحری ایضا با دولت اطریش در لیسا که در این جنگ نیز برای عساکر ایطالیا فتحی
نمیباشد و بهمین جهة با وجود فتوحات پروس در سادوا دولت اطریش مضایقه دارد که ونیز را تصرفا بایطالیا دهد
عهدنامه ... مابین پروس و ایطالیا و اطریش در پراغ ... منعقد شده بموجب این عهدنامه ونیز با جمیع ...
واگذار بایطالیا میشود و مال المصالحه دویست و پنجاه ملیان فرانک که معادل پنجاه کرور تومان ایران باشد مخارج ایطالیا

دوجنگ با اطریش هفتصد و چهارده کرور فرانک که معادل هفتاد کرور و دویست هزار تومان ایران باشد رسید
استعداد لشکر پایتخت پادشاه دوازده هزار نفر است که بعضی از انها اهالی خارجه می‌باشند بروز وبای شدید در ناپل و نواحی
بپالرم بواسطه تراوده قشون

بلژیک

اهالی بلژیک کمال وحشت را از عظمت و شوکت پروس دارند و از این متوحش‌اند که فرانسه نیز بواسطه هم چشمی با پروس
درمقام توسعه مملکت خود براید و بلژیک را ملحق بمملکت خود نماید

چین

جنگ سخت با یاغیان نیان فی عزل فرمان فرمای نان کن که با فرنگیان عداوت داشت بنای معبد کاتولیکی توسط
فرانسه‌ها در پکن پای تخت

دانمارک

ازدواج پرنسس داگمار شاهزاده خانم این مملکت با نواب ولیعهد دولت روس در پائیز این سال

روس

نادیده کردن دولت روس کشیش‌های کاتولیکی را در لهستان و حرفهای سخت پاپ در این موقع نسبت بوزیر مختار
دولت روس و قطع نمودن وزیر مختار مراوده را با پاپ و عزیمت او از رومه یکی از نجیب‌زادگان روسی موسوم بکارا
کزوف بسن بیست و پنجسالگی در شهر سنت پطرزبورغ در بهار بقصد قتل اعلیحضرت امپراطور را مینماید ولی بمقصود
خود نرسید مجلسی برای تحقیق این عمل بر پا است از زوال مواجب منعقد و گفتگوهای طولانی میشود و حدس کلی
میزنند که شرکت لهستانیها در این عمل تمام است و رفقای بسیار از این مقصر بدست میایند که همه کمونیست‌های روسی
میباشند پرنس گاگارین بریاست مجلس اجزای این تحقیق برقرار شده حکم قتل این مقصر را صادر و در پائیز همین ماه
سپتامبر بقتل میرسد حرکت ناگهانی چراکسه و تصرف نمودن انها سخوم قلعه را جنگ روس با امیر بخارا بهانه اینکه یکی از
سفرای این دولت را نگاهداشته و غلبه دولت روس بواسطه از دست دادن خجند بخارا از خوقند جدا میشود و فوت نیز
مواجب سربازها معروف و مزاوجت نواب ولیعهد دولت روس با پرنسس داگمار دانمارکی و از انجا که پرنسس مشارالیها
نامزد ولیعهد مرحوم برادر مهتر ولیعهد حالیه بود که سال قبل وفات نمود محض اینکه این مزاوجت باشکون باشد صدقات
بسیار از قبیل بخشیدن مقصرین و گذشتن از بقایای ولایات مبذول نمودند دادن لقب سپهسالاری بگنت برگ افتتاح
چراغ گاز در شهر مسکو در قلعه ارک کرمان و تقدیم تشریفات مذهبی

ژاپن

بازشدن بنادر اساکا و هیگ برای اهالی خارجه بموجب عهدنامه‌ها از قرار نرخنامه حالیه مأمورین دولت فرانسه
داد در یدو پای تخت در کمال احترام پذیرفته شد قرارنامه استیدولت با دول انگلیس و فرانسه و اتازونی و پنج باد در باب پنج و
صد و پنج از قیمت اجناس وارده انها برای این و در باب تعیین نرخ مسکوکات معموله بوده و تعیین حقوق اهالی ژاپن
در دول خارجه معامله تجارتی با ایطالیا جنگ داخله نقار مابین دایمیوها که عبارت از اعیان بعضی ممالک باشد جنگ
مابین طیقون پادشاه جسمانی و شاهزاده شواچو و فوت طیقون و برقرار شدن شاهزاده مناسبی بجای او
زلزله و طوفان در یوکوهوما

سویس

در ژنو از جانب یکصد و شصت هزار نفر عمله مجلسی از وکلا برای بعضی مذاکرات منعقد شده و اغلب اجزای این مجلس
فرانسه و انگلیس هستند و کمتر المان و ایطالیائی این وکلا شکایت از زنها از بابت کار کردن انها در کارخانه‌ها و
مدعی‌گری انها با مردها در این باب دارند

عثمانی.

شورش طایفه مارنیت در محال لبنان در سمت جنوب شرقی ترپیلی بسرداری یوسف کارام داود پاشا حاکم عیسوی
لبنان لشکر امدادی از دمشق و بیروت گرفته با وجود این نمیتواند این طغیان را دفع نماید یوسف کارام فرار مینماید
ولی باز طغیان را محرک است و امداد میدهد و ابتدا پناه بجاکر شام که با داود پاشا عداوت دارد میبرد ولی
بی ثمر است بعد ملتجی بقونسولهای اروپائی میشود انهم مفید فایده نمیگردد اخرالامر بالجزایر میرود و مدتی در انجا
اقامت میکند در تونیس علی ابن غذاهم رئیس شورش و طغیان اخری گرفتار و محبوس میشود و مالیات بسیار افتاده را
بزور اسلحه دریافت میکنند خدیو مصر از اعلیحضرت سلطان عثمانی اجازه حاصل مینماید که بعد از او پسر او
مستقیما وارث و جانشین او باشد چونکه در دولت عثمانی و خانواده ولاة مصر سلطنت و ولایت بارشد طایفه
میرسید نه مستقیما باولاد برقرار شدن مجلس وکلای ملت در مصر تقلیدا باعلیحضرت سلطان عثمانی قرار داد خدیو
مصر را با کمپانی نهر مجمع البحرین سوئز سرکشی و طغیان مجلس شورای ممالک افلاق و بغدان بر ضد پرنس
کوزا والی و معزول شدن او میل و خواهش اغلب امنا و ملت باتحاد مملکتین افلاق و بغدان برقراری وکلای ملت
دولی که عهدنامه سنه هزار و هشتصد و پنجاه و هشت پاریس را امضا کرده بودند از دهم ماه مارس وکلای مجلس
منعقد در پاریس مقرر شد و همه سوای دولت روس مصر بقبول و برقرار شدن اتحاد افلاق و بغدان میباشند
در ژراسی اهالی باغارستان و ارامنه و روس برخلاف این اتحاد حرکت میکنند ولی هیچ ثمری نمیشود و لشکر مخصوص
ملداوی انها مطیع میسازد پرنس شارل هوهن زلرن بسن بیست و هفت سالگی که سلطان فوجی از افواج
پروس و یکی از اقوام نزدیک اعلیحضرت پادشاه پروس است محل وثوق مملکتین افلاق و بغدان و بوالیگری

منتخب میشود در بهار امسال پرنس شارل وارد بوخارست پای تخت افلاق بغدان میشود بر قرار شدن وکلای
ملی و رسم مظبطهٔ انتخاب کنندهٔ ولایت افلاق و بغدان و سوگند پرنس شارل بباقی و برقرار داشتن این رسم و قانون مساوی پرنس
شارل به ممالک افلاق بغدان و توسط پرنس اسپهیلیه در باب عالی از پرنس شارل و رفتن پرنس شارل بباب عالی و در یافت
نمودن از دست اعلیحضرت سلطان عثمانی امضای والی گری خود را و پذیرائی قنسول روس از پرنس شارل هنگام مراجعت او
در کمال احترام و امتناع وزرا و تنها او و نطق پرنس شارل بزبان فرانسه مبنی بر میل و محبت جمیع دول نسبت باو امضای
قرارنامه ما بین دولتین عثمانی و روس در باب مدت شد سفاین در دو دخانه پروت اغتشاش در ملیبارستان بجهت آزادی
وداگذاشتن دولت عثمانی با اهالی قره داغ مرتعی را که از سنه هزار و هشتصد و پنجاه و نه متنازع فیه بود اغتشاش در جزیره
کریت در میان طوایف کوهستان در سمت شمال که انه بجهت افزودن مالیات و عوارض انعقاد مجالس علیحده در ولایات غربی
بجهت تشکی از دولت عثمانی و ابرام در وصول بمقاصد منظوره خودشان و عریضه دادن مجلس مرکزی بباب عالی
از جانب طایفه یونانی در این عریضه چند فقره عرض مندرج است اولا زیادی مالیات ثانی تعدی عمال عثمانی ثالث
عدم مساوات مذاهب و بیخبر بعضی بر بعضی رابع تظلم از نداشتن آزادی شخصی و انتخاب اجزای حکومت اعلان اهالی کریت
بقنسولهای دول در باب صلح تکرار و افراشتن علمهای یونانی و اظهار میل برعیت یونان اهالی اسفاکیا اظهار
میل باتحاد و الحاق بدولت یونان مینمایند انعقاد مجالس متعدده در کل ممالک یونان بجهت معاونت بهم وطنان و
برادران دینی خود که تبعهٔ عثمانی هستند تکلیف نمودن ژنرال کالرژی برکه در کریت متولد شده است بپاسکیفنو در امنع
کردن پادشاه یونان او را از قبول این ریاست بجنگ آوردن یاغیان اسلحهٔ متفرقه از راه شامات جزایر قبرس و سیرو
مملکت بهر در تزلزل و اضطراب است دولت عثمانی قشون زیادی که اغلب آنها مصری میباشند جمع آوری مینماید نفاق
سرداریهم پاشای مصری با اسمعیل پاشا حکمران جزیره سفارت بیثمر مصطفی پاشا که قدیم کاتب از اسلامبول
بجهت دلالت یاغیان بصلح و مامور شده همین سفیر به کریت کی قشون بحمایت سفرای مختار فرانسه و انگلیس از سفیر عثمانی
در آتن پای تخت یونان و ریحتار روس مقیم آتن فی الجمله از سفیر مزبور حمایت مینماید سفیر فرانسه موسوم ببادکی که سابقاً
وزیر
مقیم در اسلامبول که بعدها امور خارجه شد مانع اتفاق یونانیها است از اول ماه ستپامبر هجوم در بالا دستها کانه جنگهای خونر
ریز بهم میرسد چندین هزار از خانوادها یونانی بواسطه سفاین روسی و انگلیسی از وطن خود که خاک عثمانیست مهاجرت
کرده بجزایر و بلاد یونان میروند و در آنجاها با کمال عسرت بتحصیل معاش خود میپردازند ولیکن با انتظار کشتها
متحمل گرسنگی و سرما شده میشوند جنگ پاس امیر یونانیها کرت با عثمانی بود انگلیس و فرانسه مایل بحرکات و رفتار یاغیان نیستند
بلکه برضد آنها میباشند کشتی بخار یونانی موسوم به پانهلنین دفعهٔ هفتم است که از میان سفاین عثمانی که دور جزیره را
گرفته گذشته آذوقه و ماکولات به یونانیها میرسانند اتفاق دولت فرانسه و دولت روس در تغییر رای نمودن کنیله و سو

بعقبه

بعقبه حضرت عیسی دادور شلیم به یولی خزانه عثمانیه که بواسطه منافع و وضع شما هست که بابت دوماه تدبیر کند
از عهده بر نیامدند صدارت محمد رشدی پاشا بجای فؤاد پاشا منعقد شدن مجلس حفظ الصحه در اسلامبول که اجزای
این مجلس از دول خارجه باشند یکی از مذاکرات و قراردادهای این مجلس این است که حاج در صورتیکه وبا در میان آنها باشند
مراجعت از راه دریا ننمایند بروز وبا در اسکله عثمانی و سرایت آن با وبا در تمام مرکز و شمال بن اقلیم تا اهالی دربلژیک
و فرانسه و انگلیس و سیکلادن آناتولی و جزایر انگلیس

فرانسه

در افتتاح مجلس شورای امپراطور وعده میدهد که بجهت دفع مغایرت ما بین فرانسه و ایتالیا عساکر خود را از مملکت پاپ
احضار نماید در مجلس وکلای دولت پروسی که یکی از وزرا است بالصراحه تکلیف میکند از طرف اعلیحضرت امپراطور که از برای
نظم و آسودگی ملت قدر کامل دشمن دولت لازم است اشتهار اتحاد باطنی پروس و ایتالیا با فرانسه بر ضد دولت اطریش
که در عوض دولت پروس از سرحدات آلمان که طرف رودخانه رن است بتصرف دولت فرانسه دهد یا اگر دولت فرانسه
بلژیک را بخواهد متصرف گردد دولت پروس و ایتالیا بیطرف بوده سکوت کنند نطق معروف مسیو طیر در این موقع
که با کمال سختی مذمت پروس و اطریش را میکند که این دو دولت قوی بیجهت حق بدولت دانمارک که ضعیفترین دول
فرنگست حمله بردند و تکلیف بدولت فرانسه میکند که وجها من الوجوه نه ظاهرا و نه باطنا در منازعه ما بین پروس و اطریش
مداخله ننماید بعضی روزنامها که تمجید مسیو طیر را در این موقع نموده اند حکم بمنع انتشار آنها صادر کرد بیکبتهٔ اعلیحضرت
امپراطور ناپلیون بوزیر امور خارجه فرانسه در این مورد معروفست خلاصه آن این است که ما مستقیما در صدد الحاق
بعضی ایالات سرحدی بمملکت خود نیستیم لیکن اگر تغییرات در نقشه اروپ روی دهد و در هیئت یکی مایل دولت معظمی
ایجاد شود ما مجبور باین هستیم که امتداد در حدود و ثغور خود دهیم علی الخصوص اگر شهرهایی که منظور است جزو
فرانسه شوند اهالی آنجا بطیب خاطر تبعیت ما را کنند در این موقع طرح جوابی خواسته بودند که او را منع کردند و غلغله
سختی از طرف دولت بروزنامهای مملکت شد که در این جنگی که اعلان شده ما بین پروس و ایتالیا و اطریش از یکطرف
و ایتالیا و اطریش از سمت دیگر اظهار رای نکرده بهمان وقایع نگاری اکتفا کنند تا اینکه بعد از شکست سادوا که در اوایل
تابستان روداد دولت اطریش بالطبع مخالفت و ساطت دولت فرانسه را طالب گردید و بتلافی این وساطت با آنکه
ونیز را که آن زمان جزو دولت اطریش بود و هنوز ضمیمهٔ دولت ایتالیا نگردیده بود اعلیحضرت امپراطور اطریش بدولت
فرانسه واگذار کند که بعد دولت فرانسه بمیل خاطر بدولت ایتالیا ببخشد انتشار این خبر اسباب خوشحالی و شعف
در تمام مملکت فرانسه گردید لیکن این خوشحالی و شعف دوامی نبود بعد از چند روزی که خیالات دولت پروس واضح
شد و دانستند که مقصودش خارج کردن دولت اطریش از جمع دول آلمان و بزرگ نمودن خود از طرف شمال است

وهمینکه تیر انداز اسپانیول دولت فرانسه ملتفت شد که کاری از دست رفته و علاج ندارد نتیجه خطبه های

مسیو طیر و همراهان او توقیف معلوم شد

بندرت که سفیر کبیر فرانسه است در برلن با مسیو بیزمارک صدر اعظم ملاقات نموده برای دولت فرانسه جمعی مطالبه میکند و جواب یاس یا وعید هنوز استعفای دروان دلونیس از وزارت خارجه و نصب دار کید موئیه سفیر کبیر دولت فرانسه در اسلامبول بوزارت امور خارجه ناخوشی سخت اعلیحضرت امپراطور که سه ماه متوالیا امتداد بود مسلح نمودن قشون فرانسه را بتفنگ جدیدیکه مسمی بتفنگ شاسپو است عده قشون فرانسه را اسما آنچه اعلان نموده اند دو کرور و دویست و سی و دو هزار و دویست و پنجاه نفر بود جنگ مکزیک غیر از توپخانه موجودی که دولت در جبه خانه های متعدد داشت جه نقدیکه مصارف این قشون رسید معادل شش کرور تومان پول ایران بود جمعیت فرانسه بموجب تعداد نفوس امسال هفتاد و شش کرور و شصت و هفت هزار و نود و چهار نفر بود برفهای سخت در پاریس و در نقاط دیگر طغیان آب و خانه ها در داخله مملکت و خرابی ساختن آنها ورود سفرای مارک بپاریس شورش سپلو لود در الجزایر ملخ خوارگی سخت در الجزایر فوت ماری املی زوجه لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه در انکلیس فوت تونال از معارف رجال دولت صدور فرمان بواسطه فرانسه و انکلیس در باب علایم مخصوصه از الوان بیرقها بجهة تکلم در دریا و قبول فوری دول آنها سیم تلگراف بحری خط مخابره مابین ایرلاند و نیو یورک معتبر میباید بنا براین افتتاح سیم تلگراف بحری از دنیای عتیق بدنیای جدید که از نیو یورک پایتخت اتازونی در ظرف هشت ساعت مخابره بپاریس میرسد

مکزیک (از ینگی دنیا)

در دیگران که سرحد اتازونی و مکزیک است سرداران جمهوری طلب که هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیک میباشند اجتماعی کرده از عساکر اتازونی با خود شریک نموده بر ضد ماکسی میلیین امپراطور جدید بار دوئی رانده وزیر امور خارجه فرانسه در وین بتوسط سفیر اتازونی از دولت مشار الیه تمنا میکند که دولت اتازونی بیطرف بماند و مداخله در امور مکزیک نکند این تمنای جواب بمانده دولت اتازونی تمکین نمیکند بنابراین نوشته رسمی از طرف وزارت امور خارجه فرانسه بسفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده میشود که از این بعد وجهی از خود صرف خودمان را در حمایت ظاهری دولت مکزیک نمیدانیم و مجبوریم که عساکری را که بکمک امپراطور ماکسی میلیین فرستاده بودیم احضار کنیم بعد از انتشار این خبر در مکزیک سردارهای جمهوری طلب قوی دل شده بیشتر از پیشتر در صدد بهم زدن دولت امپراطور ماکسی میلیین میباشند و ایالات شمال بلکه بعضی از ایالات مرکزی را متصرف میشوند ژنرال دوی سردار فرانسه نیز در سمت شمال حمله بانها می اورد دولت اتازونی یادداشت رسمی بپاریس میفرستند که اگر فرانسه عساکر خود را کلیة از مکزیک احضار نماید او نیز بیطرف خواهد بود و کمک ظاهری بجمهوری طلبان مکزیک

نخواهد

نخواهد نمود قشون شخصی ماکسی میلیین که مرکب از اهالی بلژیک و اطریش بودند و عده آنها چندان زیاد نبود در بمبک خواستند که بعد از رفتن قشون فرانسه بلکه کار را از پیش ببرند اما جنگ و حملات ایشان بی نتیجه و فایده ماند امپراطور ماکسی میلیین از هر جهة خود را بدبخت دید چنانکه دوستان و هواخواهان او را میکشتند و کلنل فرانسه با امپراطور مکزیک از هر جهة بی تمیز بود در تمام مکزیک یکمرتبه بنای شورش و بی نظمی شد حتی از محارم و نوکرهای شخصی امپراطور با او شوریدند زوجه امپراطور دمز بود امپراطریس شارلت که در فرنگستان بود بجهة استعانت بدربار جمیع دول فرنگ سفر نموده هیچکس او را یاری نکرد بعد از بیچارگی و یاس بروم سفر کرد و در آنجا ناخوشی صرع عارض او گردید ژنرال کاستلنو از طرف اعلیحضرت امپراطور فرانسه بماموریت مخفی بسمت مکزیک حرکت نمود و نصایح اعلیحضرت امپراطور ناپلیون سیم را بامپراطور مکزیک رسانید که در این وقت جز استعفای از سلطنت چاره ندارد ولی او قبول نکرد دولت اتازونی بالصراحه در روزنامه‌های رسمی و غیر رسمی اعلان میکند که ما جز دولت جمهوری در مکزیک باسم برسمیت ژوارز وضع دیگر در دولت مکزیک نمیشناسیم منافع کرک و را اکرو وزرا که دولت فرانسه در عوض مخارج و طلب سابق خود از دولت مکزیک مطالبه میکند سبب کدورت مجدد بینه مابین فرانسه و مکزیک

هلاند

شورش اهالی شهر امستردام نسبت باجزای حکومتی در اوقات شیوع ناخوشی وبا مآل مهربی شدید در مرکز اروپا و هلاند و سویس

هایتی (از ینگی دنیا)

دولت جمهوری سنت دومینیک که سابقا جزو هایتی بود و در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار از هایتی جدا شده دولت اتازونی تاکنون او را نشناخته در این سال شناخت یکقسمت از شهر کنابیو را یاغیان آتش زدند با تفنگ‌های شدید در پرت پرنس

ینگی دنیای جنوبی

برزیل جنگ مابین برزیل و لوپز رئیس جمهوری پاراگای با کمال شدت است با وجود زیادی قشون برزیل ژنرال لوپز با نهایت رشادت جنگ کرده جمعیت زیادی از آنها را هلاک میسازد در ریو ژانیرو پای تخت برزیل افتتاح اکسپوزیسیون صنایع اتحاد شیلی با پرو بر ضد اسپانیا و میانجی شدن دول فرانسه و انکلیس در این فقره

یونان

اجتماع قشون یونان در سرحدات پیروتسالی سرحدات دولت عثمانی و برگشت دولت عثمانی این مطلب را

شرح وقایع سال بیستم سلطنت اعلیحضرت همایون خسرو صاحبقران اعز نصره و دام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و سه هجری بارس ئیل ترکی

در ابتدای این سال خبر حال موکب مسعود همایون چنانکه در ذیل سال قبل مسطور شد تشریف فرمای صفحات مازندران بود و در انساحت پر تو امنی و استراحت بر فرق اهالی و نواحی مملکت می انداخت چنانکه در پنجم محرم تشریف فرمای بارفروش شدند و از آن راه بکلار دشت و مرزن آباد و آشان که راه هزار جم است انتهاض فرمودند و از توجهات خاطر خطیر اقدس

در اول این سال نسبت بچاکران اینکه چون اداره تلگراف ممالک محروسه از حسن مجاهدت نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم نظم و انتظام و رونق کلی بهم رسانیده و صاحب منصبان اداره مزبوره هر یک با کمال کفایت بخدمت رجوعه مشغولند این سبک مراقبت و مواظبت مشهود خاطر مهر مآثر همایون گردیده نواب معظم الیه را براجم کامله شامله قرین اختصاص فرموده هر یک از صاحب منصبان از قرار مسطور در ذیل بذل عنایت فرمودند (علیقلی خان میرپنج تلگراف منصب و نشان و حمایل سرتیپی اول) (میرزا جعفر خان منصب سرهنگی و نشان و حمایل از این درجه) (میرزا جوادخان نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا حیدرعلی یاور تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا افضل الله خان یاور منصب و نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا حسن حکیم سامانی ولد مرحوم حکیم قاآنی نشان و حمایل و منصب سرهنگی) (نصرالله خان یاور منصب و نشان و حمایل سرهنگی) (محمد ابراهیم خان ناظم تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی) بعضی از اشرار در صفحات اورامان شرارت میکردند امان الله خان والی کردستان دفع شرانها را نموده است موکب همایون که از سفر خیر اثر مازندران معاودت فرموده روز بیست و هشتم محرم از منزل اوشان تشریف فرمای سلطنت آباد گردید

چون رای صواب نمای مبارک پیوسته در کلیات امور دولتی توجهات میفرمایند لهذا باراده سنیه همایون در هذه السنه بارس ئیل سعادت دلیل قرار تقسیم کارها و طرز اداره مهام دولتی را بوزارتخانهای متعدده داده و کفالت هر شعبه از امور را بابلاغ لیافت انتخاص بعهده یکی از چاکران مجربه درباری محول و مرجوع فرمودند که خلاصه آن نوشته میشود و خود بنفس نفیس همایون بطوریکه لزوم کارها اقتضا نماید مواظبت در نظم و پیشرفت خدمات منقسمه مقرر خواهند فرمود و وزرا و چاکران دربار در باب کلیه امور و مطالب متعلقه بخود را در روزهای مخصوص که در ذیل مرقوم است بعرض حضور همایون خواهند رسانید و احکام آنرا بنحویکه رای بیضا ضیای همایون تعلق یابد امر و مقرر خواهند فرمود هر یک از وزراء در خدمات دولتی و مهمات ملکتی که راجع بانهاست باید نهایت استقلال را داشته باشند بنحویکه نوشتجات و احکام انها را احکام و مباشرین امور و ولایات سپرده بان وزیر سند خود دانسته و در حضور مبارک بامضا و قبول مقرون دانند بلکه اگر فرمان

وملفوفه

وملفوفه فرمان و برات بمهر مبارک ذات بی اطلاع و امضای وزیریکه آن ولایت در تحت اداره اوست بولایات برسد حکام ولایات در اجرای آن مجبور نباشند و چون حساب هر ولایتی در حضور همایون از وزیر آنجا خواسته میشود فرمان و دستخط و برات بمهر مبارک سند آن وزیر است لاغیر نیک و بد و حسن و قبح امور و افعال مباشرین و عمال سپرده بهر وزیری از او دیده میشود لاغیر از وزارتخانهای دیگر هیچیک مداخله در کار وزارتخانه دیگری نماید از هیچ وزارتخانه تعیین محصل و صدور حکم بولایت متعلقه بوزیر دیگر نخواهد بود بلکه پسندیده تر آنکه بنای دولت اینکه تا ممکن محصل بولایات متعلقه بخود نیز نفرستند و بحکام هم قدغن اکید نموده مراقب باشند که محصل بقراء و بلوکات ابواب جمعی خود مامور ننمایند الا در صورتیکه کمال ضرورت هر یک از وزراء در ولایاتیکه در تحت اداره انها است قرار دهند که در وزیر تعیین محصل خدمات دولتی و مملکتی انجام بگیرد که در حضور همایون پسندیده و مورد تحسین خواهد شد اسم محصل در کل ایران موقوف باشد اگر کسی جائی مامور شود برای انجام خدمتی اسم او را مامور بگویند و بنویسند و همچنین وزراء دربار در باب قشون یا مالیات یا امور خارجه یا وظایف گمرک و غیره اگر ضرورت کاری دست دهد با نوشتجات بان وزارتخانه اعلام خواهند کرد پس از حصول جواب بعرض حضور همایون خواهند رسانید حکام ولایات و مباشرین و متصدیان خدمات و مهمات مملکتی هر کس در تحت اداره هر وزیری مقرر شده باید خود را سپرده بان وزیر بدانند و در حل و عقد و نظم و نسق کارها و داد و ستد مالیات تابع رای و اراده آن وزیر باشند لاغیر مجدیکه آن وزیر مامور در عزل و نصب خود میداند وزراء مطالب جزئیه را که قابل عرض حضور همایون نداند خود جواب خواهند نوشت و هر چه را لازم باشد بعرض حضور همایون خواهند رسانید و جواب از مصدر خلافت کبری صادر گردید بحکام مینویسند و با چاپار و غیره و نیز میفرستند

وزراء مطالب نوشتجات حکام متعلقه بخود را در روزیکه از ایام هفته برای انها مقرر است بعرض برسانند مگر مطالب فوری و فوتیکه هر وقت برسد ماذون بعرض آن خواهند بود

تقسیم وزارتخانها و خدمات و ولایات از اینقرار است

وزارت جلیله ریاست قشون کما فی السابق (اداره والیکری و حکومت این ولایات (خراسان) سیستان استراباد شاهرود (بسطام) (دماوند) (فیروزکوه) (کرج) (استراباد) (جاجرم) (بزدین) (حکومت ولایات معضله خوار) (سمنان) (دامغان) (خدمات مرقومه بعهده سپهسالار اعظم میرزا محمد خان محول و مفوض است باید خود ذاتا بنحویکه در فوق ترقیم یافته مستقلا دارای خدمات مسطوره دانسته در انتظام و انتساق امور مزبوره مواظبت نماید و کاملا علی ما یلیق از عهده انجام این خدمتهای بزرگ برآید

وزارتخانه مالیات و تنقیح محاسبات و معاملات دیوانی (اداره امور اذربایجان و کردستان و قم و ساوه و زرند) (حسابات دفتر دولتی) (اداره صندوقخانه و جبه خانه و اصطبل خاصه قاطرخانه و شترخانه و فراشخانه

وزارتخانه

وزنجانه و شترکلاتی و مابیان ایلخی) انتظام خدمات و مهمات مفصله مسطوره بعهده مستوفی الممالک است میبایدکمال

مراقبت بعمل آورده بنحویکه مرضی طبع مبارک باشد منظم سازد

(وزارت علوم و صنایع) (تجارت) (مدرسه دارالفنون تلگرافخانها) (معادن) (روزنامه دولتی و علمی) (باسمه خانهای

دارالخلافه و ولایات) (کارخانجات) (حکومت ملایر و تویسرکان) وزارت امور مفصله که از امور مهمه دولتیه است بعهده

میرزا علی — اعتضاد السلطنه مفوض و موکول خواهد بود میباید بمقتضای اینکه انتظام امور مزبوره را برذمت خود فرض بداند و اهتمامات

لازمه را معمول دارد

(وزارت امور خارجه) (اداره حکومت ولایات مفصله) کرمانشاهان) (لرستان) (نهاوند) (خرقان) (تذکره سرحدات)

(راه سازی) (حفظ و آسایش ملل مختلفه که در ایران در جزو رعایای این دولت علیه هستند) وزارت امور خارجه کما

میرزا سعیدخان — کان و اداره امور ولایات و مهمات مرقومه فوق بعهده وزیر دول خارجه است میباید در انتظام و انضباط سایر مهمات

امور مرقومه نیز شرایط کفایت و کفالت را مرعی دارد

(وزارت حضور همایون) (حکومت کاشان) (اداره حکومت و ولایات مفصله) (اصفهان) (فارس) (نطنز) (اداره کرکجات

ولایات ممالک محروسه) اداره امور مسطوره فوق محول بامین الدوله خواهد بود میباید در انتظام خدمات مرجوعه

لازمه اهتمام را مبذول دارد

(وزارت عدلیه بعهده حاجی محمد قلیخان محول و مفوض خواهد بود میباید با اجزاء و اشخاصیکه مقرر است و سفید کی با عُود

عارضین و ملهوفین نماید و عرایض صندوق عدالت را بنحویکه معمول است سفید کی نموده در هفته یکروز ذکر مخصوصاً اوقات

همایون را برای استماع عرایض دیوان عدالت مصروف میفرمایند درازروز معین عرایضیکه در آن هفته بهم رسیده است

باتفاق صدیق دیوانخانه بحضور آورده بعرض برساند و جواب حاصل و از انقرار حکم صادر نموده بوزیر هر ولایتی برساند

بر ذمه وزراست که انجام عمل را بدیوانخانه عدلیه اظهار سازند تا بعرض حضور همایون برسد

(وزارت دربار بعلاوه منصب ایشیک آقاسی باشیگری) (شاهزادگان دربار و ولایات) (علما و سادات دارالخلافه و ولایات)

(اعیان و اشراف دارالخلافه و ولایات) (عزا و مهمانان و ولایات در دربار) (انتظام امور خادمان حرم و خواجه سرایان)

(عملیات) چاپارخانها) (مواجب رساندن غله دیوانی دارالخلافه) (حکومت جوشقان) (حکومت کلپایکان و خوانسار)

وزارت دربار و انجام خدمات مفصله مرقومه بعهده محمد ناصرخان ظهیرالدوله خواهد بود میباید در انتظام خدمات

مزبوره کمال مواظبت را بعمل آورده از این امور هر کاری که مرجوع به وزارتخانه راجع است بهمان وزیر اعلام نموده انجام

عمل و مطالبه جواب را از آن وزیر نماید

(ایلخانی‌گری خوانین و آقایان قاجار) (دارالنظاره) (حکومت سرداری قشون مازندران) (اداره حکومت فیروزکوه

عربستان) (حکومت عراق) خدمات مرقومه فوق بعهده اعتضاد الدوله خواهد بود که در انتظام حکومتهای مسطوره — انوشیروانخان

و خدمات مزبوره نهایت سعی و جهد مبذول داشته بنحویکه مرضی خاطر مهر مظاهر همایون است در انتظام امور مزبوره مراقبت

تامه بعمل آورده جاهد و ساعی باشد

(طهران و توابع و خالصجات و املاک و اجارات و غیره) (اداره حکومت عراق و دره جزین) (اداره حکومت کرمان) (چاپار

خانهای راه آذربایجان) خدمات مرقومه را بعلاوه وزارت دارالانشاء بعهده دبیرالملک میرزا محمدحسین محول و مفوض فرموده که

با کمال نظم راه ببرد و بنحویکه در اول مرقوم شد رفتار نماید

(وزارت وظایف) وزارت اوقاف) (اداره حکومت همدان) انجام خدمات مسطوره بر عهده اعتمادالسلطنه حاجی علیخان است

میباید در انتظام و انتساق خدمات مرجوعه ساعی و جاهد باشد

(نظم خزانه و مالیات عایدی خزانه) (جمع آوری وجوه مخصوص خزانه اندرون) (وصول مالیات و اقساط) (رساندن وجوه براتهای

ازقرار حواله دیوان) (ضرابخانهای ممالک محروسه) (کالسکه خانه) (زنبورکخانه) (حکومت گیلان و بروجرد و جوه مخصوص

بعضی بنائی و رهایی مخصوص) خدمات مرقومه بعهده دوستعلی خان معیرالممالک محول است میباید کمال اهتمام در انتظام خدمات

مزبوره بعمل آورد

(مهرداری مهر مبارک) (اداره حکومت بروجرد) (اداره حکومت خمسه) خدمات مفصله بعلاوه احضار وزراء و رساندن اخبار

از جانب سنی الجوانب همایون بعهده امین الملک پاشاخان محول است میباید در خدمات مرجوعه ساعی باشد و بعد از بیرون آمدن

و فرامین را بدون صحیح دستخط مبارک بمهر نرساند

(ریش سفیدی خلوت) (ریاست تفنگداران سرکاری) چون خدمات مزبوره سابقاً نیز بعهده میرزا هاشمخان امین

خلوت بود کماکان باو مرحمت و مرجوع گردید

برای انتظام امور وزارتخانهای مفصله که هیچیک موجب تعطیل امر دیگری و عرض عرایض متعلقه بخود نشوند ایام هفته را برای

عرض مطالب آنها منقسم بتقسیم مفصله ذیل فرمودند که هریک در روز معلوم شرفیاب حضور همایون گردیده مطالب و عرایض

متعلقه بخود را معروض داشته جواب حاصل سازند دبیرالملک و معیرالممالک بجهت اینکه انتظام امور دارالخلافه و خزانه سپرده

بآنهاست تعیین وقت برای آنها مناسب نیست در وقت ضرورت عرایض خود را خواهند رسانید و کذالک سایر وزراء هم

هریک عرض و مطلبی فوتی و فوری داشته باشند در هر وقت ماذون بعرض خواهند بود البته بدون تخلف میباید

همگی از همین قرار رفتار نمایند (شنبه وزیر جنگ) (یکشنبه وزیر عدلیه) (دوشنبه وزیر مالیه) (سه شنبه وزیر دول

خارجه و وزیر وظایف) (چهارشنبه امین الدوله و ظهیرالدوله) (پنجشنبه اعتضاد السلطنه و اعتضاد الدوله)

(جمعه تعطیل خواهد بود) حرره فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۹۳

اوان

اوان توقف موکب همایون در مازندران عمارات و باغ شهریار دخلد اشیان اقا محمد شاه طاب ثراه را که واقع در ملیه سارت
مقرر فرمودند میرزا مسیح وزیر مازندران مرمت نماید و در غرس اشجار و تنظیف انهار اهتمام کامل داشته باشد چون عین
الملک خواننسالار و ایلخانی ایل جلیل قاجار در ساختن راههای سخت و صعب مازندران اهتمامات کافیه نموده بود و در تقدیم
تشریفات موکب همایون نیز در منازل سفر مازندران زحمات کشیده بلقب جلیل اعتضاد الدوله ملقب گردید و محمد علیخان برادر
عمزاده البیه که نیز در اوان تشریف فرمائی موکب همایون با ضجحات خدمات کرده بود بمنصب استیفا از درجه چهارم و خلعت
همایون نایل گردید حبیب الله خان سرتیپ که در کجور و کلاردشت و در بعض منازل دیگر که متعلق باو بود و واقع در عرض راه سفر
خیر اثر مازندران خدمات نمایان نموده بنشان و حمایل از مرتبه اول سرتیپی مفتخر گردید بحفظ اقا الجودان وزارت امور
خارجه که سمت کارگذاری مهام خارجه گیلان مامور شده بود و بخوبی از عهده خدمت مرجوعه بر امده باعطای نشان سرتیپی

از درجه اول و حمایل مخصوص ان سرافراز گردید محمد قلیخان شاطرباشی بنشان و حمایل از درجه دوم سرتیپی مفتخر امد
چون جمعی کثیر از طوایف ترکمه تکه در دوره و چهره و انچه قلعه و اطراف ان که مساحت ان اراضی تقریبا شانزده فرسخ و اخرش
متصل بمرو و طرزن میشود سکنی گرفته و نزاعت نموده بودند و بواسطه قرب بکلات نا امنی برای ترکمانان الامان که تبعه دولت
و نیز مرفه شده و بسبب فوت حسینی اندبرای کلات ابیغه خالی از اسبی نیز دستهاب الملک امیر تومان با جمعی از قشون
ظفرنمون و توپخانه از ارض اقدس مامور شده اینجا عت را متحذول و متفرق نمود و چهار محکمه انها را خراب و منهدم ساخت موکب
همایون بسبب گرمی هوا اواخر ربیع الاول تشریف فرمای شکراب و از انجا بشهرستانک نزول اجلال فرمودند نواب والا
حشمة الدوله حکمرانی بروجرد و عربستان منصوب فرمودند عزیزخان سردار کل امیر دارک کل قشون ظفرنمون و وزارت
جنگ برقرار گردید و دستخط افتاب نمط درین باب شرف صدور یافته که صورت ان تیمنا در ذیل نگاشته میشود

حرم میرزا دارا

صورت دستخط جهانمطاع مبارک

چون همواره میل خاطر ما اینست که قشون و نظام و قورخانه دولت ایران منتظم بوده روز برروز در ترقی باشد لهذا بایست
کلیه عمل قشون نظام و غیر نظام و توپخانه و قورخانه و جباخانه کل ایران را بعزیزخان سردار کل محول فرمودیم باید کمال قوت
را ان شاء الله تعالی در نظم قشون و غیره بعمل اورد اصل بنیان نظم قشون را که انکار ما او میخواهیم و باید بعمل اورد انا بشرط است
که مختصر از این دستخط نوشته میشود
هر کس خیانت و تقصیری در قشون بکند از صاحب منصبان الی احاد و افراد قشون با معاونت لو خدمت دولت بنماید فی الفور
تنبیه و سیاست شود ابدا گذشت و اغماض از تقصیر او نباید کرد
عمل قورخانه و جباخانه باید خیلی مضبوط باشد انشاء الله تعالی
مواجب و رسوم و جیره کل سواره و پیاده که از دیوان همه ساله داده میشود تمام و کمال بدون عیب و نقص در وقت

وموقع برساند
لباس و اسلحه قشون همیشه پاک و تمیز باشد با مقتضای تابستان و زمستان لباس قشون بدهد که در هر فصلی لباس
معینی داشته باشد و همه جهة اراسته باشد
التفات و منصب از دربار پادشاه و مواجب در قشون بقرار خود خدمت و لیاقت شخص باشد نه بواسطه و راههای دیگر
ششم شهر ربیع الاول ۱۲۹۳
محمد مهدیخان کشیکچی باشی که قبل از سفر مازندران در عمل کشیکخانه سبب خلل شده بود مجددا منصب مزبور را مستقلا بمشار الیه
واگذار فرمودند حفظ ثغور و سرحدات مملکت خراسان چون در نهایت اهمیت دارد لهذا اینخدمت را با ایلات و حکمرانی خار و سمنان
و دامغان و شاهرود و بسطام و استراباد و سمنان بعهده کفایت جناب سپهسالار موکول فرمودند و بعد از چند
روزی جناب معزی الیه و اینجا هامور بنفسه خود گردیدند بعضی معادن خوب در پائین قریه ولی اباد کلاردشت و
دونای نو پیدا شده میرزا کاظم محلاتی معلم علم فیزیک و شیمی مامور و مشغول تحقیق و انکشافات انها باشد در تبریز
ناخوشی وبا بروز کرده و چندی و شدت داشته است و بهمین جهة حضرت مستطاب اجل اعظم ولیعهد دولت علیه بار دیل
تشریف برده اند روز دهم جمادی الثانیه موکب همایون از ییلاق شمیران تشریف فرمای دار الخلافه باهره گردیدند امرا
کلیه امور دار الخلافه را بر عهده آقای مستوفی الممالک مفوض و موکول فرمودند و بصوابدید جناب معظم جناب علاء الدوله
بیگلربیگی طهران و میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا موسی را بمتصدی گری کل خالصه جات طهران انتخاب نمودند بسیاری
از اجناس گمرک برانها بسته میشد و سالی چندین هزار تومان گمرک داشت محض رفاه خلق گمرک انها را معاف کردند
نظر باتحاد دولتین ایران و روس در این اوقات بعضی نشانها از جانب دولت روس برجال و بزرگان و اکابر این دولت مرحمت
شد و باجازه اعلیحضرت همایون قبول و زیور پیکر خود نمودند و تفصیل ان از قرار ذیل است
(جناب علاء الدوله سنت استانیسلاس از درجه اول) (میرزا عبد الوهابخان نایب الوزاره سنت استانیسلاس از درجه اول)
(محمد مهدیخان میر کشیکچی باشی سنت استانیسلاس از درجه اول) (علیقلیخان رئیس تلگرافخانه ممالک محروسه سنت انا از درجه
دویم با تاج امپراطوری) (جعفر قلیخان رئیس مدرسه دار الفنون سنت استانیسلاس از درجه دویم) (میرزا جوادخان
مباشر امور تجارتی روس در طهران سنت استانیسلاس از درجه سیم) (میرزا صادقخان مباشر امور خارجه در استراباد
سنت استانیسلاس از درجه دویم) (میرزا اسد الله منشی اول وزارت امور خارجه سنت استانیسلاس از درجه دویم)
(میرزا عبد الغفار معلم علم هندسه سنت انا از درجه سیم) (میرزا کاظم معلم علم طبیعی سنت استانیسلاس از درجه سیم) محمد
اسمعیل خان وکیل الملک سردار با عطای عصای مرصع بجواهر سرافراز و مستقلا بحکومت کرمان و بلوچستان مفتخر امده مرتضی
قلیخان سرهنگ فوج ملایر ولد معزی الیه بسرتیپی دو فوج کرمان نایل گردید حاجی رشیدخان که در وزارتخانه خزانه خدمت

منظفر الدین میرزا

محمد رحیم خان

کرده بود بمنصب استیفا از درجه سیم قرین مفاخرت گشت بعد از اتصال سیم تلگراف دولت علیه چون مخابرات
داخله و خارجه زیاد شده بنواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم حکم فرمودند یکرشته سیم دیگر از سرحد بوشهر الی سرحد جلفا
بر همان تیرهای سابق امتداد دهند چون یکصد و پنجاه نفر بهر بار یکه حسب الامر نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم از ملایر گرفته اند
بمشاقی و تعلیم ذوالفقار خان سرهنگ مهندس در تعلیمات و فنون جدیده از قبیل قلعه سازی و نقابی و قلعه کوبی و غیره
خاصه در ساختن نکانکه عبارت از خپاره زمینی است و آتش زدن آن با قوه الکتریسیته بنهایت ماهر شده اند مجددا حکم
شد یکصد نفر دیگر از ملایر سرباز گرفته که مشغول دریافت فنون و تعلیمات مسطوره باشند در این ایام سیم تلگراف
دولت علیه با سیم تلگراف دولت انگلیس اتصال یافت

نظر باتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی اعلیحضرت سلطان عثمانی این اوقات نشان سلطنتی دولت خود را که مکلل
بالماس و یاقوت بود بهمراه جاجی عصمت افندی مین باشی برای اعلیحضرت شاهنشاهی بیادگار فرستادند

این اوقات سیم تلگراف دولت علیه با سیم تلگراف دولت روس اتصال یافت بنده مؤلف که سه سال بود بسمت نیابت دویم
سفارت در پاریس مشغول تحصیل بود در ماه رمضان امسال معاودت بدار الخلافه نمود حکمرانی استرآباد را بنواب
والا حاجی کیومرث میرزای ملک آرا مرحمت فرمودند بعضی از ترکمانان که مرهوی که در سرحدات خراسان شرارت میکردند الله یار
خان سرتیپ مرو جوی با قشون ظفر نمون انها را تنبیه و تدمیر نمودند چون میرزا ابراهیمخان مظفر الدوله سرتیپ اول در
سیستان خدمت کرده بود او را بمنصب امیر تومانی مفتخر فرمودند لطف الله میرزا پسر مرحوم عبد الله میرزا بمنصب سرهنگی
فوج ششم خمسه سرافراز گردید علیقلیخان برادر مرحوم خانبابا خان سردار بمنصب سرهنگی فوج سمنان بر قرار آمد

شب پنجشنبه چهاردهم ذیقعدة الحرام ده ساعت و پنجاه و سه دقیقه و بیست و هشت ثانیه از شب گذشته آفتاب عالمتاب از برج حوت
بحمل تحویل کرد و سلام خاص در حضور باهر النور مبارک منعقد شد روز جمعه پانزدهم نیز سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد
یافت خشتهای طلا که برای گنبد امامین همامین عسکریین علیهما السلام حسب الامر همایون ساخته اند و از هدایا و نذورات
که مخصوص بذات ملکوتی صفات مقدس فرموده در ماه ذیقعده با مأموریت علیرضا خان پیشخدمت خاصه (حاجب عضد
الملک) حمل بعراق عرب شد نواب والا محمد تقی میرزا حکمران ولایت خمسه را بلقب رکن الدوله ملقب فرمودند میرزا زکی
مستوفی وزیر سابق همدان به پیشکاری خمسه سرافراز شد روز پانزدهم ذیحجة الحرام موکب همایون بعزم سفر سعادت
اثر خراسان و زیارت روضه اقدس و سرکشی آن مملکت از دار الخلافه باهره بقصر دوشان تپه نقل مکان فرموده روز
بیست و سیم روانه مقصد شدند و شرح این سفر خیر آثار در نگارش وقایع سال بعد بیاید میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا
موسی بوزارت دار الخلافه و پیشکاری مخصوص حضرت اجل افخم والا نایب السلطنه دام اقباله العالی مفتخر گردید میرزا
محمد قوام الدوله با عطای منصب وزارت کل کتابخانه های ممالک محروسه سرافراز آمد علیقلیخان نایب اول آجودانباشی بمنصب
میرپنجی دویم مباهی شد غلامعلیخان سرتیپ بنشان و حمایل سرتیپی قرین افتخار گشت حاجی حسینخان شهاب الملک امیر تومان

بیکمطعه نشان امیر تومانی و حمایل مخصوص آن سر بلند گردید میرزا ابراهیمخان نایب دویم وزارت خارجه با عطای درجه نیابت
اول و نشان و حمایل سرتیپی دویم و کفالت مهام خارجه آذربایجان سرفراز و مأمور شد میرزا محمد علیخان کارپرداز اول دولت
علیه مقیم بمبئی با عطای منصب سرتیپی دویم و نشان و حمایل مخصوص این رتبه قرین مباهات آمد میرزا معصوم خان کارپرداز
مخصوص دولت علیه مقیم حاجی طرخان با عطای نشان سرتیپی سیم و حمایل مخصوص آن مفتخر گشت قلیخان سرهنگ آجودان وزارت
خارجه بنشان درجه اول سرهنگی و حمایل مخصوص آن نایل شد سید سلطان محمد ملقب بشاهزاده جهان برادر حکمران
جزیره کرود که جزیره ایست نزدیک بنادر آکاسکر واقع در جنوب افریقیه بدربار همایون آمده مقارن اتصال موکب همایون
بسفر خراسان شرفیاب حضور مبارک و مورد تفقدات ملوکانه گردیده از جانب دولت علیه برای حشادالیه مترل و معاش
منزل معین شد چون آقا محسن علیخان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه مقیم دربار لندن و میرزا اسمعیلخان مشار قنسول
و نظر آقا نایب اول و سایر صاحبمنصبان سفارت آن مملکت طول کشیده بود احضار بدربار همایون شده میرزا یوسفخان
سرتیپ که مادام مأموریت حاجی طرخان و تفلیس و بطرزبورغ مراسم کفایت خود را مشهود نموده بود بمنصب شارژ دافری
مأمور سفارت پاریس گردید و علیخان سرتیپ پسر مرحوم حسینخان نظام الدوله که پیشتر بسمت نیابت سفارت در لندن
و بعد ها در سفارت پاریس مشغول خدمت بود بسمت کارپردازی اول مأمور تفلیس گردید حاجی محسنخان سرتیپ
اول که بسمت نیابت و مستشاری در سفارت کبری مأمور پطرزبورغ و نیز در سفارت مخصوصه پاریس بعدها مستشار سفارت
بود بسمت شارژ دافری مأمور سفارت لندن شد نظر آقا در عقب موکب همایون و امتداد مدت سفر خراسان بنیابت
شخص اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه مخصوص حضرت اجل افخم شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه العلیه میباشد

وقایع معظمه که در این سال در تمام روی زمین و اقطار عالم واقع و سانح گردیده است

انانولی بنگی دنیا

ابتیاع دولت انانولی بعضی اراضی را که در حوالی این مملکت دولت روس متصرف بود که در عهد مشحون بری و بحری نظام
و کدورت ظاهری و باطنی با انگلیس بواسطه حمایت از اهالی جنوبی که باغی بودند امتداد سیم تلگراف بحری از قطر بحر

اسپانیا

کوبا

شورش اهالی کانالز و سارکس ملاقات پادشاه پرتوغال با ملکه

اطریش

ملاقات اعلیحضرت امپراطور فرانسه با اعلیحضرت امپراطور اطریش در سالسبورگ که نتیجه ملاقات اسباب خیال و سوء ظن

غربیه ... و ... سکرده صدارت ... سبوکیت شدن اعلیحضرت امپراطور را ... بستان خبر نوشته از خود ماکسیملین
امپراطور مکزیک را که بدست جمهوریان در کرتزو مکزیک بقتل رسید ملاقات اعلیحضرت امپراطور با پادشاه باویر ملاقات اعلیحضرت
امپراطور با اعلیحضرت پادشاه پروس در مملکت باویر و مسافرت بپاریس و لندن

المان

دول جنوبی خصوصا باویر حالیه این اند که وضع قشون خود را بسبک عساکر پروس نمایند و اتحاد معنوی با او پیدا کنند سکنه
و وورتنبرگ هم با باویر در این مسئله متحدند و اعلیحضرت پادشاه پروس را ریاست سردار اعظمی کل عساکر المان لهم از دول شمالی و
جنوبی میشناسند ملاقات اعلیحضرت پادشاه پروس با پادشاه ساکس در درزد پای تخت پادشاه ساکس افتتاح مجلس پارلمان
کنفدراسیون شمالی بدست اعلیحضرت پادشاه پروس شخصا با حضور جمیع شاهزادگان و بعضی سلاطین و وزرای تمام المان
قریبا بود که چنین مجلسی از برای هیچیک از سلاطین المان دست نداده بود دولت المان بوحشت اینکه مبادا لوکسامبورک بتصرف فرانسه
بیفتد بالاتفاق با پروس سازش باطنی نمودند و این دوستی و سازش باطنی که سالها مخفی بود اشکار کردید و برای جنگ اینده
با فرانسه که قریب الظهور میدیدند مدیر و مدبر عساکر پروس ژنرال ملک و ژنرال رون وزیر جنگ بعضی قواعد و قوانین جدید
ایجاد میکنند عدد نفوس دول شمالی که خود را در تحت سلطنت اعلیحضرت پادشاه پروس قرار داده بودند بسی میلیون رسیده
است و در هنگام صلح این شش کرور نفس یا یکصد هزار نفر قشون مستعد و آماده داشته باشند اعلیحضرت پادشاه پروس
و ولیعهد و مسیو بزمارک صدر اعظم بجهت تماشای اکسپوزیسیون و ملاقات اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه بپاریس رفتند
اعلیحضرت امپراطور روس هنگام مراجعت از پاریس که از برلن عبور نمودند با اعلیحضرت پادشاه پروس ملاقاتی کردند نفوس مملکت
کل دول شمالی مسیو بزمارک مخترع تفنگ سوزنی معروف به دریزه که تفنگ او در جنگ سادوا چنانکه مذکور شد سبب غلبه
قشون پروس بر عساکر اطریش شد در این سال فوت نمود

انگلیس

بروز قحط و غلا در اغلب شهرهای این مملکت بیتابی و اضطراب اهالی لندن و این فقره تدارک جنگ دیدن دولت انگلیس
بر ضد پادشاه حبشه تادروس که با وجود شورش داخلی مملکت مصمم مقاتله با عساکر انگلیس است برای تدارک این جنگ
معادل ده کرور تومان ایران دولت استقراض میکند سر روبرت نپیر سپهسالار این قشون است تدارکات این جنگ از هر حیث
کمال اشکال را دارد زیرا که حمل و نقل آذوقه و قورخانه را بواسطه چهارپایان باید بداخله حبشه نمود ورود اعلیحضرت عبد
العزیز خان سلطان عثمانی و والی مصر بانگلیس در تابستان

ایطالیا

عروسی ولیعهد و ... پسر دویم اعلیحضرت پادشاه در سن بیست و دو سالگی و ازدواج او با یکی از نجبای اهل مملکت

چین

چین

با وجود ضدیت علمای مذهبی ایجاد مدرسه بجهت تعلیم و تعلم السنه فرنگ در پکن پای تخت

روس

استعفای پرنس دادیان از والی گری ایالت منکرلی و دادن حقوق خود را با علیحضرت امپراطور روس پرنس گرچاکف
بلقب صدارت عظمی ملقب کردید ازدواج دختر گراندوک قسطنطین الکا با پادشاه یونان بعضی فتوحات در بخارا

ژاپن

فرستادن برادر طیقون بسن پانزده سالگی با جمعی از معتبرین بسمت سفارت در دربار دول فرنگ انعقاد مجلس
شوری دران مملکت

عثمانی

بعضی جوانها که از نجبای مملکت بودند در خیالات آزادی افتادند که اغلب آنها را دولت محبوس کرده و جلای وطن
داد صدارت عالی پاشا و وزارت خارجه فواد پاشا مدت غیبت اعلیحضرت سلطان که بفرنگستان رفته بود جمل رو شد
شورش بعضی اهالی کندی و حمایت اشکارای دولت یونان از آنها مسافرت عالی پاشای صدر اعظم بقندی برای اسکات
یاغیان سر دادن عمر پاشا بجهت تدمیر یاغیان تفویض لقب خدیوی بوالی مصر عبور سفاین تجارتی از نهر طونه شورش
اهالی بلغارستان و ارام کردن آنها برداشتن دولت عثمانی قشون خود را از قلعه بلگراد صربستان

فرانسه

اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از برای جلب قلوب اهالی فرانسه بواسطه خجلتی که از رجال دولت در مسئله مکزیک
بظهور رسیده بود مسیو امیل الیویه را که یکی از وکلای مترجح بود دعوت و [illegible] داده وعده وزارت با و میدهد
آزادی روزنامه‌ها در افتتاح مجلس پارلمان اعلیحضرت امپراطور در خطبه خود استمداد قشون از وکلای ملت برای حفظ
و حراست حدود و ثغور مملکت فرانسه مطالبه با احتیاط اینکه مبادا دولت مجبور بمنازعه با پروس شود هفتاد هزار قشون علاوه
بر معمول حاضر نمودند و بعد از چندی که اطمینان حاصل شد مرخص خانه شدند [illegible] کلی در عتبه و وکلای ملت با دولت
در فقره مکزیک در مدت شش سال که دولت فرانسه بمکزیک لشکر [illegible] صد و شصت ملیان [illegible] که معادل هفتاد و دو کرور تومان
ایران مخارج [illegible] برای دولت بهم رسید [illegible] مخصوصا با کمال [illegible] دولت اشکارا [illegible]
افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع در پاریس ورود اغلب از سلاطین اروپ اعلیحضرت سلطان عثمانی بپاریس از برای
تماشای اکسپوزیسیون از سلاطین که بپاریس بتماشای این اکسپوزیسیون امدند اعلیحضرت پادشاه انگلستان و پادشاه اسپانیا
و پادشاه ایطالیا بودند هنگام بودن اعلیحضرت امپراطور روس در پاریس در تماشای قشون که اعلیحضرت ناپلیون امپراطور و
بجهت تشریفات سلاطین حاضر در پاریس که از جمله اعلیحضرت پادشاه پروس بود در جولی پاریس میدان قبل از وصول [illegible]

شئون مخصوص از اهل هستان لهذا چنانچه بطرف اعلیحضرت امپراطور روس خالی میکنند بعد از انکه کلوله با علیحضرت معظم الیه در تنین
اعلیحضرت امپراطور ناپلیون بعزیمت بمملکت اطریش علت مزاج اعلیحضرت امپراطور ناپلیون و رفتن ایشان به بیارئیس یکی
از بنادر فرانسه بمعالجه شهر بنا اتحاد دولتنا بطالیا با پروس علاوه و ستمبر تا در دیا و پروس و سایر بلاد دیگر و شکایت تا رضا
مردم از دولت در اغلب نقاط دولت فرانسه بواسطه عظمت پروس کمال محتزر دارد و در صدد اینست که ایالت لوکسامبورک را
که جزو ایالات المان محسوب شده و لیکن سلطنت انجا با پادشاه هلاند است متصرف کرده و اجرای انعمل را بر هنا پادشاه
هلاند طالب است پادشاه هلاند بحسب ظاهر تمکین نموده اما باطنا اعلیحضرت پادشاه پروس را از این ماجرا اطلاع میدهد
تغیر سخنا اعلیحضرت پادشاه پروس از این مقدمه و اتفاق دول جنوبی و شمالی المان بیکدیگر بر ضد فرانسه تهیه جنگ چه از
طرف دولت فرانسه و چه از طرف دول المان علی الخصوص پروس بالاخره بوساطت دولت انکلیس بواسطه انعقاد مجلس
مشاوره در لندن که از جمیع دول فرنک با ستثنای اسپانیا مامور در انجا حضور بهم رسانیده قرار بر این شد که ایالت
لوکسامبورک بیطرف بوده نه جزو فرانسه باشد و نه جزو پروس همان قسم که در تحت سلطنت پادشاه هلند است بحال خود بماند
لیکن قلعه مستحکم انجا که تهدیدا بر حد فرانسه میباید با زمین مساوی کرده و بهمین نحو مقرر شده بین دولتین کار
بمصالحه انجامید احضار تمام قشون فرانسه از مکزیک مارشال بازن که از طرف اعلیحضرت امپراطور فرانسه مامور بود
که ملکه بنواند ماکسیملیین امپراطور مکزیک ایران بدارد که از سلطنت استعفا و مراجعت بفرنک نماید از عهده مامور یت
خود بر نیامده قشون ژوارز از اطراف ماکسیملیین را محصور نموده تا در تابستان او را بدست اورده مقتول میسازند
ژوارز بعد از چهار سال و چهل و پنج روز عبث با فتح و فیروزی وارد پایتخت گردیده مستقلا بریاست مشغول گردد

هلاند

وبای سخت در اغلب بلاد

یونان

خرابی دولت مخفیا و اشکارا اهالی جزیره قندیه با شورش بسبب دولت عثمانی مسافرت اعلیحضرت پادشاه بفرنک و
ازدواجش با یکی از شاهزاده خانمهای روس

وقایع سال بیست و یکم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت شاهنشاه صاحبقران شیده الله تعالی دعایم ملکه و سلطنته مطابق هزار و دویست و هشتاد و چهار هجری توشقان ئیل

ترکی

ابتدای این سال خیر مال چنانکه در شرح خاتمه سنه ماضیه مسطور شد موکب فرخنده کوکب همایون بعزم زیارت ارض

اقدس و مشهد مقدس و بازدید مملکت و سبعه خراسان و حدود و ثغور ان سامان انتهاض فرموده بود توضیح انکه
روز پانزدهم ماه ذیحجه سال قبل موکب اعلی از شهر دار الخلافه بقصر دوشان تپه نقل مکان کرده روز بیست و سیم از دوشان
تپه بمنزل خواتون اباد تشریف فرما شدند

سلطنت حضرت شاهنشاه زاده امجد اکرم والا نایب السلطنه العلیه حکمران دار الخلافه را در غیاب موکب همایون بنیابت کبری مخصوص
فرموده جناب اقای مستوفی الممالک بوزارت کل انتظام خزانه و وصول و ایصال مالیات برقرارند وزارت علمیه و تجارت و
تلگرافخانه های ممالک محروسه مخصوص نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم است و وزارت جنگ و انتظام عمل نظام
بالتمام بعهده عزیزخان سردار کل است اداره خارجه سپرده بمیرزا سعیدخان موتمن الملک وزیر امور خارجه میباشد حاجی
محمد قلیخان وزیر عدلیه است اما موکب همراهان و ملتزمین رکاب معلی از قرار ذیل است

نواب مستطاب مهد علیا و خادمان حرم جلالت

(نواب مستطاب مهد علیا و تمام خدمه) (خادمان حرم جلالت و شاهزادگان عظام که شصت کالسکه شش اسبه محمل ایشان
بود و هزار و چهارصد مال از برای بنه ایشان معین شده بود) (نواب علیه عزة الدوله با تمام خانه زادان و عیال و خدام)
(نواب علیه عصمت الدوله عروس معیر الممالک با والده امیر دوستمحمدخان و خدام ایشان) (حاجی اغا یوسف خواجه باشی و
تمام خواجهای حرم از سیاه و سفید) (مهدیقلی خان غلام بچه باشی و تمام خانه شاگردان و غلام بچها

شاهزادگان عظام

(ملک منصور میرزا) (سلطان احمد میرزای عضد الدوله) (تیمور میرزا پسر مرحوم فرمانفرما) (محمد کریمخان پسر مرحوم مهدی میرزا)

وزرای عظام

(فرخ خان امین الدوله وزیر دربار و وزیر ملتزمین رکاب حضرت اعلی همایون) (انوشیروانخان اعتضاد الدوله خواهرزاده
والیخانی قاجار و حکمران و سردار مازندران و استراباد وغیره) (حاجی علیخان اعتماد السلطنه وزیر وظایف) (محمد ناصرخان
ظهیر الدوله ایشیک اقاسی باشی) (میرزا محمد حسین دبیر الملک) (پاشاخان امین الملک وکیل مملکت خراسان وغیره)

اعیان و مستوفیان وغیره

(حاجی میرزا محمدخان دبیر مهام خارجه و وزیر وظایف سابقه) (میرزا نصرالله مستوفی کوکانی) (میرزا مصطفی وکیل لشکر) (قاسم خان
جارچی باشی) (محمد قلیخان شاطر باشی) (عبدالله خان پیشخدمت باشی) (محمد رحیم خان سرتیپ نند) (محمد علیخان صاحب جمع و
پیشخدمت خاصه) (محمد نظرخان) (ابوالحسن خان) (موسی خان وصاف) (محمد تقی خان نایب وزیر امور خارجه) (رضا قلیخان
نایب ایشیک اقاسی) (میرزا طاهر مستوفی) (علیخان نایب اول شاطرخانه مبارکه) (محمد هاشم خان نایب جارچی باشی) (محمد حسن خان
پسر جارچی باشی) (محمد حسین خان ولد ابضا) (میرزا اسدالله منشی رسائل) (حاجی میرزا عبدالله منشی ابضا) (میرزا اسمعیل

منشی ایضا) (میرزا محمد حسین رئیس الکتاب) (اسمعیل خان بشیر الدوله) (میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل)

سرکردگان

(مصطفی قلی خان امیر تومان و کشیکچی باشی) (علیقلی خان اجودانباشی کل افواج قاهره) (محمد قلیخان سرتیپ حسام الدوله) (رحمة الله خان ساری اصلان) (حاجی حسین خان شهاب الملک امیر تومان) (حاجی قنبر علی خان سعد الملک) (کاظم خان سرتیپ) (الله یار خان سرتیپ) (جانمحمد خان سرتیپ) (کلبعلی حسین خان سرتیپ امین نظام) (زین العابدین خان سرتیپ اول) (صفر علیخان سرتیپ) (محمد صادق خان سرتیپ) (مصطفی قلیخان سرهنگ توپخانه) (عبد القادر خان) (محمد آقای سرهنگ) (حسینعلی خان سرتیپ برادر ساری اصلان)

یوزباشیان

(علیقلیخان) (حیدر قلیخان) (صادق خان) (ابراهیمخان) (جلیل خان) (نصر الله خان) (مصطفی قلی خان) (کلبعلی خان) (هاشمخان) (محمد حسین خان) (رضا قلیخان)

افواج قاهره

(فوج خاصه) (فوج دوم نصرت) (فوج خلج) (نصفه فوج سوادکوه) (فوج امیریه) (موزیکانچیان مخصوص)

غلام پیشخدمتان

(میرزا عبد الله خان خوئی) (حاجی محمد علی خان) (ابراهیمخان) (زین العابدین خان) (محمد قلیخان خمسه) (حاجی ابو الفتح خان) (آقابابا خان قاجار هشت نفر) (فتح الله خان) (محمد قلیخان) (محمد حسنخان ایضا) (طهماسب علی خان) (حاجی زال خان) (میرشب) (طهماسب قلی خان) (علی محمد خان) (علی آقا) (میرزا جواد خان شیرازی)

توپخانه مبارکه با پانزده عراده توپ وغیره

سواره

(غلامان کشیکخانه مبارکه ششصد نفر) (غلام نصرت چهار صد نفر) (غلام دربن کرد و بیست نفر) (سواره نظام دویست نفر) (غلام ابنانلو چهار صد نفر) (سواره شاهسون دویرن ششصد نفر) (سواره شاهسون ابنانلو ششصد نفر) (سواره ایلات قزوین چهار صد نفر)

(علی خان سرکرده سواره نصرت) (بیوک خان) (علیقلی خان) (ابراهیم آقا) (میرزا حسن سررشته دار)

خزانه مبارکه و زنبورکخانه و کالسکه خانه و سایر ابواب جمعی خزانه دار همایون

(امیر دوستمحمد خان داماد اعلیحضرت شاهنشاهی) (دوستعلیخان معیر الممالک حاکم یزد و کیلان) (نصر الله خان سرتیپ زنبورکخانه با یکصد و بیست نفر زنبورکچی) (حاجی عبد الرشید خان مستوفی خزانه مبارکه) (اهالی خزانه از نصرانی و یهودی وغیره) (عمله کالسکه خانه مبارکه با هشتاد کالسکه) (عمله تخت خانه مبارکه با بیست تخت) (عمله نقاره خانه همایونی) (آقا مهدی ساعت ساز)

صندوقخانه مبارکه

(حاجی رحیم خان صندوقدار) (آقا حسن رختدار باشی) (احمد خان تحویلدار صندوقخانه) (استاد عبد الله خیاط باشی و خیاطان) (عملجات صندوقخانه مبارکه)

پیشخدمتان

(میرزا هاشم خان امین خلوت و رئیس تفنگداران خاصه) (عیسی خان اجودان حضور و تحویلدار صرف جیب همایون) (آقا علی امین حضور و حاکم ساوه و شاهسون بغدادی وغیره) (عبد العلی خان ادیب الملک) (محمد تقی خان امشاد) (میرزا علی خان نایب اول وزیر امور خارجه و منشی حضور همایون) (محمد تقی خان طهرانی) (میرزا مهدی خوئی) (الله قلیخان پسر مرحوم اعتماد الدوله) (آقا رضای عکاسباشی) (محمد حسنخان محقق) (حاجی محمد حسن خان) (علی خان کرجی) (اسد الله خان) (محمد علی خان) (غلامحسین خان مشهور بجوان) (حسین خان پسر سهام خان) (نصر الله خان پسر امین الدوله) (محمد حسن خان پسر ایضا) (میرزا محمد خان پسر امین خلوت) (نور محمد خان محصل امور دیوانخانه مبارکه) (رحیم خان پسر مرحوم بهاء الملک) (احمد خان) (وجیه الله میرزا) (ابراهیمخان محلاتی) (محمد خان) (محمد باقر خان پسر ادیب الملک) (آقا یعقوب حافظ شمایل و مستحفظ مبارک حضرت ولایتمآب علیه السلام) (حسن آقا) (آقا محسن) (حاجی علینقی فراش خلوت) (آقا محمد علی نقیب باشی) (آقا محراب) (حاجی میرزا بیک فراش خلوت) (غلامعلی خان دربان خاص همایون) (پاشا بیک فراش خلوت)

اطباء

(حکیم باشی طلوزان فرانسوی) (حاجی آقا بابای ملک الاطباء) (میرزا حسین دکتر) (آقا میرزا سید علی) (میرزا عبد العلی) (میرزا حسینعلی) (میرزا مسیح) (میرزا سید حسین) (میرزا حسین دواساز)

نظارتخانه مبارکه

(نور الدهر میرزای نایب ناظر) (میرزا علی اکبر مشرف کارخانه) (حاجی قاسم شربتدار و ناظر البکاء) (حاجی حسین آشپزباشی) (شربتدار و طباخ)

آبدارخانه مبارکه

(آقا ابراهیم آبدارباشی و ایلچیکی عربستان وغیره) (جناب امین السلطان) (آقا یوسف سقاباشی) (آقا محمد تقی باشماقچی باشی که دو نشان شیر و بعضی از عمارات همایونی سپرده باوست) (آقا رضای ده باشی آبدار و عمله خلوت) (آقا حسینعلی) (حاجی حسن) (حاجی مهدی) (آبدارها و سقایان)

قهوه خانه مبارکه

(حاجی محمد خان قهوه چی باشی و تحویلدار کشیکخانه مبارکه) (آقا حسن نایب) (قهوه چیان)

تفنگداران خاصه

(اقاکشی خان) (قهرمانخان) (حاجی فرج خان) (محمد حسن خان) (رضا قلیخان) (مصطفی قلی بیک) (حبیب الله بیک) (ابو القاسم خان) (محمد زمان بیک کلهر) (محمد حسن بیک) (سایر هفتاد نفر)

اصحاب شکار

(مصطفی قلیخان میرشکار) (حبیب الله خان برادر ایضا) (ولی بیک) (سایر شکارچیان چهل نفر)

اصطبل خاصه

(محمد حسن میرزا ایلبرامیراخور ناپیکل) (ابراهیم خان نایب) (حاجی محمد قلی نایب) (تابیان جزو دوازده نفر) (جلودار صد نفر) (مهتر و غیره سیصد نفر)

فراشخانه مبارکه

(حاجی محمد خان حاجب الدوله) (محمد حسین خان پسر حاجب الدوله و ناپیکل) (باقر خان) (مشهدی اقای نایب) (شیر محمد بیک نایب) (یوزباشیان و ده باشیان صد نفر) (کربلائی رمضان نایب قاپوچی باشی) (تابیان جزو ده نفر) (فراشباشیان هفتصد نفر)

بنده مؤلف که درین وقت منصب پیشخدمتی خاصه داشتم بالتزام رکاب ظفر انتساب همایون سرافراز بود روز بیست پنجم ذیحجه شریف اباد با الیمن والسعاده والاقبال تشریف فرما گردید بنا از خوانون اباد تا شریف اباد دو فرسنگ و نیم است روز بیست ششم بایوان کیف که اشهای خالصه و رامین است نزول اجلال فرمودند از شریف اباد تا ایوان کیف پنج فرسنگ است روز بیست هفتم قشلاق از قرای خوار مضرب خیام گردون احتشام معلی گردید از ایوان کیف بقشلاق شش فرسخ است روز بیست هشتم پاده منزلگاه اردوی همایون بود از قشلاق بپاده سه فرسنگ است پاده نیز از قرای معتبر خوار است در این منزل میرزا علینقی طبیب پیشخدمت خاصه ملقب بحکیم الممالک گردید در این راه قشلاق و پاده بابا بیک و قربان بیک لطفی تمش و ساری بهادر انمش و بعضی کدخدایان و ریش سفیدان دیگر از طوایف ترکمن مروی با عریضه چاکری و پیشکش بخاک پای مبارک مشرف و بلند مرتبه مورد عواطف ملوکانه شدند روز بیست نهم به ده نمک نزول اجلال فرمودند از پاده تا ده نمک سه فرسنگ است

دوشنبه غره محرم الحرام این سال موکب منصور خسروی تشریف فرمای لاسجرد گردید از پاده تا لاسجرد هفت فرسنگ است از پاده که گذشته اول خاک سمنان می باشد و بعد و سمت جنوب یارلغان هم و که مانند خندق طبیعی درمیان خاک خوار و سمنان واقع است (یارلغان لغت ترکی می باشد و عبارت از نهرهای عمیق و عریض است که بتدریج از ابسیل و غیره پدیدار شده باشد) قصبه لاسجرد قریب سیصد و پنجاه خانوار رعیت دارد

روز دوم محرم موکب مسعود شاهنشاهی بشهر سمنان شرف ورود ارزانی فرمود از لاسجرد تا سمنان شش فرسخ است شهر سمنان

از بلاد قدیمه ایران و جمعیت ان بیست هزار نفر و هوای ان طرب افزا و سرحد تر از دار الخلافه است خاقان مغفور اشیان فتحعلی شاه طاب الله ثراه مسجد شاهی در این شهر بنا فرموده اند که از ابنیه نفیسه عالیه محسوب میشود در این وقت حسینخان پسر جناب سپهسالار حاکم سمنان است ان شاء الله تعالی در حرف سین بتفصیل شرح جغرافیائی این بلد نگاشته خواهد شد روز سیم و چهارم محرم نیز اردوی همایون در سمنان متوقف بود روز پنجم از سمنان اشهار فرموده تشریف فرمای اهوان گردیدند از سمنان باهوان شش فرسنگ است روز ششم محرم از اهوان نهضت فرموده بقوشه نزول اجلال فرمودند از اهوان بقوشه هفت فرسنگ می باشد در بعضی تواریخ مسطور است که شهر قومس در صحرای قوشه بوده روز هفتم امیراباد منزلگاه موکب همایون گردید از قوشه تا امیراباد دو فرسخ است روز هشتم شهر دامغان بمقدم بهجت شیم مبارک مزین گردید از امیراباد بدامغان چهار فرسنگ است روز نهم و دهم و یازدهم را در دامغان توقف فرموده کلیه اردوی کیوان شکوه مشغول تعزیه داری و مقتضیات روز تاسوعا و عاشورا بودند روز یازدهم را ذات ملکوتی صفات همایون بتماشای چشمه علی دامغان که مسافت ان تا شهر دامغان چهار فرسنگ می باشد تشریف فرما گردیدند چشمه علی مابین مغرب و جنوب و در این فصل که اواخر بهار است نیم پاده از بیست سنگ اب دارد خاقان مغفور المبرور الله حلل النور (فتحعلی شاه) عمارت و بنای عالی بر چشمه علی باقی گذاشته اند و تاریخ بنا در سنه یکهزار و دویست و هفده می باشد و چندی قبل جناب سپهسالار بحکم همایون این ابنیه عالیه را مرمت نموده حالا چنان بنظر می اید که بنای جدید بسته و چون این عمارت وقف حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه می باشد صورت وقفنامه انرا نیز در اینجا مینگارد و هی هذا

صورت وقفنامه و بنای عمارت

در حینی که رایات ظفر ایات والویه نصرت علامات پادشاه عالم پناه و شاهنشاه گردون بارگاه قهرمان الماء والطین ظل الله فی الارضین المؤید بتاییدات ملک الجبار ابو النصر فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه بعزم تسخیر و تدمیر فرغاو و بکیه ماوراء النهر از دار الخلافه طهران شقه کشا گردیده اینمکان دلفریب مخیم خیام ظفر انجام پادشاهی شد رای صواب نمای پادشاهی تعلق پذیر گردید که در بنمنزل ادم مماثل عمارتی ساخته اید که راهروان را از تاب افتاب پناه و از رنج راه ارمکاه باشد و وقف صحیح شرعی نمودند این عمارت دلگشا را اکبر کار فیض اثار حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه و علی ابائه الطاهرین فی سنه هزار و دویست و هفده

بالجمله شهر دامغان از شهرهای قدیم ایرانست و قلعه نیز دارد عالی داشته و شرح جغرافیائی ان در حرف دال ان شاء الله تعالی نگاشته خواهد شد روز دوازدهم محرم تشریف فرمای قریه مهمان دوست گردیدند از دامغان تا مهمان دوست پنج فرسنگ است روز سیزدهم قریه ده ملا مضرب خیام سلطنتی گردید از مهمان دوست تا ده ملا چهار فرسخ می باشد روز چهاردهم ساحت بسطام منزلگاه موکب همایون امد از ده ملا تا شاهرود چهار فرسنگ و از شاهرود به بسطام از یکفرسنگ قدری بیشتر است شرح جغرافیائی بسطام و شاهرود در حرف با در جلد اول مرات البلدان مسطور

شد و درین وقت نواب جهانسوز میرزا بحکومت شاهرود و بسطام منصوب شد درین راه ده ملا و بسطام نواب ملک آرا که
استرآباد و عباسقلیخان سرتیپ لاریجانی شرفیاب خاکپای مبارک شدند روز پانزدهم و شانزدهم موکب معلی در بسطام
متوقف بود میرزا سید کاظم مشرف اصطبل خاصه در بسطام بمنصب مستوفیگری سرافراز شد حیدرقلیخان سهام الدوله ایلخانی
طایفه شاهلو حاکم بجنورد و توابع با پانصد سوار در بسطام بزیارت خاکپای همایون مشرف گردید روز هفدهم از بسطام
بخیرآباد تشریف فرما گردیدند درین راه نواب ملک آرا را مرخص فرمودند بمحل حکمرانی خود باز گشت عباسقلیخان لاریجانی نیز
باجازه همایون با نواب معزی الیه همراه شد از بسطام تا خیرآباد سه فرسنگ است از آنجا بملاحظه کم آبی میان دشت نصف
اهالی اردو را مقرر فرموده بودند براه حاجی شهاب الملک امیر تومان یکروز پیشتر از موکب مسعود از راه معمول بروند
که از میان دشت بگذرند و نصف دیگر با اردوی همایون که از راه ارمیان عازم است همراه باشند روز هجدهم از خیرآباد به ارمیان منزلگاه
موکب اعلی بود از خیرآباد تا ارمیان پنج فرسنگ است چنار دو درخت در این قریه است بعقیده اهالی ده مکه اینکه حضرت شاه مردان (؟)
در وسط این چنار مدفون است لهذا او را محترم دارند و از شاخ و برگ آن تبرک جویند و عظمت و کهنگی این چنار محل نظر و جای تعجب
میباشد میان این چنار در قدیم الایام سوخته و از اصل ساقه درخت جز پوست سطری نمانده است در اینجا پنجاه نفر از خوانین
و ریش سفیدان طایفه کوکلان بتوسط سهام الدوله شرفیاب خاکپای مبارک شدند روز نوزدهم تشریف فرمای منزل
میامی گردیدند از ارمیان تا میامی پنج فرسخ است در میامی برادران و برادرزادگان ایلخانی چون سبحانقلیخان و شیر محمد خان
و غیرهم بخلاع همایونی مفتخر شدند سایر سرکردگان شادلو همچنین ده نفر از خوانین ترکمان بخلعتهای درخور و انعامات شاهانه
نایل گردیدند روز بیستم منزل میان دشت مضرب خیام معلی گردید از میامی تا میان دشت زیاده از شش فرسنگ است در
میان راه حاجی مصطفی قلیخان حاکم کلات که از ارض اقدس بعرض جناب سپهسالار باستقبال موکب همایون می آمد بخاک
پای مبارک مشرف شد سقایان دیوانی زیاده از پنجاه بار آب و آب و همه کار برداشتند که در بین راه بعموم اهالی اردو و زوار و
مسافرین و پیادگان آب می دادند و حکم همایون شد که در منزل میان دشت قنوات عدیده احداث نمایند که عابرین از آب
در ستم نداشته باشند روز بیست و یکم از میان دشت بعباس آباد تشریف فرما شدند سه فرسخ بعباس آباد مانده قریه الهاک
واقع است این قلعه نیز در عهد فتحعلی خان مغفور ساخته شده است دربین راه هر قسم شکار خاصه کور فراوانست از میان دشت بعباس
آباد شش فرسنگ است روز بیست و دوم استرآباد مضرب خیام اردوی همایون شد و در بین راه ذات معدلت صفات
همایون قلعه صدرآباد که در میان راه واقع است ملاحظه فرمودند از آنجا باستراباد تشریف فرما شدند از عباس آباد تا استراباد بخط
مستقیم پنج فرسنگ است ولی از راه صدرآباد زیاده از هفت فرسنگ میباشد استراباد جزو نیشابور است و پنجاه خانوار
رعیت و مزارع متعدده دارد روز بیست و سیم منزل داورزن نزول اجلال فرمودند از استراباد تا داورزن از راهی که موکب
مسعود حرکت فرمود شش فرسنگ است داورزن اول خاک سبزوار است شاهزاده پرویز میرزا حاکم سبزوار با سواد

سبزواری

سبزواری بین راه بخاکپای مبارک مشرف شد روز بیست و چهارم در داورزن اطراق و بجواب عرایض خود مشغول بودند
روز بیست و پنجم از داورزن بمنزل مهر توجه فرمودند از داورزن تا مهر شش فرسنگ است روز بیست و ششم قریه ریوند منزلگاه
موکب همایون گردید از مهر تا ریوند سه فرسنگ است روز بیست و هفتم سبزوار بمیمنت قدوم ملوکانه مزین گردید در یک فرسنگی شهر
جناب سپهسالار حکمران مملکت خراسان و امیر حسینخان ایلخانی زعفرانلو و الله یارخان حاکم دره جز و یوسفخان هزاره با سرکردگان
و سرداران خراسانی و ترکمانان ساروق و تکه و غیره که زیاده از سه هزار نفر بودند موکب معلی را استقبال کرده بزیارت
رکاب اعلی مباهی گردیدند از ریوند تا سبزوار پنج فرسنگ است شرح جغرافیائی سبزوار در جلد اول کتاب در حرف باء
در لغت بیهق مسطور شد بالجمله روز بیست و هشتم و بیست و نهم در بلده سبزوار اقامت و با علمای آنجا بار خاص جناب
حاجی ملا هادی سبزواری که از اجله حکمای متالهین است ملاقات و مفاوضات فرمودند و آقا رضای عکاسباشی پیشخدمت
خاصه (اجودان مخصوص و خان صرف جیب همایون) حسب الامر عکسی از جناب حاجی ملا هادی برداشت و چون جناب حاجی
تا اینوقت عمل عکاسی را ندیده بلکه آنرا مخالف قانون و براهین علمیه حکمای سلف میدیدند نهایت متعجب شدند و چون ارک
شهر سبزوار بمرور دهور خرابی بهم رسانیده بود بجناب سپهسالار امر فرمودند که از او مرمت نمایند روز غره شهر صفر موکب (صفر)
همایون از سبزوار برباط زعفرانی تشریف فرما گردید از سبزوار تا رباط زعفرانی شش فرسنگ است و رباط قدیم منهدم
و آنچه الآن آباد است رباطی است که بحکم حکم شاهنشاهی حاجی مصطفی قلیخان نوری در ایام حکومت سبزوار بنا نموده و
نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان نیز بامر اعلی چاپارخانه دولتی و مهمانخانه را بنا و تکیه در جنب آن ساخته سلطان مراد میرزا
اند روز دویم صفر از زعفرانی بزمان آباد توجه فرمودند درین راه حاجی سلیمانخان قاجار حاکم نیشابور بخاکپای
مبارک مشرف شد از زعفرانی تا زمان آباد شش فرسنگ است روز سیم صفر نیشابور بورود موکب منصور مزین گردید و در خارج
شهر در باغ رضوان که از بناهای امام وردیخان نیشابوری است نزول اجلال فرمودند از زمان آباد به نیشابور چهار
فرسنگ است شرح جغرافیائی شهر نیشابور در حرف نون بیاید روز چهارم و پنجم و ششم و هفتم ماه را در نیشابور
توقف فرمودند علمای این بلد بزیارت جمال بهر مثال مبارک فایز گردیدند مسجد علی کرجی که از ابنیه عالیه نیشابور است و
محتاج بمرمت شده امر اعلی بتعمیر آن شرف صدور یافت روز هشتم صفر از نیشابور موکب منصور بقدمگاه تشریف فرما
گردیده سه روز در آنجا اطراق شد از نیشابور بقدمگاه پنج فرسنگ است چون قدمگاه را گنبدی است مزین بکاشی
معرق از بناهای سلاطین صفویه و باغی متصل بگنبد است بسیار باصفا با خیابانی مطول که بعضی اشجار آنرا ابرو (؟) کنده و
بریده اند حکم بتعمیر این آثار بزرگ فرمودند از قدمگاه تا شهر مشهد مقدس دو راه است یکی از راه دررود که از میانه
دره دررود و گلستان و طرقبه میرود و راه ییلاق و مخاطره دار است اما کالسکه رو نیست دیگری راه معمول طرق و دین آباد
است که دو منزل و کم سیر است لیکن چون راه را ساخته اند و مخصوصا امسال جناب سپهسالار تعمیر کرده کالسکه از آن

عبور مینماید و معبر دائمی قوافل و زوار است خلاصه عید یازدهم صفر بشربیت مهای دیزباد شدند از قدمگاه تا دیزباد
چهار فرسخ است روز دوازدهم بشریف آباد نزول اجلال فرمودند از دیزباد تا شریف آباد چهار فرسنگ است روز سیزدهم
بجانب طرق نهضت فرما شدند در بین راه در محل موسوم به سلام حضرت شاهنشاهزاده اجل والا جلال الدوله
فرمانفرمای مملکت خراسان و حاجی بهاء الدوله و حاجی شریف خان بیگلربیگی و حاجی میرزا محمد رضای مستوفی با سواره
شاهسون افشار و غیره برسم استقبال بتقبیل رکاب اعلی نایل گردیدند و اجازه مراجعت بشهر یافتند که پذیرای مقدم
مبارک باشند از شریف آباد تا طرق چهار فرسنگ است روز چهاردهم صفر موکب مسعود بمشهد مقدس ورود فرمود از
طرق تا شهر مشهد یکفرسنگ و نیم است و راه بنهایت صاف و مسطح و کالسکه رو می باشد از هنگام اشخاص موکب
از طرق تا شهر علی الاتصال در خارج خیابان توپچیان بشلیک توپ مشغول گشتند مستقبلین همه جا از پیاده
و سواره صف کشیده بودند همه جا جمعیت و ازدحام زیاده از حد و صداهای شادی و ذکر صلوات بلند بود
از ابتدای خیابان خارج شهر تا در مبدر دروازه سربازان ملتزم رکاب از دو سمت ایستاده از دروازه تا در صحن مقدس
افواج متوقف ارض اقدس حاضر شده بودند کاکین و اطراف خیابان را اصناف و کسبه زینت بسته بودند نقاره خانه
حضرت فیض آثار را مینواختند ناظر و عمال و خدام حضرت رضوی با علمها و بیدقهای زرنگار موکب همایون را استقبال کردند
در وقت ورود بصحن مطهر بمحض احترام امام همام و حرمت عترت سید انام اعلیحضرت همایون جقه مکلل بالماس را
که از علایم خاصه سلطنت است از تارک مبارک برداشته برسم پیشکش در آستان حضرت رضوی سلام الله علیه تقدیم
فرمودند و با کمال ادب و خضوع از صحن شریف گذشته داخل روضه منوره شدند و با رقت قلب زیارت خواندند بعد از
لوازم زیارت و معاودت از مسجد گوهرشاد تشریف برده و بسر مقبره مرحوم مغفور ولیعهد مبرور (عباس میرزا) طاب الله
ثراه فاتحه خوانده از در بالا خیابان بیرون آمده سوار شده از باغات محله سراب گذشته بارک همایونی تشریف فرما
داشتند و اردوی معلی در خارج ارک سکنی گرفت وزرا و اعیان داخل شهر منزل نمودند
شهر مشهد را چندان قدمتی نیست و از هنگامیکه مضجع حضرت مقدس رضوی شده رو بجلیه آبادی نهاده و پیش از آن
طوس که مسافت آن تا این شهر چهار فرسنگ است آباد بوده و چون شرح جغرافیائی مشهد مقدس و سایر بلاد و قصبات و
قرای خراسان بترتیب حروف تهجی هر یک بجای خود ایراد میشود درین محل فقط بذکر ابنیه مطهره متعلقه بحرم و صحن و روضه
منوره می پردازیم و آن از قرار ذیل است

صحنهای مبارکه

صحن بزرگ که در طرف شمال و پیشسر حضرت واقع است معروف بصحن عتیق نصف آن که در سمت گنبد طلا است از بناهای امیر
شیرعلی وزیر شاه سلطان حسین بایقرا است و نصفه دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است سابقا مدارس اهل سنت
بوده و مرحوم شاه عباس ثانی بر صحن افزوده و این صحن را چند در است دری بخیابان بالا و دری بپائین خیابان و دری

بیازار

بیازار بزرگ و دری بیازار زرگران که از ابنیه میرزا فضل الله وزیر نظام است و دری بسمت قتلگاه که مدیر بازار قاجر معروفست
حجرات واقعه درین صحن فوقانی و تحتانی است و اغلب از بناهای آن که باسم و رسم است از نبیره است
ایوان طلای نادری که بنای آن از امیر علیشیر است و طلای آن از نادرشاه از این ایوان دری بدار السیاده و دری بتوحیدخانه
میرود و کتابخانه مبارکه در این ایوانست و در جنبین این ایوان دو کفش کن است یکی کفشکن بالا که بسقاخانه و دار السیاده
میرود و راهی بکلیدسته طلای عباسی دارد و دیگری کفشکن پائین بگنبد الله وردیخانی که دربند و امر بجای کرباس روضه
مطهره بوده است منتهی میشود
ایوان شاه عباسی مقابل ایوان طلا است که کاشی کاری آن نهایت امتیاز دارد و در پشت سر آن محل مدرسه ملا تاج است
که در آن مدرسه جرکله مسته طلای نادری آثاری عالی بنیت نمیرا این کلیسته را بعد از نادرشاه والده خاقان خلد آشیان
کرده است
مدرسه میرزا جعفر که از بناهای نسبتا عالیه و در عهد اوزبکیان ساخته شده است و در کتیبه ایوان مثل آن اسم شاه
سلطان حسین ضبط است ولی معلوم نیست که مرحوم شاه سلطان حسین معمر یا بانی این بنا بوده
(حجره میرزای ناظر) (شمعخانه حضرت) (کشیکخانه مؤذنان) (مکتبخانه ایتام) (کشیکخانه دربانان) (مجلس خانه حضرت)
(حجره میرزا حسینعلی وزیر) (عمارت وزیر نظام) (دار التولیه عضد الملکی)
سمت خیابان پائین بالای در پائین خیابان نقاره خانه حضرت است که مرحوم حاجی قوام الملک اتمام نموده
سقاخانه وسط صحن موسوم بسقاخانه طلا که سنگ آب آن را در عهد نادرشاه آورده اند و اصل عمارت و طلای آن را اسمعیلخان
طلائی در عهد خاقان خلد آشیان ساخته است
صحن جدید که صحن شرقی باشد معروف بصحن خاقان که در پائین پای حضرت واقع است و اصل آن از بناهای خاقان خلد آشیان (فتحعلیشاه) است
کاشی کاری آن که در کمال امتیاز است از مرحوم حاجی میرزا موسی خان و ازاره سنگ آن قدری از مرحوم معزی الیه و قدری از میرزا
عبد الباقی منجم باشی و اتمام آن از میرزا فضل الله وزیر نظام شده حوض وسط نیز از مشار الیه است و این صحن را چند در است
دری مقابل ایوان موسوم بنقاره خانه در خیابان پائین و دری ببازار زرگران و دری بطرف مقبره مرحوم شیخ بهائی عمارات
واقعه در صحن علاوه بر عمارات تحتانی و فوقانی که محل توطن طلاب است زیاد است
ایوان طلای مبارکه ناصری اصل بنای آن از خاقان مغفور (محمدشاه) و طلای آن بر حسب امر شاهنشاه جمجاه مرحوم میرزا محمد حسین عضد
الملک در ایام حکومت نواب والا حسام السلطنه از منافع ملکی حضرت فیض آثار ساخته است از این ایوان دری بدار السعاده است
در جنبین آن دو کفشکن است که بخود ایوان منتهی میشود
(کارخانه و شربتخانه خدام) (سقاخانه کاشی کاری وسط از بنای حاجی میرزا محمد رضای مستوفی است)

صحن جنوبی که در مقابل حضرت واقع است مسجد گوهرشاد است که یکی از بناهای بسیار عالیه و معروف است خاصه کاشیهای معرّق و غیر معرّق آن که با چینی های بسیار ممتاز میتواند برابری کند و بانی این بنای عالی گوهرشاد عروس امیر تیمور گورکان است و در این صحن چهار ایوان و شبستان است در و بان آن را بیفزار است و دری بازار بزرگ و دری بمحوطه معروف به پایین پا که مقبرهٔ مرحوم شیخ بهائی است و دری بسمت خانهٔ حاجی میرزا موسی خان است و دری قبلی که بمعبر عام میرود و اسامی ایوانها بدین موجب است

(ایوان مقصوره با گنبدی بسیار عالی و دو گلدستهٔ بلند کاشی و عرض این ایوان دوازده ذرع و ارتفاع آن بیست و پنج ذرع و نیم و طول آن سی و چهار ذرع است و ارتفاع گنبد که در وسط آن واقع است چهل و یک ذرع و قطر پیه‌های ایوان پنج ذرع و ارتفاع هر یک از گلدسته‌ها چهل و یک ذرع است نیز از محسنات این ایوان آنکه از سنهٔ هشتصد و بیست که بنای آن شده الی حال هیچ جه محتاج بتعمیر نگشته) هشتصد

(ایوان سمت حضرت معروف به ایوان دار السیاده که دری مقابل حضرت دارد و در جنبین آن دو گلدسته است)

(ایوان شرقی) (ایوان غربی) (شبستانهای اطراف) (محوطهٔ مسجد معروف بمسجد پیره زن)

عمارات رواق مطهر

(سمت غربی که بطول واقع شده دار السیاده است که از سمتی بمسجد گوهرشاد و از سمتی بسقاخانه و ایوان طلای نادری منتهی میشود و از بناهای گوهرشاد است) (سمت شرقی دار السعاده است که از بناهای آصف الدوله است و پایین پای حضرت واقع است بالای آن محوطهٔ پایین پا پست و سمت پایین آن ایوان طلای ناصری است) (سمت شمالی توحیدخانه) (میانهٔ غرب و شمال سقاخانه و راه در گلدستهٔ طلای شاه عباسی است) (سمت جنوبی دار الحفاظ که سمت بالای آن حرم مطهر است و سمت پایین ایوان مسجد گوهرشاد این بنای عالی نیز از گوهرشاد است و آینه کاری از نواب والا حسام السلطنه کرده است) (میانهٔ شمال و شرق کتابخانه حضرت و گنبد الله وردیخان است این گنبد تقوی الاساس که سابقا کریاس حرم مطهر بوده انا بنیه الله وردیخان بیگلربیگی فارس آنست که در زمان سلاطین صفویه ساخته شده و کاشیکاری آن در کمال امتیاز است) (میانهٔ شرق و جنوب مدرسهٔ علینقی میرزا که در او میرزا علیرضای مستوفی مهمانخانه معتبری ساخته است و در حقیقت این مدرسه حالیه حیاط کشیکخانه است و در پهلوی آن کشیکخانهٔ خدام و قهوه خانه و راه رو کشیکخانه معروف بگنبد الله وردی میرزا و خزانه مبارکه که در آن از دار الحفاظ است) (سمت میان جنوب و مغرب تحویلخانهٔ منقولات و تحویلخانهٔ فراشان که در هر دو از دار الحفاظ است)

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیة و الثنا محلی است مربع که در وسط اعلای آن ضریح منور حضرت امام علیه السلام است چهار دیوار این بنای عالی مقدار از قرار معروف از بناهای اسکندر است گویا دوری لذا این زمین شتائی عبور کرده و واقعه خارق عادت مشاهده فرموده سبب آن از برهمنی دانا جویا گشته از احیا معلوم نموده که اینمکان مدفن یکی از اولاد خاتم پیغمبران خواهد شد پس بدین خاطر کرد آنده و بعد از وصول مطلب

چهار دیواری محکم در آن محل بر پا نموده که تا کنون همان اسم باقی است هارون الرشید در زمان خلافت که غالبا خراسان و ماوراء النهر را مقر سلطنت میداشت مرو و سرخس دار الخلافه بود هوای طوس را ملایم حالت و مناسب اقامت دید روزی از طوس بان محل رفیع آمده و این بنای منیع را مشاهده نموده از حقیقت آن جویا گشته حکایت کنند شنیده باز شنید گفت اینک من آن شخص کم از خانواده رسالت و خلیفه پیغمبر اکرم و این مکان را از برای مدفن من معین شده پس امر نمود که بر این چهار دیوار گنبدی عالی بنا کردند و چون بعالم دیگر رفت جسم او را در این محل دفن نمودند از آن پس در زمان خلافت مامون روح پاک و گوهر تابناک امام علیه السلام در قریه سنا باد که هنوز بعضی از محلات شهر مشهد باب قنات آن مشهور است بعالم قدس و مرکز اصلی خرامید باشارت مامون الرشید جسد مطهر را در زیر گنبد بجائی که بالای سر هارون است بخاک سپردند و بعد از آن آن مکان را توبنای دیگر رضوان کردند و چون مقبرهٔ هارون در وسط واقع بود لابد از پایین پا مرقد مطهر منور بالاتر از آن باشد پس صندوق مبارک تقریبی واقع شد که وسعت سمت بالاسر تنها بکمرو نزدیک بدیوار گشته مرحوم مغفور شاه عباس صفوی رحمة الله علیه بالای این گنبد مطهر را طلا نموده و داخل گنبد مبارک را در عهد این شاهنشاه جم جاه عالم پناه میرزا صادق قایم مقام آینه کاری کرده است کاشی ازاره وسط گنبد که سر کوب چینی فغفور است و قسم ساخته شده منسی در کتیبه که خطوط رقاع و اسلیمی برجسته دارد و میتوان دعوی کرد که تا امروز چینی بدین صفا و صنعتی باین دقت نشده است بکره خشتهای مسدس سفید است که با خطوط طلا بآیات و احادیث تزیین یافته آنچه بتحقیق پیوسته خمیره این کاشی اعلا از معدنی که بالفعل در نواحی مشهد موجود است حاصل میشود حرم مطهر را از دو سمت یکی از سمت پشت سر و دیگری از سمت بالای سر دو فضای شاه نشین مانند است که اولی بمسجد زنانه و ثانی که مرحوم نواب محمد ولی میرزا ساخته است بمسجد ایشان موسوم و معروف است از این دو مسجد یکی راهی است که آینه کاری انواع با سفیلخان مبرمجیر پیشا نموده اکنون محل نشستن قراء کلام الله است ضریح مطهر مربع طولانی بسیست سطح آن از خشتهای بلور و فرش آن است و اینراست ضریح است ضریح اول طلا است که مرحوم شاه عباس جنت مکان در سفری که پیاده باستان ملائک پاسبان آمده بهجستی ربمبلغ هفتهزار تومان انجام داده و ناصر قلی میرزای نواده نادرشاه آنها را دزدیده و بعد بحکم نادر میرزا بمحل خود عودت داده اند ولی طلای یکسمت آن در حمل و نقل مفقود شده است و حال یکسمت آن نقره و سه سمت طلا است ضریح دوم فولاد مرصع است که از قرار معروف نادرشاه برای قبر خود ساخته بوده است و چون چنین ضریحی جز لایق امام نبود بعد از فوت نادرشاه بسعادت مصرف سرکار فیض آثار رسیده است ضریح سوم فولاد است و روی شیروانی ضریح فولاد صفحه نقره و بر روی آن صفحه طلا استوار کرده اند حرم مطهر را سه در است دری بدار الحفاظ و دری پایین پا و دری بتوحیدخانه

در وصف طلا و نقره رواق و روضه مطهره

جناب مستطاب میرزا محمد خان سپهسالار اعظم وزیر اول دولت علیه

ابوتراب غفاری سنه ۱۲۹

(در طلا دو باب) (در و بنقره هفت باب) (در ضریح طلای مرصع که خاقان مغفور خلد آشیان ساخته بودند و سالار طلای آنرا دزدیده بعد بر حسب احکام خسروانه نواب سلطان شاهزاده میرزا حسام السلطنه دوباره طلا و مرصع کرده است) (در دار الحفاظ که مرحوم عضد الملک بر حسب امر قدر قدر همایون طلا کرده است) (ایوان نادر شاهی یک باب) (سایر سه باب) (در کتابخانه) (در دیگر از دار السیاده بدار الحفاظ می آید نواب والا حسام السلطنه سلطان مراد میرزا ساخته است و دو در چهار چوب از مرحوم عضد الملک طلا کرده) (در کفشکن اول) (در توحید خانه) (در دار السیاده از سمت ایوان طلا) (در دار السیاده از ایوان نادری که مرحوم عضد الملک ساخته است) (در پایین پا که طلا و مرصع بوده و در زمان طغیان سالار طلای آنرا برده اند و حال نقره زیران باقی است

مقابر اشخاص معروف که در خدمت حضرت فیض آثار مدفون شده

(هرون الرشید) (مرحوم شاه طهماسب) (شیخ بهائی علیه الرحمه بیرون رواق در محوطه معروف بپایین پا است) (نایب السلطنه مرحوم حضرت عباس میرزا در دار الحفاظ) (حاجی محمد ولی میرزا در مسجد خودش) (محمد تقی میرزای حسام السلطنه) (حاجی قوام الملک) (فرهاد میرزا) (آقای حاجی میرزا عسکری امام جمعه) (حاجی میرزا موسی خان) (ولیخان از جمله فیوضات بهرام است) (مرحوم آقا میرزا احمد) (مشیر الدوله میرزا جعفر خان) (عضد الملک میرزا محمد حسین) (سپهسالار اعظم میرزا محمد خان) (جعفرقلیخان قوچانی) (امیر گونه خان قوچانی) (شاهزاده ملک قاسم خان افغان) (شاهزاده ملک حسین میرزا) (عباسقلیخان میرپنج پسیان) (میرزا محمد علی متولی باشی) (میرزا ابوطالب)

دار الشفا و مهمانخانه

(دار الشفا در خیابان واقع است) (مهمانخانه زوار در خیابان بالا) (مهمانخانه اعیان در پایین)

روز پانزدهم صفر که روز دویم اقامت موکب همایون در ارض اقدس بود ابتدا بمطالعه عرایض و ز راکه از دار الخلافه رسیده بود پرداخته حکم بجواب هر باب فرمودند بعد ها میرزا مینای شاعر ملک الشعرای حضرت رضوی سلام الله علیه قصیده در مدح حضرت و ورود موکب معلی بارض فیض قرین انشاد کرده بود بتوسط محمد حسنخان محقق پیشخدمت خاصه بعرض رسانید و بانعام ملوکانه نایل گردید و ما از ان قصیده بمطلع آن اکتفا مینمائیم و هو هذا

در ورود موکب مسعود کیهان شهریار   اینخراسان یکجهان جان باید بهر نثار

روز شانزدهم خوانین و سرکردگان و صاحبمنصبان خراسانی بتوسط جناب سپهسالار شرفیاب خاکپای فرقد ساگردیدند نیز میرزا مسیح و سایر صاحبمنصبان و سرکردگان مازندرانی بتوسط اعتضاد الدوله شرفیابی حاصل نمودند روز هفدهم وقت نماز صبح جناب سپهسالار داعی حق را لبیک اجابت گفت و خاطر مهر مظاهر ازین جهت ملال رسید

نظر پاس خدمات و حقوق آن مرحوم مقرر فرمودند جمیع وزرا و اعیان که ملتزم رکاب مبارک بودند نعش او را تشییع
نمایند با احترام هر چه تمام تر در محلی که در صحن مقدس خود آن مرحوم انتخاب کرده دفن کنند و مواظب باشند که چیزی از
اموال او تفریط نشود روز هیجدهم در دیوانخانه مبارکه بصدور احکام و امور ملکی اشتغال داشتند محمد صالح خان
کرد بچه سرتیپ که از سیستان بعزم تقبیل آستان مبارک آمده بود بتوسط جناب دبیر الملک بخاکپای مبارک مشرف
گردید و حکم بتعمیر مدرسه میرزا جعفر و مرمت سوانی و تنظیف معابر فرمودند و مقرر شد کدوهای خانها را که بوضع
پیشی بو تعبیر هند و تیبک در بخانهای شهرها معبر ساز ند سبو تا تال فرانسوی چهل چراغی از مرصع نهایت
امتیاز مثل نقره رنجبر بود بحضور همایون آورده بانعامی شایان نایل گردید و مقرر شد آن چهل چراغ را با لالههای
کار مشهد که کمال امتیاز را داشت تقدیم چراغخانه مبارکه حضرت نمایند روز نوزدهم ابتدا بعضی علما و زوار رجال مهم
مثال مقدس بهره و مباهی شدند بعد هاروت شاه زاکه هوت و کوکلان و غیره که بعزم تقبیل عتبه علیه آمده بودند بواسطه
جناب ظهیر الدوله باین فیض عظیم نایل شدند چون دو ساعت بغروب مانده شد ذات معدلت صفات همایون متوجه
زیارت و روضه منوره شدند و ابتدا بکتابخانه مبارکه حضرت ورود فرموده کتابهای خطی ممتاز و قرآنهای کریم
گرانبها را مطالعه و ملاحظه فرمودند روز بیستم که روز اربعین بود بروضه خوانی گذشت روز بیست و یکم پیر وکیل
قلبی و امیر حسینعلی خان نعمانی و برادرش که مدتی بود از خراسان فراری در صفحات هرات بسر میبردند بتوسط جناب ظهیر
الدوله شرفیاب خاکپای مبارک و مورد تفقدات شاهانه گردیدند چون هوا گرم شده بود رای مبارک چنین اقتضا نمود
که با معدودی از خواص خدم بییلاق گلستان تشریف فرما گردند اعاظم ملتزمین رکاب اعلی چون امین الدوله و دبیر
الملک و معیر الممالک و امین الملک و سرکردگان افواج و غیره از این سفر معاف شدند و مقرر شد عکاسباشی عکس حرم
محترم و صحنها و ابنیه مقدسه را بردارد روز بیست و دوم تشریف فرمای ییلاق گلستان شدند از شهر تا ییلاق گلستان
سه فرسخ است این قریه چهل خانوار رعیت و رودخانه آبی و باغات مشجر با صفائی دارد و هوای آن نهایت خوب است
روز بیست و ششم از گلستان بشهر مشهد مقدس معاودت فرمودند روز بیست و هفتم محمد حسینخان مامور کلات شد
و در انتظام امور سواره هزاره و اسفراین احکام محکمه شرف صدور یافت و یوسفخان هزاره و پسر او که مصدر بیحسابی
و بی نظمی شده در انتظام امور سوار و رسانیدن مواجب مرسوم آنها بی مبالاتی کرده بودند معزول شدند و محمدخان
هزاره با ایلبیگی گری ایل هزاره منصوب شد بعد از آن بزیارت روضه منوره پرداختند بیست و هشتم عرایض وزرا که
از دار الخلافه رسیده بود مطالعه فرمودند روز بیست و نهم چاپاری از استراباد رسید از جمله اخبار این بود که مرد
نامی از افاغنه در میان طایفه جعفربای آمده و تشبعه خود را پیغمبر قلمداده و بلقب ایشانی که از القاب پیشوایان ترکمن
است ملقب گردیده و مصدر شرارت شده است خبر از سرحد مکری و لاهیجان معروض افتاد که حمزه آقای مشکور
بلباس که از اشرار است غفلة بایل قراپاپاق تاخته بسیاری را کشته و یکدو نفر هم داغدار کرده و بخاک روم گریخته و هم

ازعربستان

از عربستان و خوزستان بعرض رسانیدند که مرضی شبیه بطاعون در بصره و محمره و نهر هندیه بروز نموده اسباب وحشت سواحل
و ابتلای مردم شده است دفع این آفات را احکام مقتضیه صادر گردید روز سلخ بمزار خواجه ربیع تشریف فرما شدند (خواجه
ربیع از اخلاص کیشان مولای متقیان و از اقران اویس قرنی و هرم بن حیان و طاهر بن عبد قیس بوده و از جانب آن
حضرت در ری و عراق ریاست لشکر عرب داشته و در جنگ صفین با چهار هزار نفر از ری بکوفه بامداد حضرت رفته و کمال
جان فشانی را نموده قبر شریفش در کنار رودخانه طوس است) چون مرحوم سلطان فتحعلی خان جد امجد شاهنشاه
بزرگ در خواجه ربیع مدفون است فاتحه خوانده و بتعمیر بقعه حکم فرمودند و رفع عمر را حسب بارک شده در بنوقتا عضد الدوله
معروض داشت که مراد ملقب با ایشان با ترکمانان بسمت آق قلعه تاخته و با نواب ملک آرا جنگ را انداخته و جناب حاجی ملا رضا
رئیس العلما در این جنگ بدرجه شهادت فایز گردیده و خود ملک آرا با معدودی در خانه آدینه خان که از ترکمانان دولت
استخلاص کرده بود محمد میرزا پسر نواب مغری البته زخم گلوله و شمشیر برداشته و چون جمعیت نواب ملک آرا کم و ترکمانان هزار
نفر این پیشرفتی برای او نشده خاطر مهر مظاهر از استماع این خبر آشفته و متوجه دفع غائله بود که دو ساعت از شب چاپاری
از دار الخلافه رسیده مژده داد که نواب ملک آرا غالب آمد ترکمانان منهزم و ایشان بنیر خود نواب معظم کشته شده است این خبر موجب
مسرت گردیده مع ذلک احکام اکیده در نظم صفحات استراباد و حدود بحر خزر و تنبیه کامل از طایفه مطروده شرف صدور
یافت روز غره ربیع الاول بسبب خدام آستان مبارک حضرت رضوی سلام الله علیه و تعلیل جمع و خرج موقوفات آستانه
متبرکه و بازدید بقیه کتابخانه پرداختند و اوراق قرآن کریم که بخط میرزا بایسنقر است بنظر مبارک رسید مقرر فرمودند
بهر جا بسپارند بقیه اوراق این قرآن را بیابند بکتابخانه مبارکه موصول دارند و بوصول انعام سرافراز گردند روز
دوم و سیم ربیع الاول اوقات مبارک مصروف مهام ملکی بود روز چهارم محمد ابراهیمخان مظفر الدوله که مدت زمانی
مامور خدمت سیستان بود و از شهر جدید ناصری که در آنسامان بنا کرده آمد با سواره و پیاده ابواجمعی خود بتقبیل
عتبه علیه آمده بخاکپای مبارک مشرف شد و پسرش نیز مورد مراحم ملوکانه شد امیر شاهنواز خان پسر مرحوم سلطان
احمد خان حاکم هرات با عبد الله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علی کزائی و خزوانی و بکر طوایف افغان که از ولایت سیستان
همراهی مظفر الدوله بجهت شرفیابی آستان همایون آمده بودند نیز بتفقدات خسروانه مباهی گردیدند و مبلغی هم برای زوار و اهل
استحقاق مشهد سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بذل و انعام فرمودند جمعی از ارباب وظیفه و مستمری را لنگاه رجل که دعاگویان
واسوده نمودند و عزم سیاحت و تفرج ییلاقات شاندیز را تصمیم دادند روز پنجم ماه بمطالعه نوشتجات مرحوم سپهسالار
مشغول بودند و میرزا علیخان منشی حضور همایون (جناب امین الملک) مختصر روزنامه اردوی کیوان شکوه معلی را که از
بدو حرکت موکب منصور در دار الطباعه اردو طبع میشد بعرض حضور مهر ظهور رسانید مقبول خاطر اقدس افتاد
روز ششم ماه به ییلاقات شاندیز تشریف فرما شدند از شهر مشهد تا شاندیز پنج فرسنگ و اکثر آباد و معموره است و ...

شاندیز

سال بیست و یکم

شاندیز یکصد خانوار رعیت و باغات و عمارات عالیه دارد و قلعهٔ قدیم شاندیز که بالای تپه واقع است خندق و بارو و حصار دارد
محکم داشته و چون حصانت آن گاهی موجب شرارت اهالی میشد نواب والا حسام السلطنه در ایام حکمرانی خود از اخراب نمود
روز جمعه نهم بقصبهٔ اسجیل نزول اجلال فرمودند از شاندیز تا کاهو دو فرسنگ و نیم است دو فرسنگ صحرا و مسطح و بقیهٔ آن باغات
و ابتدای دره است و این دره و باغات تا قصبهٔ دولت آباد و اسجیل که چهار فرسنگ است امتداد دارد و همچنین ممتد است تا
قصبهٔ کلمکان که در نیم فرسخی اسجیل واقع است دولت آباد و اسجیل هر دو دو قصبهٔ بزرگ و سیصد الی چهارصد خانوار
رعیت دارد روز دهم ماه وارد چشمه سبز شدند چشمه سبز عبارت از فضائی در دره که در سمت شمال شرقی نیشابور
است و از اینجا تا نیشابور هفت فرسنگ است و دور این محوطه تقریبا پنجهزار قدم و در وسط آن دریاچه ایست که هزار قدم دور
اوست و آب چند چشمه کوچک از اطراف بر او جمع شده و هم در وسط دریاچه چشمه‌ها متعدده دارد که آب از آنها غلیان و فوران میکند
ولی نه بقسمیکه در ظاهر معلوم شود و زیاده از چهار سنگ آب از این دریاچه بسمت کلمکان جاری است که این قریه و
مزارع آن را مشروب مینماید روز یازدهم ماه در شاندیز مشغول جواب عرایض وزرا بودند دوازدهم بشهر مشهد معاودت
فرمودند سیزدهم سردار یعقوبخان والی هرات پسر سردار امیر شیرعلیخان که بعزم شرفیابی آستان مبارک آمده بود با تمام بزرگان
و اعیان هرات و افغانستان بتوسط ظهیرالدوله بار حضور همایون یافت و عرض پیشکشها نمود چهاردهم و پانزدهم فقط
مشغول مهام ملکی و رسیدگی بعرایض متظلمین بودند حاجی میرزا رضای مستوفی خراسان بلقب مستشار الملکی سرافراز شد حاجی محمد باقر
خان وکیل طبس عمادالملک لقب یافت و محمد حسینخان ولد مشار الیه بمنصب سرهنگی نایل گردید روز شانزدهم بکارهای خراسان
و امور این مملکت رسیدگی فرموده ارباب صنایع و غیره را بعواطف و تشویقات زایدالامکان امیدوار فرمودند روز هفدهم که
عید مولود مسعود حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله بود سلام عید را در حرم مطهر برابر مرقد امام همام علیه السلام انعقاد
دادند و ذات مقدس شاهانه با تمام اعیان ادای تهنیت فرمودند و در این روز سردار یعقوبخان و اعاظم هرات و افغانستان
بخلاع همایون سرافرازی حاصل نمودند روز هیجدهم آستان عرش نشان حضرت رضوی را وداع فرموده موکب معلی تشریف فرمای
چمن قهقهه گردید و سردار یعقوبخان و همراهان او نیز اجازه انصراف حاصل کرده روانه هرات شدند چمن قهقهه در شمال
مشهد و در چهار فرسنگی واقع و باسم قریهٔ قهقهه که از توابع ارض اقدس و قریب بطوس است موسوم میباشد روز نوزدهم
بچشمه گیلاس نزول اجلال فرمودند از چمن قهقهه بچشمه گیلاس پنج فرسخ است چشمه گیلاس در فضای دامنه کوه واقع و
قریب ده سنگ آب غلیظ ناگواری دارد که در نواحی شهر مشهد مقدس ضمیمه آب سد گلستان شده از خیابان داخل صحن
مقدس میگردد نواب پرویز میرزا حاکم سبزوار ملقب به نیرالدوله شده از خاکپای مبارک اجازه انصراف بمحل حکومت
خود یافت روز بیستم چمن کوباغ منزلگاه موکب معلی گردید از چشمه گیلاس تا چمن کوباغ چهار فرسنگ است همه جا صحرا
مسطح و سبز و خرم و مرتع و موقف ایلات کیوانلو است که زیاده از پنجهزار خانوار میباشند روز بیست و یکم ببلده رادکان

تشریف فرما گردیدند از کوباغ برادکان یک فرسنگ است قصبهٔ رادکان قلعهٔ بزرگ و محکم دارد که هزار خانوار در آن مسکن
دارند روز بیست و دویم بملاحظه مطالعه عرایض وزرا در رادکان اطراق شد بیست و سیم از رادکان بمنزل سوهان نزول اجلال فرمودند
از رادکان تا سوهان سه فرسنگ است و راه شمال مغربی و در جلگه واقع است که از یمین و یسار آن رشته کوهی امتداد دارد
کوه سمت راست آن یک فرسنگ زیادتر از راه دور نیست و قلعه کلات در سمت مشرق و انتهای شعبه این کوه واقع است روز بیست
و چهارم بعلی آباد که اول خاک قوچانست تشریف فرما گردیدند امیر حسینخان ایلخانی زعفرانلو در بین راه با پانصد سوار زعفرانلو
و سران سپاه و خوانین زعفرانلو بتقبیل رکاب اعلی مفتخر گردیدند از سوهان تا علی آباد هفت فرسنگ است روز بیست و پنجم قوچان
بورود مسعود خسروانه مزین گردید از علی آباد بقوچان (خبوشان) سه فرسنگ است و شرح جغرافیای آن در موقع خود بیاید
روز بیست و ششم و بیست و هفتم و بیست و هشتم در قوچان توقف و بمهام ملکی توجه داشتند امیر حسینخان ایلخانی را شجاع الدوله
لقب دادند و بابوالحسن خان پسر مشار الیه شمشیر مکلل مرصع مرحمت شد و سایر کسان او بخلاع ملوکانه سرافراز شدند روز
بیست و نهم موکب همایون تشریف فرمای چمن لیلی گردید و قراخان برادر الله یارخان حاکم دره جز که باردوی همایون احضار شده
بود با دویست نفر سوار دره جزی در راه بملازمین رکاب اعلی و دیگر سواران پیوست مقصود از احضار سواران خراسانی
تنبیه طاغیان طایفه یموت و گوکلان بود ولی احدی از قصد و نیت اعلیحضرت همایون خبری نداشت از قوچان بچمن لیلی
دو فرسنگ و نیم راه است و این چمن بسیار وسیع و سبز و خرم و از هر سمت چشمه ها و نهرهای آبگوارا دارد روز غرهٔ ربیع الثانی
بمنزل فیض آباد نزول اجلال فرمودند از چمن لیلی تا فیض آباد سه فرسنگ است قریهٔ فیض آباد قلعه محکم بزرگی دارد که قریب پانصد
خانوار در آن سکنا دارند روز دویم ربیع الثانی شهر شیروان بورود مسعود شاهانه مزین گردید امیر گونه خان برادر شجاع الدوله
حاکم شیروان با علما و اعیان بلده در بین راه بزیارت جمال همایون مبارک فایز گردیدند از فیض آباد بشیروان چهار فرسنگ است
بلده شیروان شهر دویم قوچان است ولی بحسب بنا شهر اول است و هزار و پانصد خانوار دارد و شرح جغرافیائی آن بیاید روز
سیم ماه منزل نعیم آباد مضرب خیام معلی گردید از شیروان بنعیم آباد سه فرسنگ است روز چهارم بقریهٔ نوده تشریف فرما شدند
در بین راه محمد خان بیگلربیگی و خانسوار خان سرکرده هزاره با هفتصد و پنجاه نفر سوار باردوی همایون پیوست یکفرسنگ بنوده
مانده محمد قلیخان سهام الدوله ایلخانی حاکم بجنورد و جاجرم و جوین و هزاره با هزار سوار شادلو که در نهایت رشادت بودند
بتقبیل رکاب اعلی مفتخر گردیده مورد تفقدات شاهانه شدند در این روز وقت عصر سهام الدوله را طلبیده و از مکنونات
ضمیر منیر که مبنی بر تنبیه طاغیان طایفه گوکلان و یموت بود او را آگاهی دادند و مقرر شد که قصد ملوکانه را مخفی داشته در
تهیهٔ اسباب سفر ساعی باشد از نعیم آباد بنوده چهار فرسنگ است و نوده اول خاک بجنورد است روز پنجم ربیع الثانی بلده بجنورد
بقدم مبارک مزین گردید از نوده الی بجنورد پنج فرسنگ است شرح جغرافیائی بجنورد که در تواریخ سابق هم ضبط شده در جلد
اول کتاب ثبت گردیده است روز ششم و هفتم ربیع الثانی در بجنورد اقامت فرمودند و سهام الدوله را بتنبیه و تشویق که
باید بتدبیر آنکه طایفه یموت و گوکلان روانه شوند نموده و صاحبمنصبان مفصله ذیل را مقرر داشتند که در انجمن

از صوابدید سهام الدوله و امرا و نکذرند و شب هشتم وقت سحر از صحرای شوغان بسمت مقصود روانه کردند

و اسامی قشون و سرکردکان و صاحبمنصبان از این قرار است

(سهام الدوله عبدالعلیخان ایلخانی سردار قشون مامور) (شجاع الدوله امیر حسینخان ایلخانی) (کلبعلی حسینخان امین نظام و سرکرده کان نصرت) (حسینقلیخان سرکرده سواره مخصوص) (صفرعلیخان سرتیپ) (زین العابدین خان سرتیپ) (صادقخان سرتیپ) (عباد الله خان غلام پیشخدمت) (حسنعلیخان سرتیپ قورت بیکلو) (سبحانقلیخان برادر سهام الدوله) (شیر محمد خان برادر ایضا) (علیقلیخان یوزباشی غلامان مخصوص) (قراخان سرکرده سواره دره جزی) (محمدخان بیکلربیکی هزاره) (خانسوارخان سرکرده هزاره)

سواره مامور

از ملتزمین رکاب همایون (غلامان مخصوص) (غلامان نصرت) (سواره مهاجر) (سواره دوبرن) (سواره اینانلو) (سواره قورت بیکلو)

از سواره خراسانی (شادلو) (زعفرانلو) (دره جزی) (هزاره) (جوینی) (جاجرمی) (علیخان کرجی پیشخدمت خاصه را نیز با مامورین حکم همراهی فرمودند)

روز هشتم موکب فیروزی از بجنورد تشریف فرمای فیروزه کردید از بجنورد به فیروزه دو فرسنک است روز نهم از فیروزه بچهار بید نزول اجلال فرمودند از فیروزه تا چهار بید چهار فرسنک می باشد روز دهم چهارده سنخاص مضرب خیام معلی کردید از چهار بید تا چهارده پنج فرسنک است چون یکی از معابر حقیقتی ترکمن که بسمت عباس آباد و بسطام و غیره میرود از دهنه سنخاص و از این بیابان فاصله جاجرم و اسفراین است که منتهی بکیابها و کلاته ها کشته از دهنه زید و سمت بیابان جمنه میرود و باز دهنه اباز دو کلی بمیان دشت عباس آباد و باز از شیخ ترشی علی میدان عبور نموده بمغزو کیلان و از انجا بجز آباد و دهات زیر ستانی میرود حکم همایون شد در تمام آن کذرها قراولخانه ها و قلعه جات بنا نمایند خاصه در سه بند و کذر معروف که بصحرای شوغان می آید یکی موسوم بدشت و یکی برباط عشق و یکی بارمد لو موسوم است در هذه السنه بلا بنا کنند و قراولخانه های معتبر بسازند و چند خانوار در آن قلاع ساکن نمایند تا راه از شوایب خطر مصون ماند روز یازدهم موکب معلی بجاجرم تشریف فرما کردید از چارده بجاجرم هشت فرسنک است شرح جغرافیائی آن در حرف جیم بیاید در این راه میرزا رحیم سرکرده سواره جاجرمی و میرزا فتحعلی نایب الحکومه جاجرم و یکصد نفر سوار جاجرمی تقبیل رکاب اعلی سرافراز کردیدند نواب جهانسوز میرزا حاکم شاهرود که در این اوان هم زردین بود بزیارت آستان همایون مبادرت نموده بتوسط اعتماد السلطنه حاجی علیخان که وکالتا بالنسبه شاهرود و بسطام و زردین و جاجرم داشت بحاکپای همایون مشرف شد روز دوازدهم در جاجرم اقامت فرمودند و بمطالعه عرایض که از دار الخلافه و سایر بلاد رسیده بود

مشغول کردیدند و در ضمن جواب بجناب آقای مستوفی الممالک معلوم فرمودند که طریق معاودت موکب همایون از راه چشمه علی دامغان و فیروزکوه است لهذا از جانب حکومت دار الخلافه هر چه لازم باشد قبل از وقت تهیه و به سورسات برسانند و حاضر نمایند روز سیزدهم از جاجرم بقریه ابورودته تشریف فرما شدند از جاجرم بدره دو فرسنخ میباشد و بفاصله دو فرسنک اندکی کمتر باز سلسله کوهی است بلند و سخت که از سمت مغرب امتداد یافته در این سمت چند معبر و دو قریه است که یکی از آن دو قریه بارزوی همایون است موسوم بابوراست و روز چهاردهم زردین بمقدم مبارک مزین کردید از ابوردره بزردین هشت فرسنک است و شرح جغرافیائی زردین در حرف زاء بیاید در میانه راه دره و زردین چون راه کردنه و کالسکه رو نیست مقرر داشتند کالسکه ها را از راه کیابها بکلاته خیج برده منتظر حکم باشند و در زردین مژده فتح و غلبه سپاه منصور که مامور تنبیه ترکمن یموت و کلان بودند رسید و معلوم شد مامورین شب اول بشوغان که در نیم فرسنکی بجنورد است رفته روز دویم برباط عشق که شش فرسنکی شوغانست شب سیم بارمدلی که هم شش فرسنک است شب چهارم هفت فرسنک طی نموده بکالپوش رسیدند شب پنجم نیز هفت فرسنک طی کرده و از مقابل قزلق و قارسیان کذشته در دهنه کرکان منزل کرده اند شب بکر بعد از نماز مغرب و عشا سوار شده هم در آن تاریکی شب از چهار فرسنک جنکل کذشته وارد صحرای کرکان کشته از محاذی کنبد قابوس عبور نموده هنکام نماز صبح باوبه های ترکمان نزدیک شده اند (کنبد قابوس در کنار رود کرکان و هشت فرسنکی استراباد واقع و از ابنیه قدیمه است و بنابر قول معروف قبر قابوس شمس المعالی حکمران استراباد و مازندران بوده است) خلاصه بعد از نماز صبح قشون ظفرنمون با لاچقهای ترکمان تاخته و مشغول نهب و جدال شدند و تا چهار ساعت و نیم از طلوع آفتاب کذشته بامر جهت باشتغال داشتند بکلی آن مدابر مخذول و سپاه منصور غلبه کلی یافتند و زیاده از هزار اسیر و دویست نفر سر و الجه را که از چند طایفه قوچوق و تاتار و قان بجز و چادر و اوچور نصیب سواران جلادت نشان شده از دربند کذرانده و نبوده رسیده اند روز پانزدهم موکب همایون در زردین توقف کرده بسیاحت چمن کالپوش که چمنی است بی نظیر توجه فرمودند از کالپوش تا زردین دو فرسنک است و در شمال زردین واقع صفای این چمن معروف و روح آن موصوف هر سو چشمه ساری نمایان و نهری چون سلسبیل جاری و عیان او از طیور و خروش و حوش و تماشای اصناف ریاحین و کلهای رنکارنک طبع را انشاطی خاص و طرب مخصوص میبخشد و در این چمن رود عظیم است که از کوه جاری میشود علاوه بر آب چشمه سارها روز شانزدهم موکب معلی از زردین بکاشیدار نهضت فرما کردیدند در این راه سهام الدوله و شجاع الدوله و سایر سرکردکان برکاب معلی پیوستند و هر دسته سواری روس و اسرائی که بدست آورده بودند در معبر ملوکانه حاضر ساخته همکی بعواطف خاصه خسروانه سربلند کردیدند خلاصه در این منزل مقرر شد که اعتضاد الدوله را بحکومت استراباد سرافراز فرمایند و نواب جهانسوز میرزا بنیابت جناب ایشان معجلا باستراباد رود و خود اعتضاد الدوله از منزل خوش ییلاق از اردوی

همایون هجرت کرده با فوج خاصه و یکصد غلام و یکصد نفر از ایل قاجار و یکصد نفر سواره نظام بمقر حکومت روان
شوند روز هفدهم بیلاق و منزلگاه اردوی همایون گردید از کلاته تا بیلاق دو سه فرسنگ است روز هیجدهم از بیلاق
بخوش ییلاق نهضت فرمودند از بیلاق و بخوش ییلاق چهار فرسنگ است ولی موکب همایون از راه زرد آبه که زیاده بر ده
فرسنگ است راه پیموده و در این راه شکار جرگه فرمودند امیر حسینخان شجاع الدوله بخلعت همایون سرافراز و اجازه انصراف
بمحل حکومت خود یافت روز نوزدهم از خوش ییلاق بکلاته خیج بسطام تشریف فرما شدند از خوش ییلاق بکلاته خیج چهار
فرسنگ است در این محل جعفرقلیخان سهام الدوله بخلعت همایون و نشان امیر تومانی سرافراز و رخصت معاودت بجنورد
یافت روز بیستم از کلاته خیج بکرمه و قلعه نو نهضت فرما گردیدند از کلاته خیج بکرمه و قلعه نو چهار فرسنگ است روز بیست
و یکم و بیست و دوم در کرمه اقامت فرمودند در اینجا مقرر شد که اردوی همایون منقسم شده قسمتی که در اسفار کوچک
و شکارگاهها همواره در رکاب اعلی بوده اند باز در موکب همایون باشند قسمت دیگر از قرار شرح ذیل بملازمت حضرت
مهد علیا از راه شاهرود و سمنان و دامغان بدار الخلافه روانه شوند قسمت دیگر که مامور استرآباد بودند با اعتضاد الدوله
بمحل ماموریت خود روانه شوند ملتزمین خدمت حضرت مهد علیا از قرار ذیل است
(شاهزاده ملک منصور میرزا) (حاجی رحیمخان صندوقدار و اهالی صندوقخانه مبارکه) (حاجب الدوله با جزء اعظم فراشان
و سراپرده چیان و فراشخانه وغیره) (مظفر الدوله) (افواج خمسه) (توپخانه) (کالسکه خانه) (زنبورکخانه و نقاره خانه)
محمد قلیخان حسام الدوله که در تمام مدت سفر ملتزم رکاب اعلی بود از اینجا مرخص و روانه دار الخلافه شد روز بیست و سیم
ابرسیج بسطام نزول اجلال فرمودند از کرمه تا ابرسیج سه فرسنگ است روز بیست و چهارم بتاش تشریف فرما شدند از ابرسیج
بتاش پنج فرسنگ است روز بیست و پنجم بشاهکوه مضرب خیام معلی گردید از تاش بشاهکوه چهار فرسنگ است شاهکوه
دو قریه است که یکی را شاهکوه علیا و دیگری را شاهکوه سفلی مینامند و فاصله میانه دو قریه نیم فرسنگ است روز بیست و
ششم چهارده کلاته منزلگاه اردوی همایون بود از شاهکوه بچهارده کلاته شش فرسنگ است در اینجا در باغ شاه که
از باغات است که بامر خاقان مغفور (فتحعلیشاه) طاب الله ثراه احداث شده منزل فرمودند این باغ نهایت با روح و صفا و درختهای صنوبر
عظیم الجثه و بلند دارد روز بیست و هفتم در اینجا اطراق شد زین العابدین خان سرتیپ و صفرعلیخان سرتیپ شاهسون
و عبدالقادرخان سرتیپ مهاجر با سواران خود از اینجا مرخص و روانه دار الخلافه شدند روز بیست و هشتم بچشمه علی دامغان
تشریف فرما گردیدند و در بین راه بتماشای چشمه بادخان دامغان توجه فرمودند این چشمه در وسط صحرای واقع و آبی
قلیل و بدبو و با عفونت دارد و یک ذرع پایین تر از سطح زمین آب آن چشمه جریان دارد چنین مینماید که این آب آلوده بگوگرد باشد
عقیده مردم اینست که اگر چیز ناپاکی در این چشمه اندازند طوفان شدید در هوا پیدا شود و تا در کنار چشمه قربانی نکنند
از طوفان آرام نگیرد از چهارده کلاته تا چشمه علی سه فرسنگ است چشمه علی که بر حسب اراده علیه در هنگام تشریف فرمائی
اردوی همایون بخراسان مقرر شده در وسط حوض چشمه ساخته شود باهتمام حسینخان حاکم ساخته شده است روز

چشمه بادخان بواسطه
مجاورت و ارتباط با بحر
خزر طلب طوفان مینماید
و در صد مرتبه طوفان
بیست مرتبه مقارن
وقتی بوده که آلوده بنجس
کرده اند و این را عوام خلق
پنداشته ملتفت وجه
هشتاد مرتبه دیگر نشده
اند و شهرت داده اند
که هر وقت چیز ناپاک
در این چشمه افتد طوفان
مینماید

بیست و نهم و سلخ در چشمه علی اطراق شد در اینجا دستخطی بامین الدوله شرف صدور یافت که چون تا فولاد محله مسافتی
بعید است پنجاه سوار که تا فولاد محله تا پل سرخه ده و یکشبه در اینجا سیورسات مهیا سازند و بنه مؤلف حاملان دستخط مبارک
بود غره جمادی الاولی نهضت فرمای سرخه ده شدند از چشمه علی تا سرخه ده سه فرسنگ است دوم بفولاد محله نهضت فرما
مبارکه گردید از سرخه ده تا فولاد محله دو فرسنگ و نیم است فولاد محله از هزار جریب و قریه معتبر است روز سیم بمیرزا حرند
توجه فرمودند از فولاد محله بمیرزا حرند بر حسب قول معروف چهار فرسنگ است ولی زیاده از شش ساعت راه است روز
چهارم تشریف فرمای اسران شدند در این منزل عریضه جناب آقای مستوفی الممالک رسید از جمله معروض داشته که مرض وبا
که در دار الخلافه بروز کرده بود در ماه ربیع الثانی هفتصد نفر را هلاک نموده و در اواخر ماه مزبور اشتداد مرض تمام و رو
بانحطاط نهاده است خاطر مبارک از ملال رسته بیکی از طولوزان حکیم باشی مخصوص اعلیحضرت همایون و حکیم الممالک فرمودند
پس از مراجعت موکب اعلی با استحضار و صوابدید جناب آقای مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر دار الخلافه اسباب حفظ
صحت شهر را فراهم آورند از حرند تا اسران سه فرسنگ میباشد روز پنجم بچمن کوه سفید نزول اجلال فرمودند در اینجا ناخوشی
وبا در اردو بروز کرد و علت آن از قراریکه معلوم شد آمدن افواج از سمت سمنان و دار الخلافه بوده از اسران بکوه سفید پنج فرسنگ
و نیم راه است روز ششم اردوی همایون بسمت شورستان و جلگه فیروزکوه اشخاص فرمود حاجی قنبرعلیخان سعد الملک
میرپنج و جان محمد خان سرتیپ فوج خلج از رکاب اعلی مرخص و روانه دار الخلافه شدند بواسطه تلگراف فیروزکوه معلوم شد
مرض وبا هنوز در دار الخلافه باقیست و اسمعیل خان خزانه دار نظام باین مرض درگذشته است از کوه سفید تا شورستان
چهار فرسنگ است روز هفتم تنگه واشی مقر اردوی معلی گردید روز هشتم و نهم و دهم در تنگه واشی اطراق شد مس
صاحب ایلچی سفارت انگلیس که از ابتدای این سفر خیریت اثر ملتزم رکاب اعلی بود از اینجا اجازت یافته بدار الخلافه رفت
یحیی خان ژنرال آجودان مخصوص حضور همایون بیک قطعه نشان و حمایل از درجه امیر تومانی سرافراز گردید آقاعلی اشتباعی پیشخدمت خاصه
ملقب بامین حضور ملقب گردید علیرضاخان قاجار پیشخدمت خاصه شریفه که حامل خشتهای طلای گنبد مطهر امامین همامین عسکریین
علیهما السلام بود بعد از انجام این ماموریت بزرگ مراجعت کرده بود در همین محل بخاکپای مبارک مشرف و مورد مراحم خاص ملوکانه گردید
روز یازدهم بقریه آزو تشریف فرما گردیدند و دوازدهم بمنزل ارجمند و در این منزل میرزا علیخان پیشخدمت و منشی حضور همایون
و نایب اول وزارت خارجه که بر حسب امر اعلی مشغول نگارش احکام و روزنامه جات وغیره بود بخلعت همایون مفتخر گشته مرخص
و روانه دار الخلافه شد روز سیزدهم برودهن تشریف فرما شدند روز چهاردهم بسرچشمه انکار در اینجا یکی از بنات سلطنت
کبری بمرض وبا مبتلا گردید ولی بحمدالله تا روز دیگر بهبودی و شفا یافت روز پانزدهم بخاک لاریجان توجه فرمودند
روز شانزدهم چشمه لای دماوند بقدوم مبارک مزین گردید روز هفدهم و هیجدهم در دماوند اطراق شد در اینجا باز یکی از بنات
سلطنت بناخوشی وبا دچار شد ولی بحمدالله او نیز شفا یافت روز نوزدهم بمبارک آباد دماوند حرکت فرمودند در بین
روز چاپاری از دار الخلافه رسید جناب آقای مستوفی الممالک عرایض محمد اسمعیل خان وکیل الملک و میرعلم خان حشمت الملک

زاین و سیستان را بحضور مبارک فرستاده اند از اینجا معلوم شد که قلعه نادعلی که از نیمت و در هیرمند و از قلاع محکم است
شئون ظفرنمون بعد از چهار ساعت محاصره و محاربه بقهر و غلبه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و متصرف شده اند روز
بیستم ... من محال لواسان نزول اجلال فرمودند روز بیست و یکم لیتان و کنار رود جاجرود محل اردوی همایون بود یکشنبه
بیست و سوم جمادی الاولی بالیمن و السعاده وارد سلطنت آباد گردیدند در بین راه بسیاری از شاهزادگان و رجال و اعیان بزیارت
جمال همایون مفتخر شدند و از روز ورود موکب همایون بحمدالله روز بروز ... تا دهم جمادی الثانیه دیگر
هیچ جا اثاری از آن نماند روز دهم جمادی الثانیه تشریف فرمائی قصر دوشان تپه کرده بودند روز پانزدهم شهر مزبور بشهر دارالخلافه
بقدم بهجت شیم مقدس مزین گردید جناب آقای مستوفی الممالک دیروز ... سرافراز و باعطای قلمدان مرصع و جبه شمسه الماس
کنار علامات این منصب جلیل است مفتخر گردید حضرت شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران فرمانفرمای آذربایجان را احضار
بدارالخلافه فرمودند همچنین حضرت شاهنشاهزاده اعظم یمین الدوله حکمران اصفهان را بدربار همایون احضار فرمودند
هم از وقایع اینسال آنکه روز دویم جمادی الثانیه سیلی در دارالخلافه آمده بعضی از خانه های بیرون دروازه محمدیه و چند باب خانه نیز در کوی ...
خراب کرده در شاهزاده عبدالعظیم هم خرابی کلی نموده در سرحد جلفا نیز سیل عظیم آمده است میرزا فرهاد منشی لشکر لقب امین
لشکر یافت و بنشان سرتیپی از درجه اول و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد میرزا علی اکبر خان آجودان باشی توپخانه مبارکه
بنشان و حمایل از درجه سرهنگی مفتخر گردید میرزا حبیب الله لشکر نویس ملقب به بشیر لشکر شد چون در عراق عرب ناخوشی طاعون
بروز کرده حکم شده در سرحدات قرانتین بگذارند که سرایت بممالک محروسه ننماید وزارت خراسان را بعهده جناب ظهیرالدوله
واگذار و وکالت نائب ایالت را با امین الملک (پاشاخان) عوض فرمودند حاجی میرزا محمد خان بلقب مجد الملک ملقب و بمنصب جلیل متولی
باشیگری حضرت امام ثامن علیه السلام سرافراز گردید حکومت بلوک خوار بجناب دبیرالملک و مهام فیروزکوه و دماوند با امین خلوت (میرزا هاشم خان)
واگذار شد پیشکاری حضرت شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد دولت علیه و کارگذاری مملکت آذربایجان را بنواب والا نصرة الدوله
مقرر فرمودند امین لشکر ... و فنون امور مالیاتی و رسیدگی بکارهای نظام مامور آذربایجان گردید محمد رضا خان قراگوزلو
پسر مرحوم بهرام خان در افواج توپچیان همدانی منصب سرهنگی یافت حاجی میرزا محمد منشی بیک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل
آن مفتخر گردید در ماه جمادی الاخره دستخطی با افتخار جناب دبیرالملک شرف صدور یافته که صورت آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

چون انتظام دارالانشاء دولتی که سپرده بدبیرالملک است همواره منظور نظر است و انتظام اینعمل باعث نظم احکام صادره دیوانی
است لهذا حکم میشود از تاریخ غره جمادی الثانیه و ما بعدها احکامیکه صادر میشود از قبیل فرمان لقب و فرمان منصب و
فرمان حکومت و فرمان نشان و مواجب مستمری و غیره و احکام رسیدگی بعرایض و دعاوی مردم سوای آنچه در دیوانخانه عدلیه
صادر میشود همه را دبیرالملک باید بنویسد و بنظر برساند و بصحه برسد و بعد از آن مهر ملوکانه و وزارتخانها آن احکام که متعلق

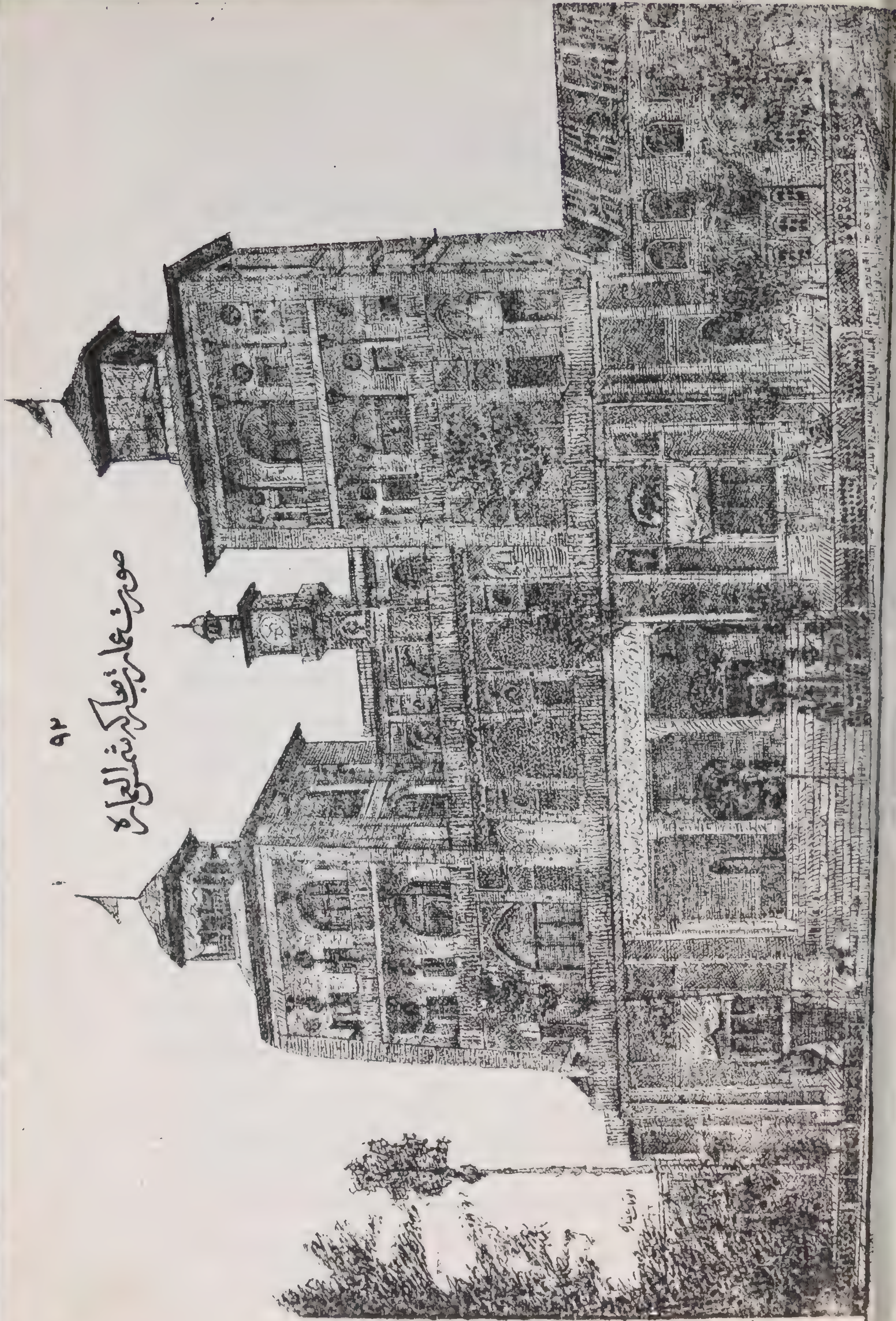
برساند البته همین دستخط را به همه وزارتخانها داده و اطلاع از این حکم بدهد تحریراً فی شهر جمادی الاخری سنه ۱۲۹۳
روز چهارم جمادی الاخره در نیاوران ابتدای جشن عروسی حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه بود و بصبیه مرحوم میرزا تقی خان اتابک اعظم از نواب علیه عالیه عزة الدوله دامت شوکتها میبود
نامزد شده و زمستان جشن بود محمد اسمعیل خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان در اجرای قنوات و احیای اراضی موات مساعی
جمیله داده و در باغ نظر کرمان عمارتی در کمال خوبی و استحکام بنا نموده است میرزا عیسی وزیر دارالخلافه باعطای یک قطعه
نشان تمثال همایون سرافراز آمد محاسبه دارالخلافه طهران و توابع را بعهده میرزا عباس خان معاون الملک واگذار فرمودند
مدرسه دارالفنون از حسن اهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه آناً فآناً رو بترقی است و کتابهائی که معلمین ترجمه و تالیف
کرده اند از قرار ذیل است
کتبی که میرزا عبدالغفار (نجم الملک) معلم کل علوم هندسه و ریاضی ترجمه و تالیف کرده (رساله در علم حساب) (علم حساب کامل)
(اصول هندسه) (علم مثلثات) (علم نقشه کشی) (علم هیات جدید) (علم جغرافی) (علم جبر و مقابله) (علم جر اثقال)
(علم تسکرانی) (رساله ابعاد بلاد) (رساله در استخراج خط نصف النهار و انحراف) (علم تسطیح)
کتبی که میرزا کاظم معلم شیمی ترجمه و تالیف کرده (شیمی مطلق و صنعتی و زراعتی و تجزیه جلد اول) (فزیک) (دواسازی و غیره)
(عکاسی)
کتبی که محمود افندی معلم علم پیاده نظام ترجمه و تالیف نموده (مشق سرباز و بخراج) (مشق باطالیان) (کتاب تیراندازی) (کتاب تکالیف
سفر جنگ) (کتاب قراول) (کتاب خدمات داخله) (کتاب جغرافی) میرزا علی و میرزا رضای دکتر نیز چند کتاب در علم طبیعه ترجمه و
تالیف کرده اند
روز شانزدهم جمادی الاخره محمد اسمعیل خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان داعی حق را لبیک اجابت گفت و حسینخان شهاب
الملک امیر تومان بحکومت کرمان منصوب گردید جناب مسیو دو بونیر که از جانب دولت فرانسه سمت وزیر مختاری مامور دربار
دولت علیه بود از ابتدای ورود بخاک ایران جمیع شرایط احترامات درباره جناب معزی الیه معمول و روز بیست و یکم
جمادی الثانیه بدارالخلافه باهره عز وصول یافت نصرالله خان سرتیپ توپخانه باعطای یک قطعه نشان سرتیپی و حمایل
مخصوص آن سرافراز آمد نواب والا حشمة الدوله را بحکومت عربستان و بروجرد منصوب فرمودند میرزا سید حسین
سررشته دار چاپارخانه مبارکه به پیشکاری شهاب الملک حکمران کرمان برقرار گردید
چون جمعیت و آبادی دارالخلافه نهایت رو بازدیاد نهاده و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد رای صواب نمای ملوکانه
اقتضا فرمود که وسعت مکانی برای اهالی حاصل آید لهذا مقرر فرمودند که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران یک
هزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یکهزار ذرع وسعت دهند و کفالت این امر را بعهده جناب آقای
مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه موکول فرمودند و چند نفر از مهندسین را نیز مامور بتعیین حدود و طول

و عرض خندق ذرع فرموده مقرر شد که هم خندق را حفر کنند که آب از برای مزرعه این معبر باشد و شهر از آفت سیل مصون ماند
در روز یکشنبه یازدهم شعبان در بیرون شهر در محاذی دروازه دولت سراپرده مخصوص ذات مقدس همایون برپا نموده
وزرا و شاهزادگان حتی وزرای دول خارجه مقیم دربار معدلت مدار در آنجا در سراپرده‌ها جمع آمده سلام عام منعقد
گردید بعد در موضعی که طرح خندق را ریخته بودند با کلنگی که از نقره و در کمال امتیاز ساخته شده بود به دستگاه مبارک
اعلیحضرت شاهنشاهی کلنگی بدست مبارک بر زمین زده و حضرت نواب جهانبانی شاهزاده والا نایب السلطنه نیز اقتدا به حرکت مسعود
مبارک کرده ایشان هم کلنگی بر زمین زدند آن پس مامورین بحفر خندق مشغول گردیدند و وزیر دار الخلافه متعهد شد که
سه ساله حفر خندق تمام شود دور این شهر تخمینا سه فرسنگ و نیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود
و از این روز شهر طهران موسوم بدار الخلافه ناصره گردید و میرزا محرم خلیفه در سر زبان مدرسه مبارکه دار
الفنون که در فن ماده تاریخ یدی طولی دارد تاریخ این بنا را چنین سروده

طبع محرم با دل شاد از پی تاریخ گفت جاودان بادا فر یزدان باد شهر ناصری

و مقصود از دل شاد الف است که اضافه بجمله مصرع ثانی میشود و با هزار و دویست و هشتاد و چهار هجری که تاریخ بناست
مطابق میگردد

صورت کلیه خشتهای طلا و سایر لوازم زینت گنبد امامین همامین عسکریین که از ملوکانه ساخته شده و پیشتر ان بهمراهی علیرضا
خان قاجار و پیشخدمت خاصه انفاذ آستان امامین همامین علیهما السلام کرده بودند قرار ذیل است
(خشت پشت هفت هزار و هفتصد و چهل و هشت عدد) (کتیبه صد و شصت عدد) (حاشیه سیصد و بیست عدد) (سر طوق گنبد
مطهر عدد) (دایره ترنجی که اسم مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی در آن نوشته شده هشت عدد) در این اوان نیز قدری از این خشتها
بهمراهی کاشف معیر الممالک فرستاده شد و بقیه که عبارت از شش هزار خشت و یکعدد سرطوق و هشت عدد ترنجی است
تا عید نوروز انفاذ میشود حضرت شاهنشاهزاده اعظم یمین الدوله حکمران اصفهان روز پنجم شعبان بدار الخلافه باهره
وارد و شرفیاب حضور مبارک گردیدند آقا خان محلاتی که چندین سال است که در صفحات هندوستان متوقف می باشد
سه زنجیر فیل و یک کرگدن بدربار معدلت مدار فرستاده این اوقات بوصول وصول گردیدند هم در این سال بنای عمارت
مبارکه شمس العماره که از یک سمت محدود بابتدای خیابان ناصریه است و بر جبهه اندرون اعلی به پنج طبقه و
مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستان است صورت اتمام یافت این بنای رفیع بمواظبت و اهتمام دوستعلیخان
معیر الممالک ساخته شده و تالار و حجرات آن همه مزین به پرده‌های معقول و چهل چراغهای بسیار نفیس گرانبها
و پرده‌های نقاشی قیمتی ممتاز اعلی و سایر اسباب و اشیاء ثمینه است و صورت آن از قرار یست که در صفحه مقابل
ساخته شده است



صورت عمارت شمس العماره

دروازه مبارکه ناصریه در راستهای خیابان ناصریه نیز زیور اتمام یافت روز هفدهم شعبان حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی وارد دارالخلافه باهره گردیدند و میرزا محمد صادق قائم‌مقام بپیشکاری حضرت امجد اجل معظم الیه و وزارت آذربایجان برقرار گردید که چون در رکاب حضرت شاهنشاهزاده اعظم والا در ملازمت ایشان بآذربایجان روانه گردد و نواب والا نصرت الدوله را بحکمرانی قزوین منصوب فرمودند

در این اوان ایام هفته باشاره علیه بنحو مسطور در ذیل تقسیم شده است

شنبه چون اول ایام هفته است برای عامه چاکران حق دریافت باریابی حضور مبارک خواهد بود در صورت اقتضای رای صواب‌نمای ملوکانه مجلس سلام و بار عام منعقد شده چاکران درباری شرفیاب اند و زمانی شوند و الا مخصوص احضار بعضی از شاهزادگان و وزراء و امراء و سایر طبقات اصناف خدم از مستوفیان و صاحبمنصبان نظام و لشکرنویسان و غیره و اوامر شفاهیه خواهد بود

یکشنبه بقانونی که سابقا مقرر بود دیوان مظالم و خاص ملاحظه عرایض دیوانخانه عدالت عرایض صندوق عدالت نیز در این روز بشرف ملاحظه همایونی میرسد بالمناسبه عرایض متعلقه بوظایف و اوقاف هم بتوسط وزارتخانه وظایف در این روز بعرض خواهد رسید

دوشنبه روز تعطیل است و بعضی از دوشنبه‌ها را بمیدان مشق و قورخانه و ملاحظه احوال متعلمین مدرسه دارالفنون و غیره اشتغال خواهند فرمود

سه‌شنبه برات و فرامین و احکام و ارقام دولتی بملاحظه و تصحیح همایونی خواهد رسید از هر وزارتخانه برات و فرمان و حکمی باشد در این روز بحضور مبارک خواهند فرستاد لاکن عرایض و فهرست و مستدعیات متفرقه نیز خارج از خود دیوانخانه در این روز بعرض میرسد عرایض و نوشتجات نواب والا اعتضاد السلطنه و امین الدوله و سایر مطالب و عرایض از هر مقوله نیز در این روز تقدیم حضور مبارک خواهد شد

چهارشنبه با امور مالیه از قبیل محاسبات خزانه عامره و کتابچه‌های دستورالعمل ولایات و محاسبات گذشته و مهام متعلقه بحکام ممالک محروسه رسیدگی میشود و کلیه امور متعلقه بوزارتخانه استیفا مخصوص این روز است

پنجشنبه مخصوص عرایض وزارت جنگ و خارجه است عرایض و مطالب این دو وزارتخانه در این روز بحضور مبارک رسیده جواب صادر میشود بجز برات و فرامین که باید روز سه‌شنبه بحضور برسد

جمعه نیز تعطیل است و روز فراغت و این ترتیب در اوقاتیست که دارالخلافه باهره مقر سلطنت عظمی باشد اما هنگامیکه موکب منصور همایون تشریف‌فرمای شکارگاه یا یکی از ییلاقات است وزرای عظام هر یک عرایض و مطالب متعلقه بخود را بطوری روانه حضرت ملوکانه خواهند داشت که روز معین بموقف همایون موصول و از عرض حضور مبارک بگذرد

محمود آقای سرهنگ و معلم پیاده نظام بسرهنگی فوج خلج قم سرافراز گردید حکم همایون شد که مریضخانه بجهة مرضای مسلمین ساخته شود و مهندسین مشغول طرح و نقشه آن می‌باشند روز چهارم شوال موکب همایون عزیمت شکارگاه مسیله و زیارت بقعه منوره حضرت معصومه فرمود حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران را اجازه معاودت بمحل حکمرانی خود داده روانه آذربایجان شدند و قائم‌مقام که بریاست و پیشکاری آذربایجان منصوب شده بود در خدمت حضرت معظم الیه روانه گردید میرزا غفار خان صدیق الملک بریش‌سفیدی دربخانه حضرت شاهنشاهزاده اعظم برقرار گردید نواب والا معتمد الدوله را بحکمرانی کردستان منصوب و مامور فرمودند در همین این اوقات تگرگی بارید که دانه‌های آن بزرگی نارنج بوده روز بیست و دویم شوال موکب همایون از شکارگاه مسیله قم معاودت فرمود میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان بوزارت حضرت امجد شاهنشاهزاده والا امین الدوله برقرار گردید که در خدمت حضرت معظم الیه روانه اصفهان شود اعتضاد الدوله حکمران و سردار استرآباد بعد از نظم اعتدود و سرکشی بمازندران بخاکپای مبارک مشرف شده بنشان امیرتومانی سرافراز آمد میرزا اسدالله خان نایب قوام وزیر علوم و نایب الحکومه تویسرکان و ملایر بنیابت اول وزیر علوم سرافراز شد حاجی میرزا علی مشکوة الملک مامور رسیدگی امور همدان گردید حاجی محمد خان پسر مرحوم وکیل الملک بمنصب پیشخدمتی سرافراز آمد میرزا سید کاظم سررشته‌دار صندوقخانه مبارکه بمنصب استیفا مفتخر گشت علیقلی میرزای صارم الدوله ولد نواب والا اعتماد الدوله بنشان و حمایل امیرتومانی سرافراز گردید علیقلی خان نایب اول آجودانباشی بیکقطعه نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص آن مباهی آمد فرج الله بیک یاور توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه مفتخر گشت رضاقلیخان آجودان حضور حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه بیکقطعه نشان از درجه دویم سرهنگی سربلند گردید روز بیست و پنجم ذیقعده الحرام چهار ساعت و چهل و دو دقیقه از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرد و سلام خاص در تالار جدید شمس العماره در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید روز بیست و ششم سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت یحیی خان آجودان مخصوص حضور همایون بلقب نبیله معتمد الملکی ملقب گردید میرزا زمان بمنصب کلانتری شهر دارالخلافه سرافراز شد انتظام امر جباخانه مبارکه بعهده میرزا احمد خان حمامباشی و میرزا علیرضای سررشته‌دار دفترخانه مبارکه موکول آمد عبدالرزاق خان سرهنگ فوج خرقانی بمنصب سرتیپی فوج مزبور نایل گردید چون میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله مرحوم شد منصب سرتیپی فوج خمسه را باقا خان سرهنگ پسر مرحوم مرحمت فرمودند اسبان اصطبل توپخانه مبارکه را بامیر اتباع محمد تقیخان افشار واگذار نمودند کتاب قرابادین صالحی طبع شده و بفروش میرسد روز آخر ماه ذیحجه الحرام یکطوب جبه ترمه کشمیری شمسه‌دار مکلل بیاقوت و الماس که مخصوص وزیر اعظم و منحصر اول است بجناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند پاشاخان شجاع الملک ملقب بمظفرالدوله گردیده و فوج خمسه و پانصد نفر سواره افشار ابوابجمع حاجی مهرعلیخان شجاع الملک فرمودند استرآباد و مازندران و شاهرود و بسطام که بحکمرانی

اعتضاد الملک ولسفیر اسلامبول از دنبال نواب برای انولایات تعیین شد

(حکومت مازندران باعتماد الدوله پسر اعتضاد الدوله به پیشکاری حاجی میرزا یحیی خان سرتیپ نوری) (نیابت حکومت استراباد بمحمد علیخان بیکلربیکی واگذار شد) (نیابت حکومت شاهرود و بسطام بمحمد حسنخان پسر شیر علیخان واگذار امد)

وقایع عظیمه که در این سال در تمام نقاط روی زمین و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

اسپانیا

شورش سرابالنگ زیاد نارضائی مردم از دولت اخراج نمودن ایزابل ملکه همشیره خود و شوهر او را با تمام سازش با باعیان صفیه سردارهای قشون با ملکه بروز کینه عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثنا با ملکه ایجاد و تشکیل دولت موقتی بریاست سرانیم اهالی اسپانیا در صدد این هستند که وضع دولت را جمهوری قرار بدهند بعضی هم در تکار لکن یکی از اقوام ملکه سابق بود جمعی از اهالی اسپانیا در خیال این هستند که پادشاهی از خارج برای خود انتخاب بکنند وضع جمهوری را قبول ندارند شناختن دولت اتازونی جمهوری اسپانیول را و بعد از آن شناختن تمام دول متدرجا این جمهوری را بروز شورش در جزیره کوبا متعلق باسپانیا و همین شورش مقدمه یک جنگ طولانی سخت خونریزی شد که در اینده ذکر خواهیم نمود فرار ملکه ایزابل بمملکت فرانسه و پناه بردن در آن مملکت

اطریش

عده قشون تمام ممالک اطریش در حالت صلح ششصد هزار مقرر شد

افریقا

مرغش بی اقتداری سلطان سید مولا محمد با عسکری بعضی ایلات عرب و خاصه طایفه ظهر و عادت اطراف شهرها بروز وبای سخت در میان اینطایفه و پراکنده کردن اینطایفه را

افغانستان

منازعه محمد اعظم با امیر شیر علیخان امیر افغانستان و فتح بلخ بدست امیر شیر علیخان

المان

کوشش اعلیحضرت پادشاه پروس و مسیو بزمارک صدر اعظم در اتفاق و اتحاد دول المان و شناختن انها اعلیحضرت پادشاه پروس را بریاست خود افراشتن مجسمه لوتر بنیان مذهب پروتستانی المان در حضور اعلیحضرت پادشاه پروس تهیه جنگ پروس با فرانسه با کمال دقت و سختی در المان دیده شده است خیال مباحثه گری دولت انگلیس را ما بین پروس و فرانسه که بلکه احترازی از این جنگ قریب الظهور بشود اغلب روزنامه های المان نمی پسندند

96

انکلیس

صدارت دیسرائیلی شورش و انقلاب سخت در ایرلاند استعفای دیسرائیلی بعد از چند ماه و صدارت گلادستن رئیس طایفه ویک فتوحات قشون انگلیس بسرداری نیپیه در حبشه با وجود مخاطرات و موانع طبیعی در این نقطه جنگ سخت در حوالی ماگدلا پای تخت حبشه بیشتر عساکر انگلیس از بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند تا بالاخره در اواسط حمل بو زیر بپای تخت برده و ابخار انصرف نموده تئودرس پادشاه در این جنگ خود را بدست خود کشت نیپیه سردار معبد از این فتح بلقب لردی نامیده شد اختراع تفنگ مارتینی و توپ هائی در مملکت انگلیس و قبول کردن دولت این اسلحه را و تقسیم نمودن انرا بقشون خود

ایطالیا

ازدواج ولیعهد با صبیه دولد دوژن موسوم بمارگریت طغیان کوه اتش فشان اتنا

پرتوغال

صدیت مردم با یکدیگر در مسئله اتحاد اسپانیول و پرتوغال و تفویض سلطنت اسپانیا بپادشاه پرتوغال

چین

فرستادن یکی از رجال دولت چین بسفارت با فلیبلاد فرنک بریاست شخصی بکی و بنای

دانمارک

ازدواج ولیعهد این دولت با دختر پادشاه سود

روس

دوچار شدن ایالات شمال بقحط و غلا و بروز ناخوشی طیفوس در فلاند تقسیم تفنگ نترپ بعساکر دوس فتوحات در ترکستان بخارا فتح سمرقند بدست ژنرال کفمان

ژاپن

جنگ و شورش در داخله خیال عامه اینست که میکادو که پادشاه حقیقی است بدون مداخله طیقون مستقلا بامور سلطنت برسد و دست رشتن دیوسها (یعنی نجبای مملکت) غلبه هواخواهان میکادو بر هواخواهان طیقون

سوئیس

طغیان رودخانه ها که از کوه آلپ جریان دارند طغیان ابه دریاچه ها خراب اغلب ابادیها اتلاف مال و ادم زیاد و رسیدن خسارت بمردم زیاده از صد کرور

عثمانی

قتل والی سربیشل دکردشگاه خارج شهر بلگراد و نصب میلان برادرزاده او که پسر چهارده سالگی شورش سخت در جزیره قندی حرکت یونانیها بر ضد عثمانی دخالت دول فرنگ در کار یونان و عثمانی صدور فرمان اعلیحضرت سلطان که ولایت عهد حق پسر خود باشد بر خلاف قانون که رسم بوده که ارشد اولاد بخلافت میرسیده است

فرانسه

شورش اشکار در بعضی از شهرها بدولت بعد از پانزده سال امنیت و اسودگی اغوا نمودن شورشیان مردم را بواسطه روزنامه وغیره نطقهای سخت و خطبهای خشن در مجلس وکلا از جانب مسیو طیرو ژول فاور تقسیم تفنگ موسوم بشاسپو بقشون فرانسه ما کال العجله فوت والفسکی از معارف در گذشتن روسینی معلم معروف علم موسیقی فوت بارون میرچل در سن هفتاد و شش سالگی در عالمی که او با مکنت ترین مردم دنیا بود

مکزیک (از ینگی دنیا)

شناختن دولت اتازونی دولت جمهوری مکزیک را بریاست ژوارز

ینگی دنیای جنوبی

بنوندم بروز وبای سخت در این مملکت منازعه سخت برزیلیا با پاراگای بر ضد جماهیر دیگر مملکت پرو زلزله سخت در پایتخت اینسال در اغلب نقاط روی زمین و بواسطه این زلزله در حوالی کاللو فرنی وشیلی طغیان اب دریا سبب خرابی اغلب ابادیها و هلاک کثیر مردم گردید

وقایع سال بیست و دوم سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله تعالی ملکه و دولته مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و پنج هجری لوی ئیل ترکی

از ابتدای این سال فرخنده فال ذات بیهمال و مثال اعلیحضرت همایون بتعمیم مکارم و مراحم شاهانه درباره خاص و عام و رعایا و خدام با احتشام متوجه بود علیرضا خان پیشخدمت خاصه حضور همایون ملقب بعضد الملک گردید نواب والا مؤید الدوله به پیشکاری و کارگذاری مملکت اذربایجان مامور و باعطای جبه شمسه دار مفتخر گردیدند سردار کل عزیزخان وزیر جنگ باعطای یک رشته حمایل ابی از درجه اول امیر تومانی سرافراز امدند نواب شاهزاده محمد امین میرزا بر حسب استدعای نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم بنیابت علیه و تو بسرکان نایل امدند جناب رضا بیک وزیر مختار دولت عثمانی مامور اقامت دربار علیه از اول ورود بخاک ایران مراسم اعزاز و شرایط پذیرائی و احترام در خور جانب معزی الیه بوجه اکمل بعمل امده روز غره ماه صفر شرفیاب حضور مبارک گردید روز بیست و یکم ماه صفر موکب همایون از قصر سلطنت اباد عزیمت ییلاق لار فرموده نواب والا احتشام السلطنه

فرمانفر

فرمانفرمای فارس یکراس اسب خاصه با یراق مرصع جواهر نشان مفتخر گردیدند کاظم خان سرتیپ بمنصب فراشباشیگری سرافراز امدند نقی قلیخان قولر اقاسی باشی بتفویض منصب کشیکچی باشیگری مباهی شد حیدر قلیخان پسر مرحوم محمد ولیخان قاجار از جوانب دیوانخانه گردیده و بخلعت همایون سرافراز گشت حاجی بهاء الدوله به بیگلربیگی گری تبریز برقرار گردید روز دوازدهم ربیع الثانی بشکارگاه شهرستانک تشریف فرما گردیده روز چهاردهم بسمت دونا اشخاص کرده روز بیست و یکم از دونا بسیاپیشه که اول خاک کلارستاق است نزول اجلال فرمودند روز بیست و دویم دامنه گردنه هزارچم مضرب خیام معلی گردید راه هزارچم که از مسالک صعبه بود حسب الامر چنانکه در شرح سنوات سابقه ذکر شد مسیو کاستگر مهندس نمساوی در کمال خوبی ساخته و دروازه از سنگ احداث کرده که از غرایب مستحدثات است و بعطایای وافره شاهانه واقف خانی سرافراز امده بالجمله موکب همایون بکلاردشت نزول اجلال فرمود روز بیست و هشتم ربیع الثانی از کلاردشت بدامنه گردنه هزارچم معاودت نمودند روز بیست و نهم تشریف فرمای چمن سیاپیشه گردیدند نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم قطعه ماده تاریخی برای دروازه سنگی هزارچم بنظم اورده بودند که در نظر انور ملوکانه بسیار مستحسن افتاد و ان قطعه بعینها در ذیل ثبت میشود

هم در اینها وفات حضرت شاهنشاه زاده معظم جلال الدوله حکمران خراسان در ان مملکت داعی حق را لبیک اجابت گفتند

قطعه تاریخ دروازه سنگی هزارچم از کلام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم متخلص بفخری

در همایون عهد دارای سترک	خسرو عادل شهنشاه کریم	بوالمظفر ناصرالدین شاه راد	کز نظیرش مادر گیتی عقیم
در رکابش فتح و نصرت ملتزم	بر جنابش حشمت و شوکت مقیم	امر او جانبخش چون امر مسیح	رای او تابنده چون دست کلیم
دید راهی سخت همچون واخواه	سالکان از خوف چون مرغ دونیم	معبری باریک چون طبع حسود	مسلکی تاریک چون طبع لئیم
رهروان دیدند با چشم عیان	صد چو خود افتاده با عظم رمیم	بر جبالش کی پرد مرغ خیال	در وهادش کی رسد فکر حکیم
دور مردم زین طریق پر خطر	همچو از باب شیطان رجیم	قاطعان راه در طی طریق	خویش را دیدند چون مرد سلیم
کاروانی چند زین مسلک گدا	کودکانی چند زین معبر یتیم	ارتفاع قله را داناخداست	انخفاض دره را الله علیم
شد بر این راه از فرمان شاه	شارعی فرخنده چون شرع قویم	مسلکی محکم نهاد از سنگ خارا	انکه سنگ و خاک پیشش زر و سیم
کس ندیدست اینچنین بنیاد سخت	هیچکس نشنیده ز اثار قدیم	بس فراز افکند دری خوف و بیم	بس سواره بسپرد بی باک و بیم
کلک فخری را بحکم شه کلش نبود	زامر خسرو این جحیم امد نعیم	اینچنین کاری کند عزم ملک	خسرو اعظم کند کاری عظیم
جست پیر عقل تاریخش ز من	گفت فخری شد صراط المستقیم ١٢٨٥	در هزار و دویست و هشتاد و پنج	زد رقم کلک من از طبع سلیم

غره جمادی الاولی کندوان دونا که از توابع نور است منزلگاه موکب همایون بود روز دویم بمیدانک تشریف فرما شدند از اینجا بگله کیله که از توابع شهرستانک است نزول اجلال خواهند فرمود از مجلدات ناسخ التواریخ که از مصنفات مؤتمن السلطان لسان الملک مستوفی دیوان اعلی است جلد کیفیت احوال حضرت رسول صلی الله علیه و اله مبادا شد طبع شده و بفروش

میرسد

مهد بجوان بنا را بر طبع نموده اند روز یازدهم جمادی الاولی موکب معلی قدر سلطنت پناه را بمقدم مبارک مزین فرمود تا خوشی با آنکه چند یوم قبل بعضی زوار مشهد و دار الخلافه بروز کرده و بعد تخفیف یافته بود چون مجدداً در بعضی محلات شدت نموده موکب همایون پنجم چهارم ماه بییلاق لواسان حرکت فرمود که بعد از چهار شب توقف مراجعت کنند ولی بقیه [illegible] کردند شب یازدهم جمادی الاولی تقریبا پنج ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در طهران و کاشان و قم و فیروزکوه شد و دو دم بهمین جهت سیم تلگراف با همه جا بصعوبت مخابره میشد زیرا که تجربه رسیده که هر وقت زلزله میشود یکروز پیشتر قوه الکتریسته زمین مغشوش میگردد و در رصدخانه های فرنگستان بواسطه اسباب مخصوصه ساعتی پیش از وقوع حکم بزلزله مینمایند و در شب زلزله مقارن زلزله حیوانات از دواب و طیور یکمرتبه بصدا آمده و بعضی معتقدند مثل بوی کبریت بمشام اغلب مردم میرسید که مایه تعجب بود چون قوه شامه حیوانات زیادتر از انسان است محتمل سبب فریاد حیوانات همان بو شده باشد که از اجزه محتبسه در جوف کره ارض است که بسبب زلزله از خلل و فرج زمین بیرون می آید اعتماد السلطنه والد مؤلف در سلخ ربیع الاول داعی حق را لبیک اجابت گفت

چون وقت وفات اعتماد السلطنه پدر مؤلف در رکاب نصرت انتساب همایون بودم و برادر بزرگ مؤلف ادیب الملک پرستاری بود و در هر مقام از احوال آباء خبر بدین واسطه خود چیزی ننگاشته و موقوف باطلاعات ادیب الملک داشتم و تفصیل احوالات او از قراریست که ادیب الملک نوشته و در ذیل ثبت است

نگارش ادیب الملک

تاریخ رحلت مرحوم حاجی علیخان اعتماد السلطنه غفر الله له یوم جمعه سلخ ربیع الاول سنه ۱۲۸۵ مطابق سال لوی ئیل دو ساعت از روز گذشته است که در قریه جماران شمیران در خانه جناب آقا سید محمد باقر جمارانی بعالم باقی پیوسته و از سن ایشان شصت و سه سال گذشته بود

سلسله اجداد مرحوم علی حسین بن محمد رسول بن عبدالله بن جعفر است که جعفر از هفت پشت واسطه بببیرک بیلبیر اوزبک خان بن جوجی خان مغول میرسد و تفصیل احوالات جوجی خان از قراریست که در کتاب روضة الصفا و حبیب السیر و غیره مسطور است

اینکه چگونه شده که در مراغه متوطن گردیده و معروف بمراغه هستند

در سنه هفتصد و پنجاه و هشت بیری بیک که مردی مسلمان و موحد بود بحکومت تبریز نایل و در همان سال پدرش که بحکومت قبچاق برقرار بود از این عالم رحلت نموده رو بعالم باقی آورده بیری بیک بمقام پدر مراجعت کرده و در همانجا بساط حکمرانی گسترد و چون حکومت بیری بیک در تبریز اسباب این شد که علاقه در آنجا هم بستند و اولادش در آن ولایت متوقف گشتند تا زمان جعفر خان که هفت پشت واسطه به بیری بیک میرسد در تبریز متوطن بودند اتفاقا که سلطان سلیم سلطان عثمانی لشکر کشید و آذربایجان گشود و شاه اسمعیل

صفوی

صفویه نیز بدر لواحق و چالدران بجا رسید و سپاه و شکستی عظیم خورده و برگردید فاتحان شکست چالدران وحشت بی پایان در حال اهالی آذربایجان بهم رسید هر کس را قدرت حرکت بود بجانب عراق فرار مینمود آنکس که قدرت نداشت در کمال تزلزل بماند و از جمله جعفر خان راه دار السلطنه قزوین پیموده و در همانجا توطن اختیار نموده تا در اوایل جلوس نادرشاه در ایام قحط و غلای بیپایان بهم رسید محمد پسر جعفر خان را طاقت زیست نماند با کمال استیصال خود را بمراغه کشانده و در اغلب ایام بعد از چندی که گذشت فقر و استیصال بغنی و کثرت مال مبدل گردید

جهت نوکری و سبب ترقیات مرحوم در دولت قاجاریه بعد از آنکه خبر شهادت آقا محمد خان شاه شهید در شوشی بخاقان مغفور فتحعلی شاه طاب الله ثراه رسید از شیراز لشکر کشیده و بمقابل صادقخان شقاقی رسیدند و در آن بین احمد آقای شیخ شرفی حاکم مراغه که پسر حاجی محمد علی بود و ملازم حاجی علی محمد پدرش از حمل و نقل بار تجارت میگذشت و هنگام رفتن شاه شهید بقلعه شوشی که حمل بارهای سلطنتی را نموده و بلقب خانی سرافراز گشته بود بدین خیال افتاده که در این اغتشاش که امر جهانبانی با صادقخان در کشاکش و خاطرها متشوش است هرگاه فرستاده و پیشکشی نزد یکی از ایشان روانه ندارم خلاف کار حکومت و حکمت است پس دو عریضه یک مضمون باسم آن دو جنگجو نگارش نموده و با پیشکشی نقد و موجود مصحوب آقا حسین پسر محمد رسول بیک که شخص کاردان و با کفایت و با استعداد و قابلیت بود بمحل مشاجرت ایشان فرستاد و با او یاد داد که در حول و حوش دو اردو مطلع باشد هر یک را روزگار برگشت و شکست خورد بحال خود گذارد و آن دیگری را که نصرت و جنود فتح و ظفر رسید بخاکبوسی مصمم و عریضه را تسلیم نما و پیشکش را تقدیم و جواب گرفته بمراغه مراجعت کن هنوز آن دو عسکر اسب در میدان مشاجرت ندوانیده که آقا حسین بحکم دولتخواهی خود را باردوی خاقان مغفور رسانیده و مراتب دولتخواهی حاکم مراغه را برشته عرض اخلاص کشانیده و عریضه و پیشکش را تسلیم نمود و معروض داشت که اهالی آذربایجان خود را رعیت خاقان شهید میدانند و خطبه خاقانی بنام جهانبانی میخوانند از این تقریر و صداقت باب عنایت خسروانی بر چهره امیدواری خود گشوده کفایت و صداقت این فرستاده مقتضی استحکام حکومت احمد خان گردید و کارگزاران او را بحکومت سرافراز گردانیدند و شخص آقا حسین را بعنایات ملوکانه بچاکری برگزیدند و جواب عریضه احمد خان را مرقوم داشتند و علی الظاهر خیال باطنی او را ندانسته انگاشتند و در این بین لشکر بنای محاربه گذاشتند و چیزی نگذشت که اردوی صادقخان شکست خورده و آقا حسین خدمت خود را انجام داده با نیل مرام بمقام خود مراجعت کرد و جواب عریضه احمد خان را رسانید و همان عرض و خدمت صادقانه آقا حسین اسباب نوکری جاودانه او با این دولت ابد آیت گردید چنانکه هنگام مأموریت ولیعهد مغفور عباس میرزا نایب السلطنه حضرت طاب الله ثراه بحکومت آذربایجان مخصوصاً آقا حسین را خاقان مغفور سپرد که بمشار الیه عاطفت و عنایت فرمایند بعد از ورود نایب السلطنه بآذربایجان ولیعهد مبرور آقا حسین را احضار نمود و عنایتها فرمود از شدت خدمت و دیانت کار آقا حسین بجائی رسید که محل وثوق حضرت نایب السلطنه گردید و در آنحضرت سمت ملازمت یافت و اکثر بصداقت و امانت اموال العود شاهزاده والده محمد شاه مرحوم اعلی الله حظ النور که صبیه میرزا محمد خان قاجار بیگلربیگی طهران بود با آقا حسین سپرده گشت و روزگارش بدیانت و آسودگی و فراغت

میگذشت

میکن شد چندی پس بر منوال بسر میبرد تا آنکه شهریار مبرور محمد شاه طاب ثراه بحکومت مراغه برقرار کردید حضرت ولیعهد مبرور آقا
حسین را بمقتضای دیانت و امانت بخدمات شاه مرحوم مامور فرمودند و روانه مراغه کردند آن اوقات حاجی علیخان اعتماد السلطنه
سالها بود بغلام بچکی مخصوص شاه مبرور سرافرازی حاصل نمود بعد از تبریز رسید بمنصب پیشخدمتی مفتخر گشت بعد از مصالحه با دولت
روس حضرت نایب السلطنه تبریز آقا حسین را بانای خدمات بر پیشخدمت باشیگری شاه مبرور محمد شاه مفتخر کردانید و امنای
السلطنه را عفرت بدو بمنصب پدر مخصوص گشت و بعد از دو سال در مراجعت از سفر کرمان و خراسان اعتماد السلطنه بمنصب
صندوقداری رسید و در سفر اول شاهنشاه مبرور بهرات کارش از صندوقداری بالا کشید و اغلب خدمات و انتظامات اردوی کیوان شکوه
باو محول کردید تا آنکه بعد از فوت و رحلت حضرت نایب السلطنه مغفور در ارض اقدس شاهنشاه مبرور از هرات بمشهد آمده و بعد از آداب
رسوم تعزیت بحکم خاقان مغفور بدار الخلافه احضار و بجای پدر بولیعهدی برقرار شدند و از طهران باذربایجان تشریف فرما کردیدند
و چندی نگذشت که خبر فوت خاقان مغفور فتحعلی شاه از اصفهان باذربایجان رسید دوباره کار طور دیگر کردید بعد از آن فوت نواب
ولیعهد محمد شاه مرحوم خاطر از آن مملکت بیرون کشیدند و بمناسبت امور متعلقه بسلطنت بنای تغییر و تبدیل مناصب شد و خواستند امر
نظارت و خوانسالاری را بشخصی وجود رجوع فرمایند که قابل و مستعد و صادق و معتمد باشد لهذا شاه مبرور این منصب خدمت و امضا
با امانت و صداقت اعتماد السلطنه دانسته بعرض حفظ وجود مسعود خدمت خوانسالاری باو مفوض گشت پس از آن نیز ادا...
العلمای ملوک ... باذربایجان تشریف فرمای طهران کردیدند و بسریر سلطنت نشستند و تاج و تخت را زینت بخشیدند در آن وقت اعتماد
السلطنه از مراحم سلطانی بلقب خانی سرافرازی حاصل نمود و بعلاوه حکومت کاشان بلوکات و وجوهات دار الخلافه طهران را نیز بعوض خارج
کارخانه مبارکه باو مفوض فرمودند و همان اوقات آقا حسین بحکومت کاشان رفت

چندی بعد از خدمت نظارت معاف شد و با نواب مهد علیا والده شاه مرحوم بمکه معظمه شرفیابی حاصل نموده و مراجعت از آنجا در
آذربایجان سرپرستان نواب مستطاب ولیعهد گردون مهد ناصر الدین میرزا نهاد و در رکاب مهد علیا بدار الخلافه آمده شرفیاب حضور (والده شهریار مبرور)
همایون کردیده بمراحم خسروانی سرافراز شد تا آنکه شاهنشاه مبرور از این دوران در گذشت و از آفتاب وجود مسعود اعلیحضرت
قدر قدرت شاهنشاه جمجاه کیتی پناه ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه مملکت ایران ضیا افزا گشت و نظر بایام فترت امور گیلان و در
مغشوش و بی نظمی گشت نواب علیه عالیه مهد علیا طاب الله ثراها که دران وقت بر نظم و نسق امور مملکت مامور بود اعتماد السلطنه را بجهة
حکومت و انتظام امور ولایت مامور فرمودند با اندک زمانی امور آنجا را بر رشته انتظام کشانیده و مالیات را بوصول رسانیده پس از تشریف فرمائی
موکب مسعود بمقر سلطنت با انجام خدمات گیلان مراجعت کرده شرفیابی حاصل نمود و بمراحم خسروانی سرافراز آمده و تا آن زمان مسمی بحاجی
علیخان بود از عنایات شاهانه بلقب جلیل حاجب الدولگی مفتخر و ممتاز کردید و فراشخانه مبارکه و سرایدارخانه و چادرخانه و بهمانخانه و تمام خانه
باغات و خالصجات که عمارات ... دولتی بود سپرده باو کشت امور تشریفات سفرای دول خارجه تحصیل وجوهاتیکه سال بسال بخزانه
اندرون برده میشد تماما باو تسلیم ... و لیکن جمیع ممالک محروسه حکومت خوار نیز باو واگذار شد در تشریف فرمائی موکب همایون باصفهان

در دار السلطنه قزوین بحکم حکومت آنجا رفت و باز او بعلاوه حکومت ... تا مادام توقف موکب همایون در اصفهان با اعتماد السلطنه محول شد و در
که ملا شیخعلی نام که یکی از خلفای میرزا علی محمد باب ملعون بود با جمعی از مریدهای ملاعین در خانه حاجی سلیمانخان پسر یحیی خان تبریزی مجلسی آراسته
اسباب وجود همایون را باتکدیگر پیمان بستند تا روز یکشنبه بیست و هشتم شهر شوال همان سال چنانکه در جلد دویم کتاب مرات البلدان
مسطور شد ساحت همایون را ... و اعتماد السلطنه نیز آن طایفه مطرود را در پیشگاه اقدس متعهد شد قریب هشتاد نفر از آن
سلسله خبیثه را بحکم دین و دولت بسزای خود رسانید

در سنه هزار و دویست و هفتاد و پنج از حاجب الدولگی معزول گشت اما زمانی نگذشت که عرض حساب از حضور مهر ظهور شهریار در گذشت (که زیاده از سر بود)
و حساب صادقانه اش مزید اعتماد دیگر گشت تا هنگام حرکت موکب همایون بسفر میمنت اثر سلطانیه امر و مقرر شد که ملتزم رکاب ظفر انتساب
کردد در پانزدهم شهر ذیحجة الحرام همان سنه بلقب ضیاء الملکی و حکمرانی خوزستان سرافراز کردید و بمحض فرمایش خود را بمقر حکمرانی کشید مدتی
نگذشت که آفتاب عنایت خسروی بر سرش سایه افکن کردید و لرستان و بختیاری را ضمیمه ایالت عربستان فرموده و بمراتب عالیه رسید و علاوه ایالت
آن سه ولایت بمنصب امیر تومانی سرافراز کردید و بنشان و حمایل مخصوص آن فرمان امتیاز آمد چندین سال بر منوال در آنجا مشغول خدمت بود
تا آنکه بجهة لزوم احضار بدربار معدلت مدار شد و بمنصب وزارت جلیله عدلیه اعظم و لقب اعتماد السلطنه و خطاب جنابی و در جرگه وزرای
دار الشورای کبری در سنه ۱۲۸۱ برقرار کردید و در کمال اقتدار در این شغل جلیل حکمرانی نمود و پس از چندی بجهة مصالح دولتی از این شغل بکار
و بحکومت کلپایکان و خونسار مامور شد و چندی نگذشت که احضار بدار الخلافه کشته از این شغل نیز معاف و بوزارت وظایف و اوقاف ایران
سرافراز فرمودند و بعلاوه حکومت شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان و ... نیز در اداره او بود و در این منصب وزارت وظایف
اوقاف باقی بودند تا جهان فانی را وداع کرده و رو بعالم باقی آوردند

امتیازاتیکه در این مدت از دولت ابد آیت ... (نشان تمثال همایون) (نشان و حمایل از درجه اول امیر تومانی) (انگشتری خاص
نگین الماس) (قمه مرصع) (کلاهکمر مرصع) (عصای مرصع)

بناهائیکه بحکم همایون ... و سعی و اهتمام ایشان بانجام و اتمام رسیده از اینقرار است
زر اندود ... جیب گنبد حضرت عبد العظیم علیه التحیة و التعظیم است دیگر کارخانجات صنایع ریسمان ریسی و کاغذ سازی طهران
و شکر ریزی مازندران است دیگر بنای سبزه میدان در حوالی ارک همایون است دیگر عمارت حبیبه البنای هشت آئین ... (دیگر آرایش باغ عمارت گلستان است)
که نمونه از خلد برین میباشد دیگر عمارت بادگیر است دیگر عمارت خوابگاه است که الحال موزه مبارکه است دیگر دریاچه صفا
باغ گلستان است دیگر حمام چهار حوض اندرونست دیگر خیابان ارک مبارک که حالا تغییر کرده است دیگر عمارت مبارکه
سلطنت آباد است دیگر عمارت نیاوران که محل ییلاقی سلطنت است دیگر قصر دوشان تپه است دیگر تعمیرات و تغییرات کلیه
عمارت اندرونست دیگر سربازخانه های دار الخلافه و سایر ممالک محروسه ایران و سربازخانهای دم دروازه است دیگر
تعمیر عمارات ... دار السلطنه اصفهان است

امتیاز

صورت مرحوم اعتماد السلطنه حاجی علیخان غفر الله له



اوراب

امتیاز فراشهای دولتی از فراشهای آحاد ناس از متصرفات اوست که نشان از برای کلاه و اسلحه و لباس یکقاعده بجهة آنها ترتیب داد و همچنین فراش سواره باین قاعده که الان هست از مخترعات اوست

چهار نفر اولاد داشت سه ذکور و یک اناث هر یک از یک زوجه اولاد بزرگتر عبدالعلیخان ادیب الملک است که مادرش صبیه ملا احمد از علمای مراغه که بمستجاب الدعوه معروف بود پسر دوم حاجی عبدالحسینخان سرهنگ فوج خلخال که مادرش از سادات مرند بود پسر کوچک محمد حسنخان صنیع الدوله است که مادرش صبیه رضاقلیخان قجر که از اولاد مصطفی خان قاجار قوانلو برادر شاه شهید آقا محمد شاه قاجار است

شرح احوال ادیب الملک تاریخ تولدش در نیمه شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۴۳ در سال اول جلوس شاهنشاه مبرور محمد شاه طاب الله ثراه اعتماد السلطنه او را از مراغه بدار الخلافه احضار نمود و در خدمت پدر مشغول تحصیل ادب از فنون عجم و عرب بود در اعیاد اندرون بحضور مبارک شاهنشاه مبرور مشرف و باب الطاف و اعطاف ملوکانه کامیاب میشد تا بغلام بچگی سرافراز گردید دو سال اندرون میبود و در حضور مبارک خدمات مینمود تا حد غلام بچگی سر آمده و از اندرون بیرون آمده بمنصب پیشخدمتی سرافراز گشت بعد در سنه ۱۲۵۸ به نیابت نظارت پدر فرمان امتیاز آمد و هم در آن اوقات آقا حسین خان که از اهل ایلات بود بجهة ناسازگاری هوای کاشان بمراجعت از حکومت آنسامان استعفا نموده استعفای او مقبول شده ادیب الملک بجای او مامور فرمودند بعد از رفتن اعتماد السلطنه بمکه معظمه حسب الامر شاهنشاه مبرور موافق فرمان مبارک در سنه ۱۲۶۲ به پیشخدمت باشیگری حضرت ولیعهد که در آن عهد مفتخر شد و همه جا ملازم رکاب از مرحمت مخصوص بود بعد از آنکه حضرت ولیعهد بتخت سلطنت مستقر شد از پیشخدمتها محرم و مخصوص بود و چون میل او را با ارباب کمال دیدند در سنه ۱۲۷۰ او را بلقب ادیب الملکی برگزیدند که عرایض جمیع ادبا و شعرا با مشار الیه باشد بالجمله اعتماد السلطنه در هر شغل و منصب و حکومت بود ادیب الملک او را بوکالت و معاونت و نیابت مینمود و در آن اوقات که وزرای مختار تشریف آوردند با اعتماد السلطنه میبود ادیب الملک بجهة وصول صدارت عظمی باقی میرزا صادق قائم مقام مامور آذربایجان گردید در آن سفر خدمات بزرگ بانجام رسانید و در حکومت عربستان و بختیاری و لرستان از جانب پدر وکالت آنسامان داشت و اوقاتیکه اعتماد السلطنه وزیر عدلیه بود در سنه ۱۲۸۰ موافق دستخط آفتاب نقط بنیابت وزارت عدلیه فراشباشیگری مینمود و جمیع مطالب را بعرض میرساند و جواب میگرفت و کمال اقتدار را در این شغل و کار داشت و در سنه ۱۲۸۴ بحکومت قم سرافراز شد و در آن سفر هم تشریف امتیاز باو عنایت گردید پس از فوت اعتماد السلطنه اعلیحضرت اقدس همایون محض استعداد و قابلیت خودش و ملاحظه حقوق خدمات پدرش در سنه ۱۲۸۵ بوزارت وظایف و اوقاف برقرار و خدمات و وضع انتظامش در حضرت شهریاری پسندیده آمد و بعد از چندی بملاحظه مصالح امور مملکتی از وزارت وظایف و اوقاف معاف شده و در سنه ۱۲۸۷ بحکومت کلپایگان و خونسار برقرار گردید و چندی نگذشت که از این شغل استعفا نموده در سنه ۱۲۸۸ بحکومت سمنان و دامغان مفتخر گردیده و در آن سال گرانی آن ولایت را چنان برشته انتظام کشید که موجب خوشنودی خاطر مهر مظاهر مبارک گردید و در سنه ۱۲۹۳ بحکومت ساوه و زرندش فرمودند و بعد از چندی احضار بدربار معدلت مدار شد و چندی نگذشت که در دیوانخانه عدلیه جمعی از وزرای عظام

همیشه از جانب سنی الجوانب باعوالیه سعی میرفت و فرمایشات حضرت اقدس را مکلف بعدم معطلی شغل با خودش بود و در نعمان فراشباشیگری اعتماد السلطنه ادیب الملک

مجلس مجزی تشکیل یافته و ادیب الملک در این مجلس از جانب سنی الجوانب مأمور در جمیع امور دیوانخانه مشار و مشیر و تمام عرایض و مطالب بتوسط او بعرض همایون میرسید و کلیه احکام بدستیاری او صادر میگردید پس از انقضای مجلس حال باز در دربار مشغول خدمات حضور آفتاب ظهور است و بسمت اختصاص دارد

امتیازاتیکه در این چند سال از دولت ابد آیت باو مرحمت شده علاوه بر خلعت و تن پوشهای بدن مبارک

(نشان مرتبه اول سرتیپی با حمایل مخصوص آن) (نشان مرتبه سیم سرتیپی با حمایل آن) (شکل حکم مرصع) (قمه مرصع) (ساعت قاب طلا) (نشان مدال قرن سلطنت)

(خطاب عمدة الامراء العظامی)

پسر وسطی عبدالحسینخان سرهنگ فوج خلج است تفصیل احوال او در جلد دویم کتاب مرآت البلدان ذکر شده است

پسر کوچکتر مرحوم اعتماد السلطنه محمد حسنخان صنیع الدوله است که تفصیل احوالات او در کتاب مرآت البلدان کما هو حقه ذکر شده است انتهی امیر الامراء العظام مجد الدوله که چندی قبل بیکقطعه نشان امیر تومانی مفتخر گردید بحکمرانی گیلان منصوب آمد ناصر قلیخان نایب الحکومه خمسه بلقب عمید الملکی سرافراز شد میرزا شفیع سررشته‌دار منشی وزارت خارجه باعطای یکقطعه نشان سرهنگی از درجه اول با حمایل آن قرین مفاخرت آمد موکب همایون روز دویم رجب چون هوای دار الخلافه رو باعتدال نهاد از ییلاق تشریف فرمای شهر ناصری گردیدند نظر باینکه خدمات در مراسم قابلیت حضرت شاهنشاهزاده العظیم الفخم والا نایب السلطنه دام اقباله العالی ایشانرا بمنصب جلیل و لقب نبیل سردار کل قشون سرافراز و باعطای یکثوب سرداری ترمه و دو رشته واریه شمسه مرصع و یکقبضه شمشیر مکلل بالماس و قبای زری مباهی فرمودند و نواب والا احتشام الدوله بنیابت اول وزارت جنگ و مراتب در انتشار و انتظام امور لشکر مأمور و بیکثوب سرداری شمسه مرصع مفتخر گردیدند امارت

انوشیروانخان و ریاست توپخانه مبارکه را نیز بسایر مشاغل اعتضاد الدوله فرموده بیکثوب سرداری شمسه مرصع معزی الیه قرین افتخار آمد و خان خانان پسر اعتضاد الدوله بمنصب نظارت و خوانسالاری و خلعت همایون در جرگه اختصاص یافت جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک بمنصب متولی باشی گری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز آمد علیرضاخان عضد الملک بمنصب ناظری مهر آثار در جرگه افتخار یافت عبد العلیخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه بمنصب جلیل وزارت وظایف و اوقاف مفتخر گردید حاجی ... الدوله حاجی محمد خان بحکومت خرقان و خلعت همایون سرافراز شد مسجد ملک در بلده کرمان که از بناهای قاورد بن جغر بیک ابن میکائیل ابن سلجوق است بسبب الامر باهتمام حاجی شهاب الملک حکمران کرمان تعمیر شده است همچنین حوض خانه اکراب ابنار ... واقع در راه خراسان از طرف کرمان مرمت کرده اند مدرسه ابراهیم ... در کرمان بجهت تلامذه جناب حاجی سید جواد مجتهد کرمانی از نو ساخته اند میرزا سید حسین وزیر کرمان بمنصب استیفا و خلعت همایون نایل شد در روز هشتم رجب شاگردان مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان فرموده مراتب قابلیت هر یک مشهود و بانعامات شاهانه سرافراز گردیدند این اوقات قراولخانه‌های جدیدی در لشکر قشون ظفر نمون مانند که مبنی بر دو نفر است که شرح آن از قرار ذیل میباشد

ثانی

فقره اول

رای الله آرای اقدس همایون اعلیحضرت شاهنشاهی ادام الله سلطانه از آنجاکه همیشه بر اصلاح احوال کشور و لشکر و برقراری قواعد و رسوم منظم و مضبوط مصروف است که هر روزه باعث بهبودی و ترقیات این مقصود عمده و بزرگ باشد لهذا در این اوقات که استعفا سردار کل سابق عزیزخان را از خدمات نظامیه در پیشگاه اقدس ملوکانه خود شان بعز قبول مقرون فرموده اند خواستند قرارهای تازه شایسته در کلیه امور عساکر نصرت مآثر دولت ابد آیت مقرر فرموده باشند که بیان و اسطه منظورات علیه خسروانه بطور اکمل و طرز اجمل صورت ظهور بهم رساند درباست و اختیار کل قشون و موقع نبیل و جلیل سرداری کل را بشاهنشاهزاده اعظم کامران میرزا نایب السلطنه و مقام بلند و منیع نیابت کلیه و کارگذاری بالاستقلال ایشان را بحشمة الدوله حمزه میرزا و امارت توپخانه مبارکه و رتق و فتق امور و مهمات عظیمه آنرا کاملا باعتضاد الدوله و مهمات قورخانه و جباخانه مبارکه را عموما بعلاء الدوله و آمر ملبوس را بعلیقلیخان اجودان باشی و خزانه داری و جوه نظام را جمیعا به میرزا هاشم خان امین خلوت مرجوع و محول فرموده اند و احکام و اوامر علیه پادشاهی در تفویض هر یک از مشاغل خطیره عظیمه بعهده هر یک از ایشان شرف صدور یافته علاوه بر قرارهای مزبوره رای انور اقدس همایون اقتضای آن فرمود که عساکر منصوره دولت علیه منقسم بشش اردو شوند که هر یک از اردوها در محل مقرری که بر حسب اقتضای اراده سنیه همایون معین شده با شرایط و لوازمی که از جانب دولت مشخص است توقف کرده مشغول مشق و نظم و تهیه لوازم خدمت بجهة انتظام داخله مستعد و آماده باشند که هر چه از طرف قرین الشرف دولت علیه اشارت شود بهر نوع که حکم و دستور العمل صادر شود معمول و مرتب دارند و محل اردوها و معسکرهای نظام دولت علیه و اسامی سرکردگان و ابواجمعی آنها علی سبیل الاجمال از قرار تفصیلی است که در ذیل اشارت شده است

اردوی دار الخلافه ناصره

افواج ابواجمعی نصرة الدوله با افواج ابواجمعی علیقلیخان اجودانباشی

اردوی آذربایجان

افواج ابواجمعی نیابة الدوله محمد رحیم میرزا و جهانسوز میرزا و یوسفخان شجاع الدوله و حسام الدوله و مظفر الدوله و اناخان و علینقی خان

اردوی عراق

افواج ابواجمعی حشمة الدوله با افواج ابواجمعی ملک آرا و افواج و سواره ابواجمعی عماد الدوله و افواج ابواجمعی ناصر الملک و مصطفی قلیخان و حاجی قنبر علیخان سعد الملک و افواج و سواره خمسه و گروس و کردستان وغیره وغیره

اردوی خراسان و سیستان

افواج ابواجمعی مصطفی خان و سواره ابواجمعی شجاع الدوله و سواره ابواجمعی حیدر قلیخان سهام الدوله و افواج و سواره ابواجمعی میر علیخان حشمة الملک وغیره وغیره

اردوی

اردوی گرگان

بسرداری اعتضاد الدوله افواج ابواجمعی حبیب الله خان با افواج ابواجمعی عباسقلیخان و افواج ابواجمعی محمد علیخان بیگلربیگی و فوج ابواجمعی میرزا کریمخان و فوج ابواجمعی محمد باقرخان

اردوی فارس و کرمان و اصفهان

افواج ابواجمعی حاجی شهاب الملک با افواج ابواجمعی میرزا ابراهیم خان سهام الملک و افواج و سواره ابواجمعی ایلخانی فارس و افواج ابواجمعی رضا قلیخان عرب

رؤسا و سرکردگان جزو نظامی هم که اسامی ایشان در فوق سمت تحریر یافته الحق از چاکران مجرب و مهذب و تربیت شده دولت علیه و بزیور صدق و ارادت جان نثاری هر یک علی قدر مراتبهم آراسته میباشند

فقره دویم نیز از قرار تفصیل است

اشخاصیکه بمنصب و خدمت نظامی برقرارند اعم از ابناء ملوک وغیره داخل سلک نوکری هستند و ملازمها و مجالس رسمیه که با لباس نظام و نشان و حمایل هستند میتوانند از جلو مقام نوکری خود بجاوز نمایند بزرگ و کوچکی و شاهزادگی وغیره شاهزادگی ابدا باید ملاحظه شود در قشون مگر از اندازه و درجه منصب

بحکم همایون از صاحبمنصب گرفته الی تابین سرکرده اذن ندارد یکنفر را اخراج کند و تحمیل حکم علیحده دارد بخدمت مخصوص خودش از فراشی و مهتری وغیره وادار نمیکرداو که دو نفر و سلطان یکنفر خود ندهند بخدمت خود شان واداردن الا اسلحه سرباز با بدیاک و تمیز باشد دولت اسلحه را تبر کرده کار داده از و سند میگیرد اگر نفر ربط شود غرامت و قیمت آن از سرکرده کل خواهد گرفت و مواجب سبوسات و چادر و ملبوس و کل لوازم قشون را تمام و کمال بی نقصان دیوان بگیرند و بعینها بنوکر برسانند هرگاه دیده شود سربازی با لباس سربازی مشغول فعلگی است البته از رئیس او مؤاخذه میشود

تکلیف صاحبمنصبان اینست سرتیپ اول نوکر و مال زیاده از تفصیل ذیل نگاه ندارد

سرکرده اندکی ندارد اعتبار تابین را

نوکر

(پیشخدمت دو نفر) (قهوه چی نفر) (فراش چهار نفر) (ابدار دو نفر) (فراشخلوت نفر) (جلودار دو نفر) (آشپز نفر) (مهتر دو نفر) (قاطرچی دو نفر) (ساربان دو نفر) (ناظر نفر)

مال

(اسب دوازده راس) (قاطر چهارده راس) (شتر چهارده نفر)

چادر

(پوش قلندری یکباب) (چادر جزو پنج باب)

تکلیف سرتیپ دوم در کل اینها است نصف تکلیف سرتیپ اول است و تکلیف سرهنگ نصف تکلیف سرتیپ دوم است و سوار هم آنکه دو هزار سوار دارد در رتبه سرتیپ اول و آنکه هزار سوار دارد در رتبه سرتیپ دوم و آنکه پانصد نفر سوار دارد در رتبه سرهنگی دارد

سرتیپی که یک فوج دارد اسم سرتیپی از او برداشته نمیشود و مواجب سرتیپی هم باو داده میشود اما آن فوج دیگر سرهنگ لازم ندارد اگر سرهنگ داشته باشد از صاحب منصبان خارج از فوج محسوب خواهند شد صاحب منصبان خارج از فوج کل مواجب شش ماهه خواهند گرفت و وقتی که بخدمتی مامور شوند تا وقت سالیانه مواجب داده میشود هر صنفی از قشون که این اشخاص مفصله را لازم دارند باینها داده میشود

(نایب اجودان سه نفر) (مهندس نفر) (مشاق دو نفر) (طبیب و جراح سه نفر)

اگر صاحب منصبی بمیرد هرگاه اولاد قابل دارد که کفایت آن منصب را بکند بجای پدرش برقرار میشود و اگر طفل است ثلث مواجب پدرش باو داده میشود تا در مدرسه مبارکه دار الفنون تربیت شود اگر در جنگ کشته شود امتیازی باولاد او داده میشود که در همه مجالس و محافل سرافراز باشد منصب نظامی برشوه و تعارف باحدی داده نمیشود و صاحب منصب نظام و غیر نظام بی خیانت و تقصیر ثابت از شغل و عمل معزول نمیشود و قوانین اردوها و تنبیهات نظامی از قرار کتابچه های علیحده است که بعد از این طبع خواهد شد انتهی

مناسبات اسلامیه و کثرت روابط از هر مقوله مابین دولتین علیتین اسلام در پیشگاه نظر همایون اعلیحضرت شاهنشاهی اقتضا آن نمود که نسبت بدولت علیه عثمانی و شخص اعلیحضرت سلطانی ابلاغ و سعی احترام گذاری تازه اقامه فرمایند لهذا در اینموقع جناب مشیر الدوله حاجی میرزا حسین خان را که موقتاً اجازه کسب شرف حضور اقدس همایون یافته و در مدت اقامت در بار آن دولت از حسن مراودات سفیرانه خود بر تشیید مبانی وداد بین الدولتین افزوده و آثار و علایم آن در نزد اولیای فخام هر دو دولت بمنصه شهود آورده بود از درجه وزیر مختاری و ایلچی گری مخصوص ارتقاء و بتفویض رتبه سفارت کبری بر بدیع عز و اعتلا داده بر دوش او و آن شریف یقین جبه ترمه شمسه مرصع بالماس محلی فرمودند

روز سه شنبه دویم شهر شعبان المعظم موکب فیروزی کوکب همایون تشریف فرمای قورخانه و جباخانه مبارکه گشته جناب علاء الدوله در انتظام و ترقیات صنایع جباخانه و قورخانه و راه انداختن چرخ آلات الاسباب کمال سعی و اهتمام را بعمل آورده پسند خاطر خطیر همایون شده معزی الیه را باعطای نشان تمثال بیمثال همایونی سرافراز و قرین هزار گونه عزت و اعزاز فرمودند از این موهبت عظمی و عطیه کبری که در حق معزی الیه مبذول افتاد سر مفاخرت و مباهات باوج سموات ساید

چندی قبل که حیدر قلیخان ایلخانی سهام الدوله بمشهد مقدس رفته بود بعضی از تراکمه فرصت غنیمت شمرده بقلعه حیدر آباد که در حد سمنقان واقعست تاخت برده بعد از مراجعت ایلخانی با جمعی از قشون ظفرنمون بقلعه داز که سرحد است شتر داز از بقاری قلعه که مسکن و محکمه کل طوایف ترکمانست و سی فرسنگ مسافت دارد یکشبانه روز ایلغار کرده در آنجا بعد از جنگی سخت تنبیهی بسزا از طوایف طاغیه نموده است نواب والا موید الدوله پیشکار مملکت آذربایجان بیکقطعه نشان ذی شان امیر تومانی قرین افتخار آمدند غلام حسین خان پسر مرحوم علیقلیخان نایب اجودان باشی بهمین منصب سرافراز گردید کتابچه

الناصریه مشتمل اشعار منتخبه عرب بطبع شده و بفروش میرسد منضم کتاب اندرز قابوس را حاجب الدوله بطبع رسانیده است روز پنجم رمضان در شکارگاه دوشان تپه پلنگی شکار شست مبارک شد این اوقات اعتضاد الدوله داعی حق را لبیک اجابت گفته حکومت استراباد را بعهده اعتماد الدوله پسر مرحوم واگذار فرمودند و محمد علی خان بیگلربیگی بنیابت حکومت استراباد برقرار گردید و عین الملوک پسر دیگر مرحوم اعتضاد الدوله بمنصب نظارت و خوانسالاری و لقب عین الملک سرافراز شد و حاجی میرزا یحیی خان کما فی السابق بنیابت حکومت مازندران مباهی میباشد نواب والا معز الدوله بهرام میرزا بحکمرانی ولایت عربستان و بروجرد و اعطای یکثوب جبه شمسه مرصع سربلند آمدند و میرزا زکی مستوفی بوزارت نواب معظم الیه و خلعت همایون نایل آمد انتظام افواج و سواره و نوکر مازندران و استراباد را نیز مخصوصا بر عهده کفایت نواب والا حشمة الدوله نایب سردار کل و وزیر جنگ واگذار فرمودند نواب والا معتمد الدوله فرهاد میرزا حکمران کردستان بیکقطعه نشان امیر تومانی مکلل بالماس قرین اختصاص گردید علیخان پیشخدمت خاصه بمنصب تحویلداری وجوه نظام سرافراز آمد محمد مهدیخان که بمنصب آتشچی باشیگری مستوفی بود بعد از این مفتخر گشت این اوقات تجدداً شجاع الدوله امیر حسینخان ایلخانی شادلو و حیدر قلیخان سهام الدوله ایلخانی زعفرانلو بسمت اتک آخال بر طایفه تکه مروی آخال نشین تاخته بکلی ایشان را و طایفه طاغیه را مقهور و منکوب و نابود نمودند احتشام الملک پسر مرحوم احتشام الدوله بحکومت کاشان سرافراز آمد این بنده مؤلف که در اینوقت بمنصب پیشخدمتی خاصه و جنرال اجودانی حضور مبارک سرافراز بود در ترجمه کتب تواریخ و جغرافیا و انگلستان و فرانسه مساعی موفوره نموده حکم همایون شد که بعد از این روزنامه های دولتی بترجمه های فدوی مذیل باشد سلیمانخان سرتیپ اول افشار بحکومت و سرداری استراباد سرافراز گردید میرزا علی اکبرخان از اداره وزارت علوم بنیابت حکومت ملایر و تویسرکان و لقب مقرب الخاقانی مفتخر گشت نواب والا احتشام الدوله نایب وزیر جنگ بلقب جلیل امیر جنگی درجه اختصاص یافت انتظام تمامی اطبا و جراحان نظام بعهده کفایت نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول آمد میرزا عبد الرحیم خان وزیر مختار دولت علیه که مقیم پطرزبورغ بود ملقب بساعد الملک شد حاجی میرزا علی مشکوة الملک بحکومت همدان منصوب گردید محمد تقیخان افشار پیشخدمت خاصه و امیر آخور اصطبل توپخانه بیکقطعه نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد

روز شنبه ششم ماه ذیحجه ده ساعت و سی دقیقه و چهل و سه ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام خاص در تالار شمس العماره انعقاد یافت در روز یکشنبه هفتم سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گشت حضرت شاهنشاهزاده افخم اکرم والا نایب السلطنه دام اقباله العالی را بمنصب جلیل و لقب نبیل امیر کبیر درجه امتیاز عنایت فرمودند و باعطای یکثوب سرداری شمسه مرصع و یکقطعه کلاه مکلل بالماس حضور اشرف معظم الیه مباهی گردیدند نواب والا حشمة الدوله بحکمرانی مملکت خراسان منصوب و عزیزخان سردار کل کما فی السابق بسرداری کل نظام و غیر نظام سرافراز گردید میرزا محمد رئیس دفترخانه و نایب اول وزارت امور خارجه باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول سرتیپی با حمایل مخصوص آن مفتخر گردید محمد آقای سرهنگ نایب

اول سفارتخانهٔ علیه مقیم دربار دولت انگلیس با عطای منصب سرتیپی از درجه سیم و حمایل مخصوص آن سرافراز آمده که
بمحل ماموریت خود روانه گردد میرزا محمد علیخان اصفهانی شمس الشعرا مرحوم شد

وقایع عظیمه و سوانح عمده که در این سال در تمام ممالک روی زمین و اقطار عالم سانح و واقع گردید

آتازونی ینکی دنیا

انتخاب رعیت ژنرال گران را بریاست

اسپانیا

نیابت سلطنت و اختیار کل دولت را رعیت بمارشال سرانو کذاشتند شورش اهالی جزیره کوبا با کمال شدت و باوجود زد و خورد این
جزو هنوز شایع است

انکلیس

مخارج جنگ حبشه که بمجلس وکلای ملت عرضه داشتند محسوب کردند که هر لیره عبارت از بیست و پنج هزار است سیده است فوت
لرد دربی رئیس طایفه توری بهادر در سن هفتاد سالگی

ایطالیا

تولد پسر ولیعهد در شهر ناپل و ملقب نمودن او را بشاهزاده ناپل

بلژیک

فوت ولیعهد پسر واحد پادشاه در سن نه سالگی

روس

شورش طایفه قالموق و قرقیز و متصرف نمودن انها شهر اورالسک را در حوالی دشت و بعد از تعاقب نمودن قشون روس
انها را پناه بردن انها بخان خیوه فرستادن امیر بخارا سفیر و پسر خود را بطور گروی بپطرزبورغ و کاستن شوکت امیر بخارا بواسطه
تصرف روس نهر یا نصف مملکت او را و هر ساله نیز مجبور داشتن بجهت مخارج جنگ مبلغی بکارگذاران روس تسلیم نماید و پسر بزرگش
نیز یاغی است بخشش اعلیحضرت امپراطور تقصیرات شمیل را

ژاپن

اجرای قواعد و قوانین جدیده اجازه دخول فرنگیها در اغلب بنادر قرار دادن شهر یدو را بسم پای تخت دولت سفرای فرانسه
و انکلیس و ایطالیا و هلاند و پروس و اتازونی در این پای تخت من بعد سفارتخانه خواهند داشت ایجاد مجلس شورای دولتی

دولتی که اجزای آن تمام دیموسها (یعنی نجبا و اعیان) هستند

شرح
وقایع سال بیست و سیم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و عز نصره مطابق با سنه هزار و دویست و هشتاد و شش هجری ییلان ئیل ترکی

درین سال فرخنده فال عموم رعایا و برایا و صنوف خدم و حشم از ارباب سیف و قلم مشمول توجهات خاطر خطیر ملوکانه بودند
حکومت اصفهان را مستقلا بمیرزا فتحعلی خان صاحب دیوان مفوض و معزی الیه را بلقب جنابی مفتخر و باعطای یکثوب جبهٔ ترمه
پولکدوز شمسه مرصع سرافراز فرمودند نظر بخدمات مرحوم محمد اسمعیل خان وکیل الملک مرتضی قلیخان پسر انمرحوم را بلقب وکیل
الملکی و حکمرانی کرمان و بلوچستان سرافراز فرمودند میرزا خانلر منشی وزارت امور خارجه که در ماموریت لندن و بطهران وزارت خارجه
بطور شایستگی از عهده برآمده بمنصب کارگذاری مهام خارجه گیلان و نشان و حمایل از درجه سرهنگی سرافراز شد میرزا نظام
مهندس معدن شناس مامور پیدا نمودن معدن شده و بعضی معادن هم پیدا نمود روز ششم شهر صفر المظفر که عید مولود مسعود
همایونست در تالار تخت مرمر سلام عام منعقد و شاهزاده سام میرزا که از مدحت سرایان خاص اند و لقب جاوید اختصاص است
بلقب شمس الشعرائی سرافراز گردیدند نواب والا نصرة الدوله که بانتظام امور توپخانه برقرار بودند بمنصب نیابت وزارت
جنگ سرافراز گردیدند سواره و ایل کرد و ترک مازندرانرا بالکبر خان سرتیپ ابوالجمع فرمودند میرزا جهان معدنچی نیز مامور
انکشاف معادن گردیده و بعضی معدنها پیدا نمود. محمد رحیم میرزای ضیاء الدوله که از شاهزادگان کافی است بنظم و تنسیق
امور شمیران مامور گردید لقب و منصب معیر الممالکی را بر حسب استدعای امیر دوستعلیخان معیر الممالک بامیر دوستمحمد خان ولد مشار
الیه مرحمت فرمودند علیخان پیشخدمت خاصه ملقب بامین حضرت گردید آقا خان سرتیپ ملقب بصمصام الدوله فرمودند حبیب الله
خان سرتیپ اول تنکابنی بلقب ساعد الدوله سرافراز آمد علیقلیخان سرتیپ رئیس کل تلگرافخانه‌های ممالک محروسه
ملقب بمخبر الدوله گردید میرزا حسینخان پسر مرحوم حاجی میرزا مسعود وزیر دولت خارجه سابق بنیابت وزارت امور خارجه نایل
موکب همایون تشریف فرمای شهرستانک و قریه دونا و گچسر شد میرزا ذکیخان سرهنگ توپخانه مبارکه بمنصب
سرتیپی توپخانه سرافراز شد فوج سیلاخوری بروجرد که سه سال قبل اخراج شده مجددا انها را در ماخذ هزار نفر

برقرار کرده و سرتیپی فوج مرحوم ... را بمحمد کریمخان سرتیپ مرحمت فرمودند تلگراف استرآباد که مقرر شده بود از راه سمنان
و شاهرود و بسطام کشیده شود از سمنان گذشته است علیخان سرتیپ کارپرداز اول دولت علیه مقیم تفلیس بنشان و حمایل سرتیپی
اول سرافراز کردید میرزا مهدیخان منشی وزارت امور خارجه را باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرتیپی با حمایل مخصوص آن
مباهی امد میرزا احمدخان منشی کرمه وزارت امور خارجه که متصدی کارهای عمده بود باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه
سرهنگی و حمایل مخصوص آن سرافرازی حاصل نمود موکب همایون روز هشتم جمادی الثانیه از شهرستانک بسلطنت اباد نزول اجلال فرمود
جناب مسیو بکر که بسمت وزیر مختاری از جانب دولت روس مامور اقامت دربار دولت علیه بود از اول ورود تا حد شرایط اعزاز و
احترام سزای بزرک و وزرای مختار درباره جناب معزی الیه بوجه اکمل بعمل امده بعد از ورود بدار الخلافه در سیم رجب بحضور مهر
ظهور مبارک مشرف شد اقا ابراهیم ابدارباشی خاصه بلقب امین السلطانی و خلعت همایون سرافراز کردید علی نقیخان پسر کاظمخان
فراشباشی بسرهنگی فوج قهرمانیه شقاقی برقرار امد چندی قبل فتحی در اورامان اتفاق افتاده تفصیل ان این اوقات بدار الخلافه رسید
و از قرار ذیل است

تفصیل فتح اورامان کردستان

بلوک اورامان که از طرفی کردستان سرحد دولتین علیتین ایران و عثمانی و در جبال شامخه سخت واقع است سکنه و رؤسای ان
بلوک چنانکه عادت ایلات و احشام اغلب حدود است همیشه بالطبع یاغی و راهزن بوده ولی بظاهر کاهی اطاعت ولات کردستان
راکرده و کاهی قدم از جاده اطاعت بیرون نهاده تا انکه معتمد الدوله فرهاد میرزا که شاهزاده کافی ذیشان بود بحکمرانی کردستان مامور
شده دو سال قبل که مجدد باورامان رفت حسن سلطان که یکی از قطاع الطریق بود و در انجا اقتدار و اختیار پیدا کرده بسزای عمل خود
رسانیده نظم درستی در کار اورامان داده بود و چون بحکم حضرت اسکندرشان بنای قلعه مریوان که سد محکم بجهة دفع اطایفه
یاجوج صفت بود بنا نهاده خود بسرکشی قلعه و نظم اورامان با جمعی معدود رفته بود اطایفه بی تربیت علی الغفله بر شاهزاده و
کسان او شبیخون و صدمه بهمراهان او وارد اورده بعضی اسباب معتمد الدوله را بغارت برده جمعی از نوکرهای معزی الیه مقتول شده
و خود با جمعی بسنندج مراجعت کرده تفصیل را بعرض اولیای دولت رسانید بحرکت ناشایسته ان طایفه یاغی طاغی بر اولیای
دولت کران امده حاجی قنبرعلیخان سعد الملک را بریاست عسکر مامور فرموده و از طرفی مصطفی قلیخان اعتماد السلطنه با فوج قراکوزلو
فوج خمسه مامور شدند که بصوابدید معتمد الدوله با فوج کردستان و سواره سقز و بانه دفع شر این فرقه را نموده اکرچه مکان سخت و
جبال صعب المسالک بود بطوریکه رؤسای انها مثل سعید سلطان وغیره میکفتند اکر چندین هزار لشکر بیاید بر ما غلبه نخواهد کرد
واکر دولتین ایران و عثمانی هم اتفاق کنند از عهده سختی مکان ما بر نخواهند امد معتمد الدوله اعتنائی بانها نکرده سه فوج و
دو عراده توپ و توپخانه از طرف بیلیان و کلوین مامور ساخته و اسطاه صفر با تفنکچی بانه و سقز که باردو ملحق
شده بود در تپه شیخ سلیمان که محاذی دربند کلوین است محل اقامت انداختند در غره ربیع الثانی جنکی در ان دربند اتفاق
افتاد چون مکان سخت و پر خار و درخت بود لشکر منصور چندان صرفه نبردند با وجود این انها از صدمه توپ مخذول

منکوب

و منکوب برکشتند شب بیست و هفتم ربیع الثانی بعون یزدانی و اقبال سلطانی حاجی سعد الملک و اقاخان سرتیپ پسر مظفرالدین
مرحوم با افواج خمسه و سواره ایلات و سواره خمسه و توپچی و توپخانه از راه ولیبه مریوان بران جبال عروج کردند و بر دربند
دزلی داخل شدند اهالی دزلی از صدای شیپور از خواب غفلت بیدار شدند چون بجهة عبور قشون اردوی اعتماد السلطنه
از ابسیروان اغلب تفنکچیهای اورامان سعید سلطان بطرف لهون رفته بودند وقتیکه از تسخیر دزلی خبر شدند بهیئت
اجتماع بعزم قتال امدند تا ده ساعت جنک اشتعال یافت و رؤس از اعناق افتاد و چند نفر از رؤسای انقوم مقتول شدند و
باقبال شاهنشاهی شکست فاحش خورده و تا حول و حوش بلهون قشون ظفرنمون انها را تعاقب کردند و آن جا را تصاحب
نمودند و پس از این شکست نیست را در انجا محال دانسته تا شهرزور در شتافتند و افواج سرکار و تفنکچی سقزی و مریوانی
و بانه دادمردی دادند و دو فوج و سه عراده توپ از طرف بیاد برفع فتنه نوسود مامور شد محمد سعید سلطان پل چوبین
راکشیده و سنکرها را بسته بعزم جدال نشسته بودند لشکر منصور دو روز در بیوریش چشمه اب کرد نشسته انها تو کرفتند
شب بیست و یکم جمادی الثانیه اعتماد السلطنه بخبر یابیچ و سنکرها تا کنار رودخانه مریوان بر دصبح یکفوج افشار لبر کردید
بیوکخان سرتیپ هم سنکری دیکر بسته و شناوران مرد و فوج ان موج احتیاط نکرده از اب گذشته سنکرهای انها را
کرفتند روز بیست و چهارم تفنکچی مرد و اورامان بعزم رزم پیش امدند و مغلوب شده برکشتند و روز دویم جمادی الاولی با
شیپور و بالابان به نوسود روانه شدند در عرض راه رحمن و عثمان پسران سعید سلطان بجنک امدند و شکست خورده بر کشتند
و پرچم ماه چم در نوسود که پای تخت طوایف اعراض شد الحق سران و سرکردگان و احاد و افراد قشون ظفرنمون کمال جد
راکرده و هریک مورد مراحم همایون شدند

مرتضی قلیخان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید با حمایل مخصوص آن از درجه اول
سرتیپی قرین مفاخرت امد بنظر بکفایات جناب حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول
باعطای یکرشته حمایل ابی و یکرشته بند ناعند جناب معزی الیه را قرین اختصاص فرمودند نواب ضیاء الدوله باعطای یک
قطعه تمثال بیمثال همایون سرافراز کردید حاجی میرزا یحیی خان نایب الحکومه مازندران بیکقطعه نشان شیر و خورشید
و یکرشته حمایل از درجه سرتیپی قرین افتخار امد روز بیست و سیم رجب متعلمین مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان فرمودند
مراتب ترقیات انها و اهتمامات نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم معلوم رای صواب نمای ملوکانه کردیده یکثوب سرداری
ترمه مرصع بنواب معظم الیه مرحمت فرمودند چون محمد ابراهیم خان معمار باشی عمارات جدیده بحسب الامر در جاجرود بنا نموده
که پسند خاطر اقدس ملوکانه افتاد مشار الیه باعطای یکقطعه کل کمر و نشان و حمایل از درجه سرتیپی سرافراز شد نصرالله خان سرتیپ
فوج فراهان بلقب امیر تومانی مفتخر کردید میرزا محمد علی مستوفی ولد مرحوم میرزا محمد حسین عضد الملک ملقب بصدر دیوانخانه کردید
حاجی شیرعلیخان مستشار لشکر حاکم ترشیز و تربت بر حسب استدعای نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان بلقب مستشار
الدوله مباهی امد حاجی محسنخان شارژدافر دولت علیه ایران مقیم لندن باعطای منصب وزیر مقیمی دربار دولت انکلیس سرافراز

کردید

کردید آقای سرتیپ که نایب اول سفارت دولت علیه مقیم لندن بود بدار الخلافه باحضار شده بمنصب مستشاری سفارت و خلعت
همایون سرافراز و روانه محل ماموریت خود گردید نواب والا عمادالدوله حکمران کرمانشاهان و لرستان و نهاوند را احضار بدار
الخلافه نمودند و در عید فطر نواب معظم الیه را نیشان از درجه سیم امیر تومانی سرافراز فرمودند کاظم خان فراشباشی ملقب
بحاجب الدوله گردید و حسینقلی خان ولد معزی الیه سرتیپ گردید و یکصد نفر از سواره نصرت بابوابجمعی حسینقلی خان سرتیپ
افزوده شد حاجی میرزا علی مشکوة الملک بمنصب وکیل الرعایائی کل ممالک محروسه برقرار گشت دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور
همایون باعطای یکقطعه تمثال بیمثال مبارک قرین افتخار گردید امین حضور پیشخدمت خاصه شریفه را مامور تنظیفات و
انتظامات شهر دار الخلافه و حوالی آن فرمودند نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان در تنبیه طوایف ترکمن اهتمامات
نموده و قاریقلعه و طرزن و قلعه موسوم بقوشه که از قلاع بزرگ طایفه طاغیه است فتح نموده اند غلامحسین سپهدار بوزارت
عدلیه برقرار و منصوب گردید چون بجهة برخی مواد سرحدیه دایره ما بین دولتین علیتین ایران و عثمانی باید کمیسیونی فراهم
مامور و روانه سرحد شود میرزا محبعلی ناظم دفترخانه مبارکه که در جزو سفارت کبرای لندن و سفارت اسلامبول و غیره
خدمات کرده بود باعطای خلعت همایون سرافراز و بجهة مقصود مزبور مامور بسرحد شد نظر آقا که در سفارتخانه دولت
در ماموریت پطرزبورغ و پاریس و در وزارت خارجه خدمات کرده بود بمنصب شارژ دافری و اقامت دربار دولت فرانسه
و خلعت همایون و نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شده گردید و روانه محل ماموریت خود گردید
میرزا عبدالله نایب اول سفارت ملقب بخانی و مستشاری سفارت برقرار گردید میرزا احمد خان نایب دویم سفارت بنیابت
اول نایل گردید بعضی بنائی که صاحب الامر در استرآباد کرده اند از جمله آق قلعه را مشغول تعمیر میباشند و پل حاجی قرا که مقرر
بود که با تمام آن اهتمام شود این اوقات بیست و چهار چشمه پل که یکصد و بیست ذرع طول و شش ذرع و نیم عرض دارد در کمال
استحکام ساخته شده میرزا نکی پیشکار عربستان و بروجرد ملقب بضیاء الملک گردید نواب شجاع السلطنه در ماه رمضان — [illegible] ابن خاقان مغفور
در دار الخلافه داعی حق را لبیک اجابت گفت جناب شیخ عبدالحسین مجتهد نیز در همین ماه در عتبات عالیات بجوار رحمت الهی
پیوست موکب همایون روز یکشنبه بیستم شهر شوال از دار الخلافه باهره بعزم سفر خیر اثر گیلان اشخاص فرمودند در رکاب
موکب مسعود شاهانه حضرت شاهنشاهزاده امجد اکرم نایب السلطنه امیر کبیر و جناب جلالتمآب آقای مستوفی الممالک بمهام ملکی
میپردازند و وزرای عظام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و وزیر امور خارجه و ظهیر الدوله ملتزم رکاب اعلی
میباشند و تفصیل این سفر خیر اثر از قرار ذیل است

موکب مقدس دو روز در کن و دو روز در عمارت سلطانی کرج اقامت فرمودند روز بیست و پنجم شوال سلطان آباد مضرب خیام
جلال گردید روز بیست و هشتم بقشلاق که انتهای خاک ساوجبلاغ و ابتدای خاک قزوین است تشریف ورود ارزانی فرمودند
روز بیست و هشتم بعبدل آباد و روز بیست و نهم ساخته هزار جریب بورود مسعود شاهانه مزین گردید جناب علاء الدوله
حکمران

حکمران این مملکت در تشریفات مقدم مبارک مساعی جمیله نموده بود سلخ شوال بقزوین و غره ذیقعده از قزوین بقریه آقابابا
تشریف فرما شدند روز دویم قریه یکندی از توابع قزوین منزلگاه اردوی همایون گشته یکروز در اینجا اطراق شد روز چهارم
بدره ملاعلی که از املاک طارم سفلی است توجه فرمودند در اینجا نیز یکروز اطراق شد و چون طارم سپرده بنواب والا اعتضاد السلطنه
وزیر علوم است در عبور از خاک طارم لوازم تشریفات مقدم مبارک را در کمال خوبی فراهم آورده بودند امیر الامراء العظام مجد الدوله حکمران گیلان
که در یکندی بخاکپای مبارک مشرف شده بود در ملاعلی حسب الامر بمحل حکمرانی خود معاودت نمود روز ششم پل لوشان که اول خاک گیلانست
محل اردوی همایون بود روز هفتم تشریف فرمای منجیل گردیده در حوزه و پل که بسنگ بالای منجیل و مکانی نهایت باصفا و خوش
هواست نزول اجلال فرمودند و یکروز در منجیل اطراق شد و سرو هرزویل که بیست و یک ذرع بلندی است و هفت ذرع قطر دارد
معروف است درخت زیتون نیز در اینجا بسیار است روز نهم ماه برستم آباد تشریف ورود ارزانی فرمودند و حین عبور از پل منجیل
جناب حاجی ملا رفیع مجتهد که از اجله علماست حسب الامر همایون در تعمیر این پل مواظبت نموده بحضور مبارک مشرف گردید و چون
چشمه های جدید البنای پل بسیار خوب و مستحکم ساخته شده بر توقیر و اعزاز جناب مشار الیه افزودند هم در کنار پل اسباب چرخ سکه
که برای ضرابخانه دولت علیه حسب الامر از فرنگستان ابتیاع و حمل نموده اند بلحاظ انور ملوکانه گذشته مقرر فرمودند نواب
والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم اسباب مذکور را روانه دار الخلافه کنند و محمد حسینخان رئیس سفید خانی قوانلو با پانزده
نفر از قاجاریه مامور شدند که آن اسباب را با عراده و بارکش بدار الخلافه ببرند روز دهم ماه جنگل امامزاده هاشم و کنار رود
خانه سفیدرود بورود مسعود شاهانه زینت یافت سعد الدوله در اینجا شرفیاب خاکپای مبارک شد روز یکشنبه
یازدهم ماه ذیقعده بالیمن و السعاده شهر دار المرز رشت را بقدوم بهجت لزوم مبارک آراستند و علما و اعیان و عموم اهل بلد
در پذیرائی مقدم خسروانه حد شادمانی و جانفشانی را بعمل آوردند از روزیکه موکب اقدس از حوزه و پل بدین سمت نهضت
عزیمت فرمودند نهایت بر ملتزمین رکاب مقدس خوش گذشت راهی که در سوابق اصعب مسالک بود طوری خوب ساخته شده که
تمام این شانزده فرسنگ خیابانی مسطح بود و بجای جهنم دره معروف بهشتی مصفا و بهر گونه صفا موصوف مینمود در سمت راست
همه جا رودخانه سفیدرود و جنگلها و کوههای سبز بلوک رحمت آباد و در سمت چپ جنگلهای عظیم و کوههای اخضر و بنفشه
زار و تماشای بلوک زیتون رودبار مایه بهجت خاطر خطیر ملوکانه میگردید روز یازدهم ماه که روز دویم ورود مسعود همایون
برشت بود ژنرال قونسول بکین حاکم بادکوبه و توابع که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس با جمعی از حکام و صاحبمنصبان قفقاز به تهنیت ورود
موکب اقدس آمده بود بار حضور مهر ظهور مقدس یافت و در همین روز قونسولهای دول متحابه فرانسه و انگلیس که متوقف رشت
بودند شرفیابی حاصل نمودند روز دوازدهم ابتدا علمای گیلان و لاهیجان و فومن بزیارت جمال مهر مثال شاهانه فایز گردیدند
بعد از آن تمام اعیان و ارکان و مستوفیان و عمال و تجار گیلان و سرکردگان و خوانین طوالش متعلق بگیلان شرفیاب خاکپای
مبارک شدند روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در رشت اقامت و بمهام ملکی توجه فرمودند و در این سه روز علی التوالی برف میآمد

روز شانزدهم

روز شانزدهم ماه بعزم انزلی تشریف فرما شدند و حسب الامر جناب ظهیرالدوله بدعوای موکب همایون در رشت مشغول
انتظام امور بود. جناب علاءالدوله به پیربازار رفته که مراقب نظم کرجی و کیل و اسباب و ذهاب علمازمین باشد راه پیربازار باالکرزیا
از یکفرسنگ بیشتر نیست سابق برین بد بود که دو روز عابرین را معطل میکرد این اوقات بحکم همایون انرا ساخته اند و فرسبا تمام
و بهانه آسان و براحت امده میشود در ابتدای رودخانه پیربازار دستگاه اعلیحضرت شهریاری دام ملکه در نوید بمنازی
که بجبالی الله مخصوص وجود مبارک ساخته بود نشستند و نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و جناب مؤتمن الملک وزیر
امور خارجه و مجدالدوله و عضدالملک و معتمدالملک و امین الملک و امین خلوت و امین حضور و حاجب الدوله و حکیم الممالک
و میرزا عبدالوهابخان نایب الوزاره (جناب نصیرالدوله) و محمدعلیخان پیشخدمت خاصه و زین دار باشی و مهدیقلی خان پیشخدمت
امین السلطان و قهوه چی باشی و اداوتبای دهباشی و این بنده درگاه در ان قایق بشرف التزام حضور همایون مشرف بودیم بالجمله
در امتداد رودخانه مزبور که فرسنگی و فرسنگ میباشد ذات کامل الصفات شاهانه تفرج فرموده در اول دهنه مرداب انزلی
ژنرال قولی بکین با کشتی کوچک بخار موسوم بیرکاس باستقبال امده اعلیحضرت شاهنشاهی با ملتزمین حضور بان کشتی نقل
فرمودند ژنرال المعزی الیه و سایر صاحبمنصبان بحریه که با او همراه بودند بعواطف ملوکانه سرافراز فرمودند از اول مرداب
تا بندر انزلی که تقریبا پنجفرسنگ است در مرداب کرجیهای بسیاری بود که حمل بار و بنه اهالی اردوی معلی مینمودند نزدیک باسکله
انزلی کشتیهای بخار که محض اتحاد دولتین ایران و روس از جانب دولت روس برای سواری و خدمت سرکار اقدس اعلی امده
بودند صداها بهورا بلند کرده اظهار شعف و شادی نمودند و اسامی انکشتیها از اینقرار است

(کمی یرکاس کوچک بخار) (کمی بزرک بخار مخصوص سواری همایون موسوم بشاه) (کمی اتشی کاپیتن) (کمی اتشی موسوم بمخائیل)

خلاصه دو ساعت بغروب مانده بعمارت دولتی واقعه در قصبه انزلی تشریف فرما کردیدند روز هفدهم که روز دوم
ورود موکب همایون بانزلی بود با جمعی از خواص ملتزمین رکاب اعلی بکشتی بزرک بخار سوار و بسیر بحر خزر توجه فرمودند
صاحبمنصبان بحریه از مقدم بهجت توام خسروانه بیرقهای شاهانی بعمل اوردند و دو کشتی بزرک دیکر که حامل صاحبمنصبان
روس و بعضی از چاکران استان مقدس بود در دو طرف کشتی همایون بمسافت کمی در کمال سرعت سیر مینمودند و هر آن
صاحبمنصبان روس از روی شعف اواز هورا بلند مینمودند و مدت سیر شاهنشاهی در دریای خزر دو ساعت بود روز
هیجدهم ماه علمای انزلی شرف زیارت جمال بیمثال شاهانه را استدراک نمودند بزرکان و اعیان انزلی نیز شرفیاب
خاکپای مبارک کردیدند هم در این روز پنج ساعت بغروب مانده بکشتی بخار کوچک بتماشای صید ماهی وشیل تشریف
فرما شدند و در یکروز زیاده از چهار هزار ماهی صید شد روز نوزدهم حسب الامر نواب والا اعتضادالسلطنه و
جناب مؤتمن الملک و معتمدالملک در چادر در بوغاز نشسته بعرایض مردم از طوالش و غیره رسیدکی نمودند و ذات
ملکوتی صفات مقدس در درشکه نشسته با چند نفر از خواص خدام در سمتیکه از ساحل دریای بزرک بطالش دولاب
میرود تشریف فرما شدند روز بیستم فقط خاطر مبارک متوجه امور دولتی بود روز بیست و یکم حاجی محمد تقیخان حاکم

اردبیل

اردبیل بتقبیل رکاب اعلی نایل کردید و چون دریا آرام بود اعلیحضرت شاهنشاهی در کشتی بزرک بخار نشسته قدری
بسیر بحر خزر پرداختند روز بیست و دوم مجدالدوله از حکمرانی کیلان استعفا نمود و زمام این امر بزرک را بکف کفایت
جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه داده جناب معزی الیه را بحکومت کیلان سرافراز فرمودند روز بیست و سیم با درشکه بکنار
دریای بزرک تشریف بردند و در این شب عملجات توپخانه مبارکه در روی دریا آتشبازی و چراغان بسیار ممتازی نمودند
روز بیست و چهارم نواب والا اعتضادالسلطنه و جناب مؤتمن الملک و امین الملک بحکم همایون به بازدید [illegible]
قاضیان و انزلی رفتند و مقرر شد که لوازم تعمیر و اسباب انتظام انها را فراهم اورند روز بیست و پنجم علما و اعیان انزلی
و اردبیل و غیره بخلاع همایون سرافراز کردیدند از انجا که ژنرال قولی بکین و سایر صاحبمنصبان دولت روس در مدت
تشریف فرمائی موکب همایون بدین ساحت کمال خدمتکذاری را بعمل اوردند ژنرال المعزی الیه بنشان تمثال بیمثال همایون
مکلل بالماس سرافراز و سایر صاحبمنصبان نیز هر یک بنشان و حمایل از درجه که در خور بود مفتخر کردیده مرخص شدند که
باوطان خود معاودت نمایند سیف الملک حاکم طوالش بنشان شیر و خورشید و حمایل و خلعت همایون مباهی امد میرزا
علی اکبرخان دریابیکی بنشان سرهنگی و خلعت همایون نایل کردید لطف الله میرزا سرهنگ توپخانه بنشان و حمایل
سرهنگی سرافراز شد نصرالله خان سرهنک خارج از فوج بنشان و حمایل سرهنگی و شمشیر کل و ته طلا و حکومت کرکانرود
مفتخر کشت امان الله خان بحکومت طالش و ولایت و غیره و اعطای شمشیر ته طلا سربلند شد رحیم خان بحکومت شاندرمن و
شمشیر ته طلا سرافراز امد سایر اعیان و بزرکان و صاحب منصبان نظام و غیره نیز بعواطف شاهنشاهی مباهی کردیدند روز
بیست و ششم از راه منکوده که کنار رودخانه مبارک اباد واقع است و براه پیربازار وصل میشود موکب همایون عازم
رشت کردید این راه را در ایام حکومت مجدالدوله حسب الامر با مخارج کزافی ساخته اند و رودخانه مبارک اباد
را از اشجار و احجار طوری پاک کرده که کرجی ازان بسهولت عبور مینماید بالجمله دو ساعت از روز بیست و ششم کذشته
بندکان اعلیحضرت همایون در کشتی بخار کوچک نشسته و خواص رجال استان معلی بشرف التزام رکاب اعلی مشرف کردیده
ژنرال قولی بکین هم در کشتی ملتزم حضور مبارک امده تا دهنه رودخانه مبارک اباد طی مسافت نمودند در انجا از کشتی فرود امده
بقایق سوار شده ژنرال معزی الیه را بعد از بذل مراحم خاصه مرخص فرمودند شش ساعت بغروب مانده قایق همایون در کنار
منکوده ایستاده از قایق بدرشکه نقل و تشریف فرمای شهر رشت کردیدند روز بیست و هفتم علما و اعیان دارالمرز را
بعواطف و خلاع ملوکانه قرین اختصاص و مباهات فرمودند و انعامات شاهانه بسادات و طلاب دادند روز بیست
و هشتم بقصر ناصریه تشریف فرما شده تا وقت عصر در ان نواحی بمقدم مبارک مزین بود روز بیست و نهم بتفرج استخر
عینک که نیم فرسنکی شهر و در طرف شمال و سر راه فومن و طولم واقع است تشریف فرما کردیدند روز سلخ ذیقعده که روز
اخر توقف موکب مسعود در رشت بود تمام اعیان و عمال کیلان و مامورین موقفان سامان بخلاع همایون و عواطف
خسروانه سربلند شدند و کارکذاران دول متحابه مقیم رشت نیز بخلاع فاخره و اشیاء نفیسه قرین مفاخرت کردیدند

و فرود

و مقرر شد جناب مؤتمن الملک معتمد وزیر امور خارجه و حکمران گیلان چند روزی در گیلان توقف نموده مهام این ولایت را چنانکه بایسته در حیز انتظام گذارد روز غره شهر ذیحجه بالیمن والسعاده از شهر دارالمرز انتهاض فرموده تشریف فرمای امامزاده هاشم شدند روز دوم در اینمحل اطراق شد روز سیم رستم آباد مضرب خیام بااحتشام گردید روز چهارم بجیرزه و پل نزول اجلال فرمودند روز پنجم کنار پل لوشان بمقدم مبارک مزین شد آقاخان مظفرالدوله و علیقلیخان سرتیپ که از خمسه بزیارت خاکپای فرزنها آمده بودند در منزل ینقپیل برکاب اعلی فایز گردیدند روز ششم بالای کردنه خرزان منزلگاه اردوی معلی گشت روز هفتم بمنزل آقابابا و روز هشتم بظاهر قزوین تشریف ورود ارزانی فرمودند روز نهم در قزوین اطراق شد و علما و اعیان و شاهزادگان این بلد بمواطف و خلاع مبارکه درجه اختصاص یافتند روز دهم که عید اضحی بود بعد از تقدیم شرایط عید سعید بقریه خاک علی تشریف فرما شدند روز پانزدهم شهر ذیحجه مقر سلطنت کبری یعنی دارالخلافه ناصری بفر قدوم همایون لزوم اعلیحضرت شاهنشاهی تام ملک مزین گردید شب دوشنبه هیجدهم که شب عید غدیر بود بعد از گذشتن چهار ساعت و بیست دقیقه و سی ثانیه بمجاری بزیج جدید محمدشاهی نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام خاص در پیشگاه حضور اقدس انعقاد یافت روز دوم سلام عام منعقد و میرزا فضل الله وزیر نظام بخطاب ملوکانه سرافراز آمد

تذییل

در این سال حضرت اجل اکرم شاهنشاهزاده کامکار معین الدوله حکمران فارس بلقب جلیل ظل السلطان ملقب گردیدند میرزا رضا پسر مرحوم میرزا زین العابدین البرز بمنصب مستوفی‌گری مباهی گشت میرزا شفیع منشی وزارت خارجه بلقب خانی سرافراز آمد محمد صادق خان سرتیپ برادر شهاب الملک که بمکه معظمه مشرف شده بود در عرض راه برحمت ایزدی پیوست آقا سید محمد باقر مجتهد قزوینی داعی حق را لبیک اجابت گفت کتاب صراح اللغه را طبع نمودند

وقایع و سوانح عمده که در این سال در تمام روی زمین و اقطار عالم سانح و واقع گردید

اطریش

مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش بسمت مشرق زمین که از راه ویدین و وارنا باسلامبول و از آنجا بیونان و از یونان بیافا و از آنجا به بیت المقدس و از آن شهر بمصر آمده و در افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز حضور بهم رسانیده بعد مراجعت بفرنگ نمودند انعقاد معاهده مابین پادشاه سیام و اعلیحضرت خاقان چین

عثمانی

خوشنودی اعلیحضرت سلطان از اینکه دول فرنگ رفع مخاصمه او را با یونان نمودند فوت فؤاد پاشا وزیر امور خارجه

در تبعیت از بنادر فرانسه تفویض وزارت جنگ بحسین عونی پاشا که حاکم جزیره قندی بود بتوسط عالی پاشا صدراعظم مسافرت والی منتنگرو بدون اجازه اعلیحضرت سلطان بتمام فرنگستان و عبور و سیر و مراجعت نمودن بولایت خود با پرنس دالفرد کی که یکی از اجودانهای خاصه اعلیحضرت امپراطور روس است مسافرت والی افلاق و بغدان نیز بفرنگستان و مزاوجت پرنس الیزابت درسوبی خدیو مصر که مغرور بالطاف اعلیحضرت سلطان شده بدون اجازه و اذن باب عالی در فقره افتتاح مجلس شورائی مینماید و نیز بی رخصت اعلیحضرت سلطان بفرنگستان سفر نموده سلاطین عظیم الشان را دعوت بافتتاح نهر مجمع البحرین سوئز میکند (هشتاد کرور و صد و بیست هزار و هشتصد و هشتاد تومان و دو قران مخارج این بوغاز شده و طول بوغاز بیست و هشت فرسنگ و یکصد ذرع عرض و هشت ذرع عمق دارد) و برنس حلیم پاشا عموی خدیو و مصطفی پاشای برادرش که از خواص اعلیحضرت سلطان هستند سعایت از خدیو میکنند بنابراین صدراعظم عثمانی تهدیدنامه بخدیو مصر مینویسد که اولا عدد قشون خود را کم کند ثانیا بر عده سفاین جنگی نیفزاید ثالثا هر سال کتابچه خرج و دخل خود را بباب عالی اسلامبول انفاذ دارد رابعا بدون اجازه اعلیحضرت سلطان نه مراوده و معاهدات پولتیکی با هیچ دولتی از دول فرنگ نداشته باشد خامسا بدون اذن اعلیحضرت سلطان استقراض ننماید بالجمله بعد از ده سال کاربابست فردیناند فرانسوی در هفدهم نوامبر اینسال افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز گردید بحضور اغلب از سلاطین و شاهزاده‌های بزرگ فرنگ در جشن افتتاح نهر مذکور بجز شاهزاده‌ها خانواده انگلیس

دلسپس [2]

فرانسه

فوت لامارتین شاعر معروف در اواسط زمستان فوت مارشال نیل وزیر جنگ ژنرال لوبوف چون این سال سال صدم تولد ناپلیون اول بود برای تبرک و جشن در این خانواده علیاحضرت ملکه و نواب ولیعهد بجزیره کرس که موطن و مولد اعلیحضرت امپراطور ناپلیون اولی باشد سفر میکنند شدت مرض اعلیحضرت امپراطور ناپلیون سیم و باین واسطه هرج و مرج امورات خطیره هاشورش انگیز خواندن پرنس ناپلیون ابن عم اعلیحضرت ناپلیون برضد و با در کمال شدت در منصرفات فرانسه در ما بین مسافرت علیاحضرت امپراطریس بمشرق زمین و حضور ایشان در مصر بموقع افتتاح نهر مجمع البحرین

یونان

مخاصمه مابین این دولت و دولت عثمانی که بدوا از ابتدای شورش اهالی قندی بود و تا این زمان امتداد داشت و بواسطه یک مجلس کنفرانس که در پاریس منعقد گردید مامورین دول فرنگ که در آنمجلس جلوس نمودند رفع مخاصمه شد معدوم شدن شهر سنتز بواسطه زلزله

وقایع سال بیست و چهارم سلطنت ابد آیت اعلیحضرت قوی شوکت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و دولته مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و هفت هجری

بوزنت ئیل

در این سال فرخنده مآل کلیه رعایا و برایا بعواطف ملوکانه سربلند و مستمال بودند جناب مؤتمن الملک که حسب الامر خدیو
روزی در گیلان اقامت داشتند تمام انتظامات ولایت را بر عهده میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله)
واگذار نموده خود بخاکپای مبارک مشرف آمد حکمرانی دار العباد یزد را بنواب والا حسام السلطنه تفویض فرمودند و امیرزاده
ابوالفتح میرزا ولد نواب معظم الیه بوزارت میرزا محمد حسین مستوفی بنیابت حکومت آن ولایت رفت عزیز خان سردار کل
میرزا ابوالقاسم بوزارت و پیشکاری آذربایجان سرافراز گشت معین الملک بمنصب متولی باشی گری حضرت رضوی علیه السلام سربلند میرزا ابوالقاسم
آمد محمد قلیخان شاطرباشی ملقب بصادم الملک شد سرایدارباشی بدرجه سرتیپی سیم و نشان و حمایل مخصوص آن نایل
گردید فوج فراهان را که یکی از افواج ابواجمعی نصر الملک است ملقب بفوج کامران نمودند نقشه اراضی شهر جدید دار
الخلافه ناصری را جعفر قلیخان رئیس مدرسه مبارکه دار الفنون و میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی با بیست نفر
مهندسین کشیده بتوسط نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم بحضور مبارک برده بسیصد هزار تومان انعام سرافراز شدند
یکی از طوایف نود علی جعفر بای از طوایف ترکمه چون راه شرارت می رفتند سلیمانخان صاحب اختیار حکمران استراباد آنها را
تنبیه نمود محمد حسنخان سرتیپ توپخانه پسر مرحوم حاجی بیژن خان مرحوم شد حاجی آقا یوسف خواجه باشی در عتبات
عالیات برحمت ایزدی پیوست میرزا فضل الله خان نوائی یزدی در کتاب تاریخ مختصر ناپلیون بزرگ امپراطور فرانسه را
مسیو نیبار خان فرانسوی معلم ترجمه کرده و طبع نموده اند نیز رساله زبدة الحکمة ناصری در ماهیت و خواص گنه گنه و
رساله بدایع الحکمة ناصری که هر دو از مصنفات دکتر طولوزان حکیم باشی مخصوص حضور همایون است بطبع رسیده روز پنجم

شهر

شهر صفر در شکارگاه دوشان تپه پلنگی شکار شده مبارک شد امیر الامراء العظام مجد الدوله بمنصب امیر آخوری اصطبل
مبارکه سرافراز گردید علیرضاخان عضد الملک باعطای نشان تمثال بیمثال همایون درجه اختصاص یافت حکومت همدان را
ضمیمه حکومت کردستان فرموده بنواب والا معتمد الدوله واگذار فرمودند امیرزاده سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه از
جانب ایشان بحکومت همدان رفت آقا مهدی ملک التجار مرحوم شد آقا محمد کاظم ولد آن مرحوم بمنصب ملک التجاری ایران مفتخر گشت
علینقیخان سرتیپ فوج گرازی ملقب بصمصام الملک شد محمد حسنخان قراگوزلو پسر مرحوم علیخان نصرة الملک بلقب حسام الملکی مباهی
گردید میرزا محمد حسینخان نایب الحکومه اصفهان ولد صاحبدیوان بنشان و حمایل سرتیپی سرافراز آمد جلیل محمد قلیخان آصف الدوله
وزیر فارس بیک قطعه نشان تمثال بیمثال همایون قرین مفاخرت و اعزاز گشت بعضی از متمردین بلوچستان را ابراهیمخان مستوفی العمل
وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان تنبیه نموده است امیرزاده اسمعیل میرزا ولد نواب والا معز الدوله که در انتظام فوج
سیلاخوری اهتمام نموده بود بنشان و حمایل سرتیپی سرافرازی حاصل نمود میرزا ابوطالبخان نائینی نایب الحکومه لرستان
مرحوم شد محمد حسینخان حاکم سمنان و دامغان بلقب اعتضاد الملکی سرافراز شد یوسفخان شجاع الدوله حاکم خوی و سلماس
و ارومی و سرحدات که بدفعات معدلت مدار احضار شده بود باعطای یک قطعه نشان از درجه اول امیر تومانی و یک رشته حمایل
مخصوص آن قرین مفاخرت گردید و فوج خوی را نیز علاوه سرفوج افشار ابواجمعی مشار الیه فرمودند نواب والا اعتضاد
السلطنه وزیر علوم بیک قطعه نشان ذیشان امیر تومانی مکلل بالماس با یک رشته حمایل مخصوص آن درجه اختصاص نائل شد از درجه سیم
میرزا سید احمد مستوفی بحکومت ولایت عراق منصوب آمد میرزا علیخان منشی حضور و نایب اول وزارت خارجه (جناب امین الملک)
بنشان از درجه ثانیه خارجه مباهی گردید بنده مؤلف باعطای یک قطعه کلکی مکلل بالماس سربلند شد میرزا سید ابراهیم
سررشته دار مالیات خراسان بمنصب استیفا از درجه چهارم برقرار آمد میرزا محمد حسین پیشکار حضرت نیز بهمین منصب سرافراز گشت
امان الله خان سرتیپ بهاء الملک لقب یافت علیخان پسر سلیمانخان صاحب اختیار حکمران استراباد بمنصب سرهنگی فوج
اخلاص افشار استراباد مباهی گردید میرزا حسنخان پسر ارشد مرحوم میرزا مسعود وزیر امور خارجه سابق بنیابت اول وزارت خارجه
نایل آمد میرزا اسد الله خان نایب اول سفارت علیه مقیم پطرزبورغ بکارپردازی اول تفلیس مأمور شد میرزا عبدالله که در مأموریت
بغداد و عباسی و مسقط خدمت کرده بود بمأموریت مخصوص بندر عباس سرافراز و بنشان و حمایل از درجه اول سرهنگی نایل
گشت جناب صاحبدیوان حکمران اصفهان بیک رشته حمایل آبی سیر قرین امتیاز آمد جلد پنجم ناسخ التواریخ بطبع رسیده نیز کتاب
مجموعة الرسایل در علم طب از تالیفات حاجی آقا بابای ملک الاطباء طبع شده است

از وقایع معظمه این سال میل خاطر مهر مظاهر مبارک بزیارت عتبات عالیات و بازدید و سیاحت ساحت عراق عرب است
و اگر چه شرح هر یک از اسفار سعادت آثار همایون در کتابی مخصوص بقلم معجز رقم مبارک نوشته شده و بطبع رسیده ولی

محض تیمن و تتمیم مطالب این کتاب باز خلاصه از وقایع این اسفار من البدو الی الختم در موارد خود ذکر میشود پوشیده نباشد که از سلاطین عظیم الشان و خسروان با حشمت و توان. الی الان وجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه اول شهریاری است که در عالم سلم و صفای بال اندیشه حرب و غزا از ثغور ممالک خود تجاوز فرموده و در ممالک خارجه بعزم خاطر مسافرت و گردش نموده اند و سفر زیارت عتبات عالیات و عراق عرب اول سفر اعلیحضرت همایون بممالک خارجه میباشد و ابتدای این سفر سعادت اثر روز جمعه بیستم شهر جمادی الثانیه این سال خیریت مآل بود که از مقر خلافت عظمی بقصر دوشان تپه نقل مکان فرمودند و شرح روز بروز این مسافرت خیریت آثار از قرار ذیل است

شرح مسافرت اعلیحضرت همایون روحنا فداه بعتبات عالیات و عراق عرب

روز بیستم ماه جمادی الثانیه چنانکه ذکر شد نقل مکان بقصر دوشان تپه فرمودند و محض اینکه ملتزمین رکاب اعلی از تهیه راه فراغت حاصل نمایند پنج روز در آنمحل توقف شد روز بیست و پنجم چشمه علی که در نزدیکی زاویه مقدسه حضرت عبد العظیم است مضرب خیام با احتشام معلی گردید و ذات ملکوتی صفات مقدس ابتدا بزیارت امامزاده واجب التعظیم توجه فرموده بعد بها اردوی کیوان شکوه بمقدم مبارک تشریف کردید در اینجا نیز سه روز اطراق شد ریاست و حراست اردوی معلی را بنواب والا حسام السلطنه واگذار فرمودند در رکاب موکب همایون حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه و جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اول بمهام ملکی رسیدگی مینمایند اغلب از رجال دولت و خواص عمله خلوت ملتزم رکاب اعلی میباشند و اسم هر یک در جای خود ذکر میشود خدام حرم جلالت نیز باین سعادت مستسعد اند بنده مؤلف نیز غالبا خاطر مهر مآثر مبارک را بترجمه روزنامه‌ها خارجه خاصه اخبار متعلقه بجنگ فرانسه و پروس مشغول میدارد بالجمله روز بیست و هشتم قاسم آباد منزلگاه اردوی همایون شد روز بیست و نهم رباط کریم تشریف فرما گردیدند روز دوشنبه سلخ هم در رباط کریم اطراق شد روز سه شنبه غره رجب بحسن آباد زرند ملکی محمد مرادخان سرتیپ زرندی نزول اجلال فرمودند راه شش فرسنگ بود در بین راه جانمحمد خان سرتیپ خلج و محمد صادقخان حاکم زرند و فتحعلی خان سرکرده شاهسون بغدادی باستقبال رکاب اعلی فائز آمدند ناظم افندی شارژ دافر عثمانی و مسیو کربل نایب اول سفارت روس همراه است روز دویم ماه بامیرآباد تشریف ورود ارزانی فرمودند راه دو فرسخ و نیم بود از امیرآباد تا خانی آباد زرند که منزلگاه قوافل است زیاده از یکمیدان نیست روز سیم علی آباد ساوه مضرب خیام با احتشام همایون گردید راه شش فرسخ است روز چهارم در علی آباد اطراق شد در اینجا علمای ساوه بحضور مبارک تشرف جستند روز پنجم بشاهی سون کندی تشریف فرما شدند راه چهار فرسخ سخت سنگین بود روز ششم نوبران که آخر خاک ساوه و اول خاک همدانست منزلگاه اردوی کیوان شکوه شد راه زیاده از پنج فرسخ و خود نوبران ملک ساوه است در نوبران چون تلگرافخانه هست جناب معتمد الملک حسب الامر بتوسط تلگراف از حضرت اجل افخم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه و جناب اجل آقای مستوفی الممالک و سایر وزرا احوالپرسی نمودند و بعضی احکام بتوسط تلگراف شرف

صدور

صورت جناب جلالتمآب اجل اکرم آقای مستوفی الممالک وزیر اول



ابوتراب

صدور یافت روز هفتم ماه در نوبران اطراق شد روز هشتم ماه بقریه قراولای ملکی حسینخان حسام الملک نزول اجلال فرمودند
راه شش فرسنگ بود روز نهم نزدیکی حسن اباد از عراده بزیر امده در علی منزل نموده فرمودند که منزلگاه کاروانسرا بود
روز دهم تشریف فرمای بیوک اباد شدند نواب والا معتمد الدوله حکمران کردستان و همدان شرفیاب شدند و از خاکپای مبارک شدند
راه چهار فرسخ بود روز یازدهم در بیوک اباد اقامت فرمودند روز دوازدهم به برخ اباد شرف ورود بخشیدند راه پنج فرسنگ
بود روز سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود شهر همدان بورود میمنت لزوم
مبارک مزین امد جناب حسینعلیخان وزیر مختار از کردستان امده امروز بتقبیل رکاب اعلی فایز شد راه سه فرسنگ بود علما و اعیان
و بزرگان همدانی در استقبال و شکرگذاری ورود موکب همایون جانفشانیها کردند روز چهاردهم در همدان اقامت شد نمودند
پاشاخان و بهلول پاشاخان ماکوئی که از اذربایجان بطهران و از طهران بهمدان امده بخاکپای مبارک مشرف شدند روز پانزدهم
علما و اعیان همدان و خوانین ملایر و تویسرکان بزیارت جمال مهر مثال مقدس تشرف جستند هنگام معرفی از علما چون قاضی را معرفی
کردند ذات ملکوتی صفات مبارک لطف و مطایبت را فرمودند قاضی همدانست علما و خود قاضی نیز با حضار امتنان بخندیدند
(اشاره بحکایتی که شیخ سعدی علیه الرحمه در گلستان ذکر نموده و ابتدای ان اینست که قاضی همدانرا شنیدم که با نعلبند پسری
سرخوش داشت) لطف این عبارت برای ارباب ذوق معلوم است شاهزاده سلطان اویس میرزا حاکم همدان ملقب باحتشام الدوله
کربلا روز شانزدهم بتفرج و سیر دره عباس اباد که نهایت باصفا و از دره‌های مشهور ظاهر همدانست تشریف فرما شدند و از انجا
براه گردنه شهرستانه که بتویسرکان میرود توجه فرمودند در بالای گردنه سلطان سلیم میرزا اسامی دهات تویسرکان را که
نموده بود بعرض میرسانید روز هفدهم مشغول بمهام دولتی بودند روز هجدهم از همدان انهاض فرموده بمنزل زاغه که سه
فرسنگی همدانست نزول اجلال فرمودند روز نوزدهم قصبه اسداباد منزلگاه اردوی همایون شد خانبابا خان پسر
سلیمانخان صاحب اختیار با خوانین و ریش سفیدان افشار در راه بتقبیل رکاب مبارک سرافراز شدند روز بیستم در
منزل اطراق شد روز بیست و یکم تشریف فرمای قصبه کنگاور شدند راه پنج فرسخ سنگین بود غلامعلیخان برادر رستم
اصلان نایب الحکومه کنگاور با جمعی از خوانین افشار بتقبیل رکاب معلی مفتخر گشتند روز بیست و دویم در کنگاور اقامت نمودند
روز بیست و سیم از کنگاور نهضت فرموده ابتدا بتماشای بنائی که اعراب انرا قصر اللصوص مینامند توجه فرمودند
از این قصر شش ستون زیاده باقی نمانده و شرح جغرافیای ان در حرف قاف بیاید پس از بازدید این بنا بطرف صحنه راندند در بین راه
در پایین گردنه بیدسرخ نواب الاعتماد الدوله و امیرزادگان اولادهم نواب معظم الیه و حسینقلیخان والی پشتکوه لرستان و
محمد حسنخان سرتیپ کلهر و محمد رضاخان سرتیپ تفنگدار و برخوردارخان سرکرده فوج لر الشتر و فتح الله خان امرائی و سایر
بزرگان کرمانشاهان و کلهر و غیره بخاکپای مبارک مشرف گردیدند راه پنج فرسنگ سنگین است روز بیست و چهارم در صحنه
اطراق شد روز بیست و پنجم تشریف فرمای برناج که در جلو بیستون واقع است شدند راه زیاده از شش فرسخ است روز
بیست و ششم و بیست و هفتم در برناج اطراق است روز بیست و هشتم به بیستون محل اردوی همایون شد راه سه فرسنگ بود

روز بیست

روز پنجشنبه نهم بحاجی آباد نزول اجلال فرمودند راه باز سه فرسخ بود روز نهم شعبان عمارت عمادیه واقع در کنار دجله و قرابو
بقدوم مبارک مزین گردید (بعد از حاجی آباد بعمادیه که از چهار فرسنگ و از عمادیه تا شهر کرمانشاه کمتر از یک فرسخ است روز دوم و سیم
چهارم در عمادیه اقامت داشتند در این روز جناب حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله سفیر کبیر و وزیر مختار دولت علیه مقیم اسلامبول
که از راه حلب و دیار بکر به بغداد آمده اند شرفیاب خاکپای مبارک شدند علما و اعیان کرمانشاهان بتردد و شرف زیارت جمال مهر
مثال شاهانه فایز گردیدند روز پنجم بتماشای طاق و سطام تشریف فرما گردیدند شرح جغرافی طاق و سطام و بیستون در جلد اول
مرآت البلدان ثبت شده است روز ششم نیز در عمادیه توقف فرمودند روز هفتم بتماشای کنشت پیر خیر توجه فرمودند روز
هشتم و نهم اردوی کیوان شکوه در عمادیه متوقف بود روز دهم از عمادیه با شهامت بطرف کرمانشاهان توجه فرموده در بالای شهر
مشهور بتکیه فتحعلیخان تماشای شهر را که در کمال خوبی نمایان است نموده بعد ها تشریف فرمای ماهیدشت شدند شرح جغرافیائی
کرمانشاهان و توابع در محل خود بیاید انشاءالله تعالی از عمادیه بماهیدشت پنج فرسخ و از شهر کرمانشاه تا ماهیدشت چهار فرسخ
میباشد روز یازدهم هارون آباد منزلگاه اردوی معلی گردید راه شش فرسخ بود فوج و سواره کلهر نزدیک هارون آباد سر راه
ایستاده بودند روز دوازدهم در هارون آباد اطراق شد روز سیزدهم تشریف فرمای کرند شدند راه پنج فرسنگ بود روز چهاردهم
در کرند اطراق شد روز پانزدهم پای طاق بقدوم مبارک مزین آمد راه شش فرسنگ بود روز شانزدهم در قرابلاغ که نیم فرسخ
بالاتر از پل ذهاب است نزول اجلال فرمودند روز هفدهم در اینجا اطراق شد روز هیجدهم تشریف فرمای قصر شیرین گردیدند
مظفرالدوله پاشاخان که با صد سوار مکری از آذربایجان آمده در اینجا بخاکپای مبارک مشرف گردید نواب اقبال الدوله
همینکه در بغداد سکنی گرفته باستقبال موکب همایون آمده در اینروز باردوی معلی پیوسته روز نوزدهم و بیستم در قصر شیرین
مراجعت از قرابلاغ تا قصر شیرین پنج فرسخ است روز بیست و یکم تشریف فرمای خانقین شدند طبقات نوکر دیوانی عموماً در
لباس رسمی بودند در این راه در محل موسوم به بردآزما اردوئی که از جانب دولت عثمانی با مرکوب و تشریفات شایان مامور
باستقبال و پذیرائی موکب همایون بود نمودار شد این اردو مرکب بود از یکدسته سواره نظام که چفیه و عقال عربی بسر داشتند
و یکدسته سربازهای سوار که هریک قاطری داشتند و تفنگ سربازها شاسپو بود و یکدسته سواره چرکسی و یکدسته موزیکانچی
سواره و چندین راس یدک همه با زین و براق عثمانی که آنها را جلودارها پیاده میکشیدند و در کنار اردو جناب مدحت پاشا والی بغداد
و جناب کمال پاشا مامور مخصوص اعلیحضرت سلطان عثمانی و حامل نامه مودت علامه که سلطان در زمینه تشریف فرمائی
موکب مقدس بنواحی عراق عرب نوشته بودند و درویش پاشا مامور مهام سرحدیه عثمانی و ایران که در اینوقت مامور حکومت
جزیره کرت شده و علی بیک تشریفاتچی و آجودانهای سلطان و غیرهم بودند و این جمله تا اردوی همایون که در مسافتی
دور از آبادی زده شده بود با تقدیم شرایط اکرام و تکریم همراه بودند وقت شب دیگر چند مجموعه شام عثمانی از خورشها
دو ظروف مرکبات از طرز ایرانی و فرنگی از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی ضمیمه شام اعلیحضرت شاهنشاه ایران شد از قصر

شیرین بخانقین شش فرسنگ است روز بیست و دوم در خانقین اطراق شد مدحت پاشا و کمال پاشا و درویش پاشا و ناظم افندی
شارژدافر دولت عثمانی متوقف دارالخلافه طهران و حمدی بیک کارگذار خارجه بغداد بحضور مبارک مشرف شده کمال پاشا نطق خوبی در تهنیت
ورود موکب خسروانه و ماموریت خود نمود این کمال پاشا در سی و پنجسال قبل از این در زمان شهریار مبرور و ماضی انارالله برهانه
بسمت سفارت بدارالخلافه آمده است روز بیست و سیم قزلرباط مضرب خیام گردون احتشام معلی گردید راه پنج فرسخ بود
روز بیست و چهارم شهربان منزلگاه اردوی همایون شد قایم مقام یعقوبیه اجزای دیوانی آنجا با سوار نظام و سواره ضابطه
امروز باستقبال آمدند راه پنج فرسخ است روز بیست و پنجم تشریف فرمای یعقوبیه گردیدند (یعقوبیه مصطلح اهالی عجم است صحیح
این اسم یعقوبیه است چنانکه اعراب تکلم مینمایند) در بین راه بقبر مقداد رضی الله عنه رسیده چون مقبره خرابی داشت مقرر فرمودند
بتوسط جناب مشیرالدوله تعمیر شود راه هشت فرسنگ بود روز بیست و ششم در یعقوبیه اطراق شد روز بیست و هفتم
در محل موسوم بمشیریه که بمسافت سه فرسخ و نیم از یعقوبیه است نزول اجلال فرمودند روز بیست و هشتم شعبان در حالیکه
طبقات ملتزمین رکاب اعلی با البسه رسمیه حاضر شده بودند بدارالسلام بغداد نهضت فرما شدند مدحت پاشا که از یعقوبیه
مکرر ببغداد رفته بود مجدداً باستقبال مقدم مبارک شتافته و بعد از ساعتی بجهة انتظام امور پذیرائی و تشریفات باز
جلو افتاده ببغداد رفت اهالی بغداد و مامورین دولت عثمانی در بیرون دروازه الحق جمیع دقایق مراسم خدمتگذاری و اعزاز منظور
نموده بودند از اهالی شهر جمعیت زیادی بیرون آمده و از دو طرف جاده صف کشیده بودند از جلو مستقبلین بفاصله کم تنگ
قراولان عساکر عثمانی ایستاده بود بعد از آن افواج سواره نظام صف کشیده پیش در عقب دم را گرفته بودند دسته های
موزیکانچی متعدد در فاصله افواج و سوار داشتند در بین راه سایبانی سلطنتی از اطلس زرد و زری با دیرکها و طنابهای
کلابتون برای توقف و صرف قهوه و تعارف وجوه و معارف مستقبلین زده بودند و بفرش ابریشم زرد و زری مفروش نموده
وجوه عسکریه و ملکیه و قاضی و مفتی و سایر معارف ایستاده بودند سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه در این سایبان
قهوه میل فرموده و مستقبلین را بعواطف و تفقدات شاهانه سربلند کردند درویش پاشا و سایرین آلای جلو را ترتیب
دادند و پاشاها و اعیان مزبوره کلیه پیش افتادند حضرت همایون پادشاهی نیز سواره حرکت فرموده تا بطاق نصرتی که
محض تشریفات ورود مسعود اقدس بنا کرده بودند رسیدند این طاق از تختها آراسته و نقش میکوبند خلاصه طاق قشنگی بود با علمها
و بیدقها و پردهای مختلف آراسته شده بود و وضع و ترتیب باشکوهی داشت ارامنه و کشیشها و یکدسته اطفال ارمنی که لباسهای
حریر نازک و حمایلهای کبود منقح داشتند سمت راست صف کشیده باهنگی خوب تغنی میکردند سمت دیگر علمای یهود و یکدسته اطفال یهود
بهمین ترتیب و آداب ایستاده دعا بوجود مسعود همایون مینمودند تمام مسلمین که از مدارس مدحت پاشا تربیت میشوند با ملبوس سفید
نظیف ایستاده بودند پشت سر آنها از هر قسم و هر مذهب اهالی شهر ازدحام و جمعیت داشتند در ابتدای طاق نصرت پاشاها و اعیان
پیاده شده جلو مرکب در رکاب اعلی افتادند از طاق نصرت تا در باغی که برای نزول اجلال اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره

معین شده بود افواج ایران از قشون ظفرنمون ایستاده و صف زده بودند این باغ در کنار شط از بناهای نجیب پاشا است
که در سابق از منسوبان والی بغداد بوده اما مدحت پاشا از انجا با بناها و ابنیه عالیه مزین کرده و بر حسب حکم اعلیحضرت سلطان عثمانی عمارتی
در اینجا این باغ که مشرف بشط است مخصوص نزول و ورود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی بنا و بقصر ناصری موسوم داشته و اطاقهای انرا
بانواع و اقسام اسباب چراغ و میز و صندلی و پرده‌های خوب و اشیاء نفیسه زینت داده خلاصه بر الیمن و السعاده ساعت بغروب مانده
قصر مذکور بقدم موهبت لزوم شاهانه اراسته گردید و سایر را هم زینت کرده و اسامی آنها از قرار ذیل است

مدحت پاشا و وجوه عسکریه و ملکیه

امرا و ضابطان عسکریه

(مشیر نافذ پاشا) (میرلوا حمدی پاشا) (میرلوا صالح پاشا) (میرلوا عبدالله پاشا) (مفتش میرلوا حسین پاشا) (سر عسکر یاوری قایم مقام
فیضی بیک) (میرالای حلمی مصطفی پاشا) (میرالای حاجی فیض‌الله بیک برای ملاحظه محاسبه عسکریه از اسلامبول امده) (میرالای
حسن بیک) (میرالای صالح بیک) (متقاعد میرالای حسین پاشا) میرالای عبدالرحمن بیک) (قایم مقام ارکان حربیه
حسن بیک) (قایم مقام حسین بیک) (قایم مقام محمد بیک) (قایم مقام احمد بیک) (محاسبه‌چی حافظ افندی) (قایم مقام حاجی مصطفی
بیک) (قایم مقام حسین بیک) (قایم مقام مصطفی بیک) (مین باشی حاجی عمر آغا) (مین باشی حاجی بهاءالدین افندی) (مین باشی
عمر افندی) (مین باشی اطباء فانوا افندی) (اجزای صحیه شاکر افندی) (اجزای صحیه حسن افندی)

ملکیه

(متصرف بغداد شاکر بیک) (دفتردار عبدی بیک) (مفتی محمد زهاوی افندی) (کاتب اسرار صائب افندی) (مدیر اوقاف درویش
افندی) (شیخ سابق مشیخ منصور افندی) (معاون متصرف بغداد احمد بیک) (رئیس اداره بلدیه بغداد ابراهیم افندی)
(نایب بغداد مظهر افندی) (رئیس مجلس جنایت نظامی ابراهیم افندی) (اعضاء اداره نظامی محمود افندی) (معاون
والی بغداد امین افندی) (حاکم کربلا مظهر پاشا) (مفتش حکام زین‌العابدین افندی) (نقیب علی افندی) (مدیر مهام خارجه
مهدی بیک) (شیخ عشیره شمر فرحان) (مدیر تلگراف رمضان راکی افندی) (مدیر قرنتین مصطفی افندی) (اعضای مجلس
اداره وکلای سعید افندی) (متولی امام اعظم مصطفی افندی)

روز بیست و نهم شعبان عزیمت زیارت کاظمین علیهما السلام فرمودند اهالی کاظمین و خدام امامین همامین از موکب منصور
استقبالی با بهجت و سرور نمودند در سفرنامه عتبات که بقلم معجز رقم مبارک نوشته و چون ورود بروضه مقدسه را
چنین نگاشته اند وارد روضه شدیم از بهشت چیزی و از رحمت آیتی است از این موهبت و سعادت شکرها کردم
از خشتهای طلا که بامر اعلی برای گنبد مطهر عسکریین علیهما السلام ساخته شده زیاد آمده و ایوانهای کاظمین سلام
الله علیهما را طلاسکن بعد از تقدیم آداب زیارت و دعا چون فرشهای رواق و روضه چندان خوب نبود حکم فرمودند

اندازه

اندازه بگیرند که فرشی لایق برای انجا صنعت شده در مراجعت بقبه امام اعظم هم تماشا نموده و فاتحه قرائت فرمودند
هم در این روز چون حلول ماه رمضان سبب عفو بود سند علی مدحت پاشا بارده وی نظامی که در خارج بغداد تشکیل
یافته بود تشریف فرما شده مشق و حرکات و اعمال عسکریه و نظامی عثمانی را ملاحظه فرمودند و بمدحت پاشا و کمال پاشا
و مشیر پاشا و سایرین حمایل و نشانهای در خور اعطا شد شب این روز لشکر انه قدوم همجنت لزوم مبارک در بغداد
آتشبازی ممتازی کردند و در کشتیها و سربازخانه‌ها موزیکان بانواع الحان مسرت بخش زده میشد روز سلخ شعبان با
جمعی از ملتزمین رکاب اعلی در کشتی بخار بزرگ نشسته عزم مداین و زیارت حضرت سلمان رضی الله عنه فرمودند گذارش
این روز در جلد اول کتاب مرآت البلدان مفصلا مسطور است روز غره رمضان المبارک قونسولها و مامورین خارجه
متوقف بغداد باتفاق جناب مشیرالدوله بحضور مهر ظهور مبارک مشرف شدند بعد از آن بزیارت کاظمین علیهما السلام تشریف
فرمودند ضریح نقره که حسب الامر امیرزاده محسن میرزای امیراخور ساخته بودند و در رواق مطهر نصب کرده اند روز دوم
رمضان بقصد مزار شیخ عبدالقادر گیلانی و مرقد شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی بارده وی نظامی عثمانی سوار شدند
هم در این روز ده هزار تومان بفوج و سوار ملتزم رکاب انعام مرحمت فرمودند و هشت هزار تومان بمدارس ایتام و مریضخانه
و افواج عثمانی اعطا شد هم در این روز بواسطه تلگراف از دارالخلافه جناب مستوفی‌الممالک خبر دادند که حیدر قلی‌خان ایلخانی در سمت
تکه فتحی کرده و موتراکه ابحد دو را تنبیه نموده است روز ششم رمضان از بغداد انتهاض فرمودند و خارج قصبه کاظمین مضرب خیام معلی گردید
روز چهارم منزلگاه اردوی همایون محلی است موسوم بجزیره و نهروان ملکوتی صفات مقدس بزیارت کاظمین علیهما السلام
مشرف شده بعد از زیارت در ایوان مطهر جناب آقا سید صادق و علمای کاظمین کثرالله امثالهم را بحضور مبارک احضار و مرخص نمودند
و بتوسط جناب معزی الیه جناب مشیرالدوله خلاعی را که از جانب سنی الجوانب همایون مرحمت شده بود انفاذ داشت و خدام
حضرتین را کلیددار و صاحب منصب و غیره هم بعواطف ملوکانه مباهی شدند بعد ها عزیمت راه فرمودند و در بین راه بملاحظه
بنای عقرقوف پرداخته و تفصیل عقرقوف در جلد اول کتاب مرآت البلدان ناصری مسطور است بالجمله یکساعت از شب
گذشته بمنزلگاه شرف ورود ارزانی فرمودند روز پنجم ماه تشریف فرمای مسیب شدند اردوی همایون را در کنار شط فرات زده
در وضع با صفائی داشتند ده فرسخ بود سواره نظام متوقف مسیب با مصطفی افندی قایم مقام مسیب باستقبال مقدم مبارک شتافته
بودند روز ششم در مسیب اطراق شد جناب حاجی میرزا علینقی و جناب شیخ زین‌العابدین مجتهد مازندرانی و بعضی علمای دیگر
و آقا سید حسین کلیددار حضرت عباس سلام الله علیه از کربلای معلی باستقبال موکب اعلی امده در این روز بحضور مبارک تشرف
جستند جناب مشیرالدوله و جناب مدحت پاشا از پیش بکربلا رفتند روز که از راه شط فرات عازم اسلامبول بود بحضور
مهر ظهور مشرف و روانه شد وقت عصر اعلیحضرت همایون بزیارت طفلان مسلم رفتند و چون صحن و گنبد و ایوان مخروب و خرابی
داشت بمعیرالممالک حکم فرمودند تعمیر و مرمت نماید روز هفتم رمضان روانه بمقصد اعلی بعزم کربلای معلی شدند و در یکفرسنگی
شهر در مقبره عون ابن زینب علیه و علیها السلام پیاده شده زیارت خواندند این راه راه معمولی زوار نیست و کمتر کسی از

زیارت

زیارت عون بهره مند میشود از اینجا که گذشته شد میرزا حسن کلید دار حضرت سید الشهدا علیه الاف التحیة والثناء باخدمه انحضرت
باستقبال امده بموکب همایون پیوستند چون قدری دیگر راه طی شد بقدر ربع ساعت باران شدید و تگرگ بارید و مردم تر
شدند و در سفرنامه عتبات که بزبان معجز بیان مبارک نگاشته شده میفرمایند اسمان زوار این استان را از لوث معاصی
پاک خواست که پاک شوا ولوث و چرک دیده بران پاک اندازد) نزدیکی باغات شهر باران ایستاده جناب مدحت پاشا و جناب مشیر
الدوله همرکاب اعلی پیوسته بودند از پل سفید که بروی پل حسینیه ساخته شده عبور فرمودند از اینجا بشهر سابقا راه
بواسطه کثرت نهرها و تنگی کوچه اسباب زحمت زوار بود اما مدحت پاشا محض تشریفات مقدم مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی
دام ملکه این راه را ساخته و وسعت داده و مجرای نهرها را در زیر بنا کرده همه جا خیابان و کوچه زیاده از ده ذرع عرض
دارد خلاصه در تمام این راه از دو طرف معبر ادم و تماشاچی ایستاده و اکثر ایرانی و عجم بودند خدمه حضرت عباس علیه السلام
هم پیاده در خیابان استقبال نمودند و علمهای انحضرت را تیمنا از جلو میکشیدند خلاصه از دروازه موسوم بدروازه نجف
وارد و در صحن مقدس پیاده شدند و با قلبی خاضع و خاشع و حالتی بنهایت متواضع بروضه مقدسه تقرب و تشرف جستند
و در تحت قبه مبارکه باداب زیارت و دعا پرداختند و از تذکر مظلومیت شهدا و مصایب وارده در ان سرزمین قلب مبارک
قرین رقت گردید قطرات عبرات گونه مهرگونه پادشاهی را چون کاغذ مطوی و پر از لؤلؤ منثور داشت بعد از زیارت
مرقد منور حضرت سید الشهدا صلوات الله وسلامه علیه بصحن و روضه مقدسه حضرت عباس علیه السلام مشرف شده
انجا زیارت خواندند انگاه بخیام مهر احتشام که نزدیک دروازه نجف برپا شده نزول اجلال فرمودند روز هشتم رمضان
چهار ساعت بغروب مانده بزیارت روضه مقدسه حضرت سید الشهدا مشرف شده بعد از زیارت رواق عرش نطاق مبارک را
گردش فرموده و فرمایشات در تعمیرات رواق که خرابی داشت و تجدید فرش تخت گنبد مطهر نمودند و حجرات صحن را که مرحوم
شیخ عبد الحسین از جانب حضرت الخاقان همایون مرمت کرده و ساخته بازدید کردند روز نهم بقصد زیارت حر ریاحی
اشهاد فرمودند روز دهم علمای کربلا بتوسط جناب اقا سید صادق بحضور مبارک تشرف جستند بعدها بزیارت
روضه مبارکه رفته بیاض خط حضرت امیر المومنین سلام الله علیه بدست مبارک روی صندوق مطهر گذاشتند و قران خط
حضرت امام زین العابدین که کوچک و کم حجم و روی ضریح حضرت علیه السلام بود زیارت کردند روز یازدهم طرف عصر باز
بزیارت روضه منوره مبادرت جسته با میرزا حسن کلید دار داخل ضریح شدند و زیارت و دعا خواندند و قدری تربت صحیح
از روی قبر مطهر برداشتند عبای سفیدی که میرزا حسن از جانب حضرت پیشکش کرده بود خلعت شاهانه نمود روز دوازدهم رمضان
بعزم نجف اشرف حرکت شد که زیاده از شش فرسنگ راه است تشریف فرما شدند روز سیزدهم برای تلثیم درگاه عرش
اشتباه حضرت امیر المومنین و یعسوب الدین صلوات الله وسلامه علیه مصمم شدند در دو فرسخی شهر که منارها و روضه
مقدسه نمایان شد ادای شکر باری جل و علا از نیل بنهایت مقصود و درک این فوز عظیم نمودند مدحت پاشا و مستقبلین نیز
برکاب اعلی پیوستند هم در بین راه نیز قلیل از سواری علمای نجف که باستقبال قدوم سعادت لزوم شاهانه امده بودند از فیض

حضور مبارک بهره یاب گردیدند شرح ورود موکب مسعود بدین ساحت خلد نزهت در سفرنامه همایون بدین عبارت مرقوم
براعت مسطور است از نزدیک دروازه پیاده شدم از کالسکه با همه نوکرها و پاشاها پیاده رفتیم تا وارد شهر شدیم گوش جانم
انک بالواد المقدس طوی میشنید زبان دل در یاد خلق مدحت صدق میگفت این خاک پاک و ارض مقدس را باید انسان بر حذا
جزو وی از جبت اینجا کرفت که وطن جان و منزل دل است روح و راحتی مشاهده کردیم که در طاقت بیان نیست خلاصه
شهریار اسمان جاه در ورود بروضه مقدسه تقبیل استان و درگاه امیر مومنان و سرور انس و جان را نموده انچه از مقتضای
عقیدت پاک و گوهر تابناک همایون نشست در ان روضه عرش حوزه بمنصه ظهور رسانیدند و بعد از فراغت از زیارت حضرت
مولای متقیان بسر مقبره شاه رضوان جایگاه شهید (اقا محمد شاه) طاب الله ثراه توجه فرموده ادای فاتحه نمودند و نیز بسر
مقبره والده خاقان مغفور (فتحعلی شاه) و مقبره حسینقلی خان برادر خاقان مبرور و مقبره جده اعلیحضرت همایون فاتحه خواندند و پیاده
تا دم دروازه طی مسافت فرموده انجا سوار شدند و از وادی السلام عبور کردند و بار دیگر در جهت غربی شهر نزدیک وادی
السلام زده شده بود تشریف فرما شدند روز چهاردهم محل اردو را بجهت احترام قبور مسلمین تغییر داده در محلی نزدیک بدریا
قرار دادند بعد بزیارت مشرف شده و بر سر مقبره مرحوم شیخ مرتضی فاتحه قرائت نمودند روز پانزدهم مسجد کوفه و مسجد سهله و
زیارت قبر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و سیر اثار شهر کوفه توجه فرمودند و در تعمیر اماکن مسجد و مقبره مسلم و هانی بامین
الملک فرمایشات کردند روز شانزدهم بعد از ملاقات بعضی از علما بزیارت روضه مطهره فایز شدند جعبه الماس برلیان که
بیادگار مبارک داشتند پیشکش استان ملایک پاسبان حضرت کردند و هم در بیرون بحکم همایون در خزانه حضرت که قریب
هفتاد سال بود باز نشده باز نمودند و اسباب و وجوه را از جواهر و طلا و سایر ثبت نموده دوباره از جانب دولتین ایران و
عثمانی مهر کردند که حیف و میل در ان نشود روز هفدهم و هیجدهم مشغول زیارت بودند و در این دو روز اخیره در ضریح
مطهر را باز کردند و شرایط تلثیم و تبرک برداختند روز نوزدهم بعد از تقدیم و تکمیل زیارت با کمال تاسف بطرف کربلا معاودت
فرمودند و در بین روز با جناب اقا میرزا حسن شیرازی که از اجله علما است ملاقات اتفاق افتاد خلاصه منزل امروز قدری از خان
شور بالاتر و بطرف کربلا است روز بیستم معاودت بکربلای معلی نموده مفرح شدند و سه روز اقامت نموده بعد کوچ شد در این سه روز
اغلب بزیارت و دعا میگذشت روز بیست و چهارم رمضان تشریف فرمای مسیب شدند مدحت پاشا و سایر پاشاها در موکب
همایون بودند روز بیست و پنجم در مسیب اتراق شد روز بیست و ششم قصر ناصری بغداد بقدوم بهجت لزوم مبارک اراسته شد
روز بیست و هفتم بزیارت کاظمین علیهما السلام پرداختند روز بیست و هشتم بملاحظه طاق کسری و زیارت حضرت سلمان فرمودند
شب در انجا اقامت و فردا بعد از ملاحظه طاق کسری و زیارت حضرت سلمان بمقبره حذیفه یمانی و عبدالله انصاری رضی الله عنهما
رفتند و از انجا تشریف فرمای بغداد و قصر ناصری گردیدند روز شنبه غره شوال که عید رمضان بود در قصر ناصری سلام عید
انعقاد یافت اجزای این سلام وزرا و رجال این دولتین جاوید شوکت و پاشاها و سایر وجوه و اعیان ملکیه و عسکریه تبعه
و افواج و توپخانه ایران و عثمانی بود الحق سلام ملتی با شکوهی منعقد گردید و هم در بین روز انعامات بسیار بخدام و غیره بذل

فرمودند و جناب مشیر الدوله بوزارت عدلیه اعظم و وزارت وظایف و اوقاف منصوب گردیدند روز دویم شوال بعزم سر من رای
انتهاض فرموده در منزل دخاله در حوالی شط سراپرده معلی افراشته شد راه زیاده از شش فرسنگ بود روز سیم بغازانیه تشریف فرما
منزلگاه گردیدند راه چهار فرسخ و نیم بود روز چهارم خان بنجار اردوی همایون نشست و راه شش فرسنگ میباشد روز پنجم بصوب سامره توجه
فرمودند راه از خشکی شش فرسنگ است اما چون از روی شط تشریف فرما میشدند و کشتی در محلی که جزیره حادث و راه دو شعبه شده
بود راه را غلط کرده و کشتی بگل نشست و معطلیها رخ نمود لهذا هشت ساعت از شب گذشته بارگاه معلی که در بیرون شهر در
ساحل دجله بود رسیدند این یکشبه سامره و منزل خان بنجار مردم خیلی سخت گذشت کاه را از جوار پشت تومان و بیشتر میخریدند
و بلیت نجات امد و سایر چیزها هم بهمین قیاس بود روز ششم وارد شهر شده و بزیارت پرداختند گنبد عسکریین علیهما السلام که با امر
اعلی طلا شده شکوه و اعتلای تمام داشت خدام با علمها و ادابی که دارند باستقبال امدند بعد از زیارت حضرت عسکریین سلام
الله علیهما از مقام غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه کسب میامن فرمودند بعد از آن بباز دید عمارات و وضع طلا شدن
گنبد و غیره که همه بامر همایون زیبور انجام یافته بود پرداختند انگاه بتماشای ابنیه که منسوب بخلیفه متوکل عباسی است و از
جمله مناره ضخیم بلندی میباشد توجه فرمودند روز هفتم بتماشا و بازدید خرابه و اثار کهنه سامره که بیشتر در شمال و مغرب
سامره است مشغول بودند روز هشتم شوال از سامره عزیمت دار الخلافه بغداد را تصمیم دادند و بعد از زیارت وداع رو
نهادند منزل خان بنجار و تقریبا شش فرسخ راه است روز نهم غازانیه منزلگاه اردوی همایون نشست روز دهم تشریف فرمای بعقوبه
(بعقوبه) گردیدند محمد رحیم خان سرتیپ فند و مصطفی قلیخان میرشکار و بعضی دیگر مرخص شدند که بمکه معظمه مشرف شوند

یازدهم در بعقوبه اطراق شد روز دوازدهم از بعقوبه بشهروان توجه نمودند روز سیزدهم در شهروان اطراق شد روز
چهاردهم قزل رباط مضرب خیام سپهر احتشام گردید روز پانزدهم بخانقین نزول اجلال فرمودند روز شانزدهم در خانقین
توقف شده دراینروز برای پاشایان و مامورین که از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی امده بودند و متصدی خدمات شده
انفیه دان مرصع و انگشتری و شال و وجه نقد بقدر یکه شایسته بود ارسال داشتند و مدحت پاشا و کامل پاشا و ناظم
افندی را بحضور طلبیده درباب مهام سرحدی فرمایشات فرمودند روز هفدهم قصر شیرین محل اردوی خسروانی گردید پاشاها
که تا اینجا در اردو ملتزم رکاب اعلی داشتند بعد از ادای تشکرات وافیه وداع مرخص شده معاودت کردند روز
نزدیکی قصر شیرین امر بطرح باغی فرمودند روز هیجدهم قرا بلاغ جایگاه اردوی همایون بود روز نوزدهم تشریف فرما
پای طاق شدند روز بیستم در پای طاق اطراق شد در اینجا بواسطه تلگراف خبر دادند که شب چهارشنبه هیجدهم شوال
عزیز خان سردار کل در تبریز مرحوم شده است روز بیست و یکم بکرند نزول اجلال فرمودند روز بیست و دوم در کرند اطراق
شد نواب والا اعتماد الدوله در اینمنزل بحضور مهر ظهور مبارک مشرف شده روز بیست و سیم هارون اباد و روز بیست و چهارم
ماهیدشت مضرب خیام گردون احتشام گردید روز بیست و پنجم در ماهیدشت اطراق شد روز بیست و ششم عمارت مفخم

مبارکه

مبارکه مزین گردید چند روز در اینجا بجهت رسیدگی بامور و بعضی عرایض مردم توقف فرمودند و فوج دویم نصرت را باسوادم
شاهسون از اینجا مرخص کردند که از راه همدان باذربایجان بروند روز بیست و نهم نواب مستطاب مهد علیا که در خانه های
صارم الدوله منزل داشتند ذات ملکوتی صفات مقدس را دعوت نمودند روز غره ذیقعده بتفرج طاق وسطام
اشتغال داشتند روز دویم تشریف فرمای بیستون گردیدند خبر وفات اسکندر خان سردار کل افواج آذربایجان
و حاکم خوی و مراغه بود در اینمنزل رسید روز سیم ماه صحنه منزلگاه اردوی معلی بود روز چهارم کنگاور بتشریف ورود
مسعود شاهانه مزین شد روز پنجم ولاشجرد از خاک تویسرکان منزلگاه موکب همایون بود نواب والا اعتضاد السلطنه
وزیر علوم که از دار الخلافه عزم شرفاندوزی از خاکپای مبارک نموده بودند در اینجا برکاب اعلی پیوستند روز ششم
تشریف فرمای فرسفج شدند در میان راه نواب والا اعتماد الدوله را مرخص فرمودند که بمحل حکمرانی خود معاودت نمایند روز
هفتم در فرسفج اطراق شد روز هشتم جمیل اباد محل اردوی همایون بود در بین راه نواب والا معتمد الدوله حکمران کردستان
را مرخص فرمودند که بمحل حکمرانی خود روانه گردد راه دو فرسخ و نیم بود روز نهم حسین اباد مضرب خیام معلی گردید راه سه
فرسنگ بود روز دهم بدولت اباد ملایر نزول اجلال فرمودند راه چهار فرسخ بود جناب صاحبدیوان که از اصفهان
امده بود بخاکپای مبارک مشرف شد و شرحی از گرانی اصفهان معروض داشت مقرر شد از ولایات حول و حوش بقدر
کفایت جنس باصفهان حمل نمایند روز یازدهم در دولت اباد اطراق شد روز دوازدهم بمنزل یوری شرف نزول اجلال ارزانی فرمودند
یوری انتهای خاک ملایر و اول خاک عراق است راه چهار فرسنگ بود قبل از سواری جناب میرزا فخر الدین بروجردی و امام
جمعه و علمای ملایر بزیارت جمال مهر مثال مبارک فایز شدند در بین راه میرزا سید احمد نایب الحکومه عراق و علینقیخان سرتیپ
ملقب بصمصام الملک بتقبیل رکاب اعلی سرافراز گردیدند روز سیزدهم بمنزل فرحصار تشریف فرما شدند راه پنج فرسنگ
بود روز چهاردهم قریه ینک کود منزلگاه موکب مسعود شد راه سه فرسنگ بود روز پانزدهم سلطان اباد که مرکز
حکومت عراق است بمقدم شاهنشاهی مزین امد راه سه فرسخ بود علمای عراق و طبقات ناس باستقبال مبادرت نمودند
روز شانزدهم و هفدهم در سلطان اباد اطراق شده در مهام ملکی توجه میفرمودند روز هیجدهم ذیقعده تشریف فرمای
مصلح اباد شدند راه چهار فرسنگ بود روز نوزدهم باشتیان نزول اجلال فرمودند راه چهار فرسخ و نیم بود روز
بیستم در اشتیان اطراق شد و بتماشای قصبه آشتیان و اطراف آن پرداختند روز بیست و یکم بمنزل سنجرد شرف ورود
ارزانی فرمودند قبل از حرکت علما و اعیان آشتیان بحضور مبارک تشرف جستند روز بیست و دویم قریه قاضی جایگاه راه سه فرسنگ و نیم بود
اردوی همایون و راه چهار فرسخ بود روز بیست و سیم شهر قم بقدوم مبارک مزین آمد علما و اعیان و متولیباشی و
اهالی شهر با شعف کامل باستقبال موکب همایون امده بودند روز بیست و چهارم در قم اطراق و بزیارت روضه طاهره
حضرت معصومه سلام الله علیها پرداختند و در مقبره خاقان مغفور (فتحعلیشاه) البسه الله حلل النور و مقبره شهریار
مبرور (محمد شاه) اداره الله فی ریاض السرور فاتحه قرائت نمودند روز بیست و پنجم نیز در قم توقف داشتند و چون کمی غله

دراغلب

دراغلب بلاد تراجم حال جبادا است و فقرای ناد بتقم امده مقرر فرمودند آقا حسین مجتهد ازغله دیوانی تدارک نان کرده تا پنجاه بتوسط
روز فقرا را که بشماره هزار نفر میشوند اطعام کنند عباسقلیخان پسر مرحوم محمد ولیخان قاجار بنیابت حکومت قم سرافراز شد روز
بیست و ششم منزل پل دلاک و روز بیست و هفتم بحوض سلطان تشریف فرما گردیدند روز بیست و هشتم کناره کرد منزلگاه
اردوی همایون بود روز بیست و نهم حضرت عبد العظیم و بزیارت زاده بیر مقدسه مبادرت نمودند روز سه شنبه غره ذیحجه
بامیامن سعادت و اقبال بدار الخلافه باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم وزرا و خدام استان همایون و علما
واعیان دار الخلافه بزیارت جمال آفتاب مثال شاهانه قرین شعف و مسرت موفق شده بدعای وجود مبارک رطب اللسان گردیدند
واین سفر خیر بنیاد بسعادت اختتام یافت

تذییل

درروز ورود موکب مسعود بدار السلام بغداد از جانب سنی الجوانب همایونی با علیحضرت سلطان عبد العزیز خان باسلامبول
تلگراف شد

سواد تلگراف همایون

بمجرد وصول بغداد واجب تر از همه دیدم که وداد صمیمی خود را بواسطه تلگراف بخاطر شاهانه معلوم کنم و بتر اظهار خشنودی
از مدحت پاشا و کامل پاشا و مامورین با غیرت آن اعلیحضرت و اجرای انهما ایم درخاک آن اعلیحضرت بحمد الله بوجود ما و همه خدم
خاصه در ورود بغداد بسیار خوش گذشت نظم و کفایت مدحت پاشا جای خشنودی است امیدواریم احوال و مزاج ملوکانه
نیز بسیار خوب بوده باشد مخابرات یکجهتی آیات تلگرافی را زیاده مشتاقیم بیست و هشتم شهر شعبان المعظم (ناصر الدین شاه)

ترجمه جواب تلگراف از جانب اعلیحضرت سلطان

تلگراف نامه والا که بحمد الله تعالی ورود بغداد را بکمال صحت و عافیت متبشر و حرکات و معاملات بعض مامورین را متضمن و
مودتهای صمیمیه را در خود خالصانه ما مؤکد بود واصل دست خلوص شد تحسین فرمودن ذات همایون بطرف ما از مساعی مدحت پاشا
و کامل پاشا در مدت تشریف فرمائی ممالک دولت علیه ما بحصول اشراح خاطر سهولت سیاحت سنیه که اقدام افکار و نتیجه
ارزوست موجب ممنونیت تازه و اسباب و علت ازدیاد توجه ما در خود نها شد تمنیات علیه اظهار بر که محض تاکید
وفاق و اتفاق دولتین علیتین اسلام ارزوی طرفین و بقای عزت و عافیت شاهانه و دعای ان تکرار و تبریک قدوم شاهانه
ابتدار میشود غره شهر رمضان ۱۲۸۷ عبد العزیز خان

بعد از انکه موکب فیروزی کوکب همایونی بدار السلام بغداد رسید در هنگامیکه بسلامتی و اجلال و ابهت و اقبال از
دروازه قصر ناصری تشریف فرمای قصر میشدند در سر دروازه مزبوره این مصراع را نگاشته بودند

قدوم شهریار اباد مسعود

محمد امین منشی بغدادی در وصف قصر ناصری و تشریف فرمائی خدیو همایون فرخسرو عدالت گستر در ان قصر که از قدوم
میمنت لزوم رشک روضه رضوان بود این دو بیت عربی را عرض و انشاد نمود

لناصر الدین قصر زاد علا و سما — بلا قصور فحاکی قبة الفلك

تری المصابیح فیه کالنجوم بدت — لیلا و کالشمس فیه طلعة الملك

محمد زهاوی افندی مفتی بغداد نیز قصیده فارسی بتبریک ورود موکب مسعود و اتحاد دولتین علیتین عرض و در حضور
ساطع النور خسروانی انشاد نموده امر و مقرر شد که آن قصیده سمت انطباع یابد و قصیده مزبوره بعینها خود را
عینه درین روزنامه مندرج شد

هزاران شکر کز فضل و عطای ایزد منان — شد از تشریف شه بغداد رشک جمله بلدان — فلک جدی و حمل آماده کرد از بهر بریانی

چو آمد شاه ایران پادشاه روم را مهمان — ازان تشریف شد اکنون تمام اهل دین ممنون — نماند هیچکس محزون درین عالم بجز شیطان

ازین دو پادشه عالم ازین تشریف شد خرم — که میباشد دلیل اتحاد شاه با سلطان — صلاح ملت و دین که اینست شاه عادل ایمن

بلاد شان خدا همچین همیشه یکدل و یکجان — همی یکدیگر کنند و متحد باهم که می باشد — رضای این رضای آن رضای آن رضای این

زفخر اسلام را شاید که بر اسمان ساید — که از شه نصرت دین آید ز سلطان عز ایمان — سراپا کرده درد ابنا عشا هم سرزد فرقان

که این دو فرقه باهم بی غل و غش چون اخوان — چو باهم باشند اینچنین بکند که می باشد — جماعت حسن ایشان نبی قبله و قرآن

جهانی را بتشریفش مشرف ساخت تا باید — تشرفنا ازا مامان هدی و حکمت و عرفان — درود بیحد و بیمر ز هر چه هست افزونش

مدام از خالق کبریا پی باد بر ایشان

درروز عید سعید فطر از جانب اعلیحضرت اقدس ظل اللهی با علیحضرت سلطان والا جاه عثمانی تلگراف شد

الحمد لله بزیارت اماکن مقدسه در اعلی درجه خوبی نایل شدیم و در مثوبات ذات همایون شاهانه شما را سهیم و شریک میدانیم چرا
که اعظم مستدعیات از درگاه خداوندی ازدیاد شوکت اسلام و بقای استحکام وداد و اتحاد و سلامت وجود همایون ملوکانه بود
در مراجعت بغداد که مصادف با چنین عید بزرگ اسلام شد و روز خود مان از و تبریک این عید عظیم را با اظهار خوشنودی از خدمات و
زحمات مدحت پاشا و کامل پاشا لازم تر از همه دانستیم که باطلاع خاطر شاهانه برسانیم امیدواریم ارزوهای صمیمی ما در دوام و استقرار
دوستی و یکجهتی دولتین بدرجه حصول مقرون شود (ناصر الدین شاه)

صورت ترجمه جواب تلگراف از جانب اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان

بجهت تبریک و تهنیت عید سعید مسعدت بخش فطر در شرف مودت نامه فرستادن بودم که ذات معالی صفات شاهانه شما سبقت فرمودند
الفضل للمتقدم و باین وسیله جلیله که تلگراف نامه خاقانی بعنوان اخلاص شعار ارسال فرموده اید و بشارت صحت و عافیت وجود
شاهانه حاوی بود بدرجه ممنون و مسترشدم که تعریف و بیان نمیتوانم کرد خصوصا ذات عالی شاهانه را نیز بدرک چنین اعیاد
شریفه و مسرات عدیده مستسعد و در سپهر عزت و جلالت برقرار فرمودنا از درگاه الهی مکررا تمنی مینمایم از اینکه مدحت پاشا
و کامل پاشا در تحصیل اراده خدمت شاهانه موفق شده اند و حسن نظر همایونی درباره ایشان توجهات خالصانه مرا نیز درجه
دیگر در خود نهاتر بید و نا شد نمود چونکه اصل ارزوی محبانه ما در مدت سیاحت مبارکه شما در ممالک ما تسهیل و در میان قضیهای

سفیر به وجود همایون شما را بقدر امکان ترویج نمودن است هر کس در تحصیل این مقصود اهتمام و غیرت نماید مثل اینست که مخصوصا بذات و شخص خود من خدمت نموده است (عبد العزیز خان)

چون جناب مشیر الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران که سالها مقیم اسلامبول بود درین سفر خیر بنا ثمرها ی خدمت گذاری و جان نثاری را بعمل آورد محض ظهور مرحمت و وفور مکرمت پاس خدمات سابقه و لاحقه معزی الیه و نظر بر ترقی مقام و درجه که در حق او منظور نظر معدلت گستر همایون است این اوقات وزارت عدلیه اعظم و وزارت اوقاف و وظایف را بعهدهٔ کفایت و کفالت معزی الیه مفوض و مرحمت فرمودند و باین موهبت بین الاماثل و الاقران مباهی و ارجمند و مقرون هزار گونه مفاخرت و اعزاز گشته باعطای یکثوب جبه شمسه دار و یک حلقه انگشتری الماس اعتبار و اختصاص یافت که حالا ماه ان نسخه مؤلف بود

سواد دستخط همایون بافتخار مشیر الدوله

بنابر خدمات عدیده که در ممالک خارجه خاصه در دربار دولت علیه عثمانیه بخصوص در امدن ما بسفر عراق عرب و زیارت عتبات مطهره منوره ائمه هدی علیهم السلام از میرزا حسینخان مشیر الدوله سمت ظهور یافته است و بنابر التفات مخصوصی که نسبت بشخص او داریم لازم شد بلکه التفات خاصی نسبت باو بفرمائیم که جوهر کاردانی خود را در این دو روزه بمنصه ظهور برساند و لیاقت خود را عاطل و باطل نگذارد لهذا از تاریخ بیست و نهم رمضان سنه ۱۲۸۷ یونت ئیل او را بمنصب وزارت عدلیه اعظم کل ممالک ایران بعلاوه وزارت وظایف و موقوفات ایران هم ضمیمه وزارت عدلیه کرده سرافراز فرمودیم باید انشاء الله بعمل این سه وزارتخانه کمال نظم را بدهد از بغداد نوشته شد

هم در این سال نواب والا معتمد الدوله فرهاد میرزا حکمران کردستان را باعطای یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس قرین مفاخرت و اختصاص فرمودند حاجی رحیمخان صندوقدار خاصه ملقب بخازن الملک گردید جان محمد خان سرتیپ فوج خلجستان که در جنگهای قادری قلعه و سایر مواضع خدمت کرده بلقب سیف السلطنه سرافراز امد هم در این سال شاهزاده هشتساله امجد اعظم ظل السلطان دام اقباله العالی باعنایت بادی تعالی و لدی ذکور عطا فرموده بلقب جلیل جلال الدوله و اسم گرامی سلطان محمود موسوم و ملقب گردید سلیمانخان صاحب اختیار بنشان و حمایل امیر تومانی مفتخر گشته میرزا محمد حسین که در خدمت شاهزاده ابوالفتح میرزا حکمران یزد وزارت این ولایت دارد بر حسب استدعای نواب والا حسام السلطنه بلقب ناظم الملکی مباهی امد میرزا جعفر نایب الحکومه ملایر و میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه تویسرکان بلقب خانی و خطاب مقرب الخاقانی سرافراز امدند میرزا عبد الوهابخان و للمرحوم میرزا محمد علیخان وزیر امور خارجه بنیابت اول وزیر علوم یافت جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه بیکقطعه دوات مرصع بالماس درجه اختصاص یافت میرزا عبد الوهابخان نایب الوزاره و نایب الحکومه گیلان (جناب نصیر الدوله) باعطای یکقطعه نشان تمثال

همایون مکلل بالماس مفتخر گردید میرزا عبد الوهاب مستوفی گیلان بنشان سرتیپی دویم با حمایل آن مباهی امد نعمت الله خان حاکم و سرکرده نوکر ثمفت و رحیمخان حاکم و سرکرده نوکر شاندرمن و جوادخان حاکم و سرکرده نوکر ماسال و معاف هریک بنشان سرهنگی نایل گردیدند میرزا زکی ضیاء الملک بنشان و حمایل از درجه سرتیپی دویم سرافراز و وارد عربستان شد و میرزا زین العابدین پسر مشار الیه بمنصب لشکر نویسی نا جاریه برقرار گردید سررشته داری خالصجات ولایات ممالک محروسه را بعهدهٔ حاجی رشیدخان مستوفی واگذار فرمودند میرزا هدایت پسر بزرگ لسان الملک بمنصب مستوفی سرافراز و میرزا عباسقلی پسر دیگر مشار الیه بمنصب انشای مخصوص مباهی گشت میرزا عبد الباقی منجم باشی گیلانی در ماه شعبان درگذشت نصر الله خان پسر امین الدوله مرحوم شد میرزا اسد الله مستوفی پسر مرحوم میرزا موسی نایب بمرض سکته وفات کرد لطف الله میرزا حاکم سبزوار باستدعای نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان ملقب بشجاع الدوله گردید قنات نه کنبد راه یزد را که مرحوم حسینخان نظام الدوله احداث کرده بود بواسطه عدم تعمیر خشک شده ناظم الملک بامر اولیای دولت باجراء و تنقیه آن پرداخته است کوه مسکرم را بنواب والا محمد امین میرزا مرحمت فرمودند هادیخان پسر مرحوم حاجی محمد ولی میرزا و ابو القاسم میرزا ولد مرحوم کیقباد میرزا مرحوم شدند از علامات خیریه که در این سال خیر مآل ضمیمهٔ سایر ماثر ستیهٔ این شهریار تاجدار دام ملکه گردید یکی اینست که راه صعب دار الخلافه تا خانقین را قبل از عزیمت عراق عرب بعهده فرمودند مسیو کاستنگرخان مهندس مساوی که در خدمت این دولت جاوید مدت است بسیار مسطح و هموار و کالسکه رو نماید و مشار الیه در انجام این خدمت بذل مجهود نموده و الحق این اثار ابد الدهر موجب امنیت و سهولت تردد قوافل و زوار و بهترین وسیله و اسباب دعاگوئی وجود مبارک است

وقایع معظمه که در این سال در تمام عالم و اقطار کرهٔ ارض سانح و واقع شده است

اتازونی ینکی دنیا

تعداد نفوس اهالی اتازونی هفتاد و هفت کرور و چهل و شش هزار نفر میباشد چهارده شهر در اتازونی هست که هر شهری علاوه بر صد هزار سکنه دارد

اسپانیا

استعفای ملکه ایزابل از حقوق سلطنتی خود باسم پسرش دن الفنس در پاریس شاهزاده هوهن زولرن بواسطه ضدیت فرانسه که نتیجه جنگ پروس و فرانسه شد بسلطنت نرسید بعد از هواخواهان دوک دائوست که داعیه سلطنت داشت در پایتخت نوارد آو طلب شدن دوک داوست پسر دویم اعلیحضرت پادشاه ایطالیا برای سلطنت اسپانیا قصد فوت نمودن دولت اطریش و پروس این خیال او و پادشاه شدن او باین مملکت قبل از ورود بپای تخت ژنرال پریم که دوک داوست بجهت او پادشاه شده بود دست چند نفر اجنبی مقتول میگردد و بعد از ورود بپای تخت و گذاشتن تاج سلطنت بر سر هو سوم بامدیو دویم میگردد

اطریش

تعداد نفوس تمام ممالک اطریش در این سال بهفتاد و یک کرور و چهارصد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و دو نفر رسیده است

المان و فرانسه

اضطراب دولت فرانسه از انتخاب ملت اسپانیا پرنس لاوپلد هوهنزلرن یعنی عم اعلیحضرت پادشاه پروس را بسلطنت خود باوجود یک نسبتی که مابین خانواده سلطنت فرانسه و این شاهزاده برقرار است بخیال اینکه مبادا از یکسمت هم با یکی از شاهزادهها خانواده سلطنت پروس هم سرحد بشوند که بالمآل از برای فرانسه مضر است دولت فرانسه با کمال سختی و تندی بدولت پروس تکلیف میکند که شاهزاده مزبور را مانع از قبول این سلطنت شود از ابتدای کشمکش معلوم بود که کار بین دولتین پروس و فرانسه بمنازعه خواهد کشید دولتین فخیمه انگلیس و ایطالیا و اطریش میانجی گری میکنند ولی بی ثمر میشود باوجودیکه شاهزاده مزبور بطیب خاطر استعفا از قبول اسپانیا میکند مسیو بندتی سفیر کبیر فرانسه مقیم دربار پروس در شهر امس در گردشگاه خاصه اعلیحضرت پادشاه پروس را ملاقات نموده مستقیما بایشان تکلیف میکند که اولا بخط خودشان عذرخواهی از دولت فرانسه بکنند و ثانیا ضمانت کنند که شاهزاده هوهنزلرن تا حال و بعد را بهیچ وجه من الوجوه بخیال سلطنت اسپانیا نباشد اعلیحضرت پادشاه پروس اعتنائی بسفیر فرانسه نکرده بلکه او را غدغن میکنند که بحضور پادشاه نیاید و مطالب خود را مستقیما عرض ندارد بعد از فرستادن این خبر بپاریس چه در پاریس و چه در مجالس دولتی و ملتی جز گفتگوی جنگ نیست وکلای سمت چپ خاصه مسیو تیر هر قدر بدولت فرانسه تکلیف میکنند که اسناد صحیحه که سبب این جنگ است بنمایند بعد اقدام بجنگ کنند دولت اعتنا باینحرفها نکرده قشون بری و بحری خود را احضار میکند و بعضی جهال پاریس بخیال رفتن بسفارت پروس و غارت نمودن انجا هستند و مسیو اولیو که بر ضد این جنگ است میگوید ده کرور وجه مسکوک برای مخارج قشون بری و بحری و صد هزار تومان جهت خرج عساکر بحری در طرف سرحد و برای دولت حاضر میشود و از انطرف اعلیحضرت پادشاه پروس بسلاطین دول شمالی و جنوبی المان مقاصد و منظورات دولت فرانسه را تلقین میکند که غرض اینها دولت ما نیست که بهیچ وجه بهانه از ما بگیرند و با ما جنگ کنند و نفاق در میان جمعیت ما بیندازند و شوکت و قدرت ما را بکاهند بنابراین دول جنوبی از قبیل باویر و ورتنبرگ و بادکن تا اتحادی با پروس نداشتند با این دولت متفق شده فی الواقع ملک المان بتمامی بر ضد فرانسه برخاستند و تمام دول بلا استثنا سرداری قشون خود را باعلیحضرت پادشاه پروس واگذار کردند دولت انگلیس مجددا وساطت و میانجیگری کرده ولی ثمر نبخشید و از انطرف اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه سرداری عساکر فرانسه را قبول نموده با پسر خود نواب ولیعهد لولو عزم جنگ بسرحد پروس حرکت میکند دول فرنگ تماما بدون استثنا بیطرفی اختیار میکنند اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه چنین تصور میکرد که اگر با یکدسته قشون منتخب ملک خود را معجلا بسرحد رساند همین قدر تخطی نموده دو سه شهر کوچکی از ممالک المان متصرف شود و از طرف دیگر دولت انگلیس و سایر دول معظم را میانجی قرار دهد هم شکستی بالمان علی الخصوص بپروس وارد آورده هم اعتبار دولت فرانسه را زیاد کرده است نیز بعضی شهرها از انطرف بمملکت خود افزوده است ولی غافل از اینکه در مقابل سیصد و پنجاه

هزار

هزار نفر قشون فرانسه یکمرتبه دولت پروس پانصد و هفتاد هزار لشکر و هزار و پانصد عراده توپ حاضر کرده است و سردارهای معتبر از قبیل فردریک شارل پسر عم اعلیحضرت پادشاه پروس و نواب ولیعهد خود پروس و سایر سردارهای مجرب از قبیل اشتن متس و ملتک و غیرهم علاوه بر قشون معمولی پنجاه هزار سواره اولان جلو قشون المان بطرف پیش قراولی حرکت میکردند ساربروک از شهرهای پروس را اول حمله با حضور اعلیحضرت امپراطور متصرف قشون فرانسه در آمد و از آن طرف در ویسانبورگ یکدسته قشون عمده فرانسه بسرداری مارشال ماکماهون شکست خورده معدوم و متفرق شد سرداری قشون پروس با نواب ولیعهد پروس بود و روز دیگر مارشال ماکماهون با مختصر قشونیکه داشت و زیاده از سی و پنج هزار نمیشد با یکصد هزار قشون پروس بسرداری نواب ولیعهد پروس مقابلی کرده و تفصیل جنگ و خونریزی فوق چون زیاد معروف است ما بنگارش آن نمیپردازیم مجملا بعد از این شکست راه مملکت فرانسه برای قشون پروس باز شد اعلیحضرت پادشاه پروس که تا انوقت ورود بخاک فرانسه نکرده بود وارد شد و شهر استراسبورگ را که از قلعهجات سرحدی معظم فرانسه است قشون بادن محاصره نمود و بعد از چندی شهر متس که یکی از قلعهجات معظم است بسرداری فردریک شارل محصور شد مارشال بازن سردار فرانسه با صد و بیست هزار قشون در متس متحصن شد و اغلب قلاع فرانسه نیز محصور گردید اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از حوالی متس بطرف شالن بعقب نشست و عساکر پروس اعلیحضرت امپراطور را تعاقب میکنند از ابتدای جنگ تا اینوقت از قشون المان صد و پنجاه هزار نفر مقتول شده و از کار افتاده است لیکن علی الاتصال از مملکت المان کمک میرسد تعاقب نواب ولیعهد پروس را دیگر مارشال ماکماهون و اعلیحضرت ناپلیون را از طرف دیگر مامور کردن یکدسته از قشون پروس بمحاصره پاریس مارشال ماکماهون هر قدر میخواهد بمارشال بازن وصل شده کاری از پیش ببرند نمیشود عقب نشستن یکدسته قشون فرانسه با اعلیحضرت ناپلیون بطرف سدان در مقابل این قشون که اعلیحضرت امپراطور ناپلیون در انجا شخصا اعلیحضرت پادشاه پروس حرکت میکند جنگ سخت و خونریزی زیاد در حوالی سدان زخم منکر برداشتن مارشال ماکماهون قشون فرانسه تسلیم و زیاده از پنجاه هزار نفر اسیر شد اعلیحضرت ناپلیون نیز تسلیم گردید با قشون متوقف قلعه سدان هشتاد و پنج هزار قشون و چهارصد عراده توپ پارد و صد و پنجاه توپ قلعه و ده هزار اسب بچنگ اعلیحضرت پادشاه پروس افتاد حبس و اسر اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه و فرستادن او بیکی از قلعهجات واقعه در حوالی کاسل فرار نواب ولیعهد پسر ناپلیون بخاک بلژیک حرکت دو اردوی معتبر از قشون پروس بمحاصره پاریس خلع اهالی پاریس خانواده ناپلیون را از سلطنت و ایجاد دولت موقتی و رفتن فرار ملکه امپراطریس از پاریس اعلان دولت جمهوری در پاریس بریاست جنرال تروشو و وزرای سابق و نصب وزرای جمهوری طلب مسافرت مسیو تیر بلندن و وینه و پطرزبورغ و ملتجی شدن بدول مذکوره بجهت میانجیگری میانه فرانسه و پروس و مراجعت و بی نیل مقصد شهر ورسایل که در حوالی پاریس است معسکر مخصوص اعلیحضرت پادشاه پروس گردید محاصره پاریس از هر سمت تغییر دادن خزانهها و کن دولت را از پاریس بشهر تور و آتش گرفتن عمارت سلطنتی سن کلو در حوالی پاریس تسلیم شدن مارشال بازن با تمام قشون و توپخانه خود و واگذاشتن قلعه متس را به پروسها تصرف قشون پروس اغلب قلاع و شهرهای شمالی فرانسه را کمال سختی زمستان و سخت گذشتن بمحصورین و نبودن آذوقه در پاریس تاج گذاری اعلیحضرت پادشاه پروس در ورسایل که امپراطوری تمام مملکت المان باشد و اتمام

وانمام این سال در حالیکه پاریس هنوز در بند محاصره است دولت روس میل باطنی خود را در فتوحات پروس ظاهر ساخت و نشان

سنت پترزبرگ که نشان مخصوص دولت روس است از برای سرادهای قشون پروس انفاذ میدارد و با رضایت و اتفاق پروس بعضی از

فصول عهدنامه هزار و هشتصد و پنجاه و شش را که در مجلس کنگره پاریس منعقد نموده اند بهم میزند یکی از انها نیست که حامی و حارس

عثمانی و ضامن ان عهدنامه باشد و در نقاطیکه در سواحل قره دنگز ممنوع بود قلعه بسازد بعد از این خواهد ساخت و مستحکم

خواهد نمود چون دولت پروس واطریش تمکین این خیال روس را کردند دولت انگلیس هم لابد تمکین نمود مراوده رجال دولت

جمهوری که در شهر تور متوقف بودند با اهالی پاریس بواسطه بالون و کبوتر جلد کاغذ کمی از دو فقره طوری بمحصورین پاریس

سخت شده بود که زیاده از سیصد گویا نان در یکشبانه روز قسمت یکنفر نمیشد رفتن اجزای دولت جمهوری موقتی از شهر تور

بشهر بردو و مصمم شدن اهالی فرانسه برای جهاد

انگلیس

فوت لرد کلارندن وزیر امور خارجه در سن هفتاد سالگی نصب لرد گران ویل بجای او دولت انگلیس جد کامل برای رفع منازعه

مابین فرانسه و پروس نموده ولی مثمر ثمری نشد یکی از کشتیهای دولتی در سمت غربی اسپانیا با پانصد نفر ادم که در ان بود

غرق شد

ایطالیا

بمحض اینکه اعلان جنگ مابین فرانسه و پروس منتشر شد با وجود اینکه پاپ در مجلس شورای بزرگ کشیشها و قسیسین اثبات معصومیت

خود را نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت فرانسه خارج شد و اینده دولت بواسطه جنگ با پروس بخود مشغول گردید

و عساکر خود را از روم طلبید اعلیحضرت پادشاه ایطالیا روم را بدون مخاصمه زیادی از طرف عساکر پاپ متصرف گردید کوه

معروف منسینی که حد وسط مابین فرانسه و مملکت ایطالیا است در سیزده سال تمام بود که ان کوه را سوراخ میکردند

در اوایل زمستان این سال باتمام رسید که لشکرهای راه اهن از دو مملکت از این سوراخ کوه عبور و مرور میکنند

دانمارک

تعداد نفوس تمام این مملکت در این سال یک کرور و دویست و هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنج نفر رسیده است

عثمانی

اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنگام شب کشتی از هر دولتی که باشد بدون ممانعت وارد و بغاز بسفر و دردانل

شود یا نقش سخت در اسلامبول در محله ارامنه و فرنگیها که هزار و دویست نفر تلف شدند و شصت هزار نفر بیخانه ماندند

شورش اعراب در حوالی نجد

یونان

تعداد نفوس اینمملکت در این سال یک کرور و دویست و پنجاه و هفت هزار و هشتصد و نود و چهار نفر میباشد

شرح وقایع سال بیست و پنجم سلطنت ابد ایت اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران شاهنشاه قاجار روحنا فداه مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و هشت هجری قوی ئیل ترکی

در اوایل این سال خیر مال رای صواب نمای ملوکانه بران تعلق یافت که شاهزادگان عظام و وزرای کرام که اسامی انها در ذیل

مسطور است هفته دو روز که دوشنبه و سه شنبه باشد در دار الشورای کبری حضور بهم رسانند و در مهام ملکی مشاوره نمایند

و گذشته از این دو روز هم اگر امر مهمی روی نماید بموجب اخبار جناب معتمد الملک که ناظم امور مشورتخانه مبارکه است در دار

الشوری حاضر شوند و فرمایشات ملوکانه را اجرا نمایند اسامی شاهزادگان و وزرای معظم الیهم از اینقرار است (نواب والا

مؤید الدوله) (نواب والا ملک آرا) (نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا نصرة الدوله وزیر جنگ)

(مجد الدوله) (جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (جناب میرزا حسینخان مشیر الدوله وزیر عدلیه و وظایف

و اوقاف) (نظام الملک) (قوام الدوله) (غلام حسین خان سپهدار) (جناب دبیر الملک) (دوستعلیخان معیر الممالک)

(جناب علاء الدوله) (پاشاخان امین الملک) (جناب ناصر الملک) (جناب حسنعلی خان وزیر مختار)

جناب علاء الدوله قپچی باشی ... فراشباشی کل شد

اداره روزنامه جات دولت علیه و دار الطباعه ممالک محروسه و دار الترجمه دولتی را به بندگان مؤلف واگذار و روزنامه دولتی را

باسم ایران موسوم فرمودند حکمرانی خراسان علاوه بر حکومت مزبور بعهده کفایت نواب والا حسام السلطنه موکول داشتند

و حاجی سیف الدوله بنیابت نواب معظم الیه روانه خراسان شد امیرزاده محسن میرزا مجددا بمنصب میر اخوری سرافراز

گردید غلامحسین خان سپهدار حکومت قزوین یافت حکومت مازندران را بجناب عضد الملک علیرضا خان قاجار مرحمت

فرمودند حکومت عراق و کرمان بجناب معتمد الملک تفویض شد حکومت شاهرود و بسطام و یزد را با میرزا خلوت میرزا

هاشمخان واگذار نمودند پاشاخان امین الملک بمنصب وزارت حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه و

پیشکاری دار الخلافه برقرار گردید اداره چاپارخانهای کل ممالک محروسه را بمیرزا علیخان منشی حضور (جناب امین الملک)

سپردند دفتر لشکر که مجزی از اداره وزارت جنگ بود باین اداره ملحق گردید جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک

ازوزارت اول و وزارت مالیه استعفا نمود این اوقات دستخطی بافتخار شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه امیرکبیر
شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

نایب السلطنه اینفقره را بالمشافهه بنصرة الدوله قدغن کردیم بافرزندم مرقوم میشود ترقی ارباب مناصب عساکر در نزد
همایون ما زیاده از حد تصور مطلوبست و لکن تا ترقی و ترفیع رتبه و منصب و امتیازات قشونی مبنی بر صدور خدمت عمده
نباشد ارباب مناصب نظامیه در صدد ابراز خدمت کامل نخواهند بر آمد لهذا بافرزندم امر و مقرر میفرمائیم که درآینه در عوض
و تقدم و ترفیع رتبه و منصب ارباب مناصب نظامیه خدمت صادره و درجه استحقاق باید دقت شده باشد فرزندم جمیع
رؤسای اهل قشون را از نظام و غیر نظام از این حکم اطلاع بدهد
محاسبات کل ممالک محروسه را بعهده جناب نظام الملک میرزا کاظمخان موکول فرمودند و میرزا داود خان برادر جناب معزی الیه بنیابت
ایشان برقرار گردید حکیم الممالک پیشخدمت خاصه همایون ناظم دفترخانه مبارکه شد مامور گذرانیدن محاسبات کل و معاملات
دیوانی گردید جناب دبیر الملک بوزارت رسایل مخصوصه همایونی که مسبوق بآن بود سرافراز شد عمل جلیل ممالک محروسه را بکفالت
حاجی میرزا محمدخان مجد الملک واگذار فرمودند مملکت اذربایجان را بعد از فوت عزیزخان سردار کل بهمان حکمرانی حضرت
اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران مظفر الدین میرزا دام اقباله العالی و پیشکاری امین لشکر ابقا فرمودند امیرزاده عبد الحمید میرزا قهرمان
میرزا مامور بخدمات نظامی اذربایجان شد شغل دیوانی اذربایجان را علاوه بر پیشکاری آنجا استحساباً بامین حضور پیشخدمت خاصه جمع وخرج
محول فرمودند محمد علیخان زنبورکچی باشی بلقب امین السلطنه سرافراز شد جناب حاجی میرزا جواد مجتهد تبریزی که چندی در نجف
اشرف متوقف بود از قرار دستخط همایون امام جمعه گردید به احضار بدار الخلافه باهره گردید که از انجا روانه تبریز شود محمد اذربایجان
قاسمخان والی بوزارت حضرت شاهنشاهزاده اکرم افخم ظل السلطان حکمران فارس سرافراز امد میرزا هاشمخان امین خلوت
از اجزای دار الشوری کبری گردید جناب حسینعلی خان وزیر مختار سابق فرانسه مامور بوزیر مختاری اسلامبول گردید بمنصب خزانه داری
که از اجل مناصب است بعهده کفایت عضد الملک مهردار و حکمران مازندران واگذار گردید دستخط مبارک درین باب شرف
صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

منصب نظارت که از عمده شغلهای دولت و شخص ماست و انتظام آن از همه کارها واجبتر و مقدم تر است چون نوکری که اعتماد
ما را شاید باید در سر اینکار باشد لهذا از ابتدای سنه قوی ئیل و مابعدها این شغل خطیر را بعضد الملک علیرضا خان علاوه
بر حکومت مازندران و مهرداری التفات فرمودیم که در نظم اینکار زیاده از حد بکوشد ۱۲۸۸
امین السلطان بمنصب صاحب جمعی سرافراز شد میرزا علیخان سرهنگ بحمایل و نشان از درجه سیم سرتیپی نایل گردید چراغعلی چرچ مجاد

جبه الاحداث در دستگاه باروط کوبی طهران نهایت خوب کار میکند حکومت کاشانرا علاوه مشاغل و مناصب میرزا هاشم
خان امین خلوت فرمودند مجلس شورای نظامی مجددا برقرار گردید میرزا مهدیخان ولد مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار
اعظم بلقب اعتضاد الدوله ملقب و بر حسب استدعای معزی الیه منصب کشیکچی باشیگری با محمد میرزا ولد اعتضاد الدوله
مرحمت فرمودند امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب والا عماد الدوله بحکومت لرستان و نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی
سرافراز شد میرزا محمد خان پیشخدمت خاصه ولد امین خلوت بمنصب تفنگدار باشیگری برقرار گردید روز دوشنبه سیم
ماه صفر امیر اصلانخان مجد الدوله بجوار رحمت الهی رفت حکومت عربستان و بروجرد را علاوه بر عراق و کره بجناب معتمد
الملک مرحمت فرمودند حاجی میرزا محمدخان مجد الملک در سلک وزرای دار الشوری منسلک گردید عبد العلیخان ادیب الملک
پیشخدمت خاصه بحکومت کلپایگان و خوانسار سرافراز شد حکومت اصفهانرا علاوه بر حکمرانی خراسان بنواب والا
حسام السلطنه واگذار فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا بنیابت نواب معظم الیه با پیشکاری میرزا محمد حسین ناظم الملک وارد
اصفهان گردید حاجی میرزا رضای کدخدا منصب وکیل الرعایائی یافت بعد از فوت مرحوم فرخ خان میرزا هاشمخان امین
خلوت ملقب بامین الدوله گردید و میرزا محمد خان تفنگدار باشی ولد میرزا هاشمخان امین خلوت لقب یافت حکومت نهاوند
با میرزا محمد خان ولد معیر الممالک واگذار فرمودند میرزا محمد علیخان سرتیپ که مدتی کارپرداز بمبئی بود بلقب معین الوزاره
و نیابت حکومت گیلان سرافراز شد میرزا هاشمخان امین الدوله منصب نظارت حضور یافت دری از چوب برای دروازه
خیابان باب همایون ریخته اند که کمال امتیاز و تعریف دارد و این اول نتیجه چرخ بخار جست که در کارخانه دار الخلافه دائر
گردیده ناخوشی وبا در دار الخلافه و اطراف بروز کرده ولی چندان شدتی ندارد موکب همایون هجدهم ربیع الاول عزیمت ییلاق
لار نمود میرزا اسدالله خان کارپرداز تفلیس بیک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرتیپی دویم با حمایل مخصوص آن
سرافراز شد میرزا اسحق کارپرداز سابق ارزنة الروم بمنصب کارپردازی اول مامور اقامت بغداد گردید و با عطای یک قطعه نشان
و حمایل از درجه دویم سرتیپی سرافراز شد هفتصد سوار از ترکمانان جنوب بسرداری آتشان که از سردارهای نامی ترکمان است
در حوالی جاجرم قصد تاخت و تاز داشتند حیدرقلیخان سهام الدوله ایلخانی و سردار کل خراسان خبر شده با سواران شادلو
بر سر ایشان تاختند جنگ کردند آتشان سردار و سیصد از سواران ترکمه را با بیدار عدم فرستادند و بقیة السیف از
انها منهزم و متفرق شدند نواب صارم الدوله علیقلی میرزا که بدربار معدلت همایون احضار شده بود بحکومت نهاوند و تفویض
برقرار گردید از خاکپای فرقدسا اجازه انصراف یافت محمد علیخان سرتیپ ژنرال اجودان که سابق بسفارت دولت
علیه در لندن اقامت داشت بسرتیپی فوج نظمیه دار الخلافه که بمنزله پلیس است سرافراز شد نواب الاملاک را بمنصب
کشیکچی باشیگری برقرار امد جناب معتمد الملک بمنصب وزارت مخصوص مفتخر گردید سرافرازخان بلوچ که جمعی از اشرار را
دور خود جمع کرده دم از خودسری میزد امیر سعد خان سرحددار داد سنگر کرده یکصد و پنجاه نفر از متابعین او را روانه

دبا عدم نمود و بازای این خدمت یک قطعه نشان یاور بی یاور مرحمت شده در خراسان کار شعر جنس و غلا بالا گرفته است در ماه ربیع الثانی این سال چون خدمات و صدق چاکری بنده درگاه یعنی مؤلف مشهود و مقبول پیشگاه اقدس اعلی گردید چاکر بلقب صنیع الدوله و دستخط همایون فرق مباهات بفرقدان سود و سواد دستخط مبارک از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

چون زحمات حاصله دار الطباعه همایونی از حسن مراقبت و اهتمامات ما منکا ملا محمد حسن خان پیشخدمت و مترجم مخصوص و رئیس دار الطباعه کل ممالک ایران مشهود افتاده خاطر ما را کاملا خوشنود داشته است او را بلقب جلیل صنیع الدوله مخاطب فرمودیم که موجب امتیاز و افتخار او شده بشمول الطاف علیه بیشتر در خدمت محوله بخود اهتمام نماید فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۸

میرزا زکی ضیاء الملک بحکومت عربستان و بختیاری سرافراز گردید رضاقلیخان للهباشی امیر الشعرا متخلص بهدایت که از اجله بزرگان و امرای دولت قویم الارکان و از فحول مصنفین معتبر و از اکثر علوم و سیر بوجه اکمل باخبر و صاحب مصنفات عدیده کثیره بود گذشته از اینکه در مراتب مقامات عالیه عرفان نمود درجات و شئون رفیعه سلوک و ایقان مقامی منیع و محلی رفیع و مشربی صافی و مسلکی جید داشت در اواسط ماه ربیع الثانی این سال طایر روحش سدره نشین گردید میرزا زمان نوری مستوفی بدرجه اول از منصب استیفا مفتخر آمد علاوه و طرز اجرای احکام عادلانه و قطع و فصل کارها و احقاق حقوق در دیوانخانه عدلیه عظمی از توجهات کامله اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه و اهتمامات جناب جلالتمآب حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله وزیر عدلیه چنانست که هرگز نظیر آن دیده نشده و در این اوان محض بسط بساط معدلت در تمام ممالک محروسه بلاد در روزنامه دولتی فرامین قضا آیین بجمیع حکام بلاد و ایالات و ولایات نفاذ شده و ما بسواد یکی از آنها که خطاب بحضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه است اقتصار مینمائیم

سواد ملفوفه فرمان همایون

مصباح مشکوة روح و مفتاح ابواب فتوح فرزند اسعد ارشد کامکار ولیعهد دولتنا ابد اتصال و صاحب اختیار مملکت آذربایجان بوفور مراحم و عنایات بی نهایات ملوکانه مفتخر و سرافراز بوده بداند از آنجا که تمامت همت ملوکانه مصروف آرامش بلاد و حصول آسایش عباد است که در ناحیه مملکت کافه رعیت که حضرت باری تعالی و تقدس او را بودیعت انداز هر گونه هتک و اضطراب متلم و عذاب که در عرض و ناموس و وجوه خارج از قانون شرع مستطاب فارغ و آسوده باشند و پس از این در هر رسمی که معمول حکام پیش بوده که بادنی تقصیر و حرکت خلافی که از رعایای نادان ناشی میشد مباشرین ایالات و حکومت در اجرای حدود و مکافات و مجازات بی اندازه میپرداختند که گاهی مقصر واقعی بی سیاست معاف میشد و زمانی مردم بی تقصیر گرفتار بودند خواستیم که کلیه این رسوم مرتفع شده اختیار مجازات هر یک از مقصرین عباد در ممالک ابدی انبلاد فقط بذات کامل الصفات اقدس همایون سلطانی متعلق باشد لهذا از هذه السنه مسعوده قوی ئیل و ما بعد

معدلت ملوکانه چنان اقتضا فرمود که بهریک از حکام ممالک محروسه مقرر داریم که در سیاست و قصاص مقصر از هر طبقه که باشد خواه مباشر قتل نفوس یا متعرض مال و ناموس که باقتضای شرارت فطریه نادرا اقدام بجنایت و خیانت مینمایند بنفس ایالت و حکومت قبل از ثبوت و وضوح قطعیه ابدا مجاز و مأذون در سیاست و قصاص نباشد و از این تاریخ هر مجرمی که بدست افتاد و هر مقصودی که در ولایت بهم رسید فورا محبوس نموده بجز حبس حکم دیگر هیچ جبر نکنند و مراتب را با امارات و اسباب ایضاح و اثبات بتوسط جناب جلالتمآب عموا ما للمجد والاقبال مشیر الدوله العلیه العالیه که وزارت عدلیه اعظم علاوه امور وظایف و اوقات بعهده او مرجوع و خاطر معدلت مظاهر را بمحاسن تدابیر وافیه و استقصای او در کلیه امور اعتماد حاصل است بخاکپای مبارک معلوم دارند تا بعد از غور رسی کامل آنچه در حضور همایون قرین اثبات افتاد و حکم مجازات از مصدر خلافت شرف صدور یافت حسب معروض الیه مدلول حکم همایون را انها نموده از آن قرار اجرا دارند آن فرزند سعادتمند بنحوی که مقرر در دفتر معمول داشته آن را دستور العمل تخلف و انحراف نورزد و در عهده شناسد شهر ربیع الثانی ۱۲۸۸

ابو الحسن خان ولد امیر حسینخان شجاع الدوله زعفرانلو حاکم قوچان بتدبیری از آنکه قصد تاخت و تاز میرزایان و آن حدود داشته اند نموده عوض مرادخان سردار را با هیجده نفر از متابعین او دستگیر کرده و شجاع الدوله سردار مرو را بجزای خود رسانید میرزا عبد الوهابخان نایب الوزاره که در مأموریت خارجه آذربایجان و حکومت گیلان خدمات نمایان نموده و کمال کفایت و کاردانی خود را مشهود خاطر خطیر خسروانی داشته بلقب جلیل نصیر الدوله ملقب گردید اداره الترجمه مرکب از مترجمین السنه خارجه و دانندگان علوم غریبه و فضلاء و ادبا برقرار و بنده مؤلف بریاست این مجلس مأمور و مباهی آمد و دستخط همایون در این باب شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

نتایج تربیت دولت روز افزون که جمعی بر آوردگان عهد همایون دارای علوم و دانای السنه و مصطلحات غریبه شده اند تا امروز موافق منظورات ملوکانه حاصل نشده است این اوقات اراده علیه ما اقتضا کرده است که با نعقاد دار الترجمه دولتی فواید مترقبه این امر حاصل شود و چنانکه در سایر دول اینکار در تحت قاعده معتبره است در این ملک محروسه نیز فایده ای از انتشار علوم مفیده و کسب اطلاعات لازمه شایع فرمائیم محمد حسن خان صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون خود را از این تاریخ فرخنده بریاست دار الترجمه دولتی اختصاص دادیم که مترجمین از هر زبان و هر فن در عمارتیکه مخصوص اینکار معین شده است مجتمع داشته بطوریکه بالمشافهه العلیه فرمایش شده است همه اینها را بخدمات مقرره بازدارد مقرر آنکه عموم مترجمین و دانندگان السنه خارجه از تبعه دولت علیه ایران بلا استثنا خود را اجزء مجلس مزبور دانسته و از دستور العمل صنیع الدوله خود را خارج ندانند فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۸

امیرخان ولد محمد صالح خان کرد بچه سرتیپ کرد بچه سواره کرد بچه برقرار گردید حاجی محمد حسین امین التجار علمای
فرزند بحمایل از درجه سرتیپی و حاجی موسی ولد معزی الیه بنشان و حمایل سرهنگی روز پانزدهم جمادی الاولی موکب اقدس اعلی سرافراز شد
که از ییلاق لار معاودت شده بود بقصر سلطنت آباد نزول اجلال نمود حکومت همدان را ضمیمه سایر مشاغل و مناصب جناب علاءالدوله
فرمودند بعد از فوت مرحوم میرزا محمد حسین ناظم الملک پیشکار اصفهان حسینقلیخان مافی به پیشکاری اصفهان سرافراز
شد میرزا حبیب الله ولد مرحوم میرزا شکرالله لشکرنویس بمنصب لشکرنویسی مفتخر گردید جناب میرزا فتحعلی خان صاحب
دیوان به پیشکاری آذربایجان و وزارت حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران مباهی گردید امیرزاده ابراهیم
میرزا حاکم بروجرد را احتشام السلطنه لقب یافت محمد باقرخان سرتیپ ملقب بشجاع السلطنه شد مرتضی قلیخان وکیل الملک حکمران کرمان
و بلوچستان باعطای نشان تمثال بیمثال همایون مفتخر گردید

چون اعلیحضرت امپراطور روس بسمت تفلیس تصمیم عزم داده اند اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه برای تبریک
وصول اعلیحضرت امپراطوری باتخذه مقرر فرمودند نواب والا حشمة الدوله امیر جنگ با جمعی از صاحبمنصبان بزرگ از راه گیلان
روانه تفلیس شوند نواب معظم حامل نامه مهر علامه دوستانه مامور بابلاغ حضور اعلیحضرت امپراطور روس گردیدند و اسامی
صاحبمنصبان مزبور از قرار ذیل است

(شاهزاده عبدالله میرزا رئیس سابق قشون خراسان) (علیخان سرتیپ اول جنرال قنسول مامور سابق تفلیس پسر مرحوم نظام الدوله)
(میرزا مهدیخان سرتیپ کارپرداز اول سابق بغداد) (میرزا مهدیخان مهندس مخصوص) (میرزا پطروس خان مترجم مخصوص وزارت خارجه که
چندی هم در سفارت پطرزبورغ مامور بود) (میرزا تقی طبیب که در مدرسه دارالفنون و باستادی حکیمباشی مخصوص حضرت
شاهنشاهی دکتر طولوزان در علم طبابت و لسان خارج مهارت بهم رسانیده) ابنا دو مرتبه در تبریز سیل آمده است مبلغ چهار
هزار تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس که در هذه السنه بر عهده فقرا تخفیف دادند همچنین شش هزار و هفتصد تومان بعضی از
منالهای دارالخلافه تخفیف مبذول فرمودند میرزا فتح الله خان سرهنگ که در مدرسه دارالفنون تحصیل علم هندسه توپخانه نموده
معلمی کل افواج توپخانه قاهره برقرار گردید دویست نفر توپچی خلخالی بمیرزا سپرده شد میرزا یوسف خان مستشار
وزارت عدلیه اعظم برحسب استدعای جناب مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم برتبه سرتیپی اول خارج از قشون و حمایل و نشان شیر و (از آن درجه)
خورشید سرافراز آمد ناخوشی وبا که در تبریز بروز یافته بود رو بتخفیف نهاده در خوی نیز ناخوشی بروز کرده ولی کم شده است
شاهنوازخان خاراتی بکرمان آمده که قرار نوکری خود را بگذارد هزار و ششصد نفر سواره و پیاده ترکمان در حوالی سرخس تمرد
شده و عازم تاخت و تاز حدود بودند سهام الدوله ایلخانی بحکم نواب والا حسام السلطنه بآنها تاختن نموده بسیاری از
آنها را مقتول و بقیه را متفرق ساخت همچنین از کلات خبر دادند که دو هزار سوار و پیاده از حوالی چهچه عبور کرده بقلعه رستم
سرکوب قلعه قرانیکان و بنیه‌ها سرکوب با نجا مستولی شده و اطراف قلعه قرانیکان را محاصره نموده و بنای جنگ نهاده سربازان رشید

ترشیزی

ترشیزی و پیادگان دلیر چولائی و اهل قلعه سیصد نفر از آنها را بضرب گلوله از پا در آورده باقی فرار کرده و در هر دو واقعه از
ترکمه جمعی اسیر شدند

روز سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است سلام عام منعقد و ذات ملکوتی
صفات همایون در تالار تخت مرمر بسریر خسروانی جلوس فرموده نطق مسطور در ذیل را بیان فرمودند

نطق همایون در سلام مخصوص روز عید مبارک

البته امروز خیال میکنید که چرا من ملبس بلباس اهل نظام شده ام علتش اینست که چون امروز روز عید مولود امیرالمؤمنین علیه السلام است
و روز فرخنده و مبارکیست باینست که کلیه قشون را بعهده خود گرفته ام و از امروز ببعد داخل خدمت قشون محسوب خواهم بود
و سبب این البته میدانید که درین سنوات گذشته انطوریکه باید و شاید بسته دولت ایرانست و آن قسمیکه منظور نظر ملوکانه ترقیات
در شعبات نظامی و غیر نظامی حاصل نشده بخصوص آن ترقیاتیکه در اسلحه جدیده بوده و یا در قواعد مشق و درس علم نظامی که
آنقدر نادر نیاید است مراتب با ایران نکرده و سرکردگان و صاحبمنصبان از بزرگ و کوچک کما ینبغی بخدمات خود را کرده
شان و احترام نظامی از میان رفته بود و سرکردگان و رؤسا و کسانیکه داخل در خدمات عسکریه بودند و بعضی اعمال ناشایسته
عادت کرده قوانین نظامیه را فراموش نموده بودند افواج و اردوهائیکه دائم در مشق و حرکت باید باشند چه در سرحدات چه در داخله
و نقاط معینه بیحرکت مانده کم کم فراموش شده بود و همچنین بعضی معایب دیگر که رفع آنها الزم امور دولتیه است این است که
ریاست نظامی را بنفس نفیس لازم دانستم در کار قشون و انتظام آن را بعهده خود گرفتم چون یکنفر نوکر دولتخواه صدیق فاعل
لازم اکر واسطه میان ما و امورات قشون باشد لهذا میرزا حسینخان مشیرالدوله را که حاضر حضور است از جانب خود نایب کرده
ملقب بسپهسالار اعظم و وزیر اعظم عسکریه مینمائیم و امیدوار و کتابچه قانون نظام را که سابقا نوشته شده و هنوز اجرا
بنا نمیشد و خودمان باو میدهیم که انشاءالله تعالی بنقطه اجرا مجری دارد و نگذارد که فردا و از این روز ببعد القاب و مناصب
نظامیه را استحقاق باید باشد نه بواسطه و وراثت و از امروز ببعد هر خدمت را پاداشی شایسته خواهیم داد و هر خیانت
تنبیه و سیاست کنیم و اغماض هیچ وجه نخواهد شد خادم محروم نخواهد ماند مقصر را تنبیه خواهد کرد بد

عرض مشیرالدوله در جواب فرمایش ملوکانه

عنایت اعلیحضرت و کمال مباهات افراد و احاد قشون ایران را حاصل است که از امروز ببعد باحترامات لایقه و اکرامات مستحقه خود
واصل و نایل خواهند گشت مقدار عنایت و تقدیم خدمت دانسته باندازه سیاست در ظهور جنایت شناخته اند تکالیف مشخصه
و امور معینه هر یک معین و محدود گشت انشاءالله بهمین سلسله ترقیات منظوره خاطر مبارک عنقریب بسمت ظهور و بروز خواهد یافت
بعد از اتمام نطق همایون همه وزرا و شاهزادگان و امرا و صاحبمنصبان نظام و غیر نظام مرخص شده با سپهسالار اعظم
باطاق نظام رفتند (معیرالممالک در اطاق نظام ابلاغ دستخط مبارک را نمود

سواد دستخط همایون

چون میل خاطر ما در ترقی دولت خاصه قشون و نظام است و حالا میخواهیم که یکجزا بنظام تازه مدار این امر بدهیم که هیچ خلل و شباهتی
نیابد و منتشر باشد انشاء الله تعالی جزئیه و کلیه امور عسکریه موافق دستور العمل باید به تحت قاعده و قانون باشد لهذا در اواسط سنه
قوی ئیل خیریت دلیل مشیر الدوله میرزا حسینخان را که یکی از بندگان خاص دولت و از دولتخواهان اینند لهذا بمنصب وزارت اعظم عساکر
منصوره نظام و غیر نظام و بلقب سپهسالاری اعظم ملقب فرمودیم که در اجرای قوانین مستحسنه عسکریه مختار کل باشد از جانب ما
انچه صلاح داند حکم بکند همان حکم ماست بی تخلف سنه ۱۲۸۹

وهم درین روز مبارک فیروز نظر بحسن خدمت و ظهور صداقت و وفور لیاقت معیر الممالک وزیر خزانه عامره معظم الیه را بلقب نظام الدوله
و بمنصب وزارت مالیه ممالک محروسه ایران سرافراز فرمودند و دستخطهای همایون در اطاق موزه بقاشخانه با حضور جمیع ارکان دولت قرائت شد

سواد دستخط همایون

معیر الممالک دوستعلی خان چون در خدمات خود کمال اهتمام را کرده است و خاطر ما را از طرز خدمتگذاری خود خوشنود داشته در سنوات
که اواسط هذه السنه قوی ئیل خیریت دلیل است او را بلقب نظام الدوله و وزارت مالیه که از اعظم مناصب دولت است سرافراز
فرمودیم که در نهایت امیدواری مشغول خدمت خود باشد

حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس که باحضار بدربار همایون شده بودند روز پانزدهم رجب وارد دار الخلافه شدند
در دهات کرمانشاهان ناخوشی وبا بروز کرده در راه عربستان حسب الامر بعضی قلعه ها میسازند مسبوق بشارت داد فرمانفرما کرد تازه
ماموری اقامت دربار دولت علیه شده سه شنبه هیجدهم رجب بحضور مهر ظهور همایون مشرف شد کتاب فرهنگ انجمن آرای ناصری
از مؤلفات مرحوم رضاقلیخان لله باشی روح الله روحه طبع شده و بفروش میرسد حاجی ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی بوزارت اعظم
عدلیه سرافراز گردید چون بواسطه خشکسالی سنواتی فقرا و ضعفای اطراف ممالک محروسه بدربار همایون رو نموده جناب سپهسالار اعظم
محض دولتخواهی قرار دادند که محمد علیخان سرتیپ رئیس نظمیه ضعفا و فقرای ولایات را از غریب و بومی جمع آوری کند در قلعه نصرت اباد
ملکی وزیر میرزا عیسی سکنی دهد مشار الیه حسب الامر انها را در انمکان مجتمع کرده بوجه مقرر دو وعده نان و گوشت میدهند همچنین اطفال
فقرا که بی معین و پرستار بودند بجهت هر یک لباس نظامی ترتیب داده و در مدرسه مخصوص بجهت ایشان اخراجات معین کرده بر باشت و
مراقبت حاجی میرزا حسینخان کارپرداز مشغول تحصیل اداب و علوم هستند از روز چهارشنبه دهم شعبان جشن عروسی حضرت اجل اعظم
نایب السلطنه امیر کبیر را شروع نمودند و نواب والا حشمت السلطنه بمراجعت حضرت اجل معظم قرین اعزاز امدند و از تجارت باطهنا
نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و تجارت و صناعت و معادن انتظام و رونق تمامی دارد روز پانزدهم شهر شعبان که
عید ولادت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه می باشد یکقبضه شمشیر مکلل بالماس که ده هزار تومان قیمت داشت [illegible]
مرحمت فرمودند حاجی سعد الدوله قنبر علیخان بمنصب امیر تومانی سرافراز گردید

روز بیست و نهم شعبان امسال جناب جلالتمآب میرزا حسینخان سپهسالار اعظم را بمنصب بزرگ صدر اعظمی دولت
علیه برقرار و منصوب فرمودند و عصر همین روز با حضور جمیع شاهزادگان عظام و رجال دولت و اعیان و اشراف
مملکت جناب معتمد الملک وزیر مخصوص جبه ترمه شمسه مرصع که از لباسهای خاص همایون بود با دستخط مبارک مسطور
در وزارت اعظم عسکریه از طرف قرین الشرف ملوکانه ابلاغ نمود

سواد دستخط مبارک

چون در هر دولت رسم و قرار اینست که یکنفر از نوکران کافی و رجال دولت را مسئول امور دولت مینمایند و نظم جمیع امور از لشکر
و کشور و مالیات و جمع و خرج و اسودگی حال رعایا را از او میخواهند و چون این امر در دولت ایران متروک و مهمل مانده بود و بدین
واسطه بعضی اختلالات در امور دولت پیدا شده لهذا در سنه ۱۲۹۰ که قوی ئیل خیریت دلیل است چنانچه مصلحت دانستیم
که قاعده مذکوره را بطور سابق جاری داشته یکشخص کافی دولتخواه را مسئول کرده امور دولت را کلیه باو بسپاریم میرزا حسینخان سپهسالار
اعظم را که از چاکران ازموده دولت است بلقب صدارت عظمی سرافراز و نیک و بد جمیع امور دولت را از قشون و مالیات و حکام
و ولایات و کارهای نو و فنون دولت را از او خواهیم خواست امیدوار هستیم که انشاء الله تعالی فضل تازه ملوکانه ما را امداد نماید
بندگان اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه دستور العمل نظم امور دولتی و مهام مملکتی را با دستخط مبارک ازین
قرار مرقوم فرموده اند که جناب مستطاب صدر اعظم از همین قرار مجری دارند

کلیه در امورات دولت خواه کشوری خواه لشکری خواه داخله خواه خارجه باید صدر اعظم بشخصه خود رسیدگی نمایند و امور
دولتی را ازینقرار مجری دارند

اولا امر ارسال و مرسول نوشتجات ولایات که از مهام عمده دولت است جناب صدر اعظم از روی دستور العمل میرزا
علیخان منشی حضور و رئیس چاپارخانه بدهند که بنحوی این باشد که چاپاران در غره و نیمه ماه بدون خلاف و تاخیر از طهران
روانه ولایات شوند و از ولایات نیز عازم دربار گردند

ثانیا حکام ولایات ممالک محروسه عرایض و مطالب خود را بجناب صدر اعظم بنویسند و از جانب معزی الیه جواب بخواهند
نه بمثل سابق که از هر جا برای هر جزئی عرض و مطلب باستان همایون عریضه نگار شده زحمت خاطر مبارک میشدند جناب صدر
اعظم بعد از مطالعه نوشتجات ولایات و اطلاع از مطالب انها چیزی را که بعرض ما باید برسد خلاصه کرده بحضور بفرستند و هر
طور جواب مرحمت میشود از ان قرار بصدارت عظمی احکام لازمه صادر نمایند ولی در همان عرایض که باید نزد ما فرستاده شود
جناب صدر اعظم باید رای خود شان را در حاشیه ان مطلب اظهار کنند و در این صورت است که جناب مستطاب صدر اعظم در رکاب
مبارک باشند وقتیکه دور از حضور مبارک باشند جواب نوشتجات نباید تعویق و تاخیر بیفتد بعد از ارسال جواب سواد انها را
در هر جا که اردوی همایون متوقف است ارسال دارند

ثالثاً مقصود از مطلب ثالث که ذکر شد اینست که جمیع آحاد و افراد چاکران در باری از خدم و حشم از قشون و غیر قشون و حکام
و رعیت در جمیع الوجوه عریضه بخاکپای مبارک نباید بنویسند هر عرض و مطلب که دارند باید بجناب صدراعظم اظهار کنند و جواب را
از جناب مستطاب معظم الیه بخواهند

رابعاً آنچه فرمان و برات و احکام نظامی و احکام دیوانخانه و اسناد خرج و غیره که بایستی بمهر مبارکه برسد از تاریخ حال
بعد بهیچوجه خاطر مبارک خود را از زحمت نوشتن و مهر مشغول نفرمائیم آنچه متعلق بدفترخانه مبارکه است قوام الدوله و سایر
محاسبات بعد از آنکه خودشان کمال مواظبت را در تصحیح آن برات یا آن فرمان کردند و مهر نمودند باید بمهر جناب مستطاب صدر
اعظم برسانند و مهر صدراعظم در عوض مهر همایون است بعد بمحض اینکه خاطر مبارک هم اطلاعی از صدور فرامین و بروات بهم رساند
خلاصه آنها را بطور فهرست بنویسند و جناب مستطاب صدراعظم هر ماهه بحضور فرستاده شود

خامساً وزیر امور خارجه مطالب اداره خود را باطلاع صدراعظم برساند باین معنی جواب سؤالیکه با سفرای خارجه مقیم
طهران میشود و نوشتجاتیکه رد و بدل میگردد در ابتدا وزیر امور خارجه باید باطلاع صدراعظم برساند بعد بحضور عرض برسند
و همچنین مطالب و نوشتجاتیکه از سفرا و مامورین دولت علیه ایران که در صفحات خارجه مقیم هستند یا در سرحدات میباشند
وزیر امور خارجه اول بنظر صدراعظم برساند بعد بحضور بفرستد اما اگر مطالب فوری و فوتی باشد وزیر امور خارجه فهرست
کرده مثل اینکه سابق بحضور مبارک میفرستاد نزد صدراعظم بفرستد ایشان ملاحظه کرده حکمی که لازم است بنویسند و
تکلیف وزیر امور خارجه اجرای آن حکم است بعد وزیر امور خارجه آن مطلب را بجهة اطلاع خاطر مبارک بحضور بفرستد

سادساً در باب امور لشکر امضای لقب و منصب صاحب منصبان نظامی بجناب صدراعظم در حقیقت تفویض بعمل قشون شد هرچند رئیس
قشون معتبر باشد البته بیشتر فرصت در امور زیادتر است و جناب مستطاب صدراعظم بیش از پیش باید مراقبت در عمل قشون نمایند
و عمل لشکر را از کارهای عمده مخصوص خود بدانند و هفته دو مرتبه فهرست خلاصه امور قشون را مخصوص نوشته که راپورت نظامی باشد
و یکنفر اجودان وزارت اعظم عسکریه قرار بدهند که هفته دو مرتبه آن راپورت را بحضور بیاورد و جواب بگیرد و آنچه از ولایات
نوشتجات و مطالب نظامی میرسد چون خاطر مبارک زیاده مایل بنظم اداره عسکریه است هفته دو مرتبه جناب مستطاب صدراعظم
اصل خلاصه همان مطالب را بتوسط همان اجودان بفرستد که بنظر مبارک برسد

سابعاً امور وزارت عدلیه دو شق است یکی عرایض مختصر است که خود حاجی ظهیرالدوله میگذراند دیگر عرایض عمده مهماتست که
باید حاجی ظهیرالدوله خلاصه کرده بتوسط نور محمدخان امین دیوان نزد صدراعظم ارسال دارد جواب را صدراعظم بنویسند
بعد با نور محمدخان بلحاظ مبارک برسانند از آنقرار که صدراعظم نوشته است مجری بدارند

ثامناً مطالبیکه متعلق بوزارت علوم است از مدرسه دارالفنون و تلگرافخانها و تجارت همانطور دیگر اعتضادالسلطنه شفاً
بعرض خاکپای مبارک برساند و جوابی میگرفت بعرض صدراعظم برساند و احکام صدراعظم مجری بدارد

تاسعاً

تاسعاً در وجوهات مالیاتی جناب مستطاب صدراعظم باید خیلی مراقبت نمایند که اقساط از ولایات بزودی و بخوبی
و بموقع وارد دارالخلافه شود بعد از وصول بخزانه عامره باطلاع نظام الدوله وزیر مالیه بمخارج دولتی برسانند
بعد از وصول ضبط و رساندن بمخارج لازمه صورت اصل
تنخواه و مخارج را باید بنظر همایون
ما برسانند

عاشراً مطالب متفرقه ذیل از قبیل حرمخانه مبارکه بتوسط میرزا ذکی نایب وزیر دربخانه نظارت خانه تفنگدارخانه
دیوانی اصطبل خاصه صندوقخانه زرادخانه وجوه مرحمت جیب عملجات امین حضور فراشخانه زنبورکخانه اصطبل
توپخانه دارالطباعه خاصه دارالترجمه قاطرخانه شترخانه بنائی خانه سرایدارخانه باغات دیوانی قنوات دیوانی و غیره
ابتیاع میرشکار و غیره کلا باید بعرض جناب مستطاب صدراعظم برسد و از صدراعظم جواب گرفته شود حکومت طهران
باید روزنامه شهر و حومه را هفته دو مرتبه بنظر جناب صدراعظم برساند
که بعد از ملاحظه ایشان بعرض حضور
مبارک برسد

در انتهای این دستورالعمل بدستخط مبارک مرقوم شده بود

دستخط همایون

عجالة دستورالعملی است که در امور دولتی بجناب صدراعظم نوشته شد
از اینقرار معمول دارند انشاءالله
تعالی سنه ۱۲۸۹

محمد مهدیخان اعتضاد الدوله با ایلخانی گری ایل جلیل قاجار سرافراز شد آمین حضور پیشخدمت خاصه شریفه خازن
صره جیب همایون گردید حکومت سمنان و دامغان را بعهدهٔ کفایت عبدالعلیخان پیشخدمت خاصه شریفه واگذار
فرمودند جناب مسیو الیسون وزیر مختار دولت انگلیس روز ششم رمضان المبارک باتفاق جناب وزیر امور خارجه
شرفیاب حضور باهر النور مبارک گردید بعد از مسیو ابلیه که از طرف دولت انگلیس نسبت قونسولگری مامور توقف دربار
همایون است معرفی نمود رضا قلیخان نایب اول تفنگچی باشی مستشار دیوان عدلیه برقرار آمد عبدالحسین خان سرهنگ
پسر مرحوم اعتماد السلطنه در سن سی و هفت سالگی در شب سه شنبه سلخ شعبان بمرض مطبقه و محرقه برحمت ایزدی پیوست
نواب والا حشمة الدوله امیرخان که بجهت تهنیت مقدم اعلیحضرت امپراطور روس وارد تفلیس شده بود سلخ شعبان مراجعت
بدار الخلافه کرده نامه مهر علامه محبانه اعلیحضرت معظم الیها که در جواب نامه محبت ختامه اعلیحضرت شاهنشاهی مرقوم داشته
بودند ابلاغ نمود حاجی محسنخان وزیر مقیم دولت علیه مامور اقامت در دربار دولت انگلیس باعطای لقب منصب وزیر مختاری
سربلند گردید در این اوقات از متعلمین مدرسه مبارکه دار الفنون امتحان نموده هر یک از معلمین و متعلمین و مباشرین را بعطای منصب
و اضافه مواجب و انعام و خلعتی که سزاوار بودند مورد عواطف ملوکانه فرمودند در این امتحان میرزا علی اکبر کاشانی بلقب
نقاشباشی ملقب گردید و میرزا جعفر خلیفه شاگردان نقاشی باعطای لقب خانی سرافراز شد و مسیو لیشاد معلم زبان
انگلیسی و میرزه را نیز بلقب خانی درجه اختصاص دادند جعفر قلیخان رئیس مدرسه مبارکه باعطای نشان و حمایل سرتیپی اول
مباهی و مفتخر گشت نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم که مساعی جمیله در کلیه امور مدرسه مبارکه مبذول نموده بودند
خاطر مهر مظاهر همایون از مجاهدات ایشان از ابتدا تا کنون قرین خرسندی گردیده نواب معظم الیه را بیکقطعه کلکی مکلل
بالماس گرانبها و عواطف ملوکانه نموده مرحمت فرمودند حاجی محمد کریمخان کرمانی از اجله علمای شیخیه در راه عتبات عالیات
بجوار رحمت الهی پیوست در این اوقات مجلس شورای نظامی برقرار گردید چون امیرزاده محسن میرزا امیر آخور بواسطه پیری و مرض
قدرت و توانائی التزام رکاب مبارک را نداشت بر حسب استدعای معزی الیه محمد حسین میرزا ولد ایشان بمنصب جلیل میر آخوری
برقرار گردید در این اوقات که بواسطه خشکسالی آذوقه در بعضی از ممالک محروسه کمیاب شده و مردم بی بضاعت از اوطان خود بامید
مراحم ملوکانه رو بدار الخلافه آمده هر ماهی چندین هزار تومان نقد بنفس نفیس مبارک وجه الاعانه بفقرا و ضعفا داده
انعام و مرحمت میفرمایند و شاهزادگان و امرا و وزرا و رجال و بزرگان دولت جاوید شوکت علیه از شخص جناب مستطاب اشرف مشیر
الدوله صدر اعظم تا سایر وزرا و امرا و غیرهم اقتدا بسجیه سنیه شاهانه نموده هر گونه اعانتی بمحتاجین مینمایند و غربا
از فقرا را در اماکن معینه جا داده و بتوسط مباشرین مخصوص بانها آذوقه میرسانند و از برای اصلاح این غائله مجلسی
معین برقرار است فوج نظمیه را باللهیارخان سرتیپ فوج و سواره جرقان واگذار فرمودند که فوج جرقان بنظم
ارک مبارک و فوج نظمیه برسیدگی نظم شهر دار الخلافه بپردازند میرزا حسن خان منشی تبریزی که از اجزای

جناب مستطاب اشرف امجد حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله صدر اعظم دولت علیه ایران



سابق سفارت کبرای اسلامبول و در آن صفحات مصدر خدمات گردیده و صاحب یکقطعه نشان افتخار از جانب دولت تونس گردیده و در سال هزار و دویست و هشتاد و چهار بکارپردازی ارزنة الروم برقرار بود و یکسال بعد از آن بیکقطعه نشان و حمایل از درجه دوم سرتیپی و دویست تومان اضافه مواجب سرافراز شد و یکسال قبل از هذه السنه بریاست مجلس اجرای حقوق دولت را یافت و امسال بمنصب منشی گری جناب جلالتماب صدر اعظم نایل آمد

دارالخلافه حکومت طهران و توابع را مستقلا بعهدهٔ کفایت حضرت شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه العلیه امیرکبیر دام اقباله العالی مفوض فرمودند و پیشکاری حضرت معظم و وزارت مستقله شهر دارالخلافه و توابع موکول و محول بمیرزا عیسی وزیر گردید حکومت سوادکوه را ضمیمه حکومت مازندران نموده بجناب عضد الملک مرحمت فرمودند ریاست قراولی وجود مسعود مخصوص همایون که با فوج سوادکوهی است خاصه جناب مستطاب صدر اعظم گردید ایشان از جانب خود بجناب عضد الملک را برسیدگی امور فوج سوادکوهی قراول همایونی گماشتند محمد خان سرتیپ فوج با عطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه ثالثه خارجه سرافراز و بمهمانداری سفرای دول متحابه که از گیلان بدربار معدلت مدار می‌آیند برقرار گردید میرزا ابوالقاسم معین الملک متولی باشی حضرت رضوی سلام الله علیه در رمضان اینسال مرحوم شد علیمرادخان سرتیپ فوج زنجیری قلعه درگذشت ریاست سرجات سواره افشار ارومی و سواره چهاردولی و سواره چلیپانلو و سواره ایلات قراجه داغ و سواره شقاقی و سواره اردبیل و مشکین را بمحمد نقیخان افشار میرآخور اصطبل توپخانه مرحمت فرمودند حاجی سلطان محمد میرزای سیف الدوله بتولیت آستانه مقدسه حضرت رضوی علیه السلام سرافراز گردید در دارالخلافه و اکثر ممالک محروسه بارندگیهای کامل نافع شده و امیدواری حاصل شده که در بهار آینده مردم از زحمت چند ساله خشکسالی فارغ شوند آسیای بخاری که بواسطه اسباب بخار در قورخانه مبارکه دارالخلافه ساخته شده و باهتمام جهانگیرخان سرتیپ اول اجودانباشی دایر کرده بودند تحسین و موجب انعام مخصوصه اعلیحضرت همایون نسبت بجهانگیرخان است بعضی عمارات دیوانی بتوسط و اهتمام جناب علاء الدوله ساخته شده که بنای آنها امتیاز را از هر جهت دارد

و از آنجمله یکی خیابان و دروازه دولت و دربیست که

موسوم بباب همایون است که نهایت عالی

و ممتاز و بسیار با شکوه ساخته

شده است

ادارهٔ باغات مبارکات سلطنتی ییلاقات و عمارات مبارکه دوشان تپه را بامین حضور پیشخدمت خاصه شریفه واگذار فرمودند این ایام تعلیقه جناب مستطاب صدر اعظم منهی از مکنونات خاطر خطیر خسروانه بحکام و ولایات ممالک محروسه مرقوم نمودند که سواد آن از قرار ذیل است

سواد تعلیقه جناب جلالتماب مشیرالدوله صدر اعظم

از جمله بدیهیاتست که اعتبار و عظم هر دولت منوط و بسته بدو چیز است انتظام در امورات دربار و سایر رشته‌های کار دولت و ثروت رعیت هرگاه این دو فقره درست و مستحکم نیست یا در یکی از اجزای او اختلال بهم رسید از عظم و اعتبار دولت کاهیده میشود و وقوع اختلال هم از طمع یا غرض که در حقیقت غرض هم از باب طمع است بظهور میرسد پس بادله عقلی و نقلی بدترین و بالاترین بلیه بجهة تخریب دولت طمع است و تا دولت بطور جد و یقین دست بیخ این مرض مهلک مسری را نکند نمیتواند از ابقای شان و عظم خود مطمئن و آسوده شد سرکار اقدس همایون شاهنشاه عادل و ظل الله فی الارضین خلد الله ملکه و سلطنته بنحو اتم و اکمل ملتفت این فقره شده اند و فکر شغل و منصب جلیل صدارت عظمی را باین بندهٔ درگاه آسمان جاه مرحمت و عنایت میفرمودند اول فرمایش و اوامر ملوکانه در قلع و اتمام این مرض مهلک که در ایران عالمگیر شده است تفضلات فرمودند و بحمد الله از الطاف الهی و توجهات اعلی درجات شاهنشاهی در این مدت بسیار قلیل در دربار همایون کار سهل شده است که میتوان گفت و دعا نمود از رشوه و تعارف و هدیه و پیشکش که باسامی مختلفه نتیجه واحده دارند اسمی باقی نماند مناصب و ماموریتهای دولت علیه بلیاقت و استحقاق داده میشود و مال خزانه دولت که در نفس الامر اموال بیت المال مسلمین است بیغما و غارت نمیرود و تنخواهی که از مالیات بابت مالیات دریافت میشود صرف خود آنها و حفظ ثغور مملکت و بیضه اسلام کرده و چیزیکه بعجاله باقیمانده است تحدید حدود فیمابین حکام و رعیت است و تحصیل رفاهیت این بیچاره‌ها که ودیعه الهی میباشند یک شبهه بجهة حکام عارض شده که انشاء الله بعد از رفع این شبهه امیدوارم این فقره هم در تحت انتظام و قاعده بیاید آن شبهه اینست که هنوز بمعنی الملک عقیم ملتفت نشده اند و درست خاطرنشان آنها نگردیده است که سلطنت با اولاد و اقربا و دوستان و خصوصیتی ندارد بلکه درستکاری و معقولیت و صداقت در خدمات دولت و بی طمعی وسیله التفات پادشاهی میتواند بشود و اولاد واقعی سلطنت قشون و رعیت و هر که با آنها بطریقه ظلم و تعدی رفتار نمود غضب و سخط ملوکانه را بدست خود از برای خود دعوت کرده است چنانچه در سلام عام روز یکشنبه بیست و پنجم شهر شوال سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بلفظ مبارک فرمودند و بصیغه جلاله بوجود مبارک خود شان مخبر نموده اند که در این بعد هر یک از حکام که علاوه بر مالیات دیوانی یا بوسیله دیگر بجهة نفع خود تعدی برعیت نماید اگرچه بسیار قلیل باشد بعقابهای مال و جان و ملک و اعتبار او نظر نمایند و به بدترین عقوبات او را معاقب نمایند از راه اخلاص و مهربانیکه بشما دارم لازم دانستم که قبل از وقت از نیت پاک همایون شما را اطلاع بدهم و بنویسم که دولت از مال حلال خود و از عین مالیات بهم مواجب و استصوابی

وغیره بقدری که گذران شما با آبرو بشود مرحمت فرموده است علاوه محض تفضل و وسعت معیشت دو ده خالصه نیز که موجب
آبادی ولایت است برای شما معین فرموده اند که بهر قدر کفایت و هنر دارید بر تحصیل منفعت و زیادی ثروت خود بیفزایید
و آن آبادی خالصجات و دایر کردن معادن و احداث قنوات جدیده در زمین بلا مالک ولایت تحت حکومت خود است هر قدر کفایت
دارید در این امور بکار برده بر ثروت خود بیفزایید دیگر دولت ضامن اینکه شما میل دارید چهار دست یراق تیپ طلا داشته
باشید یا در مجلس شما قاب و قدح صینی چیده شود یا فوراً چند پارچه ملک شش دانگ ابتیاع نمایید یا تجملات دیگر بهم
خودتان حاضر کنید نیست اگر بهمان مواجب و استصوابی مرحمتی قناعت دارید و طمع و تعدی را میتوانید از خودتان دور نمایید
نعم المطلوب و الا اصلح در امور خلع خودتان از حکومت است زیرا که گرفتار خواهید شد و بدهم گرفتار میشوید یک فقره دیگر هم
هست که جهال میتوانند اسباب تسلیه خودشان قرار بدهند و آن اینست که بگویند خیلی از این قبیل حرفها سابقاً شنیده ایم
تحقیق کننده کیست و مجازات دهنده کو لهذا از بابت اتمام حجت مینویسیم که در همه جا و همه موقع چشم دولت با شماست و از
رفتار و اطوار شما از روی حقیقت و بی غرضانه مطلع است اگر ذره برخلاف آنچه در این دفعه نوشته شد از شما
بعد وقوع برسد نمک پادشاه اسلامیان پناه را بحرامی خورده و بدین و شریعت محمدیه صلوات الله و سلامه علیه
خیانت نموده باشم که اگر بقدر خردلی اغماض یا سکوت نمایم مگر اینکه فوراً بعرض خاکپای مبارک همایونی رسانیده
و مجازات شما را بطوری که شد با اصرار مستدعی خواهم کرد بحالا تقصیرات آتیه شما بعد از وصول این تحریرات
در دست خودتان نخواهد بود

جناب الله قلیخان ایلخانی که سالها در خارجه میبود برحسب استدعای جناب مستطاب صدر اعظم احضار بدار الخلافه شده
در ماه ذیقعده باستان مبارک آمد روز هیجدهم ذیقعده در شکارگاه دوشان تپه یلنگی شکار رشته مبارک
کرد بعد عبدالرسول خان سرتیپ بحکومت ملایر و تویسرکان سرافراز شد محمد حسنخان پیشخدمت خاصه بحکومت بلاد
نظام شد جناب معتمد الملک بمنصب جلیل سرکشیکچی باشیگری صاحب اسم شد نواب جهانسوز میرزا سرتیپ اول بحکومت
شاهرود و بسطام مفتخر گشت پاشاخان امین الملک بوزارت جلیله عدلیه عظمی منصوب گردید حاجی میرزا علی
مشکوة الملک بحکومت همدان سرافراز شد

سوانح عظیمه که درین سال در تمام کره ارض و اطراف عالم واقع شده

اتائونی (ینکی دنیا)

شهر شیکاگو که سیصد و ده هزار سکنه داشت در مدت پنج شبانه روز علی الاتصال مشتعل و بواسطه باد تند سخت
محترق شد و پانصد نفر آدم تلف شده و زیاده از صد کرور تومان ایران خسارت بمردم وارد آمد

اطریش

تفویض وزارت امور خارجه به کنت اندراسی که یکی از اهالی مجارستان است

المان و فرانسه

بنابر اعلان رسمی اعلیحضرت پادشاه پروس در قصر سلطنتی ورسایل حوالی پاریس در اول عید فرنگیان که مقارن اواسط برج
است محاصره پاریس و قلعه جات اطراف آن با کمال شدت بیست و یکروز تمام نارنجک توپخانه پروس بشهر پاریس میبارید تفویض
امپراطوری تمام ممالک المان بمیل اهالی این مملکت باعلیحضرت پادشاه پروس و تاج گذاری ایشان اهالی شهر پاریس یعنی جمهوری
طلبان سخت در صدد انهدام و حرق دار الحکومه شهر پاریس هستند مراوده مسیو ژول فاور با مسیو بیزمارک در ورسایل
و خواهش متارکه نمودن از مسیو بیزمارک و قبول و بشرط اینکه اهالی فرانسه وضع دولت معینی اختیار کنند انتخاب وکلای ملت
فرانسه را و جنبی قشون در پاریس توسط عساکر المان و جریمه نمودن امپراطور المان اهالی شهر پاریس را بمبلغ کرور تومان ایران
عده عساکری که در بیوفت دول المان در خاک فرانسه حاضر کرده بودند نهصد و شصت هزار مرد و دویست هزار اسیر شده
بود و از ابتدای جنگ تا کنون صد و هفده هزار و بیست و نه نفر از قشون المان تلف شده بودند هفتاد و نه برق و پنجهزار و
هشتصد و هفده توپ و صد و هفتاد عراده توپ و بلک و چهارصد هزار اسیر از قشون فرانسه بتصرف قشون المان درآمده بود
تعیین وضع دولت جمهوری در مملکت فرانسه بریاست مسیو طیر نصب مسیو ژول فاور بوزارت خارجه گفتگوی او با مسیو بیزمارک در
تجهیز عمل مصالحه بالاخره در بیست و ششم فوریه امضای عهد مصالحه از طرفین در ورسایل شد بشروط مفصله ذیل
اولا واگذاشتن ایالتین الساس و لورن باعلیحضرت امپراطور المان ثانیا معادل هزار کرور تومان ایران خسارت جنگ دادن ثالثا
قلعه جات متس و استراز بورگ را ملک طلق دولت المان دانستن بعد از انعقاد مصالحه جمیع سلاطین کوچک المان از خاک فرانسه
معاودت باوطان خود نمودند اعلیحضرت امپراطور المان نیز در بهار بعد از اینهمه فتوحات نمایان ببرلن پای تخت خود وارد گردید
و ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه را از حبس خلاصی داده بسمت انگلیس روانه گردید و در قصر چیسلهرست حوالی لندن اقامت
جست افتتاح مجلس پارلمان المان بتوسط اعلیحضرت امپراطور تخصیص دادن لقب شاهزادگی به مسیو بیزمارک از طرف اعلیحضرت امپراطور
المان واگذاشتن دول المان اختیار عساکر بری و بحری خود را باعلیحضرت امپراطور جدید گلیوم پادشاه پروس جمعیت تمام
ممالک المان در این سال هشتاد و دو کرور و صد و هفت هزار و هشتصد و چهل و نه نفر است

انگلیس

در مجلس وکلای دولت لرد گرنویل وزیر امور خارجه چندان اهمیتی برای خیالات دولت روس در اینکه دریای سیاه برای عبور و
مرور کشتیها آزاد شود قرار نداده که فی الواقع یکی از فصول عهدنامه مسیو پاریس که بعد از جنگ قرم منعقد شده بود
دولت روس باطل میسازد ناخوشی سخت نواب ولیعهد دولت انگلیس در زمستان امسال تعداد نفوس جزیره انگلیس
در این سال سی و یک کرور و سیصد و هفده هزار و صد و هشت نفر رسیده است

ایطالیا

ورود نواب ولیعهد ایندولت و زوجه او بشهر رم و توطن نمودن در این شهر تعهد نمودن اعلیحضرت پادشاه ایطالیا که مداخله در امور روحانی پاپ ننماید و در سال سیصد و بیست و دو هزار و پانصد تومان از خزانه دولت مواجب در حق پاپ برقرار کرده بلکن پاپ قبول ننمود و رد نمود اعلیحضرت پادشاه ایطالیا شهر رم را بتسخیر در آورده این شهر را پای تخت دولت ایطالیا نمودند و قصر کبیر بال که از پاپها بود منزل کردید افتتاح راه آهن منیسنی که بکشیدن از کوه الپ با سوراخ نموده بطور دالان و راه آهن مملکت فرانسه را براه آهن مملکت ایطالیا اتصال دادند طول دالان مزبور دوازده هزار و دویست و بیست ذرع است و عرض آن نیز مثل بلکه مثل کالسکه میرود و یکی می آید

برزیل

(ینکی دنیای جنوبی)

مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس بممالک فرنگ و تفویض نیابت سلطنت در زمان غیبت ایشان بدختر امپراطور

چین

معاهده مابین چین و ژاپن در الفت و دوستی

روس

مراوده تلگرافی ایندولت با ژاپن از ژاپن تا پطرزبورغ یازده هزار ذرع مسافت است و اول مخابره که از ژاپن بپطرزبورغ رسید در مدت ده ساعت و پنج دقیقه جمعیت مملکت روس در اینسال یکصد و شصت و چهار کرور نفس رسیده است

ژاپن

ایجاد مدرسه دار الفنون برای تعلیمات علوم فرنگی در پای تخت

عثمانی

فوت عمر پاشا سردار اکرم فوت عالی پاشای صدر اعظم اقتدار کامل سفیر روس در زوال کابینه در اسلامبول اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان خیال دارد که برخلاف قانونیکه در سلسله جلیله سلاطین عثمانیست که ولایت عهد با رشد اولاد میرسد مراد افندی ولد عبد المجید خان مرحوم را که ولایت عهد دارد خلع نماید و پسر سیزده ساله خود عز الدین افندی را ولیعهد سازد

فرانسه

بعد از معاودت قشون المان از اطراف پاریس و ورود وکلای ملت و ونشین جمهوری جدید بورسایل جمعی از جمهوری طلبان سخت در پاریس کونسیتی (کمیته) گذاشته برضد ایندولت جمهوری کرده و ورسایل است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب ابنیه عالیه شهر را مثل ستون واندوم و غیره اسم خود را ریاست پاریس عمارت سلطنتی تویلری عمارت الحکومه و عمارت وزارت مالیه و دار الشورای خاصه و عمارت وزارت عدلیه و غیرها را آتش زده و چند نفر از معارف را که یکی از آنها کشیش بزرگ پاریس بود مقتول ساختند تفویض سپهسالاری کل عساکر فرانسه بمارشال ماکماهون و خراب کردن کونسیتیها خانه میسیو طیر را در شهر جنگ سخت کونسیتیهای شهری با قشون دولتی غلبه قشون دولتی بر یاغیان و گرفتن سی

سی هزار نفر اسیر از آنها و کشته شدن جمعی از رعایا و نفر از شاهزادهها و اولاد لوی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه را فوت الکساندر دوما نویسنده و شاعر معروف در سن شصت و هشت سالگی زمستان سخت این سال در پاریس که نود سال بود مثل آن سختی ندیده بودند نود و دو هزار نفر از اهالی فرانسه در جنگ پروس کشته شدند و نیز بهمینقدر در ایام اسیری از کرسنگی و بیچارگی تلف شدند علاوه بر یکهزار کرور وجه نقد یکه دولت فرانسه متقبل شد که بدولت المان تسلیم کند معادل هزار کرور تومان ایران نیز مخارج جنگ و خسارات دیگر بر آورد شد سرکرور و نود و هفت هزار و دویست و بیست و هشت نفر سکنه الساس و لرن از تبعیت فرانسه خارج شده جزو دولت المان شدند

ینکی دنیای جنوبی

در مملکت پرو یکشهری موسوم بهو بواسطه طغیان آب معدوم گردید مصالحه مابین پرو و اسپانیا بوساطت دولت برزیل

شرح سال بیست و ششم سلطنت و شهریاری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران شاهنشاه عجم ادام الله تعالی ایام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و نه

هجری پیچی ئیل

ترکی

از بدو اینسال خیر مآل بیمامن اقبال مصون از زوال اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه کلیه امور ملکی و دولتی از ابتدا کمال رونق و انتظام دارد حکومت خمسه را بنواب والا محمد تقی میرزا رکن الدوله مرحمت فرمودند حکومت قزوین را بنواب الله قلی میرزای ایلخانی مفوض داشتند پل حاجی واقع مابین استرآباد و آق قلعه را حسب الامر سلیمان خان صاحب اختیار در کمال استحکام ساخته است اداره وزارت دولتی را باین چاکر سپرده و با عطای یکقطعه کل کمر سرافراز فرمودند و دستخطی در این باب خطاب بجناب مستطاب مشیر الدوله صدر اعظم شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

جناب صدر اعظم چندین یکسال گذشته که خدمت طبع و انتشار روزنامه دولتی بعهده محمد حسنخان صنیع الدوله محول شد موافق تعهدات خود فقرات قرارنامه این امر را اجرا کرده خوب از عهده برآمده است این اوقات که اداره اوراق دولتی باو مرجوع شده برای تشویق خاطر او و علامت عنایت ملوکانه یکقطعه کل کمر مرصع با و عطا و مرحمت شود که در انجام خدمت بیشتر ساعی شده امیدوار و سرافرازی حاصل نماید شهر محرم ۱۲۸۹

قاسمخان والی حکمران فارس شب یازدهم محرم بمرض حصبه در گذشت جلال الدین میرزا ولد فتحعلیخان مغفور (فتحعلیشاه) مرحوم شد علینقی میرزا
صارم الدوله ولد نواب والا عماد الدوله وفات نمود جناب آقا عبدالله مجتهد کرمانشاهانی برحمت الهی پیوست کلبعلیخان امین نظام
داعی خود را لیاقت جانب کفت حکومت کرمانشاهان و توابع را بعهده کفایت نواب والا مؤیدالدوله واگذار فرمودند حکمرانی خودستان
و لرستان را بنواب والا حشمة الدوله حمزه میرزا امیر جنگ مرحمت فرمودند چون در موقع عید مولود همایون که روز ششم ماه صفر المظفر
است جناب مستطاب مشیرالدوله صدر اعظم دولت علیه جشن مولود همایون را در دو شب یک روز در ابدا ماکان با جلوه و شکوه کرفتند
و مبلغ پانزده هزار تومان بمخارج این جشن سعید رسانیدند پاس خدمات جناب معظم را یکعدد قلمدان طلا مکلل بالماس بریلیان از جانب
سنی الجوانب همایون برای جناب مستطاب صدر اعظم انفاذ و مرحمت فرمودند حکومت بروجرد و توابع بعهده نواب والا عضدالسلطنه
وزیر علوم و تجارت مرحمت شد حکومت ایالت گیلان را بدو سعیدخان نظام الدوله وزیر مالیه تفویض فرمودند توجه سردار ترکمان که با دو
هزار سوار ترکمن بعزم تاخت و تاز به سرحدات خراسان آمده بود سپاه منصوره بدستور العمل نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان بر سر آنها
تاخته فوج سردار را با سیصد نفر از همراهان او براه عدم فرستاده باقی منهزم و متفرق شدند امر رکیبخانه مبارکه را بعهده غلامحسین خان
پیشخدمت خاصه شریفه واگذار فرمودند و دستخط مبارک درین باب شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

امر رکیبخانه مبارکه از اینکه غالبا موکب همایون در حرکت است و نفایس جواهر و جلایل ذخایر دولتی در آن مکنون و مدخر شده از امور یست
که مزید انتظام آن در حضرت سپهر بسطت ملکانه کاملا مرعی است غلامحسین خان پیشخدمت خاصه را که از مبادی سن تا بحال در استان اعلی
تربیت یافته و از کمال امانت و حسن درایت و کفایت خود بخاطر ما قرین اطمینان و مسرت داشته است در هذه السنه پیچی ئیل ۱۲۸۹ برجوع
این خدمت امتیاز و افتخار دادیم که موافق منظورات علیه با تنظیمات لازمه این امر را متصدی باشد مقرر آنکه جناب اجل اکرم صدر اعظم
ملزومات رکیبخانه را از اسباب موجوده و وجوه عایده و محل و متعلقات کلیه عند غمن نماید بغلامحسین خان تحویل شده دستور العمل لازم
در حفظ نظم امر و تکالیف نمک این خدمت باو بدهد و مشغول خدمت مرجوعه شود فی شهر صفر المظفر ۱۲۸۹

مستر الیسون وزیر مختار دولت انگلیس که سالها در دربار دولت علیه متوقف بود شب سه شنبه بیست و یکم شهر صفر وفات نمود و در تشییع
جنازه او لازمه احترام بعمل آمد کریمخان سرتیپ فوج سیلاخوری که از عربستان بدار الخلافه احضار شده بود در بین راه مرحوم شد امر
کشیکخانه مبارکه و منصب جلیل کشیکچی باشی گری را بجناب علاء الدوله واگذار فرمودند و دستخط مبارک در این باب شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

کشیکخانه مبارکه که از معظمات امور دولت و محل اعتبار و اعتماد شخص سلطنت است و همیشه طرف رجوع این خدمت اشخاصی بوده اند که
خاطر ما بکفایت و دولتخواهی آنها مطمئن بوده است این اوقات که معتمد الملک وزیر مخصوص از تصدی این خدمت استعفا کرده چاکر دولتخواه

علاء الدوله ایشیک آقاسی باشی را که از هر جهت در پیشگاه مبارک محل وثوق و طرف مرحمت است برای شغل جلیل کشیکچی باشیگری انتخاب و برجوع این
خدمت اختصاص دادیم و بعلامت الطاف علیه یکقبضه شمشیر مرصع از اسلحه خاصه اعطا و مرحمت فرمودیم که با کمال مباهات و دلگرمی
بموجبات نظم و نسق این خدمت اشتغال نماید مقرر آنکه جناب جلالتمآب اجل اکرم صدر اعظم لوازم منصب مزبور را بمعزی الیه مرجوع و محول
داشته مراتب الطاف علیه شاهانه را بمعزی الیه ابلاغ و او را بشمول این مراحم قرین افتخار دارند فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۹
میرزا صادق قائم مقام که چند سال بود بناخوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در این اوان برحمت الهی پیوست در ماه ربیع الاول این سال
راپورتی جناب مستطاب مشیرالدوله صدر اعظم مجتهد بعضی تغییرات و ابداع رسوم جدیده نوشته بنظر انور اقدس اعلی رسانیدند
و ذات ملکوت صفات همایون بقلم معجز رقم در صدر آن راپورت مرقوم فرمودند (البته صحیح است انشاء الله همینطور مجری شود)
و ما سواد آن راپورت را بعینه در این محل می نگاریم

سواد راپورت جناب مستطاب صدر اعظم

خداوند عالم جمیع نعمات را بخاک و باهل ایران عطا فرموده است ولیکن بچندین سبب قدر این نعمات را چنانکه باید دانسته ایم و نه از
هزار یک فواید آنها را بهره برده ایم معادن و منافع ثروت و خزاین ارضی و استعداد شخصی و هنرهای ذاتی خود را اکثر مجهول و مردود
و معطل گذاشته ایم نعمتی که در ایران از جمیع نعمات الهی بیشتر ضایع و پایمال شده است وقت و عمر است از سوء تربیت و بدبختی در عموم
ممالک مشرق وقت هیچ قدر و قیمتی نداشته است و حال آنکه اولین سرمایه زندگی وقت و عمر است چنانکه مکرر ذات اقدس ملوکانه
شفاها باین غلام امر و اراده فرموده که وقت را نباید ضایع کرد و قدر این نعمت را بالاتر و زیادتر از قدر سایر نعمات خداوندی دانست
اوضاع حکمرانی در این ممالک از قدیم چنان تربیت یافته است که لابد هیچ امری نباید بگذرد مگر پس از طول زمان و تضییع وقت تمام
عامه اهل ایران بهزار زبان میتوانند معروض بدارند که از این عیب بزرگ چه قدر ضرر و چه قدر خرابیها دیده اند از طرف دیگر
محقق میدانیم که یکی از اسباب انتظام و رونق ممالک خارجه این است که معنی و قدر وقت را چنانکه باید یافته اند و بواسطه
تدابیر دقیق چنان وضعی ترتیب داده اند که از سرمایه گرانبهای وقت مثل سایر نعمات طبیعت هزار نوع فیض و فواید برمیدارند چون
اعلیحضرت اقدس همایون همیشه بر دقایق این ملاحظات توجه تام داشته اند در این اوقات که رای جهان آرای شاهنشاهی بر این تعلق
باید مقرر فرمودند یافته است که اوضاع ایران بر مناظم جدید و آبادی مملکت بر تدابیر محکم ترتیب یابد اموری در بخانه موجب یکقرار معین شود
کرمنظا از هر ... اول اوقات وزیر تا امروز بعضی حالات اداره سابق و بخصوص این بلیه های بزرگ خطی که وقت و حواس اولیای دولت را منحصر و مصروف نقطه واحد داشته مجال
آن نبود که بکلیه امور با اساس تنظیم و توجه اقدامی بشود اما این روزها از فضل الهی و از قدرت همت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی
مصایب اطراف رو بانحطاط و امید و چشم داشت خلق مثل این بهار جبر تخشید و بخرمی و تلوب عامه خلق تشنه آسایش مادی و معنوی است
دیگر هیچ ملاحظه در اجرای منظورات عالیه همایونی دقیقه تاخیر روا نخواهد بود لهذا بجهت شروع باین اقدامات تازه که انشاء الله تعالی

از میامن بخت بلند شاهنشاهی باید وضعی از نو و شوکتی محکمتر از گذشته احداث نماید و اوقات خدمات دربخانه را بر طبق دستور العمل و اشارهٔ شاهنشاهی تقسیم و معین نموده بخاکپای اقدس همایون معروض میدارد هرگاه قرار مزبور پسند رای مبارک و بشرف امضای همایون موشح شود اجرای آن بر عهدهٔ عموم بندگان واجب خواهد بود

قرار اوقات دربخانه

در دایرهٔ صدارت عظمی ایام و ساعات اجرای امور بر این ترتیب معین شده

هر روز بغیر از جمعه سه ساعت از روز گذشته تا دو ساعت بغروب مانده صدر اعظم بجهة انجام امور دولت در دایرهٔ رسمی خود حاضر خواهد بود تخصیص روزها از برای امور دولت از این قرار است

شنبه	شورای وزرا
یکشنبه	امور عسکریه
دوشنبه	امور مالیه و دفتر
سه شنبه	خارجه و عدلیه
چهارشنبه	خلوت و بیوتات
پنجشنبه	بار عام از برای مطالبیکه خارج از این امورات معینه باشد و هر کس بخواهد مطلبی یا حاجتی مکتوبا یا شفاها اظهار دارد مقدور باشد

هر شخصیکه کار خود را خارج از روز مخصوص آن بعرض برساند مطلب او مسموع نخواهد بود و شخص او تکدیر خواهد شد

کسانیکه بجهة کار در روز مناسب در دایرهٔ صدارت حاضر میشوند بجهة ایشان در اطاق بزرگ نشسته ایشان را یک یک باطاق مخصوص بخود خواهد خواست تا هر کس حرف خود را بدون خجالت از غیر واضح و بی پرده بگوید و جواب شافی و مسکت بشنود و لکن بر آن شخص لازم است که بعد از ادای مطلب و شنیدن جواب فورا برخیزد تا نوبت بدیگری تواند رسید

هر کس هم مطلب فوتی که داشته باشد میتواند هر وقت که باشد تحریرا باهتمام صدارت عظمی معروض بدارد بجهة تشخیص مطلب لازم است که بر روی همین نوع عرایض یک لفظ فوتی بنویسند بجهة مطلبی که فوتی نباشد و بخواهند تحریرا معروض بدارند باید بعبارت روشن و بسیار مختصر بنویسند و در روزهای دوشنبه در دایرهٔ صدارت باطاق عرایض برسانند جواب این نوع تحریرات روز چهارشنبه صبح بصاحبان عرایض و مطالب خواهد رسید هیچکس ماذون نیست که بجهة عرض خلوص یا محض ملاقات شخصی بدایرهٔ صدارت عظمی برود حضور اشخاص در این دایره باید محض کار معین و آنهم باید در روز معین باشد

صبح هر پنجشنبه و شب هر یکشنبه صدر اعظم در منزل شخص خود بجهة ملاقات معتبرین که با ایشان ربط شخصی دارند حاضر خواهد بود هر ذیشعوری خواهد فهمید که رعایت این شرایط از برای عامهٔ ارباب رجوع متضمن چه قدر فواید خواهد بود

هر کس محسنات و لزوم این شرایط را درک نکند و بر خلاف آنها حرکتی نماید کار او معوق و شخص او مردود خواهد بود

نظم ایل جلیل قاجار را بعبارة اخری منصب ایلخانی گری این ایل لازم التبجیل را بنواب والا عز الدوله عبد الصمد میرزا مرحمت فرمودند و دستخط مبارک درین باب شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

ایل جلیل قاجار که منشا سلطنت جاوید و اصل این شجرهٔ همایون است در نظر ما چندان مورد عنایت و طرف توجه و مرحمت است که غالبا ملاحظه جزو و کل امور آنها را خود بنفس نفیس مبارک تعهد فرموده ایم و هر یک از اعاظم چاکران بریاست و ایلخانی گری آنها مامور شدند فی الحقیقه از جانب سنی الجوانب ما سمت نیابت داشته بودند این اوقات که معتمد الملک وزیر مخصوص ما از تصدی این شغل جلیل استعفا کرد و استعفای معزی الیه در خاکپای اعلی مقبول افتاد ایلخانی گری قاجار را بالاستحقاق بنور چشم دولتخواه عز الدوله عبد الصمد میرزا مرجوع داشتیم که در نگاهداری و سرپرستی آقایان و ایصال مرسوم دیوانی آنها بوقت و موقع و حفظ موجبات توفیر این سلسله و نظم امور آنها جهد بلیغ ظاهر کند و همه روزه در منزل مخصوص خود بدیوانخانه حاضر شده برتق و فتق و نظم و نسق اینخدمت اشتغال نماید و محض مزید افتخار نور چشم معزی الیه یکقطعه نشان تمثال بیمثال مبارک باو اعطا فرمودیم جناب اجل اکرم صدر اعظم شرح مراحم علیه را باو ابلاغ نمایند شهر ربیع الاول ۱۲۸۹

محمد تقی خان افشار پیشخدمت خاصه که اصطبل توپخانه مبارکه نیز بعهدهٔ معزی الیه است بلقب حاجب الدوله و منصب فراشباشیگری برقرار و باعطای یکقبضه عصای مرصع سرافراز گردید و دستخط مبارک در این باب شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

اداره و انتظام خدمت فراشخانه مبارکه که از مهام معظمه دولت بهیه و احتساب و انتسابش موقوف سلطنت کبری و مسند سنیه همایون است باین منصب موکول و مربوط است در اینوقت که علاء الدوله تفنگچی باشی از تعهد این شغل معاف گردیده بتربیت جلیل کشیکچی باشیگری نایل شد محمد تقی خان پیشخدمت خاصه همایونی را که در حضور ما بکمال صدق و امانت معروف و حسن کفایت و کاردانی او در پیشگاه مبارک معلوم است بحاجب الدوله ملقب و بفراشباشیگری سرافراز فرمودیم که موافق حسن ظن ملوکانه در ادارهٔ اینخدمت و انتظام امر آن امانت و کفایت خود را ظاهر سازد و محض مزید اعتبار و افتخار او یکقبضه عصای مرصع بمشار الیه اعطا و مرحمت کردیم جناب اجل اکرم صدر اعظم شرح عنایات علیه شاهانه را بمشار الیه ابلاغ کرده ملزومات خدمتش را بحسب المقرر باو مرجوع دارند ربیع الاول ۱۲۸۹

ملک آرا ولد خاقان مغفور (فتحعلیشاه) برحمت الهی رفت حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس که احضار بدربار معدلت مدار شده بودند باعطای یکقطعه نشان امیر تومانی از درجه اول مباهی گردیده عازم محل حکمرانی خود شدند و حامل این نشان ذیشان بندهٔ مولف بود روز بیستم ربیع الاول چون هوای دار الخلافه گرم و موقع ییلاق در رسیده بود

موکب همایون از دار الخلافه انهاض و در قصر سلطنت آباد نزول اجلال فرمود محمد صالح خان سرتیپ گرجی بجهه مرحوم شد میرزا مصطفی قلیخان مستوفی نوری درگذشت میرزا اسمعیل کلانتر سابق که زیاده از هفتاد سال داشت وفات نمود جناب ناصر الملک محمود خان رئیس مجلس شورای عسکریه بمنصب امیر تومانی سرافراز شد کتاب بازنامه ناصری که علم شکار است از مؤلفات شاهزاده تیمور میرزا است بطبع رسید میرزا فضل الله نوری وزیر نظام سابق که تقریبا هشتاد سال داشت مرحوم شد میرزا رضای نجم الملک تبریزی برحمت الهی پیوست مرحومین امسال اغلب بمرض حصبه که بعد از غلا بروز کرده مبتلا بوده اند حکومت اردبیل را بحاجی حسینخان سرتیپ شامبیاتی محول فرمودند جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی مامور توقف دربار دولت علیه که از اول ورود بخاک ایران شرایط اعزاز و احترامات معموله درباره وزرای مختار درباره معزی الیه بعمل آمده در عشر آخر ربیع الثانی بحضور مبارک تشرف جستند در غره جمادی الاولی موکب همایون عزیمت ییلاق لار فرمودند جناب آخوند ملا زین العابدین مجتهد گلپایگانی که تقریبا هشتاد سال از سنشان گذشته بمرض استسقا بدرود زندگانی نموده بجوار رحمت الهی پیوستند حاجی میرزا رحیم پیشخدمت خاصه و ناظم دفترخانه مبارکه مرحوم شد

امسال برخلاف سال گذشته که بسبب خشکسالی عمومی تمام اهل عالم در قحط و گرانی غلا و سختی و مصیبت بودند الحمد لله تعالی نعمای الهی وافر و شدت مبدل بفرج گردیده است بعضی ترکمان بخیال تاخت و تاز بسرحدات خراسان آمده بودند نواب والا حسام السلطنه چند بعد بطریق ایلغار برانها تاخته بسیاری از آنها را دوچار هلاکت نموده باقی راه فرار رفتند جناب جلالتمآب مشیر الدوله صدر اعظم روز بیست و یکم جمادی الاولی بجهت بعضی عرایض و مطالب دولتی در لار در یورت چهل چشمه بحضور مهر ظهور مبارک مشرف شدند عباسعلی خان سردار لاریجانی با گاستگرخان مهندس نمساوی مامور و مشغول ساختن راه آمل بدار الخلافه می باشند یار محمد خان حاکم بجنورد نیز بعضی اشرار ترکمان را تنبیه و تدمیری سزا نموده است میرزا ملکم خان ناظم الملک لقب یافت بشیر خان آغا باشی مرحوم شد و حاجی آغا جوهر بمنصب خواجه باشیگری سرافراز شد موکب همایون از لار عزیمت ساختن نور و کجور و کناره و ساحل دریا خزر فرموده و از کناره دریا از راهی که بامر اعلی گاستگرخان مهندس ساخته یعنی از راه کجور بتشریف فرمای شهرستانک گردیدند محمد حسنخان ولد محمد تقیخان حاجب الدوله بمنصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز و محمد خان ولد دیگر حاجب الدوله بنیابت معزی الیه بریاست اصطبل و توپخانه مبارکه برقرار آمد بیوک خان سرتیپ اول افشار بلقب اقبال الملکی ملقب آمد نواب نیر الدوله بحکمرانی ولایت نیشابور برقرار گردید عبد الباقی خان افشار بحکومت جام و باخرز نایل آمد عبد الله خان ولد جناب علاء الدوله بمنصب قوللر آقاسی باشیگری مفتخر گشت محمد حسنخان ولد دیگر جناب علاء الدوله بمنصب تفنگچی باشیگری سرافراز شد میرزا کاظم گیلانی که از فحول حکما و حذاق اطبای عصر است بلقب نبیل ملک الاطبائی سربلند آمد حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران سلطان مظفر الدین میرزا ادام الله اقباله العالی که احضار بدار الخلافه شده بودند روز هشتم شعبان وارد شهر ناصری شدند موکب همایون روز چهاردهم شعبان از ییلاق سلطنت آباد تشریف فرمای عمارات سلطنتی دار الخلافه گردید

و در این

و در این روز یکشنبه جبه ترمه دوم مروارید شمسه مرصع بجناب مستطاب اشرف مشیر الدوله صدر اعظم مرحمت و اعطا فرمودند میرزا ملکم خان ناظم الملک مستشار صدارت عظمی بنشان تمثال همایون درجه افتخار یافت مکتب مجانی از برای تحصیل السنه خارجه و علوم متنوعه باهتمام مؤلف دایر است در غره رمضان المبارک این سال چون یکسال تمام بود که منصب صدارت عظمی بجناب مستطاب حاجی میرزا حسینخان صدر اعظم تفویض شده جناب معظم الیه راپورتی حاوی شرح خدمات یکساله نوشته ملحوظ نظر انور مهر اثر شاهانه داشتند و دستخط مبارک از جانب سنی الجوانب همایون خطاب بجناب مستطاب صدر اعظم شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

جناب صدر اعظم کتابچه راپورت یکساله صدارت خودتان را که نوشته بودید دیدید ملاحظه کردم مکرر هم خواندم اشهد بالله تماما مدت عمر بود که بدون یک نقطه زیاد و اغراق که با کمال صداقت و درستی و کفایت و عقل بعمل آورده انجام داده اید و میتوانم بگویم که هزار خدمت و کارهای دیگر را که کرده اید نوشته ملتفت نشده اید که من خودم میدانم که هر یک از انها اهم سایر چیزها است بسیار بسیار عمده و مثمر اند و شما قابل نوشتن و مذاکره ندانسته اید و از مهر خدمات بالاتر آسودگی خیال شخص ما بوده است خلاصه همانطور که نوشته اید از خداوند عالم مسئلت مینمایم که عمری بدهد و ما و شما را موفق کند که آنچه از خدمات و اصلاحات و خیالات عمده که برای ترقی ملت و دولت در نظر است کاملا بانجام و اتمام برسانیم که نوشته اید اگر خبطی یا خطائی یا رفتاری کرده باشید که مایه دلخوری ما شده باشد و بیاد شما بیاوریم که در آتیه تدارک آن بشود خدا شاهد است بجز خدمت و صداقت و دولتخواهی مفرط و عشق بخدمات دولت در شما چیزی از شما نه شنیده و نه دیده ام بلکه از اول نوکری شما الی حال که صدارت عظمی دارید ندیده ام و نشنیده ام الحمد لله بجز خوبی چیزی نیست که نوشته شود زیاده فرمایشی نبود دستخط سنه ۱۲۸۹ چهارم شهر رمضان پیچی بل

چون در سنه آتیه موکب همایون عزیمت سفر خیر اثر فرنگستان خواهند فرمود ناظم الملک میرزا ملکم خان که علاوه بر وزارت مختار و ماموریت اقامت لندن برای اعلان عزیمت موکب اعلی بفرنگستان بدربار و سلاطین فرنگ سمت ماموریت مخصوص داده در نیمه رمضان روانه فرنگستان شد دکتر طولوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون که موقتا از دربار معدلت مدار مرخص شده بود و بفرانسه رفته این اوقات معاودت نکرده بخاکپای فرقدسا مشرف و بیک قوطی انفیه دان مرصع بالماس سرافرازی حاصل نمود جناب حسینعلیخان که سابقا از جانب دولت علیه در فرانسه و بعد در اسلامبول وزیر مختار بودند بوزارت فواید عامه که از وزارتخانه هائیست که تازه دایر شده اند و لتایداتش برقرار شده منصوب گردیدند

حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم کامکار ولیعهد دولت ابد آیت علیه سلطان مظفر الدین میرزا ادام الله اقباله العالی را بیک قطعه نشان از درجه اول امیر نویانی مکلل بالماس برلیان قرین اعزاز فرمودند جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی بباب عالی احضار

وجناب صفا افندی بجای او برقرار گردید و چون دوانکی اشرف پاشا جناب معزی الیه را بنشان اول شیر و خورشید و حمایل سبز
و عطای یک قطعه قوطی انفیه مکلل بالماس با طغرای ملوکانه مباهی فرمودند و قوطی مزبور صله قصیده غرائی بود که در مدایح اعلیحضرت
همایون انشاد کرده بود حضرت مستطاب اسعد ولیعهد که چون مهد باجازه اعلیحضرت همایون روانه محل فرمانفرمائی و حکمرانی
خود یعنی مملکت آذربایجان گردیدند حاجی شهاب الملک امیر توپخانه مبارکه بحکومت خراسان سرافرازی حاصل نمود در اوایل ماه
ذیقعده الحرام این سال لایحه جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته بعرض حضور مهر ظهور همایون
رسانیدند صدر آن لایحه بدستخط جهانمطاع مبارک موشح گردید و ما تیمناً ابتدا صورت دستخط مبارک را نگاشته بعد
سواد لایحه را ثبت مینمائیم

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

جناب صدراعظم این تفصیل وزرا و دربار که نوشته اید بجا بجا پسندیدیم و انشاءالله قرارش را بزودی بدهید و معمول
بدارید که هر قدر بتعویق افتد باعث ضرر دولتست بجرانی فی ٢ شعبان سنه ١٢٨٩

سواد لایحه مبارکه

محسنات تشکیل دربار اعظم را که بندگان اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و دولته بیان و تصدیق فرموده اند با مضای همان
فرمایشات ملوکانه ابد دولت ابد مدت باید حتماً یک هیئت رسمی داشته باشد فواید چنان هیئت رسمی با منظورات جدیده شاهانه
از برای دولت علیه ایران محسوس است مخصوصاً برای این عهد که بندگان اقدس شاهنشاهی عازم مسافرت فرنگستان هستند
در غیاب همایون زیاده از حد لازم است که دولت ایران یک هیئت رسمی یکصورت با عظم با شکوهی داشته باشد
خلاصه اصول دربار اعظم را عرض کرده ام چون این معانی در این صفحات چندان بروز و ظهوری نداشته اند بنظر خیلی ساده و سهل و بی
نتیجه خواهد آمد همین قدر عرض میکنم که انتظام کل امور دولت بسته باین چند فقره مطالب ساده است نتایج این مطالب را باید در امتحانات
سایر دول مشاهده کرد امیدوارم که از این ترتیب و تقویت همت شاهنشاهی بر این اساس ساده یک بنائی ساخته شود که نام نامی
شاهنشاهی تا انقراض تواریخ مایه تشکر ملت ایران و موجب تمجید کل آیندگان بسازد

تشکیل دربار اعظم

مرکاد اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی کل امور دولت را در میان نه وزارت و یکصدارت تقسیم خواهند فرمود

اسامی نه وزارت از این قرار است

وزارت داخله

وزارت خارجه

وزارت

وزارت جنگ

وزارت مالیات

وزارت عدلیه

وزارت علوم

وزارت فواید

وزارت تجارت و زراعت

وزارت دربار

صدارت عظمی

اجرای جمیع اوامر پادشاهی و اداره کل امور ملک ایران بر عهده این نه وزارتست

اداره این نه وزارت محول بصدارت عظمی است

دربار اعظم عبارتست از هیئت اجتماع این ده وزارت

صدراعظم شخص اول دولت و رئیس دربار اعظم است

عزل و نصب صدراعظم منحصر و موقوف باراده اقدس همایون شاهنشاهی است

عزل و نصب سایر وزرا بحکم اقدس همایون شاهنشاهی موقوف بتعیین صدراعظم است

در باب مجلس وزرا

کلیات امور دولت راجع بمجلس وزرا و حضور صدراعظم است

صدراعظم شخص اول دولت و رئیس مجلس وزراست

مسئولیت کل ادارات دولتی بر عهده صدراعظم است (باین معنی که ارجاع خدمات و صدور فرمایشات علیه بلاواسطه بشخص صدر
اعظم خواهد شد و صدراعظم هر امری که منوط بهر اداره است راجع خواهد داشت)

سایر وزرا هر کدام مخصوصاً در محضر صدارت عظمی مسئول امور وزارت خود می باشند

هر وزیری در امور وزارت خود کاملاً مسلط است

هیچ وزیری عملاً حق مداخله بامور وزارت دیگر ندارد و اما کل وزرا در شور کلیه امور دولتی شریک باعمال همدیگر و عموماً
مسئول امور دولت هستند

در باب شرایط مشورت وزرا

عموم وزرا هر روز یکشنبه و پنجشنبه در یک اداره در جنب اداره صدارت عظمی چهار ساعت بظهر مانده جمع خواهند شد

مطالب مشورت قبل از انعقاد مجلس معین خواهد بود (که در آن روز از چه قبیل گفتگو خواهد شد و چه مواد موقع مذاکره گذارده خواهد شد)

محل مشورت در یک محل مخصوص همیشه ثابت خواهد بود خارج از آن دایره مشورت جایز نخواهد بود

در دایره مشورت بجز امور مشورت هیچ کار دیگر اقدام نخواهد شد

بجز وزرا هیچکس داخل دایره مشورت نخواهد شد

در دایره مشورت مشغولیت خارجه هیچ جهت جایز نخواهد بود

در باب اصول ترتیب وزارتخانه‌ها

هر وزارت باید یک وزارتخانه مخصوص داشته باشد

اجزاء هر یک از وزارتها از روی راپورت آن وزیر بصدارت عظمی و بتصدیق صدراعظم و بامضای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خواهد بود

عده و مواجب و مناصب و تکالیف جمیع عمال وزارتخانه‌ها بحکم مشورت وزرا معین خواهد بود

هیچ وزیری مأذون نیست که عده اجزاء وزارت خود را بدون اجازه صدراعظم در مجلس مشورت زیاد و کم نماید

هیچ وزیری نمیتواند بدون اجازه مجلس منصب تازه اختراع نماید

هیچ وزیری نمیتواند مواجب مناصب را تغییر دهد

هیچ وزیری نمیتواند بدون اجازه صدراعظم یکی از اجزاء وزارت خود را از نوکری اخراج نماید

مواجب مربوط و مخصوص منصب است هیچ ربطی با شخاص نخواهد داشت مواجب حق و اجرت تکالیف نوکری است و باصل منصب مخصوص است وجود اشخاص بمواجب و حقوق دولتی ارتباط و بستگی ندارد تنها اجرت خدمتی است که با شخاص رجوع شده است

ترتیب مناصب اجزاء از روی یک قاعده معین خواهد بود

اسم و رسم مواجب از هم جدا نیست و هرچه بازای هر منصب داده میشود بی‌زیاده و نقصان همان میرسد

مواجبی که حق شخصی اجزای وزارتخانه‌ها است بعد از این اسم مواجب نهاده مستمری و مقرری که عطا میشود

عطای این مستمری موافق یک قاعده مخصوص خواهد بود

مستمری هرگز با مواجب مخلوط نخواهد شد

در باب ترتیب وزارتخانه‌ها

بجهت ترتیب هر یک از این وزارتخانه‌ها یک قاعده جداگانه وضع خواهد شد

چون وضع این قواعد موقوف بمشورت وزراست باید اول مشورت وزرا را برقرار کرد

روح دربار اعظم همین مجلس مشورت وزراست

هر وقت مجلس وزرا موافق این اصولیکه وضع شده قرار یافت دربار اعظم نیز برقرار شده است

این اساس اصلی هرگاه درست منتظم بشود سایر امور دولت بالطبع بتدریج انتظام خواهد یافت چیز یکه حالیه واجب است که این اصول موضوعه را که هیئت اجتماع آن دربار اعظم میگوئیم درست محکم نگاه بداریم و آنهم موقوف بعزم همایون شاهنشاهی است که اطاعت و محافظت این اصول را بر عهده جمیع وزرا مؤکدا واجب بسازد

صدراعظم باید مسئول کل باشد در حضور مبارک همایونی و جمیع وزرا و شعبات سپرده بخود شان مسئولند در نزد صدراعظم و واسطه مراودات امور دولت در خاکپای مبارک شخص صدراعظم است یا یعنی که سایر وزرا مطالب مستدعیات و راپورت کارهای وزارتخانه خود شانرا باید بصدراعظم اظهار نمایند و صدراعظم امورات لازمه مهمه را بخاکپای مبارک عرضه داشته بتحصیل جواب نموده بهر یک از وزرا که تعلق دارد مکتوبا اخبار نماید

اینست قاعده هیئت وزرا که باصطلاح فرنگیها کابینه مینامند حالا در دیا قبول کل یا بعضی از فقرات معروضه موقوف برای صواب‌نمای رکاب اقدس شاهنشاهی روحنا فداه است الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع معروضه دوازدهم شهر شعبان المعظم ۱۲۸۹ صدراعظم

نواب والا معزالدوله حکمرانی ولایت مازندران منصوب گردیده‌اند ایجاد سالنامه در دولت علیه بامر همایون و صوابدید جناب مستطاب اشرف الدوله صدراعظم در ماه ذیقعده این سال شد همچنین ایجاد چراغهای پایه چون برای خیابان ناصریه غره ذیحجه از مخترعات این سال است جناب کنت دو بسکی وزیر مختار دولت اطریش که علاوه بر مأموریت اقامت دربار همایون مأمور بدعوت اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی بممالک اطریش و تماشای بازار اکسپوزیسیون وینه بوده از ابتدای ورود تا حین حرکت از طهران رسومات معموله برود سفرای اول مخابره درباره جناب معزالیه بوجه اکمل بعمل آمده روز بیستم ذیقعده وارد دارالخلافه شد و چهار روز بعد بحضور مهر ظهور مبارک مشرف و نامه مودت ختامه اعلیحضرت امپراطور دولت متبوعه خود را با بعضی هدایا تبلیغ کرده مورد تفقدات بلانهایات اعلیحضرت همایون گردید نطقی که در پیشگاه مرحمت و صورت آن از قرار ذیل است ترجمه آن واقع میباشد

ترجمه نطق کنت دو بسکی

اعلیحضرت امپراطور و پادشاه مجارستان آقای ولینعمت من محض ظهور بروز میل باطنی خویش برای استحکام و تشیید مودت و توسعه رابطه محبت و مراوده فیمابین دولتین فخیمتین ایران این بنده را مفتخر ساختند مأمور خدمت اعلیحضرت شاهنشاه ایران داشته‌اند که عقاید آن اعلیحضرت را معروض دارم

اعلیحضرتا این بنده بنهایت بدین ماموریت معزز و خشنودم زیرا بوسیلهٔ این ماموریت اکنون در محاذات تختی قیام دارم که الحال
سه هزار سال است برپا و استوار است و در میان ملتی هستم که در شهرت و نام معروف آفاق و ایام است مستدعی از بابر همین سریر
هزار ساله هستم که مرحمتی شامل فرمایند تا از عهدهٔ تکلیف خود بطریق شایسته توانم برآمد

پادشاها امپراطور نمسا و پادشاه مجارستان چون از قصد همایون شما بفرنگستان و سیاحت بازدید بعضی ولایات معتبره
پایتختهای ممالک آن اقلیم مستحضر گشته مخصوصا سفارش فرموده‌اند که خدمت اعلیحضرت همایون شما معروض و مکشوف دارم که با کمال شعف و
خشنودی هنگام افتتاح اکسپوزیسیون از موکب اعلیحضرت شما در وینه پذیرائی خواهند نمود و علاوه پذیرائی مهرآمیزی که از موکب همایون شما
خواهند نمود اعلیحضرت شما برای العین ملاحظه خواهید فرمود که در عالم ترقی در حصر کسب صناعت که اسباب فخر و مباهات بنی نوع انسان است
بچه پایه و اندازه رسیده است

اعلیحضرتا اینک توشجاتی که دلالت بر ماموریت این بنده دارد و هدایائی که حاصل کسب صنعت و باندا است و اعلیحضرت امپراطور نمسه
محض اظهار محبت مخصوص خود بحضرت اعلیحضرت شما انفاذ داشته‌اند از لحاظ مبارک و نظر انور همایون شما میگذرانم

مضمون جواب اعلیحضرت همایون که بنده مؤلف از زبان فرانسه ترجمه کرده

بانهایت مشعوفیم که بتازه سفارت دائمی از طرف اعلیحضرت امپراطور آستریه و پادشاه مجارستان در دربار ما برقرار شده و مخصوصا از آن اعلیحضرت
امتنان داریم که شخص شما را بسفارت خود منتخب نموده‌اند و امیدواریم که بواسطه قابلیت شخصی شما رشته محبت حقیقی ما را با اعلیحضرت امپراطور
بیش از پیش استحکام و انتظام حاصل آید چه صرفه دولتین بدین استحکام منوط و مربوط است پیوسته ما بملاقات با امپراطور و راغب ملاحظهٔ
وینه بوده‌ایم که در متون تواریخ معروف و مشهور است اکنون که اعلیحضرت امپراطور بتوسط شما بمسکن سلطنت خود ما را دعوت نموده‌اند
ما نیز بانهایت میل قبول مینمائیم و امیدواریم که انشاء الله بوینه رفته با امپراطور ملاقات نمائیم هدایائی که از جانب هنرمندان دوستان ما
آورده‌اید قبول کرده مانند یادگار عزیزی حفظ خواهیم نمود اما شما با التفات بلانهایات ما نسبت بخودتان مطمئن و متیقن باشید
بوزرای خود امر فرموده‌ایم که تکلیفات شما را اگر مطابق عدل و موافق دوستی باشد بپذیرند

میرزا یوسف خان مستشار سابق دیوان عدالت بنیابت وزارت خارجه و مباشرت مهام خارجه آذربایجان برقرار گردید میرزا نصرالله خان
منشی خاصه وزارت خارجه بنیابت وزارت خارجه نایل آمد میرزا محمود وکیل کارپرداز حاجی ترخان مامور گردید چون نزدیک این
سال خیریت مآل حقوق دیوانی عموم طبقات نوکر از جیره و مواجب و علیق الدواب پرداخته شده و این از خدمات عمده و اصابت رای جناب
مستطاب صدر اعظم میباشد دستخط مبارک با افتخار جناب معظم شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل میباشد

سواد دستخط مبارک

جناب صدر اعظم معتمد الملک کارسازنده و ساوی دیخانه و صاحب جمعان دیوانی را بنظر رسانیدند که در هذه السنه ییچی ییل تماما دو ماه باخر سال
مانده بانها رسانیده‌اید بغیره واضح است که شما اوقات خود را تماما از روی صداقت و امانت و دولتخواهی وقف خدمات کلی و جزئی

دولت

دولت نموده‌اید و دیگر آسودگی و فراغت نداشته و ندارید و مثل و نظیر هم بخیالات شخصی پرداخته کمال عمر شما است در هیچ سنه
نه بشهادت دولت خودمان بلکه در ازمنه سابقه نیز هرگز دیده نشده که تمام حقوق دیوانی طبقات از قشون و غیره باین زودی و خوبی
رسیده باشد این نیت مکرر از کمال کفایت شما و انشاء الله امیدواریم که در کل شعبات دولت در وزیر ترقی حاصل شود خاطر ما از
خدمات شما کمال خرسندی و رضامندی دارد سنه ییچی ییل ۱۲۸۹

در ماه ذیحجه اینسال امتحانات از متعلمین مکتب مجانی که باهتمام بندهٔ مؤلف دایر است بعمل آمده حسن و محاسن این مکتب که در آن السنه
مختلفه و جغرافی و غیره تدریس میشود مشهود جناب مستطاب صدر اعظم و سایر اولیای دولت علیه گردید به بعضی بجهات شاه نبیه
جناب معظم مکتب مزبور را بلقب جلیل خود موسوم و مکتب مشیریه نامیدند و بسیاری از متعلمین را بمدال و نشان نقره و مس مفتخر
فرمودند و در خور آفرین انعامات مبذول داشتند روز هفدهم ذیحجه یکقطعه نشان اقدس که اول نشان این دولت ابدآیت است
از جانب سنی الجوانب همایون بجناب مستطاب صدر اعظم اعطا و مرحمت شد پاشا خان امین الملک وزیر عدلیه در بین راه شاهزاده
عبد العظیم روز هیجدهم ذیحجه از درشکه پرت شده و بهمان صدمه روز نوزدهم مرحوم شد نواب والا معتمد الدوله حکمران
کردستان را موقتا از محل حکمرانی خود بدار الخلافه احضار فرمودند که در عقب موکب همایون و اوان تشریف فرمائی بفرنگستان
بمعاونت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر بمهام کشوری و لشکری رسیدگی نمایند و نواب معظم در ماه
ذیحجه وارد دار الخلافه شدند

وقایع و سوانح عمدهٔ که در اینسال در تمام کرهٔ ارض و اقطار عالم واقع و سانح گردید

اتازونی ینگی دنیا

در ظرف مدت سیزده سال نهصد و ده هزار و چهارصد و بیست و پنج نفر از اهالی المان و یک کرور و سیصد هزار و هشتصد و سی و یک نفر از مردم ایرلند
و هفتصد و پنجاه و یکهزار و هفتصد و شصت و نه نفر انگلیس بخاک اتازونی مهاجرت نموده در آنجا سکنی و جای گرفته‌اند خشکسالی و بارندگی
نشدن در ایالات نیورک هلاک شدن جمع کثیری از حدت حرارت آفتاب در اینسال شصت هزار و هشتصد و پنجاه و دو میل امتداد راههای
آهن اتازونی است

اسپانیا

در ایالات بسیکای و ناوار دن کارلس نامی از شاهزادهای اسپانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را بدور خود جمع مینماید یکی از شبهای در
تابستان جمعی قصد قتل اعلیحضرت پادشاه و ملکه را مینمایند ولی صدمه و آسیبی بآنها وارد نمیاید

المان

دوم ماه مارس که مقارن با روز امضای عهدنامه صلح مابین المان و فرانسه منعقد در سال قبل بود جشنی در برلن و سایر ممالک و بلاد المان گرفته شد به بیست نفر از سرداران بزرگ که در آن معرکه جلادت و رشادت بظهور داده بودند از طرف اعلیحضرت امپراطور علی قدر ایشان انعامات بذل و اعطا شد از جمله پرنس فردریک شارل و کنت ملتکه و ژنرال رون و ژنرال منتفل معادل چهار صد هزار تومان ایران که هر نفری صد هزار تومان باشد انعام داده شد مسافرت اعلیحضرت امپراطور المان بممالک جنوبی المان بجهت سرکشی آن ممالک ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت امپراطور اطریش با اعلیحضرت امپراطور المان در برلن و مستحکم نمودن مبانی دوستی فیمابین را

انگلیس

نزاع عساکر هندوستان با طوایف یاغی در طرف شمال شرقی آن مملکت قتل لرد مایو فرمانفرمای هند بدست شخصی از مسلمانان نصب لرد نرتبروک بفرمانفرمائی هند جشن اهالی انگلیس بجهت سلامتی مزاج نواب ولیعهد طپانچه انداختن شخصی بسمت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و محفوظ ماندن اعلیحضرت معظم الیها از آن ابتیاع نمودن دولت انگلیس بعضی متصرفات هلاند را در افریقا مراجعت استنلی و خبر دادن از سلامتی لیونکستن مسافر معروف دولت انگلیس شش کرور و دویست و پنجاه هزار لیره بدولت اتازونی ینگی دنیا خسارت کشتی موسوم به آلاباما که بنادر انگلیس ساخته شده و در جنگ مابین اهالی شمال و جنوب اتازونی اهالی جنوبی آن کشتی را ابتیاع نموده و بمعاونت آن خسارات کلی بایالات شمال رسانیده بودند

ایطالیا

فوت مازینی از معارف طغیان کوه آتش فشان وزوو

روس

افتتاح راه آهن تفلیس به سبد پوطی انعقاد عهد الفت و دوستی با خان کاشغر تزلزل و اندیشه خان خیوه از عساکر روس بروز وبا در ایالات جنوب و مرکز مملکت

ژاپن

[illegible] در شهر یدو پای تخت فوت سیصد و پنجاه نفر و بی مسکن و ماوی ماندن سی هزار نفر اقتدار سلطنت جسمانی و روحانی میکادو و فرستادن جمعی از جوانان بممالک فرنگ بجهت تحصیل

سوئد و نروج

فوت شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکار دویم برادر او بجای او

عثمانی

عزل و نصب کلی در این مملکت تغییر صدور و وزرای جنگ بتواتر صدارت مدحت پاشا اتهام محمود پاشای صدر اعظم سابق باخذ پول زیاد از صرافان فرنگ فتح عساکر عثمانی قلعه سخت صنعا را در عربستان اختیار تام دادن در جمیع امور از طرف اعلیحضرت سلطان بخدیو مصر منازعه عساکر مصری با امپراطور حبشه

فرانسه

فوت مارشال وایان از سرداران خیالات رئیس جمهوری در انتظامات داخله و دادن وجه مقرره خسارت جنگ را بدولت المان که زودتر ممالک فرانسه را تخلیه نمایند

مکزیک

فوت ژوارز رئیس جمهوری و نصب لردو تاژا بجای او

شرح وقایع سال بیست و هفتم سلطنت و شهریاری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران ادام الله تعالی سنین سلطنته و ایام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و نود هجری تخاقوی ئیل ترکی

کلیه امور دولتی در این سال خیر مآل بتوجهات خاطر خطیر همایون منظم و اهالی ممالک محروسه جمیعا در خصب و راحت و بهامنی و آسایش بوده اند حاجی محمد قلیخان آصف الدوله بوزارت عدلیه عظمی منصوب گردید میرزا محمد قوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد و جناب میرزا هدایت الله وزیر لشکر سابق بوزارت دفتر برقرار آمد جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک علاوه بر وزارت رسایل بوزارت داخله مباهی و نایل گشت امور چاپارخانه های ممالک محروسه را بامیرزاده عبدالعلی میرزا ولد مرحوم حاجی محمد ولی میرزا واگذار فرمودند جناب طامسن وزیر مختار دولت انگلیس مامور اقامت دربار دولت علیه با تشریفات معموله وارد دار الخلافه گردید جشن عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی را جناب مستطاب صدر اعظم با کمال شکوه مانند سال قبل گرفتند مؤلف باعطای یک قطعه نشان از درجه ثانیه شیر و خورشید سرافراز شد جناب میرزا کاظم خان نظام الملک بحکومت یزد منصوب گردید دوستعلیخان نظام الدوله در سن پنجاه و چهار سالگی بمرض محرقه مرحوم شد محمد قاسم خان پسر مرحوم فتحعلیخان ملک الشعرا بحمایت زردی پوشان آنوقت که زمان عزیمت سفر فرنگستان نزدیک شده قشون ظفر نمون حاضر رکاب اعلی شد اما بکرونا بار همایون در بیرون دروازه دولت حاضر شده و ذات ملکوتی صفات مقدس بازدید عساکر منصوره تشریف فرما گردیده ملفوفه فرمان همایون خطاب بآحاد و افراد سپاه ظفر همراه شرف صدور یافته بود جناب مستطاب مشیر الدوله صدر اعظم باواز بلند قرائت نموده همه را از مضمون موهبت مشحون آن با خبر داشتند و سواد ملفوفه فرمان مبارک از قرار ذیل است

سواد ملفوفه فرمان همایون

عموم صاحبمنصبان و آحاد و افراد سربازان اردوی دار الخلافه بدانند که عزیمت موکب همایون بسیاحت فرنگستان و ملاقات پادشاهان و تاجداران با عزت و تمکین که دوست متحد ما هستند نزدیک شده و امروز که چهاردهم شهر صفر سنه ۱۲۹۰ است محض دیدن و مشاهده حالت شماها باینموقع آمده ایم منتهای آرزو و میل همایون ما ترقی امور عسکریه و انتظام کارهای این رشته معظم و رفع واسوختگی شماها بوده و خواهد بود چنانکه دیده اید حقوق عسکریه هر چه در وقت و موقع خود بدون تاخیر عاید بشماها شده است و در آینده نیز بهمین نوال بلکه انشاء الله خیلی منظم تر و بهتر درباره شماها معمول خواهد شد از خدمات و مواظبت شماها در وظایف نوکری خاطر همایون ما راضی و خشنود است و حالا هم با طمینان صداقت تامه و مواظبت کامله که از قاطبه عساکر منصوره سراغ داریم که در غیاب همایون ما از ابتدا علی ما سبق بر مدارج خدمت و صداقت خود خواهند افزود و نظم مملکت را در تحت اوامر دوستانه خود حفظ خواهند نمود این مسافرت را بجهت قلیل مدتی اختیار فرموده ایم خاصه شماها را که اصول اردوی دار الخلافه هستید باید کمال افتخار و مباهات را داشته باشید که ذات اقدس همایون ما پای تخت و جمیع ملزومات عسکریه دولتی را بشما سپرده و با طمینان شما کناره حرکت میفرمائیم و از این سفر خیر بشارت با جمیع افکار و خیالات همایونی خود ما را صرف تکمیل لوازم عسکریه دولت از قبیل اسلحه و معلمین و غیره و غیره خواهیم فرمود و از فکر شماها خاطر مبارک خود ما را فارغ نخواهیم گذاشت در غیاب همایون ما فرزند عزیز خود نایب السلطنه را بنیابت خود ما در پایتخت گذاشته و چون صدر اعظم تشرف التزام رکاب مبارک ما را دارند فقط عم اکرم معتمد الدوله را با اختیار تامه در نزد فرزند معزی الیه میگذاریم ناصر الملک هم از جانب جناب صدر اعظم بریاست شما معین است همان اختیار و اقتداری که از جانب همایون ما در امورات عسکریه بجناب صدر اعظم مرحمت شده است ایشان در غیبت خود بناصر الملک داده اند اطاعت او بر جمیع صاحبان مناصب نظام و تقریرات عسکریه واجب و لازم است و هرگونه اختیار از عزل و نصب و سایر تبدیلات باو داده شده است تصدیق و تکذیب او با طلاع و تصدیق معتمد الدوله درباره هر یک از شماها در حضور همایون ما موقع قبول خواهد یافت مواجب و جیره همه آحاد و افراد قشون را ناصر الملک خواهد رساند این فرمایشات و اوامر ملوکانه را در سنه اصغا

سنه ۱۲۹۰ نموده تخلف نورزند و در کمال مرحمت شما را وداع میکنیم حسب المقرر معمول و در عهده شناسند تحریراً فی چهاردهم شهر صفر المظفر

حاجی شهاب الملک والی خراسان بعضی از اشرار ترکمه را تنبیه نموده است میرزا رضا خان اجودان صدارت عظمی بمنصب سرتیپی سیم مفتخر گردید محمد آقای سرتیپ مشار الیه دفتر سابق دولت علیه مقیم لندن که بدربار معدلت مدار احضار شده بنیابت اول وزارت فوایدیه قرار گردید

از وقایع معظم امسال سفر خیر بشارت اعلیحضرت همایون است بفرنگستان که سابقاً نیز بدان اشاره نموده ایم و اگرچه شرح این سفر نیز چون سایر اسفار ملوکانه بقلم معجز رقم خسروانه مرقوم و بعدها بکرات در ممالک بفارسی و السنه مختلفه طبع و منتشر گردید و از نتایج و فواید عظیمه آن بسیاری از ارباب جرائد و دوایت جراید و مستفید شده اند ولی ما باز خلاصه وقایع این سفر عظیم و اثر کریم را از بود و زینت این کتاب آرایش دانش و هوش اولو الالباب قرار داده بطور اختصار در این اوراق درج مینمائیم

شرح سفر خیر بشارت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه بفرنگستان در سال ۱۲۹۰ هجری

چون موکب فرخنده کوکب همایون با میامن اقبال بیزوال روز افزون عازم سفر فرنگ شد دستخطی با افتخار نواب والا معتمد الدوله شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است و این دستخط مبارک از بین راه مرقوم و مرحمت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

معتمد الدوله از بابت کمال اطمینانیکه بدولتخواهی و کفایت و کاردانی آن عم کامکار داریم زیاده بشما ننوشتیم که امورات را جزو بجزو فقره بفقره مرقوم و انتظام و انضباط کارها را سفارش و تاکید فرمائیم آن عم کامکار را مبسوط الید فرموده ایم انشاء الله تعالی از قرار حکم فرمان مبارک که بکل ممالک محروسه با افتخار حکام و ولایات مرقوم و ارسال شده است و دستورالعمل مکتوبی و شفاهی مرحمت و عنایت شده است با کمال قوت قلب مشغول رتق و فتق امورات دولتی و مملکتی بوده وقایع اتفاقیه را همه روزه بتلگراف نماید هر کس از اوامر و نواهی شما تخلف کند اعم از حکام و ولایات و مامورین دولتی و چاکران درباری و سایر قطعاً مواخذه و بسخط پادشاهی گرفتار خواهد شد چون عریضه آن عم کامکار در عرض راه رسید این دستخط مبارک را محض افتخار آن عم کامکار مرقوم فرمودیم بیستم ربیع الاول سنه ۱۲۹۰

روز شنبه بیست و یکم صفر المظفر امسال خیر مآل با بدرقه عون و عنایات قادر متعال علی الصباح از دار الخلافه باهره موکب خلافت علی اشخاص فرموده تشریف فرمای قریه کن گردیدند جناب منیف افندی ایلچی دولت عثمانی که تازه وارد دار الخلافه شده در کن شرفیاب حضور مبارک شد روز شنبه بیست و هشتم از کن تنکه سولقان تشریف و رود بخشیدند سه شنبه غره ربیع الاول کبریج مضرب خیام معلی بود چهارشنبه دویم قاسم آباد پنجشنبه سیم کاظمان سنگ جمعه چهارم عبدالله آباد شنبه پنجم قزوین یکشنبه ششم آقا باباد دوشنبه هفتم خرزان سه شنبه هشتم لوشان چهارشنبه نهم منجیل پنجشنبه دهم رستم آباد جمعه یازدهم امامزاده هاشم شنبه دوازدهم رشت بورود مسعود همایون مزین گردید امیر تومان ژنرال میخیکوف که از جانب دولت روس مامور مهمانداری موکب معلی است از پطرزبورغ با میرزا عبدالرحیم خان ساعد الملک سفیر دولت علیه مامور اقامت سنت پطرزبورغ قبل از ورود برشت بارگاه همایون پیوستند حکیم الممالک مامور پذیرائی مهمانداران دولت روس انشیرتن میخیکوف جنرال اجودان مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس است و کلنل بیرانگ اجودان مخصوص اعلیحضرت امپراطور نیز با او همراه و مهماندار است دوشنبه سیزدهم بعزم انزلی اشخاص فرموده از پیره بازار بلنکه نشسته قدری روی رودخانه سیر فرمودند کشتی بخار کوچکی ایستاده بود که یک فروند تازه بحکم همایون ساخته شده و نهایت تمام زور تمامی است و ساعتی سه فرسنگ راه طی مینماید و دو فروند از دولت روس میباشد ذات معدلت صفات مقدس در کشتی بخار که بامر اعلی ساخته اند نشستند در یکی از کشتیهای روسی جناب وزیر مختار دولت روس و امیرال سیونیکین و دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون جای داشتند در کشتی دیگر مونیکاچیان روسی بودند

وزیر مختار روس در با بیکو را بحضور مهر ظهور مشرف ساخته مرخص نمود خلاصه چهار ساعت بغروب مانده وارد انزلی شده
دوشنبه چهاردهم ربیع الاول بعد از آنکه جناب حاجی ملا رفیع مجتهد دعای سفر خواند با بدرقه حراست و حفظ حضرت باری تعالی در کشتی
بخاریه دولت علیه نشسته راندند تا بکشتی قسطنطین که مخصوص مسافرت همایونی دولت روس حاضر نموده بود رسیدند و بدان کشتی
نقل فرموده پنج ساعت بغروب مانده لنگر کشیده کشتی براه افتاد چند فروند کشتی جنگی روس که در اینجا حاضر بود متصل شلیک
میکردند کشتی قسطنطین اطاقهای خوب داشت همه مزین و ممتاز پیشخدمتهای اعلیحضرت امپراطور روس با اسباب قهوه خانه و غیره از
پطرزبورغ آمده بودند اسامی ملتزمین رکاب اعلی در سفر خیر اثر فرنگستان از این قرار است

اشخاصیکه در کشتی اول موسوم بقسطنطین که مخصوص اعلیحضرت همایون است بودند

(جناب مستطاب صدر اعظم حاجی میرزا حسینخان) (جناب معتمد الملک) (جناب عضد الملک) (منشی حضور) (امین السلطان) (امین السلطنه)
(مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه) (دکتر طولوزان حکیمباشی حضور) (عکاسباشی) (غلامحسینخان زین دارباشی) (محمد حسنخان مخفی) (امین خلوت)
(فرج خان) (امیرزاده وجیه الله میرزا) (جعفرقلیخان قهوه چی باشی) حاجی محمد خان (آقا رضای دهباشی) (میرزا عبدالله فراش خلوت) (میرزا عبدالرحیمخان
ساعد الملک) (سلطان حسین میرزا) (آقا محمد علی) (آقا حسنعلی آبدار) (آقا باقر) (جبار قهوه چی) (نوکرهای جناب مستطاب صدر اعظم
سه نفر) (بنده مؤلف نیز در این کشتی بشرف التزام رکاب اعلی مباهی بود)

اشخاصیکه در کشتی ترنفسکی بودند

(نواب والا عز الدوله عبدالصمد میرزا) (نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا حسام السلطنه) (نواب والا نصرة الدوله) (نواب
والا عماد الدوله) (جناب علاء الدوله) (جناب حسنعلیخان وزیر فواید) (جناب الله قلیخان ایلخانی) (میرزا قهرمان امین لشکر) (حکیم الممالک)
(امیرزاده احتشام الدوله سلطان اویس میرزا) (مفخر الملک سرهنگ اول) (جناب مجد الدوله) محمد ابراهیم خان (شجاع السلطنه) (حسنعلیخان ژنرال آجودان) (امیر
رضاخان سرهنگ آجودان صدارت) (ابراهیمخان نایب) (میرزا احمدخان ولد جناب علاء الدوله) (حلوادار دو نفر) (مهتر یک نفر) (نوکر ملتزمین
هشت نفر)

از فرنگیها که در کشتی ترنفسکی بودند

(جناب مسیو دیسکی وزیر مختار نمسه) (جناب مسیو طومسن نایب سفارت انگلیس) (مسیو دکسن حکیم انگلیسی)

سه شنبه پانزدهم ربیع الاول اول طلوع آفتاب شدید تمام اشتادان رسیدند از دو ساعت بظهر مانده دریا منقلب و طوفان شد و تا مدتی
این انقلاب دوام داشت یکساعت و نیم از شب گذشته کشتیها بجائی رسید که معروف بفرا اسپین است و کشتی بزرک را همانجا متوقف شد
و با یک کشتی کوچک نشسته بحاجی طرخان رفت ساعتی بعد مسیو بی بن حاکم حاجی طرخان بحضور مبارک مشرف شد و اجازت

حاصل نمود که شبانه بحاجی طرخان رود و مهیای پذیرائی مقدم مبارک باشد خلاصه از دریا وارد رود ولگا شده و تا چهار
ساعت و نیم بغروب روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول کشتیها در رود ولگا مانده مزبور در حرکت بود دو ساعت بطلوع حاجی طرخان
بورود مسعود خسروی مزین آمد صبح شانزدهم میرزا ملکم خان وزیر مختار و میرزا اسدالله خان قونسول و میرزا میکائیل برادر
میرزا ملکم خان از حاجی طرخان بکشتی آمدند پذیرائی کارگذاران دولت روس در حاجی طرخان از مقدم مبارک با علی درجه کمال بود
طاق نصرت خوبی ساخته بودند کلانتر شهر چنانکه در ممالک روس رسم است که هنگام ورود امپراطور و پادشاهان لا غیرهم در شهرها معمول
میدارند نان و نمک جلو آورد در این نمکدان طلا و در سینی نقره مطلا که نان در آن نهاده تاریخ ورود مسعود اعلیحضرت همایون را
بشهر حاجی طرخان نقش کرده بودند دار الحکومه این شهر که برای منزل معین شده محض تشریفات قدوم سعادت لزوم مقدس زاید الوصف
زینت یافته بالجمله پرنس منچیکوف و کلنل براک باتفاق جناب مستطاب صدر اعظم از حاجی طرخان باجازه همایون از جلو بمسکو رفتند
کلیساهای این شهر هم خوب بود در حضور مبارک کردند روز پنجشنبه هفدهم ابتدا بمسجد مخصوص مسلمانان شیعه بعد بمسجد اما
که متعلق باهل سنت است تشریف بردند پس از آن بعمارتیکه بعضی از اسباب پطر کبیر در آنجا ضبط است توجه فرمودند و قایق
بزرک در اینجا بنظر انور رسید که پطر کبیر بدست خود ساخته مخصوصا یکی از ابنیارات اسباب ما حوت بست کرده است عرض
پطر کبیر و کاترین امپراطریس را هم آنجا نقش کرده اند بعضی از اسباب نجاری پطر کبیر از قبیل اره و کلنک و مته و غیره در این عمارت
بدیوارها آویخته بود پس از بازدید این اماکن بعد از ظهر این روز تشریف بقایقهای اسکله شده بعزم ساریتسین در کشتی بخار موسوم
بالکساندر که از کمپانی است نشسته کشتی مزبور در رود ولگا براه افتاد این کشتی بسیار مزین و وسیع و قشنگ بود روز هیجدهم
سه ساعت و ربع بغروب مانده بشهر ساریتسین نزول اجلال فرمودند این شهر در بلندی رودکنار رود ولگا واقع شده و از اینجا ابتدا
راه آهن است حاکم ساراطوف که شهر ساریتسین جزء حکومت او ست با جمعی بحضور مبارک آمد اسم او گالوکین است و امنکی است در اینجا هم
طاق نصرت خوب ساخته بودند بعد از ملاقات مستقبلین مجددا بکشتی معاودت فرموده یکساعت از شب رفته براه آهن نزول فرمودند
کالسکه های راه آهن از کالسکه های مخصوص اعلیحضرت امپراطور بود وسیع و مزین با اطاقهای متعدد از سفره خانه و خوابگاه و اطاق
پذیرائی همه بهم وصل با چراغ و میز و صندلی و تخت و نیم تخت خلاصه عبور از ایالت تامبوف ... والفو ربکی حاکم شهر مسکو
باستقبال موکب همایون آمد و مسیو کاماروف مترجم اعلیحضرت امپراطور که از جانب اعلیحضرت امپراطور آمده بود بحضور مبارک مشرف
شد بعد از آن بشهر مسکو ورود فرمودند و شرح تشریفات را اگر بخواهیم در هر جا بنامه بنگاریم از خود کتابی مبسوط شود و برخی
از آن در سفرنامه مبارکه همایون مسطور است لهذا ما بر وقایع اهم در این مسافرت اختصار مینمائیم منزل اعلیحضرت همایون و ملتزمین
رکاب اعلی در مسکو عمارت کرملین است که از عمارات سلطنتی معروف بنا میباشد بودنهای زیاد این عمارت که در پله بود صف
موصوف و زینت مزین است ملحوظ نظر انور گردید بعد از جمله در پایین عمارت کرملین جواهرالات و تاجهای قدیم پادشاهان

وغیره را چیده و از چینیهای قدیم و طلا و نقره آلات و اسباب تحفه و غنایمیکه در جنگ گرفته‌اند در این محل بسیار است مدرسه لازارف
و تماشاخانه و موزه این شهر نیز ملحوظ نظر شاهانه گردید بصاحب منصبان و جنرالهای نظامی متوقف مسکو با سردار کل قشون مسکو
عصر مبارکه آمده و موزه را تفقد کرده بودند یکشب هم در خانه پرنس دالغوروکی بال تشریف فرما شدند روز سه شنبه سیم ربیع الاول
بگار نیکلا که سر راه آهن پطرزبورغ است تشریف فرموده بعد از اعطای نشان تمثال همایون بحاکم مسکو از این شهر اتصال نموده روز شنبه
چهارم بشهر سنت پطرزبورغ بالیمن والاقبال نزول فرمودند اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روس الکساندر دویم با نواب ولیعهد و پسرهای
دیگر اعلیحضرت معظم و نواب گراندوک نیکلا سپهسالار کل عساکر روس و نواب گراندوک قسطنطین نیکلایویچ برادران اعلیحضرت امپراطور
در گار باستقبال حاضر بودند و اعلیحضرت شاهنشاه ایران را با کمال گرمی پذیرفتند صاحب منصب زیادی با لباسهای رسمی
سر راه بودند خلاصه با شرایط اعزازی خارج از حد بیان وارد عمارت سلطنتی شدند بعد از تشریف فرمائی باطاق مخصوص
منزلگاه همایون بفاصله لحظه کنت آدلربرگ وزیر دربار از جانب اعلیحضرت امپراطور نشان سنت آندره که اعظم نشانهای دولت روس
و مکلل بالماس است با حمایل آبی آورده باعلیحضرت شاهنشاه ایران تقدیم نمود بعد از دقیقه اعلیحضرت شاهنشاهی بازدید باعلیحضرت
امپراطور تشریف برده ساعتی بعد عازم بازدید نواب ولیعهد شدند و عصر با اعلیحضرت امپراطور بمنزل اعلیحضرت شاهنشاه تشریف
آورده متفقا بتماشاخانه توجه نمودند صبح روز پنجشنبه پنجم پرنس گرچاکف صدر اعظم دولت روس بحضور همایون آمد و بعد از
معاودت پرنس اعلیحضرت امپراطور بمنزل اعلیحضرت شاهنشاه تشریف آورده باتفاق تشریف فرمای میدان شان دُمارس یعنی میدان
مشق شدند و سان خوبی داده شد زیاده از بیست هزار قشون سواره و پیاده در این میدان بود بعد چون نهار را بخانه پرنس
اولدنبورغ مهمان بودند روانه آن سمت شدند مقارن نصف شب امشب بمجلس بال بخانه تشریف فرما گردیدند اعلیحضرت امپراطور هم در این
مجلس تشریف داشتند روز جمعه ششم ابتدا سفرای خارجه بحضور مبارک مشرف آمدند بعد بتماشای موزه ارمیتاج توجه فرمودند
تلگرافخانه شهر را نیز در اینروز مشاهده فرموده و مشق آنها ملحوظ نظر انور گردید عصر اینروز در منزل اعلیحضرت امپراطور بشام
موعود بودند و در این شام صد و هفتاد نفر دعوت شده صرف غذا کردند هم در اینروز از پاریس خبر دادند که مسیو طیر
رئیس جمهوری از این شغل استعفا کرده و مارشال ماک ماهون سردار را رئیس کرده اند روز شنبه هفتم از نواب گراندوک قسطنطین
برادر اعلیحضرت امپراطور و نواب گراندوک نیکلا برادر دیگر اعلیحضرت معظم و پرنس گرچاکف صدر اعظم و بارینتسکی که دوست
اعلیحضرت امپراطور و مرد بسیار پیر محترمی است دیدن فرمودند این شخص یکوقتی حاکم قفقاز بوده است روز یکشنبه هشتم ابتدا با
امپراطور در کالسکه نشسته بمیدان مشق رفته تماشای مشق سواره نظام و غیره را نموده بعد بقلعه و بانک دولتی تشریف فرما گردیدند
و ضرابخانه را که در همین قلعه میباشد بازدید فرمودند در اینجا یک مدال طلائی بزرگی که یکطرف آن صورت اعلیحضرت امپراطور و طرف
دیگر بخط فارسی تاریخ ورود و اسم مبارک اعلیحضرت همایون نگاشته و رسم شده ضرب نمودند شب را از تیپر دویم اعلیحضرت امپراطور

دیدن

دیدن فرمودند و در منزل ایشان با اعلیحضرت امپراطور و نواب ولیعهد و جمعی دیگر از رجال و اعیان شام صرف نمودند روز
بیست و نهم بگردش و تماشای پطرهوف و کرنشتاد تشریف بردند روز غره شهر ربیع الثانی با پرنس گرچاکف محاورات فرموده شب را
در شهر سارسکوسلو که عمارت و باغ مخصوص اعلیحضرت امپراطور در آنست و چهار فرسنگ کمتر با شهر مسافت دارد و با راه آهن در بیست دقیقه
از آن طی میشود بشام موعود بودند و در این شب اعلیحضرت امپراطور بملتزمین رکاب اعلی بتفاوت شئونات نشان و انگشتری و شال
وغیره دادند و اعلیحضرت همایون اسب موسوم بجانی را با اعلیحضرت امپراطور و اسب حلقه را بزوجه نواب ولیعهد هدیه دادند روز دویم
بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور از راه ویلنا که شهر روس و کونیگسبورغ که شهر پروس است عزیمت المان و پروس فرمودند
روز سیم عمارت سلطنتی شهر کونیکسبورغ منزلگاه اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی است از اولیای پروس شرایط
تشریفات مقدم مبارک کاملا معمول میشود رئیس مهمانداران که دولت پروس فرستاده ژنرال اجودانی معتبر و اسمش بوین است
روز چهارم عازم برلن گردیده از شهر یادنبورغ عبور فرمودند در اواخر این روز وارد گار برلن شدند اعلیحضرت امپراطور گیلیوم و
نواب ولیعهد پسر ایشان و نواب پرنس شارل برادر ایشان و فردریک شارل پسر برادر اعلیحضرت امپراطور که فاتح متز است و شاهزادهای
دیگر از خانواده سلطنتی مثل پرنس ههن زلرن که شاهزاده جوان است و جنگ المان و فرانسه در سر همین شاهزاده شد که فرانسه
راضی نبودند که پادشاه اسپانیا شود و پرنس بزمارک صدر اعظم دولت المان و مارشال رون وزیر جنگ و صدر اعظم پروس با سایر
جنرالها و صاحب منصبان و فوج خاصه موزیکانچی فوج سواره نظام و غیره و جمعیت زیاده از حد هم سر راه آهن بودند پذیرائی بسیار
خوب شایانی کردند آنگاه اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه سرباز نشسته بقصر سلطنتی که برای منزلگاه موکب
معلی معین شده بود تشریف فرما گردیدند و بعد از گردش در این عمارت و صحبت اعلیحضرت امپراطور بمنزل خود عودت نمودند قدری بعد
اعلیحضرت شاهنشاه بخانه اعلیحضرت امپراطور رفتند و ایشان تا پای پله استقبال کردند بعد از دیدن و چندی صحبت معاودت
فرمودند روز پنجم بسیاحت شهر پتسدام که خارج برلن است تشریف فرما شده در این شهر از ملکه قدیم یعنی زوجه پادشاه سابق
پروس که برادر اعلیحضرت امپراطور و حالیه مرحوم بوده دیدن فرمودند و از زوجه پرنس شارل که خواهر اعلیحضرت امپراطریس
المان و مادر فردریک شارل است در عمارت دیگری دیدن کردند بعد مراجعت ببرلن فرموده شب را در عمارت منزل اعلیحضرت
همایون اعلیحضرت امپراطور شام مخصوص بسیار ممتازی دادند روز ششم بسیاحت باغ وحش برلن و بعضی اماکن دیگر شهر تشریف
روز هفتم بسیر آکواریوم یعنی جائیکه حیوانات و نباتات دریائی را بجهت تماشا نگاه میدارند توجه فرمودند هم در این نهار
و زوجه نواب ولیعهد که دختر اعلیحضرت پادشاه انگلستان است دیدن فرمودند شب را اعلیحضرت همایون با شاهزاده سیم بوده
از شاهزادها و شاهزاده خانمهای پروس در عمارت فوقانی منزل اعلیحضرت شاهنشاه مهمان اعلیحضرت امپراطور وزره پوش شاهی
بازدید میدان مشق و تماشای مشق افواج و سواره و بازدید جبه‌خانه مشغول بودند و شب امپراطور هذا امپراطریس پیاده شده با نواب
از عمارت بوکنکام

ملتزمین رکاب مبارک را بشام دعوت نموده بودند و دو نشان از کل نوار مکلل بالماس با حمایل نیز از جانب اعلیحضرت امپراطور به اعلیحضرت
شاهنشاه تقدیم شد انگاه با کالسکه بخار تشریف فرمای شهر پتسدام شدند و شب برای دعوت شام اعلیحضرت امپراطور بقصر بابلد
تشریف بردند برای خواب بمنزل معاودت کردند روز دهم به پارلمنت یعنی دار الشورای المان ورود فرمودند بعد بخانه پرنس بزمارک
معهود که مقابل عمارت سلطنتی منزل اعلیحضرت همایون بود توجه نموده و هم در این روز با اعلیحضرت امپراطور وداع فرمودند روز
یازدهم عازم شهر کلون و ویسباد شدند میرزا ملکم خان (ناظم الملک) بجهت قرار نامه جزئی یقینک در برلن ماندند در بین راه حکام بلاد
و قلاع بحضور مبارک تشرف میجستند از شهر هانور و وستفالی گذشتند یکساعت بغروب مانده بکارخانه کروپ رسیدند
مسیو کروپ صاحب کارخانه یکعراده توپ برشش پوندی با اسباب الات پیشکش مقدم مبارک نمود شب شهر کلون منزل موکب همایون بود
روز دوازدهم بعد از تماشای باغ نباتات و باغ وحش و ماهی خانه کلون حرکت فرمودند تا بشهر بن رسیدند از آن گذشته بشهر کوبلنس و
از آنجا عبور کرده بعد از طی مسافت زیاد بشهر ویسباد ورود فرمودند روز سیزدهم قصبه شوالن و قصبه ابرنش بقدوم همایون مزین
آمد روز چهاردهم عزیمت شهر فرانکفرت فرمودند و بعد از بازدید و سیاحت آنشهر بویزباد مراجعت نموده شب را در آنشهر بسر بردند روز
پانزدهم بعزم بادن باد انتهاض فرمودند و از شهر ماینس و فرانکفرت و دارمستاد عبور شد و در اینجا با اعلیحضرت امپراطور روس و نواب
ولیعهد روس و زوجه ایشان ملاقات کردند معظم الیهم از شهر وینه با یکرم امپرس رفته بودند از اینجا گذشته بشهر هیدلبرغ که اول خاک
گراندوک دباد است رسیدند پس از آن بشهر کارلسروهه که پای تخت گراندوک باد است ورود فرمودند گراندوک با جمیع بزرگان
مملکت در کار حاضر بودند در اینجا صرف غذا و قدری گردش فرموده انگاه با راه آهن روانه بادن باد شدند این گراندوک آزادی
و استقلال دارد دختر اعلیحضرت امپراطور المان زوجه او است خلاصه شب را در بادن باد بسر بردند روز شانزدهم گراندوک ببادن باد
آمده و در اینجا مهمانی بسیار خوبی نمود و آخر الامر بویزباد معاودت فرمودند روز هفدهم در کشتی بخار نشسته از رودخانه رن
عازم شهر اسپا که اول خاک بلژیک است شدند بعد از طی مسافتی بشهر کوبلانز رسیدند از اینجا گذشته بشهر بون ورود فرموده از
کشتی بیرون آمده تا بشهر کولن راندند و از اینجا عزیمت بلژیک نموده از شهر دورن که از شهرهای پروس است عبور کرده بعد ها
از شهر اکسلاشاپل که باز از شهرهای المان است گذشته رسیدند برودخانه کوچکی که سرحد بلژیک و المان است از آنجا نیز
عبور نموده بدون حالت رسمیت وارد شهر اسپا گردیدند مع ذلک حاکم شهر و بزرگان آنجا و سواره نظام و جمعیت زیادی بسر راه برادر
هیجدهم و نوزدهم بسیاحت اسپا و حوالی آن گذشت روز بیستم عزیمت بروکسل پای تخت بلجیک فرمودند و بعد از اعلیحضرت امپراطور
کالسکه های بخاری اعلیحضرت پادشاه بلجیک لئوپلد دویم که برای سواری اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب امپراطور در کالسکه
نشسته روانه شدند بعد از ساعتی بشهر لیژ که کارخانه های اسلحه سازی و کالسکه بخار سازی معتبر دارد وضع لباسهای که در همین
بعد از دو سه ساعت بشهر بروکسل ورود فرمودند اعلیحضرت پادشاه و برادر ایشان کنت دوفلاندر دیگر بخط فارسی تاریخ وس

وهم

وهم صاحب منصبان نظامی و قلمی وغیره در کار حاضر بودند بعد از تقدیم تشریفات کامله اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت لئوپلد در
کالسکه روبازی نشسته بعمارت دولتی رفته در اطاقهای مزینه دویم اعلیحضرت پادشاه منازل اعلیحضرت همایون را نشان
داده بمنزل خودشان که اطاقهای آخر همین عمارت بود رفتند اعلیحضرت همایون ابتدا ایشان صورت حضرات را برای آن پادشاه
ذبجاه فرستاده بعد بباز دید ایشان رفتند اعلیحضرت لئوپلد نوه دختری لوئی فلیپ پادشاه سابق فرانسه و پسر دائی اعلیحضرت
پادشاه حالیه انگلیس است سه دختر دارد و پسر ندارد کنت دوفلاندر برادر ایشان عجالة ولیعهد است لاردلنس صاحب و کامبل صاحب
طمسون صاحب و چند نفر دیگر از اعیان انگلیس که برای مهمانداری آمده بودند در بروکسل بحضور مبارک مشرف شدند روز بیست
و یکم بسیاحت بعضی ابنیه و مواضع شهر و قصر لاکن که عمارت ییلاقی پادشاه و ملکه است و در این عمارت نشان آفتاب را با حمایل آن توجه فرموده
بملکه اهدا فرمودند شام امشب را مهمان اعلیحضرت پادشاه بودند روز بیست و دویم بعد از وداع اعلیحضرت پادشاه بکار تشریفات
شده در کالسکه نشسته از راه بندر استاند عازم انگلیس شدند و از مملکت فلاندر گذشته به بندر مزبور که بخارگاه بحری است
رسیدند در اینجا از کالسکه پیاده شده از اسکله داخل کشتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان گردیدند این کشتی موسوم بویزیلان بود
امیرال معتبر سفاین انگلیس که موسوم بمالک کلن تلناست و چند دفعه بسیاحت جزایر قطب شمالی رفته باستقبال موکب همایون آمد
صاحب منصبان بحری بسیار آمده بودند از بندر استاند تا دوور که اول خاک انگلیس است پنجساعت راه میباشد دریای مانش
که بطوفان و موج زیاد معروفست در نوبت نهایت آرام بود در عقب کشتی و بریلان سه کشتی بزرگ میآمد و کشتی بزرگ دوش
جنگی از دو طرف دسته راست و چپ محض احترام حرکت میکرد سفاین بسیار آمد و شد مینمود چون بسواحل انگلیس رسیدند
کشتی جنگی زیاد باستقبال آمد کشتیهای بخار و قایقها و سفاین که بجاهای انگلیس و اعیان در آنها نشسته بتماشا آمده بودند
بشماره در نمی آمد خلاصه به بندر دوور ورود فرمودند پسرهای اعلیحضرت پادشاه انگلستان با وزیر دول خارجه انگلیس لرد
گرانویل و اعیان و اشراف لندن باستقبال آمده بودند افواج و سواره بسیار و تماشاچی زیادی نیز در اینجا دیده میشد
پسر وسطی اعلیحضرت پادشاه دوک دادیمبورغ و پسر سیمی پرنس آرتور نام دارد ایشیک آقاسی باشی اعلیحضرت پادشاه موسوم
بلرد سیدنی که مرد معتبر و بمنصب پیشخدمت باشی دارد با مستقبلین همراه بود بعد از انجام تشریفات لایقه از اسکله بالا
رفته سوار کالسکه بخار شدند بعد از طی چند قدمی بعمارتی رسیدند که در آنجا نهار حاضر شده بود پس از صرف نهار
باز در کالسکه بخار نشسته عزیمت لندن فرمودند بین راه از قصبه و آبادی اسلیشهورست که مقر ناپلئون سیم بوده
و هم در آنجا وفات کرده گذشتند تا رسیدند باول شهر لندن نواب ولیعهد دولت انگلیس پرنس دوگال با سواره زره پوش خاصه
نواب معظم و همه وزرا و اعیان و جمعیتی زیاده از حد از اهل نظام وغیره حاضر بودند اعلیحضرت همایون پیاده شده با نواب
ولیعهد دولت انگلیس و جناب جلالتماب صدر اعظم و لرد مرلی مهماندار در کالسکه روبازی نشسته روانه عمارت بوکنکام

که منزل شهری اعلیحضرت پادشاه است برای منزلگاه اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی معین شده بود کردیدند عموم
اهالی لندن اظهار مسرت کامل از ورود مسعود شاهانه میکردند هنگام عزیمت بود اعلیحضرت پادشاه انگلستان وامپراطریس
هندوستان در قصر وینزر که در شش فرسنگی شهر است و با راه آهن بیک ساعت طی مسافت مزبوره میشود بودند روز
بیست و سیم ربیع الثانی بازدید نواب ولیعهد تشریف بردند نواب ولیعهد دولت روس و زوجه ایشان که خواهر زوجه
نواب ولیعهد دولت انگلیس و هر دو دختر پادشاه دانمارک اند آنجا بودند بعد بمنزل پرنس الفرد که ملقب بدوک دادینبورغ است
رفتند از آنجا بخانه دوک دکامبریج پسر عموی اعلیحضرت پادشاه که سپهسالار کل قشون انگلیس است بعد بخانه خواهر همین دوک
از آنجا تشریف فرمای منزل کردید به سفرای خارجه وزرای انگلیس که در نیوقت از دستونک مباشند بالرد کلادستون صدر اعظم
ولرد کرانویل وزیر خارجه بحضور مبارک تشرف جستند و شب را در منزل نواب ولیعهد با شاهزادگان و جناب مستطاب صدر اعظم
و غیره موعود بودند بعد از شام بخانه دوک دسوترلند که از نجبای انگلیس است و سالی یک کرور مداخل دارد بشب نشینی دعوت
شدند روز بیست و چهارم با جمیع ملتزمین رکاب اعلی بقصر وینزور دیدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان تشریف بردند چون
در پای پله قصر پیاده شدند اعلیحضرت پادشاه تا پای پله اعلیحضرت همایون را استقبال کردند جمیع شرایط مودت و اعزاز ملحوظ شد
بعد هالرد امیرلاند وزیر دربار پادشاهی نشان ژارتیر مکلل بالماس را که بزانو بند معروف و از نشانهای معتبر انگلیس و سوای اعلیحضرت
پادشاه انگلستان که رئیس اداره این نشان اند و شاهزادگان انگلیس و سلاطین خارجه کسی دارای این نیست بجهت اعلیحضرت شاهنشاهی
آورده اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان برخاسته بدست خود ان نشان را به پیکر انور ملوکانه زدند و حمایلش را
انداخته جوراب بند را هم دادند (نشان ژارتیر را ادوارد سیم پادشاه انگلستان در سنه هزار و سیصد و چهل و نه
عیسوی در قصر وینزور اختراع نموده بعضی گویند از اسباب کار فتح کریسی که فلیپ چهارم پادشاه فرانسه را شکست داد این نشان را اختراع
کرد برخی بر این اند که در یکی از مجالس بال جوراب بند کنتس سالیسبوری معشوقه ادوارد افتاده اسباب خنده حضار شده پادشاه
از کمال غیرت و علاقه که باو داشت جوراب بند را برداشت و گفت منفضح باد کسیکه خیال بد کند و همین عبارت در تسمه نشان زانو بند
نقش است و گفت همین بندجوراب را بقدری محترم خواهم کرد که همه برای تحصیل آن منت بکشند این شد که از آن نشان اولد ولت قرار داد)
اعلیحضرت همایون هم نشان و حمایل آفتاب مکلل بالماس را با نشان تصویر بی نظیر مقدس همایون با علیحضرت پادشاه انگلستان
دادند بعد بسر میز صرف نهار فرمودند پس از آن قدری در آن نواحی گردش کرده و مراجعت بشهر شد شب را در خانه لرد مر حاکم شهر
لندن مهمان بشب نشینی و سوپه که شام بعد از نصف شب است بودند سه هزار نفر امشب دعوت شده بودند روز بیست و پنجم
بتماشای کارخانجات ولویچ که جبه خانه و توپخانه و آهنگر خانه دولت انگلیس است تشریف فرما شدند ولویچ در حقیقت شهر نیست و چون با آبادی لندن وصل است
با از محلات لندن می باشد بعد از تماشای کارخانجات و بازدید مشق توپخانه مراجعت بمنزل فرمودند در محل مشق توپخانه بودند

پیشکش حضور مبارک کردند روز بیست و ششم بسیاحت باغ وحش گذشت روز بیست و هفتم برای سان کشتیهای جنگی عزیمت بندر
پرتسموث که یکی از بنادر معتبر جنگی انگلیس است فرمودند و از مشق جنگ دریائی و کارخانجات که اسباب کشتی بخار و بحری می سازند
تماشای کامل بعمل آمد و شب را بمجلس کنسرت یعنی ساز و آواز که در عمارت آلبرت هال است تشریف برده در بین راه اغلب کارخانجات
صنایع متفرقه ملحوظ نظر انور همایون کردید مجلس ساز مزبور بطوری بود که از اول عالم تا این زمان کسی نظیر آن را ندیده و در
این مجلس دوازده هزار نفر مستمع در کمال سکوت و آرامی باستماع نغمات بسیار خوش مشغول و محظوظ بودند روز بیست و هشتم
قشون هند با اجزای خود بحضور مبارک تشرف جستند اهالی شهرهای انگلیس نیز بعریضه تهنیت مشرفیاب شدند دو ساعت بعد از ظهر
بجهت سان قشون که اعلیحضرت پادشاه انگلستان خواسته بودند عازم قصر وینزور شدند در میدان مشق که جمع و سی
و هشت هزار نفر سواره و پیاده بودند کمال خوبی مشق کردند و پس از وداع با اعلیحضرت پادشاه انگلستان بشهر مراجعت شد
روز بیست و نهم بگرینویچ که متصل بشهر و خارج و در کنار رود تمس واقع و در حقیقت از محلات و در دست شهر است تشریف
بردند مدرسه بحری انگلیس در اینجاست ملحوظ نظر انور اقدس کردید بعد برصدخانه تشریف برده آنجا را نیز بازدید فرمودند روز سلخ
ربیع الثانی بسیاحت شهر لیورپول و قصر ترنتام که مال دوک دوسوترلاند است گذشت روز جمعه غره جمادی الاولی عازم شهر منچستر
شدند و بعد از تماشای کارخانجات پارچه و دیدن دیدنیهای این شهر که بتجارت معروف است بقصر ترنتام معاودت فرمودند روز دوم
تشریف فرمای لندن شدند و عصر در شیزیک برای گردش و صحبت و عصرانه مهمان نواب ولیعهد انگلیس بودند اعلیحضرت پادشاه انگلستان
هم باین محل آمدند این عمارت و باغ مال دوک دودوونشیر است که از متمولین انگلیس میباشد و امانة بنواب ولیعهد داده که ییلاق ایشان باشد
در باغچه در اینجا درختکاری اعلیحضرت همایون بیادگار بدست مبارک غرس فرمودند این عمل در فرنگستان یکنوع احترام بزرگیست
نسبت باشخاص بزرگ روز سیم بگردش در بعضی مواضع شهر گذشت روز چهارم بصحبت بعضی وزرا و تماشای مشق تلمبه چیان
و بوکس (مشت زدن بهم) مشغول بودند شب را در عمارت بلور که اول اکسپوزیسیون فرنگستان در هجده نوزده سال قبل در آن
برپا شده موعود بشام بودند باغ عمارت بلور بهترین باغهای انگلیس است بعد از شام آتشبازی ممتازی شد روز پنجم بتماشای
بانک و برج سینت لندن و کلیسای سنت پول و وست منستر و پارلمنت و خانه کلادستون صدر اعظم تشریف فرما کردیدند روز ششم
برای وداع با اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوینزور تشریف بردند و بعد از تقدیم رسوم تشریفات و اعزاز عکس جمال همایون
را بیادگار با علیحضرت پادشاه انگلستان دادند اعلیحضرت پادشاه انگلستان نیز عکس خود را با عکس پرنس لیوپلد که پسر کوچک ایشان است
با علیحضرت همایون دادند و از آنجا بخانه پرنسس هلینا دختر اعلیحضرت پادشاه انگلستان که زوجه پرنس کریستیان از شاهزادگان
هولستین آلمان است رفتند بعد عزیمت بقصر پرنس البرت شوهر اعلیحضرت پادشاه فرمودند در مراجعت در بین راه دو درخت سرو
کوهی بیادگار بدست مبارک در محلی غرس فرمودند روز هفتم بعمارت بلور تشریف فرما شده بخرید بعضی اسباب پرداخته بعد

بتماشای عمارتی که از روی قصر الحمرا که اعراب هنگام تسلط خودشان در اندلس و تغلب در اسپانیول بنا کرده بودند ساخته اند توجه فرمودند
از آنجا بماهی خانه رفتند و بعضی سیاحتهای دیگر نیز شد روز هشتم ابتدا بدیدن نواب ولیعهد انگلیس تشریف برده بعد بمریضخانه سنت
توماس که در مقابل پارلمنت واقع است و از آنجا بخانه لرد دارکیل وزیر هند و پس از آن بازندری بسیاحت اماکن و ابنیه و تماشاخانه
گذرانده بودند مهربانی و اعزاز و احترام و تشریفات دولت انگلیس از شخص اعلیحضرت پادشاه انگلستان تا وزرا و اعیان و آحاد
و افراد ناس نسبت بوجود مسعود اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب بدرجه بود که بتحریر و تقریر نیاید روز نهم جمادی الاولی
عزیمت بندر شربورغ فرانسه نموده در کار ویکتوریا با نواب ولیعهد وداع کرده با کالسکه بخار حرکت فرمودند و بعد از سه
ساعت وارد بندر پورتسموث شدند و از اینجا در کشتی فرانسه که سابقاً موسوم بالکل و از ناپلئون سیم بوده که برای سواری
خودشان ساخته بودند و حال راپید نام دارد داخل گردیدند وقت غروب آفتاب در بندر شربورغ کشتی اقامت کرده
روز دهم صبح سوار قایق شده بطرف ساحل توجه فرمودند بعد در کالسکه بخار نشسته از مملکت نورماندی عبور شد و نیم
ساعت در شهر کان پای تخت نورماندی توقف کردند از شربورغ تا پاریس از راه آهن هشت ساعت راه و نود فرسنگ مسافت
دارد یکساعت بغروب مانده بحوالی پاریس رسیده از پل رودخانه سن که در خارج شهر واقع است گذشته داخل شهر پاریس شدند
در حالیکه موسیو بیاسی با سایر رجال و اعیان دولت فرانسه حاضر بودند مارشال ماکماهون رئیس دولت جمهوری و دوک
دوبروکلی که تازه وزیر امور خارجه شده تعارف فرمودند که از قبل منزلگاه اعلیحضرت همایون است امروز و امشب بعضی جاها
و ابنیه معتبره پاریس را سیاحت فرمودند و با مسیو بوفه رئیس دارالشورای ملی و بعضی دیگر از بزرگان ملاقات اتفاق افتاد روز یازدهم
بعضی از باغات و مواضع که از جمله باغات وحوش و طیور و ماهی خانه بوده ملحوظ نظر انور گردید شب را هم بگردش بازار سرپوشیده تشریف
فرما شدند خلاصه تا روز بیست و سیم موکب همایون در پاریس اقامت داشت و بیازدید اماکن معتبره و کارخانه جات و مدارس و غیره
میپرداخت از جمله روزی بتماشای عمارت و باغ ورسایل تشریف فرما شدند و شب در آنجا مهمانی بزرگ و چراغانی و آتشبازی
مهمانی بود روزی عزیمت انوالید که مقبره ناپلئون اول و سایر سرداران و برادران ناپلئون و سرداران قدیم ایام لوی چهاردهم
و غیره در آنجاست فرمودند روز دیگر بلونشان که چمن وسیعی است برای سان قشون تشریف برده و قریب صد و بیست فوج پیاده
نظام که هر فوج چهارصد پانصد نفر بودند و سیصد عراده توپ از لحاظ نظر مهر آثار همایون گذشت روز دیگر نیز برای اسب دوانی
بلونشان توجه فرمودند و شب نیز چراغانی و آتشبازی بود شبی بتماشای سیرک رفتند و از آنجا بعمارت لوور که جمیع حکما
و دانشمندان پاریس آنجا بودند تشریف فرما گردیدند روزی بجائی که پانوراما یعنی دورنما نام دارد بسیاحت مشغول شدند و در اینجا
حالت جنگ فرانسه با پروس و محاصره پاریس چنان نمودار بود که گویا الآن صورت وقوع دارد روزی بکلیسای نتردام و مدرسه
معادن و روز دیگر بگردش عمارت لوکسامبورغ که در این وقت دارالحکومه شهر پاریس میباشد و بعضی باغات و عمارات دیگر و کلیساها تشریف

بردند

بردند شبی بپاله رویال که جائیست وسیع و در آن چهارصد پانصد دکان دارد که همه چیز از جواهر و اسباب خوب و ملبوس و
اسباب خرازی و بلور و چینی و غیره میفروشند تشریف فرما شده بعضی چیزها خریده شد روز دیگر بتماشای ضرابخانه روز دیگر بکارخانه
قالیبافی و چاپخانه و عمارت لوور و روز دیگر مجدداً بورسایل و کارخانه چینی سازی سور و ورسایل و دارالشوری و روز دیگر بباغ وحش و
و نباتات و شبی در عمارت وزارت خارجه بدعوت مسیو دبروکلی وزیر امور خارجه تشریف بردند روز دیگر ببوتنس که سمت
جنوب پاریس و خارج از شهر است و صحرائی بوده چمن و جنگل و ناپلئون سیم در آنجا با نهر و دریاچه با صفا ساخته توجه کردند
و همین وقت مدرسه خواهران ترحم دینی را بازدید فرمودند و شب اسیر هم بتماشای سیرک گذشت خلاصه بعد از بازدید و سیاحت
کامل روز بیست و سیم شهر جمادی الاولی از پاریس عازم دیژن که یکی از شهرهای فرانسه است شده در کالسکه بخار نشسته وقت
غروب باین شهر ورود فرمودند دیژن پای تخت مملکت بورکن است روز بیست و چهارم از دیژن حرکت فرموده عصر بشهر ژنو
رسیدند مهمانداران فرانسه که ژنرال باژال و ژنرال آبتور و کلنل شون و مسیو برنستن بودند تا اینجا که آخر خاک فرانسه
است مرخص شده رفتند ژنو از شهرهای سویس و کارخانهای ساعت سازی و مونتک سازی آن معروف دنیاست روز
بیست و پنجم بسیر دورنمای دریاچه ژنو گذشت و نهار را مهمان مسیو سرزل پریزیدان که وطنش شهر ژنوی است بودند شب چراغانی
و آتشبازی خوبی کنار دریا و توی کشتی کردند روز بیست و ششم نیز بسیاحت همان حدود گذشت روز بیست و هفتم در مهمانخانه
هوتل دلابه سیهار موعود دولت سویس بودند و بعضی اماکن و موزه و غیره ملحوظ نظر آفتاب اثر شاهانه گردید عصر آنروز
نیز در باغ و ییلاق مسیو فاور که یکی از متمولین و نجبای سویس است و آن باغ و ییلاق کنار دریاچه ژنو سمت خاک سویس
واقع است مهمان بودند روز بیست و هشتم از ژنو بشهر تورن پای تخت قدیم مملکت ساردن و پیمون تشریف فرما گردیدند
در بین راه از شهر شامبری که ممکن شد تشریف بعمل آمد بعد از غروب آفتاب بکار شهر تورن رسیده اعلیحضرت
ویکتور امانوئل ثانی پادشاه ایطالیا و نواب پرنس هومبر ولیعهد و نواب پرنس آمدیو پسر دویم پادشاه که دو سال در اسپانیا
سلطنت نموده بعد استعفا کرده و مسیو منکتی صدر اعظم و بعضی دیگر از رجال دولت ایطالیا در کار موکب معلی را
پذیرفتند و اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در کالسکه دو بانی نشسته بعمارت دولتی که برای منزلگاه اعلیحضرت
همایون بود و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا نیز در همین عمارت منزل دارند تشریف برده وقت شب بود و کوچه ها را چراغان کرده
بودند بعد از چند دقیقه بیازدید اعلیحضرت پادشاه رفتند روز بیست و نهم در تورن اقامت شد و بیازدید اسلحه خانه
و بعضی اماکن دیگر گذشت شام را مهمان اعلیحضرت پادشاه ایطالیا بودند و بعضی اسباب که اهداء از نزد اعلیحضرت معظم
با اعلیحضرت شاهنشاه هدیه نمودند روز سلخ جمادی الاولی بتماشای ابنیه و کتابخانه اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و باغ وحش
و طیور و گردش شهر و میدان مشق مشغول بودند شب چراغانی و آتشبازی خوبی کرده بودند روز غره جمادی الثانیه از تورن بعد

وداع اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و بدرقه ایشان تا دم کار عازم شهر میلان شدند و دو ساعت بغروب مانده بآن شهر ورود
فرمودند و در همین روز کلیسای این شهر را که نظیرش در تمام عالم نیست و چهار هزار جسمه مرمر و کیپهای مختلف دارد تماشا
نمودند و اگرچه این کلیسا شایسته است که شرح داده شود اما چون وصف آن بوجه اکمل در کتاب مستطاب سفرنامه همایون
بقلم معجز رقم مبارک نگاشته و مسطور شده ما از آن گذشته فقط بوقایع تاریخی میپردازیم بالجمله نواب ولیعهد دولت ایطالیا
که از روز قبل بمیلان برای پذیرائی مقدم مبارک آمده پذیرائی کامل نمود و شب را مهمان او بودند روز دویم عزیمت شهر سالس
بورغ که جزء مملکت اطریش است فرمودند و از شهرهای متعدد عبور شده تشریفات کامله همه جا بعمل آمد در آستاسیون آلا که سرحد
دولتین ایطالیا و آستریه است کالسکه‌ها ایستاده مأمورین و مهمانداران اطریش بحضور مبارک آمدند رئیس مهمانداران کنت
دو کرنویل شخصی معتبر و پیشخدمت باشی اعلیحضرت امپراطور آستریه است منصب نظامی هم دارد از آنجا گذشته شب را هم در راه بودند
فردا بشهر سالس بورغ نزول فرمودند روز سیم بقصد وینه موکب مسعود حضرت را نهضت بود در بین راه از شهرهای متعدد
عبور کرده تشریفات کامله بعمل آمد نزدیک غروب باستاسیون پاینزنک رسیده کالسکه ایستاد اعلیحضرت امپراطور بنفسه
فرانسوا ژوزف دم کالسکه ایستاده منتظر بودند با نواب ولیعهد و شاهزادگان آن مملکت که دو فرسنگ شهر باستقبال
آمده بودند پائین آمده با اعلیحضرت امپراطور شرایط مودت و اتحاد را ظاهر ساختند و با کالسکه بخار روانه منزل که قصر
لاکسانبورغ است شدند این قصر تا شهر وینه پنج فرسنگ مسافت دارد منزل اعلیحضرت امپراطور قصر شونبرون است که بشهر
نزدیکتر میباشد روز چهارم بقصر شونبرون ببازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند روز پنجم ملاقات نواب ولیعهد
وگردش در همین اماکن گذشت روز ششم بعضی از شاهزادگان و کنت آندراسی صدر اعظم و بعضی سفرای خارجه بحضور مبارک
مشرف شدند بعد از آن با کالسکه بخار بقصر شونبرون تشریف برده شام را مهمان رسمی اعلیحضرت امپراطور هستند شونبرون
قصبه‌ایست و خانه‌های آن وصل بخانه‌های بیرون شهر وینه است و چندان از شهر دور نیست در این روز نشان اعلیحضرت همایون
نشان تمثال مبارک خود را که مکلل بالماس بود بنواب ولیعهد دادند روز هفتم بتماشای شهر وینه و بازار اکسپوزیسیون
پرداختند و بسیاری از مواضع را از اکسپوزیسیون و غیره که بازدید میفرمودند اعلیحضرت امپراطور همراه بودند از دولت ایران هم
متاع و اجناس باین اکسپوزیسیون آورده و بامر همایون اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه عمارتی بطرز سبک ایران در کمال امتیاز
ساخته اند روز هشتم بگردش باغ و دریاچه گذشت روز نهم اعلیحضرت امپراطور اعلیحضرت همایون را بشکار دعوت کرده شکار بسیار
خوبی شد هم در بین روز باغ وحوش و طیور ملحوظ گردید و در همین روز کورپسیلوماتیک وینه بحضور مبارک مشرف شدند روز دهم
بگردش و عکس و غیره گذشت و شب را در تماشاخانه بتماشاهای عجیب که حالات دیو و پری و اجنه جنگلهای سبز و بهار و بعد حالت قطب شمال
و کوههای یخ و اوضاع آنجا را مینمود مشغول بودند روز یازدهم برای سان قشون اتریش بشونبرون تشریف فرما شدند و اعلیحضرت امپراطور

پانزده هزار قشون در بیرون از سان نظر مهر اثر اعلیحضرت همایون گذرانیدند روز دوازدهم شب را نیز [illegible] علیاحضرت
امپراطریس که بجهت علت مزاج به ییلاق رفته بودند مراجعت بشونبرون کرده در این محل مهمانی بسیار خوبی نموده ذات ملکوتی صفات
مقدس تشریف فرمای شونبرون شدند چراغانی و آتشبازی بسیار خوب هم شد روز سیزدهم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور
بشهر سالس بورغ تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم شهر انسپروک بورود موکب مسعود شاهانه مزین شد و روز پانزدهم عزیمت
شهر بولون ایطالیا فرمودند در بین شهر ژنرال کرافی منبر اظهار مسرت و امتنان از اینکه مجدداً اعلیحضرت همایون بخاک ایطالیا ورود نموده‌اند
از اعلیحضرت پادشاه ایطالیا که در شکارگاه کوه آلپ میباشند رسید روز شانزدهم در بولون توقف شد و بگردش این شهر و بناها
پرداختند روز هفدهم عازم برندیزی که آخر بندر ایطالیاست و اینجا کشتیهای دولت عثمانی حاضر شده که موکب اعلی را باسلامبول
ببرند شدند و فردای آن روز که روز هیجدهم باشد به بندر مزبور ورود فرمودند و کشتی از دولت عثمانی یکی موسوم بسلطانیه مخصوص
سواری اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان سلطان عثمانی و یکی موسوم بطلیعه در اینجا حاضر و اشرف پاشا که سابقاً بسمت وزیر
مختاری در دارالخلافه اقامت داشت با این کشتیها بود دو ساعت بغروب مانده اعلیحضرت همایون با بعضی خواص در کشتی سلطانیه نشستند
و سایرین داخل کشتی طلیعه شدند روز نوزدهم عازم اسلامبول گردیدند شام و نهار را آشپز اعلیحضرت سلطان در کمال امتیاز
طبخ میکند روز بیستم از سواحل یونان عبور نموده روز بیست و یکم از خلیج آتن پای تخت یونان گذشته شش ساعت و نیم از شب گذشته
نزدیک بغاز داردانل شدند روز بیست و دویم بعد از نهار ببغاز داردانل رسیدند محمد رشدی پاشای صدر اعظم مشهور بشیروانی زاده
با رجال و صاحب منصبان بزرگ دولت عثمانی از اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان بچناق قلعه باستقبال موکب همایون آمده بود
کشتی سلطانیه مقابل قلعه سلطانیه لنگر انداخت محمد رشدی پاشا و همراهان او بحضور مبارک مشرف شدند از اینجا تا اسلامبول
ده ساعت راه است یکساعت و نیم بغروب مانده لنگر کشیده بطرف اسلامبول روانه شدند روز بیست و سیم سه هزار نفر از تبعه ایران
که در اسلامبول بودند در کشتیها نشسته باستقبال موکب معلی آمدند ایلچیهای خارجه نیز در کشتی بخار نشسته باستقبال آمده بودند
خلاصه کشتی آمد تا محاذی عمارت مشهور به بیکلربیکی که برای منزل اعلیحضرت همایون تعیین شده این عمارت طرف آناطولی بغاز واقع
است و از عمارات بسیار ممتاز دولتی میباشد و چون در محله بیکلربیکی ساخته شده باین اسم می نامند از آنجا که جریان آب بغاز
از بحر قرادنکز بسیار مار است و بسیار تند میرود کشتی ممکن نشد که محاذی عمارت لنگر بیندازد از عمارت گذشته هزار قدم بالاتر
ایستاد بعد از چند دقیقه اعلیحضرت سلطان که در عمارت بیکلربیکی بودند سوار قایق مخصوص که برای اعلیحضرت همایون حاضر کرده
بودند شده بکشتی سلطانیه آمده از اعلیحضرت شاهنشاهی پذیرائی شایان نموده پس از ده دقیقه صحبت از کشتی پائین آمده اعلیحضرت
شاهنشاه ایران و اعلیحضرت سلطان عثمانی متفقاً در قایق نشسته بساحل تشریف فرما شدند و اعلیحضرت سلطان اعلیحضرت
همایون را بعمارت برده اطاقهای منزل و عمارات را نشان داده بعمارت خودشان مراجعت نمودند امروز در ورود موکب مسعود هر گونه

تشریفات بوجه اکمل بعمل آمد بعد از پنج ساعت اعلیحضرت شاهنشاهی با جناب مشیر الدوله صدر اعظم و جناب معتمد الملک و علی بیک
تشریفاتچی باشی بعمارت طولمه باغچه بازدید اعلیحضرت سلطان رفتند اعلیحضرت سلطان تا پای پله باستقبال آمدند و اظهار کمال مودت و اتحاد را
نمودند و بعد از قدری صحبت بمنزل معاودت فرمودند روز بیست و چهارم سفرای خارجه مقیم اسلامبول و وکلای دولت عثمانی بحضور مبارک
تشرف جستند فرید پاشا از جانب والده اعلیحضرت سلطان باحوالپرسی و تهنیت ورود مسعود مبارک آمد قدری از روز را هم بگردش و
سیاحت گذرانیدند روز بیست و پنجم در عمارت بالی چراغان نهار را مهمان اعلیحضرت سلطان بودند روز بیست و ششم بشهر اسلامبول بتماشای
مسجد ایاصوفیا و سفارتخانه ایران تشریف فرما شدند نواب یوسف عزالدین افندی پسر اعلیحضرت سلطان که شانزده ساله می باشد در نیز رود
بدیدن اعلیحضرت همایون آمد امشب شام را در عمارت بشکطاش دعوت رسمی بود در روز بیست و هفتم بسیاحت جزایر و کشتی عزیزیه و غیره
گذشت روز بیست و هشتم در باغ والده اعلیحضرت سلطان باتفاق اعلیحضرت معظم نهار را موعود بودند در نیز روز باغ و حوض و طیور هم
ملحوظ نظر انور گردید شب آتش و حقه بازی در حضور همایون کارهای غریب عجیب کرد روز بیست و نهم کامل پاشا رئیس دار الشورای دولت
بحضور مبارک مشرف شد عصر این روز بباب عالی صدر اعظم تشریف فرما شدند روز غره رجب بعد از وداع با اعلیحضرت سلطان در کشتی سلطانیه نشسته
عزیمت پوتی نمودند و چون کشتی طلیعه که وقت آمدن با کشتی سلطانیه بود چندان امتیازی نداشت کشتی موسو بعیسی بجای این برای ملتزمین
رکاب علی معین شد روز چهارم به بندر پوتی رسیدند و پرنس مجیکوف و کلنل بزاک مهمانداران سابق دولت روس که ابتدا با تفلیس
آمده بودند باز باینجا آمده مشغول پذیرائی مقدم مبارک شدند و از کشتی سلطانیه بکشتی بخار کوچکی که از طرف پوتی آمده بود
نقل مکان کرده و در رودخانه داخل و جائیکه از کشتی خارج میشدند لب رودخانه اطاق کوچکی موجود کرده بودند و نواب
گراندوک میشل برادر اعلیحضرت امپراطور روس که جانشین و فرمانفرمای قفقاز است با صاحبمنصبان و ژنرال ها در اسکله حاضر بودند
بعد از تقدیم تعارفات و تشریفات با کالسکه بخار براه افتادند و فردا صبح بتفلیس رسیدند در اینجا نیز تشریفات کامله بعمل آمد و در
این روز از نواب گراندوک میشل دیدن کردند نواب معظم نیز بازدید خود را بعد از اعلیحضرت همایون آمدند و بعد ها بعضی مواضع دیدنی را
در شب این روز ملحوظ نظر مهر اثر شاهانه گردید روز شنبه ششم شاهزاده بهمن میرزا که از قراباغ آمده بود با پسرهای خود بحضور
مهر ظهور مبارک مشرف شد شب این روز در خانه جانشین بشام موعود بودند چراغان و آتشبازی بسیار خوبی کرده بودند روز هفتم از
تفلیس عزیمت بادکوبه فرمودند روز هشتم تشریف فرمای گنجه گردیدند روز نهم بطرف توریان چای که از محال شکی است توجه شد شب
یازدهم دو ساعت از شب رفته شهر شماخی بورود مسعود همایون مزین گردید همه جا را چراغان کرده بودند روز یازدهم نیز دو
ساعت از شب گذشته شهر بادکوبه ورود فرمودند و بعد از صرف شام بکشتی قسطنطین که در ابتدای سفر خیر اثر در آن نشسته بودند
داخل شده و بعضی ملتزمین رکاب ظفر نصاب همایون نیز در کشتی موسو بشاه نشسته براه افتادند روز دوازدهم اگر چه نزدیک
بانزلی شدند ولی طوفان و انقلاب دریا مانع بود که وارد اسکله انزلی شوند روز چهاردهم رجب بانزلی تشرف ورود ارزانی فرموده

عموم اهالی ممالک محروسه را از سلامت و معاودت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی قرین تشکر کامل و مسرت وافر کردید و سفر خیر اثر
فرنگستان بسعادت اختتام یافت

تذییل

بعضی سوانح که قریب بیاد داشت نواب جهانسوز میرزا سواره نردبانی را مامور کرده سواره مزبور را که در تبسیر کرده انچه نهب نموده
بودند از ایشان مسترد ساختند از وقایع حزن انگیز امسال رحلت نواب علیه عالیه جده عظمی و شکر کبری مهد علیا والده محترمه
اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که روز ششم ربیع الثانی در دار الخلافه طهران بجوار رحمت الهی پیوستند و در بلده طیبه قم
در بقعه مبارکه حضرت معصومه سلام الله علیها در مقبره شهریار مبرور ماضی مدفون گردیدند عباسقلیخان سردار لاریجانی بیست و
هفتم ربیع الاول مرحوم شد نواب فخر الدوله عمه اعلیحضرت همایون شب بیستم شهر جمادی الاولی برحمت ایزدی پیوست جناب
حاجی سید اسد الله مجتهد اصفهانی ولد مرحوم حاجی سید محمد باقر از اجله علمای اصفهان در بین راه عتبات عالیات در منزل کرند
شب سلخ جمادی الاخری داعی حق را لبیک اجابت گفت جناب حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله صدر اعظم بعد از ورود موکب مسعود
بخاک ایران از منصب جلیل استعفا کرده در رشت متوقف گردیدند روز سلخ رجب المرجب موکب اقدس اعلی که از سفر خیر
اثر فرنگستان معاودت فرموده دار الخلافه باهره را بمقدم بهجت شیم مبارک مزین نمود وزارت جنگ و امارت توپخانه مبارکه
و قورخانه و کلیه امور متعلقه باداره عسکریه کما فی السابق بعهده کفایت نواب والا نصرة الدوله موکول آمد مجلس دربار
با اجزای مسطوره در ذیل تشکیل یافت (جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر داخله و رئیس کل دفاتر و محاسبات و
خزانه و غیره و رئیس دار الشوری و ناظم دار الخلافه و خالصجات) (نواب والا نصرة الدوله وزیر جنگ) (نواب والا اعتضاد
السلطنه وزیر علوم) (نواب والا عماد الدوله وزیر عدلیه اعظم) (جناب میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه)
(جناب نصیر الدوله وزیر تجارت) (جناب مجد الملک وزیر وظایف) (جناب میرزا علیخان منشی حضور وزیر رسایل) جناب اجل
آقای مستوفی الممالک باعطای قلمدانی مرصع بجواهر مباهی گردیده دستخطی جهانمطاع بافتخار جناب معظم شرف صدور یافت
که سواد آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

وجود جناب آقا در مجلس دولت لازم است و از آمدن جناب ایشان کمال خرمی و خوشحالی بما دست داد انشاء الله تعالی امور متعلقه
و سپرده بخود را مجدداً بتحت قاعده و نظم خواهد آورد
از امروز که روز غره شعبان المعظم است بخواست خداوند مشاغل امور مخصوصه معتبره را بجناب ایشان محول و موکول میفرمائیم
که انچه در قوه دارد بانتظام آنها بکوشد و در این امور تا ولا حد بنفسه امداد فرموده ثانیاً ما کمال تقویت را انشاء الله تعالی خواهیم

نمود سنه ۱۲۹۱ تخاقوی ئیل مراجعت از فرنکستان نوشته شد

وزارت داخله که حدود معینه دارد و تفصیل داده خواهد شد با ریاست دار الشورای دولتی رسیدکی بمحاسبات دولت و مملکت و ریاست دفترخانه استیفا و جمع و خرج نظم خزانه و بیوتات دولت کلیه رسیدکی بامور دار الخلافه باهره و خالصجات مخصوص طهران و بلوکات آن

جناب علاء الدوله که علاوه بر منصب کشیکچی باشیکری در سفر خیریت اثر فرنکستان موقتا بسمت ایشیک آقاسی باشیکری معرفی شدند در این اوان اداره فراشخانه مبارکه و باغات و عمارات دیوانی دار الخلافه باهره و سایر بلاد ممالک محروسه را مزید سایر مشاغل جناب معزی الیه نموده بایشان و اکنار و باعطای یک قبضه عصای مکلل بالماس برلیان مباهی آمدند آقا رضا عکاسباشی و پیشخدمت مخصوص خازن صرف جیب همایون کردید واجودان مخصوص حضور و دستخط ملوکانه در بنیاب شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سواد دستخط مبارک

آقا رضای عکاسباشی پیشخدمت خاصه از عهد صبی و اوایل حال در آستان اعلی تربیت شده و در رجوع هر خدمت قابلیت خود را ظاهر کرده خاطر ما را راضی داشته است این اوقات بمنصب تحویلداری وجوه صرف جیب مبارک و جنس را بعهده او محول فرموده محض مرحمت خاطر مهر مآثر او را بسمت اجودانی مخصوص حضور مبارک اختصاص دادیم که باین موهبت قرین کمال مباهات و مفتخر بوده در خدمت محوله شرایط امانت و صداقت مرعی دارد فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۹۰

چون نواب والا عماد الدوله بوزارت عدلیه اعظم برقرار آمد دستخط جهانمطاع مبارک از قرار مضمون مسطور در ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

چون نظم امور رعایا و عرض عارضین و ملهوفین همیشه منظور نظر ما بوده و هست لازم است که شخص امین و نوکر دولتخواه انتظام این شغل و امر بزرک بکماریم که بعدالت تمام دفع ظلم را از مظلوم کرده بمراتب عاکوی و آسودکی عموم رعایا بیفزاید لهذا عماد الدوله را که دارای صفات حسنه است منتخب فرموده این شغل بزرک را بعهده کفایت و درایت او میکذاریم و امیدواریم اینطور منظور نظر ما است قوه بفعل آورده در این ماده از طرف ما کمال تقویت در انتظام این شغل با او خواهد شد انشاء الله تعالی سنه ۱۲۹۰ تخاقوی ئیل بندکان مولف بمنصب معاونت دیوانخانه عدلیه اعظم مفتخر و سرافراز آمده دستخط مبارک شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سواد دستخط همایون

عماد الدوله برای ابلاغ احکام همایونی بدیوان عدالت عظمی و عرض مطالب این وزارتخانه بحضور مبارک و کرفتن عرایض عارضین در سوابق محمد حسنخان صنیع الدوله را معین فرمودیم که در سفر و حضر مواظب انجام خدمت بوده خاطر آن عم اکرم را از این فقرات آسوده دارد و بموجب این دستخط بسمت معاونت دیوانخانه عدلیه اعظم برقرار و بانجام و اجرای تکالیف مقرره مامور است فی شعبان سنه ۱۲۹۰

برای هر یک از ولایات ممالک محروسه نیز مقرر شد عدالتخانه موضوع و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عدلیه دار الخلافه معین کردد روز هیجدهم شعبان موکب معلی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار الفنون و مریضخانه دولتی شده وضع انتظام این دو دایره جلیله زاید الوصف پسند خاطر مهر مظاهر شاهانه کردیده دستخطی با فتخار نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

اعتضاد السلطنه مواظبت شما در خدمات دولت همیشه ممدوح و مطبوع ما بوده و اینکه در غیاب خود هم بحسن اداره و کفایت خود نظم امر مدرسه و سایر خدمات مقرره را نکاه داشته اید که امروز کار مدرسه و مریضخانه را باین خوبی مشاهده کردیم زیاده بیشتر خاطر ما راضی شد بعلامت این رضا و مسرت خود مان یکثوب سرداری از ملبوس مخصوص فرستادیم که بر حسن کاملتر شما از ما امیدوار باشید زیاده فرمایشی نیست

حکمرانی عراق بجناب دبیر الملک واکذار فرمودند جناب میرزا علیخان وزیر رسایل بلقب جلیل امین الملک ملقب کردید حسنعلیخان نزال اجودان باشی بحکومت و لایات اردبیل و مشکین و ایلات شاهسون این ولایت سرافراز فرموده این شغل را علاوه بر ریاست افواج سپرده باو فرمودند جناب عضد الملک را علاوه بر منصب جلیل خوانسالاری و خازنی مهر مهر آثار بمنصب ایلخانی کری ایل جلیل قاجار سرافراز فرمودند و دستخط همایون از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

چون انتظام امور قاجاریه همیشه منظور نظر ما بوده و هست لهذا در هذه السنه تخاقوی ئیل و ما بعد ها ایلخانی کری کل قاجاریه را علاوه بر نظارت و مهرداری بعهده عضد الملک واکذار میفرمائیم که در اداره نوکر ایل و نظم امور شان مساعی جمیله بکار برده کوتاهی نکند فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۹۰

جناب کنت دیسکی وزیر مختار دولت نمسه مقیم دربار دولت علیه ایران که چندی قبل بجهة پذیرائی مقدم مبارک اعلیحضرت همایون بوینه معاودت کرده بود که مجددا بموجب ماموریت سابق و لاحق خود بدربار دولت علیه عود کرده روز پنجم رمضان با شرایط تشریفات وارد دار الخلافه کردیده و روز هشتم بحضور مهر ظهور تشرف جست محض مرحمت مخصوص

ارجاع حسن الجوایز همایون درباره حضرت مستطاب اجل شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه ایران سلطان مظفرالدین میرزا ادام الله اقباله العالی یک قبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس بسیار گرانبها با افتخار نواب مستطاب معظم مرحمت فرمودند و این بنده آن عطیه مبارکه را بجناب صاحب دیوان وزیر مملکت آذربایجان ابلاغ داشت که ایشان خدمت شاهنشاهزاده اجل اعظم تبلیغ نمایند و جناب صاحب دیوان نیز بمنصب جلیل و لقب جلیل وزیر نظامی و یکثوب جبه شمسه مرصع خلعت آفتاب طلعت همایون سرافراز گردیدند دستخط همایون بشرح ذیل با افتخار جناب معزی الیه شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

چون صاحب دیوان در خدمات محوله بخود در آذربایجان کمال سعی را کرده است مخصوص در امر قشون در این اوقات که از رکاب مرخص شده باذربایجان میرود او را بمنصب جلیل وزیر نظامی مفتخر فرمودیم که با کمال دلگرمی مشغول خدمات محوله بخود باشد سنه ۱۲۹۰ تخاقوی ئیل

ابلاغ اوامر علیه بمجلس شورای کبری و عرض عرایض وزرای فخام بخاکپای مبارک بر عهده امین السلطنه پیشخدمت خاصه مقرر آمد و دستخط همایون از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط همایون

اعلام و احکام وزرای دارالشورای کبری بعهده محمد علیخان امین السلطنه است که سمت ایشیک آقاسی باشیگری وزرا خواهد داشت در ایام شنبه و سه‌شنبه دائماً و مستمراً و در اوقات دیگر حسب الاتفاق که مطلبی باشد و حضور وزرا لازم افتد همه را در مجلس دربار اعظم حاضر خواهد کرد و موافق فرمایش ما صورت مشورت و مسئله مفروضه را بآنها ابلاغ خواهد نمود و حاصل مشورت را بحضور خواهد رسانید شهر شعبان سنه ۱۲۹۰

جناب مسیو ملینه که از جانب دولت فرانسه سمت وزیر مختاری مامور دربار دولت علیه بود در اواسط رمضان با شرایط تشریفات معموله وارد دارالخلافه گردیده روز سیم ورود بحضور باهرالنور اقدس تشرف جست نواب شجاع الدوله بحکومت همدان سرافراز آمد نواب محمد امین میرزا بحکومت کلپایگان و خوانسار مباهی گردید بانجام خدمات مسطوره در ذیل بعهده میرزا قهرمان امین لشکر موکول گردید (وصول وجوه نظام از ولایات ممالک محروسه) (تصدی امر ملبوس کل قشون) (رسیدگی بامور جبه خانه نظام) (محاسبات نظامی و رسیدگی بامور محاسبه قورخانه ممالک محروسه)

حاجی میرزا یحیی خان نایب نور را یکی از نوکرهای او برخم حیادپاده از پا درآورد امیر علیخان حشمة الملک امیر تومان که در سیستان خدمت کرده بود بیک قبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس مفتخر گردید فوج بهادران تبریز را علاوه بر فوج ششم اقبال جمعی محمد باقرخان شجاع السلطنه بمعزی الیه ابواجمع فرمودند و وزارت عسکریه باهتمام حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه

امیر کبیر ادام الله اقباله العالی و نواب والا حسام السلطنه و نواب والا معین الدوله و جناب ناصرالملک و میرزا موسی رئیس دفتر لشکر بنهایت منظم است و وزارت امور خارجه را بر عهده کفایت جناب حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله مفوض فرمودند و دستخط مبارک در این باب از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

چون وزارت امور خارجه از اعظم امور دولتست انتظام آن پیوسته منظور نظر است لهذا در این اوقات اداره و منصب وزارت امور خارجه را بعهده کفایت جناب میرزا حسینخان مشیرالدوله واگذار فرمودیم که آنچه در قوه خود داشته باشد صرف انتظام اینکار نماید سنه ۱۲۹۰ تخاقوی ئیل

امیرزاده هوشنگ میرزا ولد مرحوم ملک آرا را با ایلخانی گری یکهزار سوار افشار و دویرن و غیره و لقب ایلخانی سرافراز فرمودند نصرالله خان حاکم برکازرون بمنصب سرتیپی سیم و اللهیارخان حاکم اسالم بمنصب سرهنگی مباهی آمد خدمت تولیت آستانه ملک پاسبان حضرت رضوی سلام الله علیه را بجناب میرزا سعیدخان مؤتمن الملک رجوع فرمودند عباسقلیخان سرکرده نوکر اشرفی بیک قطعه نشان سرهنگی از درجه اول با حمایل آن سرافراز آمد وزارت تجارت بر عهده جناب نصیرالدوله میرزا عبدالوهابخان مقرر است حکومت بروجرد بکفایت نواب والا اعزالدوله عبدالصمد میرزا موکول است ابراهیم میرزا پسر مرحوم حاجی ابوالفتح میرزا بنیابت حکومت بختیاری و غلامحسین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله بنیابت چاپلق برقرار گردید میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی که مخصوصاً در علم نجوم و هیئت و هندسه مربیگی کامل دارد بمنصب منجم باشیگری اعلیحضرت همایون و لقب نجم الملکی و خلعت مهر طلعت همایون سرافراز شد عبدالحسین خان ولد مرحوم حاجی خانباباخان سردار بلقب و منصب نزال اجودانی و اعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی مباهی گردید میرزا مؤلف بلقب و منصب مقدم الشعرائی سرافراز آمد اداره عمارات عالیات و باغات مبارکات را با عمله احتسابیه نیز بحاجی کنی واگذار فرمودند و دستخط جهانمطاع مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

صورت دستخط مبارک

محمد حسنخان صنیع الدوله که پرورده تربیت عنایت ماست و در مدت خدمات حضور همایون کفایت و صداقت او را آزموده‌ایم در هذه السنه تخاقوی ئیل و ما بعدها علاوه بر خدمات سابقه از قرار تفصیل خدمات اداره باغات دیوانی را بعهده کفایت او مرجوع فرمودیم

عمارت و باغ نگارستان عمارت و باغ لاله زار باغ وحوش و طهرود عمارت و باغ ایلخانی عمارات و باغ سلطنت آباد عمارات و باغ اقدسیه عمارات و باغات نیاوران باغ مرحومه مهد علیا طالب آباد در نیاوران خیابان ... نیاوران عمارت

نهار خوری حسینه خیابان باب همایون خیابان ناصریه کوچه های اطراف عمارت خیابان باغ ایلخانی خیابانهای سمت دروازه
شمیران و جلوخانه اعتضاد الدوله عمارات و باغ کن باغ و عمارات دولت اباد عمارت قدیم و جدید جلو و د عمارت و باغ قصر
قاجار علاوه احتساب تماما فوات متعلقه بباغات

که در مواجب و شروط این خدمت چنانکه منظور نظر همایون است کوشیده تماما در انتظام و آباد نگاهداردن حسن
خدمت خود را در این ماموریت ظاهر سازد فی شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۹۰

حاجی میرزا محسنخان وزیر مختار اسلامبول بلقب نبیل معین الملک سرافراز شد

سوانح عمده و وقایع عظیمه که در ظرف اینسال در تمام روی زمین و اقطار عالم اتفاق افتاد

اسپانیا

شورش هواخواهان دن کارلس قوت و امتدادی بهم رساند و دولت هنوز زیادی بجهت رفع یاغیان می بیند همچنین شورش اهالی
جزیره کوبا استعفای امدیه دویم پادشاه جدید از سلطنت و رفتن پادشاه با خانواده خود به پرتوغال تجدید وضع جمهوری
نمودن فتوحات دن کارلس در اغلب نقاط

اطریش

فوت امپراطریس کارولینا اگوستا از اقوام امپراطور مقرر داشتن قشون دولت اطریش را هشتصد هزار افتتاح اکسپوزیسیون
صنایع در اول ماه مه در وین ورود اعلیحضرت امپراطور روس و نواب ولیعهد انگلیس و ایند ولت بتماشای اکسپوزیسیون در اول ماه ژون
ورود علیاحضرت امپراطریس المان در اواخر همین ماه ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران بوین در سیوم ژولیه ملاقات
اعلیحضرت امپراطور ایطالیا و اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین اختتام اکسپوزیسیون در دویم نوامبر جشن سال بیست و پنجم
جلوس اعلیحضرت امپراطور را در اغلب نقاط گرفتند

المان

ورود سفرای ژاپن در برلن شورش در فرانکفر که استعمال حربه برای دفع شورشیان لازم شد مسافرت اعلیحضرت امپراطور
بپطرزبورغ ازدواج شاهزاده لوئی پولد باویر با پرنسس ژیزل دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش ورود اعلیحضرت پادشاه ایران
دربرلن در سلخ ماه مه چون قسط آخر خسارت جنگ فرانسه داده شد قلعه بلفر را که اخر نقاط متصرفی بود و بطور گروکان
نگاهداشته بودند عساکر پروس خالی کرده رفتند ملاقات اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و اعلیحضرت امپراطور المان در برلن
و ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان با اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین فوت ژان پادشاه ساکس

انکلیس

بعضی از رجال دولت از زیادت و پیشرفت قشون روس و فتوحات آنها در سمت خیوق متغیر شدند بنابراین دولت روس ژنرال
شوالف اجودان مخصوص اعلیحضرت امپراطور را بجهت اطمینان دولت انکلیس بلندن میفرستد فوت ناپلیون سیم امپراطور سابق
فرانسه در قصر اسلیسهورست من توابع لندن در نهم ژانویه یکساعت و نیم قبل از ظهر در افتتاح مجلس پارلمان لرد گرانویل وزیر امور خارجه کلامی
ملت را اطمینان میدهد که دولت روس بهیچوجه در خیال نگاهداشتن خیوق نیست اعلیحضرت پادشاه انگلستان بعزیمت
تسلیت بقصر اسلیسهورست بدیدن امپراطریس اژنی رفتند ابتدای منازعه مابین پادشاه آشانتی که یکی از سلاطین افریقا است
با دولت انکلیس ژنرال ولسلی مامور منازعه با پادشاه اشانتی است فتوحات سردار مذکور در آن مملکت

ایطالیا

طغیان رودخانه پو و خرابی رسانیدن باغلب نقاط تاسف اغلب مردم از فوت ناپلیون سیم توجه کردن مردم در میان خودهم
برای ساختن مجسمه ناپلیون سیم ورود اعلیحضرت شهریار ایران در بیست و پنجم ژولیه بایطالیا

چین

خاقان چین که طفل بود بسن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت میشود

روس

فوت عمه اعلیحضرت امپراطور دگران دوشس هلن ورود جمعی از معارف فرنگ به پطرزبورغ و تظلم نمودن از تعدیات خان خیوق
بنابراین ژنرال کفمان با دوازده هزار قشون به تنبیه خان خیوق مامور شد ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در شانزدهم
ماه مه بحاجی طرخان نیز ورود اعلیحضرت شاهنشاه معظم در بیست و یکم همین ماه بپطرزبورغ عساکر روس در اول تابستان
ازدو نقطه وارد خیوق شده شهر خیوه را متصرف شدند بعد از تصرف شهر خیوق در بیست و پنجم ژولیه انعقاد مصالحه مابین
سردار روس و خان خیوه شده مشروط بر اینکه یکقسمت از مملکت خود را بتصرف سردار روس و یکقسمت را بتصرف سردار بخارا
دهد و خود را مثل سایر خوانین ترکستان در تحت سلطنت روس بشناسد بعد از انعقاد این صلح طایفه یموت خیوق بخیال
خیوق شوریدند و خان مجبور شد که از سرداران روس استعانت جوید انعقاد عهدنامه مابین دولت روس و امیر بخارا
کشتی رانی در رود آمو آزاد خواهد بود کاروان تجار روس با کمال آزادی در تمام خاک بخارا میتوانند تجارت کنند عبور و
اینکه دارای پاسپورت از روس باشند حق توقف در بخارا ندارند خرید و فروش بنده و برده ممنوع است

ژاپن

مسافرت نواب گراندوک الکسی پسر اعلیحضرت امپراطور روس بان مملکت میکادو عید نوروز فرنگیها را جشن گرفته سفرا را کردند

در بار او هستند پذیرائی میکند

سویس

نوشتوک دبروز بیک در شهر ژنو و بخشیدن معادل چهار کرور ایران از املاک خود را باهالی شهر

عثمانی

نصب سعید پاشا بصدارت و عزل محمد رشدی پاشا و ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در هیجدهم ماه او باسلامبول

فرانسه

ایجاد وکلاء دولت که در زمان سلطنت رسم بوده موسوم بمجلس سنا استعفای مسیو طیراز ریاست جمهوری و وزرائیکه تبعه او بودند در اواخر آوریل و نصب مارشال ماکماهون بریاست و ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در دهم ماه ژولیه بپاریس مدت ریاست مارشال ماکماهون هفت سال مقرر شد مارشال بازن که در قلعه متس محصور بود و آن قلعه را بتصرف عساکر پروس داده بود حکم عزل او از سرداری با حکم قتل او از شورای عسکریه صادر شد مارشال ماکماهون بواسطه حق عفوی که دارد از قتل او در گذشت لیکن مقرر شد مدت بیست سال تمام در جزیره سنت مارگریت که نزدیک بسواحل فرانسه است محبوس باشد

مکزیک

لردو تژادا رئیس جمهوری در افتتاح مجلس در صدد این است که ملکه بتواند شناالفت و دوستی که سابقا با فرانسه داشتند محکم کند اهالی ملت روز فوت ژوآرز رئیس سابق را روز عزا و روز تولد او را مقرر داشتند روز عیش برای تمام ملت باشد و برای اولاد و اولاد پای او وظیفه قرار دادند

هلاند

ابتدای منازعه مابین این دولت و سلطان آچین که یکقسمت از جزایر سوماترا سلطنت دارد اهالی مذهب اسلام دارند شکست قشون هلاندی از قشون آچین بواسطه زخم خوردن ژنرال کلهر سردار قشون هلاندی

شرح وقایع سال بیست و هشتم سلطنت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله تعالی دعایم ملکه مطابق سنه هزار و دویست و نود و یک هجری تخاقوی ئیل ترکی که بعد از بیگاه تقریبا ایت ئیل میشود

کلیه

کلیه امور و مهام دولتی و ملکی در این سال خجسته مآل بتوجهات خاصه اعلیحضرت همایون مخصوص و با انتظام تمام و ترقیات کامله مقرون است میرزا ابراهیمخان سهام الملک ملقب بسهام الدوله گردید میرزا سید رضی برادر مرحوم میرزا سید عبدالله ناظم میزان بمنصب استیفا از درجه سیم نایل آمد حکمرانی دار العباد یزد را بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص مرحمت فرمودند حسینقلیخان مافی وزیر سابق اصفهان از جانب جناب معظم بنیابت حکومت رفت حاجی حسینخان شهاب الملک والی خراسان بلقب جلیل نظام الدوله و خطاب جنابی سرافراز آمد میرزا جوادخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی مفتخر گشت و ایلکی ایالت کردستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشهان فرموده بنواب والا مؤید الدوله مرحمت کردند حکمرانی عراق و بروجرد را بعهده کفالت نواب والا نصرة الدوله واگذار فرمودند مهام امور دولتی راجع بوزرای ستة گردید و دستخط مبارک از قرار شرح مسطوره ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

از اعضای دولت و اعضاد مملکت شش اداره مهم دولتی را که جناب مستوفی الممالک و جناب مشیر الدوله و نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم و نواب عماد الدوله وزیر عدلیه و جناب علاء الدوله وزیر جنگ و جناب عضد الملک ایلخانی و خازن مهر مبارک است انتخاب فرموده وزرای مجلس دربار اعظم لقب دادیم و کلیات امور ملکیه را که منفردا بعهده هر یک از آنها است مستقلا بعهده این مجلس و مجمع گذاشتیم باین معنی که هیئت مجتمعه مزبوره که وزارت مختار دربار اعظم نامیده شده است از این تاریخ که شهر ربیع الاول ایت ئیل سنه هزار و دویست و نود و یک هجری است اجزاء و کل امور مملکت ایران مسئول است تکالیف این مجمع و مجلس را که تطبیق جمع و خرج و انتظام قشون و رفع هرگونه اختلال داخله و تعیین حکام ولایات و مباشرین دیوانی و وصول وجوه حواله و اشغال براوات لجوای بعضی مقاصد عالیه همایونی است جداگانه در ضمن اوراق چند بدست خط خود مرقوم و مقرر داشته ایم که من بعد فقط مهر این مجلس که بلفظ صحیح وزرای دربار اعظم است برای اتمام و نفاذ احکام کافی خواهد بود و در حواله براوات مهر دیگر که مشعر بادای وجه نقد وضع شده است در محل حواله زده میشود تغییر و تبدیل مقصد این امور را با دلایل عیب و رجحان مختار هستند و با اختیارات وافیه خود که بلا استثنی در امور دولتی دارند در هیچ مورد و مقام وسیله عذری نخواهند داشت این اعضا شش گانه کنفس واحد هیئت متحده دارند و در رای و روش آنها ذره اختلاف نخواهد بود

وزارت مختار دربار بمعنی یکقدرت و یک اثر قوی ظاهر خواهد شد که هیچکس نقد وزرا را بشخص بناورده که صورت متحد و منفرده بر بنیند و این وزرا که باین مقام اختصاص یافته اند بمواحدت و معاضدت و اتفاق با یکدیگر قدر این رتبه را که بآنها افاضه فرموده ایم حفظ کنند و اشکالات امور را باین وسیله تسهیل نمایند رؤس مسائل و امور مهمه را بما عرض کنند سایر

کارها را


جناب محمد رحیم خان علاء الدوله


جناب اجل آقای مستوفی الممالک


نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم

ابوتراب غفاری


نواب والا اعتضاد الدوله امامقلی میرزا

ابوتراب غفاری


جناب اشرف حاجی میرزا حسین خان مشیر الدوله


جناب عضد الملک

کار ما را که خود قطع و فصل میکنند لدی الاقتضا بطور دو نامه معروض خواهند داشت رجوع ولایات کلیه باین مجلس خواهد بود

و جواب از مجلس صادر میشود سایر وزرای دربار که بلفظ مختار اختصاص ندارند اعضای مجلس عمومی خواهند بود خلاصه این حکم

اینست که از این تاریخ ببعد کل امور دولت راجع بوزرای مختار سته است که غیر از اینها نفس واحده هستند و از جانب ما کمال تقویت

در انتظام عمل آنها بعمل خواهد آمد و آنچه در امور دولت صلاح بدانند فورا مجری میداریم و احکامی که در ترتیب مملکت از طرف ما

میشود فورا باید مجری بدارند و از این تاریخ ببعد مسئولیت کل امور دولت بعهدهٔ وزرای سته مختار است شهر ربیع الاول

ایت ئیل ۱۲۹۱

رسم شیلان حسنه معمول و اجرای آن بعهدهٔ نواب والا اعتضاد السلطنه موکول آمده دستخط مبارک شرف صدور یافت که

سواد آن عیناً در اینجا درج میشود

سواد دستخط مبارک

اعتضاد السلطنه   کتابچه که در دربار اعظم نوشته شده است از امروز ببعد شما محصل اجرای تمام فقرات قانون آن کتابچه

هستید که در ولایات معین فقرات کتابچه قانون حسنه را مجری نمایند و نگذارید احدی تخلف نماید هرگاه از شما و اهل مجلس و

مامورین ولایات اهمالی ظاهر شود مؤاخذه سخت خواهند شد فی شهر صفر ۱۲۹۱

جناب علاء الدوله محمد رحیم خان بوزارت جنگ سرافراز و دستخط مبارک بشرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط همایون

محمد رحیمخان علاء الدوله از ابتدای نوکری خود مرجع هر خدمت شد بخوبی از عهده برآمد و در هر موقع و مورد بکمال کفایت و قابلیت

امور محوله را بآنطور انجام داد که میل خاطر ما بود چندی ریاست قشون عراق بعهدهٔ معزی الیه محول بود از امروز قسمت قشون

آذربایجان را هم ضمیمهٔ ادارهٔ او فرمودیم و بموجب این دستخط او را ریاست مستقله و اختیار تام میدهیم در عزل و نصب و رد و قبول

ارباب مناصب و صاحب منصبان و مختار وزیر جنگ دولت ایران است و باید خود را مستقلا باین خدمت مکلف و مأمور دانسته در انتظام امور

قشون اهتمامات مفیده مبذول دارد شهر صفر المظفر ایت ئیل ۱۲۹۱

نواب تیمور میرزا حسام الدوله که زیاده از هشتاد سال زندگانی کرده بود برحمت الهی پیوست ترکمن مرو و سالور و ساروقی و آخال

را که عزیمت تاخت و تاز خراسان داشتند شجاع الدوله امیر حسینخان حاکم قوچان و اللهیار خان حاکم دره جز بدستور العمل

نظام الدوله والی خراسان تنبیهی سزا نموده اند   موکب همایون در ماه جمادی الاولی عزیمت لار فرموده و در روز هشتم جمادی

الثانیه از لار معاودت و قصر نیاوران تشریف حضور ارزانی فرمودند آقا رضا اجودان مخصوص بیکقطعه نشان شیر و خورشید

از درجه دویم و پانصد تومان اضافه مواجب سرافراز آمد اعلیحضرت پادشاه انگلستان بیکقطعه عکس شمایل خود را که بسیار

خوب و

خوب و شبیه انداخته بودند و در چهار چوب عالی نصب کرده برسم یادگاری برای اعلیحضرت شاهنشاه دام ملکه فرستاده اند فرخ خان

قاجار ملقب بشهاب الدوله شد میرزا موسی خان سرهنگ فوج سوادکوهی بیکقطعه نشان شیر و خورشید با حمایل سرهنگی سرافراز

آمد از جانب دولت برمان سفارت تامه و هدایا بدربار معدلت مدار آمد نواب محمد میرزا ولد نواب والا مؤید الدوله از جانب نواب

معظم الیه نایب الحکومه کردستان گردید در روز هیجدهم رجب حکمرانی کرمانشاهان و کردستان از نواب والا اعتماد الدوله مرحمت

فرمودند جناب میرزا کاظمخان نظام الملک بوزارت عدلیه اعظم منصوب و مباهی شده دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف

صدور یافت

سواد دستخط مبارک

نظام الملک   وزارت عدلیه اعظم از مهام جلیله دولت و محل توجه و ملاحظه خاطر خطیر است و از آنجا که آن دولتخواه را در مواقع

خدمتگذاری صادق میدانیم و باقتضای تربیت و مرحمتی که از ما دیده است اقدامات خود را تابع میل و اراده معدلت نمای ما نموده است

این مهم خطیر را بعهدهٔ آن دولتخواه مرجوع میداریم که آن دولتخواه کمال جهد و سعی و دقت شبانه روز خود را صرف احقاق حقوق متظلمین

و حصول موجبات دعاوی دولت و وزارت فرمایند و امر صدور و قضایای عدالت موضوعه در ولایات محروسه موافق ترتیبات

چند که فرموده ایم رفتار کرده هیچیک از شرایط این خدمت بزرگ را از دست نکند و بمزید توجهات و مراحم ما بشکوه و شوکت

این امر بیفزاید فی شهر رجب المرجب ایت ئیل ۱۲۹۱

جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر رسایل خاصه شریفه باعطای نشان تمثال بی مثال همایون مکلل بالماس سرافراز شد میرزا

موسی رئیس دفتر لشکر بمنصب جلیل وزیر لشکری مفتخر آمد حسینقلیخان سرتیپ سواره شاهسون فورت بیگلو بمنصب سرتیپی

اول مباهی گشت نواب بدیع الملک میرزا ولد نواب والا اعتماد الدوله بلقب جلیل حشمة السلطنه ملقب و از جانب نواب معظم الیه والا

بحکومت کردستان منصوب و سرافراز شد جناب آقا میر سید محمد امام جمعه اصفهان ملقب بسلطان العلماء گردید ادارهٔ تلگرافخانه را

بلاواسطه بمخبر الدوله واگذار فرمودند و دستخط مبارک بشرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

مخبر الدوله   امر تلگراف امروزه در داخله ایران مرجعیت کلیه دارد و غالب مخابرات دولتی و مخفیات امور مملکت منوط بکمالات تلگرافی است

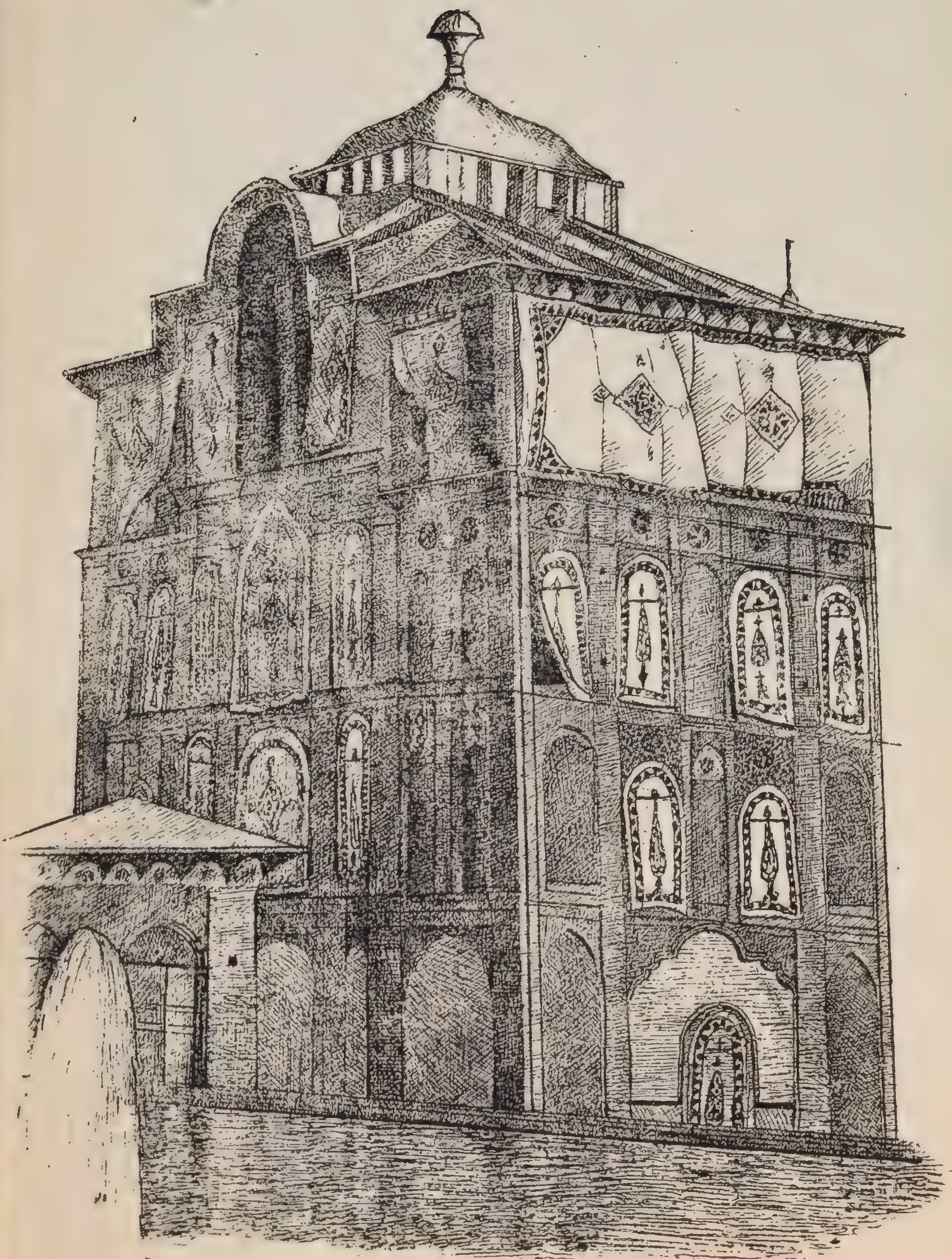
و با این حال امر مزبور قابل خیلی ملاحظه و محل اهمیت و دقت کامل است محض رعایت جلالت و اهمیت این کار از این تاریخ ادارهٔ

تلگرافی دولت علیه را بامرانیت نفس نفیس و شخص خودمان که فقط از امور مخصوصه راجعه سلطنت قرار دادیم دیگر باید وجهاً من الوجوه احدی

مداخله بجز وکلای آن نکرده آنچه از طرف قرین الشرف ما مستقلا مشغولند بنیت انتظام این امر باشد و آنطوریکه مقصود

خاطر ماست شرایط انتظام این امر خطیر را حفظ کند فی شهر رجب المرجب ۱۲۹۱

عبدالله بود



ابوتراب

قصر عشرت آباد

عبدالرسول خان نایب الحکومه گیلان نواده مرحوم صدر اصفهانی بمنصب سرتیپی اول سرافراز آمد حسینقلی خان مافی وزیر یزد بلقب سعدالملکی مباهی آمد آقا رضای دهباشی بلقب ناظم خلوت و باعطای یکقبضه نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرافراز گردید منجمین از دولت آلمان برای دیدن گذشتن زهره از مقابل آفتاب بدارالخلافه آمده و روانه اصفهان شدند حاجی میرزا صفا از اجله عرفا در دارالخلافه مرحوم و نزدیکی چشمه علی میان راه شاهزاده عبدالعظیم مدفون شد و بقعه برای او ساختند پنجاه هزار قبضه تفنگ ابتیاعی از دولت آلمان بر حد بدارالخلافه رسید مجلس تنظیمات حسنه در اغلب ولایات برقرار است در ماه شوال اینسال دو دستخط جهانمطاع یکی بافتخار جناب اجل آقای مستوفی الممالک و دیگری بافتخار جناب اشرف حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله شرف صدور یافت که سواد هر دو از قرار ذیل است

سواد دستخط همایون بافتخار جناب اجل آقای مستوفی الممالک

چون نظم امور ملک و رعیت ایران و خزانه و حکام از لوازم است و شخصی کافی دولتخواهی لازم است که متصدی این اعمال باشد لهذا حالکه نصف از سنه ایت ئیل است کل امور حکام و کلیه ولایات ایران را بلا استثنا و امور خزانه و حوالجات دیوانی و غیره و غیره و غیره را بعهده کفایت جناب اجل موکول فرمودیم که انشاء الله تعالی در زیر نظم جمیع شعبات خزانه و رعیت بفراغت و خاطر ما را خرسند و آسوده دارد

سواد دستخط همایون بافتخار جناب اشرف حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله

برای استحکام کلیه امور قشون لازم شد که تغییر و تجدیدی داده شود در این اوقات که اواسط سنه خجسته ایت ئیل است کل امور قشون ایران را بدون استثنای احدی از هر طبقه سواره و پیاده و توپخانه و قورخانه و جبه خانه و ملبوس نظامی و چادر و تدارک نظام بعلاوه منصب وزارت امور خارجه بعهده جناب حاجی میرزا حسین خان موکول فرموده او را ملقب بسپهسالار اعظم فرمودیم که از این به بعد بقدر ذره از نظم امور قشون و غیره خود را معاف ندارد و حسن ظن ما را در باره خود بیفزاید

روز بیست و هشتم شوال اینسال چون طرح باغ عشرت آباد ریخته شده و دیوار و ساختمان بنای مشجر نمودن آنست بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه تشریف فرمای این باغ گردیده میان قصر قاجار و نگارستان واقع است شدند و چهار اصله درخت بدست مبارک خود غرس فرمودند میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی که منشی روزنامه دولتی و در صحیفه مؤلفات قطعه تاریخ این درختکاری عرض کرده بانعامات و مراحم ملوکانه سرافراز شد و سواد آن قطعه که عیناً در ذیل ثبت میشود بامر همایون کتیبه شده بدیوار قصر عشرت آباد نصب کردند

تاریخ غرس همایونی

ما زنه

بادست خویش خسرو در قصر عشرت آباد فرمود از عنایت راوی درخت کاری
ای باغبان فردوس نام خوش تو رضوان کوثر بیار کاینک شد وقت آبیاری
اصلش بود عدالت فرعش بود کرامت شاخی که شه نشاند بادست شهریاری
تا بر فلک کشد سر این شاخ عدل امسال بکچید دوز باش ای ابر نوبهاری
شاخ ملک نشان را صد بار بر نوان کفت از دو حور بهشتی از سر جوی باری
از این شجر ثمرها ببیند اهل عالم بر رزن بختیاری بهر زکامکاری
زود اکر عشرت آباد همچون سپهر کردد هم مشرق کواکب هم مطلع دراری
برجای مهر خورشید آرد این درختان از فر شهریاری از فرط بختیاری
تا اصل کرامت بار آورد فتوت دست ملک نشاند شاخ بزرکواری
اصلش ذات اقدس فرع انجمن عالم از اصل فرع را باد پیوسته استواری
در باغ عشرت آباد از یمن دست خسرو باد اشکفته دایم کلهای تاجداری
شعر ادیب باشد در مدح شاهنشاهان چون آفتاب روشن مانند آب جاری
شاخ نشاط کی کشت تاریخ غرس خسرو کی خسروانشاندی شاخ امیدواری
سعی صنیع دولت امر خدیو اعظم بخشید این بنارا آذین استواری

دار الشورای کبری و وزرا دربار اعظم بر قرار است میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی را ملقب بفروغی فرمودند حضرت اجل اعظم والا ظل السلطان
حکمران اصفهان و مضافات بعزم تقبیل آستان معلی بدار الخلافه در آمدند اداره صندوق عدالت ولایات را بجناب عضد
الملک تفویض فرموده دستخط جهانمطاع همایون بشرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط همایون

عضد الملک از وضع صندوق عدالت و اینهمه مراقبت که شخص همایون خود در احقاق حق و اجرای عدل مینمائیم هنوز قلب خود را
آسوده و مطمئن نتوانسته ایم فرمود که نتایج حسن نیت ما در آسایش خلق و دفع ظلم و جور صورت وقوع و وجود خارج داشته باشد
چراکه تاکنون برای وصول عرایض متظلمین و اجرای احکام همایون ترتیب صحیحی نبوده اینکار را بامانت و دینداری و دولتخواهی شناخته ایم
اداره این خدمت بزرگ را که متضمن رضای خدا و آسایش خاطر عدالت مظاهر ما و راحت بندگان خداست بعهده مراقبت
و اهتمام اینکار محول میفرمائیم اگرچه بتکلیف و مقصود خاطر ما آگاهی دارد این امر را محل کمال اهتمام و مراقبت قرار داده حسن
انتظام و ترتیب آن را موجب کمال رضا و مرحمت ما بداند تکالیف آنچاکر آنچه در نظر بود اینست که شرح داده میشود و البته خود نیز
شرایط لازمه کار را بدون حاجت شرح و تفسیر میداند

حاجی میرزا حسینخان را اجزای مجلس صندوق عدالت را نزد خود آورده مامورین خود را بامنها معلوم دارد و ترتیباتیکه در این امر بود
با تغییرات مستحسن برقرار کند و اسباب و اصحاب این خدمت را در تکالیف خودشان دستورالعمل کافی بدهد

عرایضی که از بدو استقرار صندوقهای ولایات رسید و بر طبق آنها احکام صادر شد و مامورین رفت و اتمام عملها فرستاده شد
غالب فقرات آنها صورت حتمی و قطعی ندارد و بعنوان انها را منفصل یافته داشت عضد الملک از روی ثبت دفاتر این مجلس مراجعه
نظر کرده عرایض را با احکام صادره و اتمام عملها مطابق نماید هرچه ناقص و غیرمجری است ثانیا بیرون نویس کند بعرض ما برساند
و اجرا و اهتمام انها را بعهده مامورین ولایات گذاشته انجام قطعی هر فقره را مرعی دارد

سابقا مامورین موقتا از عمله خلوت و تفنگداران و اهالی کشیک خانه بولایات رفته بود که بعضی معاودت بعضی در کار مراجعه اند
عضد الملک باید باعمال آنها رسیدگی و غور رکند که هریک در ماموریت خود چه قسم سلوک کرده خوب از عهده بر آمده اند یا بخلاف
تکالیف خود بد رفتاری و طمعکاری و خاطرخواهی کرده اند و نگذارد خوب و بدانها بیمجازات بگذرند از جمله میرمهدیخان مامور
خمسه و یکنفر دیگر آنچه بعرض رسیده خوب حرکت نکرده اند باید با تحقیقات بیغرضانه خود حقایق حالات آنها را معلوم کنند
مأموران حسب حکم یکسال در اقامت ولایات رفته اند آنچه بنظر میرسد غالبا قابل رجوع این نوع خدمت نبوده اند عضد الملک
ملاحظه کند و موافق لیاقت این مهم خطیر مامورین را جرح و تعدیل نماید و اشخاص منتخب مامور کند که حقیقت شایسته تعهد
این خدمت باشند

در مراکز معینه هر مملکت و نقاط اصلیه ولایات صندوق فرستاده شده است بقواعد مقرره باید در نوبتها از هر محل کیف عرایض
بسته بمهر حکام ولایات بدربار فرستادن کیفها اتفاق افتاده اند و مباشرین چاپارخانه‌ها مراقب باشند باید عضد الملک قرار بدهد
مامورین ولایات هر ماه دو مرتبه کیف عرایض را بچاپار بدهند و نگذارند کیفها در محل خود افتاده بماند که یکدفعه عرایض چندماهه
خاطرها را خسته کند و آنچه در ولایات خارج از خطوط چاپارخانه‌هاست موافق احکام سابقه مامورین بایل محصل باشند بوسیله معتمد
قاصد و وسایل ممکنه کیف عرایض را بخط چاپارخانه برسانند از اینطرف هم عضد الملک کیفهای خالی شده را بمعیت محل خود اعاده
دهد که موضع آن خالی و معطل نماند و اگر کیف عریضه نفد در کفایت حاضر باشد از نو بفرستد و همچنین کیف عریضه ساخته آماده داشته
باشد

کیفهای عریضه را بعد از ورود عضد الملک سربسته بحضور خواهد آورد در حضور مهر آن برداشته شده اجمالا ملاحظه میشود
هرچه عرایضی است که فقط بملاحظه ما مخصوص است در حضور ضبط میشود سایر عرایض را عضد الملک بدفترخانه عریضه جات خود
برده اولا در پشت عریضه خلاصه عرض را طوریکه از مقصود عارض خارج نباشد یادداشت میکند که در عرض حضور ما کار مشکل نشود
بعد احکام صادره در عرایض مرقوم و بعضد الملک داده میشود که بموقع اجرا و ثبت و ترتیب بگذارد
آنچه از عرایض راجع بادارات و وزارتخانه‌های دربار یا باشخاصی است که در دار الخلافه حاضرند عضد الملک با مشهود و مرجع همت
و مراقبت نخواهد گذاشت که دقیقه تاخیر شده در ترتیب امر خللی راه یابد
احکامیکه بر طبق مسند عنایات عارضین صادر میشود از هر گونه رسوم و خواهش معاف خواهد بود
مامورین مختلفه که برای انجام و اجرای بعضی فقرات و مواد مخصوصه فرستاده میشوند باید اشخاص درست امین بیطمع باشند
و تنها انجام ماموریت را در نظر بگیرند نه فواید و عواید ماموریت و عضد الملک در این نوع مامورین هم خیلی دقیق شود
و در عیب آنها خود را مسئول بداند
عرایض صندوق فقها غالبا طمع انعام و وظیفه و شرح دعاوی کهنه بوده و میتوان تصور کرد که این نوع آزادی برای صندوق فقها
نیست که نتوانند از ظلم و ستم که مقصود بالذات بوده اظهار کنند مامورین ولایات در عین اینکه باید معارض نظم حکومت
نباشند آزادی صندوق و فقها را رعایت نمایند
این فقراتیست که در نظر بود و در این دستخط مندرج شد عضد الملک سایر شرایط و لوازم پیشرفت منظورات عادلانه
ما را ملاحظه کرده مجری و مرعی دارد و این حکم را در عداد فرایض و واجبات دینیه معدود داشته از حسن مراقبت و
اهتمامات کافیه خود خاطر ما را خرسند دارد و در عهده شناسد فی ۱ شهر ذیحجة الحرام ۱۲۹۱

وقایع عظیمه و سوانح عمده که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کره ارض اتفاق افتاد

اتائونی (ینکی دنیا)

عدد قشون دولت با همه جمعیت بیست هزار نفر مقرر داشتند

اسپانیا

تغییر ریاست دولت جمهوری اسپانیا را بمارشال سرانو فتوحات کارلیس در بیلبائو قتل مارشال کنشا یکی از سرداران معتبر که بدفع دنکارلس رفته بود بضرب گلوله قبول نمودن مارشال سرانو رئیس جمهوری سرداری قشون را بجهة دفع دنکارلس جمعی از معارف و بزرکان مملکت طالب سلطنت دن الفنس پسر ایزابل ملکه سابق میباشند تغییر وضع جمهوری و مسافرت مارشال سرانو بغرانسه تمام قشون بدون استثناء دن الفنس را بپادشاهی میخواهند

اطریش

مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش بپطرزبورغ و ملاقات ایشان با اعلیحضرت امپراطور روس

المان

آمدن نواب ولیعهد دولت انکلیس و زوجه ایشان به برلن خطبه پرنس بیزمارک در افتتاح مجلس و برضد جمعی از وکلا ملت حرف زدن و ختم کردن نطق خود را باین مطلب که یکی از شرافت من اینست که اول شخصیکه طرف نفرت تمام اهالی اروپ هستم (بواسطه حب وطن و خدمتگذاری بدولت خودم) مسافرت علیاحضرت امپراطریس اطریش بپای تخت باویر مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش بزهیه باویر علاقات صبیه خود عده قشون المان در وقت صلح از صاحب منصب و تابین چهار صد و یکهزار و ششصد و پنجاه و نه نفر مقرر کرده بد مارشال ملک در مجلس اظهار میکند که فتوحات ما در مملکت فرانسه اسباب جذب قلوب سایر دول نسبت بما نشده بلکه کینه و عداوت آنها زیاد کرد بنا بر این چه را حالا بزود اسلحه تحصیل کرده ایم باید باعانت اسلحه حفظ کنیم (اقلا پنجاه سال دیگر) اعلیحضرت امپراطور روس که بمملکت انکلیس سفر میکرد بعد برلن با اعلیحضرت امپراطور المان ملاقات نمودند بعد ملاقات دو امپراطور در شهر امس شخصی موسوم بکولمان نسبت بپرنس بیزمارک طپانچه خالی کرده که جزئی تالمی بدست او وارد آمد ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان و اعلیحضرت امپراطور اطریش در ایشل حبس کنت دارنیم سفیر سابق دولت المان در پاریس باتهام اینکه بعضی نوشتجات دولتی رسمی که در سفارتخانه پاریس بوده مخفی داشته است استعفای موقتی پرنس بیزمارک و قبول نشدن آن

انکلیس

(در افریقا) حرکت عساکر انکلیس بسمت کوماسی پای تخت طایفه اشانتی که پادشاه آنجا اعلان جنگ با انکلیس کرده بود ازدواج نواب دوک ادینبورک پسر دویم اعلیحضرت پادشاه انکلستان باکراندوشس ماری صبیه اعلیحضرت امپراطور روس قحط و غلای سخت در بنکاله هندوستان و فوت جمعی کثیر نفس سردار قشون انکلیس شهر کوماسی را که پای تخت اشانتی بود فتح نمود قسمتی از آن شهر را

آتش زده که کارعهد الحرة انجامید عزل وزرای فرنک و نصب وزرای توری بریاست مسیو دیسرائلی ورود اعلیحضرت امپراطور روس بلندن دراپالت بنکال الرسی کرونر نفسر که دوچار قحط بودند باعانت دولت انکلیس از هلاکت خلاص شدند یادداشت فرستادن دولت عثمانی بدول المان و اطریش و روس که وجهاً من الوجوه خود را بعقاد عهدنامجات تجارتی با ایالات که در تصرف عثمانی است از قبیل افلاق بغدان و صربی و منتنگرو ندارند فتح دارفور بدست قشون مصر (از ممالک افریق) جمعیت دارفور که بتصرف مصر آمده ده کرور نفس داشت.

ایطالیا

جشن بزرک گرفتن مردم بجهة سال بیست و پنجم جلوس (اعلیحضرت) پادشاه

بلژیک

پذیرائی نمودن اعلیحضرت پادشاه بلژیک از اعلیحضرت امپراطور روس با تشریفات لازمه و قتیکه امپراطور معظم از انکلیس مراجعت میکردند

چین

نقار و کدورت سخت ما بین این دولت و ژاپن بجهة فرستادن ژاپنی ها چند فروند کشتی جنکی بتسخیر (جزیره) فرموزا بواسطه طوفانهای سخت که در دریا واقع شده بود در اوایل پائیز امسال در سواحل جنوبی چین و سواحل ژاپن ابنیه زیاد و کشتی زیاد خرابی کشتیهای آتشی بزرگ دار غرق شده و مسئله جزیره فرموزا بین دولتین چین و ژاپن کار بمصالحه و صلح انجامید و قشون ژاپنی جزیره را تخلیه کرده رفتند

دانمارک

استعفای تمام وزرای این دولت مسافرت پادشاه بجزیره ایزلند که جشن سال هزارم الحاق این جزیره بمملکت دانمارک گرفته شد

روس

اجراء قانون نظامی ممالک اروپ در وضع گرفتن احاد قشون و اجبار خدمت نظامی بتمام رعیت بدون استثناء در این مملکت ورود نواب ولیعهد انکلیس و زوجه ایشان بپطرزبورغ فوت کنت برک سردار و حاکم لهستان ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور روس در پطرزبورغ مسافرت اعلیحضرت امپراطور بالمان و بعد با نکلیس یکی از برادرهای (خان) خیوه جزو قشون روس قبول خدمت میکند

ژاپن

پذیرائی امپراطور بوجات سفرای کبار اکه در این دولت بودند فرستادن یکدسته قشون بسرداری سائی گو و تصرف جزیره

قرمزکه جزو مملکت چین است

عثمانی

عزل رشدی پاشای صدراعظم و نصب حسین عونی پاشا وزیر جنگ بجای او و ورود پرنس میلان والی صرب باسلامبول

فرانسه

ملت ریاست مارشال ماکماهون بدون تردید بهفت سال مقرر شد فرار مارشال بازن از جزیره سن مارگریت

هلاند

فتح کراتن یکی از قلعه جات آچین بدست سردار هلاندی جشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و پنجم جلوس اعلیحضرت پادشاه

ینگی دنیای جنوبی

(برزیل) صلح حقیقی دائمی مابین اینه ولت و پاراگای

وقایع سال بیست و نهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و دولته مطابق هزار و دویست و نود و دو هجری ایت ئیل ترکی که بعد از دو ماه تنگوز ئیل میشود

کلیه امور دولتی و مهام ملکی در ینسال خیر مآل بتوجهات کامله بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون قرین انتظامات کامله می باشد جناب حاجی ظهیر الدوله محمد ناصر خان مامور حکمرانی و والیگری خراسان و سیستان گردید حاجی سلیمانخان نایب ایشیک آقاسی باشی مامور حکومت قراجه داغ شد بعضی ولایات که سیم تلگراف نداشت امر اعلی شرف نفاذ یافت که بآنها نیز سیم تلگراف کشیده شود احتشام الملک بمنصب سرتیپی سرافراز شد حیدر خان ولد حاجی آصف الدوله بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد بنای مدرسه جدید نظامی و صاحبمنصبان اتامات در بعهده میرزا عباسخان سرتیپ مهندس واگذار گردید حکمرانی دار الخلافه ناصری را مخصوص حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه العلیه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی فرمودند و دستخط مبارک بشرح ذیل شرف صدور یافت

صورت دستخط جهانمطاع مبارک

دار الخلافه طهران که مرکز سلطنت و مقر خلافت است حاکمی عدل و مقتدر میخواهد که تالی شخص همایون ما باشد و بآن درجه وثوق و اطمینان که شایسته این امر خطیر است شرایط این خدمت را واگذار و رعایت فرمائیم فرزند کامکار نایب السلطنه امیر کبیر که این خدمت مسبوق و محاسن مراقبتش در این امر معلوم و موثوق است بمصداق لقب بزرگ او که نیابت سلطنت و حکمرانی پایتخت لایق بود

درینسال فرخنده فال و ما بعد ها حکمرانی دار الخلافه را در ضمن مشاغل سایره بعهده فرزند معزی الیه موکول و محول فرمودیم که با اهتمامات خود خاطر ما را کما کان آسوده و خشنود دارد شهر صفر المظفر ایت ئیل ۱۲۹۲

حاجی حسینخان نظام الدوله روز بیست و سیم محرم مرحوم شد حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ظل السلطان حکمران اصفهان و توابع ادام الله تعالی اقباله العالی بیکقطعه نشان اقدس مکلل بالماس درجه اختصاص با شمایل از آستان شاهانه بمحل حکمرانی خود معاودت فرمودند وزارت دربار همایون را که از اجله خدمات دولت است از نو بعهده جناب علاء الدوله موکول فرمودند وزارت عدلیه اعظم را بجناب عضد الملک مفوض و مزید سایر مشاغل جناب معظم فرمودند حکمرانی عربستان و لرستان از ابواب جمع والا معز الدوله بهرام میرزا واگذار فرمودند حکمرانی فارس را بعهده کما سبق جناب معتمد الملک موکول داشتند حکمرانی گیلان بر عهده جناب ناصر الملک مقرر آمد و البگری یزد را بمحمد خان والی سرتیپ اول مرحمت فرمودند موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه شهرستانک گردید روز بیست و یکم جمادی الثانیه موکب معلی از قصر نیاوران باردوی نظامی تشریف فرما شده چون انتظام اردو را بدرجه کمال دیدند روز دیگر بواسطه تلگراف دستخطی خطاب بجناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم از قصر نیاوران شرف صدور یافت که صورتشان از قرار ذیل است

صورت دستخط جهانمطاع همایون

دیروز که باردوی نظامی آمدیم بسبب تنگی وقت و گرمی هوا مقدور نشد رضامندی و مسرت خاطر خود مان را از مشاهده چنان ترتیب و حسن انتظام اردو و کمال جهد و اهتمام شما و صاحبمنصبان و افراد قشون بیان کنیم حالا بواسطه تلگراف محسوسات قلب خود را میگوئیم که شما خود مستحضر شده عموم ارباب مناصب نفرات قشون دولتی را اطلاع بدهید خاطر ما بی اندازه از ملاحظه این اردو و آن نوع نظم و ترتیب و آرامی و سلامت که دیدیم مسرور است رضامندی و انبساط قلبی خاطر خود مان را از اهتمامات حسنه و غیرت دولتخواهی شما شرح میدهیم که حقیقة در امور دولت با یک جذبه شوق و طبع فطری حرکت میکنید تا بنا از صاحبمنصبان که حاضر اردو هستند و مراقب انتظام امور قشون هستند خیلی رضامندی داریم دیگر از نفرات قشون که با تحمل چنین گرما و حرارت فوق طاقت جز حفظ تکلیف و تبعیت قانون نظم از آنها امری صادر نشده آن مرحمت ما را بر بیانات واضح بهمه القا و ابلاغ کنید

نواب والا اعتماد الدوله در بیست رجب داعی حق را لبیک اجابت گفت و نواب حشمت السلطنه بدیع الملک میرزا ولد آن مرحوم بحکومت کرمانشاهان و کردستان سرافراز شد و نظارت تلگرافخانه ممالک محروسه را بمیرزا قهرمان امین لشکر مفوض فرمودند روز هفدهم شهر شعبان بجهت امتحان قشون ظفر نمون و ترقیات اداره جنگ در صحرای دوشان تپه در حضور مبارک مشق بزرگ عمده شد چون نهایت کامل و مطبوع بود فی الفور یکقبضه شمشیر مرصع از شمشیرهای مخصوص همایون بجناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند

و دستخط مبارک حاوی شرح رضامندی شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است

صورت دستخط جهان مطاع مبارک

جناب سپهسالار اعظم الحمدلله تعالی از روزی که خدمات نظامی و قشونی را بعهده کفایت شما واگذار و مرحمت فرموده ایم روز بروز در ترقی و انتظام است و از این جهت خاطر ما کمال مسرت را دارد بخصوص در انعقاد اردوی تابستانی طهران کمال مراقبت در نظم و مشق و حرکات قشون دیده شد و انشاء الله امید کلی هست که در اندک زمان کلیه قشون بحالت اردوی طهران برسد برای انکه علامتی از رضایت خودمان لازم بود بظهور برسانیم لهذا یکقبضه شمشیر که از شمشیرهای مخصوص است برای شما فرستادیم و این التفات را نشانه کمال مرحمت دانسته بیش از پیش در نظم امورات محوله بخود ساعی باشید سنه ۱۲۹۲ اشکوزئیل

میرزا قهرمان امین لشکر باعطای تمثال همایون و لقب جلیل جنابی سرافراز آمده دستخط همایون بشرح ذیل شرف صدور یافت

صورت دستخط مبارک

از اوایل این عهد همایون میرزا قهرمان امین لشکر در سلک خدام دولت بوده و با نظر تربیت و مرحمت ما بر جوعات دیوانی امتحان شده قابلیت جبلی و صداقت مفطوره خود را وسیله کسب سعادات و نیل درجات کرده مراحم ملوکانه را بیشتر بخود متوجه داشت تا در این اوقات که بمنصب وزارت لشکر دولت علیه منصوب شد برای اختصاص و افتخار معزی الیه یکقطعه نشان صورت همایون که از امتیازات جلیله ابد مدت دولت است اعطا و عنایت فرموده او را بلقب نبیل جنابی مخاطب داشتیم که باین مواهب عنایات ملوکانه قرین امیدواری و سرافرازی بوده بمدارج خدمتگذاری خود بیفزاید شهر شعبان اشکوزئیل ۱۲۹۲

موکب فرخنده کوکب همایون عزیمت سفر خیر بنیاد مازندران فرموده روز بیست و چهارم شعبان از اقدسیه بقریه اوشان تشریف فرما شدند

شرح سفر خیر بنیاد مازندران

دوشنبه بیست و ششم شعبان موکب فیروزی کوکب علی از اوشان روانه شهرستانک گردید سه شنبه بیست و هفتم در اینجا اتراق شد بیست و هشتم بکچه سر و بیست و نهم نیز در همین منزل اقامت فرمودند جمعه سلخ از گردنه کندوان که سرحد خاک عراق و مازندران است عبور فرموده بمنزل دونا تشریف فرما شدند شنبه غره رمضان منزل پل که از توابع نور و دهات است مضرب خیام گردون احتشام گردید روز دویم همین جا اقامت شد روز سیم از گردنه معروف بزانوس گذشتند پوری که نزدیک قریه زانوس است مخیم موکب علی گردید و دو روز در اینجا اتراق شد روز ششم بمنزل پل که از توابع کجور است تشریف فرما شدند هفتم حلیکر کجور نزدیک قریه مرزن خال محط رحال اردوی همایون گردید و تا یازدهم در اینجا توقف شد روز دوازدهم بمنزل پل معاودت فرمودند چهاردهم تشریف فرمای دشت نظیر شدند پانزدهم بمرزن اباد که کنار رودخانه چالوس است تشریف بردند و در این روز

دریاچه واقع در نزدیکی قریه مرم را که در قله کوهی است و دوران از سالی چهار هزار ذرع و امیان فقط از چند چشمه است که از زیر بیرون میشود سیاحت فرمودند شانزدهم بعزم پل کلارک از راه معروف بهزارچم که چند سال قبل ساخته شده و از شهرستانک الی کنار دریا امتداد دارد عبور فرمودند هفدهم منزل لاهرود کنار دریا نزدیک دهنه چالوس بود که داخل دریا میشود هیجدهم همین جا اقامت شد روز نوزدهم بمنزل خیرود کنار حرکت فرمودند بیستم بصلاح الدین کلا تشریف فرما شدند بیست و یکم در این منزل اقامت شد روز بیست و دویم بسولده و بیست و سیم بعزتده و بیست و چهارم بمحمود آباد تلیکه سر که جزو اهلم رستاق است تشریف فرما گردیدند بیست و پنجم اتراق شد بیست و ششم فریکنار منزلگاه اردوی همایون گردید بیست و هفتم بمشهدسر نزول اجلال فرمودند و تا بیست و نهم اتراق شد بیست و نهم عزیمت لادین فرمودند سلخ شهر رمضان از لادین بفرح اباد تشریف فرما گردیدند غره شوال در اینجا اقامت شد دویم بمنزل نوذر آباد و سیم قلعه پلنکان که در ابتدای شبه جزیره میان کاله واقع است توقف کاه اردوی مبارک آمد روز چهارم یورت مهیمی که در وسط شبه جزیره مزبوره میباشد مضرب خیام معلی گردید و دو روز در اینجا اقامت فرمودند روز هفتم بقلعه پلنکان معاودت فرمودند روز هشتم بمنزل چهار امام و نهم بشهر اشرف تشریف فرما گردیدند و دو روز در این شهر موکب اعلی توقف داشتند روز دوازدهم منزل پل نکاح بمقدم مبارک مزین آمد روز سیزدهم بشهر ساری عزم ورود ارزانی فرمودند در باغ مرحوم ملک آرا جایگاه موکب معلی معین گردید و ملتزمین رکاب اعلی در حوالی باغ چادر زدند .

موکب همایون تا روز هیجدهم شهر شوال در شهر ساری متوقف بود در بیست و نکوچ کرده منزل علی آباد مضرب خیام گردون احتشام گردید روز نوزدهم بشهر بارفروش نزول اجلال فرموده عمارت بحرارم مقر حضرت گردون بسطت خسروانه گردید و هر یک از بلاد که بمقدم مبارک مزین میگردید اهالی و اعیان و علما تشریفات و تعظیمات ذات ملکوتی صفات مقدس را باعلی درجه منظور نموده اظهار تشکرات وافیه از توجه موکب اعلی بدان ساحت مینمودند خلاصه تا روز بیست و دویم در بارفروش اقامت شد روز بیست و دویم بمنزل کاظم بیکی تشریف ورود بخشیدند روز بیست و سیم شهر آمل بورود مسعود مزین آمد روز بیست و چهارم در آمل توقف شد روز بیست و پنجم از آمل بمنزل پرس تشریف بردند روز بیست و ششم بمنزل اکرود و روز بیست و هفتم در حوالی قریه رینه که از بلوک لاریجانست نزول اجلال فرمودند روز بیست و هشتم در اینجا اتراق شد جناب عضدالملک حکمران مازندران که در مدت آسایش ملتزمین رکاب اعلی و استراحت وجود مسعود همایون و انتظام امور حکمرانی خود کمال خدمتگذاری و مراقبت را بعمل آورده بود بمکتوب سرداری ترمه شمسه مرصع مفتخر آمد دوشنبه بیست و نهم بچشمه لار دماوند تشریف فرما گردیدند سه شنبه غره ذیقعده در چشمه اتراق شد چهارشنبه دویم ببومهن (بوم هند) تشریف ورود عنایت فرمودند . پنجشنبه سیم اردو در زیر پل حاجی میرزا ایلک قرار داشت جمعه چهارم هفشدوشان تپه و شنبه پنجم مقر خلافت عظمی را بمقدم بهجت شیم مبارک آراسته

دار الشورای کبری و مجلس وزرا مجدداً افتتاح شده و نفس نفیس همایون در مجلس افتتاح تشریف فرما گردیده و نطقی فرمودند که از قرار ذیل است

مقارن این ایام در دار الخلافه درب جدیدی در خیابان ناصریه برای مدرسه مبارکه دار الفنون ساخته شد

صورت نطق همایون

امروز خودمان باین مجلس آمدیم که افتتاح مشورتخانه دولت را خودمان کرده باشیم با اینکه فی الحقیقه در این مدت هم مجلس وزرا ترک نشده بود لیکن با آن ترتیب نتیجه منظوره بنظر نمیرسد والبته تا این مجلس مستقلا در مقام مخصوص و حد و محفوظ نباشد و هیچ کار خارج و شخص بیرونی وارد نشود فایده نمیتوان گرفت درین اطاق که از سابق بمجلس وزرا و دار الشوری اختصاص داشت هفته دو روز شنبه و سه شنبه مستمرا بدون تعطیل باید مجلس شوری منعقد شود و اگر کاری کار لازم و فوری پیش آید در سایر ایام نیز موقتا این مجلس منعقد میشود امین الملک نظم و ترتیب مجلس را قبول کند احکام ما را در مجلس تقریر نماید رای مجلس را بعرض ما برساند در سایر دول این مجالس در کمال قوت و دوام و برقرار است باید علاوه بر تکلیف دولتی بحکم مذهب و تاکیدات شرع شریف مشاوره در امور و حفظ مجلس شوری را نظر واجبات بدانیم البته فکرها و عقول و تصویب آراء در هر جزو کار چیزها می بیند که هرگز از یک عقل کامل آنقدر بینائی متصور نیست این همان مجلس است که در هر جا باصطلاحات مختلفه تسمیه کرده اند و ما دار الشوری و مجلس وزرا میگوئیم این مجلس هیچکار جزئی و کلی را ترک نخواهد کرد و آنچه را که حکم میدهیم باید تا نقطه آخر و حد اجرا برساند و هر وقت که مقررات و فرمایشهای ما بمجلس فرصت و مهلت بدهد باید خودشان در آنچه مقتضی صلاح دولت و اصلاح امور مملکت است گفتگو کنند و آراء و عقاید خود را بعرض ما برسانند امین الملک مامور است حد و تکالیف را برونق فرمایش ما حفظ کند و نگذارد ساعتی امر مجلس معطل شود روزهای معین از صبح تا عصر مجلس با حضور تمام اعضا برقرار خواهد بود و امین الملک از هیچیک عذر و تاخیر یا ترک حضور قبول نکند اجزا از آنکه حاضر است کم نخواهد شد ولدی الاقتضا بر عدد اجزا خواهیم افزود اساس مجلس بکمال راستی و دولتخواهی و ترک هر قسم ملاحظات لغو است باید این مجلس را دائمی و مستحکم و دارای حقوق و حدود معتبر دانست

نیز دستخطی مبارک مشعر بحدود و حقوق این مجلس خطاب بجناب امین الملک وزیر رسایل خاصه شرف صدور یافت که صورت آن از قرار ذیل است

صورت دستخط مبارک

امین الملک انعقاد این مجلس چنانکه مکرر شفاها و بنوشته حکم و مقرر شد از لوازم امور حالیه دولت است و کمال میل داریم ترقی و انتظام آن دائم و کمال تقویت را در هر باب حاضر هستیم بعمل بیاوریم بعضی فرمایشات تازه بنظر آمد که لازم شد مجدداً حکم بشود و در مجلس قرائت شده جزو تنظیمات و قرار داد مجلس بشود (اولا چون فرمایشات زیاد و مطالب دولتی بروز

بروز

بروز داده باید هفته دو مرتبه انعقاد مجلس را کافی نمیدانیم باید هفته سه روز مجلس بشود (شنبه) (سه شنبه) (پنجشنبه) ثانیاً اهالی مجلس در گفتگو و حرف آزاد هستند هر چیزی را باید بدون شائبه هیچ غرضی باید بدون هیچ ترس و واهمه تقریر نمایند فی المثل از صنف نظامی اگر شخصی هر چیز در بروز رای نزد اجزای وارد بیاورد و بگوید تو فلان کار را نفهمیده کرده باید دلیل بیاورد آنوقت بر کسی عیبی حاصل کند بلکه هیچ حق ندارد باید کار دیگر میکند جواب آن شخص را موافق قاعده یا رد نماید یا اذعان نماید هر یک از اجزای مجلس آنچه در شب و روزهای تعطیل در خیر دولت بخاطرشان بیاید یادداشت کرده در مجلس مذاکره نمایند ثالثاً آنچه آرای مجلس یا امری از جزئی و کلی قرار گرفت باید بنویسند و مهر تمامی اهل مجلس باشد این نوع امور به پیغام یا عرض شفاهی هیچ پذیرفته نیست حتی احکامیکه بعد ازین بولایات تعیین میشود یا بکسی مجانی میرود یا یک حکمی فوق العاده و غیره صادر میشود باید بتصدیق و رای اهل مجلس باشد

توپخانه ممالک محروسه ایران درینسال بوضع توپخانه های فرنگستان گردید خوجه قلی سردار ترکمن که با جمعیت زیاد بتاخت سرحدات خراسان آمده بود خود با جمعی از همراهان او بدست سپاه منصور مقتول و بقیة السیف منهزم شدند جناب امیر قلیخان ایلخانی را بحکومت همدان سربلند فرمودند

وقایع و سوانح عمده که درین سال در تمام روی زمین و اقطار کره ارض روی نمود

اتازونی ینگی دنیا

فوت جونسن رئیس سابق

اسپانیا

در جزیره کوبا ژنرال کونزا مردم را دعوت به تبعیت پادشاه جدید الفنس مینماید ورود اعلیحضرت پادشاه جدید در نهم ژانویه به بارسلون از بنادر اسپانیا منازعه سخت هواخواهان دن کارلس با عساکر پادشاه نفاق مابین کارلیستها و تفرقه میان آنها فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلیستها متصرف بودند

اطریش

مسافرت اعلیحضرت امپراطور بمملکت دالماسی ملاقات اعلیحضرت امپراطور با اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در شهر وینز ملاقات والی منتنگرو با اعلیحضرت امپراطور در کاتارو افتتاح کشتی رانی در شعبه از دانوب که بحکم امپراطور تازه حفر نموده از وسط شهر وینه عبور داده اند ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش با اعلیحضرت امپراطور روس در رایشتاد فوت امپراطور فردیناند عموی اعلیحضرت امپراطور حالیه که از سلطنت استعفا نموده و سلطنت را باین امپراطور تفویض کرده در بیست و نهم ژوئن در شهر پراک پناه جستن اعیان مملکت عثمانی بخاک اطریش

المان

مخالفت آشکار پاپ برضد آئین دولت صدور احکام از دُم بکشیشهای کاتولیکی مذهب که تمکین و اطاعت قوانین جدیده که دولت میخواهد در قوانین مذهب ایجاد نماید ننمایند غدغن دولت در بیرون نبردن اسباب از مملکت پرنس بیزمارک بالقراهه در مجلس شورا میگوید که در مسئله مذهب بهتر این است که شخص بخالق معتقد باشد نه بمخلوق و مقصود از این حرف کنایه بپاپ است ملاقات نواب ولیعهد المان و پادشاه ایطالیا در شهر ناپل در هفتم ماه کشتی موسوم به سیلر که از هامبورک عازم به ینگی دنیا میرفته و مراجعت میکرده است و سیصد و پنجاه نفر را حامل بوده غرق میشود و از این جمعیت سیصد و دوازده نفر هلاک میشوند ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان و اعلیحضرت امپراطور روس در برلن ملاقات اعلیحضرت پادشاه سوئد و ملکه این مملکت با اعلیحضرت امپراطور المان در برلن ملاقات ارشیدوک البرت سپهسالار عساکر اطریش با اعلیحضرت امپراطور المان در اثر مسافرت نواب ولیعهد دولت المان بمملکت اطریش ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان با اعلیحضرت امپراطور اطریش در اسپل کشیش شهر کلن که برخلاف حکم دولت رفتار نموده بود اخراج بلد میشود ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان با اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در میلان

انگلیس

صد و بیست هزار نفر عمله جاتیکه در معدن زغال سنگ مملکت گال کار میکردند بیکبار شورش نموده تعطیل از کار میکنند الحاق جزایر فیجی بمملکت انگلیس وزیر امور خارجه در مجلس وکلا اطلاع میدهد که دول روس و المان و اطریش با هم متحد شده اند که با ایالات سرویه و افلاق و بغدان که جزو مملکت عثمانی هستند بدون استیذان و اطلاع دولت عثمانی معاهده تجارتی به بندند مأمورینیکه یکدسته از علما بریاست کلنل برای تحقیق و انکشاف علمی بمملکت چین مغربی و بعضی نقاط رسیدن و در اوایل ورود بخاک چین صدمه کلی دیدن و کشته شدن جمعی از آنها و مراجعت نمودن بخاک برمان نقار مابین دولت انگلیس و دولت برمان عزل والی بارود از ایالات هند بحکم دولت انگلیس ریاست نواب ولیعهد انگلیس بمجمع فراموشخانهای آن دولت مسافرت جمعی از علما و دانشمندان بقطب شمالی در هیجدهم ماه او کشتی موسوم به البرتا که اعلیحضرت پادشاه انگلستان در آن کشتی بود و از اُزبرن به پرتسموث میآمده در عرض راه علی الغفله بکشتی میستل تو برخورده منمی از آن کشتی را شکسته سه نفر را غرق میکند کاپیتن وب از بندر دوور انگلیس به بندر کاله فرانسه با شنا از دریا عبور کرده بیست و چهار ساعت تمام در روی آب میماند در یازدهم اکتبر نواب ولیعهد انگلیس بقصد مسافرت هندوستان از بندر دوور حرکت کرده در هشتم نوامبر وارد بندر بمبئی میشود ابتیاع دولت انگلیس سهامی را که خدیو مصر در نهر مجمع البحرین سوئز داشت بهشت کرور لیره انگلیسی دولت ساعه نواب ولیعهد انگلیس بسیلان میرسد و در یازدهم همین ماه بمدرس و در بیست و سیم بکلکته

ایطالیا

گاریبالدی در مجلس وکلا بدولت تکلیف میکند که رودخانه تیبر را که از وسط شهر رم گذشته مصیبتش میباشد قابل کشتی رانی نمایند

بروز طبقه از فراموشخانه‌ها در رم

چین

فوت خاقان چین در دوازدهم ژانویه

روس

نقار دولت با خان خوقند و ورود عساکر روس بسرداری جنرال کفمان بخوقند ناصرالدین خان والی خوقند مطیع میگردد ولیکن عبدالرحمن نامی برضد او سر بر خاسته حکم بجهاد میکند ژنرال اسکبلف مأمور تنبیه عبدالرحمن شده تمام خوقند را متصرف میشود اگرچه دولت طرف صلح را دارند و از جنگ حرف نمیزنند ولیکن دولت روس شورش بعضی ایالات عثمانی را بدیده حقانیت نگرد و سهل انگارانه مخفیا تدارک و تهیه جنگ میپردازد و آشکارا اعانت و رعایت زیادی به یاغیان عثمانی مینمایند

عثمانی

یاغی شدن اهالی هرزگوین جدّاً با قشون دولت در مجادله هستند اهالی ایالات منتگرو و سرویه بآنها اعانت میکنند یاغیان شهر نیزر را محاصره کرده اند استعفای اسعد پاشا از صدارت و نصب محمود پاشا مأمورینیکه از طرف دولت عثمانی با معیت قونسولهای دول فرنگ نزد یاغیان هرزگوین برای تحقیق شکایات آنها از دولت مأمور بودند بعد از ورود بشهر موستار هر قدر رؤسای یاغیان را می طلبند که حاضر شده گفتگو نمایند آنها قبول نمیکنند و مأمورین بی نیل مقصود مراجعت مینمایند در سرویه وکلای ملت بوالی تکلیف میکنند که باید جانب و اعانت یاغیهای هرزگوین را کرده با آنها حمایت نمود دولت عثمانی اعلان بطلبکاران خود مینماید که نصف طلبی که از دولت عثمانی دارند از بابت فرع تنخواه دولت نخواهد داد ازدواج والی سرب با پرنسس ناتالی کوشک و ورود عساکر مصری بحبشه و شکست یافتن از حبشه و مراجعت کردن آنها بمصر شورش اهالی هرزگوین و بسنی تنها نیست روز بروز زیاد میباشد عزل حسین عونی پاشا صدر اعظم و نصب اسعد پاشا بجای او زلزله سخت در ازمیر و حوالی آنجا در دوازدهم ماه که بیشتر از دو هزار نفر بهلاکت میرسند

فرانسه

فوت کننده رنو از وزرا و از رجال معتبر فرانسه طغیان آب در رودخانه های جنوب فرانسه و خرابی رسانیدن باغلب اماکن دویست هزار تومان دولت از خزانه باشخاصیکه اموال و املاکشان تلف شده است مجانا بخشش میکند

هلاند

فتوحات قشون این دولت در آچین

ینگی دنیای جنوبی

شهر البانه بواسطه زلزله کلیه خراب میشود

شرح سال سی ام سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و دولته مطابق سنه هزار و دویست و نود و سه هجری تنکوزئیل که تقریباً بعد از دو ماه پیچقان ئیل میشود

کلیه مهام ملکی و امور دولتی در این سال فرخنده فال بتوجهات اعلیحضرت همایون و اهتمامات اولیای دولت روز افزون قرین نظم و انتظام است امور مملکت خراسان را از هر جهة بجناب مستطاب اشرف مشیر الدوله سپهسالار اعظم واگذار فرمودند و دستخط مبارک بشرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

چون جناب سپهسالار اعظم در هر فرمایشی و خدمتی که از جانب ما رجوع شد و میشود کمال اهتمام را در نظم آن کار و دولتخواهی خود را بظهور رسانید از تاریخ اواخر سنه تنکوزئیل و مابعدها امور مملکت خراسان و استراباد را از هر جهة با ایشان واگذار میفرمائیم که آنچه لازمه کفایت و دولتخواهی است در انتظام امور سرحدات و رعیت و شئون آنجا بعمل آورده خاطر ما را آسوده دارد

جناب حاجی ظهیر الدوله بامر اعلی عمارتی بسیار عالی بجهة محل سکنای ولاة و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بنا نموده اند جشن میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم باعلی درجه کمال گرفتند در تمام بلاد ممالک محروسه نیز شرایط این جشن و عید مبارک بخوبی منظور و تقدیم شد تلگرافهای دوستانه از روی کمال وداد و اتحاد از سلاطین عظیم الشأن فرنگ مبنی بر تهنیت عید میلاد خسروانه بحضور همایون تبلیغ شد و اعلیحضرت شاهنشاهی نیز با جوبه مودت آمیز تلگرافی باهر یک از سلاطین معظم اظهار مودت و مخالصت فرمودند چون در نوزدهم ربیع الثانی هزار و دویست و نود و دو جناب اکوستین محترم ارشوک هراکله از طرف حضرت پاپ با هدایا و نامه بحضور مبارک تشرف جست جواب آن نامه را از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی بدین صورت که عیناً در ذیل مسطور میشود تبلیغ شد

صورت جوابیکه از جانب سنی الجوانب ملوکانه بحضرت پاپ مرقوم شده

حضرت مسیحا خصلت ملکوتی نعت پاپ محترم بسیار مفخم معظم بعنایات خداوندی مؤید باشند (نامه مودت علامت آنحضرت ملک خصلت که از کثرت محبت نگاشته و با تحف و هدایای خیلی عزیز و گرامی که ودایع و یادگارهای معزز و ملاحظه آنها همواره موجب انبساط حالت موانست باطنی است مصحوب جناب اکوستین محترم ارشوک هراکله فرستاده خود ارسال داشته بود بحضور مخالصت موفور ما

واصل

واصل گردید برای مزید احترام و اعتبار اکوستین ارشوک و نامه و هدایای آنحضرت مخصوصاً همه را بحضور ملوکانه خود پذیرفته و از حالت مخالصت و دوستی خالصانه شما بطوریکه شایسته حضور آنحضرت بوده لازم شمردیم بعد در این ملفوفه محبت ما و فرط مسرتهای قلبیه و شعفهای باطنیه خود مان را ازاینکه اظهار مودت و صفای بی ریای شما ظاهر ساخته خاطر دوستی اثر شما را مطمئن سازیم که چنانکه مرضی طبع و خواهش نیات خالصه شما است کافی السابق مامورین ملت محترمه کاتولیک و آحاد و افراد این ملت در نظر شفقت اثر ما عزیز و در نزد اولیای دولت علیه ما ممتاز و برگزیده و محل آن گونه رعایت و مورد اعلی درجه حمایت بوده و خواهند بود علاوه بر رعایتهای سابقه بعد از ظهور این مراوده مطلوبه احکام اکیده در رعایت و حمایت و آزادی کاتولیکها در عقاید خودشان بسرافرازی حکام صادر نمودیم ما در حقیقت آحاد ملت مزبوره رعایای دولت ایران را ودیعه آنحضرت میدانیم و معلوم است ودایع شما را کاملاً محبوب میداریم چرا که شخص شما را از برگزیدگان مریدهای حضرت مسیح علیه السلام و با آن درجه لازم الاحترام میشماریم و خواهش داریم که از صفای قلبی خودتان ما را در مقام استجابت دعوات از خاطر خود فراموش ننموده پیوسته مراوده آنحضرت پاینده بماند) (در قصر ملوکانه دار الخلافه طهران شهر ربیع الثانی)

مجدداً حضرت پاپ جوابی بحضور همایون انفاذ داشتند که ترجمه آن از قرار ذیل است

جواب نامه که حضرت پاپ نگاشته اند

بحضور اعلیحضرت پادشاه و امپراطور بسیار نامور با اقتدار   با احترامات و ارادتیکه میخواهیم بموجب هدایائیکه انفاذ حضور مبارک میشود باعلیحضرت همایون ظاهر سازیم این نامه را الحاق نموده تا باین وسیله محبت و خلوص قلبی خود مان را مشهود خاطر مبارک نمائیم این هدایا نه بواسطه ارزش معززاند بلکه شان آنها بواسطه محبتی است که بموجب آن آنها را تقدیم حضور همایون میسازیم   بر ما واضح است که شما پادشاه خیلی نامور و بسیار مقتدر الطاف مخصوصه و مراحم ملوکانه خودتان را همواره شامل حال مامورین کاتولیک و مریدهای حضرت مسیح که در ممالک متوقفند میفرمائید این مراحم خاص نسبت بایشان سبب گردیده که در کمال آزادی و بمیلهای شعف دین کاتولیک را که با آن علاقه دارند پیروی نموده مراسم آن را مجری دارند البته بر ما ثابت است که هیچ چیز جز این فقره بیشتر موجب سرور و نشاط قلب ما نمیگردد بخصوصه در این اوان نامساعد که اینهمه صدمات ما را گرفتار ساخته و نیز هیچ چیز نمیتواند بهتر از صفات حقیقی همایونی شخص شما را که با نهایت میل مشاهده مینمائیم آشکار سازد باین لحاظ در کمال شعف و سرور و خلوص امتنانیکه از جهة الطاف همایونی بایشان داریم مشهود نظر مبارک اعلیحضرت همایونی شما میسازیم بسهولت مقام خلوص و ارادت ما معلوم خواهد گشت بخصوص وقتیکه تصدیق فرمایند که جمیع بستگی و التفاتیکه با اهل کاتولیک ممالک شما خواه از جانب همایونی یا بواسطه اشخاصیکه باجرای فرمایشات اعلی اشتغال دارند بذل شده گویا در باره خود ما بوده است علاوه بر این اعلیحضرت همایون شما خوب مستحضرند که مامورین مذهب کاتولیک و اهل کاتولیک

شده که انقیاد از مراحم ملوکانه شما بخود بالیده و در این باب در کمال تعریف بیما اظهار داشته اند و نیز روز انچه لازمه جد
و جهد است بعمل آورده تا بواسطه اطاعت و انقیاد که بشخص همایونی شما لازم است خود را بیشتر لایق آن مراحم سازند و بخصوصه
دینی که ایشان پیروی دارند بر آنها تکلیف گذارده که بسلاطین روی زمین در هر بابی که بر خلاف عظمت خداوندی نباشد اطاعت و
انقیاد داشته باشند چیز دیگر از برای ایشان فایده اش بیشتر است آنست که در ازای مراحم و الطاف ملوکانه شما وفاداری خود را
ظاهر سازند اجرای تکلیف پاسته مذهبی خود میدانم که جسارت ورزیده بطور تاکید جمیع کاتولیکهایی که در ممالک محروسه
توقف دارند بشما سپرده واسند عا نمایم که در بذل حمایت همایونی خودشان نسبت بایشان اعاده فرمایید علاوه از اینکونه تمنا
مستوجب مراحم خصوصی گردیده ایزد تعالی وجود همایونی شما را محفوظ و ممالک وسیع تان را احراست خواهد فرمود براکوستین مجرم
ارشوک هر اکل که مامور بدربار همایونی شما است فرموده ایم که بوضع اکمل جمیع خلوص و ارادت ما را باعلیحضرت همایون شما بعقام عرض
درآورده میل مفرط اینست که او مستوجب مراحم ملوکانه شما گردیده و در آنچه تعلق بجمعیت و سلامتی نفوس دارد در اجرای ماموریت
خود اعلیحضرت همایون شما او را حامی باشند چنین که خلوص و ارادت خودمان را باعلیحضرت همایونی اظهار میداریم از خدای رحمن
استغاثه مینمائیم که مراحم خود را شامل حال شما و جمیع خانواده سلطنت تان داشته طول عمر شما کرامت کرده و ممالک شما را
محافظت فرماید و علاوه دعاهای کرمانه ما ان است که شما با ما در رشته محبت خداوندی متفق باشید در شهر رومه در حقوق
سن پر مورخه ۱۹ ماه سپتامبر سنه ۱۸۷۴ در سال ۲۹ سلطنت مذهبی ما مرقوم گشت

حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ولیعهد که بدون مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی احضار بدار الخلافه شده
روز بیست و دوم صفر وارد دار الخلافه گردیده در باغ دولتی موسوم بباغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل معظم معین گردید
علیقلیخان مخبر الدوله رئیس اداره تلگرافخانه بوزارت تلگراف و اعطای لقب جنابی سرافراز شده دستخط مبارک بشرح
ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

مخبر الدوله علیقلیخان سرتیپ اول که بدولتخواهی و صداقت امتحانات شایسته داده و بخدمتگذاری طی درجات بلند نموده
این اوقات که در سلک وزرای دولت و از اعضای مجلس دار الشورای اعظم برقرار شد او را بلقب جنابی ملقب بوزارت تلگرافی
دولت علیه مخاطب فرمودیم مقرر آنکه عموم چاکران دولت و وزرا فزون معزی الیه را باین سمت شناخته درجه و مقام او را
رعایت نمایند ۱۵ صفر ۱۲۹۳

روز دوشنبه بیست و سیم شهر صفر سه ساعت و سی و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشته موافق جدید فرنگی
آفتاب عالمتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام بحکومت بروجرد منصوب گردید نواب والا رکن الدوله

بحکمرانی ایالات خراسان و سیستان مفتخر گردید آدیب الملک پیشخدمت خاصه شریفه بحکومت قم و ساوه و زرند سرافراز آمد
حاجی میرزا تقی و کیل الرعایا که سابق بکیخدائی محله عودلاجان برقرار بود بمنصب کلانتری دار الخلافه برقرار گردید و میرزا
محمد حسین پسر معزی الیه بکدخدائی محله مسطوره مباهی شد محض ظهور عواطف خاصه خسروانه درباره حضرت اجل اعظم
شاهنشاهزاده امجد اکرم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی یکقبضه شمشیر مرصع بجواهر ثمینه و فیروزه از
شمشیرهای خاصه سلطنتی بدست مبارک همایونی بحضرت مستطاب معظم مرحمت فرمودند حکمرانی ایالت عربستان و لرستان با نواب
والا حشمة الدوله مفوض داشتند امین حضور پیشخدمت خاصه شریفه بحکومت کاشان سرافراز شد میرزا اسد الله مستوفی اول
به پیشکاری مازندران مفتخر آمد نواب والا معتمد الدوله فرهاد میرزا که بمکه معظمه مشرف شده بودند غره ربیع الثانی بدار الخلافه
ورود نموده بخاکپای مبارک شرفیاب و مورد مرحمت مخصوص گردیدند حاجی میرزا محمد رضا مستشار الملک پیشکار خراسان بیک
قلمدان دوات مرصع و خلعت همایون سرافراز آمد حاجی میرزا عبد الله خان علاء الملک بیکقطعه نشان تمثال بمثال مبارک
مفتخر آمد جمعیتی از ترکمن با عاشور لنک که یکی از سرداران ترکمن است و ادنه نفس که آن نیز از روسای ترکمانان میباشد بنا
ختان سرحدات خراسان آمده مصطفی قلیخان میر پنج رئیس ادره خراسان با قشون ظفرنمون سر راه بر آنها گرفته جمعی را مقتول
و عاشور لنک را کشته و ادنه نفس را با ده نفر سوار دستگیر کرده باقی متفرق گردیدند بعضی دواب و بقیه ترکمن را نیز سپاه نصرت
همراه غنیمت کرده اند حکمرانی و فرمانفرمائی مملکت فارس را مزید سایر مشاغل جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم فرمودند
و دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

نظر بعضی مقتضیات ملکیه و رعایت ازدیاد امنیت و آبادی مملکت فارس چنان صلاح میدانیم که انتظام آن مملکت را کلیه از جناب
سپهسالار اعظم بخواهیم و موافق این دستخط حکم میشود که از امروز فرادها هر گاه لازم است برای انتظام آن مملکت فرمانفرمائی و آسودگی
رعایای آن و نظم سرحدات و تنبیه اشرار ایلات و غیره بدهد و اقدامات سریعانه نماید و آن مملکت را آباد و دایر کرده بهر جهت در نظم
آن نواحی خودداری ننماید و کل حکام جزء و مباشرین آن مملکت را از اشخاص کاردان با نظم عادل عاقل معین نماید رعایت حقوق
رعیت و انتظام امور دولتی را بهر چیز مقدم دارد از این تاریخ ببعد انتظام کل فارس را بهر جهت از او میخواهیم و مسئول خواهد
بود سیچقان ئیل ۱۲۹۳

و نظارت معادن ممالک محروسه را مجددا بر عهده نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول فرمودند حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده
والا ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی روز چهارشنبه هفتم جمادی الاولی باجازه همایون عزیمت محل حکمرانی خود
که مملکت آذربایجان باشد نمودند در باغ اسطبل توپخانه مبارکه را بنواب جهانسوز میرزا مرحمت فرمودند یار محمد خان ایلخانی

شادلو تنبیهی در سرحدات بجنورد داده اند که نموده است محمدخان والی حکمران یزد بخطاب جناب سرافراز آمد میرزا حسنعلی طبیب ازاطبای حضور همایون بلقب شیخ الاطبائی ملقب گردید موکب همایون در ماه جمادی الثانیه عزیمت ییلاق لار فرمودند حکومت و فرمانفرمائی فارس را بنواب والا معتمدالدوله واگذار فرمودند محمد حسنخان ولد جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم بمنصب فراشباشیگری سرافراز شد سیم تلگراف خراسان بمشهد مقدس وصل آمد اداره ملبوس و خیام خانه نظام را بعهده مراقبت حاجی میرزا عبدالله خان علاءالملک موکول داشتند در ماه شعبان این سال نظر بخدمات جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم یکثوب سرداری مفتول دوز نظامی شمسه مرصع از ملابس خاص تن پوش مبارک اعلیحضرت پادشاهی مرحمت فرموده دستخط جهانمطاع مبارک شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

جناب سپهسالار اعظم   چون در اینسال از کلیه خدمات شما محول شد خاطر ما کمال خوشنودی را دارد و در اجرای اوامر احکام ما دقیقه خودداری نکرده است خاصه در نظم و انعقاد اردوی نظامی ییلاقی امسال و فرستادن اردوهای متعدده بگرکان و سایر سرحدات در بوقت و موقع رساندن آنها بمحلهای مأموریت لهذا یک سرداری مفتول دوز نظامی شمسه مرصع از ملابس خاصه همایونی برای نشانه التفات برای شما فرستادیم   ۱۲۹۳

مجلس تحقیق علاوه بر مجلس شورای کبری و مجلس خاص وزرا برقرار و دایر گردیده و اجزای اینمجلس از قرار ذیل میباشد

اعضاء مجلس تحقیق دولتی

(نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا احتشام السلطنه) (نواب والا نصرة الدوله) (جناب حاجی ظهیرالدوله)
(جناب ناصرالملک) (جناب حاجی دبیرالملک) (جناب حسنعلیخان) (جناب نصیرالدوله) (جناب امین لشکر) (جناب مخبرالدوله)
(جناب امین الملک مدیر مجلس) (میرزا محمودخان منشی اسرار و کاتب مجلس) وزیر رسائل خاصه

بعضی بناهای بدیع رفیع بر ابنیه سلطنتی دارالخلافه افزوده شد نواب والا نصرة الدوله بحکومت ایالت مرکزی که عبارتست از عراق و همدان و ملایر و تویسرکان و کلپایگان و خونسار و نهاوند و بروجرد باشد منصوب و بلقب فرمانفرمائی ملقب گردیدند و دستخط مبارک در اینباب بشرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

عم اکرم   نصرة الدوله که در رجوع هر کار و تصدی هر خدمتی رضاجوئی خاطر ما و رفاه خلق و صلاح مملکت را پیشنهاد کرده در خیرخواهی این دولت روزافزون اظهار اقدامات صادقانه دارد که مقصود خاطر معدلت مظاهر ماست و باین وسیله طی درجات و کسب مقامات نموده در هر قدم مرتبتی تازه یافته است این اوقات که حکمرانی ایالات مرکزی عراق بعهده عم معزی الیه محول است باقتضای رای مرحمت نمای همایون او را بلقب جلیل فرمانفرمائی ملقب و مخاطب فرمودیم که این عاطفت جزیله را سرمایه

مزید

مزید اعتبارات و ترقیات برتری خود دانسته خدمات دولتی را بوجوه مستحسنه بتقدیم رساند و مورد شمول مراحم دیگر آید   ۱۲۹۳

حکمرانی ایالتین کرمانشاهان و کردستان را بعهده نواب والا احتشام السلطنه مفوض داشتند روز نوزدهم شهر شوال اینسال جناب منیف افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که حامل اعلان نامه رسمی جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان بر تخت سلطنت عثمانی بود بحضور مهر ظهور مبارک مشرف شد ایالات قم و کاشان و ساوه و زرند را ضمیمه مزید مشاغل و حکمرانی حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دارالخلافه ادام الله اقباله العالی فرمودند و وزارت عدلیه اعظم را بجناب میرزا کاظم خان نظام الملک که مسبوق باین امر بود تفویض فرمودند بنده مؤلف بمرکشنه جابلسرج و نشان سرتیپی سرافراز آمد سیم خط راه فارس نیز الی بندر بوشهر ممتد کردید مجلس حافظ الصحه دار الخلافه بریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن در کمال نظم دایر است روز بیست و سیم ذیقعده الحرام موکب همایون عزیمت شکارگاه مسیله فرمودند چون اوایل عشر سیم ذیقعده الحرام این سال سال اول سی ام سلطنت شهریاری اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه بود و این قرن سعید با قرن صد ساله سلطنت سلسله ابد پیوند قاجاریه اقتران داشت جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم جشن قرن همایون را در چند روز و چند شب بوجه اکمل گرفتند از بیستم ذیحجه الحرام شروع بضیافتها و چراغانها و مجالس عیش و سرور و آتشبازی و غیره نمودند و سلاطین عظیم الشان فرنگ بواسطه تلگراف تهنیتها گفته اجوبه مودت آمیز از جانب اعلیحضرت همایون بواسطه تلگراف تبلیغ شد جناب مسیو زینوویف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مامور باقامت در دربار دولت علیه گردید از اول ورود بخاک ایران شرایط اعزاز و تشریفات معموله درباره سفرای بزرگ دول متحابه درباره جناب معزی الیه بوجه اکمل بعمل آمد روز شانزدهم محرم وارد دارالخلافه گردیده بعد هجدهم بحضور مهر ظهور شرفیاب گشت

وقایع و سوانح عمده که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کره ارض سانح گردیده است

اتائونی (ینکی دنیا)

در چهارم ژویه که سه شنبه دوازدهم جمادی الثانیه باشد جشن سال صدم   آزادی اتائونی را در تمام آن مملکت گرفتند (مخفی نماند که قبل از صد سال ممالک متحده المسالک اتائونی جزو مملکت انکلیس بوده و از آن تاریخ بعد آزاد شده دولت مستقل بزرگی گردیده است) و ورود امپراطور برزیل در بهار اینسال به نیویورک پای تخت مخارجیکه شخص رئیس اتائونی میداد از طرف دولت آن مخارج را تنزل دادند تنبیه تصنیف نمود افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی برای جمیع دول و ملل روی زمین در شهر فیلادلفی در اواخر بهار

اسپانیا

تمام نقاطیکه عساکر یاغی دنکارلس کرفته بودند قشون دولتی بحیطه تصرف در آورد شانزده هزار از قشون یاغی کارلیست اسلحه خود را زمین کذاشته مطیع اعلیحضرت پادشاه اسپانیا شدند فرار دنکارلس بمملکت فرانسه ورود اعلیحضرت پادشاه اسپانیا با فتح و نصرت بمادرید

اطریش

مسافرت علیاحضرت امپراطریس انکلیس ملاقات اعلیحضرت پادشاه یونان و ملکه اسپملکت با اعلیحضرت امپراطور در وینه ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش در رشتاد در حالتیکه صدراعظم دولت روس و صدر اعظم دولت اطریش کنت اندراسی حضور داشتند ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش در وینه با اعلیحضرت پادشاه ساکس ورود اعلیحضرت پادشاه یونان بوینه

المان

منع دولت فروش اسب را یکسالیکه میخواهند آنها را بخارج ببرند فوت ژنرال یوکر از معارف دبران طغیان آب الطلب رودخانه ها علی الخصوص در شهر فرانکفرت دیده شد مسافرت اعلیحضرت پادشاه انکلستان بشهر بادن ملاقات اعلیحضرت پادشاه انکلستان و اعلیحضرت امپراطور المان در شهر کوبورک ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت امپراطور المان در برلن ملاقات رشید وک البرت سپهسالار اعظم دولت اطریش با اعلیحضرت امپراطور المان و اعلیحضرت امپراطور اطریش در شهر امس مسافرت نواب ولیعهد دولت ایطالیا با زوجه خود به برلن ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور المان در سالزبورک ورود اعلیحضرت امپراطور برزیل و امپراطریس برزیل بالمان

ملاقات وزرای دول ثلاثه روس و المان و اطریش (پرنس کرچاکف) (پرنس بیزمارک) (کنت اندراسی)

انکلیس

لرد دربی وزیر امور خارجه مذمت از وضع سلطنت و حکمرانی دولت عثمانی میکند ملقب شدن دیسرائیلی صدراعظم بلقب کنت بوکونسفیلد تعدی و ظلم عثمانیها نسبت باهالی بلغارستان با کمال نفرت در انکلیس دیده میشود مسیو کلادستون کتابچه در مذمت دولت عثمانی انشا میکند نشان دادن قشون هندوستان در دهلی با حضور نواب ولیعهد افتتاح پارلمنت با حضور شخص اعلیحضرت پادشاه انکلستان تکلیف دیسرائیلی صدراعظم بوکلا که با القاب اعلیحضرت پادشاه انکلستان امپراطریس هندوستان افزوده شود ابتیاع بقیه اسهام خدیو مصر از شراکت حفر مجمع البحرین سوئز بواسطه دولت انکلیس مسافرت اعلیحضرت پادشاه انکلستان بالمان و مراجعت بانکلیس معاودت کاپیتن سیاح معروف از افریقا بانکلیس مراجعت نواب ولیعهد از هندوستان بانکلیس فرستادن کشتیهای جنکی انکلیس باسلامبول بجهت رعایت دولت عثمانی

ایطالیا

مسافرت نواب ولیعهد با زوجه خود بپطرزبورغ ورود سفرای مرغش بودن و مجضور اعلیحضرت پادشاه رفتن اصل ایطالیا از مدعاتیکه از طرف دولت عثمانی باهالی بلغارستان و هرسکتاسمیا شده توقف کاردینال انتونلی معروف صدراعظم پاپ برقراری کاردینال سیمونی بجای او تزویج دولت داوک پسر دوم اعلیحضرت پادشاه ایطالیا دوشس میناید مسافرت نارژنی امپراطریس سابق فرانسه بشهر رم

برزیل (امریکای دنیا)

مسافرت اعلیحضرت امپراطور برینکی دنیای شمالی

بلژیک

ورود اعلیحضرت پادشاه یونان و ملکه در این مملکت ورود اعلیحضرت امپراطور برزیل و امپراطریس به بلژیک ملاقات اعلیحضرت پادشاه بلژیک و ملکه در شهر و بسبب شورش مردم در شهر بروکسل پای تخت ورود آنورس

چین

فتوحات عساکر چینی کاشغر کرفتن شهر ارومچی را از یعقوب بیک امیر کاشغر

دانمارک

مسافرت اعلیحضرت پادشاه با زوجه خود بپطرزبورغ

روس

در دهم نوامبر اینسال که مطابق است با جمعه بیست و دویم شوال خطبه اعلیحضرت امپراطور در مسکو با حضور رجال دولت و اعیان و اشراف مملکت قرائت کرده اشکارا بیان مینماید که اکر اجماع دول فرنک نتوانستند قراری در رفاهیت عیسویان دولت عثمانی بدهند من مستقلاً بشخصه حاضر هستم که کمال رعایت را با نها بنمایم و سه روز بعد عساکر اردوهای جنوبی مامور توقف در ایالات و سایر نواب کراند دوک نیکلا برادر اعلیحضرت امپراطور سردار این اردو کردید پادار دوی مذکور عبارتست از دویست و شانزده هزار پیاده و چهل و نه هزار و دویست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عراده توپ دویست کرور منات مخارج از برای تدارک جنک دولت از داخله مملکت استقراض نمود و مقرر شد که از آن بعد وجه کمرک زر مسکوک باشد نه پول دیکر تمام اهالی روس از هر مملکت و هر نقطه عریضه ها باعلیحضرت امپراطور روس نوشته دعای خیر باعلیحضرت معظم مینمایند که بخیال آزادی عیسویهای عثمانی است در اول دسامبر که مطابق با جمعه چهارم ذیقعده الحرام است نواب کراند دوک نیکلا سپهسالار برادر اعلیحضرت امپراطور که سردار عساکر جنوب بود بسمت کشتنیف که معسکر اردوی روس بود حرکت کرد نواب امیرالکراب وزیر بحریه در زمستان فوت کرده اند دوشس ماری خواهر اعلیحضرت امپراطور

الحاق مملکت خوقند بمتصرفات روس در ترکستان و موسوم نمودن این ایالت را بایالت فرغانه فتوحات و غلبه ژنرال اسکلف سردار بر طایفه قرا قرقیز

ژاپن

ساختن میکادو پادشاه اینمملکت با سفاین جنگی باطراف جزیره خود موقوف داشتن شکنجه را نسبت بمقصرین در این مملکت شورش ایالات مغربی و قتل یاغیان

سوئد و نروج

فوت مادر اعلیحضرت پادشاه در تابستان

سوئیس

دخل اینمملکت در این سال هشت کرور و دویست و چهل و یکهزار و پانصد و پنجاه و دو تومان و ششهزار دینار است و خرج هشت کرور و چهارصد و بیست و هفت هزار و شصت تومان

شیلی (ینکی دنیای جنوبی)

بنسوان حق داده شد که مثل رجال آنها نیز در مجلس پارلمنت حق تعیین وکیل دارند

عثمانی

جنگ سخت دولت با یاغیان هرزکوین و بسنی کشته شدن داسی صدر اعظم اطریش دستور العمل و یادداشتی برای استمالت یاغیان هرزکوین و بسنی که بامضای دول روس و المان و انگلیس رسیده است باسلامبول وارد میسازد و اصلاحاتیکه دستورالعمل و یادداشت مبنی بر این بود آزادی تام و تمام اهالی در مذهبی که پیروی میکنند (قانونی در وضع اخذ مالیات که تعدی بآنها نشود) (تشویق زارعین و ملاکان) (یکقسمتی از مالیات معتبره که این دو ایالت باید بدولت عثمانی میدهند همه صرف خرج خود ان ایالات شود یعنی بمصرف ساختن مدارس و راهها و مریضخانه‌ها و غیره برسد) (ایجاد مجلسی در این دو ایالت مرکب از عیسویان و مسلمانان که معتادا در آن مجلس نشسته قرارهای لازم برای رفاهیت رعیت بدهند) دولت عثمانی قبول این تکالیف را مینماید و چهار هفته بیاغیان مهلت میدهد که اگر در ظرف این مدت اسلحه زمین گذاشته اطاعت اختیار کنند آنها را عفو کرده نیز سلطان بلو خرابی که باهالی رسیده مقرر میدارد که در ظرف دو سال تخفیف کلی در مالیات آنها داده شود ملاقات ژنرال ردیچ حاکم دالماسی من ایالات اطریش با عالی پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر راکوزا با یاغیهای بسنی یاغیان شکست برضد دولت هستند مختار پاشا با هفده هزار قشون با یاغیهای هرزکوین و بسنی در جنگ است ابتدای شورش در بلغارستان استعفای محمود پاشای صدر اعظم و نصب محمد رشدی پاشا بجای او بدست آوردن قاتلین قنسولهای فرانسه و المان که در سالونیک

بند عثمانی مقتول شده بودند و بقتل رسانیدن آنها در اسلامبول خلع سلطان عبدالعزیز خان از سلطنت در سی ام ماه مه که سه شنبه ششم شهر جمادی الاولی باشد و نصب سلطان مراد پنجم بجای او در چهارم ماه ژون که یکشنبه یازدهم جمادی الاولی باشد عبدالعزیز خان شریان خود را بامقراض دریده خود را هلاک میسازد در شانزدهم ژون که شنبه بیست و چهارم جمادی الاولی باشد حسین عونی پاشای وزیر جنگ و رشید پاشای وزیر امور خارجه را حسن نام چرکس در خانه مدحت پاشای صدر اعظم بقتل رسانید در حینی که در بلغارستان و هرزکوین و بسنی قشون دولتی باطفاء نایره شرارت یاغیان مشغول بودند آن ایالات را منتظم کرده ایالت سروی بهانه اینکه میخواهند حدود و ثغور خود را محفوظ از دستبرد و تخطی یاغیان با قشون منظم دولت عثمانی نمایند عساکر زیادی حاضر میکنند و پرنس میلان والی سروی سرداری این قشون را شخصا قبول میکند در اول ژوییه که شنبه نهم جمادی الاخری باشد منتنگرو و سرویه بعثمانی اعلان جنگ میکنند سردار عساکر سروی ژنرال چرنایف می باشد فتوحات مختار پاشا در منتنگرو و از طرف دیگر شکست دادن قشون منتنگرو عساکر عثمانی را و حبس کردن عثمان پاشا عساکر عثمانی بسرداری سردار اکرم عبدالکریم پاشا رو بخاک سروستان مینمایند فتوحات عبدالکریم پاشا در سرویه میانجی گری دولت انگلیس که اسباب اصلاح میان سرویه و عثمانی را فراهم آورد در سی و یکم ماه اوت که دوشنبه نهم رجب باشد بفتوای شیخ الاسلام که سلطان مرادخان پنجم مریض و مجنون است و قابل سلطنت و فرمانفرمائی نیست از سلطنت خلع شده برادر کهتر او عبد الحمیدخان بجای او منصوب گردید در هفتم سپتامبر که پنجشنبه هیجدهم شعبان باشد سلطان عبدالحمید خان رسما جلوس بتخت سلطنت میکند تکلیف صلح نمودن دولت انگلیس دولت عثمانی را با سروی و منتنگرو با شراکت سایر دول فرنگ و جواب مبهم دادن دولت عثمانی ورود اعلیحضرت امپراطور برزیل باسلامبول ایجاد پارلمنت عثمانی مرکب از صد و بیست نفر فتوحات عبدالکریم پاشا در سرویه و استمداد نمودن سرویه از دولت روس و ورود صاحبمنصب و سرباز زیادی باسم داوطلب بمملکت سرویه بیطرفی اختیار کردن انگلیس بعد از قبول کردن دولت عثمانی بمجلس کنفرانس که اجزاء این مجلس سفرای کبار دول فرنگ باشند بجهت قرار دادن قاعده جدید در داخله عثمانی استعفای ژنرال چرنایف از سرداری عساکر سرویه دولت روس تبعهای مطالبه یک ضمانتی از طرف دولت عثمانی میکند که بوعده‌ها اکتفا نموده باید ضامن شود که قرارهای جدیدیکه مامورین دول فرنگ خواهند گذاشت از عهده برآید و مامور با وجود اینکه این مجلس برای او منعقد است حق حضور در این مجلس را نداشته باشد دولت عثمانی حتما مدحت پاشا و ادهم پاشا را از طرف خود مامور نموده باین مجلس میفرستد افتتاح مجلس کنفرانس در دوازدهم دسامبر که سه شنبه بیست و پنجم ذیقعده الحرام باشد بدون قبول حضور مامورین عثمانی بریاست ژنرال اگناتیف سفیر کبیر روس عزل رشدی پاشای صدر اعظم و نصب مدحت پاشا بجای او دولت عثمانی هیچ تکلیفات تکالیف مجالس کنفرانس را قبول نمیکند

فرانسه

ریاست مسیو گرهوی مجلس پارلمان ورود اعلیحضرت پادشاه انکلستان به بندر شربورغ و ورود به پاریس و ملاقات با امپراطور
ناپلئون ورود سفرای مرغش به پاریس

مکزیک

شورش اهالی یوکاتان بتحریک ژنرال ... و شکست یافتن یاغیان از قشون دولت

هلاند

آزاد کردن غلام و کنیز را دولت هلاند در جزیره سوماترا

ینکی دنیای جنوبی

ژنرال ... بریاست جمهور منتخب گردید

یونان

ورود اعلیحضرت امپراطور برزیل در این مملکت مراجعت اعلیحضرت پادشاه یونان بعد از گردش و سیاحت تمام فرنکستان
بمملکت خود استقراض دولت برای تدارک قشون فرستادن چند کشتی جنگی به بندر سالونیک

شرح وقایع سال سی و یکم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران زاد الله تعالی شوکته و دولته مطابق سنه هزار و دویست و هشتاد و چهار هجری سیچقان ئیل ترکی که تقریبا بعد از دو ماه اودئیل میشود

ابتدای اینسال الخیر مآل محض مزید نظم و انتظام امور دولت و رفاه و آسایش حال رعیت جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم باشاره علیه ملوکانه قانونی برای تعیین حدود و تکالیف حکام و رؤسای قشون که در ولایات ممالک محروسه هستند نوشته بامضای ملوکانه موشح و صورت آن از قرار شرحی که در ذیل مسطور میشود بولایات انفاذ شد

صورت قرارداد و قانونیکه جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم نوشته اند

اولا فیمابین دو نفر که هر دو بجهت انجام خدمت دولت معین میشوند باید کمال اتفاق و اتحاد بوده بوجه من الوجوه با یکدیگر مخالفت نداشته باشند

ثانیا حاکم هر ولایتی حق تقدم بر رئیس نظام خواهد داشت

ثالثا در موقعیکه خدمت دولت اقتضا نماید و حاکم بجهت دفع متمردین یا امنیت ولایت سوار و عسکر را بیکی از نقاط ولایات مامور بفرستد باید مکتوبا برئیس نظام تکلیف را معلوم نماید و رئیس نظام باید باطاعت حاکم رفتار نماید و اگر رئیس نظام بدون سؤال حاکم بدون موقع واقع شده مسئول در نزد دولت حاکم خواهد بود

رابعا رشته ایندو اداره کلیتا از یکدیگر موضوع و جداست باینمعنی که رئیس نظام بهیچ وسیله و بهانه بامورات ولایتی از قبیل مالیات و تعیین ضباط و نواب و سایر کارهائیکه بر عهده حاکم است نباید مداخله نماید و همچنین حاکم بهیچ وسیله بامورات قشونی نباید مداخله نماید جمیع امورات متعلقه بقشون بانفراده تعلق برئیس نظام آنولایت دارد

خامسا تنخواه نقد و جنسی که در کتابچه دستورالعمل مخارج ولایت مندرج است تمام او را باید بدون هیچ قسم مداخله بمامور دیگر از جانب وزارت عسکریه معین میشود تسلیم نموده و قبض ان مامور را سند خرج خود بداند لا غیر و اگر مداخله جزئی نماید و خود بخواهد به تنخواه نقد و جنس قشونی دخل و تصرف نماید قبض جزو را سند خرج خود قرار بدهد در دیوان و دفتر محاسبات ابدا مقبول و مسموع نگشته و آن قدر دیگر خود مداخله جزئی نموده است تماما بدون عذر از او استرداد خواهد شد

سادسا حاکم ولایات باید تنخواهی که در کتابچه دستورالعمل دیوانی نوشته میشود باسم قشون و سایر مخارج و مصارف مقدم داشته و از آن قدر وجوه جمعی خود اولا تنخواه قشون را برساند و هیچ عذری از قبیل فاضل کتابچه دستورالعمل یا کسر لاوصول ولایت یا استدعای تخفیف تنخواه قشونی را نباید معوق و معطل بگذارد بلکه تنخواه متعلق بقشون را مقدم داشته و از برای معاذیر و مستدعیات خود سایر مصارف و مخارج ولایتی را محل قرار بدهد و تنخواه قشونی را واجب الاداء دانسته تخلف جایز ندارند

سابعا چنانکه در فصل چهارم ذکر شد که ایندو رشته حکومت و نظام از یکدیگر کلیتا موضوع و جداست بدیهی است که اجزا و اسباب کار ایندو رشته خدمت دولت هم مختلف و جدا خواهد بود ممکن است که دولت بجهت مصالح خود ریاست ایندو رشته را بشخص واحد مفوض فرماید و انتظام این هر دو کار را از آن شخص بخواهد لیکن احکام که هر دو عمل با و رجوع شده است باید ایندو کار را از یکدیگر موضوع و جدا دانسته و این قانون نامه را در مد نظر خود رجوع نموده و رؤس مسائل را بمرجع هر یک از دو کار رجوع و اظهار نماید

ثامنا اگر از بابت بیشرفت اختلافی فیمابین حاکم و رئیس نظام بوقوع برسد این اختلاف را بهیچ جه اسباب نقاضت و عداوت فیمابین خودشان قرار نداده در کمال ادب و انسانیت و معقولیت با یکدیگر رفتار کرده مایه اختلاف را برؤسا و مرجعهای خود نوشته هر قسم حکم رسید رفع اختلاف نمایند

تاسعا اگر امری فیمابین اهل نظام و قشونی با اهل ولایت و رعیت اختلاف و مجادله واقع شود حاکم و رئیس نظام متفقا

داشته و حکم ... دو شعبه را با ... خ

ومشترکا باید رسیدگی و غوررسی نموده احقاق حق کنند

عاشرا چنانکه در فصل پنجم و ششم ذکر شده و تاکید در اتصال وجوه متعلقه بقشون کرده بود است این فقره هم واضح و بدیهی است مالیاتیکه افراد و صاحب منصب نظامی باید بدهند جزو مالیات کل ولایات بحاکم برسد هر قدر که تعلق بانها دارد حاکم باید برئیس نظام محل داده و بهیچ وجه متعلقه بقشون نباید مطابق مدلول و مندرجات در فصل پنجم و ششم کارسازی دارد

میرزا سنگلاخ که تقریبا یکصد و ده سال عمر کرده شب جمعه هفدهم صفر در تبریز داعی حق را لبیک اجابت گفت عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه را جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم باعلی درجه کمال با شکوه و زینتی تمام گرفته شد در تمام بلاد ممالک محروسه نیز این عید سعید با تشریفات کامله گرفته شد بعضی استخوانهای ماموث را در اصفهان میرزا تقی خان حکیمباشی حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات انکشافات کرده ماموت حیوانیست که قبل از طوفان نوح در کره ارض وجود داشته شبیه بفیل و عظیم‌تر روز شانزدهم صفر در شکارگاه جاجرود پلنگی عظیم الجثه شکار شست مبارک شد روز سه شنبه چهارم شهر ربیع الاول بعد از نه ساعت و بیست و هفت دقیقه و سی و شش ثانیه بحساب زیج جدید فرنگی از روز یکشنبه نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل کرد سلام خاص در عمارت عاج در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید و روز چهارشنبه که روز عید نوروز است سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت حکمرانی مازندران را بعهده کفایت جناب معتمد الملک وزیر مخصوص موکول داشتند مجلسی برای تحقیق اشیاء معدنی و فلزات بریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دایر و برقرار گردید میرزا علی دکتر بعد از مراجعت از سفر فرنگ که برای تحصیل رفته بود از اطبای حضور همایون و بمنصب معلمی علم طب جدید در مدرسه مبارکه دارالفنون سرافراز آمد رسیدگی بامور عربستان و لرستان را بعهده کفایت جناب علاءالدوله وزیر مالیه و دربار اعظم موکول داشتند نیز اداره گیلان را مزید سایر مشاغل جناب معظم فرمودند و ضیاء الملک بحکومت گیلان منصوب شد حکمرانی خمسه را بنواب والا عزالدوله عبدالصمد میرزا واگذار فرمودند میرزا محمد حسین پسر میرزا جعفر وقایع نگار بمنصب استیفا سرافراز آمد موکب همایون پانزدهم جمادی الاولی تشریف فرمای ییلاق لار گردیده و [illegible] مراجعت فرمودند چرخ سکه و ضرابخانه دولتی در محلی که مشهور بکارخانه ریسمان ریسی است بریاست جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر وسایل خاصه مباشرت مسیو پخن بمساعی تکمیل و دایر میشود آقا محمد ابراهیم امین السلطان بلقب جنابی ملقب و از اجزای دارالشورای کبری گردید مهام و امور دولتی را در تحت وزارتخانه قرار داده جناب اجل آقای مستوفی الممالک را وزیر امور کشور و جناب اشرف سپهسالار اعظم را وزیر امور لشکر خواندند اول شهر رجب موکب همایون مجددا عازم لار و نمارستاق شد میرزا زکی رشتی وزیر دربار حرم جلالت بخطاب جنابی مفتخر آمد در سلخ شهر رجب شهرستانک

اما بعد از طوفان دیگر این جنس حیوان وجود نیافته است

مقرب

مقرب حضور معلی گردید بعد از معاودت سفرای پیرمان از دارالخلافه بان مملکت میرزا فضل الله خان کارپرداز بمبئی را مامور بایلچی گری و سفیر پیرمان قرار دادند مشارالیه این ماموریت را از روی کفایت بانجام رسانیده معاودت کرده این اوقات عریضه از مسافرت و شرح سفارت خود بخاکپای همایون ارسال داشت میرزا شفیع خان برادر مرحوم میرزا جعفر خان سرتیپ توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه نایل گردید میرزا هاشمخان امین الدوله مرحوم شد میرزا محمد خان امین خلوت ولد مرحوم میرزا هاشمخان علاوه بر ریاست تفنگداران خاصه بریاست خلوت همایون سرافراز گردید مسیو بنگلا سمینوف از جانب مسیو ریدرر رئیس کل پستخانه‌های ممالک محروسه بدرجه نیابت کل یافته داخل این اداره گردید مجلسی از اجزای محترمه مسطوره ذیل برای رسیدگی بامور دیوانخانه عدلیه اعظم بامر همایون تشکیل یافت

(نواب والا اعتضاد السلطنه) (جناب نظام الملک) (جناب نصیر الدوله) (مستشار الدوله) (میرزا ذکی نایب) (ادیب الملک مدیر مجلس) (میرزا محمود وزیر طهران) (حاجی میرزا حسینخان) (صدر دیوانخانه) (اعتماد الملک) (حیدرقلیخان) (بعضی اجزای دیگر) در ماه رمضان امسال تکیه دولتی محل و جایگاه تعزیه داری و استماع مواعظ است در غرفات آن جواهر فروشان دارالخلافه و تجار و ارباب صناعت و حرفه منزل نموده بکسب و حرفه خود مشغول بودند نصرالله خان نصر الملک سرتیپ اول بیک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا شیخعلی جناب بمنصب نیابت نظام العلماء یافت نواب والا جهانسوز میرزای امیر تومان حکمران استراباد باعطای نشان تمثال بیمثال همایون سرافراز آمد حسینعلیخان ولد جناب علاء الدوله بمنصب غلام پیشخدمتباشیگری مباهی گردید کمیسیونی بریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن برقرار گردید که اجزای آن امتعه و اقمشه و اجناس لایقه ایران را بجهت اکسپوزیسیونی که در این سال آینده در دارالملک پاریس افتتاح می‌یابد جمع آوری و حاضر نمایند و میرزا جوادخان که مامور حمل این امتعه بپاریس میباشد بمنصب سرتیپی دویم مفتخر گردید میرزا احمد علی ناظر پستخانه بعطای یک رشته حمایل و نشان از درجه سرهنگی نایل آمد بعضی از ترکمانان سارق که بخاک خراسان بتاخت و تاز آمده بودند مصطفی قلیخان میرپنج رئیس نظام خراسان آنها را تنبیه سخت نموده است مهام حکمرانی خراسان و سیستان و استراباد را مزید مشاغل جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم فرمودند محمد علیخان امین السلطنه جامه دار خاص بعطای یکقطعه نشان و حمایل سرخ از درجه دویم سرتیپی سرافراز آمد میرزا اسدالله خان جنرال قنسول دولت علیه مقیم تفلیس باعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی گشت

سوانح و وقایع عمده که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کره ارض واقع گردیده است

اتازونی ینگی دنیا و ینگی دنیای شمالی

در بهار اینسال ریشارد های بریاست جمهوری برقرار و ژنرال گران از این عمل خلع گردید سالی پنجاه هزار دلار برئیس جمهور

مواجب مرسوم داده میشود

(هر یك دلار معادل است با پنج قران پول ایران)

پیغمبر طایفه مرمن که مذهبی است جدید الاحداث و ژوزف نام پیغمبر بوده است بحکم دولت بقتل میرسد تمام قشون اتازونی برای جری بیست و پنج هزار است مسافرت رئیس سابق ژنرال گران بسمت فرنگ و ورود او به لیورپول بندر انگلیس شکست عساکر دولتی از طایفه سیو کس که از وحشیهای قدیم ینکی دنیا می باشند

اسپانیا

هواخواهان دنکارلس که بخارجه فرار کرده بودند بحکم اعلیحضرت پادشاه باوطان خود برمیگردند تمام یاغیهای جزیره کوبا مطیع و منقاد دولت شدند

اطریش

ملاقات پرنس بیزمارك صدر اعظم المان و کنت اندراسی صدر اعظم اطریش در شهر سالسبورگ

المان

گرفتن اعلیحضرت امپراطور جشن در موقع سال هفتادم داخل شدن ایشان بخدمت قشونی و سال هشتادم عمر اعلیحضرت معظم پرنس بیزمارك بواسطه علت مزاج موقتا چندی از کار کناره میجوید ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان با اعلیحضرت امپراطور اطریش در شهر ایشل

انگلیس

ورود سفرای چین بلندن گفتگوی سخت در مجلس پارلمان در مسائلی که راجع بعثمانی است الحاق جمهوری ترانس وال افریق در پیرامس امید بمتصرفات انگلیس در آن ناحیه سفاین جنگی انگلیس ورود بخلیج بزیکا نزدیکی اسلامبول میکنند

ایطالیا

پی نهم پاپ جشن سال پنجاهم سلطنت روحانی و جسمانی خود را میگیرد

برزیل از ینکی دنیای جنوبی

بواسطه خشك سالی و نیامدن باران در ایالات شمالی مردم ببلیه قحطی مبتلا میشوند

پرتوغال

بیطرفی این دولت در جنگ روس و عثمانی

چین

فوت ولیعهد در سن سه هشت سالگی

روس

صدر اعظم انگلیس پرنس گرچاکف بدول المان و اطریش و فرانسه و ایطالیا یادداشتی میفرستد که دولت عثمانی هیچ یك تکالیف دولت روس را در مسائلی که راجع برفاهیت عیسویان آن مملکت است قبول ننموده و باین جهت دولت روس در تهیه قشون است آمدن اعلیحضرت امپراطور به کشینو باتفاق نواب ولیعهد و سان دیدن قشون و در آنجا اعلان جنگ کردن بعثمانی شارژ دافر عثمانی با تمام اجزای سفارت خود از پطرسبورغ بسمت مملکت خود حرکت میکند اعلیحضرت امپراطور با نواب ولیعهد بشخصه در عساکر روس که بخاك عثمانی ورود میکنند حاضر هستند

ژاپن

ایجاد راه آهن جدید و افتتاح آن با حضور پادشاه از اوزاکا بر کیوت

عثمانی

سرداری سلیمان پاشا بجای مختار پاشا در هرزگوین صفوت پاشا در مجلس وکلا از طرف سلطان اظهار میدارد که تکالیف مجلس کنفرانس دول را که در اسلامبول منعقد شده بود چون بشان و شوکت عثمانی خللی وارد می آورد اعلیحضرت سلطان قبول نکرده رد نموده اند مجلس وکلای دولت عثمانی تماما تکالیف مجلس کنفرانس دول فرنگ را رد کردند رفتن مامورین دول که در مجلس کنفرانس حاضر شده بودند از اسلامبول عزل مدحت پاشا از صدارت و نصب ادهم پاشا بجای او انعقاد مصالحه مابین سرویستان و عثمانی سرداری کل سفاین جنگی عثمانی بهبیر پاشا نام که اصلا انگلیس است تفویض شد شارژ دافر روس با اتباع سفارت برخواباینده از اسلامبول خارج شدند در بیست و چهارم آوریل مطابق سه شنبه دهم ربیع الثانی عساکر روس ورود بسرحد عثمانی نمودند پاشا والی بغدان بقشون روس اجازه میدهد که از مملکت او عبور نموده بخاك عثمانی بروند و والی افلاق و بغدان پرنس شارل سرداری عساکر خود را قبول کرده بر ضد عثمانی بر میخیزد نصرت عساکر عثمانی شخم قلعه را از بنادر روس در هفدهم مه مطابق پنجشنبه سیم جمادی الاولی شهر اردهان را روس متصرف شد شیخ الاسلام فتوای جهاد میدهد در چهارم ژون مطابق دوشنبه بیست و یکم جمادی الاولی عساکر روس شهر قارص را محاصره میکنند در بیست و دویم همان ماه عساکر روس از رود دانوب عبور مینمایند بعد عساکر روس در سمت اروپ به تیرنوا خاك عثمانی پیش قراول قشون روس سرداری ژنرال گورکو از کوه بالکان عبور میکنند شهر ینکیلی تصرف عساکر روس در می آید شکست ادهم نهم روس بدست عثمان پاشا سردار عثمانی محمد علی پاشا بجای عبد الکریم پاشا سپهسالار کل عساکر عثمانی در سمت اروپ میشود عثمان پاشا در پلونا محصور شده در حمله اول عساکر روس از نقطه ده هزار نفر قشون روس کشته

میشود شکست بزرگی در حوالی قارص وارد آورده و دوچار دود در حوالی قزان لق دو میرسیلیمان پاشا در یکحمله با دو سه هزار نفر بکشتن میدهد عساکر افلاق بغدان با عساکر روس متحد شده در محاصره پلونا جدا مشغول‌اند و سرداری این دسته قشون با پرنس شارل حاکم افلاق بغدان است لف چار بشرف روس بر آمده دو حمله دویم عساکر روس و افلاق بغدان بر پلونا بیست هزار نفر از عساکر روس کشته میشود شکست مختار پاشا در الشکرد و خود را بقلعه قارص انداختن در هیجدهم نوامبر مطابق یکشنبه یازدهم ذیقعده الحرام قلعه قارص بتصرف قشون روس در آمد و عساکر روس بسمت ارزنة الروم حرکت کردند در دهم دسامبر مطابق دوشنبه چهارم ذیحجه الحرام عثمان پاشا با قشون ابوالمجیی خود در پلونا تسلیم عساکر روس میشود و در همان وقت ایالت صرب با وجود عقد مصالحه با دولت عثمانی نقض عهد نموده با قشون روس متفق میشود با وجود سرمای سخت و برف زیاد عساکر روس از چند نقطه کوه بالخان عبور میکند

فرانسه

ریاست مسیو گریوی بمجلس وکلای ملت فوت تیرال شان کارنیر از سردارهای معروف در سیم سپتامبر که دوشنبه بیست و چهارم شعبان باشد مسیو طیر رئیس سابق دولت جمهوری فرانسه وفات میکند

مکزیک

ریاست پرفیر نام در مکزیک

هلاند

فتوحات عساکر دولت هلاند در اچین فوت ملکه این مملکت در تابستان

یونان

باکمال عجله دولت یونان در تهیه حاضر کردن قشون است و کارخانه جات اسلحه سازی ایجاد میشود بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمول حاضر میکنند ورود نواب ولیعهد دولت انگلیس به آتن پای تخت یونان

شرح وقایع سال سی و دویم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جهان خسرو صاحبقران عز نصره و دام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و نود و پنج هجری او دئیل ترکی که تقریبا بعد از دو ماه و نیم پارس ئیل میشود

کلیه امور دولتی در این سال فرخنده فال از توجهات کامله بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی صانه الله تعالی ملکه عن التناهی زاید ابدا

ماکان قرین نظم و انتظام است جشن میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم بوجه اکمل و احسن شایان کرد نشر کتاب مستطاب منتخب مثنوی که بقلم معجز رقم مبارک انتخاب شده بطبع[7] رسیده است حکومت کرمان و بلوچستان را بحاجی غلامرضا خان شهاب الملک مفوض فرمودند میرزا محمد مستوفی ولد حاجی میرزا بابای حکیمباشی بمنصب استیفای نظام سرافراز شد شب پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول بعد از گذشتن سه ساعت و پانزده دقیقه و دو ثانیه از شب بحساب زیج جدید فرنگی آفتاب عالمتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام عام در عمارت عاج منعقد گردید و چون روز هفدهم نیز عید مولود مسعود حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین صلی الله علیه و آله بود سلام عام عید نوروز را فرمودند باین روز قرار داده و درین تالار تخت مرمر انعقاد یافت اداره وزارت امور بنائی دار الخلافه را با همه و ممالک محروسه را بعهده نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن موکول فرمودند حکمرانی بروجرد و گلپایگان و خونسار را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده بحضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ظل السلطان حکمران اصفهان ادام الله اقباله العالی واگذار فرمودند نواب والا عباس میرزا که چندین سال در عتبات عالیات و عراق عرب بسر میبردند عواطف و مراحم ملوکانه ایشان را ابدا بدارالخلافه احضار فرموده و مشمول تفقدات بی‌نهایات نموده مبلغ ششهزار تومان وجه نقد از خزانه عامره برسم پیشکش انعام و مواجب درحق نواب معظم و یکهزار و پانصد تومان درحق نواب محمد میرزا ولد ایشان مقرر و برقرار فرمودند علاوه بر این موهبت نواب والا عباس میرزا بلقب جلیل ملک آرائی و حکومت خمسه و زنجان مباهی شدند نواب والا معز الدوله بهرام میرزا نیز دوباره بوزارت عدلیه عظمی مفتخر و منصوب فرمودند حکمرانی ملایر و تویسرکان و نهاوند را بعهده کفایت نواب والا مؤید الدوله موکول داشتند جناب الله قلیخان ایلخانی بحکومت همدان منصوب و مباهی گشت حاجی محمد رحیمخان قاجار دوشامبیانی بریاست مجلس مظالم عامه کل ممالک محروسه برقرار آمد امیر تومان محمد خان معیر الممالک باعطای نشان تمثال بیمثال همایون سرافراز گردید میرزا حسن نوری ولد میرزا ابراهیم بمنصب استیفا از درجه سیم نایل آمد حاجی میرزا علینقی منشی باشی نظام بلقب مشیر لشکری سرافراز آمد حاجی آغاجو هر خواجه باشی بلقب معتمد الحرم مفتخر آمد کل قراولخانهای دار الخلافه را بعهده کفایت امیرزاده وجیه الله میرزا سپهسالار تحویلداری خاصه و خزانه دار کل وجوه نظام واگذار فرمودند آقا رضای اجودان مخصوص حضور همایون و خازن وجوه صرف جیب مبارک باعطای یکقطعه نشان از درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز مفتخر آمد اسفندیار خان سرتیپ یکقطعه نشان شیر و خورشید و یک رشته حمایل مخصوص آن مباهی آمد

از وقایع عمده این سال خیر مآل مسافرت بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون بفرنگستان که شرح آن در سفرنامه مبارکه مرقوم قلم معجز رقم شاهنشاهی مفصل و مبسوط مسطور شده و انطباع یافته است و ما محض تیمن و تبرک این کتاب خلاصه آنرا زیور این اوراق قرار میدهیم و مقصد اظهار میداریم که چون مقصود و خیال حقایق‌مثال خسروانه از این سفر خیر اثر استفاده دقایق و نکات عمده علوم و فنون و صنایع و بدایع اقلیم اروپا میبود این سفر مبارک را بدون سمت سمت قرار داده تا انتشار

و تعلیمات سلاطین و وزرا و بزرگان دول و رؤسای ملل مانع نیل مقصد اعلی مطلوب منظور اهم نگردد

شرح سفر خیر اثر اعلیحضرت همایون به فرنگستان

چون موکب مسعود مقدس عزیمت اینسفر خیر اثر فرمودند بنابر خصوصیت وجود موهبت نمود شاهانه را در ملک عنیت ذات ملکوتی صفات اقدس بحضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده افخم والا نایب السلطنه العلیه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی مفوض فرمودند و جناب اجل آقای مستوفی الممالک را در کلیه کارهای کشوری مشارک رای و خیالات حضرت اشرف معظم قرار دادند و جناب معتمد الملک وزیر مخصوص نیز از جانب جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم مشغول رسیدگی بکار لشکری و نظامی و امور داخله و خارجه گردید و بعد از وضع این ترتیبات روز پنجشنبه سلخ ربیع الاول که پانزده روز از عید نوروز گذشته بود موکب همایون از دار الخلافه باهره اشخاص فرموده تشریف فرمای قریه حسین آباد حاجی سلیمانخان شدند جمعه غره ربیع الثانی بقریه کرج و شنبه دویم بسنقر آباد و یکشنبه سیم بکاظمان سنک و دوشنبه چهارم بظاهر قزوین در هزار جریب نزول اجلال فرمودند روز پنجم و ششم در اینجا اطراق شد و بعد از ظهر روز ششم شهر قزوین بمقدم مبارک مزین گردید روز هفتم قریه سیاه دهن که آخر خاک قزوین است مضرب خیام گردون احتشام آمد جمعه هشتم بقصبه ابهر تشریف فرما شدند نهم در اینجا اطراق شد دهم بصاین قلعه خالصه که بیوک اصطبل توپخانه است شرف ورود ارزانی فرمودند میرآخور و ضیاء الملک حکمران گیلان بنشان تمثال همایون مفتخر آمد روز یازدهم بسلطانیه نزول اجلال فرمودند شرح خیرات سلطانیه در حرف سین انشاء الله بیاید دوازدهم ظاهر شهر زنجان مضرب خیام معلی گردید سیزدهم نیز در اینجا اقامت شد روز چهاردهم بقریه نیک پی تشریف فرما گردیدند پانزدهم بقریه آقکند ملک مظفر الملک شرف ورود بخشیدند شانزدهم قریه سرچم و هفدهم جمال آباد که خاک آذربایجان و شقاقی است و هیجدهم میانج مضرب اردوی کیوان شکوه گردید بین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان و جناب صاحب دیوان وزیر نظام و پیشکار آذربایجان و صدر الدوله و عماد الدوله و جماعت حضرت معظم بخاکپای مبارک مشرف شدند نوزدهم قریه صومعه علیا ملکی جناب صاحب دیوان قافلانکوه اردوی معلی گردید بیستم بترکمانچای و بیست و یکم بقراچمن نزول اجلال فرمودند بیست و دویم تکمه داش جزء محال عباسی و بیست و سیم قریه حاجی آقا منزلگاه موکب مقدس بود علما و اعیان تبریز که باستقبال آمده بودند در اینجا بحضور مبارک تشرف جستند بیست و چهارم بیرنگ باسمنج تشریف فرما گردیدند دوشنبه بیست و پنجم شهر تبریز بورود مسعود خسروانه مزین گردید و در باغ شمال نزول اجلال فرمودند مامورین خارجه و جمعیت بیشمار از افواج و سواره و بسیار موکب معلی را استقبال کرده همگی بمراحم اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه سربلند گردیدند نیز آنروز در مسعود سلام عام منعقد گردید نواب والا حسنعلی میرزا خلف ارجمند حضرت مستطاب اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی که تا این روز بحضور مهر ظهور مبارک مشرف نشده از تقبیل

استان

استان اعلی مستسعد و مباهی آمد بیست و ششم جناب فخری بیک سفیر کبیر عثمانی که از راه حلب و دیار بکر و وان بتبریز آمده و سه روز پیشتر باین شهر رسیده بحضور باهر النور مقدس مشرف گردید روز بیست و هشتم برای صرف نهار بعمارت حضرت اجل اعظم ولیعهد ادام الله اقباله العالی که در شهر است تشریف فرما گردیدند و از آنجا بعمارت قدیم حضرت نایب السلطنه مغفور عباس میرزا طاب الله ثراه شرف ورود ارزانی فرموده در اینجا شاگردان مدرسه جدید البنای تبریز که بریاست میرزا اسحقخان سرتیپ پسر مرحوم حاجی میرزا جبار دایر است بخاکپای مبارک مشرف گردیده امتحان شدند هم در این روز تجار و کدخدایان شهر و علمای مراغه و نافل الهام خوی و ارومی بحضور مهر ظهور مقدس تشرف جستند و علمای تبریز را آنروز بعد از ظهر بازدید فرمودند روز بیست و نهم از شهر تبریز اشخاص فرموده قریه صوفیان بمقدم مبارک مزین شد روز شنبه غره جمادی الاولی عزیمت مرند فرمودند شرح خیرات مرند انشاء الله در حرف میم بیاید روز دویم بکلیس و سیم بکنار رود ارس تشریف فرما گردیدند روز سه شنبه چهارم با بدرقه حفظ خداوندی از رود ارس عبور فرموده عازم قفقاز شدند پرنس منچیکوف که از جانب دولت روس مهماندار موکب مقدس بود با صاحبمنصبان بالای لب رودخانه ایستاده بودند پرنس مشلاالبرد و پسر ژنرال میلوتین وزیر جنگ دولت روس که اجودان خاصه اعلیحضرت امپراطور است و حاکم ایروان رشلاولف و صاحبمنصبان کل قشون ایروان پرانو آمپلاخود با سواره و غیره که سر راه ایستاده بودند بعواطف شاهانه مشمول گردیدند حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده افخم والا ولیعهد دولت علیه و جناب صاحب دیوان امر و ناز رکاب اعلی مرخص شده بمحل حکمرانی خود معاودت فرمودند شب این روز نیز از جانب دولت روس آتشبازی بسیار خوبی نمودند روز پنجم نخجوان بمقدم مبارک مزین گردید حاکم این شهر با فوج ساخلو نخجوان تعظیمات مقدم خسروانه را بعمل آوردند

اسامی ملتزمین رکاب اعلی در این سفر فرنگستان از قرار ذیل است

(جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم) (جناب عضد الملک) (جناب ناصر الملک) (جناب امین السلطان) (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون) (حکیم الممالک) (مهدیقلیخان پیشخدمت صندوقخانه شریفه) (آقا رضا اجودان مخصوص و خازن صره و جیب همایون) (محمد علیخان امین السلطنه) (امیرزاده سلطان حسین میرزا) (غلامحسین خان تفنگدارباشی) (محمد حسنخان محقق) (فرخ خان پیشخدمت خاصه شریفه) (جعفر قلیخان غلام بچه باشی) (آقا رضای ناظر خلوت) (آقا محمد علی آبدارباشی) (آقا میرزا محمد) (حاجی حسن آبدار) (حاجی جبلی) بنده مؤلف نیز بشرف التزام رکاب مبارک سرافراز بود

پنجشنبه ششم باش نوراشین که یکی از دهات محال شرور ایروان است منزلگاه اردوی همایون شد جمعه هفتم عزیمت ایروان فرمودند حاکم این شهر و سرکرده قشون ساخلوی ایروان بپذیرائی کامل از موکب معلی نمودند روز هشتم در ایروان توقف شد و در این روز ببازدید مسجد جامع ایروان و بعضی مواضع دیگر و اوچ کلیسا تشریف فرما گردیدند روز نهم بعد از آنکه جمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی و حاکم شهر ایروان علی قدر مراتبهم نشانها مرحمت فرمودند و همگی مشمول عواطف ملوکانه گردیدند

از اینشهر عازم ولیجان گردیدند دوشنبه دهم آلکساندرپل منزلگاه موکب همایون شد پرنس گاگارین حاکم کلی شهر تفلیس که باستقبال
آمده بود امروز در بین راه برکاب اعلی پیوست سه شنبه یازدهم عزیمت تفلیس نمودند در بین راه جناب امین الملک که چند ماه قبل
میرزا محمود خان مأمور فرنگستان شده بود با ژنرال قنسول ایران مقیم تفلیس بتقبیل رکاب اعلی فایز گردیدند در کنار شهر سر راه فرش انداخته و طاق
نصرت زده بودند و تشریفات زیاد در ورود مسعود شاهانه بشهر تفلیس بعمل آوردند پرنس میرسکی نایب جانشین جمیع صاحبمنصبان
نظامی و قلمی قفقاز را در حضور باهر النور اقدس معرفی کرده نواب گراندوک میشل جانشین قفقاز اینجا نبودند ولی دو پسر
ایشان که در اینشهر توقف داشتند بحضور مهر ظهور مقدس تشرف جستند شب چراغان و آتشبازی خوبی شد کارگذاران
دولت روس نهایت خدمتگذاری را بعمل می آوردند و از دهم در تفلیس اقامت شد و از شاهزادگان پسرهای جانشین بازدید فرمودند
و موزه و بعضی جاهای دیگر تفلیس را سیاحت نمودند و امشب نیز چراغانی بود روز سیزدهم بعد از آنکه بشاهزادگان پسرهای
جانشین نشان و حمایل ایران عطا فرمودند و سایر اعیان و صاحبمنصبان را نیز بقدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه داشتند از
تفلیس ایلغار فرموده بمنزل ملیت تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم تشریف فرمای شهر ولادیقفقاز شده از وسط شهر
با کالسکه گذشته دم گار پیاده گردیدند فوجی با موزیکان صف کشیده حاکم و صاحبمنصب بسیار و جمعیت زیادی از زن و مرد
فرنگی و ارمنی و غیره سر راه ایستاده بودند نظرآقا وزیر مختار ایران مقیم پاریس هم از پاریس آمده بحضور مبارک مشرف شد خلاصه
داخل کالسکه بخار شده تا شش ساعت از شب گذشته در این محل توقف شد آنگاه کالسکه راه افتاد و تا سه شبانه روز از کالسکه
بیرون نیامده متصل در حرکت بودند روز دوشنبه هفدهم جمادی الاولی و ساعت نیم بغروب مانده بشهر مسکو ورود فرمودند
در اینجا فاماز وف مترجم خاص اعلیحضرت امپراطور که از پطر مأمور شده بود و میرزا ملکم خان ناظم الملک ایلچی مقیم لندن
بحضور همایون مشرف شدند در ورود بگار پرنس دالقوروکی حاکم مسکو با همه صاحبمنصبان و جنرالها باستقبال آمده بودند منزلگاه
همایون در مسکو قصر کرملین است سه شنبه هیجدهم در مسکو اقامت شد و بازدید موزه اینشهر و بعضی اماکن دیگر گذشت چهارشنبه
نوزدهم تا غروب در مسکو توقف فرموده بعد از صرف شام براه آهن تشریف فرما شده عازم پطرزبورغ گردیدند و فردای آن
بشهر پطرزبورغ نزدیک شدند لباس رسمی در بر کرده نشان دولت روس را به پیکر مبارک زده در آستاسیون آخری که آبادی
لوبان بود کالسکه ایستاده مأمورین اداره تشریفات وزارت خارجه بحضور مهر ظهور مبارک تشرف جستند چون بگار ورود
فرمودند اعلیحضرت امپراطور با لباس رسمی و نشان ایران و همه شاهزادگان خانواده سلطنت و جمیع صاحبمنصبان با نشانهای ایران
تا گار باستقبال آمده بودند در اینمحل بعد از اقدام و انجام رسم مودت و مخالصت اعلیحضرت امپراطور اولا تمام شاهزادگان خانواده
خود شانرا معرفی کردند آنگاه با اعلیحضرت شاهنشاهی در یک درشکه سربازی نشسته بعمارت زمستانی ارمیتاج که منزل
اعلیحضرت همایون است ورود فرمودند و زیاده از آنچه تصور بشاید اعلیحضرت امپراطور اسباب احترام و تشریفات و پذیرائی موکب

همایون را

همایون را فراهم آورده اند جمعه بیست و یکم در پطر اقامت شد میرزا ملکم خان ناظم الملک برحسب مأموریتیکه داشت امروز از مسکو
روانه برلن شد در این دو روز اعلیحضرت امپراطور و نوابان برادران اعلیحضرت معظم بازدید فرمودند شام را امشب مخصوصا
در منزل اعلیحضرت امپراطور موعود بودند شنبه بیست و دویم در میدان شان دومارس سان بسیار خوبی از قشون متوقف
در پطرزبورغ داده شد و در این سان جمیع فرمان را خود اعلیحضرت امپراطور میدادند امشب نیز در منزل مخصوص اعلیحضرت
امپراطور بشام رسمی دعوت شدند یکشنبه بیست و سیم بکردج کلنان چینی بسیار ممتاز اعلیحضرت امپراطور برای اعلیحضرت
همایون فرستادند شب اینروز در خانه نواب ولیعهد دولت روس بشام رسمی مهمان بودند و در این شب نشان تمثال بیمثال
همایون مکلل بالماس را برای نواب گراندوک الکسی اهدا فرمودند دوشنبه بیست و چهارم تشریف فرمای پطرهوف شدند با کالسکه
بخار سه ربع ساعت راه است شرح صفای پطرهوف در سفرنامه سابق فرنگستان مسطور است روز بیست و پنجم بعد از وداع با اعلیحضرت
امپراطور و جمیع نوابان خانواده امپراطوری و اظهار مخالصتهای کامل از جانبین با کالسکه بخار عزیمت ورشاو فرمودند
روز بیست و هفتم یکساعت و نیم بغروب مانده وارد شهر شدند منزل اعلیحضرت همایون در اینشهر قصر لازنکی است حاکم و
صاحبمنصبان متوقفین این بلد و اعیان در پذیرائی موکب اعلی کمال اهتمام را بعمل آوردند شب چهارشنبه بیست و ششم و پنجشنبه
بیست و هفتم در ورشاو اقامت شد و موزه و سیرک و بعضی مواضع دیگر این شهر را تماشا فرمودند جمعه بیست و هشتم
عازم برلن شدند و شب یکشنبه سلخ جمادی الاولی وارد برلن گردیدند و تشریفات کامله از مقدم مبارک بعمل آمد روز سلخ
اعلیحضرت امپراطور و کلیوم بدیدن اعلیحضرت همایون آمدند و اظهار مخالصت و وداد کامل از جانبین شد منزل اعلیحضرت همایون
همان عمارت دولتی است که در سفر سابق فرنگستان در آن منزل داشتند خلاصه بعد از نیم ساعت اعلیحضرت همایون بازدید
اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند مختصر اینروز در حالتیکه اعلیحضرت امپراطور برای گردش قبل از شام در کالسکه روبازی نشسته گردش
میکردند شخصی دکتر شارل نبلینک نام از خاندان معروف از طبقه موسومه بسوسیالیست مکرر با تفنگی که با چهارپاره ساچمه
پر کرده بود دو تیر بطرف اعلیحضرت معظم خالی نموده چون کلاه خود بسر داشتند سر ایشان محفوظ مانده ولی حوالی شانه و گردن
ایشان مجروح گردید و این سانحه زیاد مایه تالم اعلیحضرت همایون و جمیع ناس گردید سه هفته پیش از اینهم یکنفر از طبقه
مذکوره طپانچه پرشش لوله با اعلیحضرت امپراطور انداخته اما آسیبی بایشان نرسانده شنبه غره جمادی الثانیه دو ساعت بغروب
مانده بعزم بادن بادن اشخاص فرمودند روز دویم بادنشهر وارد گردیدند روز سیم بتماشای بعضی قصبات و آبادیهای
آن نواحی گذشت روز چهارم و پنجم در همین ساعت بشکار و تفرج مشغول بودند روز ششم نیز باز دید اماکن همین
نواحی گذشت روز یکشنبه هفتم یک ساعت بظهر مانده با کالسکه بخار عازم پاریس شدند و در بین راه شهر استراسبورغ
را تماشا بازدید فرمودند دوشنبه هشتم صبح بیست دقیقه از دو وارد دارالملک پاریس گردیدند در گراند هوتل یعنی مهمانخانه

بزرگ منازل و اطاقهای خوب برای اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی اجاره و معین شده بود هر پادشاهان که
بپاریس می‌آیند در همین مهمانخانه منزل میکنند جناب مارشال ماکماهون رئیس جمهوری بدیدن اعلیحضرت همایون آمده بعد از آن
ببازدید اکسپوزیسیون تشریف فرما شدند روز دویم ورود مسعود بعمارت الیزه ببازدید جناب مارشال ماکماهون رفتند
بعد دوسه بار باکسپوزیسیون تشریف برده بخشیدند و همه جا را گردش و بازدید فرمودند از جمله بنائی که بحکم همایون بسبک ایران در
نهایت خوبی ساخته اند ملحوظ نظر انور اقدس گردید و امتعه ممتازه ایران را که در این عمارت بمعرض ظهور گذارده بودند ملاحظه
فرمودند بالجمله یکروز ببواد بولن یکروز باکسپوزیسیون روزی به بوت شومون که تفرجگاه بسیار خوبی است و روزی به آنگن
که قصبه نزدیک است تشریف فرما گردیدند از سوانح این ایام آنکه پادشاه سابق هانوور که مملکتش را دولت المان
تصرف کرده و عموی اعلیحضرت پادشاه انگلستان است مدتی در پاریس بوده غفلةً وفات نماید

روز شنبه سیزدهم نواب ولیعهد دولت انگلیس از اعلیحضرت همایون دیدن نمود مسیو ملینه وزیر مختار فرانسه که مقیم
طهران بود و قبل از موکب اعلی بپاریس آمده امروز بحضور مبارک تشرف جسته بعضی دیگر نیز شرفیاب شدند آنگاه موکب
همایون ببازدید بعضی اماکن پرداخت روز چهاردهم در لنشان اسب دوانی بود و اعلیحضرت همایون با جناب مارشال ماکماهون
بتماشای اسب دوانی تشریف فرما گردیدند روز پانزدهم از دری که داخل محل ماشینها میشود باکسپوزیسیون داخل شده
ماشینهای فرانسه و انگلیس و روس و بلژیک وغیره را بازدید فرمودند شب برای شام مهمان جناب مارشال ماکماهون
بودند روز شانزدهم بقلعه مون والرین و جبه‌خانه پونتوز تشریف بردند یکروز نیز در لوشان بوا دو بولون سان قشون
بزرگی که قریب پنجاه هزار نفر بودند در حضور مبارک داده شد یکشب بدخانه و تمرباز بالسکی که مال ملکه اسپانیاست
موعود بشام بودند روز جمعه نوزدهم عزیمت قصر سن کلو فرمودند شنبه بیستم بعد بسر توپخانه تشریف بردند بعد
بتماشای عمارت قدیم ورسای پرداختند یکروز هم باغ وحش را بازدید فرمودند روزی بتماشای هوتل دو بو کر و تفنگخانه نزدیک
تشریف فرما شدند و از آنجا بمدرسه کورها رفته شد روزی به سن ژرمن که با راه آهن کمتر از یکساعت راه است تشریف
بردند نیز روزی به سن ژرمن و روزی بسفارتخانه ایران و روزی بماگازن دو لوور که چندین طبقه و چندین دالان است
و هزاران پیچ و خم و اطاقها و تالارها دارد که همه پر از امتعه و اجناس است تشریف فرما شده و چون روز آخر ماه شد
شد و عید بدیع الابداع و انسهاد رسید و اسباب جشن و عیش و چراغان و آتشبازی فراهم آمد شبی که چراغان و آتشبازی
بود با جناب مارشال ماکماهون بالای ارک دتریونف که وسط شهر است و از بالای آن همه شهر و چراغان و آتشبازیهای
اطراف شهر و مردم پیدا هستند تشریف بردند روز دوشنبه بیست و نهم جمادی الثانیه تشریف فرمای الیزه شده جناب مارشال ماکماهون
را وداع فرمودند بعد از آن باکسپوزیسیون توجه فرموده قدری گردش کردند روز سه‌شنبه عزم رحیل از پاریس بالیمن والسعاده

عازم

عازم ایران شدند مارشال ماکماهون و اعاظم آن مملکت موکب اعلی را بدرقه کردند وقت شب از استراسبورغ عبور شد
فردا عصر بشهر سالسبورغ ورود فرمودند نواب آرشیدوک برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش که از جانب اعلیحضرت امپراطور باستقبال
آمده بود در اینجا بحضور مبارک تشرف جسته تشریفات کامله از قدوم بهجت لزوم مقدس بعمل آمد روز سیم در اینجا توقف شد امشب
در عمارت پیلاژ خارج از شهر مهمان نواب آرشیدوک ویکتور بودند روز جمعه چهارم عزیمت وینه فرمودند و چون بگار وینه رسیدند
اعلیحضرت امپراطور[2] با کمال خصوصیت و مهربانی و مودت دست داده و بعد از تقدیم رسوم تشریفات با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه
روباز نشسته بعمارت هوفبورغ تشریف فرما شدند منزل اعلیحضرت امپراطور هم در همین عمارت است بعد از قلیلی اعلیحضرت
همایون ببازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند روز پنجم بتماشای همین عمارت از خزانه و موزه وغیره گذشت شام را مهمان
اعلیحضرت امپراطور بودند همه شاهزادگان و بزرگان و وزرای آن دولت و ملتزمین رکاب اعلی سر شام حاضر بودند[3] روز هفتم بعضی
از وزرای مختار و بزرگان وینه بحضور مهر ظهور مشرف شدند روز هشتم بجبه‌خانه و توپخانه و مدرسه شرقیه تشریف بردند شب
در قصر شونبرون مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند روز نهم با راه آهن بقصر لاکسامبورغ تشریف فرما شدند و در آن نواحی
گردش فرمودند روز دهم با کشتی در رود دانوب مشغول گردش شدند و نهار هم در کشتی خورده شد روز یازدهم
بسیاحت کالنبرغ انتهاض فرمودند روز دوازدهم اعلیحضرت امپراطور را وداع فرمودند بعد بقصر شونبرون تشریف فرما گردیدند
باغ وحشی که در این قصر هست ملحوظ نظر انور شاهانه گردید بعضی مواضع و ابنیه دیگر نیز از لحاظ همایون گذشت روز
سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است از وینه بطرف ایران حرکت فرمودند و اعلیحضرت
امپراطور بمنزل اعلیحضرت همایون آمده بعد از قدری صحبت در حالتیکه همه صاحبمنصبان و بزرگان دولت اطریش حاضر بودند
با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه نشسته بطرف استرن گار راندند و در گار مجدداً اعلیحضرت امپراطور را وداع کرده روانه شدند و
فردا قبل از ظهر وارد سرحد روس شدند از آنجا گذشته چون برادی و پلوف که آستانه روسها بود رسیدند صاحبمنصبان
روس در اینجا حاضر بودند و از آنجا بکالسکه‌های راه آهن مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس داخل گردیدند و از آنجا که ژنرال منچیکوف
ناخوش بود ژنرال آجودان موسیو کوشلوف بجای او از جانب اعلیحضرت امپراطور بمهمانداری موکب اعلی مأمور شده بود همان
خدمه و پیشخدمتهای سابق وغیره و مسلوتین پسر وزیر جنگ هم در اینجا حاضر بودند خلاصه روز پنجشنبه هفدهم رجب
بولادیقفقاز شرف ورود ارزانی داشتند قبل از ورود بولادیقفقاز محمدعلی میرزا ولد بهمن میرزا بحضور مبارک مشرف گردید
دو شب در ولادیقفقاز توقف شد و تشریفات کامله از چراغانی وغیره بعمل آمد شنبه نوزدهم از ولادیقفقاز حرکت فرمودند
بیستم یکروز در نواحی بیست و یکم از اینجا انتهاض فرموده با کالسکه تا بندر پطروفسکی طی راه شد از اینجا در کشتی موسوم
بالکساندر ببادکوبه ورود فرمودند روز چهارشنبه بیست و پنجم رجب انزلی بمقدم فرخنده شیم مبارک مزین آمد و این سفر

ویکتور

[2] و همه صاحبمنصبان وغیره دم گار با البسه رسمی حاضر بودند اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور

[3] روز ششم بتماشای نمایش و عکس و پرده‌های نقاشی وغیره مشغول گردید

خبر ورود میمنت آمود موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی دو شنبه ... (right-margin note omitted above; see below)

خبر میمنت اقبال نزول الخسروانه بعد از اختتام یافت دو شنبه نهم شهر شعبان المعظم بدار الخلافه باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم اهالی نیز با بهجت تمام بتماشای مقدس سر بلند آمدند و سه شب در دار الخلافه چراغانی و جشن بود

تذییل

میرزا عباسخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی سرافراز شد حاجی آغا جوهر معین الحرم بمنصب سرتیپی دویم و نشان و حمایل مخصوص آن مباهی گردید توپچیان همدانی و نهاوندی و شراهی و کرمانشاهانی را بمیرزا علی اکبر خان آجودان باشی توپخانه مبارکه ابواجمع نمودند چون خط تلگراف عربستان کشیده شد جناب مجد الدوله وزیر تلگراف باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز که مخصوص آن است مفتخر فرمودند و حسینقلیخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه دولتی جناب معزی الیه بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن مباهی گردید روز پنجشنبه چهارم جمادی الثانیه جناب فخری بیک سفیر کبیر عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه با تشریفات معموله وارد دار الخلافه گردید امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول باعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید اله ویردیخان سرتیپ اول توپخانه باعطای نشان تمثال همایون مفتخر آمد موسی خان سرهنگ فوج سواد کوهی بمنصب سرتیپی سیم مباهی گشت باقرخان سرهنگ افشار قزاول مخصوص بمنصب سرتیپی سیم نایل شد اسمعیل خان سرهنگ فوج فیروزکوهی را بمنصب سرتیپی سیم سربلند فرمودند هنگام اقامت موکب همایون در پطرزبورغ یکقطعه نشان سنت استانیسلاس از درجه دویم با ستاره و پلاک از جانب دولت روس به بنده مؤلف اعطا شد و قطعه نشان طغرای غرای نام نامی مبارک مکلل بالماس که از برگزیده ترین نشانهای این دولت جاوید شوکت است بجناب اشرف امجد سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند و دستخط مبارک بشرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط مبارک

جناب سپهسالار اعظم اختصاص شخص شما بمقامات خدمات و ابطور و روابط معنویه که بحس صداقت و دولتخواهی خود نزد ما حاصل کرده اید سزاوار علایم مخصوصه است که بالاختصاص مایه امتیاز آنجناب باشد و قطعه طغرای مکلل بالماس که باسم همایون ماست برای وضع آن در دوش شانه و زینت لباس نیم رسمی خود داشتن طغرا هم مرحمت کردیم که این نشانه لطف و عنایت ما محض امتیاز و افتخار آنجناب بوده همیشه توجهات ما را نسبت بخود یادآوری کند شهر رمضان المبارک بارس ئیل ۱۲۹۵

سهدیقلیخان پیشخدمت خاصه شریفه بنشان تمثال بمثال همایون سرافراز شد عمید الملک ولد مرحوم مجد الدوله بحکومت خمسه سرافراز آمد یکقطعه نشان تمثال مکلل بالماس که از برترین نشانهای دولت علیه است بجناب اجل آقا و مستوفی الممالک

(Right-hand margin note:) و از میرزا ... لطف شده و در ... ممکن و دایما مشمول نعما و مراحم ملوکانه بود و چند سال قبل برخلاف شأن بی اجازه همایون باسلامبول فرار کرده بعد عریضه استغفار بدربار اعلیحضرت شاهنشاهی عرض کرده بعفو ... و ورود بدربار همایون احضار و مورد عنایات خاصه شد و هفتصد هزار ... تومان مواجب ... امیر آخوری ... و ... کرده بحکومت و ولایات خمسه را نیز باو تفویض داشتند این اوقات از غلظت کرانی خود از راه ناسپاسی سفاهت فرار بطرف قفقاز نمود

مرحمت فرمودند و دستخط مبارک در شمول این عنایت شرف صدور یافت که عینا درینجا ثبت مینماید

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

جناب آقا مقتضیات مقام شما و معتقدات ما در حق آنجناب سزاوار علامت مرحمتی است که بالاختصاص از وجود اقدس ما صادر شده باشد نشان قدس از ابداعات شخص همایون ما و احترام آن تالی احترامات علایم خاصه سلطنتی است آنجناب را باعطای یکقطعه نشان مزبور مکلل بالماس مخصوص مفتخر داشتیم که از الطاف خفیه ما آیتی ظاهر و علامتی باهر بوده همانطور که شخص آنجناب بصدق و دولتخواهی ممتاز است بحمل این مرحمت نیز قرین امتیاز باشد غره شوال بارس ئیل ۱۲۹۵

عمارت سلطنتی که در ییلاق شهرستانک بنهایت عالی و مزین بامر همایون جناب امین السلطان بنا مینماید ذیبور اتمام یافته است حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنة العلیه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی بیکقبضه شمشیر مکلل بالماس از شمشیرهای خاصه سلطنتی مباهی گردیدند میرزا محمود مستوفی وزیر دار الخلافه بلقب جنابی سرافراز شد محمد حسینخان رئیس عملجات حکومت دار الخلافه بنشان سرتیپی از درجه سیم نایل آمد این اوقات اراده علیه همایونی اقتضا فرمود که ترتیبات سابقه ادارات دولتی را تکمیل فرمایند و تکالیف هر دایره مستقلا محدود باشد و در حسن ترتیب نتایج و فواید یکه همیشه مقصود خاطر خطیر همایون است بسهلترین وجه حاصل شود نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی و جناب اجل آقای مستوفی الممالک و جناب اشرف سپهسالار اعظم بحضور مهر ظهور خسروانه احضار و بدینگونه خطاب فرمودند که انتظام مهام مملکت اگرچه بمراقبت و دولتخواهی وزرا و کارگذاران دولت قصوری ندارد لیکن هنوز خاطر ما قانع و راضی نیست که معاذیر و بعضی اقدامات شما اصلاحات فوریه امور را تاخیر کرده و منظورات بلند ما را بمقام انجام نیاورده است

چون نایب السلطنه را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی برجوع خدمات امتحان کرده ایم و می بینیم بغیرت و دانش فطری چه قدر بخدمت دولت مایل است در رتبه شاهزادگی پایه وزارت هم داده و درین خطاب با شما شریک میکنیم و اداره امور مملکت چنانکه بود با چندین مراتب استبداد و استقلال بشما تفویض میشود بشرایط و حدود دیگر خواهیم نوشت و شما سه نفر را باجرای این تکالیف مامور و مسئول قرار میدهیم باید وزرای ما متفق و متحد باشند باید در کارها بطرز و اسلوب کهنه قانع نشوند باید از دستگاه وزرا اسباب تفرقه حواس و مفسده و وسواس منسوخ شود کذلک در حضور ما وسایل و وسایط مختلفه انتظام احکام و عرایض را مختل نکند تمام نوشتجات از هر قبیل و هر قسم با امین الملک برسد او بحضور آورده عرض کند و جواب هر اداره را او بفرستد مسئول العمل و تکالیف شما را می نویسیم و باید خود را بتمام آنچه معین

ومقرر کرده ایم مکلف بمایند

پس از رخصت وزرای فخام جناب امین الملک بحضور همایون خواسته و از روی یادداشتی که مشروحا بدستخط همایون مرقوم شده بود حدود و تکالیف ادارات مستقله را تقریر فرمودند جناب معزی الیه منصوصات او امر علیه را ثبت و با مضای ملوکانه توشیح داد و خطاب بهر یک از وزرای مسئول سه کتابچه دستخط مخصوص با شرح اداره و توضیح تکالیف معظم الیهم صادر نمود و مقرر گردید که روز دیگر تمام چاکران و رجال دولت و شاهزادگان و اعاظم دولت در تالار تخت مرمر حاضر شده دستور العمل و تکالیف وزراء مسئول در مجمع عام قرائت و دستخطهای مطاع که با فتخار هر یک شرف صدور یافته در همان مجلس ابلاغ شود

روز سه شنبه هفدهم شوال حسب الامر الاعلی مجلسی مشحون بتمام شاهزادگان و وزرا و رجال و اعاظم ترتیب شده دستور العمل ادارات مستقله را با شرح ذیل لسان الملک قرائت نمود

دولت علیه ایران برای انتظام امور و تحدید تکالیف و تحصیل نتایج صحیحه که منشأ آن نظم داخله و استحکام اوضاع استعداد است بتاریخ پانزدهم شهر شوال بارس ئیل هزار و دویست و نود و پنج قرار کارها و امور مهام مملکت را باینطور معین و مرتب میفرماید

مرجعیت وزارتخانه‌ها و ادارات و حکام و طبقات نوکر و صنوف اهالی مملکت را قرارداد معلوم و حدود هر کار بدرجه محفوظ خواهد بود که تعدی و تجاوز از آن نظر خطیئات کبیره و مستوجب مجازات سخت است و بدین قاعده هر کس تکلیف خود را خواهد داشت و طرف مسئولیت دولتهم در نیک و بد معلوم است

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه دام اقباله العالی ولایات و امور مشروحه ذیل را اداره خواهند کرد

حکمرانی و انتظام طهران کما فی السابق مازندران و گیلان دماوند و فیروزکوه قم و کاشان و ساوه و زرند ملایر و تویسرکان و نهاوند

عرایض و حوایج سادات و علما و محترمین بتوسط ایشان بحضور مبارک میرسد شاهزادگان و منتسبین خانواده سلطنت اناثا و ذکورا هر نوع حاجت و استدعائی دارند بایشان اظهار کرده بواسطه ایشان بحضور همایون عرض میشود و جواب بایشان رسیده ابلاغ خواهند نمود امور تجار و محاکمات این طبقه باطلاع و صوابدید ایشان خواهد بود

جناب اجل آقا بالاستقلال ولایات و امور مشروحه را اداره خواهند کرد

فارس کرمان و بلوچستان اصفهان و یزد کرمانشاهان و بروجرد عربستان و کردستان و لرستان عراق و بروجرد گلپایگان

وخونسار

و خونسار کمره و نطنز و جوشقان و محلات همدان و اسدآباد و کنگاور

نظم دفتر استیفا و محاسبات دیوان عدالت عظمی وزارت وظایف و اوقاف بشرح قواعد موضوعه جدیده ایشیکخانه و انتظامات دربخانه تلگرافخانه گمرک بیوتات دولتی از قبیل صندوقخانه و رختدارخانه و زنبورکخانه و غیره و غیره توپخانه و باغات و عمارات دولتی امور خزانه و نظم و ترتیب حوالجات عمله خلوت تفنگداران جلودار چیان شاطران کالسکه‌خانه اصطبل خاصه چاپارخانه

جناب اشرف سپهسالار اعظم بدین تفصیل کفایت مهام ملکیه خواهند نمود

امور قشونی کلا و مستقلا بدون استثنای جزئی با شرایط و لوازم آن که از شرح و تفصیل مستغنی است مورد خارجه با آنچه شرط و خواین وزارتخانه آذربایجان خراسان و سیستان استرآباد و گرگان و ترکمان قزوین و خمسه سمنان و دامغان شاهرود و بسطام کردوس خرقانین امور سرحدیه و تذکره طهران و مسیحی و گبر

فقط نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و جناب علاء الدوله و جناب عضد الملک و جناب امین السلطان و میرشکار حق دارند که در خدمات مرجوعه امور شخصیه خود تا آنجا که با ادارات مستقله راجع نیست مستقیما بحضور همایون عرض مطلب کنند

در موجبات استقلال و رعایت حدود ادارات ثلثه از طرف قرین الشرف همایون توجه مخصوص مبذول خواهد بود و بالصراحه مقرر است که هر حکم بهر جا و هر کس باشد بالمناسبه بعنوان ادارات مستقله ثلثه صادر فرموده و از ادارات مزبوره جواب خواهند خواست

صاحبان ادارات در جزو و کل امور محوله مسئولند حکام ولایات باید رجوعشان بالانحصار باداره متبوعه خود شان باشد و بخفیه و آشکار حتی با خوانین هم مکاتبه و مخابرات منفرد را ترک خواهند کرد

از امور قشونی و سرحدی و آنچه بعاملات خارجه مربوط است ادارات مزبوره بجناب اشرف سپهسالار اعظم اطلاع داده بصوابدید ایشان جواب خواهند نوشت

گذشته از تکالیف مخصوصه ادارات مستقله هفته دو روز دوشنبه و پنجشنبه وزرای ثلثه در مجلس خاص دولتی نشسته چند نفر از وزرا و رجال دولت را حاضر و در اصول مهام و اصلاحات امور ملکیه و ترقیات هر شعبه از قشون و غیره گفتگو کرده حاصل مذاکرات و قرارداد خود را بعرض برسانند

عرایض و تحریرات و ادارات بوسایل مختلفه بحضور همایون فرستاده نخواهد شد فقط بتوسط جناب امین الملک بعرض

رسیده احکام علیه مختصرا جناب معزی الیه بادارات ابلاغ خواهند کرد و جواب خواهند گرفت
اصول مطالب خلاصه تحریرات اطراف را بدون حشو و زواید و نوشتجاتی را که شرح ان قابل ملاحظه و حاوی مطالب لازمه
است عینا نزد جناب امین الملک خواهند فرستاد

جناب امین الملک در اجرای تکالیف ادارات از طرف قرین الشرف همایون مواظبت مخصوص دارد و باید همیشه انجام و اجرای
اوامر علیه و تکالیف هر دایره را مطالبه کند

باید وزرای مسئول خود را کشخص واحد فرض کرده در نیک و بد هر کار خود را شریک و سهیم بدانند در مواقع امور اگر برای احدی
از ایشان مشکلی رو دهد دو نفر دیگر باو امداد کرده تا ان جزء کار با صلاح بیاید آرام نگیرند

هیچ مفسدی تمام در نزد این وزرا راه نخواهد داشت احیانا اگر از احدی روایت فتنه آمیز بشنوند علاوه برد و منع تنبیه سخت
کنند و این رسم را بکلی از میان بردارند

حدود کارهای خود را همیشه ملاحظه کرده تکالیف مقرره را بی هیچ نوع تخطی و تجاوز محفوظ خواهند داشت و دخالت بکار و
تکلیف یکدیگر را حرام خواهند داشت و بالفرض اگر سهوا کاری متعلق بادارات بجای دیگر رجوع شده باشد مرتکب را ملتفت
نموده مسئله را بجای خود راجع نمایند

در مخارج ولایات و سایر وجوهات فقط اسناد احکامی را دخل اعتماد دانند که صحه و امضای همایون موشح است لاغیر
در آخر هر سال حساب ولایات و وجوه جمعی خود را بلا عذر در دفترخانه بگذرانند

با عمال هر حاکم و مباشر حتی کدخدا و بلوکباشیها مراقب باشند و از رفتار آنها روزنامه صحیح داشته باشند که بلحدی از
رعایا و زیردستان تعدی نشود

اوامر و احکام دولت را فوری لازم الاجرا بدانند پاداش بی نظمی و فساد را بتاخیر نگذارند

معنی اداره و مقصود از این ترتیب حفظ مال دیوانست و نگاهداری احکام و منع تعدی آنها برعیت ایجاد قوانین و قواعد جدیده
که متضمن آبادی ولایات باشد و حفظ رعیت و انتشار صنایع و رواج تجارت و انکشاف معادن و ساختن راهها و پلها
و نگاهداری ابنیه و عمارات گذاشتن نظم درست که مردم از مال و جان خود ایمن و ناموس خلق محفوظ باشد نظم طرق و
شوارع تادیب و قلع اشرار و تنزل اشتداد خرج بعینه برای دولت زیاد کردن منافع مملکت کم کردن مخارج بیهوده ایصال
حقوق مردم رسانیدن حقوق خزانه دولت برقرار کردن دیوانخانه های مظالم در هر شهر که بکمال استقلال و بی غرضی بعرض
مظلومین آن ناحیه رسیدگی شود فرستادن اطبای حاذق بهر جا و تشکیل مجالس حفظ صحت و تکمیل و تصحیح دواخانه ها

در هر شهر و آبادی و رسیدن روزنامجات صحیحه مجلس حافظ الصحه طهران اهتمام زیاد در اجرای قانون البلدیه کوشش در
میان طوایف صحرانشین هم این رسم ترک نشود رعایت تنظیفات شهر و آبادیها بطوریکه در هیچ جا اسباب فساد هوا
جمع نشود

معنی مسئولیت اینست که مکرر در ضمن قراردادهای دولت لفظ مسئولیت گفته شده است و چون معنی و تفسیر از ابتدا اشتر زاید
بنظر سهل ملاحظه کرده اهمیت آنرا منظور نداشته اند در وقوع خلاف تعهد در جمع خدمت و تدبیر امور مسئولیت این
معنی که قصور و غیرت و عدم کفایت خود را ظاهر کرده وقت دولت را ضایع و کار مملکت را معطل نموده است بازای این تقصیر
مورد پرسش و مواخذه گردیده از تمام اعتبارات و امتیازات محروم خواهد شد

بعد از قرائت شرح مزبور ناظم خلوت وارد مجلس شده دستخطهای مبارک را که بعنوان وزرای ثلثه صادر شده بود
ابلاغ نمود و بزیارت آنها که خلاصه دستور العمل و متضمن حدود و تکلیفات هر یک بود افتخار حاصل نمودند در ختام مجلس
جناب امین الملک قسمنامه که مابین دول منتظم برای متصدیان مهام خطیره دولتی رسم است با ایشان تکلیف نموده براستی
و درستی قبول خدمات محوله و حفظ مقرره را سوگند یاد کردند

صورت قسمنامه که بمهر وزرای مسئول در دفتر مخصوص همایونی ضبط است بشرحی است که در ذیل ایراد میشود
خداوند خالق منتقم را بصدق و خود شاهد خواسته بتاج و تخت همایون و خون شاه بند و ولت روز افزون قسم یاد میکنم که
و همت و غرض و خیال خود را بخیر خواهی شاهنشاه و صلاح دولت و مملکت و آسایش و امنیت رعیت منحصر کرده جز این
خیالی بخاطر خود راه ندهم از طمع و غرض شخصی کلیه پرهیز نمایم و اگر غیر از این عهد و شرط از من صادر شود در پیش خدا و خلق
شرمسار و در حضور شاهنشاه معاقب و مواخذ باشم

صورت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده معظم نایب السلطنه العلیه میر کبیر ادام الله اقباله العالی

درموقعیکه مخاطب بخطاب وزارت لشکر گردیده‌اند



چون بعضی از تالیفات بنده مؤلف در پاریس بمطالعه جناب مسیو شفر مترجم باشی دولت جمهوری فرانسه و رئیس مدرسة السنهٔ شرقیه و سایر علما و دانشمندان خبیر و بصیران مملکت که وقوف کامل و مهارت تام بزبان فارسی و عربی دارند رسیده زاید الوصف تمجید نمودند و جناب امیرال لاروتسیر دنوری رئیس مجلس جغرافیای فرانسه این بنده را جزو اجزاء انجمن محترم شمرد جناب مسیو باردو وزیر علوم و صنایع مذاهب آن دولت فخیمه پس از اظهار رجال دولت جمهوری فرانسه از مرتبه اول نشان مجمع العلوم که بالاترین علایم و نشان فضل و دانش است با فرمان مخصوص آن از طرف وزارت علوم دولت جمهوری فرانسه برای این بنده ایصال داشتند و از خاکپای همایون اجازه استعمال آن یافت و کاغذیکه جناب مسیو شفر درین موقع نوشته اند از قرار شرح ذیل است

سواد کاغذ جناب مسیو شفر

از پاریس بتاریخ پانزدهم ژوئیه ۱۸۷۹ بجناب محمد حسنخان صنیع الدوله منشی و مترجم باشی مخصوص اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه ایران و رئیس دار الطباعه و دار الترجمه ممالک محروسه

آقای من رئیس   شرف دارم که رسما نشان و فرمانی که وزیر علوم و صنایع و ادیان بجهت جناب شما بتاریخ اول ژوئیه امضی نموده است برای آنجناب ارسال دارم و با کمال افتخار قبول این ماموریت که از طرف وزیر علوم دارم مینمایم و مخصوصا بمن ماموریت داده اند که از طرف وزارت علوم از شما اظهار امتنان نمایم که ترجمه‌های شما کلیه بمعین سبب آگاهی و اطلاع اهالی ایران که هم وطنان شما هستند شده است بر مراتب علم و دانش علما و دانشمندان فرانسه و مخصوصا جناب وزیر علوم نهایت امتنان و رضایت را از شما دارند که کتب مؤلفه خودتان را که راجع بتسهیل تعلیم و تعلم زبان فرانسه و غیره است مطبوع و مشتهر ساخته اید و ما هم نیز کلیه در علوم و السنه شرقیه ممارست میکنیم امیدوار هستیم که در این راه راست و جاده مستقیمی که جناب شما با اینهمه اهتمام و مراقبت پیش گرفته اید و منبع این همه افتخار و ترقی و فواید است حرکت و سستی نکنید و نتایج افکار ابکار خودتان را کاملا اظهار ساخته بخاتمه برسانید و این نتایج رفیعه را بپایان برید که فواید آن تام و منافع آن عام است   مخلص حقیقی شما رئیس مدرسة السنه شرقیه شفر

محمد علیخان امین السلطنه جامه دار خاصه شریفه و خازن مخزن تدارکات عسکریه بمنصب صندوقداری صندوقخانه مبارکه سرافراز شد

وقایع و سوانح عمده که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کرهٔ ارض رویداده است

اتائونی ینکی دنیا

بروز تب زرد با نهایت شدت در بعضی ایالات اتائونی

اسپانیا

عروسی اعلیحضرت پادشاه با پرنس مرسد دختر دوک دومونت پانسیه که خاله‌زاده اعلیحضرت معظم بود شورش اهالی کوبا بر ضد

این دولت رفع شده آنجزیره بکلی مطیع میشود فوت ملکه جدید زوجه اعلیحضرت پادشاه در بیست و ششم ژون مطابق چهار شنبه بیست و چهارم جمادی الاخری این ملکه که پنجاه و اندی بود عروس کرده در هزار و هشتصد و شصت مسیحی متولد شده بود جمعه بیست و هفتم شوال شخص چلیک سازی طپانچه بطرف اعلیحضرت پادشاه خالی کرده ولی با یشان نخورد

اطریش

کنت اندراسی وزیر اعظم اطریش بدول المان و انکلیس و فرانسه و ایطالیا اعلان رسمی میفرستد که مامورین در مجلس کنکره که از برای قرار مسائل شرقیه منعقد خواهد شد بوسنه پای تخت اطریش روانه دارند و دولت المان تکلیف میکند که محل انعقاد این مجلس در برلن باشد فصول عهدنامه در سان استفانو را مابین روس و عثمانی را کنت اندراسی قبول نمیکند ورود عساکر اطریش بهرزکوین و بسنی ایالات عثمانی بجهة متصرف نمودن این دو ایالت و راضی نبودن اهالی در هشتم رمضان اینسال عساکر اطریش شهر سرین را در هرزکوین و بسنی متصرف نمود و بواسطه دولت اطریش از متصرف کردن این دو ایالت و جنگ با اهالی اسوه کردید سفارتنکرای مسیو دبستان طرف دولت اطریش بفرانسه انتشر کرفته کشتی موسوم باسفنکس در محیط و تلف شدن پانصد نفر استقراض دولت معادل دوازده کرور ایران بجهة مخارج لازمه قشون متصرفه نمودن عساکر اطریش شهر سراجو را که شورشیان هرزکوین و بسنی در آنجا جمع بودند

المان

در افتتاح مجلس پارلمان اعلیحضرت امپراطور شخصا خطبه خوانده و کوشش خود را در انعقاد مصالحه بین روس و عثمانی و حفظ صلح در تمام دول فرنگ اظهار میدارند در شنبه هشتم جمادی الاولی اینسال در کوچه برلن مرد هندی بنام هدل اعلیحضرت امپراطور با صبیه خود والیه باد در کالسکه و بازی از کردش مراجعت میکرده هدل نام دو تیر طپانچه بسمت اعلیحضرت معظم خالی میکند ولی هیچکدام با یشان نمیخورد کشتی جنکی زره دار بزرک المان موسوم بکرس کورفورست در حوالی انکلیس بکشتی جنکی موسوم بکنیک ویلهلم برخورده با سیصد نفر عمله که در آن کشتی بودند غرق میشود در سلخ جمادی الاولی نیز در کوچه تیلبرلن هنکام رفتن اعلیحضرت امپراطور بکردش دو تیر تفنک بسمت اعلیحضرت معظم خالی میشود و چند چاره بیازو و شانهای اعلیحضرت امپراطور میخورد ضارب که موسوم بنبلنگ است طپانچه قصد هلاکت خود را داد لیکن نیم شد یک بازو رسیده و نمیرد در دویم جمادی الثانیه بواسطه جراحات سختی که ببدن اعلیحضرت امپراطور رسیده زمام اختیار سلطنت موقتا بنواب ولیعهد میدهند یازدهم جمادی الاخری مجلس کنکره دول در برلن افتتاح شده و مامورین دول المان و اطریش و فرانسه و انکلیس و روس و ایطالیا و عثمانی در مجلس جلوس کرده و ریاست مجلس بپرنس بیزمارک داده میشود شنبه دوازدهم رجب مامورین دول عهدنامه برلن را امضا مینمایند اختتام مجلس کنکره پنجشنبه دهم ماه ذیحجه اعلیحضرت

امپراطور سلطان از ملاقات و شهرهای آبهای معدنی که چندی در آنجاها سفر کرده بودند برلن مراجعت و ورود نموده بتخصه مشغول رسیدگی بامور سلطنت شدند فوت ژرژ پادشاه هانور در چهار شنبه دهم شهر جمادی الثانیه هذه السنه

افغانستان

قبول نکردن امیر شیرعلی خان امیر افغانستان مامورین انکلیس را در ماه رمضان و قبول نمودن مامورین دولت روس در کابل که انتشار این خبر در لندن سبب اضطراب کردید رفتن امیر شیرعلی خان از کابل بسمت ترکستان و زمام اختیار سلطنت را بپسر خود سردار یعقوبخان دادن در دوازدهم ذیحجه

انکلیس

مابین این دولت و دولت روس آثار کدورت پدیدار است و اغلب بلاد انکلیس اهالی با دولت موافق در جنگ با روس بودند ورود عساکر روس در حوالی اسلامبول اسباب کمال وحشت و جلال دولت انکلیس است و باین جهة کشتیهای جنکی انکلیس از سمت دریای آبیاض معتنابه در دریای تعدادت خارجه که بتهیه قشون انکلیس راضی نبود از خطبه که اعلیحضرت پادشاه انکلستان در افتتاح مجلس پارلمان میخوانند و تو شجاعانه لرد سالیس بوری که تازه بوزارت امور خارجه انکلیس منصوب شده چنین معلوم میشود که دولت انکلیس هیچوجه راضی بفصول عهدنامه سان استفانو منعقده مابین دولت روس و عثمانی نیست با کمال شدت دولت انکلیس تهیه جنک می بیند استقراض دولت دوازده کرور لیره برای حاضر کردن عساکر بری و بحری و ندای عثمانی اظهار کمال امتنان را از رعایت و حمایت انکلیس دارند نامزد نمودن نواب پرنس آرتور پسر اعلیحضرت پادشاه انکلستان پرنسس مارگریت صبیه پرنس فردریک شارل بنی عم اعلیحضرت امپراطور المان را در مجلس کنکره برلن کنت بوکنسفیلد صدر اعظم اظهار میدارد که بنا بر عهدنامه مخفی مخصوصی که مابین دولت انکلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر انکلیس جزیره قبرس من جزایر عثمانی را متصرف میکردند لرد سالیس بوری بعد از مراجعت از مجلس کنکره برلن تمجیدات زیاد از نتایج این مجلس میکند بجهة اینکه عهدنامه سان استفانو را بهم زده مرخص نمودن دولت انکلیس عساکر یکه تازه جمع کرده بود کشتی موسوم به پرنس البیس در چهارم رمضان با کشتی دیگر در رود طمس که از وسط شهر لندن میگذرد برخورده کشتی پرنس البیس در آن واحد غرق شده ششصد نفر مسافر هلاک میشوند احضار هفت هزار قشون از هندوستان مابین دولت انکلیس و روس قرار دادها ساعد داده میشود فرستادن نهلیه نام از طرف فرمانفرمای هند بامیر شیرعلیخان امیر کابل در ماه ذیقعده هم در اینماه صدر اعظم انکلیس در یکی از مجالس خطبه میخواند و اظهار میکند که فرستادن عساکر هندوستان بسرحد افغانستان بواسطه بعضی رفتار خصمانه امیر شیرعلیخان نسبت باین دولت واجب کردید پنجشنبه بیست و پنجم ذیقعده عساکر انکلیس از چند نقطه وارد خاک افغانستان شده و فردای آن روز قلعه علی مسجد اکر در دهنه تنکه خیبر است

بحوالی اسلامبول

هندوستان و چون دولت انکلیس تمام کامل طالب این نقطه حدود و سنور را ... میکرد
منه

منتشر شد فتح قلعه دره پیوار افغانستان بدست ژنرال سردار انگلیس در دوشنبه هفتم ذیحجه فوت کنت دوسل
از معارف

ایطالیا

فوت اعلیحضرت ویکتور امانوئل دویم پادشاه این مملکت در ماه محرم و جلوس همبر اول ولد ارشد آن پادشاه بتخت سلطنت ایطالیا فوت پی نهم پاپ اعظم در چهارم شهر صفر انعقاد مجلس کنکلاو یعنی شورای بزرگ کشیشان بجهت انتخاب پاپ تازه در پانزدهم صفر و انتخاب نمودن کشیشان کاردینال پچی را بپاپی و در پاپ شدن کاتولیکی او را ملقب بلئون سیزدهم نمودن ستارت مسیو کیرولی در مملکت ایطالیا در بیست و یکم ذیقعده شخصی پاساناتت نام در شهر ناپل باکارد حمله باعلیحضرت پادشاه کرده ولی باشان نمیخورد اما کیرولی صدر اعظم که در صندلی جلو کالسکه نشسته بود ران اش از آن ضربت مجروح میگردد بعد از این مقدمه در چند شهر از بلاد ایطالیا مردم شورش میکنند

بلژیک

سه شنبه بیستم شعبان امسال اهالی بلژیک جشن سال بیست و پنجم عروسی اعلیحضرت پادشاه و علیاحضرت ملکه را گرفتند

روس

دولت روس اعلان میکند که اگر کشتیهای جنگی انگلیس در حوالی اسلامبول بمانند او نیز شهر اسلامبول را متصرف میگردد قسمتی از سفاین جنگی انگلیس بحوالی گالی پولی رفتند غره محرم شهر صوفیا از ممالک اروپائی عثمانی متصرف عساکر روس درآمد سرماهای شدید را که بلا نهایت بود قشون روس تحمل نموده از تنگه شپکای کوه بالکان که قسمت عمده قشون عثمانی بواسطه برودت هوا تخلیه کرده بودند گذشتند در اعقاب اعلیحضرت امپراطور بعد از فتوحات نمایان در خاک عثمانی بپطرزبورغ ورود عساکر روس بشهر ادرنه بیست و نهم صفر نواب گراندوک نیکلا سردار عساکر روس در قریه سان استفانو نیم فرسخی اسلامبول وارد و روز بیستم ربیع الاول نواب گراندوک نیکلا بشهر اسلامبول رفته و با اعلیحضرت سلطان ملاقات مینماید ژنرال اگناتیف که از طرف دولت روس مامور بعضی گفتگوها مابین روس و اطریش بود بوینه رفته بپطرزبورغ مراجعت میکند معاودت نواب گراندوک نیکلا از خاک عثمانی و تعیین نمودن ژنرال توتلبن را در بیست و پنجم ربیع الثانی بجای خود تصرف نمودن عساکر روس بندر و شهر باطوم را در جمعه هفتم رمضان تصرف قشون روس شهر عثمان بازار و رسچق و ارزنة الروم را رفتن قشون روس از سان استفانو حوالی اسلامبول سه شنبه هیجدهم رمضان مجروح ساختن ژنرال تریپف حاکم شهر پطرزبورغ را شخصی از طایفه نهیلیست در شانزدهم شعبان ژنرال مزنتسف رئیس اداره ضبطیه مخفی روس را

در یکی

در یکی از کوچهای پطرزبورغ در روز روشن بقتل رسانیدند و قاتل مخفی گردید سان دادن قشون در پطرزبورغ با حضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران

عثمانی

اضطراب اهالی اسلامبول و عریضه دادن باعلیحضرت سلطان در انعقاد مصالحه قرار دادن بعضی از اصول مصالحه را در شهر ادرنه فتوحات منتنگرو و عساکر سربی در نیش فتح شهر فلیپ پولی قشون افلاق نعداین ویدین را متصرف میگردد انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استفانو در بیست و هشتم صفر و این عهدنامه مبنی بر بیست و نه فصل است موقوف داشتن منصب صدارت در مملکت عثمانی سفرای عثمانی در لندن و وینه بدول انگلیس و اطریش رسما اطلاع میدهند که اصول عهدنامه صلح بین عثمانی و روس ممضی شد سفاین جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر یونان لنگر انداخته دولت یونان را تهدید میکند که اگر عساکر خود را که در خاک عثمانی تخطی نموده اند نطلبید آن بندر را بضرب گلوله معدوم سازند جمیع دول انعقاد مجلس کنگره را بجهت حل مسائل شرقیه قبول مینمایند مگر دولت روس و المان که در محل انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس در وینه منعقد شود تعیین خسارت جنگی که دولت عثمانی بر عهده گرفته که موافق عهدنامه سان استفانو بدولت روس بدهد دو هزار و هشتصد و بیست کرور منات است و ایالات بلغارستان و دبرجه را از مملکت اروپ خود مجزی دانسته و در سمت آسیا قارص و باطوم و اردهان را ملک طلق دولت روس میدانند دوشنبه هفدهم جمادی الاولی جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان مراد را مجددا بر تخت سلطنت جلوس داده اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان را خلع نمایند حتی جرات نموده خواستند این قصد را بموقع اجری رسانند مقصرین گرفتار شده مورد تنبیهات سخت شدند مسلمانهای یاغی رودوپ در ظرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخت با عساکر روس نموده در اغلب فتح و ظفر با یاغیان بود دو ثلث بلغارستان که بموجب عهدنامه سان استفانو از خاک عثمانی مجزی شده بود باید بدولت برگشت و قرار نگرا از برای عبور و مرور سفاین جمیع دول آزاد شد و بایزید بدولت عثمانی مسترد شد و بانجهه راه تجارت با ایران آزاد و باز شد باتفین سخت در باب عالی ایجاد منصب صدارت نمودن خاتمه بتشخص رشدی پاشا و بعد از شش روز عزل نمودن آن صدر اعظم را و نصب نمودن صفوت پاشا بجای او

فرانسه

افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع با تشریفات زیاد در اول ماه مه مطابق چهارشنبه بیست و هفتم ربیع الثانی در تمام ممالک فرانسه علی الخصوص در پاریس در سی ام ماه ژون باسم عید و جشن جمهوری جشن بزرگی گرفتند قیمت مخابرات تلگرافی در فرانسه کلمه پنج سانتیم مقرر شد (یکفرانک صد سانتیم است) در بیست و ششم صفر ادارات تلگراف و چاپارخانه را

در فر

درفرانسه یکی بوده درتحت وزارت مالیه قرار دادند شورش اهالی نوول کالدونی استرالی ودرهم رجیه صنددولت فرانسه وکشتن جمعی از اهالی فرانسه را در آن جزیره در بیست وسیم شوال رئیس جمهوری فرانسه بمامورین وارباب حرف و صنایع که امتعه از هر دولت باکسپوزیسیون آورده اند نشان ومدال میدهد سفارت کبرای مسیو فورنیه از طرف دولت فرانسه با قاستانبول انتخاب وکلای ملت در دولت فرانسه مساعد وضع جمهوری بود اغلب وکلای ملت جمهوری طلبند نه سلطنت طلب

هلاند

مزاوجت ولیعهد این دولت با یکی از شاهزاده خانمهای پروس

یونان

باعتنای ایالات مقدونیه که بر ضد عثمانی هستند میل بر تبعیت یونان دارند دولت یونان بدولت عثمانی اطلاع میدهد که الحاق عساکر خود را با یالات اپیروتسالی و مقدونیه

من ایالات عثمانی خواهد

فرستاد

صورت ترجمه عهدنامه منعقده در مجلس کنگره برلن که در این کتاب مبارک ثبت و درج شده است

بعینها بدون نقطه جرح وتعدیل وکسر وتکثیر از روی دفعه شماره بیست و نه از روزنامه وسو با خره منطبعه دار الخلافه اسلامبول نقل واستنساخ شده است و مسئولیت نیک و بد ترجمه وغث وسمین عبارات واصطلاحات راجع بهمان جریده است نه بر نگارنده این کتاب مبارک

عهدنامه برلن

روزنامهای این هفته خلاصه عهدنامه برلن را از روی اخبار نامههای ترجمه نقل کرده بودند ولی ناقص و مجاز و غیر معتبر بود پریروز اخبار نامه معتبر (وقت) اصل عهدنامه را از روی نسخه که از جانب مرخصهای دولت علیه عثمانیه امضا شده است نقل کرده ما هم چون او را معتمد میدانیم بترجمه اش پرداختیم

اعلیحضرت شوکتمآب سلطانی واعلیحضرت امپراتور المان واعلیحضرت امپراتور اوستریا وجناب رئیس الجمهور فرانسه وعلیاحضرت ملکه انگلستان وامپراتریس هندوستان واعلیحضرت پادشاه ایتالی واعلیحضرت امپراتور روس بملاحظه نگاهداری انتظام وضع اروپ موافق احکام عهدنامه پاریس مورخ ۳ مارس ۱۸۵۶ خواستند مطالبی را که از اوضاع سالهای پیش وازعهدنامه اولیه ایاستفانوس و از جنگ ختام یافته حاصل شده بود انجام وقراری بدهند وانعقاد کونکره را برای آسان

کردن این مهم بهترین وسیله دانسته متفق الرای شدند

بنابراین اعلیحضرت پادشاهان مشارالیهم ورئیس الجمهور فرانسه مرخصها تعیین فرمودند یعنی ازجانب اعلیحضرت شوکتمآب سلطانی الکساندر قره تودوری پاشا وزیر فوائد ومحمد علی پاشای مشیر وسعدالله بیک سفیر کبیر برلین

وازجانب اعلیحضرت امپراتور المان پرنس بیسمارک رئیس وزرا وقنت وزیر خارجه ومسیو راتسشیولو معاون وزارت خارجه و پرنس هوهنلوهه ایلچی پاریس

وازجانب اعلیحضرت امپراتور اوستریا کونت اندراشی وزیر خارجه وکنت کارولی ایلچی برلین وبارون هیمورله ایلچی روما

وازجانب جناب رئیس الجمهور فرانسه مسیو وادینکتون وزیر خارجه وکنت سن والیه ایلچی [illegible] مسیو دپرومدیر پولیتیک در وزارت خارجه

وازجانب علیاحضرت ملکه انگلستان وامپراتریس هندوستان کونت بیکونسفیلد رئیس وزرا ومارکیز دوسالسبری وزیر خارجه ولورد اودو روسل ایلچی برلین

وازجانب اعلیحضرت پادشاه ایتالی کونت کورتی وزیر خارجه وکنت دولونه ایلچی برلین

وازجانب اعلیحضرت امپراتور روس پرنس غورچاقوف وزیر خارجه وکونت شوالوف ایلچی لندن ومسیو دوبریل ایلچی برلین

بر حضی معین وبموجب خواهش دولت اوستریا ودعوت دولت المان در برلن اجتماع کرده اعتمادنامهای خود شان را مقرره مبادله ودرمیان ایشان بقرارداد آتی الذکر اتفاق افکار حاصل وبنابرانکه قرار دادند

مادهٔ اولی

بلغارستان در زیر حقوق حکمرانی سلطنت سنیه عثمانیه باداره مختاره مانند یک امارت مالیاتی بدهی تشکیل شده است حکومت بلغارستان یک حکومت عیسویه بوده عساکر ملیه نیز خواهد داشت

مادهٔ دوم

امارت بلغارستان عبارت از اراضی مفصله ذیل خواهد بود

حدود ان شمالا از حدود صربستان قدیم ابتدا شده از ساحل راست رودخانه طونه مرور و تا بیک نقطه که در سمت شرق سلستره از جانب کومیسیون اروپ معین خواهد شد وازانجا بطرف دریای سیاه ازجنوب منقالیا که با اراضی رومانیا ملحق میشود خواهد گذشت

حد جنوبی ان از مصب حدود بالا از مجرای رودخانه بالا رفته از حوالی دهات هوجه کوی وسلامکوی وایواجیق وداریه

ومو چیلو خواهد گذشت خط حدود از محاذی صحرای قاپچوق گذشته از جنوب بلیبه و کمالوق و از قاپچوق که در دو کیلومتر
جنوب اطرونچیکه است و از شمال حاجی محله مرور خواهد کرد و بنقطه که در میان تکنلك و ایدوس و بره سا است رفته از
بالکان قرین اباد و بالکان پره دیو بقه و از شمال کوتل ان بالکان قره غال گذشته به تمور قپو خواهد رسید و از سلسله
اصلیه بالکان بزرك گذشته در حالیکه بر تمام مساحت ان ممتد خواهد بود به تپه قوزیقه خواهد رسید از انجا دره و بالکانها
را ترك نموده بسمت جنوب میان قریه های پیرتوپ و دوزنجی رفته پیرتوپ به قسمت بلغارستان و دوزنجی به قسمت روم ایلی
شرقی خواهند ماند و از انجا بر رودخانه طوزلی دره و بمجرای این نهر تا منصب ان بنهر طوپولنیچه رفته و از انجا تا نهر اسموسکو دره
که در حوالی قریه پتریچوه با این نهر میریزد خواهد گذشت و بقدر دو کیلومتر اراضی را انجا در بالای دره مذکور بروم ایلی
شرقی ترك نموده بخط تقسیم آبها در میان نهرهای اسموسکو دره و قامینقه رفته و از تپه دومجاق بسمت جنوب غربی برگشته
و مستقیما بنقطه ۸۷۵ نقشه هیئت ارکان حرب اوستریا منتهی خواهد شد خط حدود بسمت بالای دره اهتمان را بخط مستقیم
بریده از میان بوغدینه و قره ولی گذشته بخط تقسیم ابهائیکه مبدءهای نهرهای ایچ را در میان اسفر و قرلی و حاجیلو جدا
میسازد خواهد رسید و از تپه های ولیتا موغیلا بخط مذکور رفته بگذرگاهی که در نقطه ۱۰۳۰ نقشه است و تا بلیقا
دره و سومانیقه رفته از میان سپوه طاش و قادر تپه گذشته بحدود اداره سنجاق (یعنی محال) صوفیه خواهد رسید
خط حدود از قارتپه بسمت جنوب غربی رفته از میان مبدءهای ابهای بسته قره صو و اسر و ماقره بخط تقسیم ابها رود بسمت
تپه های کوهستان اردیکه موسوم به بالکانهای تمور قپو و اسقو قینه و قاضی مسار است گذشته بحدود قدیم سنجاق صوفیه
متصل خواهد شد خط حدود بلغارستان از بالکان قاتنیق و میان صحراهای بلیسنقا رقا و بسفرا رتا بخط تقسیم آبها
رفته از تپه و بیجه پلانینا بحلیکی شده نهر اسر و ما با اب رلسقا در قا بصحرای استی و مار سیده قریه برا قلی را بدولت
عثمانیه واگذار خواهد کرد از انجا از سمت جنوب قریه بلیشنیقه بالا رفته بکوه هیرن خطی بسلسله غولما پلانینا و تپه
غینقه خواهد رسید و در انجا بحدود سنجاق صوفیه قدیم منتهی و منبع صو قارقا را تماما بدولت عثمانیه واگذار خواهد کرد
خط حدود از کوه زنیقا بسمت غرب بکوه فرزنی دره و از کوههای قارونا یا بوقه و از حدود سنجاق صوفیه قدیم برگشته از سمت
بالای مجراهای اکری صو و ابینقه گذشته به تپه های بابنا پولانا بالا رفته بکوه فرزنی دره منتهی خواهد شد
خط حدود از این کوه به تپه های استوز د و ویلر غو صو و مسید پلانینا گذشته از میان استرو ما و موراوه بخط تقسیم ابها
رفته از دوی غاسینا و قرنه طراوه و دارقوسقه و درانیقه پلانین و دپران ان دوشانی قلا و انق و مستقیما از خط
تقسیم ابهای صوقوه و موراوه بالای باستول رفته از انجا پایین امده از راهی که از صوفیه به پیروت (یعنی شهر کوی)
میرود در شمال غرب قریه سنوسه هزار کیلومتر مسافت قطع کرده از ویدلیمه پلانینا بخط مستقیم بکوه رادوچینا در سلسله

بالکان بزرك بالا رفته قریه دوبقینچی را بصربستان و قریه سنا قوس را به بلغارستان خواهد داد دلیل زتپه رادوچینا بسمت
غرب از بالکان سپردی و از استاره پلانینا به های بالکان گذشته بحدود شرقیه قدیم صربستان در حوالی قولا اسمیلوه
قوقه متصل شده از انجا بهمان حدود تا نهر طونه رفته در راقو بچه بنهر طونه منتهی خواهد شد
این خط حدود بمعرفت کومیسیون اروپ که مرکب از مامورین دولتهای امضا کننده خواهد بود و در محلش تعیین و تخطیط خواهد
شد متفق علیه است که اولا این کومیسیون احتیاجات محافظه و مدافعه سلطنت سنیه عثمانیه را در حدود روم ایلی شرقی
بنظر اعتنا خواهند دید و ثانیا در اطراف صماقو تا قطر یك کیلومتر زمین استحکامات ساخته نخواهد شد

ماده سوم

پرنس یعنی حکمران بلغارستان از جانب اهالی بطور ازادی منتخب شده بموافقت دولتها از جانب بابعالی تصدیق خواهد
از اجزای خانواده های دولتهای اروپ که الان اجرای حکمرانی میکنند کسی حکمران بلغارستان نتواند شد چون مقام حکمرانی
منحل بشود امر انتخاب پرنس دیگر بعینه مانند شروط و عملیات سابقه بعمل اورده خواهد شد

ماده چهارم

پیش از انکه حکمران بلغارستان معین بشود معتبرین بلغارستان در شهر (طرنوی) مجلسی منعقد کرده نظامنامه اساسی
امارت بلغارستان را ترتیب خواهند داد در جاهائیکه در میان بلغارها ترك و رومانی و روم و سایر جنسها بوده
باشد چه در امر انتخابات و چه در تنظیم نظامنامه اساسی حقوق و منافع اهالی مرقومه نیز مرعی شده داخل حساب
.. خواهد بود

ماده پنجم

فقرات اتی الذکر اساس حقوق عمومیه بلغارستان خواهد بود برای بهره مندی از حقوق مدنیه و سیاسیه فرق مذهبیه
این هیچکس را در هر جائی که باشد و سیله استثنا و عدم قابلیت نشده این چیزها مانع از دخول در خدمات عمومیه و رسیدن
بمناصب و اجرای صنایع نتواند شد
این خارجی و حریت مذاهب مختلفه را که خارجی را از هر وجهه امنیت داده شده است تشکیلات مذهبیه و مناسبات
روحانیه را بوجهی ممانعت نتواند شد

ماده ششم

تا وقت تکمیل شدن نظامنامه اساسی بلغارستان اداره انجا بواسطه یك کومیسری از جانب دولت روس موقتا اجرا خواهد
شد یك کومیسر عثمانی و کونسلهائی که از طرف امضا کننده کان این عهدنامه مخصوصا تعیین و توکیل خواهند شد مامور

برسید گی و تفتیش اداره موقته کومیسر روس بوده معاونت او را خواهند کرد در صورتیکه درمیان کونسلهای وکیل شده اختلافی حادث شود باکثریت آراء قرار داده خواهد شد و هرگاه درمیان اکثریت و کومیسر روس یا کومیسر عثمانی اختلاف پیدا بشود ایلچیهای دولتهای امضا کننده در اسلامبول مجلس مذاکره منعقد کرده قرار خواهند داد

مادهٔ هفتم

ادارهٔ موقته بلغارستان زیاده از مدت نه ماه از تاریخ تصدیق و مبادلهٔ همین عهدنامه امتداد نخواهد یافت پس از آنکه بر امیر انتخاب بود در جای خود نشانده شد تشکیلات و قرار دادهای تازه مرعی الاجرا شده امارت مختاری اداره را مالک خواهد بود

مادهٔ هشتم

احکام معاهدات و مقاوله‌هائیکه درمیان بابعالی و دولتهای خارج در خصوص تجارت و تردد کشتیهای منعقد شده والان معمول و معتبر هستند در امارت بلغارستان نیز کماکان جاری و برقرار خواهد بود و احکام آن بهر دولتی که تعلق دارد مادامیکه از جانب آن دولت موافقت نشده است بوجهی تغییر نخواهد پذیرفت متاعهائی را که در داخله بلغارستان بجاهای دیگر حمل و نقل بشود بوجهی رسم ترانسیت یعنی خورج رااز آنها مطالبه و دریافت نخواهد شد

درباره تبعه و تجارت همه دولتها در بلغارستان بقاعده مساوات کامله رفتار خواهد شد حقوق و امتیازات تبعهٔ خارجه و کاپیتولاسیون کونسلها (یعنی حقوق محاکمات و حقوق حمایت آنها که بموجب معاهدات و معاملات جاریه دارند) مادامیکه از جانب دولتهائی که علاقه دارند موافقت کرده نشود تعدیل و تغییر داده نخواهد شد

مادهٔ نهم

امارت بلغارستان سال بسال مالیاتی بدولت متبوع خود خواهد داد این مالیات بیانکی که در ثانی از جانب بابعالی معین خواهد شد باید داده شود و مقدار آن در آخر سال اول اجرای تشکیلات تازه بمعرفت دولتهای امضا کنندهٔ این عهدنامه معین خواهد شد و این مالیات از روی واردات متوسط امارت قرار داده خواهد شد چون بلغارستان قسمی از دیون عمومیه عثمانیه را در عهده دارد در آن اثنا که دولتها مقدار مالیات را معین میکنند بلی قسمتی نسبت عادلانه حصهٔ دیون را که بقسمت بلغارستان خواهد افتاد بنظر اعتنا خواهند دید

مادهٔ دهم

از تاریخ مبادلهٔ همین عهدنامه حقوق و وظائفی که دولت عثمانیه درمقابل کومپانی راه آهن روسچق و وارنه داشت با امارت بلغارستان راجع میباشد محاسبات گذشته منحصرا باتفاق بابعالی و امارت بلغارستان و کومپانی محول کرده شده است از تعهداتیکه بابعالی با دولت اوستریا ـ مجارستان و با خود کومپانی کار کنندهٔ راه آهن روم ایلی بسته است اجرا را از بابت

تمام کردن خطوط راه آهن یا راه انداختن شمندوفر حصهٔ بلغارستان بوده با امارت بلغارستان بر عهده خود خواهد گرفت برای انجام و قرار داد این مطالب پس از انعقاد عهدنامه هرگونه مقاوله که لازم باشد درمیان دولت اوستریا مجارستان و بابعالی و امارتهای صربستان و بلغارستان ترتیب و تنظیم خواهد یافت

مادهٔ یازدهم

دیگر عساکر عثمانیه در بلغارستان اقامت نخواهند کرد قلعه‌های قدیم همه بخرج امارت در مدت یکسال و اگر ممکن باشد دیرتر زودتر خراب خواهد شد حکومت محلیه در خصوص خراب کردن این قلعه‌ها تدابیر لازمه بکار برده استحکامی هم از نو نمیتوانند ساخت آلات جنگ و غیره آنها که مال دولت علیهٔ عثمانی بوده و بموجب احکام متارکهٔ ۳۱ ژانویه سال ۱۸۷۸ میلادی (۱ محرم ۱۲۹۵) در قلعه‌های طونه یا شهرهای شمنی و وارنه مانده است بابعالی میتواند حمل و نقل نماید یا اینکه بفروشد

مادهٔ دوازدهم

درصورتیکه مسلمانان یا دیگر صاحبان املاک اقامتگاه شخصی خود شان را در بیرون امارت بلغارستان قرار بدهند املاک غیر منقول خودشان را در بلغارستان نگاهداری توانند کرد میتوانند باجاره بدهند و یا اینکه بواسطهٔ وکیل اداره می نمایند یک کومیسیون عثمانی و بلغاری مامور خواهند بود که در عرض دو سال املاک امیریه و وقفیه را بفروشد و مطالبی را که متعلق باصول اداره و وقفیه است و کارهائی را که تعلق بمنافع احاد ناس که در این چیزها علاقه دارند صورت و انجام بدهند اهالی بلغارستان که در دیگر ممالک عثمانیه سیاحت یا اقامت کنند تابع حکومت و نظامات عثمانیه خواهند بود

مادهٔ سیزدهم

ایالتی در جنوب بالکانها بنام (روم ایلی شرقی) تشکیل خواهد یافت و این ایالت بشرط مختاری ادارهٔ مستقیما در زیر حکومت سیاسیه و عسکریه دولت عثمانیه بوده والی این ولایت عیسوی خواهد بود

مادهٔ چهاردهم

حدود روم ایلی شرقی از جهت شمال و غرب شمالی محدود به بلغارستان بوده در داخل دائرهٔ آتی الذکر دارای اراضی خواهد بود حدود روم ایلی شرقی از دریای سیاه آغاز کرده از بالای منصب رودخانه که در نزدیکی دهات موجه کوی و سلام کوی ایواجق و قولیبه و صحیلق میباشد بمجرای نهر بالا رفته از نجاذی مجرای دلی قامچق گذشته بسمت جنوب دهات بلیبه و کچالق و سمت شمال حاجی محله بفاصله دو کیلومتر و نیم از بالای چنکه خواهد گذشت از آنجا یک پته که درمیان تیکلک و ایدوس و پرسا است بالا رفته از بالکان قرین آباد و بالکان پره زوچیه و از بالکان قزغان در شمال قوتلک به تیمور قپو خواهد رسید و از آنجا سلسلهٔ اصلیه بالکان را تماما گشته به پتهٔ قوزبقه منتهی خواهد شد

در این نقطه حدود عثمانیه روم ایلی از دره بالکان جدا شده از میان قریه های سیروب بلغارستان و دوداتس و روم ایلی بسمت جنوب پایین آمده بطول نی دره میرسد تا آنجائیکه رود خانه طوپولیتسا یکی میشود بطول آنجا ممتد شده در حوالی قریه پتریسووا بجای یکی شدن این آب با (سمو و ستقبو دره) میرود و بدین طریق بقدر دو کیلومتر زمین بروم ایلی شرقی را میکند باقتضای خطوط فاصله آنها بطول رودهای سمو و ستقبو دره و قامینقا بالا رفته در تپه واتراق بجنوب غرب میل کرده بنقطه که در نقشه ارکان حرب اوستریا بنمره ۸۷۵ نشان داده شده است میرسد

خط حدود مذکوره بالای مجرای رودخانه ایچیان دره را بطور عمودی قطع کرده از میان بوغدینا و قارولا میکذرد و بخط فاصله دره های اسفر و ماریتسا در میان کورلی و حاجیلر متصل میشود از پشته های دولینا موزیلا و جائی که در نقشه بنماره (۵۳۰) نموده شده است و زمابلیقا دره و سومانیقا بطول خط کذشته در میان سیوری طاش و قادر تپه بجد و اداو سیجاق صوفیه میرسد حدود روم ایلی شرقی از حدود بلغارستان در کوه قادر تپه سوا شده از یکطرف بحد و فاصله مجرای ماریتسا و توابع ان و از طرف دیگر مجراهای منافره صو و توابع انرا پیروی کرده از تپه های (دسپوط طاغی) بسمت کوه کروشووا رفته بجنوب شرقی و جنوب میل میکند (که این کوه ابتدای خط حدود بود که در عهدنامه ایاستفانوس معین شده بود) از کوه کروشووا بهمان خطی که در عهدنامه مذکوره معین بود تابع میشود یعنی از سلسله های بالکان سیاه و تپه ها کوهستانهای قولاقلی طاغ و اشک چیللی و قره قولاسی و ایشقلر کذشته از این تپه اخری تا سمت جنوب شرقی منتهی بنهر ادا میشود بطول مجرای ان رفته بنقطه که در نزدیک اطه قلعه است میرسد (اطه قلعه) یعنی قلعه جزیره مستقیما در دست اداره دولت عثمانیه خواهد ماند ۷

خط حدود از دربند نزدیک از میان رودخانهائیکه شمالا بطونجه و جنوبا بمریج میریزد بخط تقسیم بهار رفته بر تپه قیزیل بالا میرود و قیزیل بشرقی در سمت روم ایلی خواهد ماند پس از ان حدود بسمت جنوب رفته از میان ابهائی که جنوبا در میان دره مریج و دهات بلورن والتلی مستقیما بدریای سیاه میریزد و از جنوب بغرب المالی خواهد کذشت از انجا از سمت شمالی و چکی که برودخانه مریج میریزد قراناتی تپه های و سینیرزواق را کشته بخطی که ابهای دو قره را از ابه قره آغاج جدا میسازد رفته در میان نهرهای دو قره و قره اغاج بدریای سیاه منتهی خواهد شد

۷ خط حدود از این نقطه به تپه اعمی بالا رفته از انجا سراز بر شده بمسافه پنج کیلومتر بیلی مصطفی پاشا بالا رفته نهر مریج را کذشته از میان بور خانلی دره و رود های چکی که برودخانه مریج میریزد براکاه کودلو و بخط تقسیم ابها رو بشمال خواهد کذشت و از اغاجراکاه بطرف مشرق بر کشته بر بسفار و از انجا بمجرای طونجه و بسمت دربند نزدیک ممتد خواهد شد و در بند نزدیک با موجانی در شمال خط حدود خواهد ماند

مادهٔ پانزدهم

سلطنت سنیه عثمانیه حقوق محافظه و مدافعه این ایالت را برا و بحرا مالک بوده در حدود مذکوره استحکامات ساخته لشکر خود را اقامت خواهد داد اسایش داخلی را در روم ایلی شرقی بمعاونت عساکر ملیه و عساکر ضبطیه محلیه نکاهداری خواهد شد صاحبمنصبان این دو فرقه از جانب سلطنت سنیه عثمانیه نصب و معین خواهد شد و در هنکام ترتیب و تشکیل عساکر محلیه فرق

مذهب

مذهب اهالی نیز باقتضای موقع بحساب اورده خواهد شد

سلطنت سنیه عثمانیه تعهد میکند که در ان حدود بنام عساکر محافظه لشکر نظامی از چرکس و غیر انها نکاه ندارد عساکر نظامیه که برای محافظه حدود است در هیچ حالی در خانهای اهالی اقامت نخواهند کرد در هنکام عبور از داخله ایالت نیز در جائی اقامت نخواهند نمود

مادهٔ شانزدهم

در صورتیکه اسایش ایالت داخلا یا خارجا در موقع بیم و خطری باشد عساکر عثمانیه از جانب والی دعوت خواهد شد در این حال بابعالی قرار داد خود را و دلائل این قرار داد را بسفرای دول متحابه اطلاع خواهد داد

مادهٔ هفدهم

والی روم ایلی شرقی از جانب بابعالی بموافقت دولتها بمدت پنجسال معین و نصب خواهد شد

مادهٔ هجدهم

پس از مبادله تصدیقنامه های همین عهدنامه بلا تاخیر بموافقت بابعالی کومیسیون اروپ تشکیل خواهد شد که نظامات اساسیه روم ایلی شرقی را تنظیم نماید این کومیسیون در ظرف سه ماه حقوق و وظایف والی را و اصول اداره و محکمه ها و مالیات را معین خواهد کرد برای این نظامات نظامنامهای متعدده ولایات و تکالیفی که در مجلس هشتم کونفرانس اسلامبول کرده شده بود تکیه کاه خواهد بود نظاماتی که برای روم ایلی شرقی قرار داده خواهد شد در ضمن یک فرمان همایون پادشاهی درج شده و این فرمان از جانب بابعالی اعلان و بدولتها تبلیغ خواهد شد

مادهٔ نوزدهم

تا تمام شدن قرارداد های تازه امور مالیه ایالت را کومیسیون اروپ باتفاق بابعالی اداره خواهد کرد

مادهٔ بیستم

هر کونه معاهدات و مقاولات و تعهدات دولیه که در میان بابعالی و دول خارجه منعقد شده است یا بعد از این خواهد شد احکام انها مانند دیکر ممالک عثمانیه در روم ایلی شرقی نیز مرعی الاجرا خواهد بود در ایالت مذکوره حقوق و امتیازات تبعه اجنبیه را بهر حالی رعایت خواهد شد بابعالی تعهد میکند که احکام نظامات عمومی دولت عثمانیه را که در خصوص ازادی مذاهب داده بان و اجرای اینها ستمر عی الاجرا میدارد

مادهٔ بیست و یکم

حقوق و وظایف بابعالی از جهة راههای اهن که از روم ایلی شرقی میکذرد تماما باقی و برقرار خواهد بود

مادهٔ بیست و دوم

قشون روس که در بلغارستان و روم ایلی شرقی اقامت خواهد کرد عبارت از شش فرقهٔ پیاده و دو فرقه سواره بوده از پنجاه هزار نفر بیشتر نخواهد بود و مصرف آنها از جانب مملکتی که اقامت دارند داده خواهد شد این قشون روس راه مخابرات خودشان موافق مقاوله که در میان دولتین خواهد شد از راه رومانیا و از لنگرگاههای بحر سیاه وارنه و برغوس نگاه داری خواهد کرد لشکر روس برای اقامت خودشان در لنگرگاههای بحر سیاه انبارهای لازم را خواهند داشت مدت اقامت لشکر روس در روم ایلی شرقی و بلغارستان نه ماه از تاریخ مبادلهٔ این عهدنامه قرار داده شده است و دولت روس پس از تمام شدن این مدت در ظرف مدت سه ماه از رومانیا گذشته امارت رومانیا را هم تماما تخلیه خواهد کرد

مادهٔ بیست و سوم

بابعالی تعهد میکند که تمامی احکام نظامنامهٔ اساسی جزیرهٔ کریت را که در سال ۱۲۶۸ نوشته شده است با انضمام اصلاح و تعدیلاتیکه موافق حقانیت بوده باشد مجری نماید برای دیگر ممالک روم ایلی که بموجب این عهدنامه صورت ادارهٔ مخصوصه معین نشده است موافق احتیاجات محلیه و باستثنای امتیازات مالیاتی که بجزیرهٔ کریت داده شده است نیز نظامنامهها نوشته خواهد شد بابعالی در هر ولایتی برای قرار دادن تفرعات نظامات اساسیه مذکوره کومیسیونها تشکیل خواهد کرد و قسم اعظم این کومیسیون را از اهالی همان محل اعضا خواهد بود

یادداشتهائیکه این کومیسیونها خواهند نوشت ببابعالی داده شده بابعالی پیش از اجرای احکام انها رای و صوابدید کومیسیون اروپ روم ایلی را استفسار خواهد نمود

مادهٔ بیست و چهارم

هرگاه در خصوص فقرهٔ تصحیح حدود یونانستان در میان بابعالی و دولت یونان اختلاف و اتفاق حاصل نشود موافق احکام ضبطنامهٔ مجلس سیزدهم کونگره دولتهای المان و اوستریا و مجارستان و فرانسه و انگلیس و ایتالیا و روس برای آسان کردن مذاکرات حقوق متوسط امید بخودشان می سازند

مادهٔ بیست و پنجم

ایالتهای بوسنه و هرسک از جانب دولت اوستریا و مجارستان اداره خواهند شد و دولت مشار الیها این دو ایالت لشکر خواهد فرستاد ادارهٔ سنجاق (یکی بازار) که از میان صربستان و قره طاغ از جهت جنوب شرقی تا با نظر قه متروویچه منتهی میشود دولت اوستریا نخواست عهدهٔ خود بگیرد لهذا این سنجاق در زیر ادارهٔ دولت عثمانیه خواهند ماند ولی باقتضای وضع حاضر سیاسی و محافظات طرقی و معابر در این سنجاق دولت اوستریا خود داشتن قراول و ساختن موارد آت

عسکریه

عسکریه و تجاریه خواهد داشت در خصوص تفرعات اینمطلب دولت عثمانیه و دولت اوستریا و مجارستان حق مذاکره و اتفاق را باقی میدارند

مادهٔ بیست و ششم

استقلال قره طاغ چنانکه از جانب بابعالی تصدیق شده است دولتهای متعاهده که تا حال استقلال او را نشناخته اند نیز تصدیق میکنند

مادهٔ بیست و هفتم

دول معظمهٔ متعاهده شرائط آتی الذکر را متفقا قرار دادند برای هیچ مندی از حقوق مدنیه و سیاسیه فرقی و مغایرت مذهب و آیین هیچکس را در هر جائی که میخواهد بوده باشد وسیلهٔ استثنا و عدم قابلیت نتواند شد و این چیزها مانع از قبول در خدمات عمومیه و مأموریتها و مناصب و اجرای صنایع نتواند بود اهالی مذاهب مختلفه و تبعهٔ خارجه داد قره طاغ از جهت آزادی آیین و مذاهب خارجه امنیت داده میشود تشکیلات مذهبیه ملل مختلفه و مناسبات آنها با رؤسای روحانی بوجهی ممانعت نباید بشود

مادهٔ بیست و هشتم

حدود تازه قره طاغ بدینقرار معین شده است

خط حدود از ایلینو برودو آغاز کرده بسمت شمال قلوبوقی از روی تره بینجه نیز بغز اسفاد و خواهد گذشت غراسفاد و در داخل هرسک خواهد ماند خط مذکور از نهر غراسفاد و بیالا رفته بنقطهٔ که یک کیلومتر بالاتر از رودخانه که بسیلیقه میریزد میرسد از آنجا بر بیلانوه رفته این قریه در سمت قره طاغ خواهد ماند و از تپهها بجانب شمال و از راه بیلکه (قوریتو) و غاچقه بقدر امکان بمسافهٔ شش کیلومتر گذشته بکند دکاهی که در میان سوینا پلانینا و کوه قتی ربلیا است و از آنجا شرقا قریهٔ وارنقوچی را بهرسک گذاشته بکوه اورلین ممتد خواهد شد از اینجا رواندو ایقر طاغ گذاشته مستقیما بشرقی خواهد گذشت و بکوتا هرین خلی بنهر بیوه رسیده نهر را گذشته در میان قرقونیه و ندو ینیه به (تاره) خواهد رسید از این نقطه تا موز قواق بالا رفته تا بسقوف دنو به رسیده بقریهٔ صوقولا و در آنجا حدود قدیمه منتهی خواهد شد

خط حدود تازه از آنجا به تپههای مقرا پلانینا رفته قریهٔ مقره در سمت قره طاغ خواهد ماند و از آنجا از سلسلهٔ اصلیه تا گذرگاهی که در نقشهٔ ارکان حربیهٔ اوستریا بشمارهٔ (۲۱۶۶) معین است و از طرف دیگر از روی خط تقسیم ابها کرده در میان مسبوند (زم) واقع است ممتد خواهد شد پس از آن خط از میان قبیلهٔ قالوچی از یکطرف و قوسقا از دیگر طرف و قلمه

وعروی از طرف دیکر کذشته با حدود سالان یکی شده صحرای بودغوریچه می آید و قبیله های قلرمنی و عزودی و هو
داد را در سمت ارناودستان کذاشته به یالاو بنقه خواهد رفت از حوالی جزیره کوچک عو بقرطوپال نام در باچه اشقو
دره را کذشته از عو بقه طوپال مستقیما به بینه ها ممتد خواهد شد و در میان مسقور دو قالیم بخط مستقیم آبها
رفته میرقو بقی را بقره طاغ ترک نموده در قریه قروچی بدریای وندیک منتهی خواهد شد
خط حدود قره طاغ در شمال غربی از میان قریه هاسو سانه و زوبتسی از ساحل کذشته در بالای پلا ابینا بمنتها
نقطه جنوبی شرقی حدود حالیه متصل خواهد شد

ماده بیست و نهم

ملبه (بار) و اراضی متفرعات آن بشروط ایله بقره طاغ واکذار خواهد شد بدین طریق که اراضی جنوبیه (بار) موافق حدود دیکه
در بالا معین شد بعلاوه دولسینو تا بویانه بدولت عثمانیه خواهد ماند بطور دیکر در بیان نامه مفصله که حدود معین شده
است (اسپیجا) تا اراضی شمالیه حدود دلماچیا افزوده خواهد شد رود بویانا قره طاغ را از جهت تردد کشتیها
آزادی کامل خواهد بود
بجز استحکاماتیکه برای محافظت شهر اشقودره لازم است در اطراف شهر مذکور استحکامی ساخته نخواهد شد و استحکامات
شهر مذکور بیش شش کیلومتر بیشتر نخواهد بود قره طاغ کشتی جنکی و بیرق کشتی جنکی نتواند داشت کشتی هیچ دولتی بلنکرکاه
بار و عموم نهرهائیکه کذرکاه قره طاغ است داخل نخواهد شد
هر نوع استحکامات در میان دریاچه اشقودره و سواحل آن و جاهائیکه الآن خاک قره طاغ شمرده میشود هست همه خراب و
هدم شده بجای آنها استحکامات دیکر هم ساخته نخواهد شد دولت اوستریا در بار و سواحل قره طاغ بواسطه کشتیهای
سبک مخصوص سواحل محافظت ضابطه بحریه و صحیه را خواهد کرد
قره طاغ قوانین بحریه را که در دلماچیا معمول است قبول و پیروی خواهد کرد
دولت اوستریا و مجارستان تعهد میکند که منافع تجارت بحریه قره طاغ را بواسطه کونسلهای خود نکاهدارد در خصوص
ساختن راه شوسه و راه آهن و نکاهداشتن آنها در اراضی جدیده قره طاغ امارت مذکوره با دولت اوستریا و مجارستان
اتفاق خواهد کرد مواردات و تردد در این راهها بقاعده آزادی کامل خواهد بود

ماده سی ام

مسلمانان و سایرین که در اراضی جدیده قره طاغ هستند هرکاه بخواهند در جای دیکر سکنا نمایند انچه عقار و املاک دارند
میتوانند آنها را بکس دیکر اجاره بدهند یا بواسطه وکیلها اداره نمایند هیچکس مجبور نیست که قانون برای منافع عامه معین

کرده

کرده است از حق تصرف املاک و عقار خود محروم و ممنوع نخواهد بود مکر انکه بدلا انها نقدا داده شده و بر عهده کرفته شود
یک کومیسیون مرکب از مامورین عثمانی و قره طاغ معین خواهد شد که در عرض سه سال اراضی امیریه و وقفیه را بحساب بابعالی
بفروشد و قرار داده انها را بدهد یا بکسی ایجار نماید و همچنین انچه را از حقوق شخصیه که از این فروختن متولد بشود قطع و فصل نماید

ماده سی و یکم

در خصوص قرار تعیین آجنت و وکیلهای قره طاغ در اسلامبول و جاهائیکه از ممالک عثمانیه لازم باشد در میان بابعالی و
امارت قره طاغ مستقیما اتفاق خواهد شد اهالی قره طاغ که در ممالک عثمانیه سیاحت یا اقامت کنند موافق احکام حقوق
عمومیه دولیه و اصول و عاداتیکه در حق قره طاغیها جاری است تابع قوانین عثمانیه خواهند بود

ماده سی و دوم

قشون قره طاغ بفاصله بیست روز و یا زودتر اکر ممکن باشد از تاریخ مبادله این عهدنامه جاهائی را که در خارج حدود امارت
مذکوره است تخلیه خواهند کرد عساکر عثمانیه نیز جاهائی را که بقره طاغ واکذار شده است در مدت بیست روز مذکور
خالی خواهند نمود مع ذلک برای ترک نمودن مواقع مستحکمه و حمل و نقل آذوقه که در انجاهاست و حرکت دادن الات جنک
و ثبت و فهرست کردن اشیا و ادوات و انچه فورا نمیتوان برداشت پانزده روز بر مدت مذکور افزوده خواهد شد

ماده سی و سوم

مقدار وجوه دیون عثمانیه بواسطه واکذار شدن اراضی که بقره طاغ واکذار شده است بر عهده امارت مذکوره راجع خواهد
بود و مقدار ان بحقانیت از جانب سفرای خارجه در اسلامبول باتفاق بابعالی معین خواهد شد

ماده سی و چهارم

دولتهای معظم متعاهده استقلال صربستان را تصدیق و بشروط مفصله در فصل آتی مربوط کردند

ماده سی و پنجم

برای بهره مندی از حقوق مدنیه و سیاسیه اختلاف و تفرقه مذهب و آیین هیچکس را و در هر جائیکه بوده باشد وسیله
استثنا و عدم قابلیت نشده این چیزها مانع از دخول خدمات عمومیه و مامورینها و مناصب و اجرای صنایع نخواهد بود

ماده سی و ششم

ازالت صربستان اراضی معینه را که در داخل حدود مفصله ذیل است مالک خواهد بود
حدود تازه صربستان بطول خط حالیه حدود در رفته از جائیکه نهر درینا بنهر ساوا میریزد بمجرای آب مستقیما ممتد و مالی
زورنیق و زخار را در سمت امارت خواهد کذاشت و تا قاپوبنق بخط حدود قدیمه صربستان خواهد رفت رذوه

کوه قاپونیق ازان خط جدا شده از سمت جنوب قاپونیق بطول حدود شرقیه سنجاق نیش کشیده از تپه های کوههای ماریقا
و مرداد پلانینا خواهد گذشت این تپه در میان مجراهای نهرهای ایلبار و سیتیقا از یکطرف و نهر طوپلیقا از طرف دیگر
خط فاصل ابهارا تشکیل خواهد کرد پرپولا دیدولت عثمانی خواهد ماند از انجا در میان پرونیقا و مدوجا بر پروی
خط فاصل ابها مستقیما بسمت جنوب رفته دره مدودجا را تماما در سمت صربستان گذاشته راست به تپه قولوتش
پلانینا میرود و از طرف دیگر خط فاصل ابهای نهرهای بولق ابنقا و ونزینقا و موراوا را تشکیل میکند از انجا و بر روی قاردنیا پلانینا
تا جای اتصال نهرهای قوانقا و موراوا رفته در انجا نهرها را گذشته در حوالی نره دوس بخط طول فاصل ابیکه بنهر موراوا
میریزد ممتد میشود و در سمت بالای زغوبیشته پلانینای ابکرم متصل میگردد از ین نقطه از ذروه کوه ابکرم تا ذروه کوه
قلتزوق امداد یافته از جاهاییکه در نقشه بشماره (۱۵۱۶) و ۷۵ : ۱۵ نموده شده است از بابینا غوره گذشته بکوه غارنه
در منتهی میشود حدود تازه صربستان از کوه قرنی دره کرفته با حدود تازه بلغارستان یکی میشود یعنی از تپه های استره
سپرو و پلوغلو و منسید پلانینا گذشته بخط مستقیم میاه که در میان استروما و موراوه است صربرود و بغاسینا
دو غربه نراوه و داو قوسقوه و درانیفته پلانینا منتهی میشود و پس ازان از ذروه شاتی قلادونق بخط تقسیم میاه صوتوقو و
موراوه مستقیما باسنول خواهد رفت و از انجا پائین امده در شمال غربی قریه سقوزه راه پیروت را هزار کیلو متر
قطع خواهد کرد از انجا بخط مستقیم به ویدلیق پلانینا بالا رفته و در سلسله بالکان بزیلکه از ذروه کوه رادوچینا گذشته
قریه دو نیجی را بصربستان و قریه سناقوس را ببلغارستان خواهد داد پس از ذروه کوه رادوچینا بسمت شمال غربی گذشته
از بالکان سپروق و استار پلانینا بذروه کجا بالکان بالا رفته در حوالی قولا اسمیلوه قوقه بحدود قدیمه شرقیه امارت
صربستان متصل شده بخط حدود قدیمه تا نهر طونه رفته در راقوبیچه بنهر طونه متصل خواهد شد

مادهٔ سی و هفتم

مادامیکه مقاولات جدیده منعقد نشود مناسبات تجارتی امارت صربستان با دول سائره تغییر نخواهد یافت و از
متاعهاییکه از صربستان میگذرد رسم مرور دیگر نیز نسبت گرفته نخواهد شد حقوق و امتیازات تبعهٔ خارجه و حقوق
محاکمه و حمایتیکه الان کونسلها دارند مادامیکه باتفاق امارت و دولتهاییکه علاقه دارند تغییر و تبدیل داده نشده
است بطور سابق تماما در صربستان مرعی الاجرا خواهد ماند

مادهٔ سی و هشتم

بابعالیکه با دولت اوستریا و مجارستان و کومپانی کارشناسان و قرار دوم ایلچی در خصوص تمام کردن راههای اهن و متصل
کردن آنها بخط اوستریا و در باب کار انداختن راههای آهنی که در جاهای واگذار شده بصربستان تعهدات و حقوق

دارد

دارد هرچه از این بابتها بحصه صربستان بیفتد با امارت مذکوره راجع خواهد بود
برای قرارداد این مطالب پس از امضا شدن این عهدنامه بلا تاخیر در میان دولت اوستریا و مجارستان و بابعالی و صربستان
و بلغارستان از جهت حصه که ببلغارستان راجع است مقاوله که لازم است تنظیم و ترتیب داده خواهد شد

مادهٔ سی و نهم

مسلمانانیکه در اراضی افزوده شده بخاک صربستان املاک دارند هرگاه بخواهند اقامتگاه خودشانرا در خارج صربستان
قرار بدهند میتوانند املاک خودشانرا باجاره بدهند یا بواسطه وکیل اداره نمایند
کومیسیونی مرکب از مامورین عثمانی و صربیه در عرض سه سال مطالبی را که متعلق بفروش و استعمال املاک امیریه و وقفیه است
و کارهای متعلق بمنافع کسانیکه علاقه در این مصالح دارند انجام خواهد داد

مادهٔ چهلم

در خصوص تبعه صربستان که در ممالک عثمانیه سیاحت یا اقامت کنند تا بسته شدن معاهده در میان دولت عثمانیه و صربستان
موافق قواعد کلیه حقوق دولیه رفتار خواهد شد

مادهٔ چهل و یکم

جاهاییکه در داخل حدود تازه امارت صربستان است قشون صربیه در ظرف مدت پانزده روز از تاریخ مبادله تصدیقنامه
این معاهده ناچار باید خالی کنند و نیز در ظرف همین مهلت عساکر عثمانیه جاهاییکه بصربستان واگذار شده است خالی خواهند
کرد ولی برای خالی کردن مواقع مستحکم و حمل و نقل مهمات و اشیا و ثبت دفتر کردن چیزهاییکه فورا حمل و نقل نمیتوانند بشود
علاوه مهلتی بعساکر عثمانیه داده خواهد شد

مادهٔ چهل و دوم

چونکه صربستان از جهت اراضی تازه که بصربستان افزوده شده است متحمل قسمتی از دیون عثمانیه بقدر حصه خود خواهد بود
لهذا این حصه را سفرای اسلامبول باتفاق بابعالی از روی یک اساس عادلانه معین خواهند کرد

مادهٔ چهل و سوم

دولتهای بزرگ متعاهده استقلال رومانیا را بشروط مندرجه در دو ماده آتی الذکر تصدیق میکنند برای اینکه هر کس در رومانیا
از حقوق مدنیه و سیاسیه بهره مند شوند مقرر است که فرق مذهب و آیین هیچکس را و در هر جا که باشد وسیله استثنا
و عدم لیاقت در حق ملت عمومیه و ماموریت و منصب و اجرای صنعت نبوده مانع از قبول آنها نخواهد بود

مادهٔ چهل و چهارم

آیین خارجی مذاهب و آزادی مذهب برای اهالی مذاهب مختلفه مردم خود در رومانیا و تبعه خارجه امنیت داده میشود تشکیلات مذهبیه ملل مختلفه و مناسبات روسای روحانیه را بوجهی مانعت نتواند شد در رومانیا در حق تبعه همه دولتها خواه تجار و خواه غیر آنها باشند بلا استثنا بطور مساوات کامله رفتار خواهد شد

ماده چهل و پنجم

امارت رومانیا پارچه اراضی بسارابیا را که بموجب عهدنامه ۱۸۵۶ پاریس از ممالک روسیه جدا شده برومانیا داده شده بود با علیحضرت امپراطور روسیه رد و اعاده مینماید حدود قطعه مذکوره غربا مجرای نهر پروت و جنوبا شعبه کیلیای طونه و مصب استاری استانبول است

ماده چهل و ششم

جزیره ها که مصبهای طونه است و جزیره هایی و محالات و سنجاقهای کیلیا و سنه و محمودیه و ایساقچی و طولچی و ماچین و بابا طاغی و خرسوه و کوستنجه و مجیدیه با امارت رومانیا واگذار کرده شده است خط حدود بمعرفت کومیسیون اروپ که برای تعیین حدود معین خواهد شد تنظیم و تعیین خواهد گردید

ماده چهل و هفتم

فقره تقسیم میاه و فقره جاهائیکه شکار ماهی کرده میشود بکومیسیون طونه که از جانب دولتهای اروپ هست محول خواهد شد

ماده چهل و هشتم

منافعهائیکه از خاک رومانیا خواهد گذشت رسم رودیه و ترانسیت نخواهد داشت

ماده چهل و نهم

در خصوص تعیین امتیازات حقوق حمایت کونسلها در داخل امارت رومانیا و وظایف ایشان مقاوله نامها منعقد تواند شد حقوقیکه الان هست مادامیکه در میان امارت باتفاق دولتهائیکه علاقه دارند تغییر نیافته است کماکان مرعی الاجرا خواهد بود

ماده پنجاهم

مادامیکه در میان دولت عثمانیه و رومانیا در خصوص تعیین امتیازات کونسلها معاهده نشده است تبعه رومانیا که در ممالک عثمانیه سیاحت و اقامت میکنند و تبعه عثمانیه که در رومانیا سیاحت و اقامت داشته باشند از حقوقیکه تبعه اروپ را داده شده است بهره مند خواهند بود

ماده پنجاه و یکم

حکومت رومانیا در جاهائیکه برومانیا واگذار شده است حقوق و وظایف باب عالی را که از جهت انشاآت عمومیه و اقدامات

باعمال نافعه دارد در عهده خود خواهد داشت

ماده پنجاه و دوم

برای اینکه بر امنیت آزادی تردد کشتیها در طونه که از منافع اروپ بودن آن تصدیق شده است افزوده شود دول متحابه متعاهده قرار دادند بر اینکه قلعه ها و استحکاماتیکه از تیمور قپو تا مصبهای نهر طونه است همه خراب شده بعد از این نیز قلعه و استحکامات تازه ساخته نشود کشتیهای جنگی در نهر طونه در پایین تر از تیمور قپوها تردد نخواهد کرد ولی کشتیهای کوچک که برای انضباط نهر و گمرکها لازم است از این حکم مستثنا خواهد بود و کشتیهای قراول دولتها که در مصبهای طونه میباشند تنها تا قلاص توانند رفت

ماده پنجاه و سوم

در کومیسیون طونه از جانب حکومت رومانیا نیز اعضا خواهد بود این کومیسیون در ماموریت خود برقرار میباشد کومیسیون پس از این بطور استقلال از حکومتهای آن حوالی تا قلاص اجرای ماموریت خواهد کرد آنچه مقاولات و معاهدات و قرارنامهها و اسنادها در خصوص حقوق و امتیازات و وظایف کومیسیون طونه هست همه برقرار و مرعی الحکم خواهد بود

ماده پنجاه و چهارم

یکسال پیش از آنکه مدت ماموریت کومیسیون طونه منقضی بشود دولتها در خصوص یاد کردن مدت ماموریت کومیسیون و اجرای تعدیلاتیکه لازم باشد در میان خودشان قرار خواهند داد

ماده پنجاه و پنجم

نظاماتیکه در خصوص تردد کشتیها از تیمور قپوها تا قلاص و در باب انضباط امر نهر لازم باشد بمعرفت کومیسیون تنظیم خواهد یافت و وکلای حکومت ساحلیه در این باب بکومیسیون معاونت خواهند کرد نظامات مذکوره با نظاماتیکه برای جاهای پایین تر از قلاص گذاشته خواهد شد تطبیق خواهد داشت

ماده پنجاه و ششم

کومیسیون طونه برای اداره فناری که در جزیره ییلان آطه سی هست باکسانیکه لازم باشد رای خود را ابلاغ خواهد کرد

ماده پنجاه و هفتم

وظیفه اجرای عملیات برای دفع موانع سیر سفاین در تیمور قپوها و شلالهها بدولت اوستریا و مجارستان تودیع شده است حکومات ساحلیه که در آن قسمت نهر هستند برای اجرای این اعمالات تسهیلات لازمه بکار خواهند برد احکام ماده ششم عهدنامه لندن که در ۱۳ ماه مارس ۱۸۷ در خصوص استیفای رسم موقتی برای مصارف اعمالات مذکوره قرار داده شده بود بملاحظه

منفعت دولت اوستریا ابقا خواهد شد

مادهٔ پنجاه و هشتم

باب عالی در آسیا اردهان و قارص و اراضی باطوم را با لنگرگاه آن و اراضی که در میان حدود قدیمهٔ روس و جاهایی که در ذیل بیان میشود بدولت روس واگذار کرده است چنانکه حدود تازه موافق خطی که در عهدنامهٔ ایاستفانوس معین شده بود از دریا سیاه تا یکنقطه که در شمال غربی قوروده و جنوب بادنویت واقع است ابتدا کرده بخط مستقیم بنهر چوروک ممتد خواهد شده نهر مذکور را از مشرق اشمش گذشته باز بخط مستقیم بسمت جنوب خواهد رفت و با حدود روسیه که در عهدنامهٔ ایاستفانوس معین شده است بیکنقطه که در جنوب نریمان واقع است خواهد رسید و قصبهٔ اولتی را بدولت روس واگذار خواهد کرد خط حدود از آن نقطه بشرق برگشته بسمت تره بنک رفته محل مذکور در طرف روس مانده منتهی برودخانهٔ پنیک خواهد شد از آنجا بمجرای نهر بادیز رفته از آنجا بسمت جنوب خواهد گذشت و بادیز و بکی کوی در طرف روس خواهد ماند و از سمت غربی قریهٔ قره اوزغان راست بجنیکر رفته بخط مستقیم بذروهٔ قصبهٔ طاغ بالا رفته در میان آبهایی که شمالا بنهر ارس و جنوبا بنهر مراد میریزد بخط تقسیم میاه تا حدود قدیمهٔ روس منتهی خواهد شد

مادهٔ پنجاه و نهم

اعلیحضرت امپراطور روس اعلان میکند که باطوم را برای آنکه اساساً لنگرگاه تجارتی شود در صدد این هست که آنجا را لنگرگاه آزاد (پوردفران) قرار بدهند

مادهٔ شصتم

صحرای الشکرد و شهر بایزید که بموجب فصل ۱۹ عهدنامهٔ ایاستفانوس بدولت روس واگذار شده بود بدولت عثمانیه پس داده خواهد شد باب عالی شهر قطور و اراضی آنرا موافق تصدیق کومیسرهای انگلیس و روس که مامور تعیین حدود عثمانی و ایران بودند بدولت ایران واگذار میکند

مادهٔ شصت و یکم

باب عالی تعهد میکند که در ایالتهای مسکونهٔ ارامنه اصلاحات و تنظیماتی را که احتیاجات محلیه مقتضی است بلا تاخیر اجرا و امنیت ارامنه را از اکراد و چرکسها نگاهدارد و نماید باب عالی از تدابیری که در این باب بکار خواهد برد وقت بوقت بدولتها اطلاع داده و دولتها بر اجرای آن تدابیر نظارت خواهند کرد

مادهٔ شصت و دویم

باب عالی نیات خود را در خصوص وسعت دادن بآزادی مذهب و قایل این آزادی را بیان کرده دول متعاهده این بیان

اختیاری را

اختیاری را بنظر اعتبار دیدند در هیچ قسمتی از ممالک عثمانیه برای استعمال حقوق مدنیه و سیاسیه و خدمات عمومیه و ماموریت و مناصب و اجرای صنعتها فرق مذهب هیچکس را وسیلهٔ استثنا و عدم قابلیت نتواند شد بدون استثنا هر کسی در حضور محکمه‌ها اجرای شهادت تواند کرد

از جهت آزادی همه آیینها و اجراءات خارجیهٔ آنها همگان را امنیت داده شده است بنابراین تشکیلات روحانیهٔ ملل مختلفه و مناسبات با رؤسای روحانیهٔ آنها هیچ مانعی نتواند بود راهبان و زوار و کشیشان هر ملتی که در ممالک اروپ یا آسیای عثمانیه سیاحت نمایند از حقوق و فواید و امتیازات مذکوره بهره‌مند خواهند بود

حق حمایت رسمیهٔ کونسلها و مامورین دول اروپ دربارهٔ اشخاص مذکوره و برای مؤسسات مذهبیه و اماکن خیریه تصدیق کرده شده است حقوق موجودهٔ فرانسه بطور مخصوص تصدیق شده وضع حاضری که در مواقع مقدسه یعنی در قدس شریف هست بوجهی اخلال نخواهد شد راهبان (اینوروز) از هر مملکتی باشند املاک و امتیازات سابقهٔ آنها برقرار و بدون استثنا از جهت حقوق و امتیازات مظهر مساوات خواهند بود

مادهٔ شصت و سوم

احکام عهدنامهٔ پاریس که در ۳۰ مارس ۱۸۵۶ و عهدنامهٔ لندن که در ۱۳ مارس ۱۸۷۱ منعقد شده است بجز اینکه بموجب مواد و شروط این عهدنامه فسخ و تغییر شده است کماکان باقی و برقرار می‌باشد

مادهٔ شصت و چهارم

این عهدنامه تصدیق شده تصدیقنامه‌های آن در ظرف مدت سه هفته و اگر ممکن باشد زودتر در برلین مبادله خواهند کرد بنا علیه این عهدنامه را برای اینکه تصدیق کرده شود مرخصهای دول متعاهده امضا و مهر نمودند این معاهده در برلین در تاریخ ۱۳ ماه ژولیه ۱۸۷۸ میلادی منعقد شد

محل امضا

مرخصهای دول متعاهده بتفصیلی که در عنوان عهدنامه نام ایشان ذکر شد یکان یکان ذیل عهدنامه را امضا کرده اند

قد تم بالخیر والعافیه

فی تمام شهر ربیع الثانی کتبه العبد

الاقل الجانی ابن مرحوم میرزا سید محمد رضا احمد الطباطبائی

الاردستانی سنه ست و تسعین و مائتین

بعد الالف سنه ۱۲۹۶

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم کتابی که بنظر انور اعلی میرسد حاوی جمیع گزارش و آثار عهد معدلت مهد ملوکانه از آن روز که
از بدو جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تا سنه هزار و دویست و نود و شش به مرتبه ظهور رسیده یعنی تاریخ سی و دو سال سلطنت جاوید آیت اعلیحضرت شاهنشاه
صاحبقران عز نصره چاپی و در ذیل هر سال وقایع همه ساله در آن سنه در تمام اقطار عالم و کره ارض واقع گردیده از روی اسناد معتبره نگاشته
و ثبت شده است

آنچه گزارش و تاریخ سی و دو سال سلطنت همایون است تقریباً وقایع روز بروز است مگر روزهائی که امر عمده روزنامه‌ها در مخصوص هیئت نشده
که یک از امور مهمه که واقع شده درج و ثبت اوراق است کرده است
در این کتاب شرح حالات مخصوصه وجود مسعود مبارک و اسفار بزرگ و کوچک داخله و خارجه موکب اعلی و احکام و فرامین و قصاید و منشآت
و شئونات و القاب و مناصب عالیه و غیره که از جانب سنی الجوانب بچاکران درباری و خدمتگذاران نظامی و قلمی و غیرهم عطا شده تغییر و تبدیل
ادارات و طرح و تشکیل دوایر جلیله دولتی و اختراع و اوضاع و قوانین جدیده نتیجه خیالات بلند ملوکانه و ابنیه عالیه سلطنتی و عمارات
مبارکات و بناهای خیریه که بهر همایون در دار الخلافه و سایر ممالک محروسه بنا شده ضبط است و بتحقیقه از تاریخ دولتی
و حالات ایام مستدام را از جزئی و کلی نقش و نگار نموده و بمنزله آئینه ایست که عکس جمیع آثار سی و دو ساله سلطنت آثار را
جدا در بر گرفته ابد الدهر به شایسته تعلق بصیرت مینماید و از هر خوان آن چمن مقدس را از محو ستایش آثار بزرگ
خسروانه حاصل رجالی است که منظور آسایش و رفاه حال ملت و ترقی و تربیت اهالی ممالک محروسه با فقر و قدرت کامله
نفس نفیس مبارک دامه الله مینماید و مخصوصاً طبع و انتشار آن از لوازم همیشه در قرون متوالیه جشن سلطنت خسروانه
روز افزون را حکایت میکند
آنچه در این کتاب مسطور شده مستند است به نوشتجات دفاتر و احکام دولتی و مرقومات کلک دُرسلک مقدس و کتب مؤلفه مورخین و فضلای
معاصرین و یادداشتهای دیگر و قسمی روزنامجات دولتی و غیره که در صحت هیچیک ریبی نیست علاوه بر اطلاع مسموعه از وزرا سنه

در آستان مبارک سبحان شاهی التزام داشت و آنچه خود خانه زاد در مدت چهارده سال شرف و افتخار شنیدنی در خلوت شاهانه صادرات روز
بر خود را برای العین دیده و ثبت کرده و آنچه را قبل از این چهارده سال در خدمات نظامی و اداره امور خارجه و غیره فهمیده نموده
خاطر داده در اوراق دفاتر نگاشته است
جمع و ترتیب این وقایع و گزارشها چنانکه مکشوف خاطر مهر مظاهر همایون است کار سهلی نیست خاصه برای این خانه زاد که عمراً
در حضر و سفر ملازم اغلب لیلاً و نهاراً بالتزام رکاب اعلی مشرف بوده و هیچ وقت از خدمات مرجوعه آنی غفلت ننموده ترقی
و جز این حالات و مقامات در گذشته زیارت خاکپای فرقدسای مقدس است که بحمدالله و منه همه روزه دیده خصوص بر آن
روشن شده و آینه این است که این تاریخ را که دو جلد از کتاب مرآت البلدان ناصری است و این چاکر شرافت و اعتبار آن
نگارش ها ... معدلت قران اعلیحضرت شهریاری زان موضوع که آثار سلطان ناصر ... بعض عبارت ...
... این کتاب مستطاب بحلیه قبول سلکان اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله تعالی ملکه و سلطانه تعیین است که منتخب ... مطبوع
دانشمندان حقایق نصاب خواهد شد و این وقایع و گزارش سلطنت سی و دو ساله خسروانه را بنظر دقت و استقصا ملاحظه کنند ... بر
منافع و فواید از جاهارت و اهتمامات ملوکانه در باره رفاه و ترقی و تکمیل و تربیت ملت ایران خبر خواهند و در عالم انصاف
ذکر خیری نیز از خانه زاد خواهند نمود

ششم کتاب مرآت البلدان ناصری که بترتیب حروف تهجی باید در مجلدات دیگر نگاشته شود از لوازم ... مبسوطه
توقعات ... خیر ... بیرون ... بلند اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه روحنا فداه شروع ... نوشته
و ... سبحانه تعالی ... امر الله ...
اقل چاکران و خانه زادان
محمد حسن

تقويم هذه السنة توشقان ييل سنه ١٢٩٦ هجري مطابق سنه ١٨٧٩ مسيحي

ايام	ربيع الثاني ١٢٩٦	جمادى الاولى	جمادى الثانية
١		اذرماه قديم	ديماه قديم
٢			
٣			
٤			
٥			
٦			
٧			
٨	اوريلماه فرانسه		
٩		مه ماه فرانسه	
١٠			ژون ماه فرانسه
١١			
١٢			
١٣			
١٤			
١٥			
١٦			
١٧			
١٨			
١٩			
٢٠	نيسان ماه رومی		
٢١		ايار ماه رومی	
٢٢			حزيران ماه رومی
٢٣			
٢٤			
٢٥			
٢٦			
٢٧	اردیبهشت ماه جلالی		
٢٨	اول ثور	خرداد ماه جلالی	تیرماه جلالی / نصف حزيران
٢٩			
٣٠		اول جوزا	

	رجب المرجب	شعبان المعظم	رمضان المبارک
۱	[illegible]		
۲	اول چله بزرگ		[illegible] ماه قدیم
۳		اول اسد	
۴		ولادت حضرت امام حسین	
۵		ولادت سید سجاد	اول سنبله
۶			
۷			
۸		باد خنک قدیم	
۹			
۱۰	دوبت ماه فرانسه ولادت امام محمد تقی		
۱۱			
۱۲		اوت ماه فرانسه اول چله کوچک	
۱۳			سپتمبر ماه فرانسه
۱۴			
۱۵		عید مولود حضرت قائم	ولادت امام حسن
۱۶			
۱۷			
۱۸		باد خنک اکابر	
۱۹			لیالی قدر ضربت خوردن حضرت امیر
۲۰			
۲۱			شهادت حضرت امیرالمؤمنین
۲۲	تموز ماه رومی		
۲۳			
۲۴	شهادت حضرت کاظم	آب ماه رومی	
۲۵			ایلول ماه رومی
۲۶	لیلة المعراج		
۲۷	یوم المبعث		
۲۸	مرداد ماه جلالی		
۲۹		شهریور ماه جلالی	مهر ماه جلالی
۳۰			

	شوال المکرم	ذیقعده الحرام	ذیحجه الحرام
۱	عید فطر		آذرماه جلالی
۲	اردیبهشت ماه قدیم		
۳	اردیبهشت ماه جدید	خرداد ماه قدیم	
۴			تیرماه قدیم
۵			
۶	اول میزان		
۷			شهادت حضرت باقر
۸		اول عقرب	اول قوس
۹			یوم العرفه
۱۰			عید اضحی
۱۱		ولادت حضرت رضا	
۱۲			
۱۳	اکتبر ماه فرانسه		خلافت حضرت امیر ۳۵
۱۴			
۱۵		نومبر ماه فرانسه	ولادت امام علی النقی
۱۶			دسمبر ماه فرانسه
۱۷			
۱۸			عید غدیر خم
۱۹			
۲۰			
۲۱			
۲۲			
۲۳			
۲۴			یوم المباهله
۲۵	تشرین الاول		
۲۶			
۲۷		تشرین الآخر	
۲۸		اول ایام صفر	کانون الاول
۲۹	آبان ماه جلالی		
۳۰			

فهرست اسامی سلاطین قاجاریه انار الله برهانهم

السلطان	ولادت	جلوس	مدت سلطنت	رحلت	عمر	مدفن
فتحعلی خان	سنه ١٠٩٧	سنه ١١٣٣	شش سال	سنه ١١٣٩	چهل و دو سال	خواجه ربیع در مشهد مقدس
محمد حسن شاه	سنه ١١٢٧	سنه ١١٦٤	هشت سال	سنه ١١٧٢	چهل و پنجسال	حضرت عبد العظیم
حسینقلی شاه ملقب بجهان سوز شاه	سنه ١١٦٤	سنه ١١٨٤	هفت سال	سنه ١١٩١	بیست و هفت سال	استراباد
آقا محمد شاه مرحوم	سنه ١١٥٥	سنه ١١٩٣	هجده سال	سنه ١٢١١	پنجاه و شش سال	نجف اشرف
فتحعلی شاه مبرور	سنه ١١٨٥	در طهران سنه ١٢١٢	سی و هشت سال و پنجماه	سنه ١٢٥٠	شصت و چهار سال و چهار ماه	در قم
نایب السلطنه عباس میرزا مرحوم	سنه ١٢٠٣			در خراسان سنه ١٢٤٩	چهل و پنجسال و شش ماه	در مشهد مقدس
محمد شاه طاب ثراه	سنه ١٢٢٢	سنه ١٢٥٠	چهارده سال و سه ماه	سنه ١٢٦٤	چهل و یکسال و یازده ماه	در قم

سنه ١٢٩٧

	محرم الحرام	صفر المظفر	ربیع الاول
١	اول سال عرب		
٢	دی ماه جلالی	بهمن ماه جلالی	شباط ماه رومی
٣		ولادت امام محمد باقر	اسفند ماه جلالی
٤			
٥	مرداد ماه قدیم	شهریور ماه قدیم	
٦			مهر ماه قدیم
٧	شب یلدا	ولادت امام موسی	
٨	اول جدی	اول دلو	اول حوت وفات امام حسن عسکری
٩	اول چله بزرگ دوشنبه		
١٠	شهادت امام حسین سنه ٦١		قتل عمر سعد علیه اللعنه
١١			
١٢		نفس دزده	
١٣			
١٤			
١٥			
١٦			
١٧		شهادت امام رضا	ولادت حضرت رسول و حضرت صادق
١٨	ژانویه ماه فرانسه ١٨٨٠	اول چله کوچک	
١٩		فوریه ماه فرانسه	مارس ماه فرانسه
٢٠		اربعین	
٢١			
٢٢	وفات امام زین العابدین	نفس آشکار	
٢٣			
٢٤			
٢٥			
٢٦			
٢٧			اول برد العجوز
٢٨		رحلت حضرت رسول و امام حسن	
٢٩		چهارشنبه سوری	
٣٠	کانون الاول رومی		

سلطنت عظمی

السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان
ابن الخاقان ناصر الدین شاه صاحبقران بن
محمد شاه بن ولیعهد عباس میرزا ابن خاقان فتحعلی شاه
ابن حسینقلی شاه بن سلطان محمد حسن شاه بن فتحعلی سلطان
خان بن امیر شاه قلیخان بن محمد قلیخان بن مهدیخان بن محمد
قلیخان قاجار خلد الله تعالی ملکه و دولته

تولد همایون

شب سه شنبه ششم شهر صفر المظفر سنه یکهزار و
دویست و چهل و هفت من الهجرة المقدسة النبویه

جلوس همایون بر تخت سلطنت

روز ... شهر شوال المکرم سنه یکهزار و دویست و ...
... چهار در دار السلطنه تبریز

... بر تخت سلطنت در دار الخلافه ناصری

در شب شنبه بیست و دویم شهر ذیقعدة الحرام سنه هزار و
دویست و شصت و چهار که الحال سی و دو سال تمام است
که بالاستقلال مع الشوکة والعظمة والاجلال سلطنت
و جهانبانی میفرمایند

ابناء سلطنت

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه
مهد مظفر الدین میرزا ادام الله اقباله العالی
تولد جمعه چهاردهم شهر جمادی الثانیه یکهزار و دویست
و شصت و نه من الهجرة المقدسه

نواب اشرف والا ظل السلطان سلطان مسعود میرزا ادام الله اقباله العالی
تولد یوم بیستم شهر صفر المظفر سنه یکهزار و دویست و شصت
و شش من الهجره

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه کامران
میرزا ادام الله اقباله العالی
تولد روز نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام سنه یکهزار و
دویست و هفتاد و دو من الهجره

بنات سلطنت

نواب علیه عالیه فخر الملوک تولد در سنه ۱۲۶۳
نواب علیه عالیه عصمة الدوله تولد در سنه ۱۲۷۲
نواب علیه عالیه افسر الدوله تولد در سنه ۱۲۷۵
نواب علیه عالیه والیه تولد در سنه ۱۲۷۵
نواب علیه عالیه ضیاء السلطنه تولد در سنه ۱۲۷۳
نواب علیه عالیه افتخار الدوله تولد در سنه ۱۲۷۳
نواب علیه عالیه تومان آقا تولد در سنه ۱۲۷۸
نواب علیه عالیه توران آقا تولد در سنه ۱۲۷۹

اخوان سلطنت

نواب والا عز الدوله عبدالصمد میرزا نواب والا رکن الدوله محمد تقی میرزا

اخوات سلطنت

نواب علیه عالیه عزة الدوله نواب علیه عزیز الدوله نواب علیه عفت الدوله

اعمام سلطنت

نواب والا معز الدوله بهرام میرزا نواب والا بهمن میرزا نواب والا
حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا نواب والا احتشام السلطنه سلطان مراد میرزا

نواب والا معین الدوله احمد میرزا نواب والا نصرة الدوله فیروز اکبر میرزا هوشنگ میرزا انوشیروان میرزا حاجی محمد طاهر
میرزا فرمانفرما نواب والا حشمة الدوله حمزه میرزا نواب والا میرزا حاجی فریدون میرزا مهدیقلی میرزا شجاع السلطنه
شجاع الدوله لطف الله میرزا ذبیح الله میرزا شمس الشعرا اسام میرزا سلطان محمد میرزا

اولاد خاقان مغفور

جمشید میرزا ولد مرحوم بهمن میرزا بهاء الدوله شاهزاده میرزا
نواب والا اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا وزیر علوم و غیره نواب

خوانین و آقایان قاجار با ایلخانی

سلطان سلیم میرزا نواب محمد امین میرزا نواب عضد الدوله جناب عضد الملک خوانسالار و خان مهر آثار
سلطان احمد میرزا نواب محمد هادی میرزا نواب امان الله میرزا

امراء و روسا

نواب جهانسوز میرزا امیر تومان نواب نیر الدوله پرویز میرزا

طایفه قوانلو

اولاد محمد علی میرزای مرحوم

امیرزادگان و غیره که در جزو طایفه و خوانین قاجار منظور اند
نواب نصرالله میرزا والی نواب محمد رحیم میرزا

امیرزادگان کرام و غیره

ادریس میرزا محمد شریف میرزا محمد صادق میرزا حبیب الله میرزا
حاجی سیف الدوله میرزا ولد مرحوم ظل السلطان عمید احمد میرزا اکبر میرزا حاجی سیف الله میرزا محمد ولیخان محمد رضی
الدوله کیومرث میرزا ابوالفتح میرزا ولد حسام السلطنه خان حیدر خان محمود خان محمد نقیخان
احتشام الدوله سلطان اویس میرزا حشمة السلطنه

بنی اعمام

بدیع الملک میرزا ناصر الدوله سلطان حمید میرزا ابو محمد رحیمخان رئیس غلام حسین خان حاجی شکر الله خان
النصر میرزا ولد حسام السلطنه محمد حسن میرزا ولد وزیر علوم

حاجی مهدیقلیخانی

محمد حسن میرزا ولد مرحوم اسد الله میرزا اعتضاد الدوله حسینقلیخان سرتیپ نجفقلیخان رئیس نجفقلیخان ولد مرحوم
محمد مهدیخان احتشام السلطنه ابراهیم میرزا حاجی بهاء حاجی محمد علیخان حیدر قلیخان قاضی علیخان محمد قلیخان
الدوله ساسان میرزا حاجی حسین میرزا ولد مرحوم جهانگیر

قزل ایاغ

میرزا حاجی مسعود میرزا ولد مرحوم ایضا محمد علی میرزا محمد حسینخان رئیس امان الله خان نور الله خان سلیمانخان
خسرو میرزا اسمعیل میرزا اسحق میرزا عبدالله میرزا مرتضی قلی غلام حسینخان احمدخان محمد صادق خان
میرزا ولد مرحوم عماد الدوله سلطان محمد میرزا ولد مرحوم

طایفه دولو

ایضا کامران میرزا محمد باقر میرزا داراب میرزا پسر مرحوم حاجی محمد حسینخان رئیس محمد تقی خان حاجی محمد رضا خان
ضیاء الدوله سلیمان میرزا عبدالعلی میرزا نایب الایاله فتحعلی خان حاتم قلیخان حاجی حسنعلی خان

طایفهٔ عزّ الدین لو	شاه بوداغلو
آقاخان رئیس محمد جعفرخان محمد ولیخان محمد قاسمخان	محمودخان رئیس محمد علیخان احمدخان حاجی محمد زمانخان
حبیب الله خان محمد تقیخان حیدرخان محمد رضاخان	حاجی خانلرخان

طایفهٔ شامبیاتی	طایفهٔ قایجلو وغیره
حاجی محمد رحیمخان رئیس حسین خان محمد قاسمخان	محمد صادقخان قایجلو محمد رضاخان قایجلو محمد قلیخان رئیس
اللهویردیخان امامقلی خان محمد حسنخان اللهقلیخان باباخان	خزینه دارلو بهرامخان رئیس کهنه لو محمدخان رئیس کرلو

طایفه سپانلو	سایر
حاجی مشهدی	یساولان
محمد تقیخان رئیس محمد رحیمخان اسدالله خان حسینقلیخان	امیرخان یساول باشی سایر چهار نفر
محمد طاهرخان	سایر خوانین
میرزا بازخان	دویست و سی و نه نفر

دایرهٔ دولت

ترتیب امور دولت بطوریست که در سالنامهٔ سنه ماضیه مسطور است فقط برای تسهیل امور باراده علیه برای ادارات دولتی و ایالات مملکت سه دایره مقرر داشته اند که مرجع کلیه امور سه نفر وزیر و مسئول دولت این سه تن هستند

اسامی وزراء عظام ثلثه وغیره

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران	جناب اجل آقای مستوفی الممالک	جناب اشرف سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه دولت علیه

جناب امین الملک واسطهٔ عرایض و صدور احکام و مرتب مجلس محترم دار الشورای کبری

اسامی وزراء دربار دولت از شاهزادگان فخام وغیرهم اعم از اینهائیکه مدیر دایرهٔ از دوائر دولت و دارای شغل و منصبی از مشاغل و مناصب دیوانی هستند یا نیستند

نواب والا معزالدوله وزیر عدلیهٔ عظمی	نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن	جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم
جناب عضد الملک خوانسالار و ایلخانی ایل جلیل قاجار و خازن مهر مهر آثار همایون	جناب نظام الملک	جناب وزیر دفتر استیفا
جناب ناصر الملک مشیر حضور همایون	جناب حاجی دبیر الملک	جناب معاون الملک
جناب مجد الملک وزیر وظایف و اوقاف	جناب حسنعلی خان وزیر فواید عامه	جناب وزیر لشکر آقا میرزا موسی
جناب نصیر الدوله	جناب امین لشکر وزیر گمرک	جناب مخبر الدوله وزیر تلگراف

ادارات راجعه بنواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه دام اقباله العالی و ولایات و ممالکی که راجع و مفوض بنواب اشرف معظم الیه است

ادارهٔ علماء اعلام و آقایان و سادات و محترمین ادارهٔ مهام شاهزادگان فخام و منتسبین خاندان سلطنت عظمی ذکوراً و اناثاً حکومت دار الخلافهٔ باهرهٔ طهران وزارت تجارت ایالت دار المرز گیلان ایالت دار المرز مازندران قم کاشان ملایر تویسرکان نهاوند ساوه و زرند دماوند فیروزکوه	شاهسون بغدادی **اجزاء حکومت و علماء اعلام و اعیان و معارف دار الخلافه طهران** **اجزاء حکومت** جناب میرزا محمود وزیر صدیق الدوله مباشر خالصجات دیوان اعلی فراشباشی خان نایب رئیس مستحفظین امنیت

عامه شهر کشتان نوان و منشی غرفت ضمانهٔ احتساب
الملک میرزا حسن حاجی میرزا تقی کلانتر میرزا بزرگ کدخدای
محله چالمیدان میرزا سید یوسف کدخدای محله سنگلج
میرزا حسن کدخدای محله درب دولت میرزا سید احمد
کدخدای محله بازار اسمعیل بیک کدخدای ارک مبارک

علماء اعلام

جناب میرزا زین العابدین امام جمعه جناب صدر العلماء
جناب حاجی ملا علی جناب آقا سید صادق جناب آقا
میرزا صالح عرب جناب حاجی شیخ موسی جناب حاجی سید
حسین جناب آقا سید عبدالله جناب ملا محمد تقی جناب
آقا شیخ جعفر پسر مرحوم حاجی شیخ محمد جناب آقا شیخ محمد
برادر مرحوم شیخ عبدالحسین جناب حاجی ملا آقا بزرگ
جناب حاجی آقا محمد

اعیان و اشراف و امراء و خوانین دار الخلافه
از رجال دولت و ارباب مناصب و غیرهم

جناب میرزا محمد خان نظام العلماء نایب نظام العلماء آقا شیخ
علی جناب اعتماد الدوله حیدرقلیخان ولد آصف الدوله
آقا سردار ولد سپهدار عین الملوک محمد میرزا ولد جناب اعتضاد
الدوله عباس میرزا ولد ایضا فتحعلیخان ولد ایضا محمود
خان ملک الشعراء میرزا جعفر حکیم الهی سلیمانخان ولد مرحوم
حاجب الدوله حسینقلیخان ولد مرحوم اعتماد الدوله رضا
قلیخان عباسقلیخان ولد مرحوم سلیمانخان محمد تقی خان
ولد سهرابخان اسمعیلخان بشیر الدوله میرزا محمد خان
غلام حسینخان میرزا صادقخان ولد مرحوم میرزا حسنخان

محمد خان ولد مرحوم احمد خان عمید الملک
وزیر نظام محمد حسنخان ولد ایضا حاجی حسینخان
ولد ایضا

اولاد مرحوم محمد باقر خان بیگلربیگی و غیرهم

حاجی علیخان محمد مهدیخان عباسخان محمد هادیخان
عبدالله خان پیشخدمت باشی نواب اشرف والا نایب السلطنه
سلطانحسین میرزا ولد بیروز میرزا زاد الله دولته امان الله خان
امیر اصلان خان غلامحسین خان سلیمانخان
فضل الله خان محمد ابراهیمخان برادرزاده حاجی آصف
الدوله محمد جعفر خان ولد مرحوم عیسی خان بیگلربیگی
حسین خان محمد کاظم خان هدایتخان زین العابدین
خان اللهقلیخان علی اکبر خان نجفقلیخان محمد باقر خان
احمد خان امیر اصلان خان اسمعیل خان ولیخان
محمد حسنخان ولد مرحوم معتمد الملک عباس خان
ولد مرحوم ایضا

وزارت تجارت
جناب نصیر الدوله وزیر تجارت
اجزاء وزارت تجارت

نواب نصرالله میرزا نایب اول وزارت تجارت ممالک محروسه
حاجی میرزا کاظم سررشته دار آقا میرزا اسمعیل منشی
آقا میرزا سید ابراهیم سررشته دار آقا میرزا علی اکبر
سررشته دار میرزا حبیب الله خان منشی میرزا محمد صادق
منشی میرزا کریم محرر حاجی میرزا محمد علی نایب وزارت
تجارت ممالک محروسه

رؤسای تجار دار الخلافه

حاجی محمد کاظم ملک التجار ممالک محروسه ایران حاجی میر تقی آقا
حاجی میر ابراهیم امین التجار حاجی محمد صادق معین التجار
ملا محمد حسین تبریزی حاجی احمد تبریزی حاجی علی اکبر شیرازی
حاجی محمد حسن اصفهانی حاجی علینقی کاشانی آقا محمد امین
ارباب طهرانی آقا عبد الباقی ارباب طهرانی آقا محمد ابراهیم ارباب
طهرانی حاجی محمد ابراهیم ارباب طهرانی حاجی عبد اللطیف
شیرازی حاجی علی اکبر دهدشتی حاجی محمد حسین ارباب
طهرانی آقا محمد حسن ارباب طهرانی حاجی آقا موسی ارباب
طهرانی آقا محمد حسین ارباب طهرانی آقا عیسی ارباب طهرانی
حاجی محمد صادق تاجر کاشانی حاجی محمد حسین تاجر کاشانی
معروف بآقا رجبعلی حاجی آقا محمد تاجر کاشانی حاجی علی
تاجر یزدی حاجی ملا حسن طهرانی آقا میرزا محمد علی شیرازی
حاجی سید محمد تبریزی

رئیس التجار و مامورین ولایات

تبریز جناب ساعد الملک ارومیه ابراهیم آقا خوی نواب
عمید الدوله حاکم خمسه آقا خان قزوین نواب یعقوب میرزا
گیلان نواب یحیی میرزا مازندران میرزا علینقی ملک التجار
همدان میرزا احمد بروجرد خواجه محمد باقر کرمانشاهان آقا حسن
کردستان میرزا سید ابراهیم باختیار نواب ابو الفتح میرزا
قم و کاشان جناب اعتضاد الدوله حاکم اصفهان محمد جعفر
خان شیراز و بوشهر باختیار نواب والا معتمد الدوله
یزد آقا کوچک ملک التجار کرمان حاجی شهاب الملک حاکم
خراسان حاجی ابو القاسم ملک التجار استرآباد میرزا جواد
خان سمنان و دامغان اعتضاد الملک حاکم شاهرود

و بسطام حسینقلی آقای نایب الحکومه خرم آباد حاجی
اسحق عراقی حاجی محمد حسن ملک التجار

اجزاء مجلس تجارتی

که هفته دو روز در عمارت خورشید حاضر شده بامورات
تجارت رسیدگی مینمایند

نواب نصرالله میرزا نایب اول وزارت تجارت ممالک
محروسه حاجی محمد کاظم ملک التجار ممالک محروسه ایران
حاجی میرزا محمد علی حاجی میر تقی آقا حاجی میر ابراهیم
امین التجار حاجی محمد صادق معین التجار حاجی علی اکبر
شیرازی آقا محمد ابراهیم ارباب آقا محمد امین ارباب
آقا عبد الباقی ارباب حاجی احمد آقای اردبیلی حاجی محمد
حسن اصفهانی حاجی محمد حسین تبریزی حاجی آقا محمد
کاشانی حاجی میر محمد آقای تبریزی میرزا احمد علی شیرازی
حاجی ملا حسن طهرانی حاجی علی یزدی (عبدالله قلیخان ناظم
مجلس تجارت میرزا محمد حسین کاتب السلطان احکام نویس
حاجی میرزا احمد علی اکبر خان نایب فراشخانه)

مملکت گیلان
حاکم

جناب ضیاء الملک نایب الحکومه یحیی میرزا

علماء

جناب حاجی ملا محمد علی امام جمعه جناب حاجی میر عبد الباقی
جناب حاجی ملا قاسم جناب حاجی محمد ابراهیم معروف بحاجی
مجتهد جناب آقا سید حبیب الله جناب آقا شیخ جواد
جناب آقا محمد تقی آقازاده جناب ملا محمد حسین

اعیان

میرزا محمد علیخان امین دیوان میرزا عبدالوهاب مستوفی محمود خان سرتیپ میرزا موسی خان منجم باشی حاجی میرزا نصیر اکبرخان سرهنگ

تجار

حاجی محمد محسن معین التجار آقا محمد ابراهیم کسمائی آقا سید قاسم کاشی محمد آقا آقا سید رضی میرزا موسی

طوائف بتول ابدی نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر

نصرالله خان سرتیپ جوادخان سرهنگ امان الله خان سرهنگ نصرالله خان اللهیارخان سرهنگ نعمت الله خان سرهنگ

مازندران

امیرزاده نورالله میرزا حکمران کل

هزارجریب

ابراهیم خان سرتیپ دو دانکه هزارجریب نصف بانجف قلیخان سرهنگ نصف دیگر با لطفعلی خان سرهنگ حاکم بارفروش بهار قلیخان قاجار حاکم اشرف عبدالحسین میرزا حاکم آمل محمد ابراهیم خان حاکم محال ثلاثه ساعد الدوله حاکم سندپی عبدالحسین خان سرتیپ حاکم لاریجان خان باباخان سرهنگ

ملایر و تویسرکان و نهاوند

نواب والا عزالدوله عبدالصمد میرزا حکمران کل

قم و کاشان با جناب اعتضاد الدوله

قم خود شان نایب الحکومه کاشان میرزا سید یوسف
امیرزاده حسن میرزا شنبه باز و لایت کاشان

ساوه و زرند

حاکم معمارباشی نایب الحکومه عبدالله خان

شاهسون بغدادی

حاکم میرزا محمود خان

حاکم دماوند

حاجی میرزا یحیی خان

حاکم فیروزکوه

اسمعیل خان سرتیپ

عمله جات دربخانه

حاجی بهاء الدوله سرتیپ اول و پیشکار مخصوص محمد زمان میرزا ایشیک آقاسی باشی جناب حاجی ملاباشی محمد حسن خان فراشباشی عبدالله خان پیشخدمت باشی حاجی نصرالله میرزا میرآخور جمشید میرزای صاحبجمع امیرزاده آقا سردار پیشخدمت خاصه اکبرخان ناظر عباسقلیخان مترجم و صندوقدار میرزا محمد حسین کاتب السلطان میرزا عباسعلی پیشخدمت خاصه و منشی مخصوص

مستوفیان

میرزا علی میرزا هادی سایر سه نفر

منشیان

میرزا محمد منشی باشی قزوینی میرزا علی اکبر منشی باشی میرزا علی

کشیکخانه

محمد اسمعیل خان کشیکچی باشی و تفنگدارباشی رضا قلیخان یوزباشی هدایت الله خان شاطرباشی رجبعلی بیک ده باشی خلوت

ادارات متعلقه بجناب اجل آقای مستوفی الممالک

دوایر مبارکه دولت متعلق و راجع بجناب اجل آقا

وزارت دفتر استیفا دیوان عدالت عظمی اداره خلوت همایون وزارت وظایف و اوقاف اداره کشیکخانه و انتظامات دربخانه اداره کمرک ممالک محروسه اداره تلگرافخانه مبارکه صندوقخانه و رختدارخانه خاصه مبارکه و نیتخانه و سایر بیوتات دولتی قنوات و باغات و عمارات مبارکه دولتی امور خزانه عامره و نظم و ترتیب حوالجات تفنگداران خاصه جارچیان شاطران کالسکه خانه مبارکه اصطبل خاصه اداره چاپارخانه مجلس شورا

اداره ممالک و ولایات محروسه متعلقه بجناب اجل آقا

فارس اصفهان و یزد کرمان و بلوچستان کرمانشاهان وکردستان عربستان ولرستان عراق و بروجرد کلپایکان و خوانسار کره و نطنز و جوشقان و محلات همدان و اسدآباد و کنکاور

اداره خاصه جناب اجل آقا

جناب معاون الملک حاجی میرزا رضا منشی مخصوص

منشیان و اجزاء وزارت جناب معاون الملک که مربوط بنوشتجات و احکام دولتی است

میرزا اسدالله خان منشی حاجی میرزا عبدالله میرزا مهدی کیلانی میرزا امین میرزا محمد ساوجبلاغی میرزا علی محمد کاشانی میرزا علی میرزا قاسم میرزا محمد عنوان نگار امور خراسان

وزارت دفتر استیفا

جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر استیفا

مستوفیان حاضر رکاب

جناب صاحبدیوان وزیر نظام جناب معاون الملک میرزا علی قائم مقام منشی الممالک وقایع نگار لسان الملک میرزا زکی نایب حاجی میرزا نصرالله جناب میرزا محمود وزیر دارالخلافه حاجی میرزا شفیع علاء الملک میرزا عبدالله خان آقا میرزا حسین میرزا اسدالله میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل صدیق الدوله میرزا محمد ولی میرزا ابراهیم میرزا محمد علیخان میرزا ذوالفقار خان میرزا رضا ولد مرحوم معین الملک میرزا حسینعلی خان میرزا عبدالوهاب کیلانی میرزا محمد حسین مستوفی خزانه میرزا سید احمد میرزا سید محمد میرزا محمد مستوفی نظام حاجی رشید خان میرزا محمد حسین ولد وقایع نگار داروغه دفتر میرزا ابوالقاسم خان نوری میرزا سید کاظم مستوفی صندوقخانه میرزا رضا قلیخان میرزا علی اکبر میرزا سید ابراهیم حاجی میرزا سید حسین میرزا ربیع میرزا اسدالله خان نوری میرزا علیرضا میرزا باقر میرزا حسینعلی ولد مرحوم میرزا زمان میرزا عبدالله میرزا عبدالوهابخان پسر جناب نظام الملک میرزا زین العابدین خان میرزا عبدالله خان میرزا علی محمد خان حاجی میرزا محمد پسر حاجی میرزا نصرالله میرزا محمد حسین ولد مرحوم میرزا محمد میرزا اسحق میرزا زکی نوری میرزا محمود پسر مرحوم صاحبدیوان میرزا سید رضی احتساب الملک میرزا رضا مهندس باشی میرزا طاهر میرزا کاظمخان للهباشی میرزا حسن ولد جناب وزیر لشکر میرزا عبدالرحیم خلخالی بیان الملک میرزا رضا

میرزا محمد ولد مرحوم میرزا هادی میرزا رضای البرز میرزا سید محسن
میرزا محمد رضای نوبر کانی میرزا حسن پسر میرزا زکی نایب میرزا رفیع
میرزا علی میرزا محمد ولد حاجی میرزا علیقلی میرزا عبد العلی
میرزا حسن پسر میرزا ابراهیم میرزا حسینعلی خان ولد مرحوم میرزا
نصر علی میرزا هدایت پسر لسان الملک میرزا شکر الله پسر نصیر الملک
میرزا جعفر

مأمورین

مشیر الملک مستشار الملک ضیاء الملک میرزا حسن خان
پسر جناب صاحب دیوان میرزا مسیح میرزا شفیع خان کرکانی
میرزا شفیع مستوفی نواب حسام السلطنه میرزا محمد حسین خمسه
میرزا محمد حسین سراج الملک

وزارت عدلیه عظمی

نواب والا معز الدوله وزیر عدلیه عظمی

امنا و اجزای دیوانخانه مبارکه

صدر دیوانخانه اعتماد الملک حیدر قلیخان میرزا
حسن مستوفی دیوان اعلی حاجی میرزا علی رئیس نایب اول
وزارت عدلیه میرزا عبد الغنی نایب الوزاره نایب اول
وزارت عدلیه میرزا محمد حسین نوری فتح الله خان ناظم
دیوانخانه عدلیه میرزا سید احمد سررشته دار میرزا
ابو القاسم منشی میرزا عبد الحسین منشی باشی
میرزا علیخان منشی اول پسر مرحوم میرزا محمد مستوفی میرزا
ابراهیمخان منشی اول میرزا علیرضا منشی حاجی میرزا
زین العابدین منشی میرزا زین العابدین منشی میرزا
محمد علی منشی میرزا عبد الغنی ثبات نفرشی میرزا سید احمد ثبات

میرزا ابو الحسن ثبات

اجزاء و منشیان دیوان مظالم عامه

حاجی محمد حسینخان قاجار رئیس دیوان مظالم میرزا موسیخان
سرحددار میرزا اسمعیل منشی میرزا باقر منشی میرزا
محمد منشی میرزا محمد علی میرزا محمد حسین نوری میرزا احمد
میرزا حسن میرزا حسن شیرازی میرزا محمد حسین تفرشی
میرزا محمد رضا میرزا غلام حسین میرزا محمود میرزا عبد الحسین
محرر میرزا خلیل محرر

خلوت همایونی

ارباب مناصب

جناب امین السلطان امین خلوت ریش سفید خلوت
همایونی و تفنکدارباشی امین حضور محصل بقایای مالیه
غلامحسین خان خازن رکیبخانه

سایر

حاجی خازن الملک ادیب الملک حاجب الدوله محمد حسنخان
محقق محمد حسینخان پیشخدمت و فراشباشی نواب اشرف والا
نایب السلطنه سلطان حسین میرزا غلام حسین خان ولد
مرحوم امین الدوله نور محمد خان امین دیوان میرزا احمد خان
میرزا عبد الله خان جبار خان آقا علی امین صره عمید الملک
ناظم خلوت میرزا محمد

صندوقخانه مبارکه و رختدارخانه

امین السلطنه صندوقدار و جامه دار خاصه

دار الترجمه خاصه همایونی

بریاست صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون مسیو
ریشار خان سرتیپ مترجم زبان فرانسه و انکلیسی میرزا محمد رضا
مترجم زبان فرانسه میرزا علیخان مترجم زبان فرانسه و انکلیسی
میرزا عیسی خان سرهنک مترجم مخصوص زبان فرانسه مادروس
خان مترجم زبان روسی و فرانسه بارون نرمان مترجم زبان المانی

اطباء خاصه

دکتر طولوزان حکیمباشی ملک الاطبا میرزا کاظم شیخ الاطبا
میرزا حسینعلی میرزا نصر الله تنکابنی میرزا زین العابدین
کاشانی میرزا لقمان ولد ملک الاطباء مسیو هیدنه
دندان ساز

فراشخلوتان و قاپوچیان دربار طاق همایونی

میرزا محمد کروسی میرزا کریم محمد صادقخان فراشخلوت

قهوه خانه مبارکه

غلام علیخان قهوه چی باشی آقا جبار قهوه چی

تفنکدار خاصه

رضا قلیخان محمد زمان خان رستم خان مصطفی قلیخان
آقا خان فرج خان میرزا باقر خان علی اکبر خان [illegible]
قهرمان خان حیدر خان محمد کریمخان حسن خان پسیان
اسد الله خان اسمعیل خان محمد خان کرجی نصر الله خان نوری
رضا خان نادر بیک میرزا ابو الفتح خان حاجی نقیخان حاجی عیسی خان

خواجه سرایان

معتمد الحرم حاجی آغا جوهر خواجه باشی آغا محراب حاجی سرور خان
حاجی آغا فیروز آغا حسن حاجی غلامعلی آغا سید اسمعیل
آغا بهرام آغا فتح الله
آغا فرج

وزارت وظایف و اوقاف

جناب مجد الملک وزیر وظایف و اوقاف

اجزاء دفتر وزارت جلیله وظایف

میرزا مهدی نایب الوزاره وظایف آقا سید مصطفی حسام
السادات نایب الوزاره اوقاف میرزا نصر الله سررشته دار کل
مستمریات ممالک محروسه میرزا مصطفی خان منشی وزارت
وظایف میرزا محمد علیخان خلاصه نویس میرزا الله قلیخان
سررشته دار اوقاف ممالک محروسه

اشخاصیکه با مانت و صاحبمنصبی وجوه مستمری

و ایصال مستمریات مأمورند

آذربایجان

جبار خان پیشخدمت خاصه همایونی

خراسان

محمد خان پیشخدمت خاصه همایونی

اصفهان

میرزا حسینعلی فراشخلوت همایونی

فارس

میرزا رحیم خان

دار الخلافه طهران

میرزا کریم فراشخلوت خاصه همایونی

عراق وکره وسائر البلوک ومحلات

میرزا محمود منشی

قم وکاشان وساوه

میرزا سید حسین

ملایر وتویسرکان ونهاوند

میرزا اسحق منشی

همدان واسدآباد وکنکاور

میرزا فتح الله فراشخلوت همایونی

مازندران

حاجی میرزا رحیم فراشخلوت همایونی

یزد

میرزا جواد منشی

گیلان

علی اکبر خان فراشخلوت همایونی

کردستان وکروس

محمد حسین خان نایب ایشیک آقاسی باشی

قزوین وطالقان

آقا محمد حسین نایب

نطنز

حسین خان فراشخلوت همایونی

کرمانشاهان

میرزا حسن اجودان وزارت رسائل

کرمان

حاجی امیر اصلان بیک فراشخلوت

عربستان ولرستان

میرزا اسمعیل منشی

دماوند وفیروزکوه وخوار

میرزا طهماسب قلی

وزارت گمرک

جناب امین لشکر وزیر گمرک ممالک محروسه

سررشته دار کل ومشرف

میرزا نجفقلی سررشته دار میرزا علی اکبر سررشته دار میرزا امین مشرف

منشی میرزا شفیع

تحویلدار آقا علی

مستشار ومعاون ومفتش

معین التجار حاجی محمد حسن

مامورین ولایات وممالک محروسه

آذربایجان

میرزا اسمعیل میرزا مهدی سررشته دار کل میرزا شکرالله سررشته دار

مباشران میرزا جانی مقوم شش نفر مشرف ده نفر تحویلدار چهار نفر

عملجات ادبار شمار وغیره پنجاه نفر

بوشهر وشیراز

اصفهان

رئیس آقا خان تحویلدار نفر مشرف نفر

مازندران

عبدالعلی خان رئیس میزان ونایب الحکومه محال بارفروش میرزا

نصرالله ومیرزا یوسف مباشر بندر جز

کرمانشاهان

رئیس زکیخان تحویلدار نفر مشرف نفر عمله ده نفر

همدان

رئیس کل میرزا احمد تحویلدار مشرف عمله

یزد

مباشر گمرک نایب یوسف سررشته دار کل میرزا علینقی تحویلدار عمله

کرمان

رئیس کل امیرزاده مرتضی قلی میرزا تحویلدار مشرف

بروجرد

مباشر اسمعیل خان مشهدی حسن

کاشان

رئیس میرزا جان تحویلدار مشرف

قزوین وخمسه

رئیس آقا رحیم تحویلدار حاجی نعمت الله مشرف

رشت وانزلی

رئیس تحویلدار مشرف

خراسان

رئیس تحویلدار مشرف

گلپایگان

ایشیک خانه مبارکه

علیخان قاجار ایشیک آقاسی باشی ولد مرحوم حاجی ظهیر الدوله

محمد خان قاجار قورچباول باشی محمد امین خان نواده مرحوم

حاجی ظهیر الدوله جعفرقلیخان ولد نور محمد خان سرتیپ

نایبان ایشیک آقاسی باشی

محمد حسنخان نوری نایب ایشیک آقاسی باشی مصطفی قلیخان

قاجار نایب ایشیک آقاسی باشی محمد علیخان برادر مرحوم شهباز

خان ابو الفتح خان برادر مرحوم مزبور محمد خان ولد مرحوم

عمید الملک عباسقلیخان ولد مرحوم شهباز خان

امان الله خان نایب ایشیک آقاسی باشی مهدیقلیخان ولد

مرحوم میرزا فضل الله خان غلامحسین خان حاجی حسین

خان بروجردی محمد علیخان نوائی میرزا محسن

اداره باغات وعمارات وقنوات وخیابانهای دولتی

بریاست صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون حاجی

میرزا حسین ممیز آقا سید صالح مفتی باشی

اداره باغات

محمد باقر بیک باغبان باشی کریمخان میرزا سید علی مشرف

باغبانان وسرایداران میرزا عبد المجید نایب سلطنت آباد

اداره احتساب وخیابانها ومعابر دولتی

نایب قلی میرزا ابو القاسم مشرف

وزارت تلگراف

جناب مخبرالدوله وزیر تلگراف

صاحبمنصبان و اجزای تلگرافخانهٔ مبارکهٔ دار

الخلافه ناصره شصت و هفت نفر

صاحبمنصبان

حسینعلیخان سرتیپ ناظر اداره نصرالله خان سرهنگ تحویلدار

مسیو شارل سرهنگ دفتردار خارجه ایرانی امیرزاده شاهرخ میرزا

نصرالله خان سرهنگ تلگرافچی مخصوص محمود خان سرهنگ رشتی محمد

تقیخان و اسمعیل خان دو نفر تلگرافچیان بیست و سه نفر

ارباب قلم شانزده نفر

میرزا سلیم سررشته دار منشیان هشت نفر محررین هفت نفر

غلام و سوار و فراش بیست نفر

سواره و پیاده شش نفر سواره چهار نفر پیاده دو نفر فراش

ده نفر پیشخدمت و غیره چهار نفر

سایر ولایات

خط فارس

قم چهار نفر

رضاخان سرهنگ رئیس تلگرافچی و میرزا دو نفر فراش نفر

کاشان پنج نفر

عیسی خان رئیس تلگرافچی و منشی دو نفر فراش دو نفر

اصفهان ده نفر

میرزا ابوالقاسم خان رئیس تلگرافچی و منشی پنج نفر فراش نفر

اباده تلگرافچی نفر فراش نفر

کازرون تلگرافچی نفر فراش نفر

شیراز صاحبمنصب پنج نفر میرزا هدایت الله رئیس فراش و غلام سه نفر

تلگرافچی و منشی چهار نفر فراش نفر

ابوشهر چهار نفر

حیدرعلیخان سرهنگ رئیس نفر تلگرافچی نفر فراش دو نفر

خط آذربایجان و گیلان

قزوین دوازده نفر

صاحبمنصب شش نفر میرزا محمد مهدی رئیس تلگرافچی و منشی پنج نفر فراش

دو نفر غلام چهار نفر **زنجان** هفت نفر

صاحبمنصب چهار نفر آقاخان سرهنگ رئیس تلگرافچی و منشی سه نفر

فراش سه نفر

تبریز سی و چهار نفر صاحبمنصب سیزده نفر میرزا عباس سرتیپ

رئیس تلگرافچی و منشی دوازده نفر فراش پنج نفر

خوی و میانج هفت نفر میانج دو نفر تلگرافچی نفر

فراش نفر خوی پنج نفر تلگرافچی نفر غلام و فراش چهار نفر

مرند و جلفا چهار نفر مرند دو نفر تلگرافچی نفر فراش

نفر جلفا دو نفر تلگرافچی نفر فراش نفر

رشت و منجیل شانزده نفر

رشت صاحبمنصب چهار نفر سوار و غیره ده نفر ابوالفتح

میرزا رئیس تلگرافچی و منشی سه نفر فراش سه نفر سوار دو نفر پیاده

شش نفر منجیل دو نفر تلگرافچی نفر فراش نفر

خط خانقین هفتاد و شش نفر

خان آباد و غیره شانزده نفر

خان آباد سه نفر تلگرافچی نفر غلام و فراش دو نفر نوبران چهار نفر

تلگرافچی نفر فراش و غلام سه نفر زرده چهار نفر تلگرافچی نفر

کنگاور پنج نفر تلگرافچی نفر فراش و غلام دو

کشیکچی چهار نفر

همدان شانزده نفر **صاحبمنصبان** هفت نفر

میرزا جعفرخان سرهنگ رئیس تلگرافچی و منشی شش نفر

فراش چهار نفر غلام پنج نفر

کرمانشاهان نه نفر **صاحبمنصب** چهار نفر

محمد صفی میرزا سرهنگ رئیس تلگرافچی و منشی سه نفر

فراش دو نفر غلام سه نفر

قصر و کرند و غیره هفت نفر صاحبمنصب سه نفر

تلگرافچی قصر و کرند دو نفر جلیل میرزا رئیس و تلگرافچی خارجه

خانقین نفر فراش و غلام چهار نفر

ملایر شش نفر **صاحبمنصب** دو نفر

میرزا طاهر رئیس نفر منشی نفر (سایر چهار نفر) فراش

دو نفر غلام دو نفر

بروجرد دوازده نفر صاحبمنصب سه نفر عبد

الحسین خان رئیس تلگرافچی و منشی دو نفر (سایر نه نفر) فراش

سه نفر غلام شش نفر

عراق پنج نفر حبیب الله میرزا رئیس تلگرافچی نفر

فراش نفر غلام دو نفر

نهاوند پنج نفر حاجی مهدیخان رئیس نفر تلگرافچی نفر

فراش دو نفر غلام نفر

خط خراسان

ایوان کیف و خوار و غیره ده نفر

ایوان کیف چهار نفر تلگرافچی نفر فراش و غلام سه نفر

خوار چهار نفر تلگرافچی نفر فراش و غلام سه نفر

حضرت عبدالعظیم میرزا مرتضی یاور تلگرافچی

فراش نفر

سمنان و دامغان دوازده نفر

سمنان شش نفر حاجی باباخان رئیس تلگرافچی نفر

فراش و غلام چهار نفر

دامغان شش نفر عبدالحسین خان یاور رئیس

فراش و غلام پنج نفر

شاهرود و غیره سی و یک نفر

شاهرود چهار نفر میرزا موسی خان سرهنگ رئیس

تلگرافچی و منشی سه نفر تلگرافچی میامی و میان دشت و عباس آباد

سه نفر فراش و غلام ایضاً بیست و چهار نفر فراش

پنج نفر غلام نوزده نفر

استرآباد و باش ده نفر

تلگرافچی دو نفر (فراش و غلام شش نفر) (فراش دو نفر

غلام چهار نفر) (غلام باش دو نفر

سبزوار و مزینان پانزده نفر (صاحبمنصب

چهار نفر) عباسعلی خان سرهنگ رئیس تلگرافچی و منشی سه

نفر (غلام هشت نفر) (فراش سه نفر)

نیشابور هفت نفر (صاحبمنصب دو نفر) میرزا عبد

الوهاب خان سرهنگ رئیس (تلگرافچی نفر) (غلام چهار نفر)

(فراش نفر)

مشهد مقدس سیزده نفر (صاحب منصب شش نفر)

میرزا فضل الله خان سرتیپ رئیس (تلگرافچی و منشی پنج نفر) فراش

پنج نفر (غلام دو نفر)

خط کردستان

خرم آباد بیست و هشت نفر صاحبمنصب پنج نفر

میرزا حسین یاور رئیس تلگرافچی و منشی چهار نفر

غلام خرم اباد و قلاع نوزده نفر فراش چهار نفر

کردستان و قروه

یازده نفر میرزا اسمعیل خان رئیس تلگرافچی و میرزا سه نفر غلام چهار نفر فراش سه نفر

دزفول

بیست و دو نفر صاحبمنصب سه نفر میرزا حیدر علیخان سرتیپ نفر محمد جعفر میرزا نفر تلگرافچی نفر فراش چهار نفر غلام هشت نفر تفنگچی هفت نفر

شوشتر

پنج نفر میرزا علی محمد یاور و رئیس نفر تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

مامورین خط یزد و کرمان

سه نفر مسیو شنیدلر صاحب منصب سرتیپ نفر علی اصغر خان سرهنگ نفر محمد تقی خان قاجار نفر

جارچیان

محمد هاشمخان جارچی باشی حسنخان نایب یحیی خان ایضا ابراهیمخان ایضا غلام محسن خان ایضا

شاطران

بریاست فضل الله خان شاطرباشی

کالسکه خانه مبارکه

بریاست معیر الممالک

حاجی میرزا اسمعیل بیک کالسکه چی باشی نایبان جزو هشت نفر

میرزا یعقوب مشرف کالسکه چیان یکصد و سی و نه نفر

اصطبل خاصه مبارکه

امیراخور مهدیقلیخان پیشخدمت مخصوص حضور همایون

اجزاء

میرزا رضاقلی سررشته دار حاجی میرزا رضا ولد

میرزا مهدی مشرف

نایبان

رشیدخان میرزا ابراهیمخان حاجی نایب مرادبیک محمدبیک سایر نایبان هیجده نفر

اداره پستخانه مبارکه ممالک محروسه

بریاست جناب امین الملک

اسامی اجزاء مرکز کل اطاق دار الخلافه طهران

الکسندر موسیو استنال رئیس کل موسیو نیکلا نایب اول پستخانهای ممالک محروسه میرزا محمد علیخان مستشار پستخانهای ممالک محروسه میرزا احسن ناظم پستخانهای ممالک محروسه میرزا زین الدین صدر الکتاب و منشی باشی میرزا هادی سررشته دار میرزا اسدالله تحویلدار میرزا ابراهیم گیرنده نوشتجات رسمی میرزا سرکیس مسیحی گیرنده نوشتجات سفارشی غلام چاپار شانزده نفر فراش اطاق سه نفر

اسامی پستچیهای محلات شهر دار الخلافه و حضرت عبدالعظیم

پستچی محله خیابان سرکیس خان با دو نفر فراش پستچی محله سرچشمه میرزا علی با یکنفر فراش پستچی محله چالمیدان مسیح خان با یکنفر فراش پستچی محله سرتخت میرزا حسین با یکنفر فراش پستچی محله دروازه قزوین مشهدی علی اصغر با یکنفر فراش پستچی محله سنگلج میرزا علی پاشا با یکنفر فراش پستچی حضرت عبد العظیم میرزا صادق با یکنفر فراش

اسامی اجزاء پستخانه تبریز

موسیو نیکلا اشنال رئیس پستخانهای اذربایجان حاجی میرزا ادمی رئیس اطاق تبریز میرزا حاجی آقا میرزای اطاق

میرزا اوانس غلام چاپار یازده نفر فراش سه نفر

جلفای ارس

موسیو ایکاد مسیحی رئیس فراش یکنفر

میانج

میرزا یوسف رئیس فراش یکنفر

اردبیل

حاجی میرزا عبدالکریم رئیس فراش یکنفر غلام دو نفر

دیلمان

میرزا غلام رئیس فراش یکنفر

مراغه

میرزا قاسم رئیس فراش یکنفر مامور بناب یکنفر

خوی

میرزا رضا رئیس فراش و غلام دو نفر

ارومیه

میرزا نیکلا رئیس غلام یکنفر فراش یکنفر

اجزاء پستخانه زنجان

میرزا ابوترابخان رئیس میرزا و فراش دو نفر

قزوین

میرزا محمد علی رئیس میرزا و فراش دو نفر غلام چاپار پنجنفر

رشت

موسیو اندرناس مسیحی رئیس فراش یکنفر

قم

میرزا فضل الله رئیس فراش یکنفر غلام چاپار دو نفر

سلطان اباد

حاجی میرزا ابراهیم رئیس فراش یکنفر

شیراز

نظرعلی بیک رئیس میرزا و فراش دو نفر غلام چاپار دو نفر قاصد راه بوشهر و یزد شش نفر

ابادۀ شیراز پستچی یکنفر

اصفهان

میرزا گرگین مسیحی رئیس فراش یکنفر غلام چهار نفر

کاشان

میرزا هاشم رئیس فراش یکنفر غلام چاپار دو نفر

کرمان

میرزا علیرضا رئیس فراش یکنفر غلام دو نفر

یزد

میرزا محمد علی رئیس فراش یکنفر غلام چاپار چهار نفر

استراباد

میرزا ادویس مسیحی رئیس فراش یکنفر غلام یکنفر

ساری

علی مردان بیک رئیس فراش یکنفر

همدان

میرزا یحیی مسیحی رئیس فراش دو نفر غلام شش نفر

سنندج

میرزا محمد علی رئیس فراش یکنفر غلام دو نفر

کرمانشاهان

میرزا علیخان رئیس فراش یکنفر غلام دو نفر

خانقین

میرزا محمود رئیس فراش یکنفر

خراسان

حاجی ابوالقاسم رئیس فراش یکنفر غلام چاپار دو نفر

سبزوار

میرزا محمد علی رئیس فراش یکنفر

شاهرود

میرزا نصرالله رئیس فراش یکنفر غلام چهار نفر

سمنان

حسنخان رئیس فراش یکنفر

بروجرد

میرزا عبدالغنی رئیس فراش یکنفر غلام یکنفر

دولت آباد ملایر

اسدالله خان رئیس فراش یکنفر

جلفای اصفهان

میرزا یوسف مسیحی رئیس فراش یکنفر

مجلس محترم مهمانیا

جناب امین لشکر میرزا عیسی وزیر حاجی میرزا نصرالله مستوفی

حاجی میرزا شفیع مستوفی امین حضور میرزا طاهر سررشته دار

یاشا یک فراشخلوت میرزا محمد سررشته دار میرزا هاشم سررشته دار مجلس

ولایات و حکام ممالک و ولایات متعلقه بجناب اجل آقا

ولایات اصفهان و یزد و بروجرد و بختیاری و کلپایکان و خوانسار

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان ادام الله

اقباله العالی حکمران و صاحب اختیار کل ولایات مرقومه

یزد ابراهیم خلیل خان نایب الحکومه

بروجرد و بختیاری امیرزاده اسمعیل میرزا نایب الحکومه

کلپایکان از کماشتکان مخصوص نواب اشرف معظم الیه

خوانسار ایضاً از کماشتکان مخصوص نواب اشرف معظم الیه

مملکت فارس

نواب والا معتمد الدوله فرهاد میرزا فرمانفرمای مملکت فارس

ایالتین کرمانشاهان و کردستان

نواب والا حسام السلطنه والی و حکمران ایالتین کرمانشاهان

و کردستان و سرحددار عراقین

امیرزاده ابوالفتح میرزا نایب الایاله کردستان

ایالتین عربستان و لرستان

نواب والا حشمة الدوله والی و حکمران ایالتین عربستان

و لرستان امیرزاده عبدالله میرزا نایب الایاله لرستان

همدان

جناب جلالتمآب الله قلیخان حکمران ولایت همدان

جوشقان بحکومت کماشتکان نواب والا معز الدوله

استراباد

بحکومت خان باباخان سرتیپ پسر سلیمانخان صاحب اختیار

عراق بحکومت حکیم الممالک حکمران عراق و کمره

نطنز بحکومت نواب والا حسام السلطنه

محلات

بحکومت کسان جناب معتمد الملک وزیر مخصوص

کنکاور

بحکومت رحمة الله خان ساری اصلان

وزارت و ادارات جلیله متعلقه بجناب اشرف امجد مشیر الدوله سپهسالار اعظم

وزیر امور خارجه

وزارت جلیله جنگ

جناب اشرف مشیر الدوله سپهسالار اعظم رئیس کل قشون از توپخانه و قورخانه و زنبورکخانه و افواج قاهره و سواره

و پیاده نظام و خارج نظام

جناب وزیر لشکر میرزا موسی

مجالس نظامی

خزانه نظام

امیرزاده وجیه الله میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه دار نظام

حاجی میرزا علینقی مشیر لشکر میرزا احمد مستوفی نظام نصرالله خان

سرتیپ زنبورکخانه و ناظم صندوق نظام حسینقلیخان نایب اجودان

باشی میرزا سید محمد علی سررشته دار

محاکمات عسکریه

مستشار الدوله رئیس مجلس محاکمات عسکریه میرزا یوسف

لشکر نویس میرزا عبدالرحیمخان منشی میرزا مسعود خان نایب

اجودان باشی

ارباب قلم دفتر لشکر

ملتزمین رکاب مبارک

لشکر نویسان

جناب میرزا قهرمان امین لشکر میرزا مصطفی وکیل لشکر میرزا

شفیع میرزا یوسف میرزا اسمعیل میرزا محمد تقی میرزا علی ولد

مرحوم حکیمباشی میرزا زینل میرزا محمد علی توپخانه میرزا زین

العابدین میرزا علی میرزا رفیعخان میرزا اشرف میرزا عبدالمجید

میرزا حبیب الله میرزا ابوالقاسم میرزا محمد تقی میرزا عبدالله خان

میرزا حبیب الله خان میرزا حسینعلی میرزا محمد قلی میرزا علی اصغر

میرزا عبدالحسین میرزا مهدی نوری حاجی میرزا اشرف میرزا

ابوالقاسم میرزا اسدالله میرزا مهدی کجوری میرزا سید علی

میرزا محمد علی میرزا زمان

سررشته داران دفتر لشکر و غیره

دفتر لشکر از بابت سررشته داران و محررین

میرزا ابوالقاسم میرزا محسن میرزا نبی میرزا حسین میرزا سید

محمد علی میرزا محمد علی آشتیانی میرزا امامقلی میرزا آقا میرزا احمد

میرزا هادی میرزا اسمعیل میرزا محمد علی نوری میرزا محمد علی

گرکانی میرزا ابوتراب میرزا زکی میرزا عبدالکریم میرزا علینقی

میرزا بزرگ میرزا عنایت میرزا طاهر میرزا باقر میرزا حسنخان

میرزا اسحق میرزا صادق

سررشته داران توپخانه و قورخانه

توپخانه و اصطبل

میرزا محمد علی اصفهانی میرزا علی اکبر سررشته دار اصطبل

میرزا نصرالله میرزا اسمعیل

قورخانه

میرزا ولیقلی میرزا رضاقلی میرزا اسدالله میرزا فضل الله

میرزا سید تقی میرزا آقا میرزا حسن میرزا اشرف

زنبورکخانه

ازبابت میرزا هادی سررشته دار

مهاجر

ازبابت میرزا لطفعلی سررشته دار

مخزن

ازبابت میرزا سید حسین سررشته دار

منشیان

میرزا محمدخان منشی باشی مخصوص میرزا محمودخان منشی میرزا کلبعلی میرزا مهدی میرزا ابوالحسن حاجی میرزا عبدالکریم میرزا محمدخان میرزا سید رضا میرزا عبدالرحیمخان میرزا داود میرزا شفیع میرزا اسمعیل روزنامه نویس میرزا هدایت کتابچه نویس میرزا سید حسنخان

عزب باشی و عزبان دفتر لشکر

میرزا محمدعلی عزب باشی میرزا علی اکبر میرزا اسمعیل میرزا اسمعیل ایضا میرزا جعفر میرزا حسن میرزا علی اصغر

مامورین ولایات

اذربایجان

لشکرنویسان

میرزا احمدخان مؤید الملک لشکرنویس باشی میرزا غلامعلی ناظم لشکر میرزا محمودخان مستوفی نظام میرزا سید نصر میرزا علیرضا حاجی میرزا یوسف میرزا علی اشرف میرزا حبیب الله میرزا علی حاجی میرزا محسن میرزا احمد میرزا محمد میرزا احمد

سررشته داران

میرزا عبدالعلی میرزا علی میرزا قربانعلی میرزا محمد

خراسان

میرزا سید محمد لشکرنویس باشی خراسان

سررشته داران

میرزا یوسف سررشته دار میرزا رضا ایضا

فارس

میرزا لطفعلیخان لشکرنویس باشی فارس میرزا مصطفی لشکرنویس

اصفهان

میرزا محمدحسین لشکرنویس میرزا محمد سررشته دار

عربستان

میرزا رضا لشکرنویس

عراق

ازبابت میرزا تقی لشکرنویس

مازندران

ازبابت میرزا غلامحسین لشکرنویس

استراباد

ازبابت میرزا مقیم لشکرنویس

کرمان

میرزا حسین لشکرنویس میرزا عبدالله سررشته دار

کرمانشاهان

ازبابت میرزا حسینعلی لشکرنویس

همدان

ازبابت

ازبابت میرزا محمد لشکرنویس

بسطام

ازبابت میرزا احمد سررشته دار

اطباء و جراحان نظام

عالیجناب میرزا سید رضی حکیمباشی عالیجناب میرزا سید محمد حکیمباشی توپخانه عالیجناب میرزا سید علی نایب حکیمباشی عالیجناب میرزا محمد تنکابنی ایضا عالیجناب میرزا رضاقلی جراح باشی

اطباء و جراح حاضر رکاب و مامور ولایات شصت و پنج نفر

صاحب منصبان

امراء تومان

نواب جهانسوز میرزا جناب ناصرالملک جناب وزیر فواید امیرالامراء العظام مصطفی خان امیرالامراء العظام سلیمانخان صاحب اختیار عمدة الامراء العظام میرعلیخان حشمة الملک

سرتیپان اول

احتشام الدوله ناصرالدوله انوشیروان میرزا وجیه الله میرزا حاجی بهاء الدوله حشمة السلطنه عبدالله میرزا شهاب الدوله اعتضاد الملک حسام الدوله سهام الدوله نصرالملک صارم الدوله ساری اصلان وکیل الملک مظفرالدوله اللهیارخان اجودانباشی اعتماد السلطنه اقبال الدوله محمدخان والی حاجی جابرخان نصرة الملک ساعدالدوله شجاع السلطنه مصطفیقلیخان جهانبیگلو علیخان مشیرالوزاره حاجی میرزا صادقخان سیف السلطنه صمصام الملک شجاع الملک میرزا یوسفخان مستشار

حسینعلیخان افشار برادر ساری اصلان حسینقلیخان قورت بیگلو عبدالحسین خان ولد مرحوم علینقیخان اجودانباشی محمد آقا سرتیپ فوج مرند

سرتیپان دویم

سوای آنها یکه جزو افواج و سواره نوشته شده

عالیشاه میرزا عبدالحسین خان ولد مرحوم میرزا آقا امین نظام حاجی غلامحسین خان ولد مرحوم نظام الدوله اکبرخان توپخانه

جمشیدخان حاجی نریمانخان

سرتیپان سیم

سوای آنها یکه جزو افواج و سواره نوشته شده

عبدالعلی میرزا نایب الایاله سلطان محمد میرزا داراب میرزا سلیمان میرزا کامران میرزا حاجی یوسفخان حیدرقلیخان ولد مرحوم آصف الدوله بهاء الملک حسینعلیخان قلعه سرتیپ سابق سواره خواجوند مهدیقلیخان دنبلی حاجی هادیخان محمدعلیخان نظمیه امامقلیخان ابوطالبخان عطاء الله خان میرزا اکبرخان میرزا علیخان افشار علیخان اکرم حیدرقلیخان هراتی عباسخان ایضا عباسقلیخان پشت کوهی حسینقلیخان ایضا رضاقلیخان میرزا رضاخان احمدخان مهدیخان قاجار حاجی اسمعیل پاشاخان ماکوئی آقاخان افشار سیف الله خان لاریجانی میرزا نصرالله خان بهمن غلامحسین خان لاریجانی

سرهنگان خارج از فوج

حاجی محمد میرزا رحمة الله خان شقاقی محمودخان کرکری علینقی خان جوانشیر جعفرخان قراجه داغی خسروخان افشار

عبدی آقا آقاخان ماکوئی عبدالله خان شیروانی کاظمخان
شقاقی هدایت‌الله خان علیقلیخان سرهنگ سابق فوج
سمنان احمدخان منسوب مرحوم سردار کل زین‌العابدین
خان برادر مرحوم اجودانباشی عسکرخان شقاقی
اسدالله خان ماکوئی آقاخان ولد مرحوم سلیمانخان امیرتومان
کیلانی آقا سید میرزای کاشانی مرتضی قلیخان سمنانی
حاجی اسدالله خان افشار بکشلو حاجی محمد حسنخان زند
حاجی محمد علیخان زند علیرضاخان ولد مرحوم صمصام‌الدوله
محمدتقی خان همشیره زاده مرحوم سپهسالار میرزا نصرالله خان
محمد علیخان ولد مرحوم حاجی سعدالدوله علی‌اکبرخان کرمانی
میرزا سید علی اصغر اسدالله خان ولد مرحوم حاجی سعد
الدوله فتح‌الله خان قراکوزلو مرتضی قلی میرزا خانلرخان افشار
علینقی خان کروسی غلامرضاخان مافی فتحعلیخان درجزینی
علی‌اکبرخان همدانی میرزا آقای کاشی ذوالفقارخان
کلب رضاخان ولد مرحوم امین نظام عبدالعلیخان ولد ایضاً
محسن خان ولد مرحوم شیخعلیخان اللهیارخان ولد مرحوم سیفخان
علینقی خان قراباغی ابوالحسن خان افشار محمد حسنخان
ولد مرحوم امیرتومان حسینعلیخان هراتی حسینخان
ولد مرحوم فضلعلیخان محمودخان قومی رضاخان ولد
مرحوم کریمخان کوردی پاشاخان ولد مرحوم مظفرالدوله
حاجی علی محمدخان دماوندی حسینقلیخان نواده مرحوم
فضلعلیخان سرتیپ نجفخان قزوینی علی قلیخان لکوه محمد حسنخان
نواده مرحوم سردار موسی خان نواده مستشار باباخان
کرجی علیخان ولد حاجی هادیخان جهانبیکلو عبدالعلیخان

نایبان اجودانباشی و غیره

حسن‌خان نایب اول اجودان باشی یوسفخان یزدانبخش میرزا
جلال‌الدین میرزا غلام حسینخان میرزا عبدالله خان
احمد میرزا ولد کیقباد میرزا کیناز میرزا یوسفخان حسنخان
افشار حیدرخان ولد مرحوم حاجی سعدالدوله احمد
میرزا ولد امیرتیمور میرزا میرزا بزرگخان هادیخان زند زندی
محمد علیخان ولد مرحوم امیرالامراء عباسقلیخان ولد مرحوم
علی‌اکبرخان میرزا مسعودخان ولد مرحوم سیف‌الملک
رحمت‌الله خان ایضاً قهرمان خان پشتوت خان حسینخان
ولد مرحوم حاجی باشی حسنعلیخان برادر اللهیارخان
اجودانباشی محمد آقا مصطفی قلیخان همدانی اسدالله خان
دنبلی جبرئیل‌خان غلامرضاخان رستمخان عزیزالله میرزا
میرزا محمد علی اسدالله خان مصطفی قلیخان ولد مرحوم
صمصام‌الدوله سلطان مجید میرزا محمد حسینخان ولد مرحوم
محمدخان امیرتومان سید حسنخان فیروزکوهی سید
حسین خان ایضاً مصطفی خان ولد حاجی سلیمانخان
میرزا مسعودخان فیروزکوهی سلطان احمد میرزا محمد صادق
خان قراباغی بیوکخان افشار مهدیخان ولد مرحوم کریمخان
هاشمخان قراباغی نجفقلیخان حیدرقلیخان عبدالعلیخان
محمد حسینخان علیخان یارمحمدخان اسکندرخان
رحمت‌الله خان حسنخان میرزا حسین خان علی بیک افشار
مهدی آقای دنبلی محمود آقا اسمعیل خان نقیخان صادقخان
مصطفی قلیخان علیمرادخان رحمت‌الله خان محمد علیخان
محمد مرادخان حیدرقلیخان هاشمخان حاجی حبیب‌الله خان

امان الله

امان الله خان

یاوران خارج از فوج

قهرمان بیک عباسعلی بیک مرتضی قلیخان حسین آقای افشار
اسمعیل خان ولد مرحوم محمدخان امیرتومان عباسعلی بیک
علیخان ولد مرحوم شیخعلیخان احمد بیک حسین بیک
رضا قلیخان حسین بیک قراباغی حسین خان تبریزی
محسن بیک کرکری اسمعیل خان ماکوئی اسمعیل خان یاور
سابق فوج ششم محمدخان یزدی محمد بیک قراجه داغی
عباسقلی آقا ولد مرحوم بهاءالدین آقا عزیز محمدخان ولد
مرحوم عباسخان محمد یوسفخان ولد ایضاً محمدخان نوائی
نصرالله خان رجبخان کوردی حسینقلیخان خمسه
شکرالله خان عبدالغفارخان

معلمین و مهندسین و مترجمین فرنگی

مسیو هلر سرتیپ اندرمن صاحب مسیو لرموئن کاپیتان
باشی مسیو اسشلی مسیو مشن مسیو لسو مسیو انجیل
طبالباشی

ایرانی

معلمین

عبدالحسین میرزا محمد آقای حبیب الاسلام کریمخان
حسن آقا میرزا عبدالوهاب معلم پیاده نظام علیخان
قاجار محمد علیخان مصطفی بیک اسدالله بیک میرزا
شکرالله میرزا محمد علی

مهندسین

ذوالفقارخان احمدخان قاجار محمد حسن میرزا حاجی
محمد میرزا قنفرخان

مترجمین

عباسقلیخان میرزا محمد علی محمدخان

توپخانه مبارکه

جناب معتمدالملک رئیس توپخانه مبارکه

سرتیپان اول و غیره

اللهویردیخان حاجی جعفرخان حاجی شهاب‌الملک
تیمور پاشاخان میرزا علی‌اکبرخان اجودانباشی

نایبان اجودانباشی

میرزا اسمعیل خان احمدخان میرزا ابراهیمخان

افواج

فوج

بهادران جمعی اللهویردیخان سرتیپ اول

فوج

دویم تبریزی جمعی حاجی شکورخان سرتیپ

فوج

چهارم اردونقی جمعی نعمت‌الله خان سرهنگ

فوج

ششم لک جمعی میرزا فرج خان سرهنگ

فوج

هشتم خلخالی جمعی میرزا فتح‌الله خان سرتیپ

فوج

بهادران اول افشار جمعی حاجی رجبعلی خان

فوج
دویم خمسه جمعی لطف الله میرزای سرهنگ

فوج
چهارم افشار بکشلو جمعی باقرخان سرهنگ

فوج
ششم کروسی جمعی علیرضا خان سرهنگ

فوج
هشتم سیلاخوری وغیره جمعی رستمخان سرهنگ

فوج
اول بهارلو جمعی صفرعلیخان سرتیپ

فوج
سیم اردوئی جمعی فرج الله خان سرهنگ

فوج
پنجم خوئی جمعی نقیخان سرتیپ

فوج
هفتم شقاقی جمعی جلیل خان سرتیپ

فوج
مخبران مقدم جمعی محمد صادقخان امین نظام

فوج
اول افشار جمعی محمد رضا خان سرتیپ

فوج
سیم قزوینی و قراکوزلو جمعی میرزا شفیع خان سرهنگ

فوج
پنجم همدانی و نهاوندی جمعی میرزا ابراهیمخان سرهنگ

فوج
هفتم کرمانی و بسطامی و شیرازی جمعی عبد الحسین خان سرتیپ

فوج
مخبران شقاقی جمعی اصلانخان سرتیپ

قورخانه مبارکه

جهانگیرخان سرتیپ اول و رئیس قورخانه مبارکه

سرهنگان

محمد علیخان باقرخان میرزا عبد الله خان عبد الله خان

عبد آقا میرزا محسن

یاوران

حاضر رکاب دوازده نفر

مامور ولایات یازده نفر

زنبورکخانه مبارکه

نصر الله خان سرتیپ عبد الحسین خان سرهنگ

علی محمد بیک یاور اسمعیل خان یاور

موزیکانچیان

ابو الحسن امیرزاده و حبیب الله میرزا سرتیپ اول و خوانند باید

نظام

صاحبمنصبان

شکر الله خان موزیکانچی باشی محمد حسن خان سرهنگ

نواده مرحوم سردار صفرعلیخان یاور غلامحسین بیک یاور

دستجات موزیکانچی

دسته
موزیکانچیان توپخانه مبارکه

دسته
موزیکانچیان زنبورکخانه

دسته
ارنکرورود باری

دسته
لودانی و شهرستانکی

دسته
المخصوص حضرت ولیعهد

دسته
ارامنه،

دسته
اصفهانی

دسته
سیلاخوری

دسته
کرازی

دسته
فوج اقبال

دسته
سمنانی

دسته
فوج خلج ساوه

افواج قاهره
تومان اول

فوج بهادران
شجاع السلطنه سرتیپ اول ابراهیم خان سرهنگ

فوج اول خاصه
حسام الدوله سرتیپ اول حاجی محمد علیخان سرهنگ

فوج دویم خاصه
حاجی میرزا صادقخان سرتیپ اول حسن خان سرهنگ

فوج دویم نصرت
رحیمخان سرتیپ احمد خان سرهنگ

فوج سیم مظفر مراغه
مظفر الدوله فرخ خان سرهنگ

فوج چهارم تبریزی
آقا خان سرتیپ باقرخان سرهنگ

فوج پنجم ایلات قراجداغی
علینقی خان سرتیپ رحیم دلخان سرهنگ

فوج ششم قراکوزلو
حسام الملک سرتیپ فضل الله خان سرهنگ

فوج هفتم افشار
جمعی اقبال الدوله اردشیر خان سرتیپ مهدیخان سرهنگ

فوج هشتم افشار
اقبال الدوله سرتیپ اول لطفعلیخان سرهنگ

فوج مخبران شقاقی
صارم الدوله سرتیپ اول رضا خان سرهنگ

تومان دویم
فوج بهادران دهه خوئی

شجعلیخان سرتیپ ابوالحسن خان سرهنگ

فوج اول ظفر خوئی

محمد جعفر خان سرتیپ علیخان سرهنگ

فوج دویم شش اقبال

ابوالجمعی شجاع السلطنه برهنگی یوسفخان

فوج سیم جدید مراغه

قاسمخان سرتیپ فتح الله خان سرهنگ

فوج چهارم مخبر قاپو

ابوالجمعی حاجی میرزا صادقخان سرتیپ اول برهنگی جعفرخان سرهنگ

فوج پنجم شقاقی

ابوالجمعی صارم الدوله برهنگی خلیلخان

فوج ششم شقاقی

محمد آقای سرتیپ مرتضی قلی آقای سرهنگ

فوج هفتم خلخالی

میرزا علیخان سرتیپ علی خان سرهنگ

فوج مخبر ماکوئی

بهلول پاشا خان سرتیپ محمد پاشا خان سرهنگ

تومان سیم

فوج بهادران قهرمانیه

علی خان سرهنگ

فوج اول کرسی

جناب وزیر وظایف خسرو خان سرهنگ

فوج سیم جدید افشار

جمعی شجاع السلطنه برهنگی یوسفخان

فوج چهارم جدید مراغه

برتیپی فضلعلیخان

فوج پنجم امیریه

محمد آقای سرتیپ احمد آقا سرهنگ

فوج ششم اردبیل و شکن

برتیپی میرزا نادرخان سرتیپ

فوج هفتم شقاقی

عبدالرزاق خان سرتیپ حاجی فضلعلیخان سرهنگ

فوج هشتم منصور قراگوزلو

برتیپی حسام الملک علی اکبر خان سرهنگ

فوج مخبر قراگوزلو

برتیپی احمد خان سرتیپ

تومان چهارم

فوج بهادران کامران

ناصر الدوله سرتیپ اول محمد طاهر خان سرهنگ

فوج اول جدید طهران

برتیپی وجیه الله میرزا سرتیپ اول

فوج دویم خلج قاهر

سیف السلطنه سرتیپ اول دوستمحمد خان سرهنگ

فوج سیم برچلو

جمعی محمد خان سرتیپ

فوج پنجم بسطام خوری

جمعی ناصر الدوله برهنگی محمد حسن میرزا

فوج ششم سربندی

برهنگی

برهنگی مصطفی خان

فوج هفتم سوادکوهی

جمعی امین السلطان حاجب

فوج مخبران کزازی

صمصام الملک سرتیپ اول ذوالفقار خان سرهنگ

تومان پنجم

فوج بهادران حشم سمنانی

جمعی وجیه الله میرزا سرتیپ اول برهنگی محمود خان

فوج دویم ملایری

برتیپی عسکر خان

فوج سیم لاریجانی

برهنگی خان بابا خان

فوج چهارم کمره

عبدالله میرزا سرتیپ اول یحیی خان سرهنگ

فوج پنجم گلپایگانی

برتیپی کاظمخان

فوج ششم قدیم خمسه

جمعی نصر الملک برتیپی مظفر الملک

فوج هفتم جدید خمسه

جمعی نصر الملک برتیپی علینقی خان

فوج مخبران بهادر جنگ بیات زرند

ابوالجمعی وجیه الله میرزا برهنگی محمد حسن خان

تومان ششم

فوج بهادران اخلاص افشار

جمعی صاحب اختیار خان باباخان سرتیپ علی خان سرهنگ

فوج اول قدیم قزوین

جمعی نصر الملک سرتیپ اول

فوج دویم جدید قزوین

جمعی ایضا برهنگی مصطفی خان

فوج سیم افشار بکشلو

اللهیار خان اجودانباشی آقا جان خان سرهنگ

فوج چهارم فریدنی

برهنگی مصطفی قلیخان سرهنگ

فوج ششم چهار محالی

برهنگی ابوالقاسم خان

فوج هفتم عرب و عجم

جان محمد خان سرتیپ عباسقلی خان سرهنگ

فوج مخبر فیروزکوهی

جمعی اسمعیل خان سرتیپ

تومان هفتم

فوج بهادران دماوندی

علینقی خان سرتیپ محمد حسین خان سرهنگ

فوج اول خلج قم

جمعی وجیه الله میرزا برتیپی حاجی اسحق خان

فوج دویم نهاوندی

برهنگی علی اکبر خان

فوج سیم بندپی

برتیپی عبدالحسین خان

فوج ششم خرقانی

جمعی الهیارخان اجودانباشی سرهنگی علی محمد خان

فوج هفتم قدیم کرمانی

جمعی وکیل الملک سرتیپ اول نقی خان سرهنگ

فوج سیم شوکت کرمان

جمعی وکیل الملک سرهنگی سلیمانخان

فوج نهم جدید کرمانی

جمعی ایضا سرتیپی ابراهیم خان

فوج مخبران در جزینی

جمعی سیف السلطنه سرهنگی خسرو خان

تومان هشتم

فوج بهادران

کوران قلعه زنجیری سرهنگی حسین خان

فوج اول گرندی

سرهنگی نصر الله خان

فوج سیم کلهر

سرتیپی محمد حسن خان

فوج چهارم زنگنه

جمعی ظهیر الملک

فوج مخبران کردستانی

سرهنگی محمد علیخان سرهنگ

تومان نهم

فوج بهادران قراگوزلو

اعتماد السلطنه سرتیپ اول عبدالله خان سرهنگ

فوج اول امرائی لرستان

سرتیپی برخوردارخان سرتیپ

فوج چهارم بیرانوند

سرهنگی اسدالله خان

فوج ششم سره دهی

میرزا عبدالوهابخان سرتیپ نواب جلال الدوله سرهنگ

فوج مخبران ترشیزی

مصطفی قلیخان سرتیپ اول مهدیخان سرهنگ

تومان دهم

فوج بهادران قرائی

جمعی مصطفی قلیخان سرتیپ اول

فوج اول قائینی

جمعی حشمت الملک میرزا اسمعیل خان سرتیپ حاجی پرویزخان سرهنگ

فوج دویم قائینی

جمعی ایضا

فوج سیم شکاینی

جمعی ساعدالدوله سرتیپی ولیخان سرتیپ

فوج مخصوص حضرت نایب السلطنه

حاجی بهاءالدوله سرتیپ محمدخان سرهنگ

فوج مهندس طالاری

جمعی ذوالفقارخان سرهنگ

سواره

آذربایجانی

غلام نصرت جمعی ساری اصلان

دسته

میر هدایت الله خان سرکرده

دسته

میر زین العابدین خان ایضا

دسته

علیقلی خان سرکرده

دسته

حسین خان سرکرده

دسته

ابراهیم آقا سرکرده

دسته

اسکندرخان سرکرده

دسته

سلیمانخان سرکرده

سواره مهاجر ابواجمعی عبدالقادرخان شجاع الملک

عبدالقادرخان شجاع الملک حسینعلی خان سرتیپ جوانشیر

حسن خان سرتیپ قبتر اسمعیل خان سرتیپ محمد علی خان

اسکندرخان سرهنگ علی محمد خان سرهنگ حسینخان سرهنگ

سواره ایضا

دسته

افشار ارومیه جمعی باقرخان سرهنگ

دسته

افشار صاین قلعه جمعی عباسقلیخان سرکرده

دسته

چاردولی جمعی نوروزخان سرتیپ

دسته

چلبیانلو جمعی محمود خان سرکرده

دسته

قراسوران خلج جمعی اسدالله خان سرکرده

دسته

خوئی جمعی امین بیک سرکرده

دسته

شاه سون اردبیل و مشکین جمعی باقرخان سرکرده

دسته

شقاقی جمعی علیخان سرکرده

دسته

کلبری جمعی باقرخان سرکرده

دسته

ماکوئی جمعی نصرالله خان سرکرده

دسته

مکری جمعی حاجی آقا بیک سرکرده

دسته

مقدم جمعی محمد صادقخان سرکرده

دسته

قراپاپاق جمعی نجفقلیخان سرتیپ

دسته

حاجی علیلو جمعی رستمخان

دسته

دستمص

قراجه داغی ابواجمعی عباسقلیخان امین الوزاره

خراسانی

ارض اقدس

جماعت دره جزینی

اللهیارخان سرکرده   خانزادخان سرکرده

جماعت بجنوردی

جمعی یار محمدخان ایلخانی

جماعت خوافی

جمعی لطفعلیخان سرکرده

جماعت باخرزی

جمعی عبدالباقیخان سرکرده

جماعت بزکی

جمعی فتح الله خان سرکرده

جماعت میامی

جمعی حاجی آزادخان سرکرده

جماعت پشتکوهی

جمعی سعادتقلیخان سرکرده

جماعت حاجی لر

جمعی نصرالله خان سرکرده

جماعت خورده ایماق

دستهٔ یار محمدخان   دستهٔ حیدرخان

جماعت اردلان

جمعی محمدخان سرکرده

جماعت تیموری

علیمرادخان   میرعطاء الله خان   میرشکرالله خان سرکرده

جماعت قوچانی

جمعی امیرحسینخان شجاع الدوله

جماعت مرد وورانی

جمعی محمدجعفرخان

جماعت دزدابی

جمعی ملاعلی عرب سرکرده

جماعت سرجامی

جمعی حسینخان و حسنخان

جماعت چولابی و مارشک

جمعی سلیمان آقای سرکرده

جماعت عنایت آبادی

جمعی صید محمدخان سرکرده

جماعت قرائی

جمعی محمدخان سرکرده

جماعت افشار

جمعی مرتضی قلیخان سرکرده

جماعت سبزواری

حاجی فرامرزخان سرکرده   سعادتقلیخان سرکرده   عباسعلی آقا سرکرده

امان الله خان سرکرده   حاجی میرزا فضل الله سرکرده

جماعت خورده ایماق

سبزواری جمعی حیدرخان سرکرده

جماعت عرب

جمعی باباخان سرکرده

جماعت مروی

علیمرادخان سرکرده   محمدشریفخان سرکرده   محمد حسنخان سرکرده   صید محمد بیک سرکرده

جماعت لرستانی

جمعی آزادخان سرکرده

جماعت سیستانی

جمعی کلب محمدخان سرکرده

جماعت ترشیزی

جمعی محمدحسینخان سرکرده

جماعت نیشابوری

باقرخان سرکرده   حاجی خان لر خان سرکرده

جماعت جامی

جمعی علیرضا بیک قراولباشی

جماعت قائنی

جمعی علی اکبرخان سرکرده

جماعت تیموری

جمعی زین العابدین خان

جماعت جمشیدی

جمعی اللهیارخان و محمد امینخان سرکرده

جماعت هزاره

یوسفخان سرتیپ   اسمعیل خان سرهنگ   سرکرده یکنفر

جماعت هرائی

میرزا مسعودخان سرکرده   محمد حسنخان سرکرده

استرآبادی و غیره

جماعت استرآبادی

جمعی علیخان آقا یوزباشی

جماعت زردینی

جمعی افراسیابخان سرکرده

جماعت بسطامی

جمعی علی اکبرخان سرهنگ

مازندرانی و غیره

جماعت کرد و ترک

جمعی میرزا علیخان رئیس

خدامرادخان سرکرده   فتح الله خان سرکرده   موسی خان

سرکرده   عباسخان ایضا   ابراهیم خان ایضا

ذوالفقارخان ایضا   هاشم خان ایضا

حسن خان ایضا   محمدحسین خان ایضا

جماعت خواجوند

وعبدالملک جمعی جناب امین السلطان

علی اکبرخان سرهنگ   قلیخان ایضا   حسن خان ایضا

عبدالعلیخان سرکرده   جعفرقلیخان سرکرده

جماعت شیخ کشی

جمعی علی اکبرخان سرکرده

عراق

جماعت قزلکر

جمعی ساری اصلان یوزباشی کری علیقلیخان

جماعت شاهسون ایناو

جمعی یوسفخان سرتیپ

جماعت بختیاری
جمعی اسفندیار خان سرتیپ
جماعت عرب اردستان
جمعی مصطفی قلیخان سرتیپ
جماعت افشار استراباد
جمعی محمد کریمخان سرکرده
جماعت شاهسون
جمعی یوسفخان سرکرده
جماعت خمسه
جمعی ذوالفقار خان سرتیپ
جماعت شاهسون اینانلو
جمعی عزیز الله خان سرتیپ بسرتیپی حاجی لطف الله خان
جماعت شاهسون بغدادی
جمعی فتحعلی خان سرتیپ
جماعت شاهسون دویرن
جمعی وجیه الله میرزا
محمد حسینخان سرهنگ غلامعلی خان ایضا غلام رضا
خان سرکرده ولیمحمد خان سرکرده یوسفخان یاور
جماعت شاهسون
قورت بیگلو جمعی حنیفقلیخان سرتیپ اول
جماعت خرقانی
ابواب جمعی اللهیار خان اجودانباشی
جماعت بیرانوند
جمعی حسنخان سرکرده

جماعت اصانلو
جمعی سیف الله خان سرکرده
جماعت قراچورلوی خوار
جمعی عزیز محمد خان سرکرده
جماعت افشار ساوجبلاغ
جمعی حسن خان سرهنگ
جماعت کردبچه
جمعی نصر الله خان سرتیپ بنورکخانه بسرکردگی محمد طاهر خان
جماعت هداوند
جمعی رحیمخان
جماعت شاهسواری
جمعی نصر الله خان سرتیپ بنورکخانه
جماعت اپلات
جمعی نصر الملک بسرتیپی محمد نظر خان
جماعت افشار بکشلو
جمعی اجودان باشی بسرتیپی محمد کاظمخان
جماعت چگینی
جمعی نصر الملک بسرهنگی محمد صادقخان
جماعت احمدوند
وبهتوئی بسرکردگی حسینعلی خان
جماعت نانکلی
کرمانشاهان جمعی خدامراد خان سرکرده
جماعت نانکلی
شهریاری جمعی حسینقلیخان سرکرده

جماعت کرزه بر
جمعی علیخان سرکرده
جماعت عرب
وناصری جمعی محمد حسنخان سرهنگ
جماعت بختیاری
جمعی اصلانخان سرکرده
پیاده
خراسانی و کرهانی
دسته خراسانی
از بابت شمخالچیان جمعی حسینعلی خان سرهنگ
دسته کرهانی
جمعی محمد رحیمخان سرکرده
دستجات استراباد
دسته فندرسکی
جمعی میرزا علینقی خان سرتیپ
دسته کتول
جمعی علی محمد خان سرکرده
دسته مقصودلو
جمعی عبد الصمد خان سرکرده
دسته استراباد رستاقی
جمعی فتحعلی خان
دسته بالا شاهکوهی
جمعی آقا عبد الرحمن سرکرده
دسته پائین شاهکوهی

جمعی محمد قلیخان سرکرده
دسته سلطن رستاقی
جمعی محمد قلیخان سرکرده
دسته انزانی
جمعی محمد علیخان
دسته هسکین
جمعی محمد قاسمخان سرکرده
دسته ساوری
جمعی جعفر قلیخان وآقا رضای سرکرده
دسته لوائی
وسپلسر جمعی اسد الله خان سرکرده
دسته بلوچ
جمعی میرزا بابا بیک و علی اکبر بیک سرکرده
دستجات گیلانی
دسته اسالمی
جمعی نصر الله خان بسرکردگی اللهیار خان
دسته طالش
وطولابی جمعی جعفر قلیخان
دسته باسانی
جمعی جواد خان سرکرده
دسته شاندرمینی
جمعی امان الله خان سرکرده
دسته سالیانی
جمعی میرزا یوسفخان سرکرده

دسته شقفی

جمعی نعمت الله خان سرکرده

دسته انزانی

جمعی جبار قلیخان سرکرده

مازندرانی وغیره

دودانکه

ابراهیم خان سرتیپ دودانکه لطفعلی خان سرهنگ

نجفقلی خان سرهنگ حبیب الله خان سرکرده

اشرف توابعی

میرزا محمد خان سرهنگ عباسقلی خان

علی اکبر خان سرکرده مهدیخان سرکرده

عربستانی

جمعی شیخ عیسی خان سرهنگ

ولد نصرت

الملک

قشون حاضر رکاب

از پیاده نظام و سواره نظام و توپخانه وغیره یکصد

و پنجاه هزار نفر

ذخیره

پنجاه هزار

نفر

وزارت جلیله امور خارجه

جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه

اجزاء وزارت خارجه و سفراء ملتزم رکاب

دفتر مخصوص جناب اشرف

محمد حسنخان صنیع الدوله مقدم السفراء محمد ابراهیمخان بدایع نگار میرزا نصرالله خان نایب اول وزارت خارجه میرزا حسنخان سرتیپ کاتب اسرار و منشی مخصوص میرزا محمود خان منشی مخصوص میرزا رضای منشی مخصوص میرزا محمود خان منشی مورخ میرزا سید امین منشی میرزا محمد رضا منشی

اداره صدیق الملک میرزا محمد رئیس کل دفاتر وزارت خارجه که واسطه ما بین اداره ها و جناب اشرف است

صدیق الملک میرزا محمد رئیس کل دفتر وزارت خارجه که واسطه رجوع کل اجزاء و جناب اشرف است محمد طاهر میرزا نایب

وزارت خارجه میرزا سلیمانخان نایب وزارت خارجه نجفقلی خان پسر مرحوم حاجی محمد باقر خان بیگلربیگی حاجی رشید خان مستوفی که مامور دیوانخانه خراسان است میرزا عبد الوهابخان نایب اول وزارت خارجه حاجی میرزا علی اکبر خان نایب وزارت خارجه میرزا شکرالله نامه نگار میرزا عبد الحق خوشنویس میرزا محمد علیخان منشی میرزا عباسقلیخان داروغه دفتر میرزا نصرالله منشی نایبی میرزا محمد حسین سررشته دار وزارت خارجه میرزا علی عزب باشی دفتر وزارت خارجه

اداره منشآت و تحریرات راجعه بسفارتخانها

اداره نوشتجات راجعه بسفارت روس در دار الخلافه

میرزا عبدالله خان مدیر میرزا محمد قلیخان معاون منشی و میرزا آقا منشی میرزا صادق سررشته دار میرزا محمد حسین پسر مرحوم نجفقلیخان میرزا علی منشی پسر میرزا جبار

تحریرات راجعه بسفارت عثمانی

حاجی میرزا سید رضی مدیر میرزا مسیح محرر میرزا عبد الوهاب محرر میرزا عبد المطلب

اداره نوشتجات راجعه بسفارت انگلیس

میرزا ابوطالب مدیر میرزا رحیم منشی شیرازی میرزا حسین خان پسر مرحوم میرزا شفیع خان که مامور صندوق عدلیه سمنان است میرزا نجفقلی محرر

نوشتجات راجعه بسفارت اطریش و فرانسه

میرزا حسنخان نایب وزارت خارجه مدیر حاجی میرزا حسینخان نایب وزارت خارجه معاون میرزا حسینخان پسر مرحوم میرزا اسمعیل خان مستوفی میرزا علی پسر مرحوم میرزا اسمعیل خان مستوفی

اداره رجوعات تجارتی و محاکمات

میرزا جواد خان نایب وزارت خارجه متصدی امور تجارتی حاجی میرزا حسن منشی حسینعلی میرزا پسر نواب محمد زمان میرزا

اداره پیغامات جناب اشرف بسفراء دول متحابه مقیمین طهران

میرزا مهدیخان مدیر میرزا ابوطالب منشی پسر کاظم بیک

دفترداران وزارت خارجه

میرزا محمد علیخان ناظم امور سرحدات میرزا رضی خان دفتردار میرزا محمد حسینخان دفتردار میرزا اسدالله کتابچه نویس میرزا محمد پسر میرزا صادق

مترجمین

میرزا رضا خان سرتیپ میرزا علیخان مترجم فرانسه و انگلیسی و عثمانی میرزا هاکلون خان مترجم فرانسه و انگلیس و روس میرزا مهدیخان مترجم فرانسه و معمار میرزا پطروسخان مترجم مامور پسر پرنس بصاری ادوی میرزا محمد علی مترجم میرزا عبد الوهاب مترجم زبان برمه میرزا غلامحسین مترجم و اجودان

اجودانها

حاجی عباسقلیخان نایب اجودان باشی محمد خان اجودان میرزا حسینخان نایب اجودان باشی میرزا مسعود خان اجودان

مهندسین

میرزا عباسخان سرتیپ مهندس و نقشه کش باشی میرزا عبد الرحیمخان

مهندس اسدالله خان مهندس میرزا آقا علیخان سرهنگ و مهندس

میرزا حسین نقاش

اطباء

میرزا ابوالقاسم حکیمباشی میرزا عبدالوهاب طبیب میرزا

عبدالله طبیب مسیو سکز

طبقات صاحبمنصبان

طبقه اول

حاجی میرزا زمان خان اسمعیل خان قاجار نواده آصف الدوله

مرحوم نایب الحکومه کرمان میرزا زکیخان سرتیپ اول مامور مجلس

مذاکرات خالصجات میرزا خانلرخان عبدالحسین خان جنرال اجودان

حاجی نجفقلی آقا میرزا ابوالقاسمخان میرزا غلامحسین عباسقلیخان

کارپرداز سابق شام (طبقه دوم)

میرزا معصوم خان سرتیپ اللهیارخان اجودان علیخان پسر ملک

الشعراء زکیخان احمد علیخان سرهنگ محمد حسنخان غلام پیشخدمت

میرزا ابوالقاسم منشی تبریزی میرزا محمودخان امور بحر العجم میرزا حسینخان پسر

طبقه سوم

میرزا محمودخان انوشیروان محمدخان رئیس سعید فراشان وزارتخانه

ولشکر حاجی شاه محمدخان حاجی محمدخان عموبلدار اسمعیل

خان داراب بیک جواد بیک

سفراء و مامورین خارجه دولت علیه

سفارتخانه اسلامبول و سایر خاک دولت عثمانی

سفارتخانه اسلامبول

جناب حاجی محسن خان معین الملک ایلچی کبیر میرزا جوادخان مترجم اول

آحمد آقا مترجم میرزا آقا منشی حاجی میرزا نجفعلی مترجم ترکی

جورجکی افندی ترجمان تجارت دکتر پاماد و کاحکیم سفارت

حاجی آقا بیک ترجمان ضبطیه یوسف بیک ترجمان پسر مرحوم اسدآقا

بغداد

میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپرداز بغداد میرزا مصطفی

نایب عزیز افندی کاتب ترکی میرزا محسن منشی میرزا احمد منشی

میرزا لطفعلی منشی

اماکن مشرفه

کربلای معلی

حاجی میرزا ابوالقاسم نایب میرزا اسمعیل ترجمان میرزا محمد علی

کاتب ترکی دیوانخانه نایب شریف

نجف اشرف

میرزا بیک نایب

کاظمین

میرزا بابا نایب

سامره

محمد جعفر بیک

مشهدی کاظم امین السفراء وکیل کارپردازخانه بغداد در

بمبئی و بوشهر و اصفهان و کیلان

کارپردازان مصر وغیره

مصر

میرزا احمد خان کارپرداز رعنا افندی نایب یعقوب افندی ترجمان

ارزنة الروم

میرزا علی اکبرخان کارپرداز میرزا محمد حسین نایب و منشی

طرابزان

میرزا محمودخان کارپرداز علی بیک مترجم

شام

حاجی محمد صادقخان کارپرداز

عراق عرب

مسیب احمد بیک عماره ابوطالب بیک حانقین محمد اسمعیل بیک

مندلیج محمد حسن بیک سمواة حسین بیک قزلی باط و شهروان

شیرخان بیک یعقوبیه یوسفخان بصره حاجی ملارضا حله خانجان

عبدالعلی سلیمانیه حسن افندی کرکوک اسکندر بیک قصر شیرین

حسن خان

سایر ولایات دولت عثمانی

ازمیر محمد خان قونسول حلب میرزا شکرالله قونسول جده میرزا

رضی قونسول بیت المقدس میرزا هادی انطاکیه موسی بیک

بیروت اسکندر بیک دیاربکر میرزا حسین صبا حاجی علی افندی

قلیبه حاجی اللهوردی طرابلس شام جرجیس افندی سوئیس

نفاوبرل اسکندرون خواجه حنا بروسا احمد آقا عکه احمد افندی

صور حسین افندی آدنه میرزا عیسی سیواس حسن آقا انکوریه

آقا سید علی صامسون محمد آقا وان حاجی حبیب بیک بالکیه

حاجی علی

دولت انگلیس

سفارتخانه لندن

جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک وزیر مختار میرزا میکائیل خان نایب

میرزا علی نایب و منشی مستر لنچ جنرال قونسول

کارپردازخانه بمبئی

میرزا فضل الله خان کارپرداز اول میرزا سید علی منشی

مترجم انگلیسی

دولت روس

سفارتخانه پطرزبورغ

ساعد الملک وزیر مختار میرزا اسدالله خان شارژدافر میرزا

علینقی منشی حکیم قاده مترجم

سفارتخانه پاریس

نظر آقا وزیر مختار میرزا احمد خان نایب و منشی دکتر بیاد

مسیو اینهام جنرال قونسول مسیو مرهال وکیل کارپردازی

مسیو کالو دالو کارپرداز در بردو مسیو وبل مو شهر پارسیل

مسیو دلامار کارپرداز در شهر هاول

سفارتخانه نمسه

نریمانخان وزیر مختار میرزا حسن قونسول

کارپردازخانه تفلیس

میرزا محمودخان کارپرداز اول میرزا مصطفی نایب میرزا

معصوم مترجم

کارپردازخانه حاجی طرخان

میرزا احمدخان سرتیپ کارپرداز میرزا موسی منشی مترجم نفر

میرزا علی اکبرخان قونسول پطرفسکی

بلجیک

مسیو بوسله جنرال قونسول در بروسل مسیو کلی کرباکینر

کارپرداز در شهر لیژ مسیو مسبتداه کارپرداز در شهر قان

مامورین داخله

تبریز

جناب میرزا عبدالرحیمخان ساعد الملک حاجی میرزا عبدالخان

نایب قلیخان سرتیپ مهماندار سفرا عباسقلیخان امین الوزاره

رئیس امنای تذکره آذربایجان میرزا محمد حسین منشی و نایب

تذکره خانه میرزا حاجی معصوم منشی اول میرزا محسنخان سرهنگ

نایب کارگذاری حاجی میرزا باقر نایب میرزا محمود منشی میرزا
مهدی منشی میرزا سید علی منشی ساطوردخان مترجم میرزا پطرس خان
مترجم و سرپرست نصاری و ارامنه و یهودی اردومی و سلماس مسیو
دومی نایب و مترجم که حالا مامور پستخانه تبریز است

کرمانشاهان

میرزا هادیخان کارگذار میرزا تقی خان نایب

کردستان

میرزا علیخان کارگذار میرزا محمدخان نایب میرزا احمدخان منشی

گیلان

مشیرالوزاره علیخان رئیس کارگذار میرزا حبیب الله امین
تذکره میرزا عبدالرسول نایب

استراباد

میرزا جوادخان کارگذار حاجی میرزا طاهر نایب و منشی میرزا
علینقی وقایع نگار بندرجز

مازندران

میرزا مهدیخان کارگذار میرزا کاظم امین تذکره مشهدسر

فارس

حاجی میرزا صادقخان کارگذار میرزا محمدخان نایب

بندرعباس

حاجی میرزا عبدالله خان کارگذار

بوشهر

میرزا علی اکبر خان کارگذار

اصفهان

محمدجعفرخان کارگذار اسمعیل خان نایب

کاشان

میرزا فرج الله خان

یزد و کرمان

ملاکیخسرو سرپرست زردشتی

سفرای دول متحابه و صاحبمنصبان مقیمین در دربار همایون و سایر

سفارت دولت عثمانی

در طهران

جناب فخری بیک افندی سفیر کبیر سعدالدین بیک نایب اول
فواد بیک آتشه ملتزم میرزا حسنخان منشی اول حلمی بیک
آتشه کمال افندی آتشه مسیو منجر آتشه سفارت کبری
و مامور مخبره

سایر ولایات

تبریز

علی بهجت بیک افندی باش شهبندر میرزا حاجی آقا منشی

کرمانشاهان

احمد عزت افندی شهبندر

بوشهر

خالد افندی شهبندر

شیراز

حاجی سید ابراهیم وکیل شهبندر

خوی

مهری افندی شهبندر

ارومیه

منصور آقا وکیل شهبندر

ساوجبلاغ وغیره

عبدالاحد آقا وکیل شهبندر

همدان

حاجی محمد سعید وکیل شهبندر

کردستان

آقا سید جابر وکیل شهبندر

اصفهان

حاجی محمد صالح وکیل شهبندر

سفارت انگلیس

در طهران

جناب وزیر مختار ولیم طیلر طامسن صاحب دانلد طامسن صاحب
مستشار سفارت شارژ دافر ولیم دکسن صاحب نایب اول
مگرگر صاحب نایب دویم مستر بیزبرد قنسول یوحوزف
دیکسن حکیم سفارت محمدحسنخان منشی اول میرزا جان منشی
میرزا سید محمد منشی میرزا شفیع منشی

سایر ولایات

تبریز

ابت صاحب جنرال قونسول میرزا علی اکبرخان منشی

رشت

چرچل صاحب قونسول میرزا نصرالله منشی

اصفهان

مستر آقانور وکیل التجار

شیراز

میرزا حسینعلی خان

خراسان

میرزا عباسخان

کرمانشاهان

آقا حسن

همدان

آقا سید حسین

استراباد

محمد آقا

سفارت فرانسه

در طهران

جناب مسیو ملینه وزیر مختار مسیو مارانی شارژ دفر مسیو
برنر مترجم اول مسیو لوی دفتردار میرزا یوسف منشی

تبریز

مسیو امرای قنسول مسیو بطران دفتردار میرزا
مهدی منشی

سفارت روس

در طهران

جناب دبیتوبل نه اسطاطسکی ساودنیک مسیو زینویف
ایلچی مخصوص وزیر مختار نادورنی ساودنیک مستشار مسیو تیمانوفسکی
نایب اول کالژسکی اسسر مسیو غریقوریچ مترجم اول
نادورنی ساودنیک مسیو بطروف نایب دویم کالژسکی
سکرتر مسیو ملی‌یوف مترجم دویم مسیو یاخیطونوف نایب
دویم کالژسکی ساودنیک مسیو کوزمنسکی حکیم باشی

میرزا عبدالمجید خان منشی اول میرزا عبدالله منشی میرزا ابوالقاسمخان منشی

سایر ولایات

تبریز

کالرسکی ساودینك مسیو کربل جنرال قنسول نی‌تولارنی‌ساو
مسیو شولترفسکی نایب کالرسکی سکرتر مسیو کانوفسکی مترجم
میرزا عبدالکریم منشی میرزا علی اشرفخان منشی

رشت

مادوعن سوتینك مسیو نورد قنسول کالرسکی سکرتر مسیو
ولاسوف نایب ومترجم میرزا عبدالوهاب منشی

استراباد

مسیو نیاه فی الدین نایب کوپرنسکی سکرتر آشچلکو نوف صاحبمنصب

دفترخانه آستریه و مجارستان در طهران

کنت زالوسکی وزیر مختار و ایلچی مخصوص بارون فودل نایب
سفارت میرزا محمد حسین منشی سفارت

صاحبمنصبان

کولونل شونوسکی رئیس صاحبمنصبان کاسنگرخان سرتیپ اول و معاون
ومترجم ماژور بارون اشتاد واخ کاپیتن در دمن پیاده نظام کاپیتن
اشتاندیکی پیاده نظام داکرز کاپیتن توپخانه رهول کاپیتن توپخانه
لوتنان بارون لینتز مهندس لوتنان سلك پیاده نظام
لوتنان پکوسکی پیاده نظام لوتنان خانك مجران
لوتنان شمو پیاده واجودان کولونل لوتنان کیاود
موزیکانچی لوتنان ذاخا مامور
قورخانه

ممالك و ولایات محروسه وغیره که اداره و ایالت آنها علاوه بر وزارت جلیله جنگ و خارجه راجع بجناب اشرف امجد سپهسالار اعظم است

مملکت آذربایجان مملکت خراسان وسیستان استراباد وگرکان وترکان قزوین خمسه سمنان ودامغان شاهرود وبسطام
گروس خرقانین اموسرحدیه وتذکره جهود ومسیحی وگبر

فرمانفرمایان وحکمرانان ممالك و ولایات مزبوره

وپیشکاران بزرگ

آذربایجان

حکمران وصاحب اختیار نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم افخم ولیعهد کردون مهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی
نواب شجاع الدوله لطف الله میرزا نایب الحکومه
وزیر و پیشکار

حکمران خوی و سلماس امیرزاده عمید الدوله کیومرث میرزا

خراسان وسیستان

نواب والا رکن الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان وسیستان
جناب مؤتمن الملك میرزا سعیدخان متولیباشی روضه مطهره
حضرت رضوی علیه السلام حاجی مستشار الملك مستوفی و پیشکار
مملکت خراسان

استراباد وگرکان وترکمان

نواب جهانسوز میرزا امیرتومان حکمران وصاحب اختیار استراباد
وگرکان وغیره **قزوین** نواب والا عضد الدوله حکمران دار
السلطنه قزوین **گروس** بحکومت جناب حسنعلیخان وزیر فواید
محمدخان حکمران **خرقانین** بحکومت اللهیارخان اجودان باشی

وزارت علوم و معادن وغیره

نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن وغیره

اجزاء وزارت علوم

جعفرقلیخان سرتیپ اول و رئیس مدرسه مبارکه دار الفنون
نایب وزارت علوم میرزا اسدالله خان نایب وزارت علوم
میرزا محمد علیخان منشی باشی وزارت علوم میرزا محمد حسین
رئیس الکتاب میرزا سید باقر محاسب میرزا مسیح منشی

اجزاء مدرسه مبارکه دار الفنون

رؤسا

محمد حسینخان سرتیپ و ناظم مدرسه محمد تقی میرزا سرهنگ و
اجودان مدرسه محمد ابراهیم خان سرهنگ و تحویلدار مدرسه
میرزا اسحق سررشته دار میرزا جعفرخان ناظم مدرسه
اسدالله خان کتابدار میرزا علی نویسنده کارخانه میرزا
تقی روزنامه نویس

معلمین وغیره

ایرانی

میرزا ابوالقاسم حکیمباشی معلم طب ایرانی میرزا علی دکتر معلم طب فرنگی
میرزا ابوالحسن معلم طب فرنگی میرزا عبدالغفار نجم الملك
معلم علوم ریاضی میرزا علیخان همشیره زاده جناب مخبرالدوله
معلم علم ریاضی ایضاً میرزا کاظم معلم علوم فیزیك وشیمی
میرزا علی اکبرخان نقاشباشی معلم نقاشی ملا اسدالله معلم
فارسی وعربی استاد حیدر علی نجارباشی میرزا رضا مؤذن

فرنگی

میرزا رضاخان معروف بمسیو ریشار سرتیپ معلم زبان فرانسه
مسیو پروسکی سرتیپ و معلم شاگردهای خارج و داخل مدرسه
مسیو طلر معلم زبان انگلیسی مادروس خان معلم زبان
روسی مسیو دوبلر معلم علم معدن مسیو لمر معلم علم و عمل موزیك

خلفاء

یازده نفر
میرزا جعفرخان خلیفه نقاشی میرزا حسین خلیفه ایضاً
سایر خلفا نه نفر

شاگردان

دویست و چهل و پنجنفر شاگردان داخل مدرسه و دویست
و بیست نفر داخل و خارج بیست و پنجنفر

اجزاء مجلس کمیسیون حفظ صحت

اطبای ایرانی

میرزا کاظم ملك الاطباء میرزا سید رضی حکیمباشی نظام
میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتر معلم
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب
حضور همایون میرزا سید علی طبیب حضور همایون میرزا
علی اکبرخان حکیمباشی مریضخانه میرزا مصطفی حکیمباشی خراسان
حاجی میرزا ابوالفضل ساوجی میرزا عبدالکریم میرزا عبدالله
میرزا ابوالحسن

اطبای فرنگی

دکتر طولوزان طبیب مخصوص حضور همایون فیبی صاحب
طبیب سفارت دولت علیه عثمانی حکیم دکسون طبیب سفارت
دولت بهیه انگلیس حکیم کوزمینسکی طبیب سفارت دولت

هیئت دوس حکیم بیکر طبیب سفارت دولت بهیه انگلیس حکیم بکنن

اجزای مریضخانه

میرزا علی اکبرخان حکیمباشی رئیس مریضخانه میرزا علیخان طبیب میرزا مصطفی حسنخان طبیب میرزا ابوالقاسم طبیب میرزا نصیر دواساز میرزا محمد طبیب میرزا علی اکبر طبیب میرزا حسین طبیب مؤذن و پیشنماز یکنفر مباشر دو نفر فراش و عمله جات بیست نفر

اجزاء مدرسه دولتی تبریز

میرزا عباسخان رئیس مدرسه آقاخان ناظم و معلم درس زبان فرانسه محمد جعفرخان معلم علم طب محمد میرزا معلم علم هندسه غفارخان معلم پیاده نظام نجفقلیخان معلم توپخانه میرزا فضلعلیخان سررشته دار میرزا عباسقلی ناظر معلم فارسی یکنفر ده باشی و فراش چهار نفر عمله کارخانه دو نفر متعلمین داخل وخارج چهل نفر

اجزای مجلس تألیف کتاب رجال

امیرزاده طغرل تکین میرزا رئیس مجلس حاجی میرزا ابوالفضل آقا میرزا حسن آقا شیخ مهدی مترجم ملا آقا مترجم میرزا مهدی منشی میرزا طاهر کاتب پیشخدمت و فراش و قهوه چی چهار نفر

اجزای وزارت معادن

حاجی علی اکبر امین معادن میرزا عبدالکریم سررشته دار و منشی حاجی علی اصغر مباشر حاجی میرزا عبدالکریم مامور خراسان شیخ عباس معدنچی

معمارخانه

بریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم محمد ابراهیمخان معمارباشی میرزا زین العابدین خان مهندس میرزا حسین سررشته دار حاجی ابوالحسن معمار مخصوص

حکومت طارم

خداداد خان سرهنگ حاکم طارم

وزارت دربار اعظم

جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم

میرزا احمد سررشته دار وزارت مخصوص دربار

کشیکخانه مبارکه

عبدالله خان قوللر آقاسی باشی و کیل لشکر مباشر محاسبات کشیکخانه و لشکرنویس میرزا رضا سررشته دار میرزا محمدعلی سررشته دار

یوزباشیان از حاضر رکاب وغیره

محمد حسنخان رستمخان عباسقلیخان عبدالله خان جعفرقلیخان کلبعلیخان محمد حسنخان هاشمخان محمد قلیخان عزت الله خان خانلرخان طهماسبقلیخان مامور آذربایجان

محمد قاسمخان مامور آذربایجان سعدالله خان مامور آذربایجان محمد حسنخان

غلام پیشخدمتان

حسنعلیخان غلام پیشخدمت باشی از مرتبه اول ده نفر از مرتبه دوم بیست و پنج نفر از مرتبه سیم هجده نفر از مرتبه چهارم هفتاد و دو نفر

فراشخانه مبارکه

محمد حسنخان فراشباشی محمد آقا قاپوچی باشی آقا سید حسین

جام باشی میرزا علی اکبر مشرف نایبان چهل و دو نفر

سرایدارخانه مبارکه

محمد ابراهیمخان سرایدارباشی نایبان سرایدارخانه هشت نفر

غلامان مهدیه

بریاست میرزا احمد خان پیشخدمت مخصوص

یوزباشیان وغلامان

آقاجان خان پاشاخان حاجی حسینخان میرزا نبیخان جهانشاه خان

نسقچیخانه مبارکه

محمد حسنخان نسقچی باشی

نایبان

عباسخان قاجار هادیخان قاجار یوسفخان محمد زمان خان قاجار میرزا آقای تبریزی خان باباخان ابوالقاسم خان قاجار میرزا حسین مشرف محمد رضاخان قاجار میرزا محمود علی اصغر بیک

اسامی رؤسای دار النظاره مبارکه و اداره مقدسه مهر مهر آثار مبارک بریاست جناب امین الملک

دار النظاره مبارکه

محمد قلیخان نایب النظاره میرزا علینقی منشی باشی حاجی قاسم شربتدارباشی ناظم البکاء حاجی میرزا محمد رضا وکیل و تحویلدار میرزا جانی مشرف استاد زین العابدین طباخ باشی آقا محمد باقر تحویلدار جنس

اداره مهر مبارک

میرزا زین العابدین حافظ مهر مهر آثار مبارک محمد کریم بیک خادم مهر مبارک

اداره ضرب جیب و عکاسخانه مبارکه که جزو ادارات جناب اجل آقا محسوب است

آقا رضا اجودان مخصوص خازن ضرب جیب و مدیر عکاسخانه مبارکه و سایر عکاسخانهای دولت علیه

میرزا هاشم سررشته دار ضرب جیب میرزا زین العابدین ایضا آقا عبد محسن تحویلدار ضرب جیب

[illegible]

اداره جناب امین السلطان

ریاست خزانه مبارکه

اجزای خزانه عامره

میرزا فضل الله سررشته دار میرزا هاشمخان سررشته دار آقا هدایت تحویلدار کل یوسفخان تحویلدار کل حاجی باباخان محرر صراف آقا قلی وغیره دو نفر

اجزاء ضرابخانه مبارکه جدید دولت علیه ایران

محمد علیخان ناظم میرزا ولی سررشته دار آقا محمد حسن وغیره

مباشر عیار طلا و نقره آقا محمد حسن تحویلدار طلا و نقره حاجی محمد تحویلدار مس و پول سیاه آقا مهدی صراف ضرابخانه میرزا علی اکبر مجزمیرکن آقا زین العابدین تحویلدار نقره که داخل کارخانه میشود میرزا جعفر نایب عملجات که مشغول کار هستند هفتاد نفر باغبان دو نفر سرایدار دو نفر

فرنگی

مسیو مارطل که سرسکه ساز مسیو دنیلر که چرخها را سوار میکند مسیو عرمان دفتردار یوسف ارمنی مباشر نجار

ادارهٔ شترخانه و قاطرخانه باری و کالسکه و تختخانه مبارکه همایونی

آقا علی اصغر صاحبجمع کل کاظمخان قاطرچی باشی میرزا علی محمد مشرف قاطرخانه میرزا علینقی مشرف شترخانه رمضان بیک نایب کل شترخانه کالسکه رستمخان تخت‌چی‌باشی میرزا احمد علی مشرف تختخانه جواد بیک و رضاقلی بیک نایبان کل شترخانه باری

آبدارخانه و سقاخانه مبارکه

آقا محمد علی آبدارباشی آقا یوسف سقاباشی آقا حسینعلی آبدار آقا مهدی آبدار میرزا ابوالقاسم آبدار حاجی حسن آبدار سقا و سایر عمله پنجاه نفر

فوج سوار کوه قراول مخصوص همایون

نصرالله خان یاور اول علی مراد بیک یاور دویم میرزا اسمعیل مشرف

ایلات دارالخلافه از عرب و غیره سپرده

بآقا علی اصغر صاحبجمع

عرب

مبشر مست سمنانی سالاری عامری علی دوستی کلکو پشت مشهدی کرمانی

سایر ایلات

اصانلو هداوند قراچورلو الکائی قشقائی اوریاد نفر کاوباز

حکومت ولایات و بلوکات

زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم

خدام آستانه مبارکه

حاجی سید آقا بزرگ متولی‌باشی میرزا هدایت‌الله نایب التولیه میرزا محمد اسمعیل مهردار میرزا یحیی ناظر آقا حاجی سید علی فراشباشی حاجی میرزا عبدالکریم صدرالحفاظ آقا سید حاجی آقای نایب ناظر آقا میرزا بزرگ خادم ضریح مطهر آقا شیخ احمد واعظ آستانه مبارکه میرزا حبیب‌الله کلیددار سرکشیک شش نفر سایر خدام یکصد و نوزده نفر

حسینقلیخان نایب الحکومه زاویه مقدسه

خوار محمد جعفرخان نایب الحکومه

بحرلبش صفرعلی بیک نایب الحکومه

بلوک لشته نشاء و غیره گیلان سپرده به علی اکبرخان سرهنگ

سوادکوه میرزا محمدخان نایب الحکومه

انبار غله دیوانی

مباشر آقا یوسف سقاباشی میرزا حسن مشرف بابا اکبر تحویلدار غله سایر اجزاء ده نفر

اداره سواره و ایل خواجه‌وند

سرهنگ کل سواره میرزا علی اکبرخان ایلبیگی کل حاجی محمد اسمعیل سرکرده چهار نفر (محمدقلیخان حسنخان نعمت‌الله خان فتح‌الله خان) یاور دو نفر (ولیخان عیسی خان) مشرف دو نفر (میرزا اسدالله میرزا شکرالله) سواره چهارصد نفر / ایل دو هزار خانوار بوده هزار نفس

سواره اوصانلو

سیف‌الله خان سرکرده علی خان یاور میرزا احسن مشرف سواره دویست نفر

سواره قراچورلو

عزیز محمدخان سرکرده فتح‌الله خان یاور میرزا اسمعیل مشرف سواره یکصد نفر

سواره هداوند

رحیمخان سرکرده ولیخان یاور میرزا ابوالقاسم مشرف سواره یکصد و پنجاه نفر

میرشکار و اتباع

حاجی مصطفی قلیخان میرشکار حبیب‌الله خان سایر اتباع معروف نه نفر

ادارهٔ دارالطباعه مبارکه و روزنامجات دولتی و سایر باسمه‌خانه‌های ممالک محروسه

بریاست صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون

ادارهٔ روزنامهٔ ایران

میرزا سید حسن منشی روزنامه و دارالطباعه میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی و مصحح روزنامه ایران میرزا علی محمد ناظم ادارهٔ روزنامه میرزا ابوالقاسم منشی میرزا عبدالرحیم محرر میرزا عباس نقاش و استاد مخصوص مباشر باسمه‌خانه مبارکه و غیره میرزا سید ولی مترجم حروف فرنگی و ایرانی سایر محررین و نویسندگان سه نفر عمله طبع ده نفر فراشان هشت نفر یوزباشی نفر سایر هفت نفر

مترجمین دارالطباعه

میرزا احمد رضا مترجم فرانسه میرزا علیخان مترجم زبان فرانسه و انگلیس میرزا عیسی خان سرهنگ مادروس خان مسیحی مترجم فرانسه و روسی مترجم فرانسه

ادارهٔ روزنامهٔ مریخ و علمی

میرزا سید حسن مستوفی و مباشر روزنامهٔ مریخ و علمی

میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی و مصحح روزنامهٔ علمی و مریخ میرزا علی محمد ناظر اداره روزنامجات میرمحمد علی کاتب روزنامه علمی میرزا طاهر کاتب روزنامه مریخ میرزا عباس استاد طبع فراشان و محصل اخبار دو نفر اردل و فراشان روزنامه چهار

باسمه‌خانه‌های آذربایجان بریاست میرزا عباسخان سرتیپ و تلگراف.

ممالک خارجه

اروپ

دولت آستریه و مجارستان

امپراطور فرانسوا شارل ژزف در سنه ۱۲۴۶ هجری متولد شده
ولیعهد آرشی دوک رودلف فرانسوا شارل ژزف
پای تخت وین صدر اعظم
مذهب دولتی کاتولیک و پرتستانی هم دارد
جمعیت هفتاد و دو کرور

دولت اسپانیا

پادشاه آلفونس دوازدهم سنش بیست و دو سال
وزیر اعظم کانواس دل کاستیلو
مذهب دولتی کاتولیک جمعیت سی و سه کرور و سیصد
و سی و پنجهزار نفر پای تخت مادرید

دول متحده المان

جمعیت کلیه هشتاد و چهار کرور و مذهب دولتی پروتستان
و بعضی هم کاتولیکی هستند

اولاباد

فرمانفرما فردریک کیلیوم لوی سنش پنجاه و سه سال
ولیعهد فردریک کیلیوم لوی لئوپلد اوگوست سنش بیست
و دو سال پای تخت کارل سرو مذهب پرتستان

باویر

شاه لوی دویم اتن فردریک کیلیوم سنش سی و
چهار سال پای تخت مونیک
مذهب کاتولیک

پروس

امپراطور المان و پادشاه پروس فردریک کیلیوم اول
امپراطور المان و پادشاه پروس در سنه ۱۲۱۲ هجری متولد شده
و در سنه ۱۲۸۸ با امپراطوری المان برقرار گردید سنش هشتاد
و دو سال است
ولیعهد فردریک کیلیوم نیکلا شارل سنش چهل و هشت سال
وزیر اعظم پرنس بیزمارک مذهب دولتی پروتستان و
بعضی هم کاتولیک هستند پای تخت برلن

ساکس

شاه البر فردریک اگوستان نوان فردینان ژزف شارل
ماری باپتیست نپوموسن کیلیوم گزاویه ژورژ فیلیپ
سنش پنجاه و یکسال پای تخت درزد
مذهب دولتی پروتستان و قدری هم کاتولیک

ورتمبرغ

شاه شارل اول فردریک الکساندر سنش پنجاه و شش سال
پای تخت استوتکارت مذهب دولتی پروتستان قدری کاتولیک

دولت انگلستان و ایرلند و اسکاتلند

پادشاه ملکه ویکتوریا الکساندرین سنش پنجاه و نه سال
ولیعهد پرنس آلبرت ملقب به پرنس دوگال سنش سی و هشت سال
وزیر اعظم لرد دیزرائلی ملقب به بیکنس فیلد پای تخت لندن
جمعیت تمام این مملکت از انگلیس و ایرلند و اسکاتلند شصت
و هفت کرور و سیصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک متصرفی

انگلیس از هندوستان و غیره و غیره چهارصد و هفتاد
و شش کرور مذهب دولتی پروتستان و مذهب مملکت
ایرلند کاتولیک فرمانفرمای هندوستان لرد لیتون

دولت ایطالیا

پادشاه هومبر اول سنش سی و پنج سال ولیعهد
ویکتور امانوئل پرنس دناپل سنش ده سال وزیر اعظم
مذهب کاتولیک جمعیت پنجاه و چهار کرور
و چهارصد و هشتاد و دو هزار نفر پای تخت رم

دولت بلژیک

پادشاه لئوپلد دوم سنش چهل و چهار سال پای تخت
بروکسل جمعیت ده کرور و سیصد و سی و شش هزار نفر
مذهب دولتی کاتولیک

دولت پرتغال

پادشاه لوی فیلیپ ماری فردیناند پیر سنش چهل و یکسال
ولیعهد شارل فردیناند لوی ماری وزیر اعظم دفنتس
پرادملو پای تخت لیزبن جمعیت در اروپ نه کرور
و یکصد و هفتاد و هفت هزار نفر خارج از اروپ
شش کرور و دویست و هشتاد و یکهزار نفر مذهب کاتولیک

دولت پا کره‌لاند نیز نامند

پادشاه کیلیوم سوم الکساندر پل فردریک لوی سنش
شصت و دو سال ولیعهد کیلیوم نیکلا الکساندر
فردریک شارل هانری سنش سی و نه سال
پای تخت لاهه جمعیت هفت کرور و سیصد و نه هزار
نفر مذهب دولتی پروتستان

دولت دانمارک

پادشاه کریستیان نهم سنش شصت و یکسال
ولیعهد کریستیان فردریک کیلیوم شارل سنش سی
و شش سال وزیر اعظم یعنی رئیس وزرا استروپ
پای تخت کپن هاگ مذهب دولتی پروتستان
جمعیت سه کرور و چهارصد و شش هزار نفر

دولت روس

امپراطور الکساندر نیکلایویچ دوم در سنه ۱۲۳۴
هجری متولد شده سنش شصت و یکسال
ولیعهد الکساندر الکساندرویچ سنش سی و چهار سال
وزیر اعظم پرنس گورچاکف جمعیت
مذهب ارتودکس یونانی و
مذاهب دیگر هم دارد پای تخت سنت پطرزبورغ

دولت عثمانی

سلطان عبدالحمید خان سنش سی و هفت سال
ولیعهد هنوز معین نشده وزیر اول خیرالدین پاشا
پای تخت اسلامبول مذهب دولتی مسلمان سنی
و عیسوی و غیره نیز دارد جمعیت از قرار سنه ماضیه

دولت فرانسه

رئیس جمهوری ژول گروی پای تخت پاریس مذهب
دولتی کاتولیک جمعیت هفتاد و دو کرور و دویست و دو هزار نفر

دولت یونان

پادشاه ژرژ اول سنش سی و چهار سال
ولیعهد قسطنطین پایتخت آتن

جمعیت دو کرور و چهارصد و شصت هزار نفر
مذهب عیسوی یونانیت

آسیا

دولت چین

امپراطور گوانك سو سنش هشت سال وزیر اعظم
شاهزاده کنك پایتخت پکن مذهب ولتی بودا
مذهب هستند مسلمان و غیره هم دارد جمعیت کلیه
هشتصد و شصت و هفت کرور جمعیت رعیت هشتصد
و نه کرور و چهارصد و چهل و شش هزار و صد و چهارده نفر
جمعیتی که زیر حمایت هستند پنجاه و هفت کرور

دولت ژاپن

امپراطور موتس حیت سنش بیست و هفت سال ولیعهد
چکاشی نوشیمی عُمیا وزیر اعظم سانجو پایتخت یدو
مذهب بودا مذهب جمعیت شصت و شش کرور و دویست و ده هزار نفر

دولت سیام

پادشاه
وزیر اول پیا پوفرا پاسود یونگ سی
پایتخت بانگك مذهب بودا مذهب
جمعیت دوازده کرور و سیصد هزار نفر

افریقیه

ایالت تونس که جزو سلطنت عثمانی است
والی محمد صادق پاشا ولیعهد که برادر والی است
سید علی پایتخت تونس جمعیت چهار کرور

دولت حبشستان

امپراطور که نکوس میناملد اسمش ژان پایتخت
گندار جمعیت دوازده کرور

دولت زنگبار

سلطان سید برکش بن سعید پایتخت بندر زانزیبار
جمعیت جزیره زنگبار صد هزار نفر اما تمام رعیت آن مملکت
مشخص نیست

جزیره ماداکاسکار

پادشاه ملکه راناوالو دوم
پایتخت تاناناریو جمعیت پنج کرور

دولت مارق

سلطان ملا حسن پایتخت نان ژه
جمعیت دوازده کرور

ایالت مصر که جزو سلطنت عثمانی است

خدیو اسمعیل پاشا
پایتخت قاهره مذهب اسلام سنی
جمعیت تمام مصر سی و شش کرور

امریکا

ینگی دنیا

ینگی دنیای شمالی

جمهوری اتازونی

رئیس جمهوری حای پایتخت واشینگتون مذهب اغلب
پروتستان و غیره جمعیت هفتاد و هفت کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری مکسیك

رئیس جمهوری اسمش پورفیریو دیاس پایتخت مکزیك
مذهب کاتولیك جمعیت هیجده کرور و دویست و هفتاد و شش هزار

ینگی دنیای مرکزی

جمعیت کل پنج کرور و صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادر

رئیس جمهوری
پایتخت سان سالوادر جمعیت چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهوری گواردیا پایتخت سان ژوزه جمعیت
بیست و پنج هزار نفر

جمهوری گواتمالا

رئیس جمهوری ژوزه روفینو باریس پایتخت گواتمالا
جمعیت صد کرور و دویست هزار نفر مذهب کاتولیك

جمهوری نیکاراگوا

رئیس جمهوری دن پدرو شامرو پایتخت ماناگا

جمهوری هندوراس

رئیس جمهوری مرکو اورلیو سوتو پایتخت کومایاگا

ینگی دنیای جنوبی

جمهوری آرژانتین

رئیس جمهوری نیکلا آولانادا پایتخت بوئنوس آیرس
جمعیت دو کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری اکواتر

رئیس جمهوری این سیو وانتیملا پایتخت کیتو
جمعیت دو کرور و چهل هزار و سیصد و هفتاد و یک نفر

جمهوری اوروگوی

رئیس جمهوری دون لورنزو لاتر پایتخت مونته ویدئو
جمعیت چهار صد هزار نفر

برزیل

امپراطور دوم پدرو دوم پایتخت ریودوژانیرو
جمعیت بیست کرور و صد و هشت هزار نفر

جمهوری بولیوی

رئیس جمهوری دون توماز پاس پایتخت چوکی ساکا
جمعیت چهار کرور

جمهوری پاراگی

رئیس جمهوری اوژنیو اورباریت پایتخت آسمپسیون
جمعیت از قرار سنوات سابقه دو کرور نفر

جمهوری پرو

ریاست جمهوری با موسیو پاردو پایتخت لیما
جمعیت پنج کرور مذهب کاتولیك

جمهوری شیلی

ریاست جمهوری با آنیبال پانتو پایتخت سانتیاگو
جمعیت چهار کرور نفر

جمهوری دول متحده کولمبی

رئیس جمهوری اکیلبو پارا
پای تخت بگ تا
جمعیت کل دول متحده کولمبی دوازده کرور

جمهوری ونزولا

رئیس جمهوری دون لیناریس الکنتارا
پای تخت کاراکاس

جزایر

جزیرهٔ ساندویچ

پادشاه لن کالحاکا (خامس) (پنجم) پای تخت هولولو

جزیرهٔ سن دومنک

رئیس جمهوری کونزالیس
جمعیت چهارده هزار نفر

جزیرهٔ هایتی

رئیس جمهوری هنوز معلوم نیست
پای تخت پرتاپرنس
جمعیت هشتصد هزار نفر

شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۶
نوشته شد

